

هذا کتاب بسم الله الرحمن الرحیم زاد المعاد فی ...

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الآخرة

والاولی و[الصلو]ة علی سید الوری محمد وعترته ائمة الهدی

وبعد میگوید خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عن جرائمهما

ب... اح ارواح ضمایر صافیه برادران ایمانی واخلای

روحانی میگارد که چون مقدس ایزدی تعا[لی] ...

هدایت گم گشتگان بوادی جهالت و ...

وصلوة ودعا وعبادات که اشرف ... سعادت ...

مقرر گردانید واز حضرات رسول ... وائمه هدی ادعیه

واعمال بسیار منقول گردیده ... بیشتر ازانها

واین خادم اخبار ائمه ... اکثر انها را در کتاب بحار

الانوار ایراد نموده ام واکثر خلق را باعث اشتغال با

نوا[فل] اشغال دنیویه وغیرها تحصیل انها و عمل بجمیع انها میسر

نیست خواستم منتخبی از اعمال سال وفضائل ایام ولیالی الشریفه

واعمال انها که باسانید صحیحه و معتبره وارد شده است در





رساله

رساله ایراد نمایم که عامه خلق از برکات آنها محروم نبا
و شاید این بنده عاصی را بدعای مغفرت یاد نمایند
و مسمی گردانیدم بارشاد المعاد عصمنا الله [illegible]
و ایاهم الی سبیل الرشاد و چون اتمام این رساله و
و انجام این عجاله در زمان دولت عدالت پرتو و اوان
سلطنت سعادت آثار اعلی حضرت سید سلاطین زمان
و سرور خواقین دوران شیرازه اوراق ملت و دین نقاوه
احفاد سید المرسلین آب و رنگ گلستان مصطفوی چشم و
چراغ دودمان مرتضوی سلطان جم خدم خاقان [illegible]
[illegible] نژادی که تیغ آبدارش برای سرهای کفار
[illegible] دار بوار و حسام آتش بارش برای خرمن
[illegible] مصدر [illegible] و یرسل علیکما شواظ
من نار [illegible] شان در بستان رفیع
البنیانش با کشتگان [illegible] و خروش صوفیان
صفوف نشان [illegible] خلود دولت ابد توامانش
[illegible] اغصان سدرة المنتهی هم داستان هرکه
تیغ [illegible] نام [illegible] کشید چون بید بر خود بلرزید و
هرکه [illegible] نفاق در بر کشید صورت مرگ خود را
دران دیده از جبین قهرش عقده گشای گرههای

گازبستگان کشادکی کف دریا نوالش سحاب مزارع ملتها
پژمردگان مؤسس قواعد ملت ودین مروج شریعت
ابای طاهرین حیاض ساخت درگاه خلایق پناهش از
تقبیل شفاه سلاطین زمان لبریز وخواقین دوران در
صرح بمرد عزت وجلالش ترزبان بندای قد مسنا الضر
اهلنا العزیزا عنی السلطان الاعظم والخاقان الاعدل
الاکرم ملجاء الاکاسرة وملاذ القیاصرة محیی مراسم
الشریعة الغراء ومشید قواعد الملة البیضاء السلطان
بن السلطان وخاقان بن الخاقان الشاه سلطان الحسین
الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان لازالت رایات
دولت مرفوعه وهامات اعدائه مقموعه مبتر کرده بتحفه
ان بارگاه خلایق امیدگاه کرد امید امید که مقبول طبع اشرف
گردد وان عالیحضرت از فوایدان منتفع گردند بمحمد واله
الطاهرین والله الموفق والمعین وان مشتملست بر چهارده
باب وخاتمه **باب اول** در فضایل واعمال ماه مبارک رجب
است وان مشتمل است بر پنج فصل **فصل اول** در بیان فضایل
اینماه وعبادات انست بدانکه این ماه وماه شعبان وماه
رمضان بهترین ماههای سال اند واز حضرة رسالت
پناه منقولست که هرکه حرمت ماه رجب وشعبان نگاهدارد



ووصل نماید روزهٔ انهارا بروزهٔ ماه مبارک رمضان انها
ههای مبارک در روز قیامت گواهان او باشند نزد حق تع
و در ان روز منادی از افق اعلی ندا کند که ای رجب و شعبان
و ماه رمضان چگونه بوده است عمل این در شماها و طلب
او از برای خدا همه ان ماهها گویند که این بنده توشه گرفت
در ماهها یاری بر طاعت ترا و استمداد فضل و رحمت از تو
نمود و سعی بسیار در طلب خوشنودی تو کرد و تا توانست ایهٔ
در تحصیل محبت تو نمود پس گواهی دهند ملائکه که موکلاند
براین ماهها که ما یافتیم این بنده را مکر طلب کننده طاعت
وخوشنودی تو و امیدوار رحمت و امرزش تو بود و انچه را
نهی کرده بودی ترک کرد و انچه از او طلبیده بودی انها عت
نمود و روزهٔ کامل از برای تو داشت و شکم و فرج و گوش
و چشم و سایر جوارح او از انچه بر او حرام کرده بودی اجتناب
کردند و روزها را با گشنگی بشب رسانید و در شب ها
خود را بتعب انداخت برای بندکی و تضرع و تفقرا و مکن
بسیار داد و احسان بسیار نسبت به بندکان تو نمود و با
اینها مصاحبت نیکو کرد و چون از انها جدا شد وداع
نیکو کرد و بعد از رفتن انها پیرامون محرمات تو نکردید و
نیکو بنده بود این بنده پس حقتعالی فرماید که بریدا این بنده



را بسوی بهشت واستقبال کنند واو را مثل آنکه خدا بتحفهای
دیگر امتها وا او را بر شتران واسبان نور سوار کنند و برند بسوی
نعمتی که هرگز زوال ندارد و خانه که فانی نمی شود و سرائی
که جوانانش پیر نمیشوند و شادی و خوشحالی آن زوال ندارد
و هرگز ایشان را تعب نمی باشد و از عذاب ایمن میگردند و
مشقت حساب از برای ایشان نیست و ایضا از آنحضرت
منقولست که ماه رجب ماه بزرگ خداست و ماهی در
حرمت و فضیلت بان نمیرسد و قتال با کافران در این ماه
حرامست و رجب ماه خداست و شعبان ماه منست
و ماه رمضان ماه امت منست کسی که یک روز از ماه رجب
روزه دارد مستوجب خوشنودی بزرگ خدا گردد و غضب
الهی از او دور گردد و دری از درهای جهنم بر روی
او بسته گردد و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست
که هر که یک روز از ماه رجب روزه بدارد آتش جهنم
یکساله راه از او دور گردد و هر که سه روز از آن روزه
دارد بهشت از برای او واجب گردد و ایضا فرمود که رجب
نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین
تر هر که یک روز از رجب روزه دارد البته از آن نهر
بیاشامد و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که



حضرت

حضرت رسول فرمود که ماه رجب ماه استغفار امت منست
پس بسیار در اینماه طلب امرزش کنند که خدا امرزنده و
مهربانست و رجب را اصب میگویند زیرا که رحمت خدا
در اینماه بر امت من بسیار ریخته میشود پس بسیار بگویند
اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ و بسند معتبر از حضرت صادق
طلب امرزش میکنم از خدا و درمیخواهم آن را و میخواهم توبه را
منقولست که هر که سه روز
از ماه رجب روزه بدارد بهر روز ثواب روزه یکساله برای
او بنویسند و هر که هفت روز از ان روزه بدارد هفت
در جهنم بر روی او بسته گردد و هر که هشت روز از ان
روزه بدارد هشت در بهشت بر روی او گشوده گردد
و هر که پانزده روز از ان روزه بدارد خدا ورا حساب
اسان کند و هر که جمیع ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی
خوشنودی خود را برای او بنویسد و هر که خدا خو
شنودی خود را برای او بنویسد هرگز او را عذاب
نکند و ابن بابویه به سند معتبر از سالم روایت کرده
است که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق در اواخر ماه
رجب که چند روز از ان ماه مانده بود چون نظر مبارک
انحضرت بر من افتاد پرسید که ایا روزه گرفته در اینماه
گفتم نه والله ایفرزند رسول خدا فرمود که انقدر ثواب



از تو فوت شده است که قدر آن بغیر از خدا کسی نمیداند
بدرستی که اینماه هیست که خدا آنرا بر ماههای دیگر فضیلة
داده است و حرمت آن عظیم گردانیده است و برای روزه
داشتن آن گرامی داشتن را بر خود واجب گردانیده است
پس گفتم یا بن رسول الله اگر در باقی مانده این ماه روزه بدارم
آیا بعضی از ثواب روزه داران فایز میگردم فرمود که ای
سالم هر که یک روز از آخر اینماه را روزه بدارد خدا اورا
ایمن گرداند از شدت سکرات موت و از هول بعد از مرگ
و از عذاب قبر و هر که دو روز از آخر اینماه روزه بدارد ایمن
گرداند از ترس بزرگ روز قیامت و از شدتها و هولهای آن روز
و برات بیزاری از آتش جهنم را با و عطا کند و ایضا از
حضرت امیر المؤمنین روایت کرده است که هر که یک روز
از اول ماه رجب یا از وسط یا از آخر آن روزه بدارد گناهان
گذشته اش آمرزیده شود و هر که سه روز از اول یا میان
یا آخر ماه رجب روزه بدارد گناهان گذشته و آینده اش
آمرزیده گردد و هر که یکشب از اینماه را احیا کند حق تعالی
اورا از آتش جهنم آزاد گرداند و قبول کند شفاعت اورا
در هفتاد مرد گناهکار و هر که در اینماه تصدقی از برای
خدا بکند خداوند غفار در بهشت نعمتی چند با و عطا

که چشم



که چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور
نکرده باشد و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده
است که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش ندا
کند که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور رویهای ایشان
جمیع محشر را روشن گرداند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد
که مکلل باشد تاج ایشان بمروارید و یاقوت و با هر یک
از ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب راست و هزار
ملک از جانب چپ و همه او را کنند که گوارا باد ترا کرامتهای
حق تعالی ای بندهٔ خدا پس خداوند رحمن ندا کند بشارت باد
ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خودم سوگند یاد می
کنم که شما را در مأوای نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را
بزرگ گردانم و عطا کنم بشما از بهشت غرفها که نهرها در زیر
آنها جاری باشد و همیشه در آن غرفها باشید و نیکو مزد نیست
مزد کارگذاران از برای من بی آنکه بر شما واجب گردانم روزه
داشتید از برای من در ماهی که حرمت آنرا عظیم گردانیده
بودم و حق او را واجب ساخته بودم ای ملائکهٔ من بندگان و
کنیزان مرا داخل بهشت گردانید پس حضرت فرمود که این همه
ثوابها برای کیست که چیزی از ماه مبارک رجب را روزه دارد
اگرچه یکروز باشد از اولش یا میانش و بسند معتبر از حضرت



امام رضا روایت کرده است که روز اول ماه رجب را روزه
بدارد حق تعالی در قیامت از او خوشنود شود وهرکه دو روز را
روزه بدارد حق تعالی بغایت از او خوشنود و راضی شود و او را
خوشنود گرداند وهرکه سه روز از او روزه دارد خداوند
کریم از او راضی گردد و خصمان او را از او راضی گرداند در
قیامت وهرکه هفت روز از او روزه بدارد چون بمیرد
درهای هفت اسمان برای روح او گشوده شود تا بملکوت
اعلی برسد وهرکه هشت روز از او روزه بدارد هشت
در بهشت بر روی او گشوده شود وهرکه پانزده روز از ماه
روزه بدارد هر حاجت که از حق تعالی بطلبد بر اورد مگر
انکه سؤال او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد
وهرکه تمام ماه را روزه بدارد از گناهان بیرون اید مانند
روزی که از مادر متولد شده باشد و از اتش جهنم ازاد
گردد و داخل بهشت گردد با برگزیدگان و نیکوکاران
و احادیث در این باب بسیار است و این رساله گنجایش
ذکر انها ندارد **فصل دویم** در بیان اعمالیست که کسی که
از روزه عاجز باشد یا بر او دشوار باشد بعوض ان بعمل
اورد در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که یک
روزه مستحبست یک درهم تصدق کند که موافق زرهای

اینزمان



زرهای اینزمان ها تقریبا هفتاد دینار بوده باشد و قربی
دیگر عوض روزه یک مد از گندم یا جو وارد شده است
و احوط در مد صد درم شاهست و ظاهرا که صد درم
کهنه کافی بوده باشد و در روایتی در خصوص روزه ماه
مبارک رجب یک گرده نان نیز وارد شده است اگر قادر
بر روزه نباشد و حمل کرده اند بر کسی که پریشان باشد و قادر
بر درهم و مد نباشد و ایضا در خصوص روزه ماه رجب
از حضرت رسول صلعم وارد شده است که بعوض روزه اگر
قادر بران نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند
تا ثواب روزه سبحان الاله الجلیل سبحان من لا
تا بیابد — پاک است خدای بزرگوار پاک است آنکه سزاوار نیست
ینبغی التسبیح الا له سبحان الاعز الاکرم سبحان من
تنزیه مگر برای او پاک است آنکه غالب تر است پاک است آنکه
لبس العز و هو له اهل و در روایات معتبره وارد شده است
پوشید جامه بزرگی را و حال آنکه او برای پوشیدن آن سزاوار است
که هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد
شود و قصد روزه سنت کرده باشد و او طعامی حاضر
سازد و اورا تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از
ثواب روزه داشتن است هفتاد برابر و اگر اظهار نکند
که روزه ام ثوابش بیشتر است و برابر یکساله روزه



است وزن را روزهٔ سنت داشتن بی رخصت شوهر
و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت
پدر و مادر و مهمان را بی رخصت میزبان و میزبان را بی رخصت
مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور
میان علما آنست که روزهٔ سنت مملوک بدون اذن
مالک باطلست و همچنین روزهٔ سنت زن بی رخصت
شوهر صحیح نیست و در پدر و مادر مشهور آنست که روزهٔ
سنت فرزند بدون اذن ایشان مکروه است و باطل
نیست و بعضی گفته که بی رخصت پدر باطل است
و احوط آنست که بدون اذن پدر و مادر روزه سنت
ندارد و در روزهٔ سنت مهمان بدون رخصت مهماندار
نیز خلافست و احوط آنست که مهمان و مهماندار هیچ
یک بی رخصت دیگری روزه مستحب ندارند اگرچه
اظهر آنست که مکروه هست **فصل سیم** در بیان اعمال ماه رجب
و روزه اش بسند معتبر منقولست که حضرت امام
زین العابدین ع در روز اول ماه رجب این دعا را خواندند
و علما ذکر کرده اند که در هر یا من یملک حوائج السائلین
روز سنت است خواندن
ای آنکه مالک است حاجتهای او خواهندگان را
ویعلم ضمیر الصامتین لکل مسئلة منک سمع حاضر
و میداند [illegible] هر سؤالی را از تو [illegible] حاضر



وجواب

وجواب عتيدا اللهم ومواعيدك الصادقة واياديك

وجوابست حيا بار خدايا وعدهاى تو راست ولعمتهاى تو

الفاضلة ورحمتك الواسعة فاسئلك ان تصلي على

بزرگ ورحمت تو فراگيرنده است پس درخواهم از تو اينكه رحمت فرستى بر

محمد وآل محمد وان تقضي حوائجي الدنيا والآخرة انك

محمد وآل محمد واينكه برآورى حاجتهاى مرا بجهت دنيا وآخرت بدرستى كه تو

على كل شيء قدير وبسند معتبر منقولست كه حضرت

بر همه چيز توانائى صادق هر روز ماه رجب اين دعا ميخواندند

خاب الوافدون على غيرك وخسر المتعرضون الا لك وضاع

نااميد شدند واردشدگان بر غير تو وزيان كردند خواهش آيندگان مگر تورا وناچيز شدند

الملمون الا بك واجدب المنتجعون الا من انتجع فضلك

فرود آيندگان مگر بتو وقحط يافتند طالبان معروف مگر آنكه طلب نمود معروف ترا

بابك مفتوح للراغبين وخيرك مبذول للطالبين

درگاه تو گشوده است براى خواهشمندان وخير تو بخشنده شده براى طلب كنندگان

وفضلك مباح للسائلين ونيلك متاح للآملين

واحسان تو حلال كرده براى درخواهندگان وعطاى تو مقدر شده براى آرزومندان

ورزقك مبسوط لمن عصاك وحلمك معترض لمن

وروزى تو پهن كرده براى آنكه نافرمانى ورزد تورا وبردبارى تو فراپيش آينده است

ناواك عادتك الاحسان الى المسيئين وسبيلك

هر كسى را كه دشمنى كند با تو عادت وطور تو نيكوئى است بسوى بدكاران وطريقه



الابقاء على المعتدين اللهم فاهدني هدى المهتدين

مدارا در حم کردن است بر تجاوز کنندگان خداوندا پس هدایت کن مرا بمانند هدایت راه یافتگان

وارزقني اجتهاد المجتهدين ولا تجعلني من الغافلين

وروزی کن مرا کوشش کوشش نمایندگان و مگردان مرا از بی خبران

المبعدين واغفر لي يوم الدين وايضا بسند معتبر

دور شدگان و بیامرز مرا در روز جزا

منقولست که محمد ابن
ذکوان بخدمت حضرت صادق عرض کرد که فدای
تو شوم این ماه رجبست مرا دعائی تعلیم نما که خدای تعالی
مرا بآن دعا نفع بخشد حضرت فرمود که در هر روز
از ماه رجب در صبح و پیشین و بعد از همه نمازها در شب
و روز این دعا را بخوان یا من ارجوه لکل خیر وامن سخطه عند

ای انکه امید دارم او را برای هر نیکی و ایمنی یابم از غضب او نزد

كل شر يا من يعطي الكثير بالقليل يا من يعطي من لم

هر بدی ای انکه عطا میکند جزای بسیار در مقابل عمل اندک ای انکه عطا میکند کسی را

يسأله ومن لم يعرفه تحننا منه ورحمة اعطني

که سؤال کند از او ای انکه عطا میکند انکس را که سؤال نکند از او و انکه نشناسد او را بجهت مهربانی و رحمت بده

بمسئلتي اياك جميع خير الدنيا وجميع خير الآخرة

بسبب سؤال کردنم از تو همه خیر دنیا و همه خیر آخرت

واصرف عني بمسئلتي اياك جميع شر الدنيا وشر

و بگردان از من بسبب سؤال کردنم از تو همه شر دنیا و بدی

من سأله ومن

الآخرة

الآخرة فانّه غير منقوصٍ ما اعطيت وزدني من فضلك

آخرت را زيرا كه بخشش كم نميگردد آنچه تو عطا فرمائي و زياده كن از براي من احسان خود را

يا كريم پس حضرت ريش مبارك خود را بدست چپ گرفتند

اي بزرگوار وانگشت سبّابه دست راست خود را بجانب راست

وچپ حركت ميدادند واين دعا را خواندند ودست بر

تا ازاب دهن اش محاسن يا ذا الجلال والاكرام يا ذا النّعماء

مبارکش تر شد اي خداوند بزرگواري و گرامي داشتن اي خداوند نعمت

والجود يا ذا المنّ والطّول حرّم شيبتي على النّار وشيخ طوسي

و بخشش اي خداوند عطا و احسان حرام گردان پيري مرا بر آتش بسند معتبر

روايت كرده است كه حضرت صادق بمعلّى ابن خنيس گفت

كه در ماه رجب اين دعا را بخوان اللّهمّ انّي اسئلك صبر

خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم از تو صبر

الشّاكرين لك وعمل الخائفين منك ويقين العابدين لك

شكر گذاران تورا و كردار ترسندگان از تو را و يقين پرستندگان تورا

اللّهمّ انت العليّ العظيم وانا عبدك البائس الفقير

خداوندا توئي بلند مرتبه بزرگ مقدار و من بنده بد حال محتاج توام

وانت الغنيّ الحميد وانا العبد الذّليل اللّهمّ صلّ

و توئي بي نياز ستوده و من بنده ذليل خوار بار خدايا رحمت بفرست

على محمّد وآل محمّد وامنن بغناك على فقري وبحلمك على

بر محمّد و آل محمّد و بخشش فرما بي نيازي خود را بر تنگدستي من و ...



بِفَقْرِی وَبِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِی وَبِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِی یَا قَوِیُّ

در بود باری حق بر نادانی من وبتوانائی حق بر ناتوانی من ای توانا

یَا عَزِیزُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَوْصِیَاءِ الْمَرْضِیِّینَ

ای غالب خدایا رحمت فرست بر محمد و آل وصیهای پسندیدگان

وَاكْفِنِی مَا اَهَمَّنِی مِنْ اَمْرِ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

دفع کن از من آنچه را که غمگین سازد مرا از امر دنیا و آخرت ای بخشنده ترین بخشایندگان

واز روایت سید بن طاوس ره ظاهر میشود که این دعا جامع ترین دعاها است ودر همه اوقات میتوان خواند وشیخ طوسی وسید ودیگران بسندهای معتبر از حضرت صاحب الامر ع روایت کرده اند که سنت است که در هر روز از روزهای ماه مبارک رجب این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ

خدایا بدرستی که من سؤال میکنم از تو

بِالْمَوْلُودَیْنِ فِی رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الثَّانِی وَابْنِهِ عَلِیِّ بْنِ

بحق دو فرزند متولد شده در ماه رجب محمد بن علی دوم و پسر او علی بن

مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ وَاَتَقَرَّبُ بِهِمَا اِلَیْكَ خَیْرَ الْقُرَبِ یَا مَنْ اِلَیْهِ

محمد برگزیده باشند ونزدیکی میجویم بسبب این دو بسوی تو بهترین نزدیکی ای آنکه بسوی او

الْمَعْرُوفُ طُلِبَ وَفِیمَا لَدَیْهِ رُغِبَ اَسْئَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ

احسان طلب کرده میشود وآنچه نزد اوست رغبت کرده میشود سؤال میکنم ترا مانند سؤال

مُذْنِبٍ قَدْ اَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَاَوْثَقَتْهُ عُیُوبُهُ فَطَالَ عَلَى

گناه کننده گناهکار که هلاک کرده باشد او را گناهان او وبسته باشد او را عیبهای او پس دراز شد بر او

الخطایا



علی الخطایا ذنوبه ومن لم یزل بالخطوبه نسئلک التوبة

برگناهان کوشش او وازمصیبت امور عظیمه او که درخواهد از تو توبه

وحسن الاوبة والنزوع عن الحوبة ومن النار فکاک رقبته

و نیکوئی رجوع را و باز ایستادن از گناهان او را و از آتش آزادی گردن خود

والعفو عما فی ربقته فانت مولای اعظم امله وثقته

و درگذشتن را از آنچه دارد در ربقه خود پس تو ای آقای من بزرگترین آرزوی او و اعتماد او

اللهم واسئلک بمسائلک الشریفة ووسائلک

خداوندا سؤال میکنم تو را بسؤالهای شریفه تو و بوسیلهای

المنیفة ان تتغمدنی فی هذا الشهر برحمة منک واسعة

رفعت تو ای آنکه بپوشانی مرا در این ماه برحمتی از خود فراگیرنده

ونعمة وازعة ونفس بما رزقتها قانعة الی نزول الحافرة

و نعمتی بازدارنده و نفسی که بآنچه باشد آنچه روزی کرده تو او را قانع خشنود تا فرود آمدن در قبر

ومحل الآخرة وما هی الیه صائرة وازحضرت رسول

در رسیدن آخرت و آنچه نفس بسوی آن گردنده است منقولست که در

جمیع ماه رجب هر بامداد و پسین استغفر الله واتوب الیه

هفتاد مرتبه بگوید طلب آمرزش میکنم از خدا و رجوع میکنم بسوی او

پس دستهارا بسوی آسمان اللهم اغفر لی وتب علی

بردارد و بگوید بار خدایا بیامرز مرا و بپذیر توبه مرا

واین استغفار در جمیع سال سنتست وهزار مرتبه



سوره قل هو الله احد در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار دارد
وارد شده است اگر خواهد در یک روز بخواند و اگر خواهد
در هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده
باشد و ایضاً منقولست که هر کس هزار مرتبه لا اله الا الله
در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و حق تعالی
شهری در بهشت برای او بنا کند و در هر شب از شبهای
ماه رجب هزار مرتبه لا اله الا الله وارد شده است صد
مرتبه این استغفار نیز منقولست و در جمیع ماه اگر چهار
صد مرتبه بخواند استغفر الله الذی لا اله الا هو وحده
فضیلت بسیار دارد طلب آمرزش میکنم خدای را که نیست سزاوار پرستش مگر او در حالتی [illegible]
لا شریک له و اتوب الیه و از حضرت امیر المؤمنین ص منقولست
که حضرت رسول ص فرمود که هر که
نیست انبازی برای او و رجوع میکنم بسوی او
شب یا روز ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه سوره
حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و سه مرتبه
بگو سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا
بد پاک است خدا و سپاس مر خدای راست و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است [illegible]
حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و سه مرتبه اللهم صل
و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بخواست خدای بلند قدر بزرگ [illegible] بگوید
[illegible]

علی محمد



عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وسه مرتبه اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

بر محمد و آل محمد بگوید خداوندا بیامرز همه آن گروندهٔ و زنان گرونده

وچهار صد اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ بگوید گناهانش را

مرتبه طلب آمرزش میکنم خدا را و رجوع بسوی او خدا بیامرزد و اگر

چه بعدد قطرهای باران وبرگ درختان وکف دریاها

باشد ودر روز عید حق تعالی او را ندا کند که براستی تو

دوست مائی وبهر حرف تورا شفاعتی میدهم در برادران و

خواهران مؤمن تو وحضرت فرمود که اگر در عمری یکبار این را

بعمل آورد حقتعالی بهر حرف هفتاد هزار حسنه باو عطا

کند که هر حسنه از جمیع کوههای دنیا سنگین تر باشد

وهفتصد حاجت او را در قبر وهفتصد حاجت او را در وقت

بیرون آمدن از قبر ومثل آن در وقت پرواز کردن نامهای

اعمال ونزد سنجیدن اعمال در میزان ونزد صراط براورد و

او را در سایهٔ عرش خود جای دهد وحساب کند او را حساب

آسان وهفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند تا داخل

بهشت شود وباو عطا کند چیزی که چشمی ندیده باشد وگوشی نشنیده

باشد فصل چهارم در بیان فضایل واعمال شب وروز اول ماه

تا روز پانزدهم در شب اول ماه غسل سنتست ومنقولست

که هر که در شب اول ماه رجب وشب پانزدهم وشب



اخر ماه غسل کند از کناهان بیرون اید مانند روزی که از
مادر متولد شده ودر وقت دیدن ماه دعای صحیفه
کامله را بخواند که بهترین دعاها است و هفت مرتبه
سورهٔ حمد را بخواند تا از درد چشم ایمن کردد ودر هر ماهی از
سنت است و منقولست که چون اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنا
ماه رجب را ببینید بکوئید خداوندا طالع کردان این ماه را بر ما
بِالْاَمْنِ وَالْاِیمانِ وَالسَّلامَةِ وَالْاِسْلامِ رَبِّی وَرَبُّکَ اللهُ
با ایمنی وایمان وسلامتی واسلام پروردگار من وپروردگار تو خداست
عَزَّ وَجَلَّ ودر شب اول وروز اول زیارة حضرة امام حسین
غالب وبزرگوار
فضیلت بسیار دارد ودر حدیث معتبر وارد شده است
که هر که در اول رجب انحضرت را زیارت کند بهشت او را
واجب شود البته واحیای شب اول سنت است واز
حضرت صادق ع منقولست که تا توانی محافظت نما
بر احیای شب عید ماه رمضان وشب عید قربان وشب
اول محرم وشب عاشورا وشب اول رجب وشب نیمهٔ
شعبان ودر این دعا ونماز وتلاوت قران بسیار بکن وبسند
معتبر از حضرة امام محمد باقر منقولست که در شب اول
رجب بعد از نماز اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَنَّکَ مَلیکٌ
عشا این دعا را بخوان خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بسبب انکه تو صاحب پادشاهی و ملکی

وانک



وَاَنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرٌ وَاَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُنْ اَللّٰهُمَّ

بتحقیق تو بر همه چیز توانائی و بتحقیق تو آنچه خواهی آن را امر میشود خداوندا بدرستی

اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

که من رو آورده ام بسوی تو بوسیله پیغمبر تو پیغمبر رحمت رحمتهای تو بر او و بر آل او باد

وَآلِهِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَى اللّٰهِ رَبِّي وَرَبِّكَ

ای محمد ای فرستاده خدا بدرستی که من رو آورده ام بسوی خدا پروردگار من و پروردگار تو

لِيُنْجِحَ بِكَ طَلِبَتِي اَللّٰهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَبِالْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ

تا اگر برآورده حاجت مرا بار خدایا بحرمت پیغمبر خود محمد و بحرمت پیشوایان از خاندان او

بَيْتِهِ اَنْجِحْ طَلِبَتِي پس حاجت خود را طلب نماید و بیست رکعت

او برآور حاجت مرا نماز بیرون وارد شده است هر دو رکعت

بیک سلام و در هر رکعت حمد و یک سوره قل هو الله احد
بخواند تا از بلاهای دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد و شیخ
و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند که حضرت امام
موسی در شب اول ماه رجب بعد از آنکه از نماز شب
فارغ میشد این دعا را لَكَ الْمَحْمَدَةُ اِنْ اَطَعْتُكَ
در سجده می خواندند

مر تراست ستودن اگر فرمان برداری کنم ترا

وَلَكَ الْحُجَّةُ اِنْ عَصَيْتُكَ لَا صُنْعَ لِي وَلَا لِغَيْرِي فِي

و مر تراست حجت اگر نافرمانی کنم ترا نیست کرداری مرا و نه غیر مرا در

اِحْسَانٍ اِلَّا بِكَ يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مُكَوِّنَ كُلِّ

نیکوئی مگر بتوفیق تو ای موجود پیش از همه چیز و ای بوجود آورنده هر



شَيءٍ إنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ إنِّي أعُوذُ بِكَ مِنَ الذِّلَّةِ
چیز بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از ذلت

عِنْدَ الْمَوْتِ وَمِنْ شَرِّ الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُورِ وَمِنَ النَّدَامَةِ
نفس کندن و از بدی بازگشت در قبرها و از پشیمانی

يَوْمَ الْآزِفَةِ فَأسْألُكَ أنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأنْ تَجْعَلَ
در روز رستخیز پس درمیخواهم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او و اینکه بگردانی

عَيْشِي عِيشَةً نَقِيَّةً وَمِيتَتِي مِيتَةً سَوِيَّةً وَمُنْقَلَبِي
زندگانی مرا زندگانی پاکیزه و مردن مرا مردن درست هموار و بازگشت مرا بازگشت

مُنْقَلَباً كَرِيماً غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
گرامی و نباشد خوار سازنده رسوا سازنده خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او

الْأئِمَّةِ يَنَابِيعِ الْحِكْمَةِ وَأُولِي النِّعْمَةِ وَمَعَادِنِ الْعِصْمَةِ
که پیشوایانند چشمه های دانش و صاحبان نعمت و معدنهای عصمت اند

وَاعْصِمْنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلَا تَأْخُذْنِي عَلَى غِرَّةٍ وَلَا
و نگاه دار مرا بسبب ایشان از هر بدی و فرامگیر مرا بر فریفتگی و نه بر

عَلَى غِرَّةٍ وَلَا عَلَى غَفْلَةٍ وَلَا تَجْعَلْ عَوَاقِبَ أعْمَالِي حَسْرَةً وَارْضَ
بر غفلت و مگردان آخرهای کارهای مرا افسوس و خشنود شو

عَنِّي فَإنَّ مَغْفِرَتَكَ لِلظَّالِمِينَ وَأنَا مِنَ الظَّالِمِينَ اَللّٰهُمَّ
باش از من زیرا که بتحقیق آمرزش تو برای ستمکاران است و من از ستمکارانم خداوندا

اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ وَأعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ فَإنَّكَ
بیامرز برای من آنچه را که ضرر نمیرساند ترا و عطا کن مرا آنچه کم نمیکند ترا بدرستیکه تو



الوسیع

الْوَسِيعِ رَحْمَتُهُ الْبَدِيعِ حِكْمَتُهُ وَاَعْطِنِي السَّعَةَ وَالدَّعَةَ
که توئی فراگیرنده است رحمت او بی نظیر است دانش او و ببخش مرا گشادگی و کم و راحت

وَالْاَمْنَ وَالصِّحَّةَ وَالْبُخُوعَ وَالْقُنُوعَ وَالشُّكْرَ وَالْمُعَافَاةَ
و ایمنی و صحت و فروتنی و قناعت و سپاس گذاری و عافیت

وَالتَّقْوَى وَالصَّبْرَ وَالصِّدْقَ عَلَيْكَ وَعَلَى اَوْلِيَائِكَ
و پرهیزکاری و شکیبائی و راست گوئی و بر دوستان تو

وَالْيُسْرَ وَالشُّكْرَ وَاعْمُمْ بِذَلِكَ يَا رَبِّ اَهْلِي وَوَلَدِي
و توانگری و شکر گذاری و فراگیر بآن عطا ای پروردگار من اهل مرا و فرزندان مرا

وَاِخْوَانِي فِيكَ وَمَنْ اَحْبَبْتُ وَاَحَبَّنِي وَوَلَدْتُ وَوَ
و برادران مرا در راه تو و آن را که دوست دارم من و آنکه دوست دارد مرا و آن را

لَدَنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
که زاینده ام و آنکه زائیده مرا از مردان مسلم و زنان مسلمه و همچنان گرونده و زنان گرونده

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَايضاً بسند معتبر منقولست که حضرت
ای پروردگار جهانیان

است که بعد از سلام گفتن از نماز
وتر چنانکه نوشته است اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ
این دعا را بخواند
سپاس مر خدای را که بپایان نمیرسد خزانهای او

وَلَا يَخَافُ اٰمِنُهُ رَبِّ اِنْ اِرْتَكَبْتُ الْمَعَاصِيَ فَذٰلِكَ ثِقَةٌ
و نمیترسد امان یافته او پروردگار من که اگر مرتکب شوم گناهان را پس آن بجهة اعتماد

بِكَرَمِكَ اِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَتَعْفُو عَنْ
بکرم تو است بدرستیکه تو می پذیری توبه را از بندگان خود و در میگذری از



عن سیئاتهم وتغفر الزلل فانک مجیب لداعیک ومنه

از بدیهای ایشان و می آمرزی لغزش را و به درستی که تو اجابت کننده مر خواننده خودی و از او

قریب فانا تائب الیک من الخطایا وراغب الیک فی توفیر

نزدیکی پس من رجوع میکنم بسوی تو از گناهان و رغبت نموده ام بسوی تو در وافر گردانیدن

حظی من العطایا یا خالق البرایا یا منقذی من کل شدیدة

بهره من از بخششها ای به وجود آورنده خلایق ای رهاننده من از هر سختی

یا مجیری من کل محذور وفر علی السرور واکفنی شر

ای پناه دهنده من از هر ترسیده شده تمام گردان بر من شادیها را و دفع کن از من بدی

عواقب الامور فانک الله علی نعمائک وجزیل عطائک

عاقبت های کارها را زیرا که بتحقیق تو خدائی بر نعمت خود و عطای وافر خود

مشکور ولکل خیر مذخور وایضا از حضرت امام علی نقی

شکر کرده شده و برای هر نیکی ذخیره کرده شده

منقولست که بعد از نماز

وتر این دعا را یا نور النور یا مدبر الامور یا مجری البحور

نیز بخوانند

ای نور همه نورها ای تدبیر کننده در کارها ای روان سازنده دریاها

یا باعث من فی القبور یا کهفی حین تعیینی المذاهب و

ای برانگیزنده هر کسی که باشد در قبرها ای پناه من هنگامی که درمانده سازد مرا راهها و

کنزی حین تعجزنی المکاسب ومونسی حین تجفونی الاباعد

گنج من هنگامی که عاجز کند مرا کسبها و انیس من هنگامی که ستم کنند مرا دوران

وتملنی الاقارب ومنزهی بمجالسة اولیائه ومرافقة

ملول سازند مرا نزدیکان و ای نزهت بخشنده من به همنشینی [illegible] یاران



اجابه

احبائه فی ریاضه وساقی بمؤانسته من نمیر حیاضه ورافع

دوستان خود را در بستانهای خود واب دهنده من بسبب انس داشتن خود از اب گوارای حوضهای خود

بمجاورته من ورطة الذنوب الی ربوة التقریب ومبدل

وای بلند کننده من بهمسایگی خود از گرداب گناهان بسوی پشته بلند مقرب گردانیدن وای بدل

بولایته عزة العطایا من ذلة الخطایا اسئلك یا مولای

برای کسی که بدوستی خود ارجمندی بخششها را از خواری گناهان سؤال میکنم از تو ای آقای من

بالفجر واللیالی العشر والشفع والوتر واللیل اذا

بحرمت صبح وشبهای ده گانه وبحرمت شفع و وتر و شب

یسر وبما جری به قلم الاقلام بغیر کف ولا ابهام وباسمائك

برود پایان رسد وبحرمت انچه روان شد بان قلم همه قلمها بی اعانت کف دست و انگشت

العظام وبحججك علی جمیع الانام علیهم منك افضل

بزرگ وبحرمت حجتهای تو بر جمیع ادمیان بر ایشان باد از تو بهترین

السلام وبما استحفظتهم من اسمائك الکرام ان تصلی

درود وبحرمت انچه امر بحفظ ایشان نمودی آن را که آن نامهای گرامی تو است اینکه رحمت بکنی

علیهم وترحمنا فی شهرنا هذا وما بعده من الشهور و

برایشان و رحم کنی بر ما در ماه ما این ماه وانچه پس از آن است از ماهها و

الایام وان تبلغنا شهر الصیام فی عامنا هذا وفی

روزها واینکه برسانی ما را بماه روزه در سال ما این سال و در

کل عام یا ذا الجلال والاکرام والمنن الجسام وعلی محمد

هر سال ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و نعمتهای بزرگ و بر محمد



وآله منّا افضل السلام واعمال وادعیه اینشب بسیاراست
در آن اوقات از نماز بهترین دعاها وروزهٔ در روز اوّل فضیلت
بسیار دارد وازحضرت امام محمّد باقر ع منقولست که در روز
اوّل ماه رجب حضرت نوح ع بکشتی سوار شد وامر کرد جمیع انس
وجنّ را که با او در کشتی بودند که روزه بدارند وهرکه اینروز
روزه بدارد آتش جهنّم یک ساله راه ازاو دور گردد وازحضرت
امام رضا ع منقولست که هرکه روزه بدارد روز اوّل ماه رجب
را ازبرای رغبت در ثواب خدا بهشت اورا واجب شود و
هرکه یک روز از وسط اینماه روزه بدارد حق تعالی شفاعت
اورا قبول نماید در مانند ربیعه ومضر که دو قبیله عظیم اند
ازقبایل عرب وهرکه یکی از آخر این ماه روزه بدارد حق تعالی
اورا از پادشاهان بهشت گرداند قبول کند شفاعت اورا
در پدر و مادر و دختر و پسر و برادر و خواهر و عمو و عمّه و خالو
وخاله وجمیع همسایگان و آشنایان وهرچند مستوجب
جهنّم شده باشند وشیخ طوسی ودیگران ازسلمان فارسی
روایت کرده اند که گفت در آخر روز جمادی الثانی رفتم
بخدمت حضرت رسالت پناه صلعم حضرت فرمود که ای سلمان تو از
ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد مؤمنی یا زن مؤمنه که در
ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یک مرتبه

سوره



سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله احد و سه مرتبه
سوره قل یا ایها الکافرون بخواند البته حقتعالی محو کند
از نامه اعمال او هر گناهی که در کودکی و بزرگی کرده باشد
و خدا عطا کند باو ثواب کسیرا که تمام آن ماه را روزه
گرفته باشد و تا سال آینده حقتعالی اورا از نماز گذار
ندگان نویسند و در هر روز از آن ماه ثواب شهیدی از
شهیدان جنگ بدر برای او باسمان ببرند و هر روزی که
در آن ماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامه عمل او
بنویسند و هزار درجه در بهشت از برای او بلند کنند
و اگر تمام ماه را روزه بدارد حقتعالی اورا از آتش جهنم
نجات بدهد و بهشت را برای او واجب گرداند ای سلمان
جبرئیل این ماه را برای من آورد و گفت یا محمد این علامتی
میان شما و منافقان است زیرا که منافقان این نماز را نمی
کنند گفتم یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه
وقت بجا آورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده رکعت
نماز بجای میاوری هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله احد و
سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و بعد از
هر سلام دست بسوی آسمان بلند کن و بگو لا اله الا

نیست سزاوار پرستش مگر



اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ

خدا در حالتی که یگانه است نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی مر او راست ستایش زنده میسازد و میمیراند

وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللّهُمَّ

و او زنده است که نمیمیرد بدست اوست هر نیکی و او بر هر چیز تواناست خداوندا نیست

لا مانِعَ لِما أَعْطَيْتَ وَلا مُعْطِيَ لِما مَنَعْتَ وَلا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ

باز دارنده مر آنچه را که بخشش کنی تو و نه بخشنده مر آنچه را که باز داری تو و سود نبخشد خداوند

مِنْكَ الْجَدُّ پس دستها را بر روی خود میکشی و در روز وسط

زر تو بخت او

ماه یعنی پانزدهم ده رکعت بهمان نحو بجا می‌آوری

و بعد از هر سلام دستها را لا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا

بسوی آسمان بر میداری و بگو

نیست سزاوار پرستش مگر خدا در حالی که یگانه است

شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ

شریکی برای او مر او راست پادشاهی مر او راست ستایش زنده میسازد و میمیراند و او

حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إِلهاً

زنده است که نمیمیرد و بدست اوست بهتری هر چیزی قادر و تواناست یگانه

واحِداً أَحَداً فَرْداً صَمَداً لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً

خدای را بی مانند یگانه و یکتا پناه محتاجان است که فرا نگرفته هیچ زنی و نه فرزندی

پس دستها را بر روی خود میکشی و در روز آخر ماه

یازده رکعت نماز بهمان نحو میکنی و لا اِلهَ اِلَّا اللهُ

بعد از سلام دست بر میداری و بگو

نیست سزاوار پرستش مگر خدا

وحده

وحده لا شریك له له الملك وله الحمد یحیی ویمیت وهو

حال آنکه یگانه است نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی مر او راست سپاس زنده میسازد و میمیراند

حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر وصلی الله

زنده ایست که نمیمیرد و بدست اوست هر نیکی و او بر هر چیز تواناست و رحمت فرستد خدا

علی محمد وآله الطاهرین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی

بر محمد و آل پاکان او و نیست قدرتی و نه توانائی مگر توفیق

العظیم پس دستها را بر روی بمال و حاجت خود را بطلب
بزرگ مرتبه
که البته بر آورده است و حقتعالی میان تو و جهنم
هفت خندق قرار میدهد که عرض هر خندق بقدر ما بین زمین
و آسمان بوده باشد و بعدد هر رکعتی ثواب هزار هزار رکعت
در نامه اعمال تو مینویسند و برات بیزاری از جهنم و گذشتن بر
صراط برای تو مینویسند و منقولست که هر که در روز جمعه
ماه رجب صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حقتعالی
در قیامت باو نوری عطا کند که بآن نور داخل بهشت گردد و
در حدیث معتبر وارد شده است که حضرت امام محمد باقر در روز
جمعه اول ماه رجب متولد شده و موجب زیادتی شرف این
روز گردیده و در روایتی وارد شده است که ولادت حضرت
امام علی نقی در روز دویم ماه رجب شده و بروایت دیگر در
روز سیم ماه رجب واقع شده و بروایت ابرهیم بن هاشم وفات



انحضرة در روز سیم واقع شده و ابن عباس گفته است که و
لادة انحضرة در پنجم این ماه واقع شده است و ولادة امام محمد
تقی در دهم این ماه شده است و بعضی از روایات در فضیلة
خصوص دهم وارد شده است و در فضیلت ایام البیض ماه
رجب احادیث معتبره وارد شده است یعنی سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقولست
که حقتعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده که باحدی
از امتهای گذشته نداده است ماه رجب و ماه شعبان
و ماه رمضان و سه شب باین امت داده است که بامتهای
دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب
پانزدهم و سه سوره باین امت داده است که مثل آنها با
امتهای پیش نداده است سوره یس و سوره تبارک الذی
بیده الملک و سوره قل هو الله احد پس هر که جمع کند میان این
سه فضیلت جمیع فضایل این امت را جمع کرده خواهد
بود پرسیدند که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم
هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت
بعد از سوره حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم
چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بعد از
حمد این سه سوره را بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت بجا



اورد

بجا اورد لبیه سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره
را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهانش
امرزیده شود بغیر از شرک بخدا و از حضرت صادق منقولست
که ایام البیض ماه رجب را روزه دارد حق تعالی بهر روزی
عبادة یکساله و روزه یکساله برای او بنویسید و در قیامت او را
در محل ایمنان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و
مشهور میان علما انست که ولادت باسعادة حضرة امیر المومنین
در میان کعبهٔ معظمه در روز سیزدهم ماه رجب بود دوازده سال
قبل از مبعوث شدن حضرت رسول صلی الله علیه واله و علی
ابن ابرهیم گفته است که ولادة حضرة امام علی نقی نیز در روز
سیزدهم ماه رجب بود در سال دویست و چهارده از هجرة و شب
پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل در ان سنت است و احیا
ان بعبادة فضیلت بسیار دارد و از حضرة رسول واله منقولست
که در شب نیمهٔ رجب حقتعالی امر می کند ملائکه را که هر گناهی
که در دیوان اعمال مومنان باشد محو کنند و ایضا از ان حضرت
منقولست که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب را
روزه بدارد و در شبهای انها مشغول عبادت باشد از دنیا نرود
مکر با توبه نصوح و بهر روز که روزه داشته هفتاد گناه کبیره
او امرزیده و هفتاد حاجت او برآورده شود در وقتی که از قبر بیرون



می آید ونزد میزان ونزد صراط وچنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان
اسمعیل آزاد کرده باشد وشفاعت اورا قبول کند در هفتاد نفر
از اهل بیت وخویشان او که مستحق جهنم شده باشند وحق تعالی
بنا کند از برای او در جنات فردوس هفتاد هزار شهر ودر هر شهری
هفتاد هزار قصر بوده باشد ودر هر قصری هفتاد هزار حوریه
باشد وهر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد وشیخ طوسی
ره بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که در شب
نصف رجب دوازده رکعت نماز می آوری یعنی بشش سلام با
حمد وهر سوره که خواهی وچون فارغ شوی از سوره حمد وقل
اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس وقل هو الله احد وآیه
الکرسی را چهار مرتبه میخوانی سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ
پس چهار مرتبه می گویی پاک است خدا و ستایش مر خدای راست و نیست
اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ پس گ اَللهُ اَللهُ رَبّی لا اُشرِکُ بِهِ شَیئاً
پرستش کرده‌ای جز خدای و خدا بزرگتر است میگویی خدا خدا بزرگوار منست شریک قرار نمیدهم با او چیزی را
وَما شاءَ اللهُ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِالله ودر شب وروز زیارت حضرت
وآنچه خواسته خدا می شود ونیست توانائی مگر بخدا
امام حسین سنت مؤکد است

وبسند صحیح از ابن ابی نصر منقولست که از حضرت امام علیه السلام
رضا سؤال کرد که زیارت حضرت امام حسین در کدام وقت بهتر است
فرمود که نیمه رجب ونیمه شعبان ودر روز پانزدهم نماز سلمان

را باید



را باید کرد بکیفیتی که گذشت و بسند معتبر از حضرت صادق
منقولست که حضرت امیر المؤمنین در این روز چهار رکعت نماز
کرد و دستهای خود را گشود و این دعا را خواند پس فرمود که هر که
بشدتی و غمی مبتلا گردد و این دعا را بخواند البته کرب و
شدت او زایل گردد و این چهار رکعت را | اللهم یا مذل
بدو سلام میکند و هر سوره که خواهد میخواند | خدایا ای خوار کننده
کل جبار و یا معز المؤمنین انت کهفی حین تعیینی المذاهب و انت
هر متکبر نافرمان و عزیز دارنده گروندگان تو پناه منی هنگامیکه عاجز کنند مرا راهها و تو
بارئ خلقی رحمة بی و قد کنت عن خلقی غنیا و لولا رحمتک
بدید آورنده خلقت مرا از روی مهربانی بمن و حال آنکه بتحقیق بودی از آفریدن من بی نیاز و اگر نمی بود رحمت تو
لکنت من الهالکین و انت مؤیدی بالنصر علی اعدائی و
هر آینه بودم از ناچیزان و تو قوت دهنده مرا بیاری دادن بر دشمنانم و
لولا نصرک ایای لکنت من المفضوحین یا مرسل الرحمة
اگر نمی بود یاری دادن تو مرا هر آینه بودم از رسوا شدگان ای فرستنده رحمت
من معادنها و منشئ البرکة من مواضعها یا من خص بالشموخ
از معدنهای آن و فرستنده برکت از جاهای آن ای آنکه مخصوص است به بلندی
و الرفعة فاولیاؤه بعزه یتعززون یا من وضعت له الملوک
و رفعت پس دوستان او بعزت او عزیزند ای آنکه گذاشته اند برای او پادشاهان
نیر المذلة علی اعناقها فهم من سطواته خائفون اسألک
نیر خواری بر گردنهای خود پس ایشان از غضبهای او ترسانند درمیخواهم از تو



بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ كِبْرِيَائِكَ وَأَسْئَلُكَ بِكِبْرِيَائِكَ

بکینونیت تو که بیرون آورده آن را از بزرگواری خود و درمیخواهم از تو به بزرگواری تو

وَأَسْئَلُكَ بِكِبْرِيَائِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِكَ وَأَسْئَلُكَ

که بیرون آورده آن را از عزت و غلبه خود درمیخواهم از تو

بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ

بغلبه تو که استیلا و برتری یافتی بآن بر عرش خود پس آفریدی بآن همه خلق خود را

فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ پس حاجات

پس ایشان را برای تو خاضع و منقادند آنکه رحمت بفرستی بر محمد و خاندانش و خود را از

عمل ام داود

حق تعالی طلب نماید و بدانکه عمده اعمال نصف رجب دعای
ام داود است که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید ابن طاو
س بسندهای معتبر روایت کرده اند و برای آمدن حاجات
و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان مجربست و مجمل روایتش
آنست که فاطمه مادر داود بن الحسن پسر زاده حسن مجتبی
دایه حضرت امام جعفر صادق بود و بشیر داود آنحضرت را
شیر داده بود چون محمد ابن عبدالله ابن الحسن در مدینه
خروج کرد و منصور دوانیقی لشکر فرستاد و او را کشتند
و ابرهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبدالله ابن الحسن و جمعی
حسنی را با غل و زنجیر از مدینه بعراق بردند داود نیز در میان
ایشان بود ام داود گفت چون مدتی از حبس فرزندم گذشت

و از او خبری



واز او خبری بمن نمیرسید پیوسته دعا و تضرع میکردم واز
صلحا و نیکان و برادران مؤمن التماس دعا مینمودم وایشان
تقصیر نمیکردند ومطلقا اثر استجابت نمی یافتم وگاهی خبر بمن
میرسید که داود را کشتند وگاهی میگفتند که اورا پسران
عم او در زیر عمارة زنده گذاشتند و روز بروز مصیبت من زیاد و
عظیم تر میشد واندوه من بیشتر میشد تا آنکه از غم گداختم و
پیر شدم واز ملاقات او نا امید گردیدم تا آنکه روزی شنیدم
که بحضرة صادق علیه السلام علتی عارض شده است بعیادة الحضرة رفتم
چون احوال گرفتم و دعا کردم وخواستم برگردم حضرة فرمود
که از داود چه خبر داری ومن شیر اورا بآنحضرة داده بودم
چون نام داود را شنیدم گریستم وگفتم فدای تو شوم داود کجاست
او در عراق محبوس است ومن از ملاقات او قطع امید کردم
واز شما التماس میکنم که اورا دعا کنید او برادر رضاعی
شما است حضرت فرمود که چرا غافلی از دعای استفتاح
و دعای اجابت ونجاح وآن دعائیست که درهای آسمان
برای آن گشوده میشود وملائکه استقبال می کنند خواننده
آنرا و بشارت میدهند اورا باجابت وآن دعائیست که از
مجیب الدعوات محجوب نمیگردد وخوانندهٔ آنرا ثوابی نیست
بغیر از بهشت ام داود گفت ای فرزند طاهرین و راست گویان



چگونه است آن دعا حضرة فرمود ای مادر داود ماه محترم
یعنی ماه رجب نزدیک شده است وان ماهی است مبارک
وحرمت آن عظیم است ودعاها در آن مستجابست چون
ان ماه در آید سیزدهم وچهاردهم وپانزدهم ان که ایام
البیض اند روزه بدار پس حضرة کیفیت انعمل را تعلیم او
نمود وفرمود که این دعا را حفظ کن وبهمه کس تعلیم مکن
که میترسم که بدست کسی افتد که از برای باطلی ونا
مشروع است دعا را بخواند بدرستی که این دعای بسیار
شریفیست ومشتملست بر اسم اعظم خدا که هرکه این
دعا را بخواند البته بر اورده میشود واگر درهای اسمان وزمین
لسبته شود ویا دریاها حایل باشند میان تو وحاجت
تو چون این دعا را بخوانی البته حقتعالی اسان میکرداند
خواه مرد وخواه زن واگر جن وانس همه دشمن فرزند
تو باشند خداوند فادر کفایت شر ایشان میکند وزبان
ایشان را می بندد وایشان را منقاد فرزند تو میکرداند ام
داود کفت که حضرة این دعا را برای من نوشت وبخانه
بر کشتم وچون ماه رجب داخل شد انچه حضرة فرموده
بود بعمل اوردم ودر شب شانزدهم نماز شام وخفتن
را ادا کردم واز روزه افطار نمودم وقدری عبادت
کردم



کردم وبخواب رفتم ودر خواب دیدم جمیع ملئکه وپیغمبران
وشهدا وعباد را که من بر ایشان صلوات فرستاده
بودم وحضرة رسول صلعم مرا خطاب کرد که ای مادر داود
بشارت باد ترا که اینجماعت که می بینی همه برادران ویاوران
وشفیعان تو اند واز برای تو طلب امرزش می کنند و
بشارة میدهند ترا بانکه حاجتو براورده است پس بشارة
باد ترا بامرزش خدا وخوشنودی خدا وخدا ترا جزای
جزای خیر دهد وشاد باش که حقتعالی فرزند ترا حفظ
میکند وبتو بر میکرداند انشاء الله تعالی ام داود گفت که
از خواب بیدار شدم وبعد از ان بقدر زمانی که سوار تند
روی از عراق بمدینه آید داود بنزد من آمد وگفت ای
مادر من در عراق در زندان بسیار تنگی ودر سنگینی بند
وزنجیر بودم ونا امید بودم از خلاص شدن چون شب نصف
رجب شد در خواب دیدم که بلندیهای زمین پست شد
وترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود نماز نشسته بودی و
برد ورت مردانی چند بودند که سرهای ایشان در آسمان بود
وپاهای ایشان در زمین وتسبیح وتنزیه خدا میکردند
پس یکی از ایشان که از همه خوش روتر وخوشبوتر بود وجامهای
بسیار پاکیزه در بر داشت وگمان کردم که حضرة رسالت پناه



جد منست خطاب کرد با من که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزه
صالحه که حقتعالی دعای مادر ترا در حق تو مستجاب کرد
چون بیدار شدم رسولان منصور دوانیقی بدر زندان رسیدند
بطلب من آمده بودند و در میان شب مرا بنزد او بردند پس
امر کرد که زنجیرها را از من بردارند و ده هزار درهم که زیاده
از هزار تومان بوده باشد بحساب آنزمان بمن عطا کرد و فرمود
که مرا بر شتر رهواری سوار کنند و بنهایت سرعت بمدینه
بیاورند امّ داود گفت که من داود را بخدمت حضرت صادق
بردم حضرت فرمود که سبب خلاص تو آن بود که منصور حضرت
امیر المؤمنین ع را در خواب دید و فرمود که رها کن فرزند مرا اگر
نکنی ترا در این آتش میاندازم چون نظر کردم دریای آتشی در
زیر پای خود دید پس از دهشت بیدار شد و از کرده خود پشیمان
گردید و ترا رها کرد **و اما کیفیت این عمل شریف** ام داود گفت حضرت
صادق ع فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم را روزه بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل
بکن و بروایتی دیگر نزدیک بزوال الغسل بکن و چون زوال
معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بخانه خلوتی
برو و سعی کن که کسی بنزد تو نیاید که ترا مشغول گرداند
و با تو سخن بگوید و هشت رکعت نافله زوال را بعمل آور

و در رکوع



و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آورد پس نماز ظهر را با داب و
شرایط بعمل آورد و بعد از نماز فریضهٔ ظهر دو رکعت نماز بکن بهر
سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو یا قاضی الحوایج آلتاس
پس هشت رکعت نافلهٔ عصر را با داب بجای می آوری و در
بعضی از روایات وارد شده است که در هر رکعت از نافلهٔ عصر
بعد از حمد سه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و یک مرتبه سوره انا
اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و اداب بجا آور
و در روایتی وارد شده است که بر روی حصیر پاکیزه بنشین
پس صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد
و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این سورها را ده
مرتبه بخوان سورهٔ انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس
و الصافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا
و اذا وقعت الواقعة و تبارک الذی بیده الملک و ن و
القلم و اذا السماء انشقت تا آخر قران و اگر نتوانی این سورها را
از روی مصحف درست بخوانی بعوض همه هزار مرتبه سوره
قل هو الله احد را بخوان و شیخ مفید ره گفته است که اگر
ندانی یا نتوانی این سورهای مخصوص را بخوانی صد مرتبه سوره
حمد و ده مرتبه آیة الکرسی و هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان
و این احوط است و در روایتی دیگر وارد شده است که بنشین



از حمد صد مرتبه سُبْحَانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّهُ وَاللّهُ
بته بگوید پاکست خدا و سپاس مر خدای را نیست سزاوار پرستش مگر خدا
اَکْبَرُ و بعد از آن آیة اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و اکر
بزرگست الکرسی صد مرتبه خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد آیة
الکرسی را نیز درست نتواند خواند صد مرتبه سورهٔ حمد
و هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند پس دعا را
بخواند و آیة الکرسی تا بهتر آن بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
است که تا هم فیها خالدون بنام خدای بخشنده مهربان
صَدَقَ اللّهُ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
راست گوی است خدا بزرگ که نیست سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده
ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي
خداوند بزرگواری و گرامی داشتن بخشنده مهربان بردبار بزرگوار آنکه چنین
لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ شَهِدَ اللّهُ
که نیست مانند او هیچ چیز و اوست شنوای بینای دانای آگاه گواهی داد خدا
اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ
اگر بتحقیق نیست سزاوار پرستش مگر او و گواهی دادند فرشتگان و صاحبان دانش در حالی
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْكِرَامُ وَ
نیست سزاوار پرستش مگر او غالب راست کردار و رسانیدند بدرستی که دین پسندیده نزد خدا
اَنَا عَلٰى ذٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَجْدُ
من بر آن از جمله گواهانم بار خدایا مر تراست سپاس و مر تراست بزرگواری
ولك

وَلَكَ الْعِزُّ وَلَكَ الْفَخْرُ وَلَكَ الْقَهْرُ وَلَكَ النِّعْمَةُ وَلَكَ الْعَظَمَةُ

و مر تراست ارجمندی و مر تراست بزرگواری و مر تراست غلبه و مر تراست نعمت و مر تراست بزرگی

وَلَكَ الرَّحْمَةُ وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانُ وَلَكَ الْبَهَاءُ

و مر تراست بخشش و مر تراست ترسیدن سبکان و مر تراست پادشاهی و مر تراست بنکوئی

وَلَكَ الْاِمْتِنَانُ وَلَكَ التَّسْبِيحُ وَلَكَ التَّقْدِيسُ وَلَكَ

و مر تراست انعام و مر تراست تسبیح و مر تراست تنزیه و مر تراست

التَّهْلِيلُ وَلَكَ التَّكْبِيرُ وَلَكَ مَا يُرَى وَلَكَ مَا فَوْقَ السَّمٰوَاتِ

تهلیل و مر تراست تکبیر و مر تراست آنچه دیده شود و مر تراست آنچه بالای آسمانهای

الْعُلَى وَلَكَ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَلَكَ الْاَرَضُونَ السُّفْلَى

بلند است و مر تراست آنچه در خاک است و مر تراست زمینهای پست

وَلَكَ الْاٰخِرَةُ وَالْاُولَى وَلَكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ

و مر تراست آن جهان و این جهان و مر تراست آنچه به پسندی از ثنا و ستودن

وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ وَالنَّعْمَاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى جَبْرَئِيلَ

و ستایش و سپاس گذاری و نعمت خداوندا رحمت بفرست بر جبرئیل

اَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ وَالْقَوِيِّ عَلَى اَمْرِكَ وَالْمُطَاعِ فِي

معتمد تو بر پیغام تو و توانا بر فرمان تو و اطاعت کرده شده در

سَمٰوَاتِكَ وَمَحَالِّ كَرَامَاتِكَ الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لِاَ

آسمانهای تو و جاهای نوازشهای تو بردارنده مر کلمهای تو را یاری نماینده

نْبِيَائِكَ الْمُدَمِّرِ لِاَعْدَائِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مِيكَائِيلَ مَلَكِ

مر پیغمبران تو را هلاک سازنده مر دشمنان ترا خداوندا رحمت بفرست بر میکائیل فرشته



رحمتك والمخلوق لرحمتك والمستغفر المعين لاهل

رحمت تو و آفریده شده از راه مهربانی تو و طلب کننده آمرزش مدد نماینده مر اهل

طاعتك اللهم صل على اسرافيل حامل عرشك و

طاعت ترا خداوندا رحمت بفرست بر اسرافیل بردارنده عرش تو و

صاحب الصور المنتظر لامرك والوجل المشفق من

خداوند صور انتظار دارنده مر فرمان تورا و ترسان بیمناک از

خيفتك اللهم صل على عزرائيل قابض ارواح

ترس تو خداوندا رحمت بفرست بر عزرائیل قابض گیرنده جانهای

جميع خلقك اللهم صل حملة العرش الطاهرين

همه خلق تو خداوندا رحمت بفرست بر حاملان عرش که پاکانند

وعلى ملائكة الذكر اهل التأمين على دعاء المؤمنين

و بر فرشتگان ذکر گویندگان آمین اند بر دعای گروندگان

وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين وعلى ملائكة

و بر نویسندگان بزرگواران نیکوکاران پاکیزگان و بر فرشتگان بزرگواران

الكرام الكاتبين وعلى ملائكة الجنان وخزنة

بزرگواران نویسندگان و بر فرشتگان بهشت و خازنان دوزخ

النيران وملك الموت والاعوان يا ذا الجلال و

و ملک موت و مددکاران او ای خداوند بزرگواری

الاكرام اللهم صل ابينا ادم بديع فطرتك الذي

گرامی داشتن خداوندا رحمت بفرست بر پدر ما آدم نو پیدا آورده آفرینش تو

اكرمته
گرامی داشتی

اكرمتهٗ بسجود ملائكتك واَبحته جنتك اللهمّ صلّ على

گرامی داشتن او را بسجده فرشتگان خود و حلال کردی برای بهشت خداوندا رحمت بفرست بر

اُمِّنا حوّاءَ المطهّرة من الرّجس المصفّاة من الدّنس المفضّلة

مادر ما حوّا پاک کرده از هر نجسی پاکیزه شده از هر چرک و بازنده و افزوده شده

من الانس المتردّدة بين محالّ القدس اللهمّ صلّ على هابيل

از گروه آدمیان آمد و شد کننده در میان جاهای پاکیزه خداوندا رحمت بفرست بر هابیل

وشيث وادريس ونوح وهود وصالح وابرهيم واسمٰعيل

و شیث و ادریس و نوح و هود و صالح و ابراهیم و اسماعیل

واسحٰق ويعقوب ويوسف والاسباط ولوط وشعيب و

و اسحق و یعقوب و یوسف و اسباط و لوط و شعیب و

ايّوب وموسى وهرون ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين

ایوب و موسی و هرون و یوشع و میشا و خضر و ذی القرنین

ويونس والياس واليسع وذي الكفل وطالوت وداود

و یونس و الیاس و یسع و طالوت و داود

وسليمان وزكريّا وشعيا ويحيى وتورخ ومتّى وارميا

و سلیمان و زکریا و شعیا و یحیی و تورخ و متی و ارمیا

وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس

و حیقوق و دانیال و عزیر و عیسی و شمعون و جرجیس

والحواريّين والاتباع وخالد وحنظلة ولقمان اللهمّ صلّ على

و حواریان و پیروان آنان و خالد و حنظله و لقمان خداوندا رحمت بفرست بر



مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

محمد و آل محمد و ترحم کن محمد و آل محمد را و برکت ده بر محمد و آل محمد

كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرٰهِيمَ وَآلِ إِبْرٰهِيمَ إِنَّكَ

چنانکه رحمت فرستادی و ترحم نمودی و برکت دادی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستی که تو

حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَالسُّعَدَاءِ وَ

ستوده بزرگواری خداوندا رحمت بفرست بر وصیهای پیغمبران و کواهان و

الشُّهَدَاءِ وَأَئِمَّةِ الْهُدىٰ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَ

نیک بختان و پیشوایان هدایت خداوندا رحمت بفرست بر ابدال و

الْأَوْتَادِ وَالسُّيَّاحِ وَالْعُبَّادِ وَالْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَّادِ وَأَهْلِ

اوتاد و روزه داران و عبادت کنندگان و خالص کنندگان و پرهیزکاران و اهل

الْجِدِّ وَالْاِجْتِهَادِ وَاخْصُصْ مُحَمَّداً وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ

سعی و کوشش و مخصوص کن آن محمد و خانواده او را به بهترین رحمتهای خود

وَأَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّةً وَسَلَاماً

و وافرترین نوازشهای خود و برسان روح او و بعلیه اورا از من درود و سلام

وَزِدْهُ فَضْلاً وَشَرَفاً وَكَرَماً حَتّٰى تُبَلِّغَهُ أَعْلَى دَرَجَاتِ أَهْلِ

و افزون کن بخشش و بلندی قدر و بزرگواری او را تا آنکه برسانی او را به بلندترین درجات اهل

الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَفَاضِلِ الْمُقَرَّبِينَ اَللّٰهُمَّ

شرف از پیغمبران و فرستادگان و صاحبان فضل و مقربان خداوندا

وَصَلِّ عَلَى مَنْ سَمَّيْتُ وَمَنْ لَمْ أُسَمِّ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ

و رحمت بفرست بر هر که نام بردم و هر که نام نبردم از فرشتگان تو و پیغمبران تو

ورسلك



وَرُسُلِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ وَاَوْصِلْ صَلَوَاتِي اِلَيْهِمْ وَاِلَى

و فرستادگان تو و فرمان برداران تو و برسان درودهای مرا بسوی ایشان و بسوی

اَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ اِخْوَانِي فِيكَ وَاَعْوَانِي عَلَى دُعَائِكَ

ارواح ایشان و بگردان ایشان را برادران من در راه تو و مددکاران من بر خواندن تو

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَيْكَ وَبِكَرَمِكَ اِلَى كَرَمِكَ وَ

بار خدایا بدرستی من شفاعت میجویم بتو بسوی تو و ببزرگواری تو بسوی بزرگواری تو

بِجُودِكَ اِلَى جُودِكَ وَبِرَحْمَتِكَ اِلَى رَحْمَتِكَ وَبِاَهْلِ طَاعَتِكَ

ببخشش تو بسوی بخشش تو و برحمت تو بسوی رحمت تو و باهل طاعت تو بسوی

اِلَيْكَ وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِكُلِّ مَا سَئَلَكَ بِهِ اَحَدٌ مِنْهُمْ

بسوی تو و میخواهم از تو بار خدایا بهر چه درخواسته از تو بآن یکی از ایشان

مِنْ مَسْئَلَةٍ شَرِيفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ وَبِمَا دَعَوْكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ

از سؤال بزرگ که رد کرده نباشد و بآنچه خواندند ترا بآن از دعای

مُجَابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا

مستجاب شده و بیبهره کرده نشده ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای بردبار ای بزرگوار ای

عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا مُنِيلُ يَا جَمِيلُ يَا كَفِيلُ يَا وَكِيلُ يَا مُقِيلُ

بزرگ مرتبه ای بزرگوار ای بخشنده ای نیکو ای ضامن ای وکیل ای عفو کننده کارهای

يَا مُجِيرُ يَا خَبِيرُ يَا مُنِيرُ يَا مُبِيرُ يَا مَنِيعُ يَا مُدِيلُ يَا مُحِيلُ يَا

ای پناه دهنده ای آگاه ای روشن سازنده ای هلاک نماینده ای ارجمند ای حرکت دهنده

كَبِيرُ يَا قَدِيرُ يَا بَصِيرُ يَا شَكُورُ يَا طُهْرُ يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ

ای بزرگوار ای توانا ای بینا ای بغایت جزا دهنده ای پاکیزه ای پاک ای غلبه کننده



يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ يا متجبر

ای هویدا ای پنهان ای پوشنده ای فراگیرنده ای توانا ای نگاه دارنده ای با جبروت بزرگوار

يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا

ای نزدیک ای دوست ای ستوده ای بزرگوار ای پدید آورنده اول ای باز آورنده

شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا

دانا ای احسان کننده ای نیکوکار ای نعمت بخش ای بخشنده ای گیرنده ای گسترنده

يا هادي يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع

ای راهنما ای فرستنده ای راه نما ای توفیق دهنده ای بخشنده ای باز دارنده

يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق يا وهاب يا تواب

ای دور سازنده ای بلند نماینده ای پایدار ای حفظ کننده ای بسیار پدید آورنده ای بسیار بخشنده

يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح يا

ای گشاینده ای بخشاینده ای بخشنده ای آنکه بدست اوست هر کلیدی ای

نفاع يا رؤوف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي يا

سود بخش ای مهربان ای مهربان ای کارگزار ای شفا دهنده ای دفع کننده

مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام

ای جزا دهنده ای وفا کننده ای دانا ای ارجمند ای کار فرمای بقهر ای بنهایت بزرگوار

يا مؤمن يا احد يا صمد يا مدبر يا فرد يا وتر يا قدوس يا

ای امان دهنده ای یگانه ای پناه نیازمندان ای هویدا ای تدبیر کننده ای یکتا ای بی همتا

ناصر يا مونس يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم يا بادئ

یاور ای انس بخشنده ای برانگیزنده ای میراث برنده ای دانا ای حکم کننده ای پدید

يا متعالي

یا مُتَعالی یا مُصَوِّرُ یا مُسَلِّمُ یا مُحِبُّ یا قائِمُ یا دائِمُ یا عَلیمُ یا

ای بلند مرتبه ای نگاه دارنده ای سلامتی بخش ای دوست گیرنده ای پاینده ای همیشه موجود ای

حَکیمُ یا جَوادُ یا بارِئُ یا بارُّ یا سارُّ یا عَدْلُ یا فاضِلُ یا دَیّانُ

ای راست گفتار درست کردار ای بخشنده ای آفریدگار ای نیکوکار ای شادی بخش ای دادخواه ای صاحب فضل ای

یا حَنّانُ یا مَنّانُ یا سَمیعُ یا بَدیعُ یا خَفیرُ یا مُعینُ یا ناشِرُ

ای بسیار مهربان ای بسیار بخشنده ای شنوا ای نو پدید آورنده ای پناه دهنده ای مدد کننده ای پراگنده

یا غافِرُ یا قَدیمُ یا مُسَهِّلُ یا مُیَسِّرُ یا مُمیتُ یا مُحْیی یا نافِعُ یا

ای آمرزنده ای دیرینه ای بزرگوار ای سهل سازنده ای آسان کننده ای میراننده ای زنده کننده ای سود دهنده ای

رازِقُ یا مُقْتَدِرُ یا مُسَبِّبُ یا مُغیثُ یا مُغْنی یا مُقْنی یا

ای روزی دهنده ای اندازه کننده ای سبب سازنده ای فریادرس ای بی نیاز کننده ای بخشنده

خالِقُ یا راصِدُ یا واحِدُ یا حاضِرُ یا جابِرُ یا حافِظُ یا شَدیدُ

آفریدگار بزرگ ای نگهبان ای یگانه ای دانا ای غالب ای توانا ای

یا غِیاثُ یا عائِدُ یا قابِضُ یا مُسَبِّبُ یا مُبینُ یا طاهِرُ یا مُجیبُ

ای فریادرس ای نفع بخش ای گیرنده ای جدا کننده حق از باطل ای پاک ای

یا مُتَفَضِّلُ یا مُسْتَجیبُ یا عادِلُ یا بَصیرُ یا مُؤَمِّلُ یا مُبْدِئُ

ای بخشنده ای پذیرنده ای دادخواه بحق ای ای خواهنده خیرات ای آغاز کننده

یا اَوّابُ یا وافی یا راشِدُ یا مَلِکُ یا رَبُّ یا مُذِلُّ یا

ای پذیرنده توبه ای وفا کننده ای خداوند رشد و سدگار ای پادشاه ای پروردگار ای خوار سازنده

مُعِزُّ یا ماجِدُ یا رازِقُ یا فاضِلُ یا سُبْحانُ یا مَنْ عَلی

ای عزیز دارنده ای بزرگوار ای روزی دهنده ای ... ور ای خداوند فضل ای پاک ای



فاستعلى فكان بالمنظر الاعلى يا من قرب فدنى وبعد فنأى

پس بلند است پس هست در دیدگاه بلندتر ای آنکه نزدیکست پس نزدیک است دور است پس

وعلم السر واخفى يا من اليه التدبير وله المقادير يا من

و دانسته هر رازی و پنهان تر از آن ای آنکه بسوی او تدبیر و مر او راست اندازها ای و آنکه

العسير عليه سهل يسير ويا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل

هر دشواری بر او سهل و آسان است وای آنکه او بر آنچه خواهد تواناست ای فرستنده

الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود

بادها ای شکافنده صبح ای برانگیزنده نفوس ای خداوند بخشش

والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات يا جامع

و نوازش ای برگرداننده آنچه بتحقیق فوت شده ای زنده سازنده مردگان ای فراهم

الشتات يا رازق من يشاء بغير حساب ويا فاعل ما يشاء

پراکنده ها ای روزی دهنده آنکه خواهد بی شمار وای کننده آنچه خواهد هر

كيف يشاء يا ذا الجلال والاكرام يا حي يا قيوم يا حي حين

هر روشی خواهد ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن ای زنده ای پاینده ای زنده

لا حي يا حي يا محيي الموتى يا حي لا اله الا انت بديع

نیست زنده ای زنده ای زنده کننده مردگان ای زنده نیست سزاوار پرستش مگر تو ای

السموات والارض يا الهي وسيدي صل على محمد وآل

آسمانها و زمین ای خدای من و بزرگ من رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما

محمد و رحم کن محمد و آل محمد را و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانچه

صليت

صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى اِبْرٰهِيمَ وَآلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ

رحمت و ثنا دادی و برکت دادی و رحم کردی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه

حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي وَفَقْرِي وَانْفِرَادِي وَ

ستوده بزرگواری و رحم کن خواری مرا و تنگدستی مرا و احتیاج مرا و تنهائی مرا و

وَحْدَتِي وَخُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَاعْتِمَادِي عَلَيْكَ وَتَذَلُّلِي

و بیکسی مرا و فروتنی مرا و پیش تو و تکیه مرا بر لطف تو و زاری مرا

اِلَيْكَ اَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الذَّلِيلِ الْخَاشِعِ الْخَائِفِ

بسوی تو میخوانم ترا مانند خواندن فروتنی کننده خوار زاری کننده ترسان

الْمُشْفِقِ الْبَائِسِ الْمَهِينِ الْحَقِيرِ الْجَائِعِ الْفَقِيرِ الْعَائِذِ

بیمناک محتاج ضعیف ذلیل گرسنه محتاج پناه گیرنده

الْمُسْتَجِيرِ الْمُقِرِّ بِذَنْبِهِ الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ الْمُسْتَكِينِ لِرَبِّهِ

زنهار جوینده اعتراف دارنده بگناه خود طلب آمرزش نماینده از گناه فروتنی کننده

دُعَاءَ مَنْ اَسْلَمَتْهُ ثِقَتُهُ وَرَفَضَتْهُ اَحِبَّتُهُ وَعَظُمَتْ

دعای کسی که خوار گذاشته باشند او را معتمد او و ترک نموده باشند او را دوستان او و بزرگ

فَجِيعَتُهُ دُعَاءَ حَرِقٍ حَزِينٍ ضَعِيفٍ مَهِينٍ بَائِسٍ مُسْتَكِينٍ

مصیبت او مانند دعای سوخته غمگین ناتوان خوار محتاج فقیر باشد

بِكَ مُسْتَجِيرٍ اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ بِاَنَّكَ مَلِيكٌ وَاَنَّكَ

بتو پناه جوینده خداوندا و درمیخواهم از تو بسبب آنکه بتحقیق تو صاحب پادشاهی و

مَا تَشَاءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُونُ وَاَنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَاَسْئَلُكَ

بتحقیق تو آنچه را خواهی از امری میشود و آنکه بدرستی تو بر هر چه خواهی توانائی و درمیخواهم از تو



بِحُرْمَةِ هٰذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْحَرَامِ وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ

بحرمت این ماه محترم و خانه محترم و بلده محترم

وَالرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ

و بحرمت رکن کعبه و مقام ابراهیم و جاهای عبادت بزرگ که عزیزند آنها و بحق پیغمبر تو محمد که باد

وَآلِهِ السَّلَامُ يَا مَنْ وَهَبَ لِآدَمَ شَيْثًا وَلِإِبْرٰهِيمَ إِسْمٰعِيلَ

بر آل او باد درودها ای آنکه بخشنده مر آدم را شیث و مر ابراهیم را اسمعیل و

وَإِسْحٰقَ وَيَا رَادَّ يُوسُفَ عَلَىٰ يَعْقُوبَ وَيَا مَنْ كَشَفَ

و اسحاق و ای آنکه برگرداننده یوسف را بر یعقوب و ای آنکه زایل کرد

بَعْدَ الْبَلَاءِ ضُرَّ أَيُّوبَ يَا رَادَّ مُوسَىٰ عَلَىٰ أُمِّهِ وَيَا زَائِدَ

پس از امتحان بد حالی ایوب را ای برگرداننده موسی بر مادرش و ای زیاده کننده

الْخِضْرِ فِي عِلْمِهِ وَيَا مَنْ وَهَبَ لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ وَلِزَكَرِيَّا

خضر در علمش و ای آنکه بخشنده مر داود را سلیمان و مر زکریا را

يَحْيَىٰ وَلِمَرْيَمَ عِيسَىٰ يَا حَافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ وَيَا كَافِلَ وَلَدِ

یحیی و مریم را عیسی ای نگاه دارنده دختر شعیب و ای کارگذارنده پسر

أُمِّ مُوسَىٰ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

مادر موسی در میخواهم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَتُجِيرَنِي مِنْ عَذَابِكَ وَتُوجِبَ لِي

بیامرزی برای من گناهان مرا همه آن را و پناه دهی مرا از عذاب خود و لازم کنی برای من

رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَإِحْسَانَكَ وَغُفْرَانَكَ وَجِنَانَكَ

خوشنودی خود را و امان خود را و احسان خود و آمرزش خود و بهشت خود را

واسئلك

واسئلك ان تفك عني كل حلقة ضيق بيني وبين من

و در میخواهم از تو اینکه بگشائی از من هر حلقه تنگی را که بوده باشد در میان من و میان کسی که

يؤذيني وتفتح لي كل باب وتلين كل صعب وتسهل

ایذا کند مرا و بگشائی برای من هر دری و نرم سازی برای من هر امر سختی و آسان گردانی

لي كل عسير وتخرس عني كل ناطق بشر وتكف عني كل باغ

برای من هر دشوار را و گنگ سازی از ذکر من هر سخن گوینده را ببدی و باز داری از من هر …

وتكبت لي كل عدو لي وحاسد وتمنع مني كل ظالم

و خوار سازی برای من هر دشمنی مرا و بدخواهی را و باز داری از من هر ستمکاری

وتكفيني كل عائق يحول بيني وبين ولدي ويحاول ان

و دفع کنی از من هر مانعی را که حایل شود میان من و میان فرزندان من و قصد کند اینکه جدائی

يفرق بيني وبين طاعتك ويثبطني عن عبادتك يا من الجم

افکند میان من و میان طاعت تو و باز دارد مرا از عبادت تو ای آنکه لجام کرده

الجن المتمردين وقهر عتاة الشياطين واذل رقاب المتجبرين

هر دیو سرکشی را و غلبه کرد [illegible] نماینده گان دیوان را و خوار گردانید گردنهای [illegible]

ورد كيد المتسلطين عن المستضعفين اسئلك بقدرتك

و برگردانید [illegible] مکر دست یافتگان را از ناتوانان [illegible] درمیخواهم از تو بسبب توانائی تو

على ما تشاء وتسهيلك لما تشاء كيف تشاء ان تجعل

بر آنچه خواهی و آسان ساختن تو مر آنچه را اراده نمائی بهر طوری که اراده کنی اینکه

قضاء حاجتي فيما تشاء پس بسجده برو و پهلوی خود را

بر آوردن حاجت مرا در آنچه میخواهی



برخاک بگذار اَللّٰهُمَّ لَکَ سَجَدْتُ وَبِکَ آمَنْتُ فَارْحَمْ

و بگوا خداوندا مر ترا سجده کردم و بتو تصدیق نموده ام پس رحم کن

ذُلِّی وَفَاقَتِی وَاجْتِهَادِی وَتَضَرُّعِی وَمَسْکَنَتِی وَفَقْرِی

خواری مرا و شکستگی مرا و کوشش مرا و زاری مرا و بیچارگی مرا و احتیاج مرا

اِلَیْکَ یَا رَبِّ پس حضرت فرمود که سعی کن که آب از دیده ات

بسوی تو ای پروردگار بیرون آید اگرچه بقدر سر مگسی بوده باشد

که آن علامت اجابت دعا است و در روایت دیگر وارد

شده است که در اَللّٰهُمَّ لَکَ سَجَدْتُ وَبِکَ آمَنْتُ فَارْحَمْ

سجده این دعا بخواند خداوندا برای تو سجده کرده ام و بتو تصدیق نموده ام پس

ذُلِّی وَخُضُوعِی بَیْنَ یَدَیْکَ وَفَقْرِی وَفَاقَتِی اِلَیْکَ وَارْحَمْ

خواری مرا و فروتنی مرا در پیش تو و درویشی مرا و محتاج بودن مرا بسوی تو و رحم کن

اِنْفِرَادِی وَخُشُوعِی وَاجْتِهَادِی بَیْنَ یَدَیْکَ وَتَوَکُّلِی عَلَیْکَ

تنهائی مرا و پستی نمودن مرا و کوشش مرا پیش تو و اعتماد مرا بر لطف تو

اَللّٰهُمَّ بِکَ اَسْتَفْتِحُ وَبِکَ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ

خداوندا بتو طلب فتح و گشایش میکنم و بتو رستگاری میجویم و بوسیله محمد بنده

وَآلِهِ اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لِی کُلَّ حُزُونَةٍ وَذَلِّلْ لِی

و بوسیله او و آل او روی آورم بسوی تو خداوندا هموار کن برای من هر ناهمواری را و آسان کن

کُلَّ صُعُوبَةٍ وَاَعْطِنِی مِنَ الْخَیْرِ اَکْثَرَ مِمَّا اَرْجُوا وَعَافِنِی مِنَ الشَّرِّ

برای من هر دشواری را و ببخش مرا از خیر بیشتر از آنچه امید دارم و سالم دار مرا از

واصرف



وَاصْرِفْ عَنِّی السُّوءَ وبروایت دیگر صد یا قاضِیَ حَوائِجِ

ای برآورنده حاجتهای مرتبه در سجده بگوید هر بدی را از من وبگردان

الطّالِبینَ اِقْضِ حاجَتی بِلُطْفِکَ یا خَفِیَّ الْاَلْطافِ ودر روایة

سؤال کنندگان برآور حاجت مرا بمهربانی خود ای آنکه پنهان است الطاف او معتبره

وارد شده است که مادر داود بحضرت عرض کرد که ای

سید واقای من این دعا را در غیر ماه رجب میتوان خواند

حضرت فرمود بلی در روز عرفه میتوان خواند واگر موافق افتد

که روز جمعه باشد صاحبش فارغ نمیشود مگر آنکه خدا او را

میامرزد ودر هر ماه که باشد اگر ایام البیض آنماه را روزه

بدارد ودر روز پانزدهم این دعا را بنحوی که ذکر کردم حاجتش

بر آورده است ودر روایت دیگر وارد است که حضرت فرمود

که در روز عرفه ودر هر روز که این دعا را بخواند حاجتش بر آورده

میشود مؤلف گوید که از این احادیث ظاهر میشود که در هر

ماه که ایام البیض است یعنی سیزدهم وچهاردهم وپانزدهم را

روزه بدارد ودر روز پانزدهم این عمل را بجا آورد بمطلوب

فایز میگردد ودور نیست که اگر در روز عرفه وجمعه وسایر

ایام متبرکه نیز این عمل را بدون روزه بعمل آورد خوب باشد

واگر در غیر اشهر حرم که ذی القعده وذی الحجه ومحرم وماه

رجب است این دعا را بخواند بجای بِجِهَةِ هٰذَا الشَّهْرِ الْحَرامِ



وهذا ابتدا از دهم است **فصل پنجم** در بیان فضایل و اعمال
نصف آخر ماه رجب است شیخ طوسی و دیگران گفته اند
که در روز هیجدهم این ماه ابراهیم پسر رسول ص از دنیا رفت پس
حزن و اندوه و لعن بر آنها که در این مصیبت شماتت کردند منا
سبست خصوصاً عایشه علیها اللعنة و ابن عباس که یکی
از محدثان شیعه است گفته است که حضرت فاطمه زهراء
علیها السلام در روز بیست و یکم ماه رجب بعالم قدس
ارتحال نموده اگرچه خلاف مشهور است اما لعن بر قاتلان
و ظالمان آن جگرگوشه حضرت رسالت ص که عمده آنها
عمر بن الخطاب علیه اللعنة است و زیارت آنحضرت احیاناً
مناسبست بنحوی که مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی
و شیخ مفید ره گفته است که در بیست و دویم این ماه معویه
علیه اللعنة بجهنم واصل شده است و مستحب است که
این روز را روزه دارند بشکر این نعمت و در روز بیست و سیم
این ماه خارجیان خنجر زهرآلود بر ران مبارک امام حسن مجتبی
زدند پس زیارت آنحضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آنحضرت
مناسبست و در روز بیست و چهارم این ماه فتح خیبر بدست
معجزنمای اسد الله الغالب علی ابن ابی طالب جاری شد و
مرحب یهودی بدست آنحضرت کشته شد گفته اند روزه

آن روز



آنروز بشکر این نعمت و زیارت آنحضرت مستحبست و شیخ رحمه الله ذکر کرده است که شهادت امام موسی کاظم در روز بیست و پنجم ماه رجب واقع شد امّا احادیث بسیار در فضیلت اینروز و ثواب روزه اش وارد شده است و روایتی نقل کرده اند از ابن بابویه و غیر او که حضرت رسول در روز بیست و پنجم رجب مبعوث برسالت شد و این مخالف مشهور و احادیث بسیار است که بعد از این مذکور خواهد شد امّا در فضیلت روزه اش شکی نیست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین منقولست که روزه اش کفاره دویست سال گناهست و بسند با معتبر از حضرت امام رضا مرویست که هرکه روز بیست و پنجم ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفاره شصت سال گناه گرداند و ایضا از آنحضرت منقولست که هرکه روز بیست و ششم ماه رجب را روزه بدارد حقتعالی روزه او را کفاره هشتاد ساله گناه گرداند و روز بیست و هفتم اینماه از جملهٔ اعیاد عظیم است و روزیست که حضرت رسول و آله در آنروز برسالت بر امت مبعوث گردید و جبرئیل به پیغمبری بر آنحضرت نازل شد و شبش نیز شب بسیار مبارکیست و بسندهای معتبر از حضرت امام محمد تقی منقولست که در ماه رجب شبی



هست که بهتر است از برای مردم از انچه افتاب بر آن می
تابد و ان شب بیست و هفتم این ماه هست و در صبح ان
شب حضرت رسول ص و آله برسالت مبعوث شد و کسی که
عبادت کند این شب را مثل اجر شصت سال عبادت خدا باو
عطا میفرماید پرسیدند که عمل اینشب چیست فرمود که
چون نماز خفتن کردی بخواب رو و هر که وقت از شب
که بیدار شوی خواه پیش از نصف شب و خواه بعد از ان
برخیز و دوازده رکعت نماز بکن و بعد از هر دو رکعت
سلام بگو و در هر رکعت بعد از حمد یک سورهٔ از سورهای
کوچک و بعد از آن سورهٔ یس را بخوان و چون از همه فارغ
شوی چنانکه نشسته سورهٔ حمد و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون
و انا انزلناه فی لیلة القدر و ایة الکرسی و هر یک را
هفت مرتبه بخوان پس این اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً
دعا را بخوان هذا الدعا
یعنی حمد مر خدای را که فرا نگرفته هیچ فرزند
وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ
و نیست برای او شریکی در پادشاهی و نیست برای او یاوری از مذلت
وَکَبِّرْهُ تَکْبِیراً اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِمَعَاقِدِ عِزِّکَ عَلٰی
و بعظمت یاد کن خدا را بعظمت یاد کردنی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بجاهای

اعمال روز شعبان

ارکان



أَرْكَانِ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الأَعْظَمِ

اطراف عرش تو و بحق نهایت رحمتی که مستفاد میشود از کتاب تو و بحق اسم

الأَعْظَمِ الأَعْظَمِ وَذِكْرِكَ الأَعْلَى الأَعْلَى وَبِكَلِمَاتِكَ

بزرگتر است بزرگتر بزرگتر و بحق ذکر تو که بلندتر است بلندتر و بحق کلمهای تو

التَّامَّاتِ كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ

و تمام و کامل‌اند همه آن کلمها اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بکنی بمن

بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ پس هر حاجت که خواهی بطلب که هر

آنچه تو سزاوار آنی بطلبی مستجاب است مگر آنکه حرامی بطلبی یا

قطع رحمی یا هلاک جمعی از مؤمنان را طلب کنی و روزش را

بدا دکه از برای تو حساب میشود بروزه یکسال و بسند معتبر

از حضرت موسی ابن جعفر منقولست که در شب بیست و

هفتم رجب هر وقت شب که باشد دوازده رکعت نماز

بجا آورد و در هر رکعت بعد از سورهٔ حمد چهار مرتبه سورهٔ

قل اعوذ برب الناس و برب الفلق و قل هو الله احد بخوان

و چون از دوازده رکعت فارغ شوی در همان مکان چهار

مرتبه لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحَانَ اللهِ

نیست خدائی بغیر از خدا

بگو نیست سزاوار پرستش بجز خدا و خدا بزرگتر است و ستایش مر خدای راست و پاکیست

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس هر حاجت که

و نیست قوت و نه توانائی مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ

خواهی بطلب



مؤلف گوید که بهریک از این دو روایت که عمل کنی خوبست
فصل واگر هر دو را بکند بهتر است واگر نماز شب نصف
رجب را که بکنند صحیح مذکور شد در آنشب بجا آورد خوبست
و در روایت وارد شده است که درین شب نیز بجا آورند
وشیخ طوسی ره گفته است که غسل در آنشب مناسب است
واین دعا نیز وارد شده است اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِالتَّجَلّی
که در این شب بخوانند بارخدایا بدرستی من در میخواهم از تو بحق تجلی اعظم
اَلْاَعْظَمِ فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ وَالْمُرْسَلِ الْمُکَرَّمِ
بزرگتر در این شب از این ماه بزرگ کرده شده و بحرمت فرستاده
اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْ تَغْفِرَ لَنا ما اَنْتَ بِهِ مِنّا اَعْلَمُ
اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او و اینکه بیامرزی برای ما گناهانی که تو بآن از ما داناتری
یا مَنْ یَعْلَمُ وَلا یُعْلَمُ اَللّٰهُمَّ بارِکْ لَنا فی لَیْلَتِنا هٰذِهِ
ای آنکه میداند هر چیز را و او معلوم نشده بارخدایا برکت ده ما را در شب ما این شب
اَلَّتی بِشَرَفِ الرِّسالَةِ فَضَّلْتَها وَبِکَرامَتِکَ اَجْلَلْتَها وَبِا
و بشرف رسالت پیغمبر در آن زیادتی دادهٔ آن را و بکرامت خود بزرگ گردانیدهٔ
لْمَحَلِّ الشَّریفِ اَحْلَلْتَها اَللّٰهُمَّ فَاِنّا نَسْئَلُکَ بِالْمَبْعَثِ
جایگاه بلندی فرود آوردهٔ آن را بارخدایا پس بتحقیق ما در میخواهیم از تو بحرمت آن بعثت
اَلشَّریفِ وَالسَّیِّدِ اللَّطیفِ وَالْعُنْصُرِ الْعَفیفِ اَنْ تُصَلِّیَ
و آن بزرگ مهربان و آن حسب پرهیزکار اینکه رحمت بفرستی
علی محمد

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْ تَجْعَلَ اَعْمَالَنَا فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي
بر محمد و آل او و اینکه بگردانی کردارهای ما را درین شب و در
سَائِرِ اللَّيَالِي مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَحَسَنَاتِنَا
باقی شبها پذیرفته و گناهان ما را آمرزیده و نیکیهای ما را
مَشْكُورَةً وَسَيِّئَاتِنَا مَسْتُورَةً وَقُلُوبَنَا بِحُسْنِ الْقَوْلِ
جزا داده شده و بدیهای ما را پوشیده و دلهای ما را بسبب نیکوئی گفتار
مَسْرُورَةً وَاَرْزَاقَنَا مِنْ لَدُنْكَ بِالْيُسْرِ مَدْرُورَةً اَللّٰهُمَّ
شادمان و روزیهای ما را از نزد خود باسانی روان کرده شده خدایا
اِنَّكَ تَرَى وَلَا تُرَى وَاَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلَى وَاِنَّ اِلَيْكَ
بدرستی که تو می بینی و دیده نمیشوی و تو در دیدنگاه بلندتری و بتحقیق بسوی تست
الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى وَاِنَّ لَكَ الْمَمَاتَ وَالْمَحْيَا وَاِنَّ لَكَ
بازگشت و منتهی شدن و بدرستی که برای تو است مردن و زنده شدن خدایی
الْاٰخِرَةَ وَالْاُولَى اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوذُ بِكَ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى
آنجهان و اینجهان بار خدایا بدرستی ما پناه میگیریم بتو از اینکه خفیف گردیم
وَاَنْ نَاْتِيَ مَا عَنْهُ تَنْهَى اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُكَ الْجَنَّةَ
و خوار شدیم و از اینکه اتیان نمائیم بانچه از آن منع میفرمائی خداوندا بدرستیکه ما سوال میکنیم از تو بهشت را
بِرَحْمَتِكَ وَنَسْتَعِيذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَاَعِذْنَا مِنْهَا بِقُدْرَتِكَ
بوسیله رحمت تو و پناه میجوییم بتو از حرارت آتش پس پناه ده ما را از آن بتوانائی خود
وَنَسْئَلُكَ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ فَارْزُقْنَا بِعِزَّتِكَ وَاجْعَلْ
و سوال میکنیم ترا از زنان سیاه دیدگان فراخ چشم پس روزی کن ما را بعزت خود



اوسع ارزاقنا عند كبر سنّنا واحسن اعمالنا عند اقتراب

فراخ کن روزیهای ما را نزد بزرگی سالهای ما و نیکو کن کردارهای ما را نزدیکی

اجالنا واطل في طاعتك وما يقرّب اليك ويحظي عندك

اجلهای ما و دراز کن در طاعت خود و آنچه نزدیک گرداند بسوی تو و بهره مند سازد نزد تو

ويزلف لديك لاعمارنا واحسن في جميع احوالنا وامورنا

و نزدیک گرداند نزد تو عمرهای ما را و نیکو گردان در همه حالات و کارهای

معرفتنا ولا تكلنا الى احد من خلقك فيمنّ علينا و

شناخت ما را و وامگذار ما را بسوی یکی از آفریدگان خود پس منت گذارد بر ما

تفضّل علينا بجميع حوائجنا للدنيا والاخرة وابدا

احسان کن بر ما بهمه حاجتهای ما بجهة دنیا و عقبی است و ابتدا کن

اباءنا وابناءنا وجميع اخواننا المؤمنين في جميع ما

به پدران ما و پسران ما و همه برادران ما که گرویدگان اند در تمام آنچه

سئلناك لانفسنا يا ارحم الراحمين اللهمّ انا نسألك

درخواستیم ما از تو بجهة نفسهای خود ای بخشنده ترین بخشندگان بار خدایا

باسمك العظيم وملكك القديم ان تصلّي على محمد وال

بحرمت نام بزرگ تو و پادشاهی دیرینه تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

محمد وان تغفر لنا الذنب العظيم انّه لا يغفر العظيم

محمد و اینکه بیامرزی برای ما گناه بزرگ را بدرستی که نمی آمرزد گناه بزرگ را

الا العظيم اللهمّ وهذا رجب المكرّم الذي اكرمتنا

بجز بزرگ بار خدایا و این ماه رجب است گرامی داشته شده که گرامی داشتی

بِهِ اَوَّلَ اَشْهُرِ الْحُرُمِ اَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْاُمَمِ فَلَكَ الْحَمْدُ

بر آن اول ماههای حرام است گرامی داشته ما را بآن از میان امتهای پس مر ترا است ستایش

يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَاَسْئَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ

ای خداوند بخشش و بزرگواری پس سؤال میکنیم ترا بحرمت آن و بحرمت نام تو بزرگتر بزرگتر

الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي

بزرگتر بزرگوارتر گرامی تر آن نامی که آفریدی آن را پس قرار گرفت در

فِي ظِلِّكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ اِلَى غَيْرِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

در سایهٔ تو پس بیرون نرود بسوی تو بسوی غیر تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد

وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَاَنْ تَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ

و خاندان او که پاکانند و اینکه بگردانی ما را از از عمل کنندگان در این ماه

بِطَاعَتِكَ وَالْآمِلِينَ فِيهِ لِشَفَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ اهْدِنَا

بطاعت تو و آرزومندان در این ماه و شفاعت تو را خداوندا هدایت کن ما را

اِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ

بسوی راه راست و بگردان خوابگاه ما را نزد خود بهترین خوابگاهی

فِي ظِلٍّ ظَلِيلٍ وَمُلْكٍ جَزِيلٍ فَاِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

در سایهٔ عظیم و عزت بسیار پس بدرستی که تو کافی ما را و نیکو کارگذاری

اَللّٰهُمَّ اقْلِبْنَا مُفْلِحِينَ مُنْجِحِينَ غَيْرَ مَغْضُوبٍ عَلَيْنَا

خداوندا بگردان ما را رستگاران فیروزی یافتگان نه غضب کرده شده بر ما

وَلَا ضَالِّينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ بِعَزَائِمِ

و نه گمراهان برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان بار خدایا [illegible]

مغفرتك وبواجب رحمتك السلامة من كل اثم و
مغفرتهای ثابت تو و رحمت واجب تو سلامتی از هر گناهی و
والغنيمة من كل برّ والفوز بالجنة والنجاة من النار
غنیمت از هر نیکی و رستگاری به بهشت و خلاصی از دوزخ
اللهم دعاك الداعون ودعوتك وسألك
خدایا و بار خواندند ترا خوانندگان و خواندم من ترا و درخواستند از تو
السائلون وسألتك وطلب اليك الطالبون و
درخواهندگان و درخواستیم من از تو و رغبت نمودند بسوی تو طلب کنندگان و
طلبت اليك اللهم انت الثقة والرجاء واليك
رغبت نمودم من بسوی تو خدایا و بار خدایا تو اعتماد و امید و بسوی تست
منتهى الرغبة والدعاء اللهم فصل على محمد وآله
منتهی شدن رغبتها و دعاها بار خدایا پس رحمت بفرست بر محمد و آل او
واجعل اليقين في قلبي والنور في بصري والنصيحة
و بگردان یقین را در دل و روشنایی را در دیده من و پند را
في صدري وذكرك في الليل والنهار على لساني ورزقا
در سینه من و ذکر خود را در شب و روز بر زبان من و روزی
واسعا غير ممنون ولا محظور فارزقني وبارك لي فيما
فراخی مرا نباشد منقطع و نه حرام پس روزی کن مرا و برکت ده برای من در آنچه
رزقتني واجعل غناي في نفسي ورغبتي فيما عندك
روزی کرده‌ای مرا و بگردان بی نیازی مرا در نفس من و رغبت مرا در آنچه نزد تست



برحمتك

برحمتك يا ارحم الراحمين پس بسجده الحمد لله الذی

برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان رو و بگو پس سپاس مر خدای را که

هدينا لمعرفته وخصّنا بولايته ووفّقنا لطاعته پس

رسانیده ما را بشناخت خود مخصوص گردانیده ما را بدوستی خود و توفیق داده ما را بطاعت خود بگو

شكراً شكراً صد پس سر از سجده اللهمّ انّی قصدتك

سپاس میکنیم شکر کردنی مرتبه بردار و بگو خداوندا بدرستی که من قصد نموده ام

بحاجتی واعتمدت عليك بمسئلتی وتوجّهت اليك

بحاجت خود و تکیه کرده ام بر لطف تو در سؤال خود و رو آورده ام بسوی تو بوسیله

بائمّتی وسادتی اللهمّ انفعنا بحبّهم واوردنا موردهم

مولایان خود و بزرگان خود بار خدایا سود رسان ما را بمحبت ایشان و در خود آور ما را

وارزقنا مرافقتهم وادخلنا الجنّة فی زمرتهم برحمتك

و روزی کن ما را رفاقت ایشان و داخل گردان ما را در بهشت در گروه ایشان برحمت خود ای

يا ارحم الراحمين و در روز بیست و هفتم غسل سنّت

ای بخشنده ترین بخشندگان است و روزه اش فضیلت بسیار

دارد و بسندهای معتبر از حضرت صادق منقولست

که روزه اش برابر است با روزه هفتاد ساله و بروایت

دیگر شصت سال و ایضا منقولست که حسن ابن راشد

از حضرة صادق سؤال کرد که آیا غیر عیدها مشهور

عیدی هست حضرة فرمود بلی شریفترین و فاضلترین



ازهمه روزبیست که حضرة رسول ص برسالت مبعوث گردیده
است وان بیست وهفتم ماه رجب است باید که روزه
بداری وصلوات بر محمد وال محمد بسیار بفرستی وزیارت
حضرة رسول ص وحضرة امیر المؤمنین ص دراین روز منقولست
ونماز این روز بطرق مختلفه وارد شده است واکثر
گفته اند که پیش از زوال باید کرد واز اکثر احادیث
ظاهر میشود که در هر وقت روز که بکنند خوبست و
بسند معتبر از ریان بن الصلت منقولست که حضرة
امام محمد تقی ع ببغداد تشریف اورده بودند در روز نصف رجب
و روز بیست وهفتم روزه داشتند وجمیع ملازمان
واصحاب خودرا امر فرمودند که دراین روز روزه بدارند
ودر هر یک دوازده رکعت نماز بکنند یعنی هر دو
رکعت بیک سلام وهر رکعت را بحمد وهر سوره که خواهند
بخوانند وچون از همه فارغ شوند سورهٔ حمد وقل هو الله
احد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس هر یک
را چهار مرتبه بخوانند لا اله الا الله والله اکبر وسبحان
پس چهار مرتبه بگویند نیست خدایی مگر خدایی وخدا بزرگترست وپاکست
الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
خدا وستایش مر خدای راست ونیست هیچ حرکتی ونه توانایی مگر بخواست خدایی بلند قدر بزرگ مرتبه

پس چهار



پس چهار ده اللّه اللّه ربّی لا اشرک به شیئاً پس چهار مر

تبه بگو خدا خدا پروردگار منست انباز نمیگردانم با چیزی بگویند

لا اشرک بربّی احداً و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر ع

شریک نمی کنم با پروردگار خود احدی منقولست که در امروز دوازده

رکعت نماز بجا می آوری و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره

که میسّر شود میخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام میگوئی

و این دعا را الحمد لله الذی لم یتّخذ ولداً و لم یکن له شریک

میخوانی سپاس مر خدای را که فرا نگرفت هیچ فرزندی و نیست برای او هیچ انبازی

فی الملک و لم یکن له ولیّ من الذلّ و کبّره تکبیراً یا عدّتی

در ملک و پادشاهی و نیست برای او یاوری از مذلت و بزرگی یاد کن خدا را به بزرگی

فی مدّتی یا صاحبی فی شدّتی یا ولیّی فی نعمتی یا غیاثی فی

در مدت عمر من ای یار من در سختی من ای یاور من در نعمت من ای فریادرس من در

رغبتی یا نجاحی فی حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی

خواهش ای فیروزی بخش در حاجت من ای نگاه دارنده من در غیبت من ای پاس دارنده من

وحدتی یا انسی فی وحشتی انت الساتر عورتی فلک الحمد

در تنهائی من ای انس من در حال ترسیدن من توئی پوشاننده عورت من پس مر تراست

و انت المقیل عثرتی فلک الحمد و انت المنعش صرعتی

و توئی از لغزش من پس مر تراست سپاس مر تراست و توئی

فلک الحمد صلّ علی محمّد و آل محمّد و استر عورتی و آمن روعتی

پس حمد مر تراست رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بپوشان عورت مرا و از خوف ما



وَاَقِلْنِی عَثْرَتِی وَاصْفَحْ عَنْ جُرْمِی وَتَجَاوَزْ عَنْ سَیِّئَاتِی فِی اَصْحَابِ
و فسخ کن از لغزش من و درگذر از گناه من و بگذر از بدیهای من در حالتی [illegible]
اَلْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِی کَانُوا یُوعَدُونَ وچون از نماز
در زمره یاران بهشت وعده کن مرا وعده راستی را چنانکه اصحاب بهشت را داده میشدند و دعا فارغ شوی
سورهٔ حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی
را هر یک هشت مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ وَسُبْحَانَ
میکوئی
نیست معبودی بحق مگر خدا و خدا بزرگتر است و پاک است خدا و ستایش مر خدا
اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ پس هفت مرتبه
می کوئی
مر خدای را و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بجانب خدا
اَللهُ اَللهُ رَبِّی وَلَا اُشْرِکُ بِهِ شَیْئًا پس آنچه خواهی از خدا
خدا خدا پروردگار منست و انباز نمی گردانم با او چیزی را بطلب و بسند معتبر دیگر
از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که سنتست این دعا
در روز مبعث یَا مَنْ اَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ وَضَمَّنَ نَفْسَهُ
بخوانند ای آنکه فرمان داده بعفو و درگذشتن و ضامن کرده نفس خود را
اَلْعَفْوَ وَالتَّجَاوُزَ یَا مَنْ عَفَی وَتَجَاوَزَ اُعْفُ عَنِّی وَتَجَاوَزْ
برای عفو و درگذشتن ای آنکه عفو نموده و درگذشته عفو کن از من و درگذر
یَا کَرِیمُ اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَکْدَی الطَّلَبُ وَاَعْیَتِ الْحِیلَةُ وَالْمَذْ
ای بزرگوار بار خدایا و بتحقیق بسختی رسیده طلب و عاجز گردانیده حیله و چاره و درماندگی معاش
ودرست



وَدَرَسَتِ الْآمَالُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ وَحْدَكَ

و کهنه شد آرزوها و بریده شده امید مگر از تو در حالتی که تنها یی نیست

لَا شَرِيكَ لَكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً

شریکی برای تو خداوندا بدرستی که من می یابم راههای مطلبها را بسوی تو گشاده و در حوضهای

وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ لِمَنْ

و آبخورهای امید ترا نزد تو پر آب و لبریز و درهای خواندن را برای کسی

دَعَاكَ مُفَتَّحَةً وَالْاِسْتِعَانَةَ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مُبَاحَةً

که بخواند ترا گشوده و یاری جستن را برای آنکه یاری طلبد بتو حلال کرده شده

وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِدَاعِيكَ بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَلِلصَّارِخِ إِلَيْكَ

و میدانم اینکه بتحقیق تو برای خواننده خود در جایگاه اجابتی و برای استغاثه شونده بسوی تو

بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهَفِ إِلَى جُودِكَ وَالضَّمَانِ

در انتظارگاه فریادرسی و اینکه بتحقیق در استغاثه بسوی بخشش تو و در ضامن شدن

بِعِدَتِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي

بوعده تو است عوضی از منع بخیلان و وسعت و بی نیازی از آنچه

أَيْدِي الْمُسْتَأْثِرِينَ وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا

در دستهای آنان است که متفرد شدند بتو اگر و اینکه بتحقیق تو پنهان نمی گردی از خلق خود

أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ

مگر اینکه حاجب گردد ایشان را کردارها پیش از رسیدن بتو و بتحقیق دانسته ام اینکه بهترین

زَادِ الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ إِرَادَةٍ وَقَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ

توشه کوچ نماینده بسوی تو اراده ثابت گشته و بتحقیق مناجات کرده ترا با اراده



الارادة قلبي فاسئلك بكل دعوة دعاك بها راج

اراده ثابت دل من پس سؤال میکنم تو را بهر دعاء که خواننده باشد تو را بآن امیدوار

بلغته امله او صارخ اليك اغشت صرخته او

که رسانیده باشی او را بآرزوی او یا استغاثه شنونده بسوی تو رسیده بفریاد او

ملهوف مكروب فرجت عن قلبه او مذنب خاطئ

یا درمانده غمگین کشف نموده باشی از دل یا گنهکار خطاکار

غفرت له او معافا اتممت نعمتك عليه او فقير

در آمرزیده باشی مر او را یا عافیت بخشیده تمام کرده باشی نعمت خود را بر او یا محتاج

اهديت غناك اليه ولتلك الدعوة عليك

در فرستاده باشی بی نیازی خود را بسوی او و آنکه برای آن دعوت بوده باشد بر تو حقی

حق وعندك منزلة الا صليت على محمد واله

حقی و نزد تو مرتبه مگر آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او

وقضيت حوائجي حوائج الدنيا والاخرة وهذا رجب

و روا کنی حاجتهای اینجهان و آنجهان را و این ماه رجب

المرجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر

بزرگ گرامی داشته که گرامی داشته ما را بآن اول ماههای

الحرم واكرمتنا من بين الامم ياذا الجود والكرم فا

حرام است و گرامی داشته ما را بآن از میان امتها ای خداوند بخشش و بزرگواری

سالك به وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم

پس سؤال میکنم از تو بحرمت آن و بحرمت نام تو بزرگتر بزرگتر بزرگتر

الاجل

بزرگوارتر



الاجل الاكرم الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا
بزرگوار تر گرامی تر آن نامی که آفریدی آن را پس قرار گرفت در سایهٔ تو پس
يخرج منك الى غيرك ان تصلي على محمد واهل بيته
بیرون از تو بسوی غیر تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و خاندان او و
الطاهرين وتجعلنا من العاملين فيه بطاعتك و
پاکان و بگردانی ما را از آنان که عمل کنند درین ماه بطاعت تو و
الآملين فيه لشفاعتك اللهم واهدنا الى سواء
امید دارند درین ماه و شفاعت تو را بار خدایا و راه نما ما را بسوی راه
السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل
راست و بگردان آرامگاه ما را نزد خود بهترین آرامگاهی در سایهٔ
ظليل فانك حسبنا الله ونعم الوكيل والسلام
عظیم پس بدرستی تو کافی ما را و نیکو کارگذاری و درود
على عباده المصطفين وصلواته عليهم اجمعين
بر بندگان برگزیدگان و رحمتهای او بر ایشان همه
اللهم وبارك لنا في يومنا هذا الذي فضلته
خداوندا برکت ده ما را در روز ما این روزی که زیادتی دادهٔ
وبكرامتك جللته وبالمنزل العظيم انزلته و
و بکرامت خود بزرگ گردانیده او را و بمرتبهٔ بزرگی از خود فرود آوردهٔ او را و
صل على من فيه الى عبادك ارسلته وبالمحل
رحمت بفرست برآنکه درین روز بسوی بندگان خود فرستادهٔ او را و بجایگاه



الكريم اخلفته اللهم صلّ عليه صلوة دائمة تكون

کرامی . فرزند آورده اورا ای خداوند رحمت بفرست براو رحمتی همیشه باشد

لك شكرا ولنا ذخرا واجعل لنا من امرنا يسرا واختم

برای تو شکر و بجهة ما ذخیره و بگردان برای ما از جمله امر ما آسانی و ختم کن

لنا بالسعادة الى منتهى آجالنا وقد قبلت اليسير من

برای ما نیک بختی را تا آخر اجلهای ما و حال آنکه بتحقیق پذیرفته باشی اندک از

اعمالنا وبلّغنا برحمتك افضل آمالنا انك على كل شيء

کارهای ما و برسان ما را بمهربانی خود به بهترین آرزوهای ما بدرستیکه تو بر هر چیز

قدير وصلى الله على سيدنا محمد وآله وسلم وبسند

توانائی و رحمت بفرست بر بهترین ما محمد و آل او رحمت فرستند معتبر از

حضرة امام رضا منقولست که هر که روز بیست و
هشتم ماه رجب را روزه بدارد کفاره نود ساله گناه او گردد
و هر که روز بیست و نهم را روزه بدارد کفاره صد ساله
گناه او باشد و هر که روز سی ام این ماه را روزه دارد حق تعالی
گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و در روز آخر ماه
نماز سلمان سنتست بنحوی که در اول مذکور شد و اگر
احتمال نقصان ماه باشد در روز بیست و نهم نیز احتیاطا
بکند و در کتب دعوات از برای هر شب اینماه نماز مخصوصی
ذکر کرده اند اما چون سند معتبر بنظر نرسید نخواستم که



ایراد

ایراد مینماید بر سبیل الاجمال و اگر کسی بقصد انکه مطلق صلوة
خولبست نکند بدین نیت شب اوّل سی رکعت در هر رکعت
بعد از حمد سه مرتبه جحد یعنی قل یا ایها الکافرون و سه
مرتبه توحید یعنی قل هو الله احد شب دوّیم ده رکعت با
حمد و جحد سیم ده رکعت با حمد و پنج مرتبه سورهٔ اذا جآء
نصر الله در هر رکعت چهارم صد رکعت در هر دو رکعت
در اوّل بعد از حمد قل اعوذ بربّ الفلق و در دوّیم بعد از
حمد بربّ الناس شب پنجم شش رکعت در هر رکعت بعد از
حمد بیست و پنج مرتبه توحید شب ششم دو رکعت در
هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه آیة الکرسی شب هفتم
چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد توحید و معوذتین
هر یک سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه تسبیحات اربع
شب هشتم بیست رکعت در هر رکعت حمد و هر یک از
چهار قل سه مرتبه شب نهم دو رکعت بعد از حمد پنج
مرتبه الهکم التکاثر یازدهم دوازده رکعت بعد از نماز
مغرب با حمد و سه مرتبه سورهٔ توحید شب دوازدهم
دوازده رکعت با حمد و دوازده مرتبه آیة الکرسی شب
سیزدهم دو رکعت با حمد و آیهٔ امن الرسول ده مرتبه
شب چهاردهم ده رکعت در هر دو رکعت در رکعت اوّل



بعد از حمد سورهٔ والعادیات و در دویم سورهٔ الهیکم التکاثر
شب پانزدهم سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ
توحید و آیهٔ قل انما انا بشر مثلکم تا آخر سورهٔ شب شانزدهم
شب هفدهم و شانزدهم و هفدهم سی رکعت با حمد و ده
مرتبه سورهٔ توحید در هر رکعت شب نوزدهم دو رکعت
در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ توحید و معوذتین هر یک
ده مرتبه شب بیستم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد
پانزده مرتبه توحید و آیة الکرسی بیست و یکم دو رکعت
در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه انا انزلناه شب بیست دویم
شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا اعطیناک
الکوثر و ده مرتبه سورهٔ توحید شب بیست سیم هشت رکعت
در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ حمد و هفت مرتبه قل یا
ایها الکافرون و بعد از فارغ شدن ده مرتبه صلوات
بر محمد و آل محمد بفرستند و ده مرتبه استغفار شب بیست ۴
دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سورهٔ والضحی
شب بیست پنجم چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد
آیهٔ آمن الرسول و سورهٔ توحید یک مرتبه شب بیست ششم
بیست رکعت در میان نماز شام و خفتن و در هر رکعت
حمد و آیهٔ آمن الرسول و توحید یک مرتبه شب بیست هفتم

دوازده

دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد چهل مرتبه توحید
شب بیست هشتم بیست و هشتم و بیست و نهم دوازده
رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ اعلی و ده
مرتبه سورهٔ انا انزلناه و بعد از تمام کردن رکعات
صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و صد مرتبه استغفار
شب سی ام ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه
توحید و در هر یک از این نمازها ثواب بسیار مذکور است
و بنابر عدم اعتماد بر سند ذکر نکردم و جمیع نوافل که مذ
کور میشود هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی که طولی
دارد و میان نماز شام و خفتن واقع شده است و باید
بعد از داخل شدن وقت خفتن واقع شود کردنش
خالی از اشکالی نیست لهذا نماز مشهور شب رغائب را
در این رساله ایراد نمودم با آنکه از طریق عامه نقل شده
است و معتبر نیست تمام شد عمل ماه رجب بعون الله

باب دویم

باب دویم در بیان فضائل
و اعمال ماه مبارک شعبان و ایام و لیالی آنست و در آن
نیز پنج فصل است فصل اول در بیان فضیلت این ماه
است و ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه شعبان زیاده از
ماه رجب است و منسوبست بحضرت سید انبیاء صلعم چنانچه که

اعمال ماه شعبان مبارک



از حضرت صادق که چون حضرت رسول و آله ماه شعبان را
مشاهده مینمود امر میفرمود ندا کننده را که ندا کند در میان
مردم که ای اهل مدینه من رسولم از جانب خدا بسوی شما
و میفرماید که شعبان ماه من است خدا رحمت کند کسی را
که یاری کند مرا بر ماه من پس حضرت امیر المؤمنین فرمود
که از روزی که ندای منادی را شنیدم روزهٔ شعبان را
ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم کرد انشاء الله تعالی و
فرمود که روزهٔ ماه شعبان و ماه رمضان توبه ایست از
جانب خدا برای جمیع گناهان و ایضا منقولست از ام سلمه
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هیچ ماه را تمام روزه نمی
داشت مگر ماه شعبان که از او وصل میکرد بماه رمضان
و ایضا منقولست که از آنحضرت سؤال کردند که کدام روزه
از روزهای سنت افضل است فرمود که روزهٔ شعبان برای
تعظیم ماه رمضان و از حضرت امام محمد باقر منقولست که حضرت
رسول شعبان را روزه میداشت و وصل میکرد بماه رمضان
و میفرمود که هر دو ماه خداست و روزهٔ هر دو کفارهٔ گناهان
گذشته و آینده است و ایضا از حضرت باقر منقولست که هر که
ماه شعبان را روزه بدارد او را پاک گرداند از هر لغزشی و از
قسمهای معصیت و قسمهای در وقت غضب و از حضرت



رسالت ص و آله منقولست که ماه شعبان ماهیست شریف
و این ماه منست و حاملان عرش الهی انرا تعظیم مینمایند و حق و
حرمتش را میشناسند و آن ماهیست که زیاد می شود در آن
روزیهای بندگان از برای ماه رمضان و زینت میکنند در آن
بهشت ها را شعبان نام کرده اند برای انکه منشعب و بسیار
میگردد در آن روزیهای مؤمنان و حسنه در این ماه مضاعف
میگردد هفتاد برابر و گناه در آن ریخته میگردد و آمرزیده میشود
و اعمال خیر در آن مقبول میگردد و خداوند جبار نظر میکند
بسوی روزه داران و عبادت کنندگان این ماه پس مباهات
میکند با ایشان با حاملان عرش پس در فضیلت روزهٔ هر روز
این ماه انقدر فرمود که ذکرش موجب تطویل کلام است و بسند
معتبر از حضرت صادق ع منقولست که روزهٔ شعبان ذخیرهٔ بنده
است از برای روز قیامت و هر بنده که در ماه شعبان
روزهٔ بسیار بگیرد حقتعالی امر معیشت او را باصلاح آورد
و کفایت کند شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بروزه دار
روزی از شعبان میدهند انست که بهشت از برای او
واجب گردد و بسندهای معتبر از انحضرت منقولست که
حضرت رسول ص و آله فرمود که شعبان ماه منست و رمضان
ماه خداست پس هر که یک روز از ماه من روزه بدارد

من شفیع او باشم در روز قیامت و هر که دو روز از ماه من
روزه بدارد گناهان گذشته او آمرزیده گردد و هر که سه
روز از ماه من روزه بدارد او را ندا کنند که عمل را از سر
گیر یعنی هیچ گناهی نداری و بسند عالی از حضرت امام رضا
منقولست که هر که یک روز شعبان را از برای خدا روزه
بدارد داخل بهشت شود و هر که در یک روز از شعبان هفتاد
مرتبه استغفار کند در قیامت در زمرهٔ حضرت رسول ص
و آله محشور شود و گرامی داشتن خدا او را واجب گردد و
هر که در شعبان تصدق بکند اگرچه بقدر نصف دانهٔ
خرما باشد خدا بدن او را بر آتش جهنم حرام گرداند و هر که
سه روز از آخر شعبان روزه بدارد و وصل کند بماه رمضان
خدا ثواب روزهٔ دو ماه متصل در نامهٔ اعمال او بنویسد و ابن
بابویه روایت کرده است که از اسامه پرسیدند که کدام
ماه را حضرت رسول ص و آله زیاده از ماههای دیگر روزه می
گرفت گفت ماه شعبان را و میفرمود که مردم از آن غافلند
و ماهیست که در آن ماه عملهای بندگان بسوی خدا بالا
میرود و دوست میدارم که عمل من نیز بالا رود در وقتی که
روزه باشم و ایضا روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند
از روزهٔ رجب فرمود که چرا غافلید از روزهٔ شعبان یعنی

افضل است



افضل است از آن و ایضا روایت کرده است بسند معتبر
از حضرت خیر البشر که فرمود شعبان ماه منست هر که از
ماه من یکروز روزه دارد بهشت او را واجب شود و هر که
دو روز روزه بدارد در قیامت از رفیقان پیغمبران
و صدیقان باشد و هر که تمام ماه را روزه بدارد و پیوند
کند بماه رمضان توبه او باشد از هزار گناه کوچک و بزرگ
هرچند داخل خون حرام شده باشد که او را نفع میدهد
و بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده است که هر که
سه روز از ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب
کند و رسول خدا شفیع او باشد در قیامت و ایضا بسند
بسیار معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که چون
ماه شعبان داخل میشد حضرت امام زین العابدین اصحاب
خود را جمع مینمود و میفرمود که ای گروه اصحاب من می
دانید اینچه ماهیست این ماه شعبانست و حضرت رسول
و آله میفرمود که شعبان ماه منست پس روزه بدارید
در این ماه از برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی
خداوند خود بحق آن خداوندی که جان علی بن الحسین
بدست اوست سوگند یاد میکنم که شنیدم از پدرم علی
حسین بن علی که گفت شنیدم از حضرت امیر المؤمنین ص



که هر که روزه دارد شعبان را از برای محبت پیغمبر خدا و از
برای تقرب بخدا خدا او را دوست دارد و نزدیک کرداند
بکرامت خود در روز قیامت و بهشت واجب کرداند
از برای او و ایضا از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که
حضرة رسول ص و اله فرمود که شعبان ماه منست و ماه رمضان
ماه خداست پس هر که ماه مرا روزه بدارد من شفاعت کنم
او را در روز قیامت و هر که روزه بدارد ماه خدا را حق تعالی
مونس او کرداند در وحشت قبر او و او را تنها نگذارد و از قبر
بیرون اید در قیامت با روی سفید نورانی و نامه عمل او را
بدست او دهند و نامه مخلد بودن در بهشت را بدست
چپ او دهند تا انکه او را نزد عرش الهی حاضر سازند پس
حقتعالی او را ندا کند که ای بنده من او بکوید لبیک ای خدا
وند من پس خدا فرماید که روزه داشتی از برای من کوید
بلی اقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملائکه را که بگیرید
دست بنده مرا و ببرید نزد پیغمبر من پس بیاورند او را نزد
من من او را بکویم که روزه داشتی او بکوید بلی من بکویم با او که
امروز شفاعت تو میکنم پس حقتعالی فرماید که من حقوق
خود را به بنده خود بخشیدم اما حقوق خلق هر که از او
عفو کند من انقدر عوض باو دهم که او راضی شود پس

او را بکیرم

اورا بگیرم و بیاورم نزد صراط پس بینم که صراط لغزنده
است و میلرزد و پای گناهکاران بران بند نمیشود
پس دستش اورا بگیرم پس ملکی که موکّل است بر صراط
گبیست اینم پس من گویم اینفلان کس از امّت من که در دنیا ماه
مرا روزه گرفته است باُمید شفاعت من و ماه خدارا
روزه داشته است از برای طلب وعدهٔ خدا پس اورا از
صراط بگذرانم بعفو خدا تا انکه اورا بد بهشت برسانم
پس رضوان گوید که امروز روزیست که درزا برای
امّت تو میگشایم و اورا داخل بهشت کنم پس حضرت
امیر المؤمنین فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت
تا بیاشامید شراب سر بمهر بهشت **فصل دویم** در بیان
اعمال هر روز ماه شعبان است بسند معتبر منقولست
از حضرة امام رضا که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان
استغفار کند گناهانش امرزیده شود اگرچه بعدد ستار
های اسمان باشد و در کتاب حسین ابن سعید از حضرت
صادق منقولست که حضرة رسول واله فرمود که شعبان
ماه منست پس در اینماه بسیار بفرستید صلوات بر من
و بر ال من و شعبان ماه شفاعت میگویند زیرا که پیغمبر
شما شفاعت میکند کسیرا که در اینماه صلواة بر او و بر ال

در بیان اعمال هر روز ماه شعبان است



بفرستند و از حضرت صادق منقولست که بهترین دعاها
در ماه شعبان استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان
استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماههای
دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار کرده باشد مردی پرسید
که چگونه بگویم اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ و بسند
فرمود که بگوید (طلب آمرزش میکنم از خدا و درمیخواهم از او توبه) معتبر از
حضرت امام منقولست که هر که در هر روز از ماه شعبان هفتاد
مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ بنویسد حق تعالی
بگوید (طلب آمرزش میکنم از خدا و درمیخواهم از او توبه) برای او برات بیزاری
از آتش جهنم و بگذراند او را از صراط و داخل بهشت
گرداند او را و بسندهای معتبر منقولست که هر که در هر
روز از ماه شعبان هفتاد اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
مرتبه بگوید (طلب آمرزش میکنم از خدائی را که نیست سزاوار پرستش بغیر او)
الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ حقتعالی روح او را
(بخشنده مهربان زنده پاینده و رجوع میکنم بسوی او) در افق مبین جا
دهد و آن فضای وسیعیست در پیش عرش و در آن نهرها
جاریست و قدحها در کنار آن نهر است بعدد ستارهای
آسمان و در بعضی از روایات الحی القیوم پیش از الرحمن
الرحیم است و هر دو خوبست و بسند معتبر منقولست که

حضرت

حضرة امام زین العابدین ع در هر روز از ماه شعبان در وقت
زوال و در شب نیمهٔ آن اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد
این صلوات را میخواندند بار خدایا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد
شجرة النّبوة وموضع الرّسالة ومختلف الملائكة ومعدن
درخت پیغمبری و جایگاه رسالت و محل آمد و شد فرشتگان و دارا
العلم واهل بيت الوحي اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد
دانش و خانواده وحی خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد
الفلك الجارية في اللّجج الغامرة يأمن من ركبها ويغرق من
کشتیهای روان در دریاهای فرا پوشنده ایمن است هر که سوار شود و غرق شود
تركها المتقدّم لهم مارق والمتأخّر عنهم زاهق واللّازم
آنکه واگذارد آنرا پیش گیرنده مر ایشان را مرتد است و باز پس مانده از ایشان نیست شونده
لهم لاحق اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد الكهف الحصين و
مر ایشان را در پیوسته خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد پناه گاه محکم و
غياث المضطرّ المضطرين والمساكين المستكين وملجأ
فریادرس درماندهٔ درماندگان و مساکین فروتنی کننده و پناه گاه
الهاربين ومنجا الخائفين وعصمة المعتصمين اللّهمّ
گریزندگان و رستن گاه ترسندگان و نگاه دارنده چنگ در زنندگان
صلّ على محمّد وآل محمّد صلوة كثيرة طيّبة تكون لهم
رحمت بفرست بر محمد و آل محمد رحمت بسیار پاکیزه که شود مر ایشان



رِضاً وَفِي حَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَداءً وَقَضاءً بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ يا

خوشنودی ودر حق محمد وآل محمد را رسانیدن وبجا آوردن بقدرت وتوانائی

رَبَّ الْعالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الْاَبْرارِ

پروردگار جهانیان خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد پاکان نیکان

الْاَخْيارِ الَّذِينَ اَوْجَبْتَ لَهُمْ حُقُوقَهُمْ وَفَرَضْتَ طاعَتَهُمْ

نیکوکاران که واجب کرده برای ایشان حقوق ایشان را ولازم کرده

وَوِلايَتَهُمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطاعَتِكَ

ودوستی ایشان را خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وآباد کن دل مرا بفرمان برداری

وَلا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَارْزُقْنِي مُواساةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ

وخوار مکن مرا بسبب نافرمانی خود وروزی کن مرا برابری کسی که تنگ کرده بر او

مِنْ رِزْقِكَ بِما وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ

از روزی خود بانچه گشاده بر من از فضل خود وپهن کرده بر من از عدالت خود

وَاَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ وَهٰذا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ

وزنده داشته مرا در زیر سایه خود واین ماه ماه پیغمبر تست بزرگ فرستادگان تو

صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَعْبانُ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ

رحمتهای تو بر او وآل او باد شعبانست که فرو گرفته آن را از لطف خود

بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ الَّذِي كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

برحمت وخوشنودی آن ماهی که بود رسول خدا رحمت فرستد خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْاَبُ فِي صِيامِهِ وَقِيامِهِ فِي لَيالِيهِ

بر او که کوشش می نمود در روزه داشتن خود در شبهای آن

وایامه



وَاَيّامِهِ تَخَوُّعاً لَكَ فى اِكْرامِهِ وَاِعْظامِهِ اِلى مَحَلِّ حِمامِهِ

در روزهاى او بجهة فروتنى براى تو در گرامى داشتن آن و بزرگ شمردن آن تا هنگام مردن

اَللّهُمَّ فَاَعِنّا عَلَى الْاِسْتِنانِ بِسُنَّتِهِ فيهِ وَنَيْلِ الشَّفاعَةِ

خداوندا پس يارى كن ما را بر راه رفتن بطريقه او در آن و رسيدن شفاعت

لَدَيْهِ اَللّهُمَّ فَاجْعَلْهُ لى شَفيعاً مُشَفَّعاً وَطَريقاً اِلَيْكَ

نزد او خداوندا پس بگردان او را براى من شفاعت كننده پذيرفته شده شفاعت او و راه

مَهْيَعاً وَاجْعَلْنى لَهُ مُتَّبِعاً حَتّى اَلْقاكَ يَوْمَ الْقِيامَةِ عَنّى

راه روشن و وسيع و بگردان مرا براى او پيرو تا آنكه ملاقات كنم ترا در روز قيامت در حالتى

راضِياً وَعَنْ ذُنُوبى غاضِياً قَدْ اَوْجَبْتَ لى مِنْكَ الرَّحْمَةَ

كه باشى از من خوشنود و از گناهان من درگذرنده و بتحقيق واجب ساخته باشى براى من رحمت

وَالرِّضْوانَ وَاَنْزَلْتَنى دارَ الْقَرارِ وَمَحَلَّ الْاَخْيارِ وَسَيِّدُ

و خوشنودى را و فرود آورده باشى مرا در سراى بقا و در جايگاه نيكوكاران

طاوس

ره بسند معتبر از ابن خالويه روايت كرده است كه اين منا
جات حضرت امير المؤمنين و ساير امامان از فرزندان او
صلوات الله عليهم كه در شعبان ميخوانده اند اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعائى اِذا دَعَوْتُكَ وَاسْمَعْ نِدائى اِذا نادَيْتُكَ وَاَقْبِلْ عَلَىَّ اِذا ناجَيْتُكَ

محمد و بشنو دعاى مرا هرگاه بخوانم ترا و بشنو نداى مرا هرگاه ندا كنم ترا و رو كن

فَقَدْ هَرَبْتُ اِلَيْكَ وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكيناً لَكَ

بتو پس بتحقيق كه گريخته ام بسوى تو و ايستاده ام در پيش تو





منتضرعاً اليك راجياً لما لديك ثوابي و تعلم ما في نفسي و
زاری کننده بسوی تو امیدوار بجهت آنچه نزد تو است ثواب خود را و میدانی آنچه را که در نفس
تخبر حاجتي و تعرف ضميري و لا يخفى عليك امر منقلبي و مثواي
و خبر داری حاجت مرا و میدانی آنچه را که نهانست در دل من و پوشیده نیست بر تو حال بازگشت
و ما اريد ان ابدئ به من منطقي و اتفوه به من طلبتي و
و آرامگاه من و آنچه خواهم که ابتدا کنم بآن از سخن خود و متفوه شوم بآن از حاجت خود و
ارجوه لعاقبتي و قد جرت مقاديرك علي يا سيدي فيما
امید دارم آنرا بجهت عاقبت خود و بتحقیق روان شده اندازهای تو بر من ای آقای
يكون مني الى آخر عمري من سريرتي و علانيتي و بيدك
در آنچه میشود از من تا انجام زندگانی من از نهانی من و آشکارائی من و بدست تو است
لا بيد غيرك زيادتي و نقصي و نفعي و ضري الهي ان
نه بدست غیر تو است افزونی من و کمی من و سود من و زیان من خدای من اگر
حرمتني فمن ذا الذي يرزقني و ان خذلتني فمن ذا الذي
نا امید کنی مرا پس کیست آنکه روزی دهد مرا و اگر خوار گردانی مرا پس کیست آنکه یاری کند
ينصرني الهي اعوذ بك من غضبك و حلول سخطك
مرا خدای من پناه میگیرم بتو از خشم تو و فرود آمدن غضب تو
الهي ان كنت غير مستأهل لرحمتك فانت اهل ان
خدای من اگر بوده باشم نالایق نباشم برای رحمت تو پس تو سزاواری برای آنکه
تجود علي بفضل سعتك الهي كأني بنفسي واقفة بين
بخشش نمائی بر من بزیادتی گشایش خود خدای من گویا من نفس خود را ایستاده در میان

یدیک

بدیك وقد اظلها حسن توكلی علیك ففعلت ما انت اهله

و حال آنکه سایه افکنده بر آن نیکوئی اعتمادم بر لطف تو پس کردی تو آنچه را که سزاوار

وتغمدتنی بعفوك الهی ان عفوت فمن اولی منك بذلك

و پوشانیدی مرا بعفو خود خدای من اگر در گذری پس کیست از تو سزاوارتر بآن و اگر

وان كان قد دنا اجلی ولم یدننی منك عملی فقد

بتحقیق نزدیک شده باشد اجل من و نزدیک نگردانیده باشد مرا بتو کردار

جعلت الاقرار بالذنب الیك وسیلتی الهی قد جرت

پس بتحقیق گردانیدم اقرار بگناه را بسوی تو وسیله خود خدای من بتحقیق ستم

علی نفسی فی النظر لها فلها الویل ان لم تغفر لها الهی

کردم بر نفس خود در نگریستن آن پس وای مر او را اگر نیامرزی او را خدای من

لم یزل برك علی ایام حیوتی فلا تقطع برك عنی فی مماتی

همیشه بوده است نیکوئی تو بر من در روزگار زندگانی من پس مبر نیکوئی خود را از من در

الهی كیف ایس من حسن نظرك لی بعد مماتی وانت لم

خدای من چگونه ناامید شوم از نیک نگریستن تو مرا پس از مردنم و حال آنکه

تولنی الا الجمیل فی حیوتی الهی تول من امری ما انت

تو نکردی نسبت بمن مگر نیکی در هنگام زندگانی من خدای من بکن از امر من آنچه تو

اهله وعد بفضلك علی مذنب قد غمره جهله الهی

سزاوار آنی و مهربانی کن بفضل خود بر گناهکاری که بتحقیق فرو پوشیده او را نادانی

قد سترت علی ذنوبا فی الدنیا وانا احوج الی سترها

بتحقیق پوشاندی بر من گناهان در دنیا و من محتاج ترم بپوشیدن آن



على منك في الاخرى الهي قد احسنت الي اذ لم تظهرها
بر من از تو در عقبی خدای من بتحقیق نیکوئی کردی بمن چون ظاهر نکردی

لاحد من عبادك الصالحين فلا تفضحني يوم القيامة
برای هیچیک از بندگان شایسته خود پس رسوا مکن مرا در روز قیامت

على رؤس الاشهاد الهي جودك بسط املي وعفوك افضل
بر حضور گواهان خدای من بخشش تو گشاده کرد امید مرا و درگذشتن تو بهتر است

الهي فسرني بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك الهي
خدای من پس شاد کن مرا بملاقات خود در روزی که حکم میکنی در آن روز میان بندگان خود

اعتذاري اليك اعتذار من لم يستغن عن قبول عذره
عذرخواهی من بسوی تو عذرخواهی کسی است که بی نیاز نباشد از پذیرفتن عذرش

فاقبل عذري يا اكرم من اعتذر اليه المسيئون
پس بپذیر عذر مرا ای بزرگوارترین کسی که عذرخواهی نمایند بسوی او بدکاران

الهي لا ترد حاجتي ولا تخيب طمعي ولا تقطع منك
خدای من رد مکن حاجت مرا و ناامید مکن طمع مرا و مبر از خود

رجائي واملي الهي لو اردت فضيحتي لم تعافني الهي
امید مرا و آرزوی مرا خدای من اگر میخواستی رسوائی مرا عافیت نمیدادی مرا

ما اظنك تردني في حاجة قد افنيت عمري في طلبها
گمان نمیبرم ترا که رد کنی مرا در حاجتی بتحقیق به پایان رسانیدم عمر خود را در طلب آن

منك الهي فلك الحمد ابدا ابدا دائما سرمدا يزيد
از تو خدای من پس مر تراست ستایش همیشه همیشه پیوسته [illegible] افزایش کند

ولا

وَلَا يَنْفَدُ كَمَا يُحِبُّ وَتَرْضَى اِلٰهِي اِنْ اَخَذْتَنِي بِجُرْمِي اَخَذْتُكَ

و قطع نگردد چنانچه تو دوست داری و پسندی ای خدای من اگر فرا گیری مرا بجنایت من فرا میگیرم ترا

بِعَفْوِكَ وَاِنْ اَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي اَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَ

بعفو تو و اگر فرا گیری مرا بگناهان من فرا میگیرم ترا بآمرزش تو و

اِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ اَعْلَمْتُ اَهْلَهَا اِنِّي اُحِبُّكَ اِلٰهِي

اگر داخل کنی مرا در آتش آگاه میکنم اهل آتش را اینکه بتحقیق دوست میدارم ترا خدای من

اِنْ كَانَ صَغُرَ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ

اگر بوده باشد که خورد باشد در جنب طاعت تو که داری کردارم پس بتحقیق بزرگ

فِي جَنْبِ رَجَائِكَ اَمَلِي اِلٰهِي كَيْفَ اَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ

در جنب امید من از تو امید من خدای من چگونه برگردم از نزد تو

بِالْخَيْبَةِ مَحْرُومًا وَقَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ اَنْ تَقْلِبَنِي

با نومیدی و محرومی و حال آنکه بتحقیق بود نیکوئی گمان من ببخشش تو اینکه برگردانی

بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا اِلٰهِي وَقَدْ اَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي شِرَّةِ

مرا با رستگاری در رحم کرده شده خدای من و بتحقیق بپایان رسانیدم عمر خود را در نشاط

السَّهْوِ عَنْكَ وَاَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ

یا حرص بی خبری از تو و کهنه ساختم جوانی خود را در مستی جدائی از تو

مِنْكَ اِلٰهِي فَلَمْ اَسْتَيْقِظْ اَيَّامَ اِغْتِرَارِي بِكَ وَرُكُونِي

از تو خدای من پس بیدار نشدم در روزگار فریفتگی من بتو و مایل شدنم

اِلَى سَبِيلِ سَخَطِكَ اِلٰهِي وَاَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ

بسوی راه خشم تو خدای من و من بنده تو و پسر بنده تو ام



فأنا بين يديك متوسل بكرمك إليك إلهي أنا عبد أتنصل

ایستاده ام نزد تو توسل جوینده ام بکرم تو بسوی تو خدای من منم بنده ام عذر

إليك مما كنت أواجهك به من قلة استحيائي من نظرك

میخواهم بسوی تو از آنچه بودم که مواجه میکردم ترا بآن از اندکی شرمم از اطلاع تو

وأطلب العفو منك إذ العفو نعت من كرمك إلهي لم

و سؤال میکنم در گذشتن را از تو زیرا که در گذشتن وصفیست برای بزرگواری تو خدای من

يكن لي حول فأنتقل به عن معصيتك إلا في وقت

مرا توانائی پس بگردم بسبب آن از نافرمانی تو مگر در وقتی

أيقظتني لمحبتك وكما أردت أن أكون كنت فشكرتك

بیدار کنی مرا بجهة دوستی خود که چنانچه بخواهی آنچه باشم بشوم پس شکر کنم ترا

بإدخالي في كرمك ولتطهير قلبي من أوساخ الغفلة

داخل گردانیدن تو مرا در کرم خود و بجهة پاک گردانیدن دل مرا از چرکهای غفلت

عنك إلهي انظر إلي نظر من ناديته فأجابك واستعملته

از تو خدای من بنگر بسوی من مانند نگریستن کسی که خواندی او را پس اجابت کرد

بمعونتك فأطاعك يا قريبا لا يبعد عن المغتر به ويا

بیاری خود پس فرمان برد ترا ای نزدیکی که دور نمیشود از فریفته بخود وای بخشنده که

جوادا لا يبخل عمن رجا ثوابه إلهي هب لي قلبا يدنيه

بخل نمیورزد از کسی که امید داشته باشد ثواب او را خدای من ببخش مرا دلی که نزدیک گرداند او را

منك شوقه ولسانا يرفع إليك صدقه ونظرا يقربه

بسوی تو شوق او و زبانی که بلند شود بسوی تو راستی او و نظری که نزدیک گرداند او را

منك

منك حقه الهی ان من تعرف بك غير مجهول ومن لاذ بك

مرا بتو درستی او خدایم بدرستیکه اگر شناخته شد بتو نیست مجهول واگر پناه گیرد بتو

غير مخذول ومن اقبلت عليه غير مملوك الهی ان من انتهج بك

نیست خوار گذاشته واگر رو کردی تو براو نیست مغلوب خدایا بتحقیق راه یابد

لمستنير وان من اعتصم بك لمستجير وقد لذت بك

هر اینه روشنی یافته و بتحقیق کسی که چنگ درزند بتو هر آینه پناه جوینده است و بتحقیق

يا الهی فلا تخيب ظنی من رحمتك ولا تحجبنی عن رافتك

ای خدایم پس نا امید مکن گمان مرا از رحمت خود و منع مکن مرا از مهربانی خود

الهی اقمنی فی اهل ولايتك مقام من رجا الزيادة من

خدایا بپا دار مرا در میان دوستان خود در جایگاه کسی که امید داشته باشد زیادتی

محبتك الهی والهمنی ولها بذكرك الی ذكرك واجعل همتی الی

دوستی ترا خدایا والهام کن مرا دلباختگی بیاد خود واز سرگشته شدن بسبب یاد کردن تو بسوی یاد کردن تو

روح نجاح اسمائك ومحل قدسك الهی بك عليك

راحت فیروزی نامهای خود وجایگاه قدس خود خدایا بذات تو قسم میدهم بر ذات تو

الا الحقتنی بمحل اهل طاعتك والمثوی الصالح

اگر برسانی مرا بجایگاه فرمانبرداران خود و آرامگاه شایسته و

من مرضاتك فانی لا اقدر لنفسی دفعا ولا املك

از خشنودی خود زیرا که بتحقیق من توانا هستم برای نفس من دفع کردن را و مالک

لها نفعا الهی انا عبدك الضعيف المذنب ومملوكك المنيب

برای او نفعی را خدایم بنده تو ام ای بنده ناتوان گناهکار و بنده تو ام آن بنده



المعيب فلا تجعلني ممن صرفت عنه وجهك وحجبه
ناپسند پس مگردان مرا از آنکه گردانیده از او روی خود را و منع نموده او را
سهوه عن عفوك الهي هب لي كمال الانقطاع اليك
غفلت او را از عفو تو خدای من ببخش مرا کمال بریدگی بسوی خود
وانر ابصار قلوبنا بضياء نظرها اليك حتى تخرق
و روشن کن دیده های دلهای ما را بروشنائی نگریستن آنها بسوی تو تا آنکه بدرند
ابصار القلوب حجب النور فتصل الى معدن العظمة
دیده های دلها حجابهای نور را پس برسد بسوی قرارگاه بزرگواری
ارواحنا معلقة بعز قدسك الهي واجعلني ممن ناديته
ارواح ما آویخته بعزت پاکی تو خدای من و بگردان مرا از آنکه خواندی
فاجابك ولاحظته فصعق لجلالك فناجيته سرا
پس اجابت نمود ترا و نگریستی باو پس بیهوش شد بجهت بزرگواری تو پس راز گفتی
وعمل لك جهرا الهي لم اسلط على حسن ظني قنوط
و کار کرد برای تو آشکارا خدای من مسلط نمی سازم بر نیکوئی اعتقاد خود شدت
الاياس ولا انقطع رجائي من جميل كرمك الهي ان
نومیدی را و بریده نشده امید من از کرم نیک تو خدای من اگر
كانت الخطايا قد اسقطتني لديك فاصفح عني بحسن
بوده باشد گناهان بتحقیق انداخته باشد مرا نزد تو پس درگذر از من بسبب
توكلي عليك الهي ان حطتني الذنوب من مكارم لطفك
اعتماد من بر تو خدای من اگر پست کرده باشد مرا گناهان از مکارم مهربانی تو

فقد نبهنی الیقین الی کرم عطفک الهی ان انامنی

پس بتحقیق بلند کرد مرا جزم داشتن بسوی بزرگی لطف تو خدای من اگر خوابانیده

الغفلة عن الاستعداد للقائک فقد نبهنی

بی خبری از آماده شدن برای ملاقات تو پس بتحقیق بیدار کرد مرا

المعرفة بکرم آلائک الهی ان دعانی الی النار عظیم

شناختن بزرگی نعمتهای تو خدای من اگر بخواند مرا بسوی دوزخ عقاب

عقابک فقد دعانی الی الجنة جزیل ثوابک الهی

بزرگ تو پس بتحقیق میخواند مرا بسوی بهشت ثواب فراخ تو خدای من

فلک اسئل والیک ابتهل وارغب واسئلک

پس ترا سوال میکنم و بسوی تو تضرع مینمایم و رغبت میکنم که از حضرت تو

ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعلنی ممن یدیم

بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی مرا از آنکه همیشه دارند

ذکرک ولا ینقض عهدک ولا یغفل عن شکرک

یاد ترا و نشکنند پیمان ترا و غافل نشوند از سپاس گذاری ترا

ولا یستخف بامرک الهی والحقنی بنور عزک الابهج

و سبک نشمارند فرمان ترا خدای من و برسان مرا برکشنده عزت تو که

فاکون لک عارفا وعن سواک منحرفا ومنک خائفا

پس بوده باشم مر ترا شناسا و از غیر تو میل کننده و از تو ترسان

مراقبا یا ذا الجلال والاکرام وصلی الله علی محمد

بیمناک ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و رحمت فرستد خدا بر محمد



رسوله وآله الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا و این از
فرستاده تو و خاندان او که پاکانند درود فرستد درود بسیار
جلیل القدر است و بر مضامین مشتملست و در همه
اوقات که حضور قلبی باشد خواندن آن مناسبست و
از حضرت رسول منقولست که هر که در مجموع ماه شعبان
هزار مرتبه لا اله الا الله ولا نعبد الا ایاه مخلصین
بگوید نیست سزاوار پرستش مگر خدا و نمیپرستیم مگر او را در حالتی خالص کنندگانیم
له الدین ولو کره المشرکون حقتعالی عبادت هزار ساله
برای او دین را و هر چند ناخوش دارند برای او کافران در نامه عمل وی بنویسد و گناه
هزار ساله از او محو کند و از قبر بیرون آید با روی نورانی
مانند ماه شب چهارده و او را صدیق بنویسند و بسند معتبر
منقولست که از حضرت صادق ع سؤال کردند از فضیلت
روزه رجب فرمود چرا غافل گردیده اید از روزه شعبان
راوی گفت یا ابن رسول الله چه ثواب دارد کسی که یکروز
از شعبان را روزه دارد گفت والله بهشت ثواب اوست گفت
یا ابن رسول الله بهترین اعمال در این ماه چیست فرمود تصدق
کردن و طلب آمرزش کردن هر که در این ماه تصدقی بکند
حقتعالی او را تربیت میکند چنانکه یکی از شما شتربچه
خود را تربیت کند تا آنکه در قیامت مانند کوه احد

بصاحبش

صاحبش برسد **فصل پنجم** در فضایل و اعمال ایام مخصوص
اول ماه شعبان تا ایام البیض بسندهای معتبر منقولست از
حضرت صادق ع که هر که روز اول شعبان را روزه دارد بهشت
او را واجب کرد البته و از حضرت امام رضا ع منقولست
استحباب روزه سه روز اول و سه روز میان و سه روز
آخر ماه و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که رسول خدا
فرمود که در هر پنجشنبه ماه شعبان زینت میکنند آسمانها
را پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران
این روز را و دعای ایشانرا مستجاب گردان و روز سیم ماه شعبان
روز بسیار مبارکیست و موافق مشهور روز ولادت حضرت
امام حسین ع است و از حضرت صاحب الامر فرمانی بیرون آمد که
روز سیم ماه شعبان روز ولادة حضرت امام حسین ع است
پس روزه بدارید و این دعا را بخوانید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فی
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق آنکه متولد شده در
هٰذَا الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ وَوِلادَتِهِ
این روز وعده داده شده بشهادت خود پیش از بهلال خود و ولادت خود
بَكَتْهُ السَّماءُ وَمَنْ فیها وَالْاَرْضُ وَمَنْ عَلَیْها وَلَمّا یَطَأْ
گریست بر او آسمان و آنکه در آسمان است و زمین و هر که بر زمین است و حال آنکه هنوز
لابَتَیْها قَتیلِ الْعَبْرَةِ وَسَیِّدِ الْاُسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ یَوْمَ
در سنگستان او شهید دیده و بزرگ قوم و کرده شده و یاری در روز



الكَرَّةَ المُعَوَّضَ مِن قَتلِهِ اَنَّ الاَئِمَّةَ مِن نَسلِهِ وَالشِّفاءَ
رجعت عوض داده شده از کشته شدن خود اینکه پیشوایان از فرزندان اویند و شفا
فِي تُربَتِهِ وَالفَوزَ مَعَهُ فِي اَوبَتِهِ وَالاَوصِياءَ مِن عِترَتِهِ
در خاک مدفن اوست و رستگارند با وی در وقت بازگشت او و اوصیا از فرزندان او
بَعدَ قائِمِهِم وَغَيبَتِهِ حَتّى يُدرِكُوا الاَوتارَ وَيَثأَرُوا
پس از ظهور قائم ایشان و غیبت او تا اینکه دریابند خونها را و مطالبه کنند
الثّارَ وَيُرضُوا الجَبّارَ وَيَكُونُوا خَيرَ اَنصارٍ صَلَّى اللهُ
خون را و خوشنود سازند خدای غالب را و بوده باشند بهترین یاوران رحمت فرستد خدا
عَلَيهِم مَعَ اختِلافِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ اَللّهُمَّ فَبِحَقِّهِم اِلَيكَ
بر ایشان با آمد و شد شب و روز بار خدایا پس بحق ایشان بسوی تو
اَتَوَسَّلُ وَاَسأَلُ سُؤالَ مُقتَرِفٍ وَمُعتَرِفٍ مُسِيءٍ اِلى نَفسِهِ مِمّا
توسل میجویم و در خواست میکنم مانند سؤال کنندگان و اعتراف کننده بد کننده بسوی خود از تقصیر
فَرَّطَ فِي يَومِهِ وَاَمسِهِ يَسأَلُكَ العِصمَةَ اِلى مَحَلِّ رَمسِهِ
در این روز خود و روز گذشته خود در خواهد از تو عصمت را بسوی جایگاه دفن
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَعِترَتِهِ وَاحشُرنا فِي زُمرَتِهِ وَبَوِّئنا
خداوندا رحمت فرست بر محمد و خویشان نزدیک او و برانگیز ما را در گروه ایشان
مَعَهُ دارَ الكَرامَةِ وَمَحَلَّ الاِقامَةِ اَللّهُمَّ وَكَما اَكرَمتَنا
برای ما سرای نوازش را و جایگاه درنگ را خداوندا چنانچه گرامی داشتی
بِمَعرِفَتِهِ فَاَكرِمنا بِزُلفَتِهِ وَارزُقنا مُرافَقَتَهُ وَسابِقَتَهُ
بشناختن او پس گرامی دار ما را نیز بنزدیکی او و روزی ما را رفاقت او و پیشی گرفتن



وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ وَيُكْثِرُ الصَّلَوٰةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ

وبگردان ما را از آنانکه گردن نهند برای فرمان او و بسیار فرستند رحمت بر او نزد ذکر او

وَعَلَىٰ جَمِيعِ أَوْصِيَائِهِ اصْطِفَائِهِ الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ

و بر همه اوصیای او و برگزیدگان او که کشیده شده اند از لطف تو بعدد

الاِثْنَيْ عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهَرِ وَالْحُجَجِ عَلَىٰ جَمِيعِ الْبَشَرِ اللّٰهُمَّ

دوازده ستارگان درخشان حجتها بر همه آدمیان خداوندا

هَبْ لَنَا فِي هٰذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهِبَةٍ وَأَنْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ

ببخش ما را در این روز بهترین بخششی و برآور برای ما در این روز هر حاجت

كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَعَاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ فَنَحْنُ

چنانچه بخشیدی حسین را به محمد جد او و پناه گرفت فطرس به گهواره او پس ما

عَائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَنَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ

پناه گیرندگانیم بقبر او پس از او حاضر می شویم قبر او را و انتظار میکشیم رجعت او را

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ وزیارة الحضرة وغسل زیارة در این روز

اجابت کن ای پروردگار جهانیان مستحب است وکیفیت زیارة بعد از این

مذکور خواهد شد انشاء الله وشیخ طوسی ره روایتی نقل

کرده است که حضرة امام حسین در روز پنجم اینماه متولد

شده است اگر احتیاطا هر دو روز را حرمت بدارند و

واعمال او را در این روز نیز بعمل آورند خصوصا زیارة حضرت و ایضا

شیخ بسند معتبر از حضرة صادق ع روایت کرده است که حضرة



امیر المؤمنین در روز هفتم ماه شعبان متولد شده است
اگرچه خلاف مشهور است چنانچه در ماه رجب مذکور
شد اما بروفق این روایات گر روزه و زیارة الحضرة و سایر
اعمال خیر در این روز بعمل آورند مناسبست **فصل چهارم**
در اعمال ایام البیض ماه شعبانست اعنی سیزدهم وچهاردهم
و پانزدهم در اعمال ماه رجب مذکور شد که سنتست که
در شب سیزدهم دو رکعت و در شب چهاردهم چهار رکعت
و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورند و در هر رکعت بعد از
حمد سورهٔ یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد
بخوانند و در نماز سنت سورها گر از حفظ نتواند خواند از روی
قران میتوان خواند و روزهٔ این سه روز سنتست و فضایل
و اعمال شب پانزدهم زیاده از انست که در این رساله احصا
توان نمود و اکتفا مینمائیم بانچه صحیح تر است از حضرت
امیر المؤمنین منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمود
که چون شب نصف شود شبش را بعبادة بایستید و روزش
را روزه بدارید بدرستی که از اول تا آخر این شب از جانب
حق تعالی ندا میرسد که آیا استغفار کنندهٔ هست که طلب
امرزش کند از گناهان خود و ما گناهان او را بیامرزیم
آیا کسی هست که از ما طلب روزی کند تا ما روزی او

اعمال نصف شعبان



فراخ

فراخ کرداینم وغسل در اینشب سنتست وازحضرة صادق
منقولست که روزه بدارید ماه شعبانرا ودرشب نیمه آن
غسل کنید که باعث تخفیف گناهان شما باشد ورحمت الهی
شما را دریابد وازجملهٔ اعمال اینشب زیارت حضرة امام حسین
وازحضرة امام زین العابدینع منقولست که هرکه خواهد با
او مصافحه کنند روح صد وبیست وچهار هزار پیغمبر پس زیا
رات کند حضرة امام حسین را درشب نصف شعبان زیرا
که ملائکه وپیغمبران در اینشب ازخدا رخصت مطلبند که
بزیارة انحضرة بیایند پس خوشا حال کسی که این بزرگواران
با او مصافحه کنند وازجمله ایشانند پنج پیغمبر اولی العزم نوح
وابرهیم وموسی وعیسی ومحمدص که مبعوث گردیده اند بمشرق و
مغرب زمین وجنیان وادمیان وازحضرة صادقع منقولست که
درشب نیمه شعبان میامرزند جمیع گناهان کسی را که انحضرة
را زیارة کند در انشب واقل زیارت انست که ببالای بامی
کشاده در اید وبجانب راست اسمان وبجانب چپ وبالا
سر نظر کند پس بانگشت اشاره کند السلام علیک یا
بجانب راست قبله و بگوید درود بر تو باد ای
اباعبدالله السلام علیک یابن رسول الله السلام



اباعبدالله درود بر تو باد ای فرزند رسول خدا درود بر تو

عليك ورحمة الله وبركاته واگر یکی از زیارات مبسوطه

بر تو باد ورحمت خدا وبرکتهای او را بعمل آورد بهتر است واز

انها این السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله السلام

است سلام بر تو ای میراث برنده آدم برگزیده خدا سلام

عليك يا وارث آدم صفوة الله السلام عليك يا وارث

بر تو باد ای میراث برنده برگزیده خدا درود بر تو باد ای میراث

نوح نبي الله السلام عليك يا وارث ابرهيم خليل الله

پیغمبر تو خدا سلام بر تو باد ای میراث برنده ابراهیم دوست خدا

السلام عليك يا وارث موسى كليم الله السلام عليك

سلام بر تو ای میراث برنده هم سخن خدا سلام بر تو باد

يا وارث عيسى روح الله السلام عليك يا وارث محمد

ای میراث برنده عیسی روح خدا سلام بر تو باد ای میراث برنده محمد ص

حبيب الله السلام عليك يا وارث امير المؤمنين ولي الله

دوست خدا سلام بر تو باد ای وارث پادشاه گروندگان

السلام عليك يا ابن محمد المصطفى السلام عليك يا ابن

سلام بر تو باد ای پسر محمد برگزیده خدا سلام بر تو باد ای پسر

علي المرتضى السلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء السلام

علی پسندیده سلام بر تو باد ای پسر فاطمه زهرا سلام

عليك يا ابن خديجة الكبرى السلام عليك يا ثار الله

بر تو باد ای فرزند خدیجه کبری سلام بر تو باد ای خون خدا

وابن

و فرزند

وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوٰةَ

و فرزند خون خدا و ای خون صاحب خون گواهی میدهم اینکه بتحقیق تو بر پا داشتی نماز

وَ اٰتَيْتَ الزَّكوٰةَ وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ

و عطا فرمودی زکوات را و امر فرمودی بنیکی و منع کردی از هر زشتی و

اَطَعْتَ اللهَ وَ رَسُولَهُ حَتّٰى اَتاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً

فرمان بردی خدا و رسول او را تا آنکه آمد ترا موت پس دور کند خدا گروهی را

قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً (ظَلَمَتْكَ وَ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً) سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ يا مَوْلاىَ

که ستم کردند و کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که شنیدند آن را پس خشنود شدند ای مولای من

يا اَبا عَبْدِ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِى الْاَصْلابِ الشّامِخَةِ

ای اباعبدالله گواهی میدهم اینکه بتحقیق تو بودی نور در صلبهای بارفعت

وَ الْاَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِاَنْجاسِها وَ لَمْ

و رحمهای پاک نجس نکرد ترا جاهلیت بنجسیهای خود و نه

تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمّاتِ ثِيابِها وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعآئِمِ

پوشانیده ترا از چرکهای تیره خود و گواهی میدهم اینکه بتحقیق از ستونهای

الدِّينِ وَ اَرْكانِ الْمُؤْمِنِينَ وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمامُ الْبَرُّ التَّقِىُّ

دین و رکنهای گروندگان و گواهی میدهم اینکه تویی پیشوای نیکوکار پرهیزکار

الرَّضِىُّ الزَّكِىُّ الْهادِى الْمَهْدِىُّ وَ اَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ

پسندیده پاک راه نمای راه یافته و گواهی میدهم که بتحقیق پیشوایان

مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ وَ اَعْلامُ الْهُدىٰ وَ الْعُرْوَةُ

از فرزندان تو کلمه پرهیزکاری و نشانهای هدایت و دست آویز



الوثقی والحجة علی اهل الدنیا واشهد الله وملائکته
محکم وحجتند بر اهل دنیا وگواه میگیرم خدا و فرشتگان
وانبیاءه ورسله انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع
و پیغمبران او را و رسولان او را که من بشما تصدیق نموده ام و برجعت شما
دینی وخواتیم عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم
دین خود را و آخرهای کردار خود و دل من مر دل شما را صلح است وامر من مر امر شما را
متبع صلوات الله علیکم وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم
پیروی کننده رحمتهای خدا بر شما و بر نفوس شما و بر بدنهای شما
وعلی اجسامکم وعلی شاهدکم وعلی غائبکم وعلی ظاهرکم
و بر بدنهای شما و بر حاضر شما و بر پنهان شما و بر ظاهر شما
وعلی باطنکم پس دو رکعت نماز زیارة میکند واگر نماز را
پیش از زیارة بکند نیز خوبست اگر از دو
و بر باطن شما
زیارة کند پس قصد زیارة علی ابن السلام علیک یابن
الحسین شهید بکند وبگوید سلام بر تو باد ای پسر
رسول الله السلام علیک یابن نبی الله السلام علیک
رسول خدا سلام بر تو باد ای پسر پیغمبر خدا سلام بر تو باد
یابن امیر المؤمنین السلام علیک یابن الحسین الشهید
ای فرزند پادشاه مؤمنان سلام بر تو ای فرزند حسین شهید
السلام علیک ایها الشهید ابن الشهید السلام علیک
سلام بر تو باد ای شهید فرزند شهید سلام بر تو باد
ایها

ابا المظلوم وابن المظلوم لعن الله امة قتلتك ولعن الله

ای ستم رسیده و فرزند ستم رسیده لعنت کند خدا گروهی را کشتند ترا و لعنت کند خدا

امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به

گروهی را ستم کردند بر تو و لعنت کند خدا گروهی را که شنیدند پس خشنود شدند به این

پس قصد زیارت سایر شهداء السلام علیکم یا اولیاء
رضی الله عنهم بکند و بگوید درود بر شما ای یاوران

الله واحباءه السلام علیکم یا اصفیاء الله واوداءه

خدا و دوستان او و سلام بر شما ای برگزیدگان خدا و دوستداران او

السلام علیکم یا انصار دین الله السلام علیکم یا

سلام بر شما ای یاوران دین خدا سلام بر شما ای

انصار رسول الله السلام علیکم یا انصار امیر المؤمنین

یاوران رسول خدا سلام بر تو باد ای یاوران امیر مؤمنان

السلام علیکم یا انصار فاطمة سیدة نساء العالمین

سلام بر شما ای یاوران فاطمه بزرگ زنان جهانیان

السلام علیکم یا انصار ابی محمد الحسن بن علی الزکی

سلام بر شما ای یاوران ابی محمد حسن ابن علی پاک

الناصح السلام علیکم یا انصار ابی عبد الله بابی

نصیحت کننده درود بر شما ای یاوران ابی عبد الله پدرم فدای

انتم وامی طبتم وطابت الارض التی فیها دفنتم و

شما و مادرم پاکیزه شدید و پاک است زمینی که در آن مدفون شدید و



فزتم فوزاً عظيماً فيا ليتني كنت معكم فافوز معكم

در رستگار شدید بشما رستگاری بزرگ پس ای کاش میبودم با شما پس رستگار میشدم با شما فوزی عظیم

و در شب اول و پانزدهم ماه رجب و در سیم و پنجم ماه شعبان
و شبهای ماه مبارک رمضان و شبهای عید و سایر ایام
که زیارة آنحضرت مستحب است بهمین طریق زیارة میتوان
کرد و زیارات مبسوطه و مخصوصه را در کتاب تحفة الزائر
ذکر کردم هر گاه خواهد بان کتاب رجوع نماید و از جمله برکات
اینشب است که ولادة وافر السعادة حضرة صاحب الامر در این
شب واقع شده و باین سبب سنتست که در این شب این دعا
را بخوانند که بمنزلهٔ زیارة آنحضرة است اللهم بحق ليلتنا هذه ومولودها

بار خدایا بحق شب ما این شب و بحق متولد شده در آن

وحجتك وموعودها التي قرنت الى فضلها فضلاً فتمت

و بحق حجت تو و وعده داده شده در آن حجتی که رسانیدی ببوی فضل او فضل بزرگ

كلمتك صدقاً وعدلاً لا مبدل لكلماتك ولا معقب

پس تمام شد کلمهای تو از روی راستی و از روی انصاف نیست تبدیل کننده مر کلمهای ترا و نه باز گرداننده

لاياتك نورك المتالق وضياؤك المشرق والعلم النور

مر نشانهای ترا و آن مولود نور درخشنده است و روشنائی درخشان تو و نشان

في طخياء الديجور الغائب المستور جل مولده وكرم محتده

در شب تیره تار پنهانست از خلایق پوشیده است از نظر بزرگست ولادت او

والملا



وَالْمَلائِكَةُ شُهَّدُهُ وَاللهُ ناصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ إِذا آنَ ميعادُهُ

و فرشتگان حاضران اویند و خدا یاور او و قوت دهنده اوست هرگاه

وَالْمَلائِكَةُ أَمْدادُهُ سَيْفُ اللهِ الَّذي لا يَنْبُو وَنُورُهُ

و فرشتگان مدد کنندگان اویند شمشیر خداست که هرگز کند نگردد و در دست او

الَّذي لا يَخْبُو وَذُو الْحِلْمِ الَّذي لا يَصْبُو مَدارُ الدَّهْرِ

که ساکن نگردد و خداوند عقل است که میل نکند بجهل مدار و زمانه

وَنَواميسُ الْعَصْرِ وَوُلاةُ الْأَمْرِ وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ

بزرگان عصر و صاحبان فرمان و آنکه فرو فرستاده شد برایشان ذکر

وَما يَنْزِلُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَأَصْحابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ تَراجِمَةُ

آنچه فرود می آید در شب قدر و یاران زنده کردن و ترجمان کنندگان

وَحْيِهِ وَوُلاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى خاتِمِهِمْ وَ

وحی او و والیان امر او و نهی اویند بار خدایا پس رحمت بفرست بر خاتم

وَقائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ عَوالِمِهِمْ وَأَدْرِكْ بِنا أَيّامَهُ وَ

و قایم ایشان که پنهان است از عالمهای ایشان و دریابان ما را بروزگار او

ظُهُورَهُ وَقِيامَهُ وَاجْعَلْنا مِنْ أَنْصارِهِ وَاقْرِنْ ثارَنا

و ظاهر شدن او و برپا شدن او و بگردان ما را از یاوران او و خون ما

بِثارِهِ وَاكْتُبْنا في أَعْوانِهِ وَخُلَصائِهِ وَأَحْيِنا في

بخون او بنویس ما را زمره مدد کنندگان او و خالصان او و زنده گردان ما را در

دَوْلَتِهِ ناعِمينَ وَبِصُحْبَتِهِ غانِمينَ وَبِحَقِّهِ قائِمينَ

زمان دولت او در رفاه دارندگان و صحبت او را غنیمت گیرندگان و حق



وَمِنَ السُّوءِ سالِمِينَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

واز هر بدی سلامتی یا ابندگان ای بخشنده ترین بخشندگان وسپاس مرخدا

الْعالَمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ

جهانیان ورحمت فرستد خدا بر محمد آخر پیغمبران وفرستادگان

وَعَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ الصّادِقِينَ وَعِتْرَتِهِ النّاطِقِينَ وَ

وبر خاندان او که راست گویانند وخویشان او که سخن گویانند و

الْعَنْ جَمِيعَ الظّالِمِينَ وَاحْكُمْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ يا اَحْكَمَ الْحاكِمِينَ

لعنت همه ستمکاران را وحکم میانه ما ومیانه ایشان ای حکم کنندهترین حاکمان

وزید شهید روایت کرده است که پدرم امام زین العابدین

ما ها همه را در شب نیمهٔ شعبان نزد خود جمع میکرد وشب را

سه حصه میکرد در ثلث اول نماز میکرد ودر ثلث دویم

دعا میکرد وما ها آمین میگفتیم بر دعای او وثلث آخر را

استغفار وطلب آمرزش میکرد وما نیز استغفار میکردیم

تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نماز شب ونمازهای

اینشب بسیار است واز جملهٔ آنها چهار رکعتست هر دو

رکعت بیک سلام وسی نفر از اصحاب حضرت صادق این

نماز را از انحضرت روایت کرده اند ودر هر رکعت بعد از

حمد صد مرتبه قل هو الله احد بخواند وبعد از نماز این

دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اِلَیْکَ فَقیرٌ وَمِنْ عَذابِکَ

خداوندا بدرستی که من بسوی تو محتاجم واز عذاب تو در پناه

خائف

خائفٌ وَبِكَ مُستَجيرٌ رَبِّ لا تُبَدِّل اِسمي وَلا تُغَيِّر جِسمي
در پناه می‌گیرم بخشنودی تو از خشم تو و پناه میگیرم پروردگار من نام مرا و تغیر مده بدن مرا
رَبِّ لا تَجهَد بَلائي رَبِّ لا تُشمِت بي اَعدائي اَعوذُ بِكَ
پروردگار من بغایت مرسان بلای مرا پروردگار من شاد مکن بمن دشمنان مرا
بِعَفوِكَ مِن عَذابِكَ وَاَعوذُ بِرِضاكَ مِن سَخَطِكَ وَاَعوذُ
بعفو تو از عذاب تو و پناه بخشنودی تو از خشم تو و پناه میگیرم
بِكَ مِنكَ جَلَّ ثَناؤُكَ اَنتَ كَما اَثنَيتَ عَلى نَفسِكَ وَ
بتو از تو بزرگ است ستودن تو چنانی که خود ستوده بر ذات خود را و
فَوقَ ما يَقولُ القائِلونَ فيكَ و بروایت دیگر با چهار
بالای آنچه گویند گویندگان در بارهٔ تو رکعت است بدو سلام
و در هر رکعت بعد از حمد دویست و پنجاه مرتبه قل هو الله
احد یا صد مرتبه یا اَللّهُمَّ اِنّي اِلَيكَ فَقيرٌ وَاِنّي مِن
پنجاه مرتبه بخوانند خداوندا بدرستی که من بسوی تو محتاجم و بدرستی که من از
عَذابِكَ خائِفٌ وَبِكَ مُستَجيرٌ رَبِّ لا تُبَدِّل اِسمي وَلا
عذاب تو ترسانم و بتو پناه جوینده ای پروردگار من بدل مکن نام مرا و تغیر
تُغَيِّر جِسمي رَبِّ لا تَجهَد بَلائي اَللّهُمَّ اِنّي اَعوذُ
مده بدن مرا پروردگار من بغایت مرسان بلای مرا خداوندا بدرستی که من پناه میگیرم
بِعَفوِكَ مِن عُقوبَتِكَ وَاَعوذُ بِرِضاكَ مِن سَخَطِكَ
بعفو تو از عذاب تو و پناه میگیرم بخوشنودی تو از خشم تو



وَاَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذابِكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لا اِلٰهَ
در پناه میگیرم بتو برحمت تو از عذاب تو در پناه میگیرم بتو از تو نیست خداوند بحق
اِلّا اَنْتَ جَلَّ ثَناؤُكَ وَلا اُحْصِي مِدْحَتَكَ وَلا الثَّناءَ
مگر تو بزرگ است ثنای تو و نمیتوانم شمرد ستایش ترا و ستودن ترا
عَلَيْكَ اَنْتَ كَما اَثْنَيْتَ عَلىٰ نَفْسِكَ وَفَوْقَ ما يَقُولُ
بر تو چنانکه خود ستوده خود را و بالای آنچه گویند
الْقائِلُونَ رَبِّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذا
گویندگان پروردگار من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من چنان
وَكَذا و بجای وافعل بی کذا و کذا حاجات خود را یاد
و چنان کند و اگر این نماز را با پنجاه مرتبه قل هو الله احد
بعمل آورد موافق میشود با نماز حضرة امیر المؤمنین ع و در فضیلت
این احادیث بسیار است و بسند معتبر از حضرت امام
محمد باقر منقولست که شب نیمه بهترین شبهاست بعد از
شب قدر و حقتعالی فضل خود را در اینشب به بندگان
عطا مینماید و باحسان خود گناهان ایشان را می امرزد پس سعی
کنید در عبادات در این شب که این شبیست که حقتعالی
بذات مقدس خود یاد کرده است که سائلی را از درگاه خود
رد نکند مگر آنکه معصیتی از خدا طلب نماید و این شب را خدا
برای ما اهل بیت قرار داده است بازاء شب قدر که از برای

سعی



پیغمبر ما قرار داده است پس اهتمام نماید در اینشب در
دعا و ثنا کردن بر خدا بدرستی که هر که در اینشب صد مرتبه
سبحان الله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا
الله بگوید حقتعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجتهای
دنیا و آخرت او را بر آورد خواه طلب نماید و خواه ننماید
راوی پرسید که بهترین دعاها در این شب کدامست فرمود
بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از
حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دویم سوره قل
هو الله احد بخوان و بعد از سلام سی سه مرتبه الحمد لله و سی
و چهار مرتبه الله اکبر بگوید و اگر بترتیب تسبیح حضرت فاطمه
بخواند ظاهرا خوب باشد یَا مَنْ اِلَیْهِ مَلْجَاءُ الْعِبَادِ فِی الْمُهِمَّاتِ
پس این دعا را بخوانند ای آنکه بسوی اوست پناه بردن مسکینان در کارها
وَ اِلَیْهِ یَفْزَعُ الْخَلْقُ فِی الْمُلِمَّاتِ یَا عَالِمَ الْجَهْرِ وَ الْخَفِیَّاتِ یَا
و بسوی اوست استغاثه نمایند آفریدگان در بلاهای که نازل میشود ای دانای آشکار و نهانها ای
لَا یَخْفَی عَلَیْهِ خَوَاطِرُ الْاَوْهَامِ وَ تَصَرُّفُ الْخَطَرَاتِ یَا رَبَّ
پنهان نیست بر او اندیشهای وهم و گردش خطرات ای پروردگار
الْخَلَائِقِ وَ الْبَرِیَّاتِ یَا مَنْ بِیَدِهِ مَلَکُوتُ الْاَرَضِینَ وَ السَّمٰوَاتِ
خلایق و آفریدگان ای آنکه بدست اوست پادشاهی زمین و آسمانها
اَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اٰمَنْتُ اِلَیْکَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
تو خدائی نیست خدای مگر تو ایمان آوردم بسوی تو بکلمه لا اله الا انت



فيا لا إله إلا أنت اجعلني في هذه الليلة ممن نظرت

پس ای آنکه نیست خدای مگر تو بگردان مرا در این شب از آنانکه نظر کنی

إليه فرحمته وسمعت دعاءه فأجبته وعلمت استقالته

بسوی او پس رحم کنی او را و شنیدی دعای او را پس اجابت کنی او را و دانستی

فأقلته وتجاوزت عن سالف خطيئته وعظيم جريرته

پس درگذشتی از او و درگذشتی از خطای گذشته او و گناه بزرگ او

فقد استجرت بك من ذنوبي ولجأت إليك في ستر عيوبي

به تحقیق پناه خواسته ام بتو از گناهان و پناه آورده ام بسوی تو در پوشیدن عیبها

اللهم فجد علي بكرمك وفضلك واحطط خطاياي

خداوندا پس بخشش کن بر من به بزرگواری خود و بخشش خود و فرو ریز گناهان مرا

بحلمك وعفوك وتغمدني في هذه الليلة بسابغ كرامتك

ببردباری خود و درگذشتن و بپوشان مرا در این شب بفزونی بخشش کرامت

واجعلني فيها من أوليائك الذين اجتبيتهم لطاعتك

و بگردان مرا در این شب از دوستان خود که برگزیدی ایشان را برای طاعت

واخترتهم لعبادتك وجعلتهم خالصتك وصفوتك اللهم اجعلني

و اختیار کردی ایشان را برای عبادت خود و گردانیدی ایشان را خالص از برای

ممن سعد جده من الخيرات حظه واجعلني ممن سلم فغنم

مرا از آنانکه نیکو شده بخت ایشان و وافر گشته از نیکیها بهره ایشان و بگردان مرا

وفاز فغنم واكفني شر ما أسلفت واعصمني من الازدياد

شدند و فیروزی یافتند و غنیمت یافتند و دفع کن از من آنچه پیش داشته ام

في معصيتك

فِي مَعْصِيَتِكَ وَحَبِّبْ إِلَيَّ طَاعَتَكَ وَمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ وَيُزْ
در نافرمانی تو و دوست گردان بسوی فرمان برداری خود را و آنچه را نزدیک گرداند مرا
لِفُنِي عِنْدَكَ سَيِّدِي إِلَيْكَ مَلْجَأُ الْهَارِبِ وَمِنْكَ
نزدیک نماید مرا نزد تو آقای من بسوی تست پناه آوردن هر گریزنده و از تست
مُلْتَمَسُ الطَّالِبِ وَعَلَى كَرَمِكَ يُعَوِّلُ الْمُسْتَقِيلُ التَّائِبُ
درخواستن هر طلب کننده و بر بزرگواری تو اعتماد میکند طلب عفو نماینده توبه کننده
أَدَّبْتَ عِبَادَكَ بِالتَّكَرُّمِ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ وَأَمَرْتَ
ادب امر کردی بندگان خود را به بزرگواری و تویی بزرگوارترین بزرگواران و فرمان
بِالْعَفْوِ عِبَادَكَ وَأَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ فَلَا تَحْرِمْنِي
به درگذشتن بندگان خود و تویی آمرزنده مهربان خداوندا پس محروم مکن مرا
مَا رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنْ سَابِغِ نِعَمِكَ وَلَا
از آنچه امید داشته ام از بزرگواری تو و نا امید مکن مرا از نعمت های کامل خود و
تُخَيِّبْنِي مِنْ جَزِيلِ قِسَمِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ لِأَهْلِ
بهره مکن از قسمتهای وافر خود که تقدیر کرده در این شب برای اهل
طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنِي فِي جُنَّةٍ مِنْ شِرَارِ بَرِيَّتِكَ رَبِّ إِنْ
طاعت خود و بگردان در حفظ از بدان خلق خود پروردگارا اگر نبودم
لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ ذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَ
من از اهل آن پس تو سزاواری در گذشتن و
الْمَغْفِرَةِ وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ لَا بِمَا أَسْتَحِقُّهُ
آمرزش و بخشش کن بر من آنچه تو سزاوار آنی نه آنچه من سزاوارم



فقد حسن ظنی بك وتحقق رجائی لك وعلقت نفسی

پس بتحقیق نیکوست گمان من بتو و ثابت است امید من بتو و درآویخته است نفس من

بكرمك وانت ارحم الراحمين واكرم الاكرمين اللهم

بزرگواری تو و تو بخشنده ترین بخشندگانی و بزرگوارترین بزرگوارانی بارخدایا

واخصصني من كرمك بجزيل قسمك واعذني بعفوك

مخصوص گردان مرا از کرم خود بوافر از قسمتهای خود و پناه ده مرا بعفو خود

من عقوبتك واغفر لي الذنب الذي يحبس على الخلق

از عقوبت خود و بیامرز برای من گناهی را که باز میدارد بر من خلق را

ويضيق علي الرزق حتى اقوم بصالح رضاك وانعم بجزيل

و تنگ میکند بر من روزی را تا اگر برپا دارم شایسته خشنودی ترا و نعمت کنم

عطائك واسعد بسابغ نعمائك فقد لذت بحرمك

بعطای وافر تو و نیک بخت شوم بنعمت تمام کامل تو پس پناه آورده ام

وتعرضت لكرمك واستعذت بعفوك من عقوبتك

و در پیش آمدم بزرگواری ترا و پناه جسته ام بعفو تو از عقوبت تو

وبحلمك من غضبك فجد لي بما سألتك وانل ما

و ببردباری تو از غضب تو پس بخشش مرا آنچه را درخواستم از تو

التمست منك اسئلك بك لا بشيء اعظم منك

بوسیله تو نیست چیزی بزرگتر از تو

پس بسجده میروی و میگوئی یارب بیست مرتبه یا الله



هفت مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله هفت مرتبه
ما شاء الله لا قوة الا بالله ده مرتبه لا قوة الا بالله
ده مرتبه پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد آنچه خواهد
و حاجت خود را از خدا بطلبد و بخدا سوگند که اگر بعدد
قطرات باران حاجت بطلبی حقتعالی ترا باشها میرساند
بکرم و فضل خود و بروایت دیگر بعد از هفت مرتبه
یا الله هفت مرتبه بگوید یا رب محمد و شیخ گفته است
پس الهی تَعَرَّضَ لَکَ فِی هذا اللَّیلِ المُتَعَرِّضُونَ
بگو
ای خدای من فراپیش آمدند ترا در شب فراپیش آیندگان
وَقَصَدَکَ القاصِدُونَ وَأَمَّلَ فَضْلَکَ وَمَعْرُوفَکَ
و قصد کنند ترا قصد کنندگان و آرزومند فضل و احسان ترا سؤال کنندگان
الطّالِبُونَ وَلَکَ فِی هذا اللَّیلِ نَفَحاتٌ وَجَوائِزُ وَ
و مر تراست در این شب عطیها و صلها و
عَطایا وَمَواهِبُ تَمُنُّ بِها عَلی مَنْ تَشاءُ مِنْ عِبادِکَ
بخششها که بخشش میکنی بآنها بر آنکه بخواهی از بندگان خود
وَتَمْنَعُها مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ العِنایَةُ مِنْکَ وَها اَنَا
و باز میداری آنها را از آنکه پیشی نگرفته او را مدد از تو و اینک من بنده
ذا عَبْدُکَ الفَقِیرُ اِلَیْکَ المُؤَمِّلُ فَضْلَکَ وَمَعْرُوفَکَ
بنده حقیر توام محتاجم بسوی تو امید دارم فضل ترا و احسان ترا

فان کنت یا مولای تفضلت فی هذه اللیلة علی
پس اگر بوده باشی ای آقای من بخشش نموده باشی درین شب بریکی
احد من خلقک وعدت علیه بعائدة من عطفک
یکی از خلق و نفع رسانیده باشی برو بنفعی از مهر بخود
فصل علی محمد وآل محمد الطیبین الطاهرین الفاضلین
پس رحمت بفرست بر محمد وآل محمد پاکان پاکیزگان نیکان
یا رب العالمین وصل علی محمد خاتم النبیین وآله الطاهرین
ای پروردگار جهانیان و رحمت بفرست بر محمد آخر پیغمبران وآل او
وسلم تسلیما ان الله حمید مجید اللهم انی ادعوک
و درود بفرست درود فراوانی بدرستیکه خدا ستوده بزرگوار است بار خدایا بدرستی
کما امرت فاستجب لی کما وعدت انک لا تخلف المیعاد
چنانچه امر کردی پس بپذیر برای من چنانکه وعده فرموده بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده خود

مؤلف گوید که این دعاء بسیار خوبیست و از دعاهای
این شبی است اما ظاهرا جزو اعمال سابق نیست و ابن
بابویه از حضرت امام حسن مجتبی روایت کرده است که
جبرئیل بر حضرت رسول نازل شد و گفت یا محمد امت خود را
امر کن که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه
سوره قل هو الله احد بخوانند پس بسجده روند و در سجده



بگویند

بگو اللهم لک سجد سوادی و بیاضی یا عظیم کل عظیم
بار خدایا برای تو سجده کرد سیاهی من و تن و سفیدی من ای بزرگ هر بزرگ
اغفر لی ذنبی العظیم فانه لا یغفره غیرک یا عظیم پس هر که
بیامرز برای من گناه مرا که بزرگست زیرا که بتحقیق نمی آمرزد آنرا غیر تو ای بزرگ
این عمل را
بجا آورد محو کند حقتعالی از او هفتاد و دو هزار گناه را و مثل
آن حسنه در نامه اعمال او بنویسد و محو کند از پدر و مادر
او هفتاد هزار گناه را و نماز دیگر نمازیست که عامه و خاصه
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که حضرت فرمود که در
شب نیمه شعبان در خواب بودم که جبرئیل بر من نازل شد
و گفت ای محمد آیا بخواب میروی در این شب گفتم این چه
شبیست گفت این شب نیمه شعبانست پس برخیزانید مرا
و برد مرا بسوی قبرستان بقیع و گفت سر بلند کن بسوی آسمان
بدرستی که این شبی است که درهای آسمان در این شب
گشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خشنودی
خدا و درهای آمرزش گناهان و درهای فضل و احسان
و درگاه توبه و درگاه نعمت و درگاه جود و بخشش و می
آمرزد حقتعالی از بندگان در این شب بعدد موهای
چهارپایان و پشمهای ایشان ای محمد هر که زنده کند این
شب را بگفتن الله اکبر و سبحان الله و لا اله الا الله



ونماز کردن وقرآن خواندن وطلب آمرزش کردن واستغفار
نمودن بهشت در آخرة جای او باشد وگناهان گذشته
او آمرزیده شود ای محمد هر که در این شب صد رکعت نماز
بکند هر دو رکعت بیک سلام ودر هر دو رکعت بعد از
حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند وچون از همه فارغ
شود ده مرتبه آیة الکرسی وده مرتبه سوره حمد بخواند
وصد مرتبه سبحان الله بگوید حقتعالی صد گناه کبیره هلاک
کنندهٔ او را بیامرزد وبعدد هر سوره ولیستی قصری در بهشت
باو عطا کند وشفاعت او را قبول کند در صد نفر از اهل
خانهٔ او وخویشان او وشریک گرداند او را در ثواب شهیدان
وثواب روزه داران این ماه وعبادت کنندگان این ماه را باو
عطا کند بی آنکه از ثواب ایشان چیزی کم شود پس احیا کن این شب را
ای محمد وامر کن امت خود را که احیا کنند آنرا وتقرب جویند
بسوی خدا بعبادت آن بدرستی که این شبیست بسیار شریف
یا محمد من چون بنزد تو می آمدم جمیع ملائکه آسمانها یافتم خود را
صف کرده بودند ونزد خدا بعبادت مشغول بودند وبعضی
ایستاده بودند وبعضی در رکوع بودند وبعضی در سجود وبعضی
مشغول بودند بدعاء وبعضی بذکر تکبیر وبعضی بتسبیح و
بعضی باستغفار یا محمد بدرستی که حقتعالی در این شب نظر رحمت

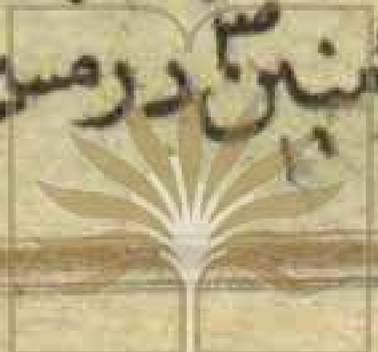


بسوی سندکان می افکند و می امرزد و هر مؤمن و مؤمنه را
که بنماز ایستاده باشد یا نشسته مشغول بتسبیح باشد یا
در رکوع و سجود باشد یا مشغول یاد خدا باشد و این شبی است
که هر که دعا کند البته دعایش مستجاب میشود و هر که
سؤال کند با و عطا کرده میشود و هر که استغفار کند امرزیده
و هر که توبه کند توبه اش مقبول میگردد محروم کسی است
که از خیر اینشب محروم گردد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بکند با هزار
مرتبه قل هو الله احد یعنی در هر رکعت ده مرتبه بخواند
نمیرد دل او روزی که دلها از ترس مرده باشند و نمیرد تا
انکه صد ملک را ببیند که او را ایمن کرداند از عذاب الهی
سی نفر ایشان بشارت دهند او را به بهشت و سی نفر انها
باشند که در دنیا او را از شر شیطان نگاه میداشتند و
سی نفر انها باشند که در شب و روز برای او استغفار
میکردند در ساعات شب و روز و ده نفر که او را حفظ
میکردند از شر دشمنان و منقولست که حضرت رسول ص
و اله در اینشب این اللهم اقسم من خشیتک ما یحول
دعا میخواند ند
بیننا و بین معصیتک و من طاعتک و ما تبلغنا به رضوانک

بار خدایا قسمت کن برای ما از ترس خود انچه
میان ما و میان نافرمانی تو و از فرمان برداری خود انچه برسانی ما را به

وَمِنَ الْیَقینِ ما یُهَوِّنُ عَلَیْنا بِهِ مُصیباتِ الدُّنْیا اَللّهُمَّ
و از یقین آنچه آسان بر ما بسبب آن مصیبتهای دنیا بارخدایا
اَمْتِعْنا بِاَسْماعِنا وَاَبْصارِنا وَقُوَّتِنا ما اَحْیَیْتَنا وَاجْعَلْها
بهره ور کن ما را بگوشهای ما و دیدهای ما و توانائی ما مادام که زنده داری
الْوارِثَ مِنّا وَاجْعَلْ ثارَنا عَلی مَنْ ظَلَمَنا وَانْصُرْنا عَلی
میراث برنده از ما و بگردان مطالبه خون ما را بر آنکه ستم کرد ما را و یاری داده ما را
وَلا تَجْعَلْ مُصیبَتَنا فی دینِنا
مَنْ عادانا وَلا تَجْعَلِ الدُّنْیا اَکْبَرَ هَمِّنا وَلا مَبْلَغَ عِلْمِنا
دشمنی کرد ما را و بگردان مصیبت ما را در دین ما و بگردان دنیا را بزرگ ترین اندوه
وَلا تُسَلِّطْ عَلَیْنا مَنْ لا یَرْحَمُنا بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
و دست مده بر ما آن را که رحم نکند ما را برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان

و این دعا دعاء جامع کاملیست و متضمن جمیع مطالب دنیا و آخرت است و چون دعای کمیل بن زیاد که از خواص اصحاب حضرة امیر المؤمنین است بهترین دعاهاست و از دعاهای این شب است و در اوقات دیگر نیز میتوان خواند با ترجمه در اینجا ایراد مینماید که در وقت خواندن متذکر معانی آن باشد تا فایده اش تمام تر و ثوابش بیشتر و عظیم تر باشد بدانکه سید ابن جلیل ابن طاوس ره در کتاب اقبال روایت کرده است که کمیل بن زیاد گفت روزی با مولای خود حضرة امیر المؤمنین ع در مسجد بصره



نشسته بودم شب نیمهٔ شعبان مذکور شد حضرة فرمود
هر بندهٔ که آنشب را بعبادة احیا کند و دعاء حضرت خضر
را در آنشب بخواند البته دعای و مستجاب گردد چون
حضرة بمنزل مراجعت نمود شب بخدمت او رفتم و
چون مرا دید پرسید که بچه کار آمدهٔ ای کمیل گفتم
یا امیر المؤمنین بطلب دعای خضر فرمود که بنشین
ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه
یا در هر ماهی یک مرتبه یا در سالی یکمرتبه یا در عمر
یکمرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان از تو بشود و یاری
کرده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو موجب آن
شد که ترا بچنین نعمتی و گرامی ممتاز و سرافراز گردانم
پس گفت بنویس و دعا بسم الله الرحمن الرحیم
را تلقین من نمود ابتدا می کنم بنام خدای بخشاینده مهربان
اللهم انی اسئلک برحمتک التی وسعت کل شیء
خدایا بدرستی که سوال می کنم برحمت تو آن رحمتی که فراگرفته است هر چیز را
وبقوتک التی قهرت بها کل شیء وخضع لها کل شیء
و بتوانائی تو که غالب گردیده بآن هر چیزی را و خاضع و منقاد شده است برای آن
وذل لها کل شیء وبجبروتک التی غلبت بها کل شیء
و خوار و ذلیل شده است برای هر چیزی و بجبروت و بزرگواری تو که غالب گشته بآن



وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ

و بجبروت بزرگواری تو که غالب گردیده بآن هر چیزی را و بعزت تو که در برابر آن نمی ایستد

لَهَا شَيْءٌ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي

هر چیزی و بعظمت و بزرگی تو که پر کرده است هر چیزی را و بپادشاهی تو

عَلَا كُلَّ شَيْءٍ وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ وَبِأَسْمَائِكَ

بر تر است هر چیزی را و بذات تو که باقیست بعد از فانی شدن هر چیزی

الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ

اجزا و ارکان هر چیزی را و بدانائی تو که فرا گرفته است هر چیزی را

شَيْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ

و بروشنی ذات تو که روشن شده است برای او هر چیزی ای [illegible]

يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ

ای پیشتر از پیشینیان و ای بعد تر از پسینیان خداوندا بیامرز برای من

الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ

گناهانی را که میدرد پردهای عصمت را خداوندا بیامرز برای من گناهانی را

الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ

که فرود می آورد عذابهای خدا را خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که تغییر میدهد

النِّعَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ اللَّهُمَّ

نعمتهای خدا را خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که حبس می کند دعا را خداوندا

اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

بیامرز برای من گناهانی را که فرود می آورد بلا را خداوندا بیامرز برای من

كُلَّ ذَنْبٍ

كل ذنب اذنبته وكل خطيئة اخطأتها اللهم اني

هر گناهی را کرده ام آن را و هر خطائی در بار آن بجا آورده ام خداوندا بدرستی

اتقرب اليك بذكرك واستشفع بك الى نفسك و

من نزدیک میجویم بسوی تو بیاد کردن تو و شفیع میگردانم ترا بسوی تو و

اسألك بجودك ان تدنيني من قربك وان توزعني

سؤال میکنم از تو ببخشش تو و توفیق که [illegible] مرا بقرب خود و توفیق دهی

شكرك وان تلهمني ذكرك اللهم اني اسألك

برای شکر خود و الهام نمائی مرا ذکر خود خداوندا بدرستی من سؤال میکنم از تو

سؤال خاضع متذلل خاشع ان تسامحني وترحمني

سؤال کسی که با خضوع باشد و اظهار مذلت باشد و با خشوع و گریه باشد برای اینکه

وتجعلني بقسمك راضيا قانعا وفي جميع الاحوال

و بگردانی مرا بقسمت خود که برای من کرده خشنود و قناعت کننده در تمام احوال

متواضعا اللهم واسألك سؤال من اشتدت

تواضع کننده خداوندا سؤال میکنم از تو سؤال کسی که سخت شده است

فاقته وانزل بك عند الشدائد حاجته وعظم فيما

فقر او و فرود آورده بتو نزد سختیها حاجت خود را و بزرگ شده است در آنچه

عندك رغبته اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك

نزد تو است از ثوابهای رغبت تو خداوندا بزرگست پادشاهی تو و بلند است مکان تو

وخفي مكرك وظهر امرك وغلب قهرك وجرت قدرتك

و پنهان است مکر تو و هویدا است امر تو و غالب است قهر تو و جاری است قدرت



وَلا يُمْكِنُ الْفِرارُ مِنْ حُكُومَتِكَ اَللّٰهُمَّ لا اَجِدُ لِذُنُوبي

و ممکن نیست گریختن از حکومت تو خدایا نمی‌یابم من برای گناهان خود

غافِراً وَلا لِقَبائِحي ساتِراً وَلا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِيَ الْقَبيحِ

آمرزنده و نه برای قبایح خود پوشنده و نه برای چیزی از عمل قبیح

بِالْحَسَنِ مُبَدِّلاً غَيْرَكَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ وَ

بعمل نیک بدل کننده غیر تو نیست خدای مگر تو پاکی یاد میکنم ترا و

بِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسي وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلي وَسَكَنْتُ اِلى

بحمد تو مشغولم ستم کردم بنفس خود و بسیار جرأت کردم بنادانی خود و اعتماد کردم

قَديمِ ذِكْرِكَ لي وَمَنِّكَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ مَوْلايَ كَمْ مِنْ قَبيحٍ

به پیوسته یاد کردن مرا و انعام کردن بر من خداوندا ای آقای من چه بسیار زشتی پوشیدی

سَتَرْتَهُ وَكَمْ مِنْ فادِحٍ مِنَ الْبَلاءِ اَقَلْتَهُ وَكَمْ مِنْ عِثارٍ

آن را و چه بسیار گران از بلاها که برداشتی و چه بسیار لغزشها که نگاه

وَقَيْتَهُ وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ وَكَمْ مِنْ ثَناءٍ جَميلٍ

داشتی ازان و چه بسیار از ناخوش که دفع کردی آن را و چه بسیار از ثنای نیکو

لَسْتُ اَهْلاً لَهُ نَشَرْتَهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ بَلائي وَاَفْرَطَ

که نبودم سزاوار آن که پهن کردی آن را خداوندا بزرگ شده بلای من و از حد گذشت

بي سُوءُ حالي وَقَصُرَتْ بي اَعْمالي وَقَعَدَتْ بي اَغْلالي

بدی حال من و نارسانید از نجات من کارهای من و عاجز کرده است مرا غلهای من

وَحَبَسَني عَنْ نَفْعي بُعْدُ اَمالي وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيا

و منع کرده است مرا از نفع خود آرزوهای دور من و بازی داده است مرا دنیا

بغرورها

بِغُرُورِهَا وَنَفْسِي بِخِيَانَتِهَا وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي فَاَسْئَلُكَ

بفریب خود فریب داده است مرا نفس من بخیانت خود و به بسیار انداختن عمل من ای آقای من پس سوال

بِعِزَّتِكَ اَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءُ عَمَلِي وَفِعَالِي

میکنم ترا بعزت تو که منع کند از تو دعای مرا بدی عمل من و کردار من و

وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَلَا تُعَاجِلْنِي

رسوا مکن مرا به پنهان آنچه مطلع شده بر آن از راز من و زود مگیر مرا

بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَاِسَائَتِي

بعقوبت بر آنچه کرده ام آن را در خلوتهای خود از بدی کار خود و گناه و دوام

وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي وَ

بودن تقصیر خود و نادانی و بسیاری شهوتهای خود و غفلت خود و باش و

كُنِ اللّٰهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي الْاَحْوَالِ كُلِّهَا رَؤُفًا وَعَلَيَّ

باش خداوندا بعزت خود برای من در احوال همه آن رحم کننده و بر من

فِي جَمِيعِ الْاُمُورِ عَطُوفًا اِلٰهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ

در همه امور مهربان ای خداوند من و پروردگار من کیست مرا غیر از تو

اَسْئَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي اَمْرِي اِلٰهِي وَمَوْلَايَ

که از او سوال کنم کشودن بدحالی خود و نظر نمودن در کار خود ای خداوند من و آقای من

اَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اِتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي وَلَمْ اَحْتَرِسْ

جاری کردی بر من حکمی را که پیروی کردم در آن خواهش نفس خود را و نگاه داری نکردم

فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي فَغَرَّنِي بِمَا اَهْوَى وَاَسْعَدَهُ

در آن حکم از زینت دادن دشمن پس فریب داد مرا به آنچه خواست و یاری او کرد



على القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك بعض

براین قضای خدایی درگذشتم بانچه جاری شد برمن از قضا پاره

حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحمد علي في

از حدهای ترا و خلاف کردم پاره امرهای ترا پس برای تو حمد لازم است

جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى علي فيه قضاؤك

همه این احوال و نیست حجتی برای من در آنچه جاری شد برمن در آن قضای تو

والزمني حكمك وقد اتيتك يا الهي بعد تقصيري و

ولازم گشت برمن حکم تو و بلای تو و بتحقیق که آمده ام بنزد تو ای خدای من بعد از تقصیر خود

اسرافي على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا

و بسیاری عذر رسانیدن بر نفس خود و عذرخواهنده و پشیمان شکسته خاطر عفو طلب کننده

مستغفرا منيبا مقرا مذعنا معترفا لا اجد مفرا

آمرزش توبه کننده اقرار کننده بگناه خود تصدیق کننده با اعتراف کننده نمی یابم

مما كان مني ولا مفزعا اتوجه اليه في امري غير قبولك

گریزگاهی از آنچه صادر شد از من و نه پناهی که رو کنم بسوی آن در کار خود بغیر قبول کردن تو

عذري وادخالك اياي في سعة من رحمتك

عذر مرا و داخل کردن تو مرا در گشادگی از رحمت خود

اللهم فاقبل عذري وارحم شدة ضري وفكني

خداوندا پس قبول کن عذر مرا و رحم کن شدت بدحالی مرا و رها کن مرا

من شد وثاقي يا رب ارحم ضعف بدني ورقة جلدي

از بستن بند گران مرا ای پروردگار رحم کن ضعف بدن مرا و نازکی

ودقة

و سستی مرا

وَدَقَّ عَظْمِي يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي وَتَرْبِيَتِي وَبِرِّي

و بار تیکه استخوان مرا ای الهی که ابتدا کردی آفریدن مرا و یاد کردن مرا و تربیت [illegible]

وَتَغْذِيَتِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بِرِّكَ بِي يَا إِلٰهِي

و غذا دادن مرا ببخش مرا برای ابتدا کردن کرم خود برای نیکیهای پیش از این بخود ای خدای [illegible]

وَسَيِّدِي وَرَبِّي أَتُرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ

و ای سید من و پروردگار من آیا می بینی خود را که عذاب کنی مرا با آتش خود بعد از اقرار بیگانگی [illegible]

وَبَعْدَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلَهِجَ بِهِ لِسَانِي

و بعد از آنکه پیچیده شد بر آن دل من از شناخت تو و گویا شده است آن زبان من

مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ وَبَعْدَ صِدْقِ

از یاد تو و محکم کرده است آن را دل من از محبت تو و بعد از راستی

اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ هَيْهَاتَ أَنْتَ

اعتراف من بگناه خود و دعا کردن من از روی خضوع برای پروردگاری تو [illegible]

أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ أَوْ تُبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ أَوْ

کریم تری از آنکه ضایع کنی کسی را که خود تربیت کرده او را یا دور گردانی کسی را که [illegible]

تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ

و یا برانی کسی را که جا داده او را یا بگذاری بسوی بلا کسی را که دفع شر از او کرده و رحم [illegible]

وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلٰهِي وَمَوْلَايَ أَتُسَلِّطُ النَّارَ عَلَى وُجُوهٍ

و کاش میدانستم ای بزرگ من و خدای من و مولای من آیا مسلط خواهی کرد آتش [illegible]

خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَعَلَى أَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ

افتاده اند بعظمت تو سجده کنندگان و بر زبانها که گویا شده اند بیگانگی



صادقة ولشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بإلٰ

راستگو و بشکر تو مدح کنان و بر دلهایی که اعتراف کرده اند بخدائی تو از روی

هيتك محققة وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتى

بخدائی تو از روی یقین و بر خاطرهایی که احاطه کرده اند از دانائی حق بتو تا آنکه

صارت خاشعة وعلى جوارح سعت الى اوطان تعبدك

گردیده اند با خشوع و بر عضوهای چند که سعی کرده اند بسوی محلهای عبادت تو

طائعة واشارت باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن

بطوع و رغبت و اشاره کرده اند بطلب آمرزش تو از روی اذعان نیست چنین گمان

بك ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب وانت

بتو و چنین خبر داده اند ما را بفضل تو از تو ای صاحب کرم ای پروردگار من و تو

تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها وما

میدانی ناتوانی مرا از اندکی از بلاهای دنیا و عقوبتهای آن و آنچه

يجري فيها من المكاره على ان ذلك بلاء ومكروه

جاری میشود در آن از مکروهات بر اهل آن با آنکه این بلایی و ناخوشیی است

قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي

اندک است ماندن آن و کم است بقای آن کوتاه است مدت آن پس چگونه است تاب آوردن من

لبلاء الآخرة وجليل وقوع المكاره فيها وهو بلاء

بلای آخرت را و بزرگی واقع شدن ناخوشیها که در آن میباشد و حال

تطول مدته ويدوم مقامه ولا يخفف عن اهله

و طول دارد مدت آن و دایمی است اقامت آن و سبک نمی شود از اهل آن

لانه

لِاَنَّهُ لَا يَكُونُ اِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَاِنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ

زیرا که آن نمی شد مگر از غضب تو و انتقام کشیدن تو و خشم تو

وَهٰذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ يَا سَيِّدِي

و چنین امری در برابر آن نمی توانند ایستاد و تاب آوردن آسمانها و زمین ای آقای من

فَكَيْفَ بِي وَاَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ

پس چگونه من تاب آورم و حال آنکه من بنده توام ناتوان و خوار و بیمقدار و

الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ يَا اِلٰهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَ

شکسته کننده ای خدای من و پروردگار من و بزرگ من و

مَوْلَايَ لِاَيِّ الْاُمُورِ اِلَيْكَ اَشْكُو وَلِمَا مِنْهَا

آقای من برای کدام یک از امور خود بسوی تو شکایت کنم و برای کدام

اَضِجُّ وَاَبْكِي لِاَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ اَوْ لِطُولِ

بجزع آیم و گریه کنم آیا برای عذاب دردناک و سختی آن یا برای درازی

الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَنِي فِي الْعُقُوبَاتِ مَعَ اَعْدَائِكَ

بلا و مدت آن پس اگر بگردانی مرا در عقوبتها با دشمنان خود

وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ اَهْلِ بَلَائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَ

و جمع کنی میان من و میان اهل بلای خود و جدائی میان من و میان

بَيْنَ اَحِبَّائِكَ وَاَوْلِيَائِكَ فَهَبْنِي يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي

دوستان خود و اولیای خود پس گرفتم ای خدای و سید من

وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبَرْتُ عَلٰى عَذَابِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ

و آقای من و پروردگار من صبر کنم بر عذاب تو و چگونه صبر کنم



عَلى فِراقِكَ وَهَبْنِي صَبَرْتُ عَلى حَرِّ نارِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ

بر محرومی از نظر تو وگرفتم که صبر کنم بر گرمی آتش تو پس چگونه صبر کنم

عَنِ النَّظَرِ اِلى كَرامَتِكَ اَمْ كَيْفَ اَسْكُنُ فِي النّارِ وَرَجائِي

بر محرومی از نظر لبوی کرامت کشش تو یا چگونه ساکن شوم در آتش و حال آنکه

عَفْوُكَ فَبِعِزَّتِكَ يا سَيِّدِي وَمَوْلايَ اُقْسِمُ صادِقاً

اگر بود امید عفو کنی از من پس بعزت تو ای آقای من و صاحب اختیار من قسم میخورم براستی

لَئِنْ تَرَكْتَنِي ناطِقاً لَاَضِجَّنَّ اِلَيْكَ بَيْنَ اَهْلِها

که اگر واگذاری مرا سخن گوینده خروش بر آورم بسوی تو از میان اهل جهنم

ضَجِيجَ الْآمِلِينَ وَلَاَصْرُخَنَّ اِلَيْكَ صُراخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ

خروش امیدواران و هر آینه ناله کنم بسوی تو ناله استغاثه کنندگان

وَلَاَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكاءَ الْفاقِدِينَ وَلَاُنادِيَنَّكَ اَيْنَ

و بگریم بر محرومی از رحمت تو گریستن مانند آنکه دوست خود را گم کرده باشند و البته فریاد زنم

كُنْتَ يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يا غايَةَ آمالِ الْعارِفِينَ يا

و ندا کنم ترا که کجایی ای دوست مؤمنان و کارساز آن ای نهایت آرزوی عارفان ای

غِياثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يا حَبِيبَ قُلُوبِ الصّادِقِينَ

فریادرس فریادخواهان ای دوست دلهای راست گویان

وَيا اِلهَ الْعالَمِينَ اَفَتُراكَ سُبْحانَكَ يا اِلهِي وَبِحَمْدِكَ

و ای خدای عالمیان آیا پس می‌بینی منزه میدانیم ای خدای من و بحمد تو

تَسْمَعُ فِيها صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيها بِمُخالَفَتِهِ

که بشنوی در جهنم صدای بنده مسلمی را که در جهنم زندان کرده باشند او را در

وذاق

وَذاقَ طَعمَ عَذابِها بِمَعصِيَتِهِ وَحُبِسَ بَينَ اَطباقِها بِجُرمِهِ

مزه عذاب جهنم را بنافرمانی خود و بند کرده شده او میان طبقات جهنم بجرم او

وَجَريرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُّ اِلَيكَ ضَجيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحمَتِكَ وَيُناديكَ

و گناه او و خروش کند بسوی تو خروشیدن امید دارنده مر رحمت ترا و میخواند ترا

بِلِسانِ اَهلِ تَوحيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ اِلَيكَ بِرُبوبِيَّتِكَ

بزبان اهل یگانه پرستان تو و توسل جوید بسوی تو به پروردگاری تو

يا مَولايَ فَكَيفَ يَبقى فِي العَذابِ وَهُوَ يَرجو ما سَلَفَ

ای آقای من پس چگونه باقی ماند در عذاب و حال آنکه امیدوار گردد آنچه گذشت

مِن حِلمِكَ وَرَأفَتِكَ وَرَحمَتِكَ اَم كَيفَ تُؤلِمُهُ النّارُ

از بردباری تو و مهربانی تو و رحمت تو آیا چگونه بدرد آورد او را آتش

وَهُوَ يَأمُلُ فَضلَكَ وَرَحمَتَكَ يُحرِقُهُ لَهيبُها وَاَنتَ

و او امید دارد فضل ترا و رحمت ترا آیا چگونه بسوزاند او را زبانه آتش و حال آنکه تو

تَسمَعُ صَوتَهُ وَتَرى مَكانَهُ اَم كَيفَ يَشتَمِلُ عَلَيهِ زَ

بشنوی آواز او را و بینی جای او را آیا چگونه فرو گیرد بر او زبانه

فيرُها وَاَنتَ تَعلَمُ ضَعفَهُ اَم كَيفَ يَتَغَلغَلُ بَينَ

آتش و حال آنکه تو دانائی ضعف او را یا چگونه مضطرب باشد میانه

اَطباقِها وَاَنتَ تَعلَمُ صِدقَهُ اَم كَيفَ تَزجُرُهُ زَبا

طبقات جهنم و تو دانائی راستی او را یا چگونه زجر نماید او را زبانیه

نِيَتُها وَهُوَ يُناديكَ يا رَبَّهُ اَم كَيفَ يَرجو فَضلَكَ

جهنم و او ندا کند ترا ای پروردگار او یا چگونه امید دارد فضل ترا



فی عتقه منها فترکه فیها هیهات ما ذلك الظن

در ازآزادی رو ازاز آتش جهنم پس واخواهی گذاشت او را در جهنم دور است این گمان

بك ولا المعروف من فضلك ولا مشبه لما عاملت

بتو چنین گمان بتو و نه مشهور شده از بخشش تو و نه شبیه است باانچه معامله کرده با ان

به الموحدین من برك واحسانك فبالیقین اقطع لولا

با یگانه پرستان از نیکی تو واحسان تو پس بیقین جزم دارم که اگر نه ان

ما حکمت به من تعذیب جاحدیك وقضیت به

که حکم کردی با آن از عذاب کردن منکران تو و مقرر گردانیدن با آن

من اخلاد معاندیك لجعلت النار کلها بردا وسلاما

که همیشه برای معاندان هر آینه میگردانی آتش را همه سرد و سلامت

وما کانت لاحد فیها مقرا ولا مقاما لکنك تقدست

و نبود در آتش احدی را محل قراری و نه جای اقامتی ولکن تو مقدس است

اسماءك اقسمت ان تملأها من الکافرین من الجنة

نامهای تو قسم می خورم یاد کرده که پر کنی جهنم را از کافران از جنیان

والناس اجمعین وان تخلد فیها المعاندین وانت

و انسان همه و همیشه بداری همیشه در جهنم دشمنان را و تو

جل ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت بالانعام متکرما

بزرگ است ستایش تو تو گفته ابتدا کننده و بخشش کرده بنعمت و از ان کرم کننده

افمن کان مؤمنا کمن کان فاسقا لا یستوون الهی

آیا کسی که بود مومن مانند کسی که بود فاسق ... الهی

و سیدی

وَسَيِّدِي فَاَسْئَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا وَبِا
ودرازکن من پس سوال میکنم ترا بتقدیری آن چنانی که تقدیر کرده اینها
لْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ اَجْرَيْتَهَا
بحکمی که واجب کرده آن را و مستحکم کرده آن را و غالب ساختی کسی که بر او جاری
اَنْ تَهَبَ لِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هٰذِهِ السَّاعَةِ
ساختی آن را اینکه ببخشی بمن در این شب و در این ساعت
كُلَّ جُرْمٍ اَجْرَمْتُهُ وَكُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ قَبِيحٍ اَسْرَرْتُهُ
هر جرم و گناهی که کسب کرده ام آن را و هر گناهی را که مرتکب شده ام
وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ اَوْ اَعْلَنْتُهُ اَخْفَيْتُهُ اَوْ اَظْهَرْتُهُ
و هر نادانی که دانستم او را و عمل کرده ام خواه پنهان او را و خواه علانیه و خواه آشکارا
وَكُلَّ سَيِّئَةٍ اَمَرْتَ بِاِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ
و هر بدی که امر کرده باثبات آن بزرگان نویسندگان آنها
وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي وَجَعَلْتَهُمْ شُهُوداً عَلَيَّ
که ایشان را موکل گردانیده بحفظ آنچه صادر شود از من و گردانیدی ایشان را شاهد بر من
مَعَ جَوَارِحِي وَكُنْتَ اَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ
با اعضای من و بودی تو مطلع بر من بغیر از ایشان
وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ اَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ
و گواه بر آنچه نهانست از ایشان و برحمت خود پنهان کرده اند و بفضل
سَتَرْتَهُ وَاَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُهُ اَوْ اِحْسَانٍ
پوشانیدی او را و اینکه زیاد گردانی بهره مرا از هر نیکی که فرود آری آن را یا نیکی



تفضله او بين تنشره او رزق تبسطه او ذنب تغفره

که تفضل کنی آن را یا خوبی که پهن کنی او را یا روزی که گشایش دهی آن را یا گناهی که بیامرزی

او خطاء تستره يا رب يا رب يا رب يا الهي وسيدي

او را یا خطائی که بپوشانی آن را ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدای من ای آقای من

ومولاي ومالك رقي يا من بيده ناصيتي يا

و ای مولای من و مالک بندگی من ای آنکه بدست اوست موی پیشانی من ای

عليما بضري ومسكنتي يا خبيرا بفقري وفاقتي

دانا ببدی حال من و بیچارگی من ای دانا بفقر من و بیچارگی دیگر من

يا رب يا رب يا رب اسئلك بحقك وقدسك

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال میکنم ترا بحق تو و بپاکی ذات تو

واعظم صفاتك واسمائك ان تجعل اوقاتي في

و بزرگترین صفات تو و نامهای تو ای آنکه بگردانی اوقات مرا در

الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك

شب و روز بیاد خود آبادان و بخدمت

موصولة واعمالي عندك مقبولة حتى تكون اعمالي

پیوند شده و کردهای من در نزد تو پسندیده تا بوده باشد کردهای من

واورادي كلها وردا واحدا وحالي في خدمتك

و وردهای من همه یک ورد و حال من در خدمت تو

سرمدا يا سيدي يا من عليه معولي يا من اليه

پیوسته ای آقای من ای آنکه براوست اعتماد من ای آنکه بسوی او



شكوت

شکوت احوالی یا ربّ یا ربّ یا ربّ قوّ علی خدمتك

شکایت کنم احوال خود را ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار توانا گردان بر خدمت

جوارحی واشدد علی العزیمة جوانحی وهب لی

اعضای مرا و قوت کن بر عزم بندگی خود دل مرا و ببخش مرا

الجدّ فی خشیتك والدّوام فی الاتّصال بخدمتك

جدّ در ترس تو و مداومت در متصل بودن در خدمت تو

حتّی اسرح الیك فی میادین السّابقین واسرع

تا روان شوم بسوی تو در میدان های پیش روان و شتاب کنم

الیك فی میادین السّابقین واسرع الیك فی

بسوی تو در پیشی گیرندگان و شتاب کنم بسوی تو در

المبادرین واشتاق الی قربك فی المشتاقین و

پیشی گیرندگان و مشتاق گردم بسوی قرب تو در میان مشتاقان

ادنو منك دنوّ المخلصین واخافك مخافة الموقنین

و نزدیک شوم نزدیک شدن مخلصان و بترسم از تو ترسیدن صاحبان یقین

واجتمع فی جوارك مع المؤمنین اللّهمّ ومن اراد

و گرد آیم در همسایه قرب تو با مؤمنان ای خداوند خدا و هر که اراده کند

بسوء فارده ومن کادنی فکده واجعلنی من احسن

مرا به بدی پس اراده کن بدو بدی و هر که مکر کند با من پس مکر کن او را و بگردان مرا از بهترین

عبادك نصیبا عندك واقربهم منزلة منك و

بندگان تو در بهره نزد تو و نزدیک‌ترین ایشان در منزلت نزد تو



اخصهم زلفة لديك فانه لاينال ذلك الا

و مخصوص ترین ایشان در قرب نزد تو زیرا که نمیتوان رسید باین مرتبه مگر

بفضلك وجد لي بجودك واعطف علي بمجدك

بفضل تو و ببخشش کن برای من بجود خود و مهربانی کن بر من ببزرگواری خود

واحفظني برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجا

و نگاه دار مرا برحمت خود و بگردان زبان مرا بیاد خود گویا

وقلبي بحبك متيما ومن علي بحسن اجابتك واقلني

و دل مرا بدوستی خود بیتاب و منت نه بر من بنیکی اجابت خود و درگذر

عثرتي واغفر زلتي فانك قضيت على عبادك

از لغزش من و بیامرز گناه مرا پس بدرستی که تو حکم کرده بر بندگان خود

بعبادتك وامرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة

به بندگی کردن و امر کردی ایشان را بدعای خود و ضامن شده برای ایشان اجابت

فاليك يا رب نصبت وجهي واليك يا رب مددت

پس بسوی تو ای پروردگار من بازداشته ام روی خود را و بسوی تو ای پروردگار من کشیده ام

يدي فبعزتك استجب لي دعائي وبلغني مناي ولا

دست خود را پس بعزت تو سوگند میدهم مستجاب کن دعای مرا و برسان مرا بآرزوی من

تقطع من فضلك رجائي واكفني شر الجن والانس

و قطع مکن مرا از فضل خود امید مرا و دفع کن از من شر جنیان و آدمیان

من اعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك الا

از دشمنان من ای زود خشنود شونده بیامرز کسی را که مالک نیست

الدعاء

الدعاء فانك فعال لما تشاء یا من اسمه دواء وذکره

بجز دعا پس بدرستی که تو کننده انچه را خواهی ای انکه نام او دوای دردهاست و ذکر او

شفاء وطاعته غنی ارحم من راسه ماله الرجاء

شفا بیماریهاست و فرمان برداری او سبب توانگری است رحم کن کسی را که سرمایه [illegible]

وسلاحه البکاء یا سابغ النعم یا دافع النقم یا نور

و حربه اش گریه است ای صاحب نعمت کامل ای دفع کننده عذابها ای روشنی

المستوحشین فی الظلم یا عالما لا یعلم صل علی محمد

وحشت یافتگان در تاریکیها ای دانای که نیاموخته کسی درود فرست بر محمد

وآل محمد وافعل بی ما انت اهله وصلی الله علی رسوله

و آل محمد و بکن بمن انچه تو سزاوار آنی و درود فرستاد خدا بر رسول خود

والائمة المیامین من آله وسلم تسلیما **فصل پنجم**

و پیشوایان صاحب یمنت که آل اویند و سلام فرستاد سلام فراوان

در اعمال بقیه ماه شعبان
هست از حضرت امام رضا منقولست که هر که سه روز
از آخر ماه شعبان را روزه بدارد و بماه مبارک رمضان
وصل کند حقتعالی ثواب روزه دو ماه متوالی برای او
بنویسد و ابو الصلت هروی روایت کرده است که
در جمعه آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام رضا رفتم
حضرت فرمود که ای ابو الصلت اکثر ماه و این جمعه
آخر است پس تدارک و تلافی کن در آنچه از این ماه



ماه مانده است تقصیرها را که در ایام گذشته این ماه
کرده و بر تو باد که رو اوری بر انچه نافع است برای تو
در اخرت و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قران مجید
بسیار بکن و توبه کن بسوی حقتعالی از گناهان خود
تا انکه چون ماه مبارک در اید خالص گردانیده باشی
خود را از برای خدا و مگذار در گردن خود امانت و
حق کسیرا مگر انکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینهٔ کسیرا
مگر انکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که میکرده مگر انکه
ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و اشکارا
در امور خود و هر که بر خدا توکل کند بس است او را و
بسیار بخوان در بقیه این ماه این دعا را اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ
تَکُنْ غَفَرْتَ لَنا فِیما بَقِیَ مِنْهُ بدرستی
بار خدایا اگر نبوده
باشی که امرزیده باشی در انچه باقی مانده است از ان
که حقتعالی
در اینماه ازاد میگرداند بندگان را بسیار از اتش جهنم
برای حرمت ماه مبارک رمضان و بسند بسیار معتبر
منقولست که حضرت صادق ع در شب اخر شعبان و شب
اول ماه رمضان اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الشَّهْرَ الْمُبارَکَ
این دعا میخواندند
خداوندا بدرستیکه این ماه با برکت است
الَّذِی اَنْزَلْتَ فِیهِ الْقُرْانَ وَجَعَلْتَهُ هُدًی لِلنّاسِ
دررو فرستادی دران قران را و گردانیدی انرا هدایت برای مردم

وبینات

وبينات من الهدى والفرقان قد حضر فسلمنا فيه وسلمه

در دلیلهای روشن از هدایت و فرق کننده میان حق و باطل بتحقیق حاضر شده

لنا وتسلمه منا في يسر منك وعافية يا من اخذ القليل

پس سلم دار ما را در آن و سالم دار آنرا از ما در حال آنکه بوده باشد در آسانی از جانب تو و عا

وشكر الكثير اقبل مني اليسير اللهم اني اسئلك

و شکر داده بسیار را قبول کن از من اندک را بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو

ان تجعل لي الى كل خير سبيلا ومن كل ما لا تحب مانعا

اینکه بگردانی برای من بسوی هر نیکی راهی و از هر چه دوست نمیداری باز دارنده

يا ارحم الراحمين يا من عفا عني وعما خلوت به من

ای بخشنده ترین بخشندگان ای آنکه در گذشته از من و از آنچه پنهان داشتم آن را از

السيئات يا من لم يؤاخذ بارتكاب المعاصي عفوك

بدیها ای آنکه مؤاخذه نکردی مرا بمرتکب شدن نافرمانیها در گذر از من

عفوك عفوك يا كريم الهي وعظتني فلم اتعظ وزجرتني

در گذشتن عفو ای بزرگوار خدای من پند دادی مرا پس پند نگرفتم و منع کردی

عن محارمك فلم انزجر فما عذري فاعف عني يا

از محرمات خود پس ممنوع نگشتم پس چیست عذر من پس در گذر ای

كريم عفوك عفوك اللهم اني اسئلك

بزرگوار عفو در گذشتن عفو در گذشتن بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو

الراحة عند الموت والعفو عند الحساب عظم

آسایش را نزد مردن و در گذشتن را نزد حساب بزرگ



الذنب من عندك فليحسن العفو من عندك يا اهل
گناه از بنده تو پس باید نیکو باشد درگذشتن از نزد تو ای سزاوار
التقوى ويا اهل المغفرة عفوك عفوك اللهم انى
پرهیزکاری وای سزاوار آمرزش درگذر درگذشتن خداوندا بدرستیکه
عبدك ابن عبدك ابن امتك ضعيف فقير الى رحمتك وانت
بنده توام پسر بنده تو پسر کنیز توام ناتوانم محتاجم بسوی رحمت تو و تو
منزل الغنى والبركة على العباد قاهر مقتدر احصيت
فرود آورنده بی نیازی و برکتی بر بندگان غالبی توانائی شمردی
اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم
کردارهای ایشان را و قسمت کردی روزیهای ایشان را و گردانیدی ایشان را مختلف زبانهای
والوانهم خلقا من بعد خلق لا يعلم العباد علمك
ورنگهای ایشان آفریدی ایشان را آفرینشی پس از آفرینشی نمیدانند بندگان دانش ترا
ولا يقدر العباد قدرك وكلنا فقراء الى رحمتك
و طاقت ندارند بندگان قدرت ترا و همه ما محتاجانیم بسوی رحمت تو
فلا تصرف عنى وجهك واجعلنى من صالح خلقك
پس مگردان از من روی خود را و بگردان مرا از شایسته خلق خود
فى العمل والامل والقضاء والقدر اللهم ابقنى
در کردار و امید و در حکم و اندازه خداوندا نگاهدار مرا
خير البقاء وافننى خير الفناء على موالاة اوليائك
بهترین باقی داشتن و ... بهترین ... بر دوستی دوستان تو

ومعاداة

وَمُعَادَاةِ اَعْدَائِكَ وَالرَّغْبَةِ اِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ

و دشمن داشتن دشمنان تو و خواهشمندی بسوی تو و ترس داشتن از تو و در

وَالْخُشُوعِ وَالْوَقَارِ وَالتَّسْلِيمِ لَكَ وَالتَّصْدِيقِ

و دنا بودن و گردن نهادن برای تو و باور داشتن

بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعِ سُنَّةِ رَسُولِكَ اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي

کتاب تو و پیروی نمودن طریقهٔ رسول تو بار خدایا آنچه باشد در دل من

مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ بَذَخٍ

از شک یا تهمت یا انکار یا نومیدی یا شادی یا سرکشی یا

اَوْ بَطَرٍ اَوْ خُيَلَاءٍ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقَاقٍ اَوْ

طغیان یا کبر یا ریا یا سمعه یا بدبختی یا

نِفَاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ عِصْيَانٍ اَوْ عَظَمَةٍ اَوْ شَيْءٍ

دورویی یا ناسپاسی یا گناه یا فرمانی یا بزرگی یا چیزی

لَا تُحِبُّ فَاَسْئَلُكَ يَا رَبِّ اَنْ تُبَدِّلَهُ مَكَانَهُ اِيمَانًا

که دوست نداری پس سؤال میکنم از تو ای پروردگار که بدل نمایی برای من بجای

بِوَعْدِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَرِضًى بِقَضَائِكَ وَ

بوعده تو و وفا کردن به پیمان تو و خشنودی بحکم تو و

زُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَاَثَرَةً وَطُمَاْنِينَةً

بی رغبتی در دنیا و خواهشمندی در آنچه نزد تست و عطای و آرام

وَتَوْبَةً نَصُوحًا اَسْئَلُكَ ذٰلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

و توبه خالص سؤال میکنم از تو آنرا ای پروردگار جهانیان



اِلٰهی اَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصیٰ فَكَاَنَّكَ لَمْ تُرَ وَمِنْ كَرَمِكَ

خدای من تو از بردباری خود عصیان کرده میشوی پس گویا که تو دیده نشدی و از بزرگواری

وَجُودِكَ تُطاعُ فَكَاَنَّكَ لَمْ تُعْصَ وَاَنَا وَمَنْ لَمْ يَعْصِكَ

خود و بخشش خود اطاعت کرده میشوی پس گویا تو عصیان کرده نشده و من و آنکه نافرمانی نکرد

سُكّانُ اَرْضِكَ فَكُنْ عَلَيْنا بِالْفَضْلِ جَواداً وَ

ساکنان زمین تو ایم پس باش بر ما بفضل و عطیه بخشنده و

بِالْخَيْرِ عَوّاداً يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَصَلَّى اللهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ

بنیکی بسیار باز گردنده ای بخشاینده ترین بخشایندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد

وَآلِهِ صَلوٰةً دائِمَةً لا تُحْصیٰ وَلا تُعَدُّ وَلا يُقَدِّرُ

و آل او رحمتی همیشه در شمار نیاید و شمرده نشود و اندازه کرده نشود

قَدْرَها غَيْرُكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ و اما نمازها

اندازه آن را غیر تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان

مخصوص شبها

که باسانید معتبره وارد شده و علما ذکر کرده اند

شب اول صد رکعت با حمد و توحید یک مرتبه

و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه سوره حمد شب

دوم پنجاه رکعت با حمد و توحید و معوذتین یک مرتبه

یکمرتبه شب سیم دو رکعت بعد از حمد بیست و

پنج مرتبه توحید شب چهارم چهل رکعت در هر رکعت

بعد از حمد بیست مرتبه توحید شب پنجم دو رکعت



در هر رکعت

در هر رکعت بعد از حمد پانصد مرتبه توحید و بعد از
نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند
ششم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه
توحید شب هفتم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد
صد مرتبه توحید شب هشتم دو رکعت در رکعت اول
آیهٔ آمن الرسول تا آخر سوره و پانزده مرتبه توحید
و در رکعت دوم بعد از حمد آیهٔ قل انما انا بشر و پانزده
مرتبه توحید شب نهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از
حمد ده مرتبه اذا جاء نصر الله شب دهم چهار رکعت
در هر رکعت بعد از حمد آیة الکرسی یکمرتبه و سورهٔ
انا اعطیناك الکوثر سه مرتبه شب یازدهم هشت رکعت
در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه قل یا
ایها الکافرون شب دوازدهم دوازده رکعت در هر رکعت
بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ الهیکم التکاثر شب سیزدهم
دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ والتین
شب چهاردهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد
پنج مرتبه سورهٔ والعصر شب پانزدهم چهار رکعت در
میان نماز شام و خفتن در هر رکعت بعد از حمد
ده مرتبه توحید و بعد از نماز ده مرتبه یا رب اغفر لنا



وده مرتبه یارب ارحمنا وده مرتبه یارب تب علینا
وبیست یك مرتبه توحید وده مرتبه سبحان الله
الذی یحیی الموتی ویمیت الاحیاء وهو علی کل شیء
قدیر شانزدهم دو رکعت درهر رکعت بعد از حمد
یك مرتبه آیة الکرسی و پانزده مرتبه توحید شب
هفدهم دو رکعت درهر رکعت بعد از حمد هفتاد مرتبه
توحید وبعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار هیجدهم
ده رکعت درهر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه توحید
شب نوزدهم دو رکعت درهر رکعت بعد از حمد
پنج مرتبه آیة قل اللهم مالك الملك شب
بیستم چهار رکعت درهر رکعت بعد از حمد پانزده
مرتبه سوره اذا جاء نصر الله بیست ویکم هشت رکعت
درهر رکعت بعد از حمد یکمرتبه توحید ومعوذتین
بیست ودویم دو رکعت درهر رکعت بعد از حمد یك
مرتبه قل یا ایها الکافرون و پانزده مرتبه توحید
بیست وسیم سی رکعت درهر رکعت بعد از حمد
یکمرتبه سوره اذا زلزلت بیست وچهارم دو رکعت در
هر رکعت بعد از حمد یك مرتبه سوره اذا جاء نصر الله
بیست وپنجم ده رکعت درهر رکعت بعد از حمد

یك مرتبه

یك مرتبه الهیکم التکاثر بیست ششم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه آیة آمن الرسول بیست هفتم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سبح اسم ربك الاعلی بیست هشتم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد یك مرتبه توحید و معوذتین بیست و نهم ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد یك مرتبه با توحید یا الهیکم و معوذتین ده مرتبه شب سی ام دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سبح اسم ربك الاعلی و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد

باب سیم در بیان مجملی از فضایل و اعمال ماه مبارك رمضانست و در آن هشت فصل است فصل اول در بیان فضیلت این ماه مبارك است باید دانست که ماه مبارك رمضان ماه خدا و ندعالمیانست و شریفترین ماههاست چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده اند که حضرت رسول صلعم در آخر ماه شعبان خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس بدرستیکه رو کرده است بسوی شما ماه با برکت و رحمت و امرزش ماهیست که نزد خدا بهترین ماههاست و روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست و



ساعتهای آن بهترین ساعتهاست و ماهیست که خوانده
اند شما را در ان بسوی ضیافت خدا و گردیده اید در
ان از اهل کرامت خدا نفسهای شما در ان ثواب تسبیح
دارد و خواب شما ثواب عبادت دارد و عملهای شما
در ان مقبولست و دعای شما در ان مستجابست پس
سؤال کنید از پروردگار خود به نیتهای درست و دل
های درست و دلهای پاکیزه از گناهان و صفات ذمیمه
که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن ان و تلاوت
کردن قران در ان بدرستی که شقی و بدعاقبت کسی است
که محروم گردد از امرزش خدا در این ماه و یاد کنید بگرسنگی
و تشنگی شما در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را
و تصدق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید
پیران خود را و رحم کنید کودکان خود را و نوازش نمائید
خویشان خود را و نگاه دارید زبانهای خود را از انچه
حلال نیست نظر کردن بسوی ان و باز دارید گوشهای
خود را از انچه حلال نیست شما را شنیدن ان و مهربانی
کنید با یتیمان تا مهربانی کنند بعد از شما با یتیمان شما
و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید
بسوی خدا دستهای خود را بدعا در اوقات نمازهای خود



زیرا

زیرا که وقت نمازهای بهترین ساعتهاست نظر می
کند حقتعالی نظر در این اوقات بسوی بندگان خود
وجواب میگوید ایشانرا هرگاه او را مناجات کنند ولبیک
میگوید ایشانرا هرگاه او را ندا کنند ومستجاب میکرداند
هرگاه او را دعا کنند گروه مردمان بدرستی که جانهای
شما در گرو کردهای شماست پس از گرو بدر آورید بطلب
امرزش از خدا و پشتهای شما گران بار است از گناهان شما
پس سبک گردانید از طول دادن سجدها و بدانید که
حقتعالی سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نماز
کنندگانرا و سجده کنندگانرا و نترساند ایشانرا باتش
جهنم در روز قیامت ایها الناس هر که از شما افطار فرماید
روزه داره مومنی را در این ماه از برای او خواهد بود ثواب
بنده ازاد کردن وامرزش گناهان گذشته پس بعضی از
صحابه گفتند یا رسول الله همه ما قدرت این نداریم حضرت
فرمود که بپرهیزید از اتش جهنم بافطار فرمودن روزه داران
اگرچه بنصف دانه خرما باشد اگرچه بیک دانه یا بیک شربت
اب باشد بدرستی که خدا این ثواب میدهد کسیرا که چنین
کند اگر قادر بر زیاده از این نباشد ایها الناس هر که خلق
خود را در این ماه نیکو کرداند بر صراط بگذرد در روزی



که قدمها بران لغزد و هر که سبک کرداند دراینماه خدمت
کنیز و غلام را حقتعالی در قیامت حساب اورا اسان کرداند
و هر که دراینماه شرّ خود را از مردم بازدارد حقتعالی غضب
خود را در قیامت از او بازدارد و هر که در این ماه یتیم بی
پدر را کرامی دارد خدا او را در قیامت کرامی دارد و هر که
دراینماه صله و احسان کند با خویشان خود خدا وصل کند
او را برحمت خود در روز قیامت و هر که دراینماه قطع احسان
کند از خویشان خود خدای عزّ و جلّ در قیامت قطع رحمت
خود از او بکند و هر که نماز سنتی در این ماه بکند حقتعالی
برای او برات بیزاری از اتش جهنم بنویسد و هر که در این ماه
نماز واجبی را اداکند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد نماز
واجب که در ماههای دیکر کرده باشد و هر که دراینماه بسیار
صلوات فرستد بر من و بر آل من خدا سنکین کرداند ترازوی
عمل او را در روزی که ترازوهای اعمال سبک باشد و
کسیکه یک ایه از قران در این ماه بخواند ثواب کسی داشته
باشد که در ماههای دیکر ختم قران کرده باشد ایها الناس
بدرستی که درهای بهشت در این ماه کشاده است پس
سؤال کنید از پروردکار خود که بر روی شما نه بندد
و درهای جهنم دراینماه بسته است از خدا سؤال کنید

که بر شما



که بر شما نگشاید و شیاطین را در اینماه غل میکنند پس
سؤال کنید از خدا که هرگز بر شما مسلط نکرداند وایضا
از حضرت امیر المؤمنین منقولست که خدا از بر سایر ماها
هها فضیلت داده است مانند فضیلت ما اهل بیت
بر سایر مردم و در این ماه گشوده می شود درهای آسمان
و درهای بهشت و درهای جهنم و در اینماه شنیده می
شود نداهای مؤمنان و مؤمنات و مستجاب میکرد دعاهای
ایشان و رحم میکند گریهای ایشان و در اینماه شبی هست
که در آن شب ملائکه از آسمان بزمین می آیند و سلام
میکنند بر مردان و زنان روزه دار بر رحمت پروردگار
خود تا طلوع صبح و آن شب قدر است که حقتعالی مقدر
کرده است در آن شب ولایت و امامت مرا پیش از آنکه
آدم را خلق کند بدو هزار سال و عبادت آن شب بهتر است
از عبادت هزار ماه و روزه روزش بهتر است از
روزه هزار ماه ایها الناس بدرستی که آفتابهای ماه
رمضان و ماهتابهای آن طالع میشوند بر مردان و زنان
روزه دار با رحمت و این ماه شما مانند ماههای دیگر
نیست و روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش
بهترین شبهاست و دیوان در اینماه غل کرده و در زندان



اند و زیاد میکند خدا در این ماه روزیهای شما را و عمرها را
و مینویسد و مقدر میکرداند در این حاجیان بیت الله را
و در اینماه حقتعالی رو میکند بسوی اهل ایمان بامرزش
و فیروزی و رحمت و روزی و خوشنودی خدا و ندجزا
دهند ای روزه دار پس تدبیر کار خود بکن بدرستی که
در این ماه میهمان پروردگار خودی نظر کن و تامل نما
که چکونه خواهی بود در شب خود و در روز خود چکونه
نکاه میداری اعضای خود را و جوارح خود را از معصیتهای
پروردگار خود پس نظر کن که بشبها در خواب نباشی و روزها
غافل از یاد خدا نباشی پس بیرون رود ماه و کناهان
تو بر تو باقی مانده باشد پس در هنکامی که روزه داران
مزدهای خود را بکیرند تو از جملهٔ زیانکاران باشی
و در وقتی که بکرامت اقای خود فایز کردانند از جمله
محرومان باشی و در وقتی که سعادتمند کردند بمجاورت
دوستان پروردگار خود تو از رانده شدها باشی
ای روزه دار اگر ترا اقای تو از درکاه خود بر کرداند
بکدام درکاه رو خواهی آورد و اگر محروم کرداند ترا
پروردگار تو کی ترا روزی خواهد داد و اگر ترا
خوار کند کی ترا کرامی خواهد داشت و اگر او ترا



دلیل

ذلیل کرداند که تورا عزیز خواهد کرد و اگر او ترا وا
گذارد که تورا یاری خواهد کرد و اگر او تورا به بندگی
قبول نکند ببین که کدام خداوند را اختیار خواهی کرد
و اگر او لغزشها و گناهان ترا نیامرزد امید بکی خواهی
داشت برای امرزش گناهان خود و اگر حق خود را که
بر تو واجب کرداینده از تو طلب نماید چه جواب خواهی
گفت ای روزه دار تقرب بجو بسوی خدا بتلاوت
کردن کتاب خدا در شبها و روزهای این ماه زیرا که
کتاب خدا شفاعت کننده ایست که شفاعت اورا
قبول میکند و در قیامت شفاعت میکند برای انها
که تلاوت ان کرده اند از پس بالا میروند بر درجات
بهشت بعدد تلاوت ایات قران ای روزه دار بشارت
باد ترا بهر نفسی که درینماه میکشی ثواب تسبیحی در
نامه عمل تو مینویسند و طاعت تو درینماه مقبولست
و گناهان تو درینماه امرزیده است و اوازهای تو
بدعا درین ماه شنیده شد و بمناجات و زاری که
با خدا میگوئی بر تو رحم میکند و بدرستی که شنیدم
از حبیب خود حضرت رسول ص که خداوند عالمیان را
در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان ازاد کردها



از آتش جهنم که عدد ایشانرا کسی نمیداند چون شب آخر ماه
میشود در آنشب میامرزد مثل آنچه در جمیع ماه آمرزیده است
و ایضا فرمود که هر که ماه رمضانرا روزه دارد و نفس خود را
از چیزهائی که خدا حرام کرده است نگاه دارد بهشت البته
او را واجب گردد و هر که در اینماه روزه دارد و در هیچ
شب از شبهای آن بر حرام افطار نکند البته داخل بهشت
شود پس حضرت امیر (ص) فرمود که شنیدم از سید انبیا که فرمود
که بهترین اوصیاء پیغمبران در بهترین ماهها شهید خواهد
شد گفتم بهترین ماهها کدام است و بهترین اوصیا کیست
فرمود که بهترین ماهها ماه رمضان است و بهترین اوصیا
کیست توئی یا علی گفتم یا رسول الله البته این خواهد بود
شد فرمود بلی بحق پروردگارم بدرستی که برانگیخته میشود
بدبخت ترین امت من جفت پی کننده ناقه صالح و ضربتی
بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سرت خضاب شود پس
مردم شروع بگریه و فغان کردند و حضرت از منبر فرود آمد
ایضا از حضرت رسول (ص) منقولست بسندهای معتبر فرمود ایها
الناس هر که وارد شود بر او ماه رمضان پس روزه دارد روز
آنرا و بایستد بنماز و عبادت قدر میسری از شب آنرا و نماز
هارا در اوقات فضیلت بجا آورد و مبادره کند بنماز جمعه

آن و بامداد



ان و بامداد بنماز عید ان حاضر شود پس دریافته خواهد بود
ثواب شبقدر را و فایز میگردد بجایزها و بخششهای بزرگ خدا
مانند بخششهای بندکان نیست

در بیان حقیقت روزه و انچه دران معتبر است بدانکه روزه بازداشتن خود است
از چیزی چند که روزه را می شکند از طلوع صبح تا برطرف شدن
سرخی از جانب مشرق بنابر مشهور یا پنهان شدن قرص افتاب
یعنی برطرف شدن شعاع از کوهها و عمارات مرتفعه و قول اول
احوط است با نیت قربت پس باید بداند چیزها را تا نیت
تواند کرد و چون میان علما اختلاف بسیار هست در انها
اگر قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا ظاهرا کافی باشد
اما بهتر انست که متیقن باشد وجوب ترک انها قصد ترک
انها کند بعنوان وجوب و انچه خلافی باشد قصد ترک انها
کند احتیاطا و انچه سید عند غیر مکروه باشد قصد ترک انها
کند مستحبا و اگر قصد ترک جمیع محرمات را ضم کند بهتر است
واما انها که واجبست ترک انها کردن

اول انکه چیزی خوردن و اشامیدن است و چیزی که خوردن و اشامیدن
ان متعارف و معتاد باشد در ان خلافی نیست که مبطل
صوم است و موجب قضا و کفاره هر دو می شود اگر بعنوان
معتاد بخورد و اگر بغیر معتاد باشد مانند انکه در دماغ



یا کوش بخیاند چیز برا و بحلق داخل شود محل خلافست در
خوردن و آشامیدن انها مانند سنك وچوب وخاك و
کیاهها و ابفشرده شده از کیاهای غیر معتاد و اظهر انست
که اکر بعنوان معتاد باشد اجتناب از ان واجبست و احوط
انست که اکر بکند قضا و کفاره بعمل آورد جماع کردن
در قبل زنست مطلقا خواه انزال بشود وخواه نشود و
فعل ان موجب قضا و کفاره میشود بخلاف وجماع در دبر
زن هرکاه انزال شود روزه را باطل میکند و قضا و کفاره
لازم میشود ومشهور انست که در دبر بدون انزال نیز
مبطل صوم وموجب قضا و کفاره است وبعضی مبطل نمی
دانند واول اقویست باقی ماندن بر جنابت تا
صبح واشهر و اقوی انست که مبطل است وموجب قضا
وکفاره است وبعضی مبطل ندانسته اند وبعضی قضا
تنها واجب دانسته اند واحوط انست که اکر زن حایض
پاك شود پیش از صبح غسل کند واکر نکند احوط انست که غسل
کند بعد از صبح و ان روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند
واکر جنب را غسل متعذر باشد احوط انست که تیمم کند
وتیمم را نشکند تا صبح بشود وخواب اول بعد از جنابت
در حالی که نیت غسل کردن داشته باشد واحتمال بیدار
شدن



شدن دهد جایز است مشهور است که اگر تا صبح بید[ار]
نشود قضاء این روز را بر او واجب نیست وبعضی واجب
دانسته اند وان احوط است ومشهور است که اگر
بخوابد تا صبح ونیت غسل نداشته باشد بر او قضا و
کفاره لازمست واین احوط است اگرچه در دلیلش سخنی
هست ومشهور در خواب دویم وجوب قضا است وان
قول قویست بلکه خلافی در آن ظاهر نیست وجمعی
از اصحاب را اعتقاد است که در خواب سیم جنب هرگاه
بصبح رسد قضا وکفاره هر دو واجب است واقوی
عدم وجوب کفاره است وبعضی از متاخرین را اعتقاد
است که خواب بعد از بیدار شدن از احتلام حکم خواب
دویم دارد چنانچه والد مرحوم فقیر اختیار نموده واین
واین احوط است بلکه خالی از قوتی نیست وبدانکه
روزهای دیگر غیر ماه مبارک رمضان نیز خلافست
که آیا باید صبح را پاک دریابد یا نه وحق این است که
در قضای ماه رمضان باید صبح جنب نباشد ودر غیر
قضا احوط است که اگر صبح طاهر نباشد وواجب معین
نباشد این روز را روزه ندارد وقضا نیز نکند واما اگر
عمدا کرده باشد دور نیست که کفاره در کار نباشد



واگر بدهد احوط است و در روزهٔ سنت اگر بر جنابت
عمداً بماند تا صبح و پیش از زوال غسل کند و نیت روزه
کند بگمان فقیر روزه اش صحیح است و در واجب معین اگر
عمداً نیت را ترک کند و پیش از زوال نیت کند مشهور
اینست که روزه اش باطل است و قضا میکند و کفاره واجب
نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال
نیت میتواند کرد اگرچه قضای ماه رمضان باشد و در
روزهٔ سنت خلاف نیست که اگر در شب نیت نکرده
باشد و مفطری بعمل نیاورده باشد تا اول زوال نیت
میتواند کرد و بعد از زوال خلافست و بعضی گفته اند
تا نزدیک شام نیت میتواند کرد و جمعی از محققین علما
باین قایلند و نزد حقیر اقوی است و بعضی گفته اند که
اگر پیش از زوال نیت کند ثواب روزهٔ تمام دارد و اگر بعد از
زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت تا شام را مییابد
رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی بر آن موجب چهارم
قضا و کفاره است و بعضی قضا تنها و بگمان فقیر مبطل
نیست و احوط این است و عبارت مشهور است و بعضی
را متاخرین ملحق ساخته اند بغبار غلیظ دود غلیظ و بخار
غلیظ را اگر از آن اجزا منفصل شود چون دود تنور و


بخار

بجا رد یك واظهر عدم بطلانست واحوط اجتنابست حتی
پنجم از دود تنباکو اسْتمناست یعنی طلب نزول منی کردن
با حصول آن موجب قضا وکفاره است وبعضی در این تامل
نموده اند خصوصا وقتی که یقین باحتلام خود باشد وعادت او انزال
نباشد واحوط بلکه اقوی وجوب قضا وکفاره است مطلقا
ودر نظر کردن بزن حلال یا حرام یا صدای او شنیدن
یا بخیال خود در آوردن هرگاه باعث آمدن منی شود وقصد
انزال نداشته باشد وبآن معتاد نباشد خلافست و
ششم اظهر عدم وجوب قضا وکفاره است قی کردن است
عمدا واکثر موجب قضا تنها میدانند وبعضی قضا وکفاره
را هر دو واجب میدانند وبعضی هیچ یك را واجب نمی
دانند ومسئله مشکل است ووجوب قضا تنها خالی
از قوتی نیست ومشهور آنست که هرگاه قی بی اختیار آید
بر او قضائی نیست وبعضی قضا را واجب دانسته اند
هفتم واین قول ضعیف است حقنه است وبعضی موجب
قضا وکفاره هر دو دانسته اند وبعضی موجب قضا وکفاره
هر دو دانسته اند وبعضی موجب قضا تنها وبعضی حرام
دانسته اند وموجب هیچیك ندانسته اند وبعضی حقنه
مایع را موجب قضا دانسته اند وحقنه جامد را مانند

شیاف مکروه دانسته اند وبعضی مطلقا مکروه دانسته
اند وبعضی مطلقا مکروه دانسته اند واین قول اقوی است
واحوط انست که بدون ضرورت حقنه بمایع نکند واگر
بکند قضا بکند واشهر واقوی انست که چکانیدن در گوش
موجب فساد صوم نمی شود وسعوط در بینی هرگاه تعدی
بحلق نکند ایضا اقوی انست که جایز است وبعضی موجب
قضا وکفاره دانسته اند واگر بحلق رسد احوط اجتنابست
دروغ گفتن بر خدا ورسول ص وائمه هدی است
یا آنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقع
بگوید بلکه کسیکه اهلیت مسئله گفتن نداشته باشد
مسئله بگوید در حرمت ان شکی نیست وبعضی در روزه
موجب قضا وکفاره میدانند وبعضی میگویند که موجب
فساد صوم نمی شود وخالی از قوتی نیست واحوط انست
که اگر بکند قضا وکفاره هر دو بدهد   سر فرو بردن
در ابست وجمعی از موجب قضا وکفاره میدانند وبعضی
موجب قضاء تنها میدانند وبعضی از احرام میدانند
وموجب هیچ یك نمی دانند وبعضی مکروه می دانند واظهر
حرمتست وعدم وجوب قضا وکفاره وبعضی گفته اند
که اگر سر را باب فرو برد تا گردن وبدن بیرون اب باشد

نهم



تا از

بلغم

بازحکم ارتماس ندارد واین احوط است وبعضی گفته که
فروبردن مانند سر بادفعه هرچند منافذ مو بیرون
باشد باز حکم ارتماس دارد واین احوط است واحوط
است که در روزه سنت نیز سر باب فرو نبرد وبعضی
تجویز کرده اند واحوط ترک است   بلغم که از سینه
برآید یا از دماغ فرود آید در فرو بردن او علما را سه
قول است اول جواز ابتلاع آنچه بیرون میآید از سینه
مادام که از دهن منفصل نشود وعدم جواز آن قسم دیگر
جواز ابتلاع هر دو قسم مادام که بدهن نرسد و
تحریم ابتلاع هر دو هرگاه بدهن برسد   جواز کشیدن
از سینه وسر وجواز فرو بردن مادام که از دهن جدا
نشود وجمعی که حکم بفساد کرده اند وبعضی بقضا تنها
قایل شده اند وبعضی بکفاره نیز واجب میدانند
بعضی بکفاره جمع قایل شده اند وگمان فقیر است که
هیچیک لازم نمی شود اما احتیاط است که بعد از آنکه
بفضای دهن بیاید فرو نبرد   مشهور میان علما
است که زن روزه دار میان آب ننشیند وبعضی گفته
اند که هرگاه تا کمر در آب بنشیند قضا بر او لازم است
وبعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند واول اظهر است

[illegible]



در خائیدن قندران و مصطکی که آبش فرو برد بعضی
حرام دانسته اند و بعضی موجب قضا دانسته اند و
اظهر جواز است و مشهور میان علماء آنست که اگر کسی
گمان داشته باشد که شب باقیست بلکه اگر شک
هم داشته باشد جایز است خوردن و آشامیدن
تا صبح مشخص شود و اگر معلوم شود که صبح بوده است
آن وقت که خورده یا آشامیده اگر ملاحظه نکرده باشد
خورده باشد قضا واجبست و کفاره واجب نیست و
اگر کسی مضمضه کند جهة وضوی نماز واجب و آب بی
اختیار بحلق فرو رود قضا بر او واجب نیست و اگر جهة
نماز نافله باشد بعضی گفته که قضا بر او واجبست
و اگر عبث مضمضه کرده باشد و آب بحلقش رود جمعی
قضا را واجب دانسته اند و این احوط است و اظهر
عدم وجوبست مطلقا در روایتی وارد شده است
که بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهان را بیندازد و
این احوط است   در سنتها و آداب روزه
است مکروه است روزه دار را بوسیدن زنان و دست
بدن ایشان مالیدن و دست بازی کردن با ایشان و
اقرب آنست که کراهت مخصوص بصورتیست که اینها



محرا

بحرک شهوت او باشد و خوف وقوع در جماع داشته باشد
و مکروه است بچشم کشیدن چیزی که از طعمی باشد که
بحلق رسد یا در آن مشکی باشد و مشهور کراهیت بیرون
آوردن خون نیست از بدن که باعث ضعف شود در حجامت
احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین داخل شدن حمام که
مضعف باشد و مکروه است بوییدن گلها خصوصا
نرگس و بهتر آنست که مشک را نبوید و سایر بوهای
خوش مکروه نیست بلکه سنت است و از حضرت صادق
منقولست که طیب تحفه صایم است و فرمود که هر روزه
داری که در اول روز خود را خوشبو کند عقلش زایل
نگردد و اشهر و اقوی آنست که بوییدن رایحه غلیظ
مفطر نیست و بعضی گفته اند که بوییدن رایحه غلیظ
که بجوف رسد موجب قضا و کفاره می شود و احوط آن
است که بوی خوش سائیده که بدماغ بالا رود نبوید چنانچه
در روایتی وارد شده است و مکروه است که جامه
که ملاصق بدن است تر کند و مکروه است زن صایمه را
که در آب نشیند چنانچه گذشت و از حضرت صادق ع
منقولست که هر گاه روزه داری میباید روزه باشد
گوش تو و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای



تو یعنی از محرمات بلکه از مکروهات اجتناب کند و فرمود
که باید که روز را روزهٔ تو مانند روز افطار تو نباشد و
ایضا از الحضرة منقولست که فرمود روزه نه همین از خوردن
و آشامیدنست تنها بلکه باید که در روز روزه نگاه دارید
زبان خود را از دروغ و بپوشانید دیدهای خود را از حرام
و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله
مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز و
دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و بیخبری مکنید
و دلتنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش
باشد از آنچه نباید گفت و صبر کنید و راستگو باشید و دوری
کنید از اهل شر و اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و افترا
و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن
چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت دانیدن و منتظر
ظهور قائم آل محمد باشید و آرزومند ثوابهای آخرة باشید
و توشهٔ اعمال صالحه را برای سفر آخرت بردارید و بر شما
باد بآرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی
و مذلت مانند بندهٔ که از آقای خود بترسد و ترسان
باشید از عذاب خدا و امیدوار باشید رحمت او را و باید
که باشد بر روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو از حیلها



و مکرها

و مکروهها و پاکیزه باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجوی بسوی
خدا از انچه غیر اوست و در روزهٔ ولایت خود را خالص گردانی
از برای او و خاموش باشی از انچه حقتعالی اورا نهی کرده ترا
در اشکار و پنهان و بترسی از خداوند قهار و انچه سزاوار ترسیدن
اوست در پنهان و اشکار و ببخشی روح و بدن خود را بخدای
عز و جل در ایام روزهٔ خود و فارغ گردانی دل خود را از برای
محبت او و یاد او و بدن خود را بکار فرمائی در انچه خدا
امر کرده است بان و خوانده است بسوی ان اگر همهٔ اینها
را بعمل اوری انچه سزاوار روزه داشتن است بعمل اورده
خدا را طاعت کرده و انچه کم کنی از انها که بیان کردم از برای
تو بقدر ان از روزهٔ تو کم میشود از فضل ان و ثواب ان
بدرستی که پدرم گفت رسول خدا شنید که زنی در روزه
جاریهٔ خود را دشنام داد انحضرت طعامی طلبید و ان زن را
گفت بخور زن گفت من روزه ام انحضرت فرمود چگونه روزه
که جاریهٔ خود را دشنام دادی روزه از خوردن و اشامیدن
تنها نیست بدرستی که حقتعالی روزه را حجابی گردانیده
است از سایر امور قبیحه از کردار بد و گفتار بد چه بسیار
کم‌اند روزه داران و بسیارند گرسنگی کشندگان و حضرت
امیر المؤمنین فرمود که چه بسیار روزه داری که او را بهره



نیست از روزه بغیر تشنگی و گرسنگی و چه بسیار عبادت
کنندهٔ که نیست او را بهره از عبادت بغیر تعب ای خوشا خواب
زیرکان که بهتر از بیداری و عبادت احمقانست و خوشا
افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه داشتن بیخردانست زیرا
که خواب مقربان چون بنیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود
از جملهٔ عبادات ایشانست بلکه ارواح ایشان در عالم قدس
با ارواح ایشان انبیاء و خلص مؤمنان محشور میگردند و بر اسرار
برؤیای صادقه مطلع میگردند و راهی از راههای قرب ایشانست
و افطار خردمندان چون از روی دانائیست و بوجهی که حق
تعالی خواسته افطار مینماید بهتر است از روزه های
احمقان که روزه را دستگاه خودفروشی کرده اند و بریا و عجب
ممزوج میکرده باشند و بشرایط صوم عمل نمیکنند **فصل چهاردهم**
در بیان اداب دخول ماه مبارک رمضانست سنت است
طلب هلال ماه رمضان و بعضی واجب دانسته اند و از
حضرت امام جعفر صادق منقولست که چون هلال ماه رمضان
دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله کن و دستها را
بسوی خدا بلند کن و خطاب کن رَبّی وَرَبُّكَ اللهُ رَبُّ العالَمین
پروردگار من و پروردگار تو خداست پروردگار عالمیان
بسوی ماه و بگو ه
اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَینا بِالاَمنِ وَالاِیمانِ وَالسَّلامَةِ وَالاِسلام
بار خدایا طالع گردان اهلال را بر ما با ایمنی و ایمان و سلامتی و اسلام

والمسارعة



وَالْمُسَارِعَةِ اِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِى شَهْرِنَا
وشتافتن بسوی آنچه دوست داری تو و بپسندی خداوندا برکت ده برای ما در ماه
هٰذَا وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَعَوْنَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ
این و روزی کن ما را نیکویی آن و مدد کردن آن و بگردان از ما بدحالی آن و شر آن
وَبَلَاۤءَهُ وَفِتْنَتَهُ وبهترین دعاها دعای صحیفه کامله
وبلای آن را و آشوب آن را و ابن عقیل رضی الله عنه این دعا را در
وقت رؤیت هلال ماه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى خَلَقَنِى وَ
مبارک رمضان واجب دانستم سپاس مر خدای را که آفرید مرا و
خَلَقَكَ وَقَدَّرَ مَنَازِلَكَ وَجَعَلَكَ مَوَاقِيتَ لِلنَّاسِ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ
آفرید ترا و تقدیر کرد منزلهای ترا و گردانید ترا وقت نهادن اوقات برای کسان خداوندا
عَلَيْنَا اِهْلَالًا مُبَارَكًا اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْهُ عَلَيْنَا بِالسَّلَامَةِ
آن را بر ما داخل گردانیدنی با برکت خداوندا درآور داخل کن آن را بر ما با سلامتی
وَالْاِسْلَامِ وَالْيَقِينِ وَالْاِيمَانِ وَالْبِرِّ وَالتَّقْوَى لِمَا تُحِبُّ وَ
و با اسلام و یقین و ایمان و نیکوکاری و توفیق
اعمال شب اول
وَتَرْضَى و در شب اول ماه جماع با حلال خود سنت است
و بپسندی وغسل در شب اول سنت است و از حضرت
صادق منقولست که هر که غسل کند در شب اول ماه
رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر ریزد با طهارة
معنوی باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود



که هر که در شب اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن
باو نرسد در ان سال و ایضا منقولست که چون ماه رمضان
داخل میشد حضرت صادق ع فرزندان خود را وصیت میفرمود
که اهتمام کنید و سعی نمایید در اینماه در عبادت که در
اینماه روزیها قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته
میشود و حاجیان در اینماه مقدر میشوند و در این ماه شبی
هست بهتر از هزار ماه و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار و دعا بدعا بدرستی
که دعا دفع میکند بلا را از شما و استغفار محو میکند گنا
هان شما را و زیارت حضرت امام حسین در شب اول ماه
سنتست و از حضرت صادق منقولست که هر که در شب اول
ماه رمضان یا شب میان یا شب اخر زیارت انحضرت بکند
گناهان او بریزد مانند برگ از درختان از گناه بیرون اید
مانند که از مادر متولد شده است و ثواب حج و عمره خدا
باو عطا کند و ایضا از انحضرت منقولست که هر که در شب
اول ماه سوره انا فتحنا در نماز نافله بخواند در ان سال از
بلاها او محفوظ گردد و بروایتی دیگر از انحضرت منقولست
که هر که در شب اول ماه مبارک دو رکعت نماز بجا اورد
و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و سؤال کند



که حق تعالی

حقتعالی او را کفایت شرور بکند خدا او را کفایت کند
از آنچه میترسد در این ماه و حفظ کند او را از آنچه میترسد
و از بیماریها و دردها و نماز را نشسته میتوان کرد و
سوره را از روی قران میتوان خواند و اگر در شب اول
نیت روزهٔ تمام ماه را نکند و باز هر شب نیت کند بهتراست
و چنین نیت کند که قصد کند که فردا روزهٔ ماه میدارم واجب قربة
الی الله و در روز اول ماه سنتست که غسل کند در آب
جاری و سی کف آب بر سر بریزد و از حضرت صادق منقولست
که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها
در تمام سال ایمن باشد و ایضا از آنحضرت منقولست که
هر که در روز اول این ماه کفی از گلاب بر سر بریزد از خواری
و پریشانی نجات یابد و اگر هر روز بکند در آنروز از
بلا ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی ع منقولست
که هر که در اول هر ماه دو رکعت نماز بکند در رکعت اول
بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد بخواند و در رکعت دوم
بعد از حمد سی مرتبه انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق
کند بآنچه شود سلامتی آن ماه را خریده است و در روز
اول این دعا اللهم قد حضر شهر رمضان و قد افترضت
سنتست خداوندا بتحقیق حاضر شده ماه رمضان و بتحقیق واجب کردی



عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَاَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْاٰنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَ

بر ما روزه داشتن آن را و فرو فرستادی در آن قرآن را در حالتی که راهنمای

بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا عَلٰى صِيَامِهِ

و ابنهای روشن است از راهنمائی و جدا کننده از حق از باطل خدا و ندا مدد کن

وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ

در آن و ابتدا بر آن را از ما و قبول کن از آن از ما و سالم دار آن را برای ما در آسانی از

عَافِيَةٍ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وايضا از حضرة صادق

در عافیت بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی

منقولست که چون ماه

مبارک داخل می شد حضرة اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ

رسول این دعا را میخواندند بار خدایا بتحقیق داخل شد ماه

رَمَضَانَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ

رمضان بار خدایا ای پروردگار ماه رمضان که فرو فرستادند

فِيهِ الْقُرْاٰنَ وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ

در آن قرآن را و گردانیدی در آن معجزهای روشن از راهنمائی و جدا کننده

اَللّٰهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَاَعِنَّا عَلٰى صِيَامِهِ

خداوندا پس برکت ده مارا در ماه رمضان و مدد ده ما را بر روزه داشتن آن

وَصَلَوٰتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وايضا بسند معتبر از حضرة

و نماز آن و بپذیر آن را از ما

صادق منقولست که

هر که نزد داخل شدن ماه رمضان یعنی روز اول

باشد اول

دعای روز اول ماه

یا شب اوّل دو رکعت نماز کند و در رکعت اوّل بعد از
حمد سورهٔ انّا فتحنا بخواند و در رکعت دویم هر سوره که خواهد
بخواند حقتعالی جمیع بدیها را در آن سال از او بگرداند و در
حفظ خدا باشد تا سال آینده و در شب اوّل یا روز اوّل
دعای صحیفهٔ کامله را بخواند که بهترین دعاهاست و کلینی
و شیخ طوسی و دیگران بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت
امام موسی کاظم فرمود که در ماه مبارک رمضان در اوّل
سال یعنی روز اوّل ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا
را بخوان و فرمود که هر که این دعا را از برای حقتعالی او بی
شایبه اغراض فاسده و ریا بخواند در آن سال باو نرسد فتنه
و گمراهی و نه آفتی که ضرر رساند بدین او و حقتعالی او را
حفظ کند از شر آنچه در آن سال اللّهمّ انّی اسئلك
واقع می شود از بلاها هذا الدعا
بار خدایا بتحقیق سؤال میکنم ترا بحرمت
باسمك الّذی دان له كلّ شیءٍ و برحمتك الّتی وسعت
نام تو آنکه همه که ذلیل شد برای او هر چیزی و برحمت تو که فرا گرفت
كلّ شیءٍ و بعظمتك الّتی تواضع لها كلّ شیءٍ و بعزّتك
هر چیزی را و بعظمت تو که فروتنی نمود برای آن هر چیزی و بعزت تو
الّتی قهرت كلّ شیءٍ و بقوّتك الّتی خضع لها كلّ شیءٍ
که قهر و غلبه نمود هر چیزی را و بتوانائی تو که پستی نمود برای آن هر چیزی



وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي اَحَاطَ
و بجبروت بزرگواری تو که غلبه نموده هر چیزی را و بدانش تو که فرو گرفته است
بِكُلِّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا اَوَّلَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا بَاقِي
هر چیزی را ای نور ای بغایت پاک ای اول پیش از هر چیزی و ای باقی
بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِيَ
پس از هر چیزی ای خدا ای بخشاینده رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز برای
الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ
من گناهان را که تغییر میدهد نعمتها را و بیامرز برای من گناهانی که فرود می آورد عذابها
وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ
و بیامرز برای من گناهان را که میبرد امید را و بیامرز برای من گناهان را
الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ
که زایل میکند پرده را و بیامرز برای من گناهان را که بشتاب می آورد نیستی را
وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ
و بیامرز برای من گناهان را که در عقب در آورد پشیمانی را و بیامرز برای من گناهانی
الْعِصَمَ وَاَلْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَعَافِنِي
که میدرد پرده های عصمت را و بپوشان مرا زره محکم خود را قصد کرده نشود و عافیت بخش مرا
مِنْ شَرِّ مَا اُحَاذِرُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي
از شر آنچه میترسم در شب و روز آینده سال من
هٰذِهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْاَرَضِينَ السَّبْعِ
این سال خداوندا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه

وما فيهن

وما فيهن وما تحتهن ورب العرش العظيم ورب السبع المثاني

و آنچه در آنهاست و آنچه در میان آنهاست و ای پروردگار عرش بزرگ و ای پروردگار سبع مثانی

والقرآن العظيم ورب اسرافيل وميكائيل وجبرئيل ورب

و قرآن بزرگ و ای پروردگار اسرافیل و میکائیل و جبرئیل و ای پروردگار

محمد صلى الله عليه وآله سيد المرسلين وخاتم النبيين اسئلك

محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او و بزرگ فرستادگان و آخر پیغمبران

بك وبما سميت به نفسك يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم

و بحرمت تو آنچه تو نامیده شده بآن ای بزرگ مرتبه توئی آنکه بخشش

وتدفع كل محذور وتعطي كل جزيل وتضاعف من الحسنات

و دفع میکنی هر محذوری را و عطا میفرمائی هر عطای دادنی را و چندین برابر میکنی نیکیها

بالقليل وبالكثير وتفعل ما تشاء يا قدير يا الله يا رحمن

در مقابل عمل کم و بسیار و میکنی آنچه خواهی ای توانا ای خدای بخشاینده

صل على محمد واهل بيته والبسني في مستقبل سنتي

رحمت فرست بر محمد و خاندان او و بپوشان مرا در آینده سال

هذه سترك ونضر وجهي بنورك واحببني بمحبتك وبلغني

این سال پرده خود و درخشان کن روی مرا بروشنائی خود و دوست دار مرا بدوستی

رضوانك وشرف كرامتك وجسيم عطيتك واعطني

مرا خشنودی خود و نوازش بلند خود و عطیه بزرگ مرتبه خود و عطا کن مرا

من خير ما عندك ومن خير ما انت معطيه احدا من خلقك

بر بهترین آنچه نزد تست و از بهترین آنچه تو عطا فرمائی آن را به احدی از مردم



وَأَلْبِسْنِي مَعَ ذَلِكَ عَافِيَتَكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَيَا
و بپوشان مرا با وجود آن عافیت خود ای قرارگاه هر شکایت و ای دانای
شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيَا دَافِعَ مَا يَشَاءُ مِنْ
دانای هر راز ای داننده هر پنهان ای رانندهٔ آنچه خواهی
بَلِيَّةٍ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّةِ إِبْرٰهِيمَ
از بلای ای کرامی عفو ای نیکو گذشت بمیران مرا بر ملت ابراهیم
وَفِطْرَتِهِ وَعَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ
و دین او و بر دین محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او و طریقه او
وَعَلَى خَيْرِ الْوَفَاةِ فَتَوَفَّنِي مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا
و بر بهترین مردنی پس بمیران مرا حال آنکه دوستدار دوستان ترا و دشمن دارم
لِأَعْدَائِكَ اللَّهُمَّ وَجَنِّبْنِي فِي هٰذِهِ السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ
مر دشمنان ترا خدایا و دور گردان مرا در این سال هر کرداری
أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ وَاجْلِبْنِي إِلَى كُلِّ عَمَلٍ
یا گفتاری یا فعلی که دور کند مرا از تو و بکشان مرا بسوی هر عمل
أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ يَا أَرْحَمَ
یا قولی یا فعلی که نزدیک کند مرا بتو در این سال ای بخشنده‌ترین
الرَّاحِمِينَ وَامْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ
بخشندگان و باز دار مرا از هر عملی یا قولی یا فعلی که باشد از من بترسم
ضَرَرَ عَاقِبَتِهِ وَأَخَافُ مَقْتَكَ إِيَّايَ عَلَيْهِ حِذَارَ أَنْ تَصْرِفَ
ضرر عاقبت آن را و بترسم دشمنی کردن تو مرا بر آن بجهت خوف از آنکه بگردانی



وجهك

وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي فَاسْتَوْجِبَ بِهِ نَقْصاً مِنْ حَظٍّ لِي عِنْدَكَ

روی لطف گرامی خود را از من پس مستحق گردم بسبب آن کم گردیدن از بهره که مراست نزدت

يَا رَؤُوفُ يَا رَحِيمُ اَللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هٰذِهِ

ای مهربان ای مهربان بار خدایا بگردان مرا در آینده سال من این سال

فِي حِفْظِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَفِي كَنَفِكَ وَجَلِّلْنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ

در حفظ خود و در سایه خود و در پناه خود و بپوشان مرا بپوشش عافیت خود

وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ

و ببخش مرا نوازش خود ارجمند است همسایه تو و بزرگ است ستودن تو نیست خدایی غیر تو

اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعاً لِصَالِحِ مَنْ مَضَى مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَ

خداوندا بگردان مرا پیرو نیکوکار آنکه گذشته است از دوستان تو و

اَلْحِقْنِي بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مُسَلِّماً لِمَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ

در رسان مرا بایشان و بگردان مرا منقاد برای آنکه گوینده است براستی بر تو از

مِنْهُمْ وَاَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ اَنْ تُحِيطَ بِي خَطِيئَتِي وَظُلْمِي

ایشان و پناه میگیرم بتو خداوندا از آنکه فرا گیرد مرا گناه من و ستم من

وَاِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَاتِّبَاعِي لِهَوَايَ وَاشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي

و اسراف من بر نفس خود و پیروی من مر خواهش خود را و مشغول شدن من بخواهشها

فَيَحُولَ ذٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ فَاَكُونَ

پس حایل شود آن میان من و میان رحمت تو و خشنودی تو پس بوده باشم

مَنْسِيّاً عِنْدَكَ مُتَعَرِّضاً لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ اَللَّهُمَّ

فراموش شده نزد تو فرا پیش آینده مر غضب ترا و عذاب ترا خداوندا



وفقني لكل عمل صالح ترضى به عني وقربني اليك
توفیق ده مرا برای هر کردار شایسته که خشنود شوی بآن از من و نزدیک گردان
زلفى اللهم كما كفيت نبيك محمدا صلى الله عليه وآله
نزدیکی خداوندا چنانچه دفع کردی از پیغمبر خود محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او
هول عدوه وفرجت همه وكشفت غمه وصدقته وعدك
ترس دشمن او را و گشودی اندوه او را و دور کردی غم او را و راست گفتی برای
وانجزت له عهدك اللهم فبذلك فاكفني هول
روا کردی برای او عهد خود را خدایا پس بآن دفع کن از من خوف
هذه السنة وآفاتها واسقامها وفتنتها وشرورها
این سال را و بلاهای آن را و بیماریهای آن را و آشوب آن را و بدیهای
واحزانها وضيق المعاش فيها وبلغني برحمتك كمال
و اندوههای آن را و تنگی معاش را در آن و برسان برحمت خود مرا بر کمال
العافية بتمام دوام النعمة عندي الى منتهى اجلي
عافیت بتمامی همیشه بودن نعمت نزد من تا آخر مدت عمر من و
اسئلك سؤال من اساء وظلم واستكان واعترف
سوال میکنم ترا مانند سوال کسی که بد کرد و ستم نمود و اعتراف نمود بگناهان
واسئلك ان تغفر لي ما مضى من الذنوب التي حصرتها
و درخواست میکنم از تو اینکه بیامرزی برای من آنچه را که گذشته از گناهانی که فرا گرفته آنها را
حفظتك واحصتها كرام ملائكتك علي وان
فرشتگان نویسندگان تو و شمرده آنها را بزرگواران فرشتگان تو بر من و اینکه



تغفر لي

تعصمني الهي من الذنوب فيما بقي من عمري الى منتهى

نگاهداری مرا خدای من از گناهان در آنچه باقی مانده از عمر من تا آخر اجل من

اجلي يا الله يا رحمن يا رحيم صل على محمد واهل بيت محمد

ای خدا ای بخشنده ای مهربان رحمت بفرست بر محمد و خانواده محمد

واتني كل ما سألتك ورغبت اليك فيه فانك امرتني

وعطا کن مرا هر آنچه سؤال کردم از تو و رغبت نمودم بسوی تو در آن زیرا که بتحقیق امر کردی مرا

بالدعاء وتكفلت لي بالاجابة يا ارحم الراحمين

بدعا و ضامن شدی برای من اجابت کردن دعای مرا ای بخشنده ترین بخشندگان

اعمال هر روز و هر شب

فصل پنجم در اعمال هر شب و هر روز ماه مبارک رمضانست

از حضرت صادق و کاظم منقولست که بعد از هر نماز در ماه

مبارک این دعا بخوانند يا علي يا عظيم يا غفور يا رحيم انت الرب العظيم

ای بلند مرتبه ای بزرگ ای آمرزنده ای مهربان توئی پروردگار بزرگ

الذي ليس كمثله شيء وهو السميع البصير وهذا شهر عظمته

آنچنان که نیست مانند او هیچ چیز و اوست شنوای بینا و این ماهیست که بزرگ کردی آن را

وكرمته وشرفته وفضلته على الشهور وهو الشهر الذي

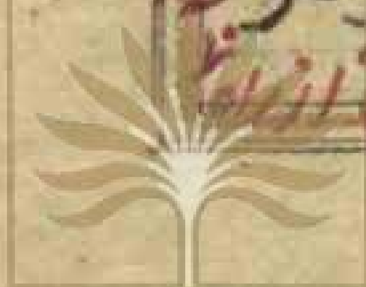
و گرامی داشتی آن را و بلند گردانیدی آن را و زیادتی دادی آن را بر همه ماهها و آن ماهیست که

فرضت صيامه علي وهو شهر رمضان الذي انزلت

واجب گردانیدی روزه داشتن آن را بر من و آن ماه رمضانست که فرو فرستادی

فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان

در آن قرآن را در حالتی که راهنمای آدمیانست و دلیلهای روشن از راه



وَجعلتَ فيهِ ليلةَ القدرِ وجعلتَها خيراً من الفِ

وگردانیدی در آن شب قدر را وگردانیدی آن شب را بهتر از هزار ماه

شهرٍ فيا ذا المنِّ ولا يُمَنُّ عليكَ مُنَّ عليَّ بفكاكِ رقبتي

ماه پس ای خداوند عطا و ای آنکه نیست گذاشته شود بر تو بخشش کن بر من بخلاص کردن گردن من

من النارِ وادخلني الجنةَ برحمتكَ يا ارحمَ الراحمين

از آتش در زمره آنانکه بخشش [illegible] ودر آور مرا در بهشت برحمت خود ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان

واین دعای بسیار خوبست واقلا هر شبی یک مرتبه
خوبست خواندن وبسند صحیح منقولست که هر که
درهر شب این ماه مبارك این دعا را بخواند گناه چهل
ساله او آمرزیده شود. اللهمّ ربّ شهرِ رمضانَ الذي

خداوندا ای پروردگار ماه رمضان که فرو

انزلتَ فيهِ القرآنَ وافترضتَ على عبادكَ فيهِ

فرستادی در آن قرآن را وواجب ساختی بر بندگان خود در آن

الصيامَ صلِّ على محمدٍ وآلِ محمدٍ وارزقني حجَّ بيتكَ

روزه داشتن را رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وروزی کن مرا حج خانه خود

الحرامِ في عامي هذا وفي كلِّ عامٍ واغفر لي تلكَ الذنوبَ

محترم در این سال من و در هر سال و بیامرز برای من آن گناهان

العظامَ فانّهُ لا يغفرُها غيرُكَ يا رحمنُ يا علّامُ وايضاً

بزرگ را زیرا که بتحقیق نمی آمرزد آن گناهان را غیر تو ای بخشنده ای بسیار دانا

هر شب



هزار مرتبه

هزار مرتبه سورهٔ انّا انزلناه سنّتست خواندن و صد مرتبه
سورهٔ حم دخان اگر میسّر شود و سحور خوردن در سحر هر شب
ماه مبارک مستحبّ است و از حضرة رسول منقولست که ترک
نکند امّت من سحور خوردن را اگرچه بیک دانهٔ خرمای زبون
باشد و ایضا از ان حضرة منقولست که حقتعالی و ملائکه
صلوات میفرستند بر انها که استغفار میکنند در سحرها
و سحور میخورند پس سحور بخورید اگرچه بیک شربت اب باشد
و بهترین سحور فالوذست و خرما و ایضا فرمود که سحور بخورید
اگرچه بجرعهٔ ابی باشد و خدا صلوات و رحمت میفرستند
بر سحور خورندگان و از حضرة صادق منقولست که هر که
سورهٔ انّا انزلناه در وقت سحور و در وقت افطار بخواند
در ما بین اینها لث ثواب کسی داشته باشد که در راه
شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد و گفته
اند که اگر نیّت روزه را بعد از سحور بکند بهتر است و از
اوّل شب تا اخر شب نیّت میتوان کرد و همین که میداند
و قصد دارد که فردا روزه میگیرد و از برای خدا میگیرد
و از برای خدا میگیرد بس است امّا اداب افطار سنّتست
که اوّل نماز شام را بکند و بعد از ان افطار کند مگر انکه
جمعی انتظار برند یا انکه گرسنگی یا تشنگی بر او غالب

باشد و مانع حضور قلب او باشد در نماز که در این صورت
افطار را مقدم داشتن بهتر است و در وقت افطار
سوره انا انزلناه خواندن سنتست چنانچه دانستی
و از حضرت رسول ص منقولست که یا عظیم یا عظیم انت
هر که در وقت افطار بگوید ای بزرگ ای بزرگ تو
الهی لا اله لی غیرک اغفر لی الذنب العظیم
خدای مرا غیر تو بیامرز برای من گناه بزرگ را
الا العظیم از گناهان بیرون آید مانند روزی که
مگر بزرگ
از مادر متولد شده است و از حضرت
امام حسن ع منقولست که هر روزه داری را در وقت
افطار دعا مستجابست باید بسم الله الرحمن الرحیم
در لقمه اول بگوید بنام خدای بخشنده بسیار مهربان
یا واسع المغفرة اغفر لی و در حدیث دیگر از حضرت
ای فراخ آمرزش بیامرز
امام موسی کاظم ع منقولست
اللهم لک صمت وعلی رزقک افطرت وعلیک
بار خدایا برای تو روزه داشتم و بر روزی تو روزه گشودم و بر تو توکل کردم
توکلت تا خدا عطا کند بثواب هر کس را که در آن
روز روزه داشته باشد در روایت دیگر منقولست
که حضرت امیر المؤمنین ع در وقت افطار بدو زانو می

نشستند



نشنند و چون خون را اللهم لک صمنا و علی رزقک
میکنا شنند می گفتند
بار خدایا برای تو روزه داشتم و بر روزی تو
افطرنا فتقبله منا انک انت السمیع العلیم و در احادیث
روزه گشودم پس بپذیر آن را از ما بدرستی که تو شنوای دانا
معتبره وارد
شده است که حضرت رسالت پناه افطار بر خرما و انگور
یا بر رطب در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت در وقت
افطار ابتدا بحلوا میل میفرمودند و اگر نمی یافتند بنبات
یا قند یا خرما افطار میکردند و اگر حاضر نبود باب نیم گرم افطار
می کردند و میفرمودند که آب نیم گرم پاک میکند معده را و نور
میدهد حدقه را و بینائی را زیاد می کند و گناهان می شوید
و عروق را ساکن میگرداند و صفرا غالب را فرو مینشاند و قطع
میکند بلغم را و اطفاء حرارة میکند و صداع را برطرف می کند
و ایضا از حضرت رسول منقولست که هر که بر خرمای حلالی
افطار کند کند ثواب نمازش چهارصد برابر است و ایضا
از آنحضرت منقولست که افطار کردن باب گناهان دل را می
شوید و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین دوست
میداشت شیر و از حضرت امام رضا منقولست که هر که
در وقت افطار یک گرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا
گناهان او را بیامرزد و ثواب یک بنده آزاد کردن در



نامۀ عمل و نوشته شود یکی از فرزندان اسمعیل و بهترین
اعمال در روزها و شبهای ماه م[illegible] رمضان تلاوت قرائت
و بسیار باید خواند چون در اینما[illegible]زل شده است و در حدیث
است که هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است
در ماههای دیگر در هر ماهی یکختم سنت است در اینماه اگر هر روز
یکختم تواند کرد خوبست و در حدیث است که بعضی از ائمه
در اینماه چهل ختم زیاد میکردند و اگر هر ختمی ثوابش بروح
مقدس امامی از ائمه و رسول خدا و فاطمه زهراء هدیه کنند
ثوابش مضاعف میگردد و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار
باید فرستاد و استغفار بسیار باید کرد و لا اله الا الله بسیار
باید گفت و ثنا [illegible] شب و روز را ترک نباید کرد و در شبهای
طاق ماه [illegible] بار [illegible] سنت است خصو[illegible] اول و یازدهم
و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و در دهه
اخر در شبهای جفت نیز غسل سنت است و در روایتی وارد
شده است که در جمیع ماه در هر شب غسل مستحبست و بسند
معتبر از حضرت صاحب الامر منقولست که شیعیان نوشتند
که در هر شب ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانند که دعای
ماه را ملائکه می شنوند و برای اللهم انی افتتح الثناء
صاحبش استغفار می کنند خداوندا بدرستی که من میگشایم ثنا را



بحمدک

بحمدك وانت مسدد للصواب بمنك وايقنت انك انت

بسپاس تو و تو توفیق میدهی برای صواب به بخشش خود و باور کردم که بتحقیق تو

ارحم الراحمين في موضع العفو والرحمة واشد المعاقبين

توئی بخشنده ترین بخشایندگان در جایگاه عفو و رحمت و سخت گیرنده ترین عقوبت کنندگان

في موضع النكال والنقمة واعظم المتجبرين في موضع

در جایگاه عقوبت و عذاب و بزرگترین بزرگواران در جایگاه

الكبرياء والعظمة اللهم اذنت لي في دعائك ومسألتك

بزرگواری و عظمت خداوندا دستوری دادی مرا در خواندن خود و در خواستن

فاسمع يا سميع مدحتي واجب يا كريم دعوتي واقل يا غفور

بشنو ای شنوا ثنای مرا و جواب بده ای بزرگوار دعای مرا و در گذر ای آمرزنده

عثرتي فكم يا الهي من كربة قد فرجتها وهموم قد كشفتها

از لغزش من پس چه بسیار ای خداوند از اندوه بتحقیق گشودی آنرا و غمها بتحقیق برطرف کردی

وعثرة قد اقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء قد

و لغزش بتحقیق در گذشتی و رحمت بتحقیق پهن کردی آنرا و حلقهٔ بلا که بتحقیق

فككتها الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن

گشودی آنرا سپاس مر خدای را که نگرفته هیچ زنی و نه فرزندی و نیست برای

له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره

او هیچ انبازی در پادشاهی و نیست برای او یاوری از جهت مذلت و بزرگ یاد کن

تكبيرا الحمد لله بجميع محامده كلها على جميع نعمه

یاد کردنی سپاس مر خدای را بهمه ستایشهای او تمام بر همه نعمتهای او



كُلِّهَا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ وَلَا مُنَازِعَ

و همه آنها سپاس مر خدای را که نیست مخالفت کننده مر او را در پادشاهی او و نه خصومت نماینده

فِي اَمْرِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ وَلَا شَبِيهَ

برای در امر او سپاس مر خدای را که نیست انبازی برای او در آفرینش او و نه مانندی برای

لَهُ فِي عَظَمَتِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ اَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظَّاهِرِ

او در بزرگی او سپاس مر خدای را که منتشر است در میان خلق فرمان وی و سپاس او که هویداست

بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ

بنوازش بزرگواری او گشاده است به بخشش دست او آن خدایی که کم نمی‌کند خزانهای

وَلَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ اِلَّا جُودًا وَكَرَمًا اِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ

در بار نمی‌کند او را بسیاری عطا مگر بخشش و بزرگواری بدرستی که اوست ای عزیز بخشنده

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي اِلَيْهِ

خداوندا بدرستی که من سوال می‌کنم از تو اندکی از بسیار با احتیاج من بسوی آن احتیاج

عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ اَللّٰهُمَّ

بزرگ و بی‌نیازی تو نزد من دیرینه است و آن نزد من بسیار است و آن بر تو سهل و آسان است خداوندا

اِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي وَصَفْحَكَ

بدرستی که عفو تو از گناه و تجاوز تو از خطای من و درگذشتن تو از ظلم

عَنْ ظُلْمِي وَسَتْرَكَ عَلَى قَبِيحِ عَمَلِي وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَ

از ظلم من و پوشیدن تو بر کردار زشت من و بردباری از گناه بسیار من نزد

مَا كَانَ مِنْ خَطَائِي وَعَمْدِي اَطْمَعَنِي فِي اَنْ اَسْئَلَكَ

آنچه باشد از خطای من و عمد من بطمع انداخت مرا در آنکه سوال کنم ترا



مالا

ما لا استوجبه منك الذی رزقتنی من رحمتك وأریتنی
آنچه نیستم سزاوار آن از تو آنچیزی که روزی کردی مرا از رحمت خود و نمودی مرا
من قدرتك وعرفتنی من اجابتك فصرت ادعوك آمنا
از توانائی خود و شناسندی مرا از اجابت خود پس گردیدم که می خوانم ترا ایمنی
واسئلك مستأنسا لا خائفا ولا وجلا مدلا علیك
و در میخواهم از تو انس دارنده نه ترسنده و نه بیمناک نازکننده بر تو
عتبت بجهلی علیك ولعل الذی ابطأ عنی
فیما قصدت فیه الیك فان ابطأ عنی هو خیر لی لعلمك
در آنچه قصد کردم در آن بسوی تو پس اگر درنگ نمود از من آن بهتر است برای من
بعاقبة الامور فلم ار مولی كریما اصبر علی عبد لئیم
بازگشت کارها پس ندیدم صاحبی بزرگواری صبرکننده تر بر بنده سفله
منك علی یا رب انك تدعونی فاولی عنك وتتحبب
از تو بر من ای پروردگار من بتحقیق تو میخوانی مرا پس رو برمیگردانم از تو و دوستی میکنی
الی فاتبغض الیك وتتودد الی فلا اقبل منك كان
بسوی من پس دشمنی میکنم بسوی تو و مهربانی میکنی بسوی من پس قبول نمیکنم از تو گویا
لی التطول علیك فلم یمنعك ذلك من الرحمة لی والاحسان
مرا هست برتو پس باز نداشت ترا از مهربانی بمن و احسان
الی والتفضل علی بجودك وكرمك فارحم عبدك
بسوی من و بخشش بر من بخشش خود و بزرگواری خود پس رحم کن بنده
الجاهل وجد علیه بفضل احسانك انك جواد كریم
نادان خود را و بخشش کن براو بزیادتی بخشش خود بدرستیکه تو بخشنده بزرگواری

بی



اَلحمدُ لِله مالِكِ المُلكِ مُجرِي الفُلكِ مُسخِّرِ الرِّياحِ فالِقِ

سپاس مر خدای را که خداوند پادشاهی روان کننده کشتیها رام سازنده بادها

الاِصباحِ دَيّانِ الدِّينِ رَبِّ العالَمينَ الحمدُ لِله على حِلمِه

شکافنده سپیده دم دهنده جزا پروردگار جهانیان است سپاس مر خدای را بر

بَعدَ عِلمِه وَالحمدُ لِله على عَفوِه بَعدَ قُدرَتِه وَالحمدُ لِله

بردباری او بعد از علم او و سپاس مر خدای را بر عفو او پس از توانائی او و سپاس مر خدای

على طُولِ اَناتِه في غَضَبِه وَهُوَ قادِرٌ على ما يُريدُ الحمدُ لِله

بر درازی مدارای او در غضب خود و حال آنکه او تواناست بر آنچه اراده کند سپاس مر خدای

خالِقِ الخَلقِ باسِطِ الرِّزقِ فالِقِ الاِصباحِ ذِي الجَلالِ

آفریننده خلق و فراخ سازنده روزی شکافنده صبح خداوند بزرگواری

وَالاِكرامِ وَالفَضلِ وَالاِنعامِ الَّذي بَعُدَ فَلا يُرى وَ

و گرامی داشتن بخشش و نعمت دادن آن خدایی که دور است پس دیده نشود و

قَرُبَ فَشَهِدَ النَّجوى تَبارَكَ وَتَعالى الحمدُ لِله الَّذي

نزدیک است پس آگاه است به رازگویی منزه است خدا و برتر است و سپاس مر خدای

لَيسَ لَهُ مُنازِعٌ يُعادِلُهُ وَلا شَبيهٌ يُشاكِلُهُ وَلا ظَهيرٌ

نیست مر او را نزاع کننده که برابری کند او را و نه مانندی که شبیه او را و نه یاور

يُعاضِدُهُ قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الاَعِزّاءَ وَتَواضَعَ لِعَظَمَتِهِ

که مدد کند او را قهر و غلبه کرده بعزت عزیزان و فروتنی نموده برای بزرگواری

العُظَماءُ فَبَلَغَ بِقُدرَتِه ما يَشاءُ الحمدُ لِله الَّذي يُجيبُني

بزرگان پس رسیده است بتوانائی خود آنچه را که خواهد ... مر خدای را

حِين اُنَادِيهِ وَيَسْتُرُ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَاَنَا اَعْصِيهِ وَيُعَظِّمُ

را اینک می خوانم اورا و میپوشد بر من هر زشتی را و حال آنکه من نافرمانی میکنم او را و بزرگ میکند

النِّعَمَ عَلَيَّ فَلَا اُجَازِيهِ فَكَمْ مِنْ مَوْهِبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ اَعْطَانِي

نعمت را بر من پس شکر نمی کنم اورا پس چه بسیار از بخشش گوارا که بتحقیق بخشید مرا

وَعَظِيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ كَفَانِي وَبَهْجَةٍ مُونِقَةٍ قَدْ اَرَانِي فَاُثْنِي

و بلای بزرگ بیم نموده شده بتحقیق دفع نموده از من و شکوفه بهجت آورنده

عَلَيْهِ حَامِدًا وَاَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ

میکنم اورا حال آنکه ستایش کننده ام و یاد میکنم اورا و حال آنکه منزه دانم سپاس مرخدای را که

حِجَابُهُ وَلَا يُغْلَقُ بَابُهُ وَلَا يُرَدُّ سَائِلُهُ وَلَا يُخَيَّبُ اٰمِلُهُ اَلْحَمْدُ

پرده او دریده نمی شود و بسته نمی شود درگاه او و برگردانیده نمی شود خواهنده از او و نا امید نمیکند

لِلّٰهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ

و ایمنی بخشد ترسندگان را و برهاند شایستگان را و برمیدارد ناتوانان را

وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ وَيُهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسْتَخْلِفُ اٰخَرِينَ وَ

و پست میسازد گردنکشان را و نیست میکند پادشاهان را و جانشین میکند دیگران را

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ مُبِيرِ الظَّالِمِينَ مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ

سپاس مرخدای را در هم شکننده متکبران هلاک سازنده ستمکاران دریابنده

نَكَالِ الظَّالِمِينَ صَرِيخِ الْمُسْتَصْرِخِينَ مَوْضِعِ حَاجَاتِ

عذاب کننده ستمکاران دادرس دادخواهان قرارگاه حاجت های

الطَّالِبِينَ مُعْتَمَدِ الْمُؤْمِنِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ

کنندگان اعتماد کرده شده گان سپاس مرخدای را که از ترس او



ترعد السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها
مضطرب است آسمان وقرار گرفتگان او ومیلرزد زمین وسکان آن
وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي
وآشوب میکند دریاها وآنکه شنا میکند در گردابهای آنها سپاس مر خدای را که
هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله الحمد
راه نموده مارا باین ونبودیم که راه یابیم اگر نبودی اینکه راه نموده مارا خدا سپاس
لله الذي يخلق ولم يخلق ويرزق ولم يرزق ويطعم
مر خدای را که می آفریند وآفریده نشده وروزی میدهد وروزی داده نشود ومیخوراند و
ولا يطعم ويميت الاحياء ويحيي الموتى وهو حي لا يموت
خورانیده نشود ومیمیراند زندگان را وزنده میکند مردگان را واو زنده ایست که نمیمیرد
بيده الخير وعلى كل شيء قدير اللهم صل على محمد عبدك
بدست اوست خیر واو بر همه چیز توانا است خداوندا رحمت بفرست بر محمد بنده تو
ورسولك وامينك وصفيك وحبيبك وخيرتك
ورسول تو وامانت دارنده تو وبرگزیده تو ودوست تو وبرگزیده شده تو
من خلقك وحافظ سرك ومبلغ رسالاتك افضل و
از خلق ونگاه دارنده راز تو ورساننده پیغامهای تو زیادتر و
احسن واجمل واكمل وازكى وانمى واطيب واطهر
نیکوتر وبهتر وتمامتر وطاهرتر وافزایش کننده تر وپاکیزه تر
واسنى واكثر ما صليت وباركت وترحمت وتحننت و
وبلند پایه تر وبیشتر از آنچه رحمت فرستادی وبرکت دادی ورحم نمودی

وسلمت

وَسَلَّمْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَاَنْبِيَاۤئِكَ وَرُسُلِكَ
درود فرستادن بر یکی از بندگان خود و پیغمبران خود و فرستادگان خود
وَصَفْوَتِكَ وَاَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ
و برگزیدگان خود و آنانکه گرامی اند بر تو از خلق تو
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ
خداوندا رحمت بفرست بر پادشاه گروندگان و وصی رسول پروردگار
الْعَالَمِينَ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَاَخِي رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى
جهانیان بنده تو و دوست تو و برادر رسول تو و حجت تو بر
خَلْقِكَ وَاٰيَتِكَ الْكُبْرٰى وَالنَّبَاِ الْعَظِيمِ وَصَلِّ عَلَى
آفریدگان تو و نشانه بزرگتری تو و خبر بزرگ و رحمت بفرست
الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاۤءِ الْعَالَمِينَ
همیشه راست گوی پاک فاطمه بزرگ زنان عالمیان
وَصَلِّ عَلَى سِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَاِمَامَيِ الْهُدٰى الْحَسَنِ
و رحمت بفرست بر دو فرزند زاده رحمت و دو پیشوای راه نما حسن
وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ
و حسین دو بزرگ جوانان اهل بهشت و رحمت بفرست
عَلَى اَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ ابْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ ابْنِ عَلِيٍّ وَ
بر پیشوایان مسلمانان علی پسر حسین و محمد پسر علی و
جَعْفَرِ ابْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى ابْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ ابْنِ مُوسٰى
جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی



ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والخلف

و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی و جانشین

الهادي المهدي حججك على عبادك وامنائك في

راهنمایان راه یافته حجتهای تو بر بندگان تو و امانت داران

بلادك صلوة كثيرة دائمة اللهم صل على ولي

شهرهای تو رحمت بسیار پیوسته خداوندا رحمت بفرست

امرك القائم المؤمل والعدل المنتظر وحفه بملائكتك

امر خود بر پا ایستاده امید داشته شده و دادخواه انتظار برده شده و فرو گیر او را

واحففه

المقربين وايده بروح القدس يا رب العالمين اللهم

نزدیکان و قوت ده او را بروح القدس ای پروردگار جهانیان بار خدایا

اجعله الداعي الى كتابك والقائم بدينك استخلفه

بگردان او را خواننده بسوی کتاب خود و بر پا دارنده دین خود خلیفه گردان

في الارض كما استخلفت الذين من قبله مكن له دينه

در زمین چنانچه خلیفه گردانیدی آنان را که بودند پیش از او و جای ده برای

الذي ارتضيته له ابدله من بعد خوفه امنا يعبدك

دینی که پسندیدی برای او بدل آور برای او پس از بیم او ایمنی را پرستند ترا

لا يشرك بك شيئا اللهم اعزه واعزز به وانصره

شریک نمی گرداند بتو چیزی خداوندا غالب گردان او را و غالب گردان

وانتصر به وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا

یاری کن او را یاری ارجمندی و گشا برای او گشودن آسانی

واجعل
وبگردان

وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً اَللّٰهُمَّ اَظْهِرْ بِهِ

و بگردان برای او نزد خود حجتی یاری دهنده خداوندا ظاهر کن بسبب او

دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ

دین خود را و طریقهٔ پیغمبر خود را تا آنکه پنهان نگذارد چیزی از حق را بجهت بیم

اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَرْغَبُ اِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ

احدی از آفریدگان خداوندا بدرستی که ما خواهشمندیم بسوی تو در دولت گرامی

تُعِزُّ بِهَا الْاِسْلَامَ وَاَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَاَهْلَهُ

که عزیز گردانی با آن اسلام و اهل اسلام را و خوار سازی بسبب آن نفاق و اهلش

وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ اِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ اِلَى

و بگردانی ما را در آن از خوانندگان بسوی طاعت تو و کشندگان بسوی

سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ

راه خود و روزی کنی ما را بسبب کرامت این جهان و آن جهان

اَللّٰهُمَّ مَا عَرَّفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْنَاهُ وَمَا قَصُرْنَا عَنْهُ

خداوندا آنچه شناسانیدی ما را از حق پس بار کن بر ما آن را و آنچه باز ماندیم از او

فَبَلِّغْنَاهُ اَللّٰهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعَثَنَا وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا

پس برسان ما را بآن خداوندا فراهم آور بسبب او پراکندگی ما را و بهم آور بسبب او شکاف ما

وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنَا وَكَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنَا وَاَعْزِزْ بِهِ ذِلَّتَنَا وَاَغْنِ

و التیام ده بسبب او جدا شدهٔ ما را و بسیار کن قلت ما را و عزیز کن بسبب او خواری ما را و

بِهِ عَائِلَنَا وَاقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنَا وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا

بی نیاز کن نیازمندی ما را و ادا کن بسبب او از صاحب دین و ...



وَسُدَّ بِهِ خَلَّتَنَا وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا وَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا وَ
و سد درکن بآن حاجت ما را و آسان کن بسبب او تنگی ما را و سفید کن بسبب او روهای ما را

فُكَّ بِهِ أَسْرَنَا وَأَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنَا بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَاسْتَجِبْ بِهِ
رفع کن بسبب او گرفتاری ما را بر آور بسبب او حاجت ما را و روا کن بسبب او وعدهای ما را و بپذیر

وَأَنْجِزْ

دَعْوَتَنَا وَأَعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا وَبَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
دعای ما را و عطا کن بسبب او سؤال ما را و برسان ما را بسبب او از دنیا و آخرت

آمَالَنَا وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ
بآرزوهای ما و عطا کن ما را بسبب او بالای خواهش ای بهترین سؤال کرده شدگان و فراخ

الْمُعْطِينَ اشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَأَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا
ترین بخشندگان شفا ده بسبب او سینهای ما را و ببر بسبب او خشم دلهای ما را

وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي
و راه نمایی کن ما را بسبب او بآنچه اختلاف کرده شده است در آن از امر حق برخصت خود بدرستی

مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَانْصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا
آنکه را که خواهی بسوی راه راست و یاری ده ما را بسبب او بر دشمن خود و دشمن

إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا صَلَوَاتُكَ
ای خدای حق بپذیر دعای ما را خداوندا بدرستیکه ما شکایت میکنیم بسوی تو از نیافتن پیغمبر

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ
بر او و بر آل او و نهانی صاحب ما و بسیاری دشمن ما و کمی شمار ما و سختی فتنها

بِنَا وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنَّا
و یاری و آن زمانه بر ما پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و مدد کن ما را

على ذلك

عَلیٰ ذٰلِکَ بِفَتْحٍ تُعَجِّلُهُ وَبِضُرٍّ تَکْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانٍ

بر آن بگشایشی که شتاب آوری آن را و بگزندی که رفع نمایی آن را و بیاری غالب گردانی

حَقٍّ تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْکَ تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِیَةٍ مِنْکَ

بحقی که ظاهر سازی او را و برحمتی از جانب تو که فرا گیری ما را بآن و بعافیتی از جانب تو که

تُلْبِسُنَاهَا بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ واما دعاهای

بپوشانی ما را بآن برحمتت ای بخشنده ترین بخشندگان سحر بسند بسیار

وارد شده است که حضرت امام رضا فرمود که این دعائیست

که حضرت امام محمد باقر در سحرها میخواندند و میفرمودند

که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت

او را هر آینه بشمشیر برای این دعا قتال کنند اگر سوگند یاد

کنم اسم اعظم خدا در این دعا هست راست گفته ام پس

چون این دعا بخوانید و از غیر اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ مِنْ

اهلش پنهان دارید بار خدایا بدرستی که من سوال میکنم از

بَهَائِکَ بِاَبْهَاهُ وَکُلُّ بَهَائِکَ بَهِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ

بنیکوئی تو به نیکوترین آن و همه نیکوئی تو نیکوست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم

بِبَهَائِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ مِنْ جَمَالِکَ بِاَجْمَلِهِ

بنیکوئی تو همه نیکو خداوندا بدرستی که من سوال میکنم تو را از نیکوئی تو به نیکوترین آن

وَکُلُّ جَمَالِکَ جَمِیلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِجَمَالِکَ کُلِّهِ

و همه نیکوئی تو نیکوست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو به نیکوئی تو همه



اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ جَلالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلالِكَ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از بزرگواری تو ببزرگوارتری آن و هر بزرگواری

جَلیلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِجَلالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ
تو بزرگوار است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم به بزرگواری تو همه خداوندا

اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِها وَكُلُّ عَظَمَتِكَ
بدرستی که من سؤال میکنم ترا از بزرگی تو به بزرگترین آن و هر بزرگی تو

عَظیمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی
بزرگ است خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا به بزرگی تو همه خداوندا بدرستی

اَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِاَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَیِّرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی
که من سؤال میکنم ترا از نور تو بروشن ترین آن و هر نور تو روشن است خداوندا بدرستی

اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ
که من سؤال میکنم ترا بنور تو همه نوری خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از رحمت تو

بِاَوْسَعِها وَكُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
بفراگیرنده ترین آن و هر رحمت از تو فراگیرنده است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا

بِرَحْمَتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ
برحمت تو هر رحمتی خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا برحمت تو هر رحمتی خداوندا

اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ كَلِماتِكَ بِاَتَمِّها وَكُلُّ كَلِماتِكَ تامَّةٌ
بدرستی که من سؤال میکنم ترا از کلمات تو بتمامترین آنها و هر یک از کلمات تو تمام است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِكَلِماتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا به کلمات تو هر یک از آنها خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم

مِنْ كَمالِكَ

مِنْ كَمالِكَ بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

از صفت کمال تو بکاملترین آن و هر کمالی از تو کامل است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا

بِكَمالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمائِكَ بِاَكْبَرِها

بکمال تو هر کمالی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از نامهای تو به بزرگترین آنها

وَكُلُّ اَسْمائِكَ كَبيرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِاَسْمائِكَ

و هر یک از نامهای تو بزرگ است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بنامهای تو

كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّها وَكُلُّ

هر یک از آنها خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از ارجمندی تو بارجمندترین آن و هر

عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها

ارجمندی تو ارجمند است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بارجمندی تو هر ارجمندی

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِاَمْضاها وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از خواهش تو بگذرندهترین آن و هر خواهشی از تو

ماضِيَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها

گذرنده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم تو بمشیت تو هر مشیتی

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِى

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از توانائی تو بآن توانائی

اسْتَطَلْتَ بِها عَلى كُلِّ شَىْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطيلَةٌ

استیلا داری بسبب آن بر هر چیز و هر توانائی از تو مستولی است

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّى

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بتوانائی تو هر توانائی خداوندا بدرستیکه



اسئلك من علمك بانفذه وكل علمك نافذ اللهم
سؤال میکنم ترا از دانش تو بروان‌ترین آن و همه دانش تو روان است خداوندا
انی اسئلك بعلمك كله اللهم انی اسئلك من
بدرستی که من سؤال میکنم ترا بعلم تو همه علمی خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از
قولك بارضاه وكل قولك رضی اللهم انی اسئلك
گفتار تو به پسندیده‌ترین آن و همه گفتاری از تو پسندیده خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم
بقولك كله اللهم انی اسئلك من مسائلك با
از تو بگفتار تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از سؤالهای تو بر
حبها الیك وكل مسائلك حبیبة اللهم انی
دوست داشته‌ترین آنها بسوی تو و همه از سؤالهای تو دوست داشته است خداوندا بدرستی
اسئلك بمسائلك كلها اللهم انی اسئلك من
که من سؤال میکنم ترا بسؤالهای تو همگی آنها خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از
شرفك باشرفه وكل شرفك شریف اللهم انی
رفعت تو برفیع‌ترین آن و همه رفعتی از تو رفیع است خداوندا بدرستی که من
اسئلك بشرفك كله اللهم انی اسئلك من
سؤال میکنم از تو برفعت تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از
سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم اللهم
سلطنت تو بهمیشه‌ترین آن و همه سلطنتی از تو همیشه است خداوندا
انی اسئلك بسلطانك كله اللهم انی اسئلك
بدرستی که من سؤال میکنم از تو بسلطنت تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا

من ملكك

من ملكك بافخره وكلّ ملكك فاخر اللهمّ انّی اسئلك

از ملک دهنده تو به بزرگترین آن و هر علیه از تو بزرگست خداوندا بدرستی من سؤال میکنم

بملكك كلّه اللهمّ انّی اسئلك بملكك كلّه

از تو بملک تو همه آن خداوندا بدرستی من سؤال میکنم تورا از ملک تو همه آن

اللهمّ انّی اسئلك من علوّك باعلاه وكلّ علوّك

خداوندا بدرستی من سؤال میکنم تورا از بلندی تو به بلندترین آن و هر بلندی تو

عالٍ اللهمّ انّی اسئلك بعلوّك كلّه اللهمّ انّی

بلند است خداوندا بدرستی من سؤال میکنم تورا به بلندی تو همه آن خداوندا بدرستی من

اسئلك من منّك باقدمه وكلّ منّك قديم اللهمّ

سؤال میکنم تورا از انعام تو به دیرینه‌ترین آن و هر انعام از تو دیرینه است خداوندا

انّی اسئلك بمنّك كلّه اللهمّ انّی اسئلك من

بدرستی من سؤال میکنم تورا به انعام تو همه آن خداوندا بدرستی من سؤال میکنم تورا از

آياتك باكرمها وكلّ آياتك كريمة اللهمّ انّی

نشانهای تو بگرامی‌ترین آن و هر یک از نشانهای تو گرامی است خداوندا بدرستی من

اسئلك بآياتك كلّها اللهمّ انّی اسئلك بما

سؤال میکنم تورا بنشانهای تو هر یک از آنها خداوندا بدرستی من سؤال میکنم تورا

انت فيه من الشأن والجبروت واسئلك بكلّ شأن

تو در آن از هر کاری و بزرگواری و سؤال میکنم تورا بهر کاری

وحده وجبروت وحدها اللهمّ انّی اسئلك

یگانه است و بزرگواری یگانه است خداوندا بدرستی من سؤال میکنم تورا



عما تجیبنی حین اسئلک فاجبنی یا الله پس هر حاجت که

بانچه اجابت کنی مرا اسئنکه می سؤال میکنم تو را پس اجابت کن مرا ای خدا خواهی از حق تعالی

بطلب که البته بر آورده میشود و از جملهٔ ادعیهٔ مشهوره

سحر دعائیست که شیخ طوسی و دیگران از ابو حمزهٔ ثمالی

روایت کرده اند که حضرت امام زین العابدین در شبهای

ماه مبارک رمضان اکثر شب را نماز میکردند و چون سحر

شد این دعا الهی لا تؤدبنی بعقوبتک ولا تمکر بی

می خواندند خدایا ادب مکن مرا بعقوبت خود و مکر مکن با من

فی حیلتک من این لی الخیر یا رب ولا یوجد الا من

در مکر خود از کجاست مرا نیکی ای پروردگار من و حال آنکه یافت نمیشود مگر از

لدنک ومن این لی النجاة ولا تستطاع الا بک لا الذی احسن استغنی

مرا رستگاری و حال آنکه مقدور نیست مگر بلطف تو نه آنکه نیکوئی کرده بی نیاز است

عن عونک ورحمتک ولا الذی اساء واجترء علیک

از یاری تو و رحمت تو و نه آنکه بدی کرده و دلیری نموده بر تو

ولم یرضک خرج عن قدرتک یا رب یا رب آنقدر

و خشنود نکرده تو را بیرون رفته از قدرت تو ای پروردگار من ای بگوید

که نفس عرفتک وانت دللتنی علیک ودعوتنی

قطع شود بتو شناختم تو را و تو راه نمودی مرا بر خود و خواندی مرا

الیک ولولا انت لم ادر ما انت الحمد لله الذی ادعوه

بسوی خود و اگر نبود تو نمی دانستم که چیستی تو سپاس مر خدای را که میخوانم او

فیجیبنی

فيجيبني وان كنت بطيئا حين يدعوني والحمد لله

پس اجابت میکند مرا و اگرچه بطی باشم در زمانیکه خواننده هستم هنگامی که بخواند مرا و سپاس مر خدای را

الذي اسئله فيعطيني وان كنت بخيلا حين يستقرضني

که میخواهم از او پس میبخشد مرا و اگرچه بخیل باشم هنگامی که قرض خواهد از من

والحمد لله الذي اناديه كلما شئت لحاجتي واخلو به

و سپاس مر خدای را که میخوانم او را هر گاه خواهم برای حاجت خود و خلوت میکنم با او

حيث شئت لسري بغير شفيع فيقضي لي حاجتي والحمد لله

آنجا که خواهم بجهت راز خود بی شفاعت کننده پس روا میکند برای من حاجت مرا و سپاس مر خدای را

الذي ادعوه ولا ادعو غيره ولو دعوت غيره لم

که میخوانم او را و نمی خوانم غیر او را و اگر میخواندم غیر او را نمی پذیرفت

يستجب لي دعائي والحمد لله ارجوه ولا ارجو غيره ولو

برای من دعای مرا و سپاس مر خدای را که امید دارم او را و امید ندارم غیر او را و اگر

رجوت غيره لاخلف رجائي والحمد لله الذي وكلني

امید داشتم غیر او را هر آینه خلف میکرد امید مرا و سپاس مر خدای را که واگذاشته است

اليه الى الناس فيهينوني والحمد لله الذي تحبب

مرا بسوی خود پس گرامی داشت مرا و وانگذاشت مرا بسوی آدمیان که خوار نمایند مرا و سپاس مر خدای را

الي وهو غني عني والحمد لله الذي يحلم عني حتى كاني

بسوی من و حال آنکه او بی نیاز است از من و سپاس مر خدای را که بردباری میکند از من تا گویا

لا ذنب لي فربي احمد شيء عندي واحق بحمدي اللهم

گناهی نیست مرا پس پروردگار من ستوده ترین چیزیست نزد من و سزاوارتر است بسپاس من

إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ

بدرستیکه من می یابم راههای مطلبها را بسوی تو گشوده بود و آبخورهای امید را بسوی تو

الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَالاسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ

امید را بسوی تو پر آب و یاری جستن را به بخشش تو

لِمَنْ أَمَّلَكَ مُبَاحَةً وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِخِينَ

برای آنکه امید دارد تو را حلال گردیده و درهای دعا را بسوی تو برای استغاثه کنندگان

مَفْتُوحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَلِلْمَلْهُوفِ

گشوده و میدانم آنکه بتحقیق تو برای امیدداران در جایگاه اجابتی و برای ستم رسیده

بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا

دادخواهان در انتظارگاه فریادرسی و آنکه بتحقیق در استغاثه بسوی بخشش تو و خوشنودی

بِقَضَائِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا

بحکم تو هست عوض از منع بخیلان و وسعت و بی نیازی از آنچه هست

فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْثِرِينَ وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَأَنَّكَ

در دستهای آنانکه منفردند به اختیار که بتحقیق کوچ کننده بسوی تو نزدیک

لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْآمَالُ دُونَكَ

تو پنهان نیستی از خلق خود مگر آنکه حجاب شود ایشان را آرزوهای پیش از رسیدن بتو و بتحقیق

وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي

که آهنگ کرده ام بسوی تو بجهت حاجت خود و رو آورده ام بسوی تو در حاجت خود

وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي وَبِدُعَائِكَ تَوَسُّلِي مِنْ غَيْرِ

و گردانیده ام بتو دادخواهی خود را و دست آویز خود را دعای تو را بی

استحقاق لاستماعك منى ولا استيجاب لعفوك عنى

سزاوار باشم شنیدن تو را از من و نه آنکه مستوجب باشم در گذشتن تو را از من

بل لثقتى بكرمك وسكونى الى صدق وعدك و

بلکه بجهة اعتماد من به بزرگواری تو و آرام گرفتن من بسوی راستی وعده تو و

لجائى الى الايمان بتوحيدك ويقينى بمعرفتك منى

پناه آوردن من بسوی تصدیق بیگانگی تو و جزم داشتن من بشناختن تو را

ان لا رب لى غيرك ولا اله الا انت وحدك

اینکه نیست پروردگاری برای غیر تو و نیست سزاوار پرستش مگر تو در حالی که یگانه

لا شريك لك اللهم انت القائل وقولك حق و

نیست شریکی برای تو خداوندا تو گوینده و گفتار تو درست و

وعدك صدق واسئلوا الله من فضله ان الله

وعده تو راست است اگر سؤال کنید خدای را از بخشش او بدرستی که خدا

كان بكم رحيما وليس من صفاتك يا سيدى ان تا

بشما مهربان و نیست از خصلتهای تو ای بزرگ من اینکه امر کنی

مر بالسؤال وتمنع العطية وانت المنان بالعطايا

بسؤال و باز داری بخشش را و تو بسیار بخشنده به بخششها

على اهل مملكتك والعائد عليهم بتحنن رافتك

بر اهل مملکت خود و مهربانی کننده بر ایشان بزیادتی مهربانی خود

الهى ربيتنى فى نعمك واحسانك صغيرا ونوهت

خدای من پروردی مرا در نعمتهای خود و احسان خود در حالی که خورد بودم و بلند کردی نام



باسمي كبيرا فيا من ربّاني في الدنيا باحسانه وتفضّله

نام مرا در حال بزرگی پس ای آنکه پرورد مرا در دنیا به نیکی خود و بخشش خود

ونعمه واشار لي في الآخرة الى عفوه وكرمه معرفتي

و نعمتهای خود و اشاره کرد مرا در آخرت بسوی در گذشتن خود و بزرگواری خود شناخت من

يا مولاي دلّتني عليك وحبّي لك شفيعي اليك و

ای آقای من دلالت کرد مرا بر تو دوستی من تو را شفاعت کننده من است بسوی تو و

انا واثق من دليلي بدلالتك وساكن من شفيعي الى

من اعتماد دارم از دلیل بدلالت تو و اطمینان دارم از شفیع خود به

شفاعتك ادعوك يا سيّدي بلسان قد اخرسه

بپذیرفتن تو میخوانم تو را ای بزرگ من بزبانی که بتحقیق گنگ نموده او را

ذنبه ربّ اناجيك بقلب قد اوبقه جرمه

گناه او پروردگار من راز میگویم با تو بدلی که بتحقیق هلاک کرده او را جنایت او

ادعوك يا ربّ راهبا راجيا خائفا اذا رأيت

میخوانم تو را ای پروردگار من بیمناک خواهشمند امیدوار ترسان هرگاه می بینم

مولاي ذنوبي فزعت اليك واذا رأيت كرمك

ای آقای من گناهان خود را ترسان میشوم و هرگاه میبینم بزرگواری تو را

طمعت اليك فان عفوت فخير راحم وان عذّبت

امیدوار میگردم پس اگر درگذری پس بهترین بخشندگان و اگر عذاب کنی

فغير ظالم حجّتي يا الله في جرائتي على مسئلتك مع

پس نیستی ستمکار ای حجت من ای خدا در دلیری من بر سؤال کردن از تو با

ایضاً

اتیانی ما تنکره جودك وکرمك وعدّتی فی شدّتی مع

اتیان نمودن من با نچه ناخوش داری تو بخشش تو و بزرگواری است و ذخیره من در حال

قلّة حیائی رأفتك ورحمتك وقد رجوت ان لا تخیب

کمی شرم من مهربانی تو و بخشش تو است و بتحقیق امید دارم که ناامید نگردانی آرزوی

بین ذین وذین منیتی فحقق رجائی واسمع دعائی یا

میانه آن جرم و این جرم آرزوی مرا پس ثابت دار امید مرا و بپذیر دعای مرا ای

خیر من دعاه داع وافضل من رجاه راج عظم یا سیدی

بهترین کسی که خوانده است او را خواننده و بهترین کسی که امید داشته او را امید دارنده بزرگ

املی وساء عملی فاعطنی من عفوك بمقدار املی و

آرزوی من و بد است کردار من پس عطا کن مرا از گذشتن خود به اندازه آرزوی من

لا تؤاخذنی باسوء عملی فانّ کرمك یجلّ عن مجازاة

و فرا مگیر مرا به بدترین کردار من زیرا که بتحقیق بزرگواری تو بزرگوارتر است از جزا دادن

المذنبین وحلمك یکبر عن مکافاة المقصرین و

گناه کاران و بردباری تو بزرگتر است از پاداش دادن تقصیر کنندگان و

انا سیدی عائذ بفضلك هارب منك الیك

من ای آقای من پناه گیرنده برحمت تو و ترسناک از تو بسوی تو خواهانم

متنجّز ما وعدت من الصفح عمّن احسن بك ظنّا

روا کردن آنچه را که وعده فرمودی از درگذشتن از آنکه نیکو دارد گمان

وما انا یا ربّ وما خطری هبنی بفضلك وتصدّق

و چیستم من ای پروردگار من و چیست قدر من بخشش کن مرا به بخشش خود و



عَلَیَّ بِعَفْوِکَ اَیْ رَبِّ جَلِّلْنِی بِسِتْرِکَ وَاعْفُ عَنْ تَوْبِیخِی

بر در گذشتن از ای پروردگار من مرا بپوشان بپوشش از عفو و در گذر از سرزنش کردن

بِکَرَمِ وَجْهِکَ فَلَوِ اطَّلَعَ الْیَوْمَ عَلی ذَنْبِی غَیْرُکَ مَا فَعَلْتُهُ

به بزرگواری ذات تو پس اگر آگاه بشد در آن روز بر گناه من غیر تو نمی‌کردم آن را

وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِیلَ الْعُقُوبَةِ لَاجْتَنَبْتُهُ لَا لِاَنَّکَ اَهْوَنُ

و اگر می‌ترسیدم شتاب نمودن عقوبت را هر آینه دوری می‌کردم از گناه از جهت خوارترین

النَّاظِرِینَ اِلَیَّ وَاَخَفُّ الْمُطَّلِعِینَ عَلَیَّ بَلْ لِاَنَّکَ یَا رَبِّ

نگرندگانی بسوی من و سبکترین اطلاع دارندگانی بر من بلکه بجهت آنکه بتحقیق تو ای

خَیْرُ السَّاتِرِینَ وَاَحْکَمُ الْحَاکِمِینَ وَاَکْرَمُ الْاَکْرَمِینَ

بهترین پوشندگانی و محکم‌کننده‌ترین حکم کنندگانی و بزرگوارترین بزرگوارانی

سَتَّارُ الْعُیُوبِ غَفَّارُ الذُّنُوبِ عَلَّامُ الْغُیُوبِ تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِکَرَمِکَ

بسیار پوشنده ناپسندیدهایی بغایت آمرزنده گناهانی بسیار دانای پنهانیهایی میپوشانی

وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِکَ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی حِلْمِکَ بَعْدَ

و باز پس میداری عقوبت را بر بردباری خود پس مر تراست ستایش بر بردباری تو بعد از

عِلْمِکَ وَعَلی عَفْوِکَ بَعْدَ قُدْرَتِکَ وَیَحْمِلُنِی وَیُجَرِّئُنِی

علم تو و بر درگذشتن تو پس از توانائی تو و میدارد مرا و دلیر میکند مرا

عَلی مَعْصِیَتِکَ حِلْمُکَ عَنِّی وَیَدْعُونِی اِلی قِلَّةِ الْحَیَاءِ

بر نافرمانی تو بردباری تو از من و میخواند مرا بسوی کمی شرم

سِتْرُکَ عَلَیَّ وَیُسْرِعُنِی اِلَی التَّوَثُّبِ عَلی مَحَارِمِکَ

پوشیدن تو بر من و بشتاب می‌آورد مرا بسوی دست یافتن بر آن چیزی

معرفتی

مَعْرِفَتِی یا مَوْلایَ لِسَعَةِ رَحْمَتِکَ وَعَظِیمِ عَفْوِکَ

توشناختن من ای آقای من فراخی بخشش تورا و در گذشتن بزرگ تورا

یا حَلِیمُ یا کَرِیمُ یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا غافِرَ الذَّنْبِ یا قابِلَ

ای بردبار ای بزرگوار ای زنده ای پاینده ای امرزنده گناه ای پذیرنده

التَّوْبِ یا عَظِیمَ الْمَنِّ یا قَدِیمَ الْإِحْسانِ أَیْنَ سَتْرُکَ

توبه ای بزرگ بخشش ای دیرینه احسان کجاست پوشیدن

الْجَمِیلُ أَیْنَ عَفْوُکَ الْجَلِیلُ أَیْنَ فَرَجُکَ الْقَرِیبُ

نیکو کجاست در گذشتن بزرگ تو کجاست گشایش نزدیک تو

أَیْنَ غِیاثُکَ السَّرِیعُ أَیْنَ رَحْمَتُکَ الْواسِعَةُ أَیْنَ

کجاست فریادرسی شتابان تو کجاست رحمت فراگیرنده تو کجاست

عَطایاکَ الْفاضِلَةُ أَیْنَ مَواهِبُکَ الْهَنِیئَةُ أَیْنَ

بخششهای تو کجاست بخششهای گوارای تو کجاست کرامتهای

صَنائِعُکَ السَّنِیَّةُ أَیْنَ فَضْلُکَ الْعَظِیمُ أَیْنَ مَنُّکَ

بلند پایه تو کجاست بخشش بزرگ تو کجاست عطای

الْجَسِیمُ أَیْنَ إِحْسانُکَ الْقَدِیمُ أَیْنَ کَرَمُکَ یا کَرِیمُ بِهِ

بزرگ تو کجاست احسان دیرینه تو کجاست بزرگواری تو ای بزرگوار ب

وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِی وَبِرَحْمَتِکَ فَخَلِّصْنِی

و بحرمت محمد و آل محمد پس برهان مرا و برحمت خود خلاصی بخش مرا

یا مُحْسِنُ یا مُجْمِلُ یا مُنْعِمُ یا مُفْضِلُ لَسْتُ أَتَّکِلُ فِی

ای احسان نماینده ای نیکو کردار ای نعمت دهنده ای بخشنده نیستم من اعتماد در



النجاة من عقابك على اعمالنا بل بفضلك علينا

در رستگاری از عقاب تو بر کردارهای خود بلکه به بخشش تو بر ما

لانك اهل التقوى واهل المغفرة تبدئ با

زیرا که بتحقیق تو اهل پرهیزکاری و اهل آمرزش ابتدا میکنی به نیکویی در

لاحسان نعما وتعفو عن الذنب كرما فما ندري ما

بخشیدن نعمتها و درگذری از گناه از راه بزرگواری پس نمیدانیم که چه را

نشكر اجميل ما تنشر ام قبيح ما تستر ام عظيم

شکر کنیم آیا بخشش نیکو را که پهن میکنی یا کردار زشتی را که میپوشی یا عطای بزرگ

ما ابليت واوليت ام كثير ما منه نجيت وعافيت

را که عطا فرمودی و بخشش نمودی یا بلای بسیاری را که از آن رهاندی و عافیت بخشیدی

يا حبيب من تحبب اليك ويا قرة عين من لاذ بك

ای دوست کسی که دوستی کند بسوی تو و ای روشنی دیده که پناه گیرد بتو

وانقطع اليك انت المحسن ونحن المسيئون فتجاوز

و بریده شود بسوی تو توئی نیکوکار و ماییم بدکردار پس درگذر ای

عن قبيح ما عندنا بجميل ما عندك واي جهل

از زشت آنچه نزد ماست به نیکوئی آنچه نزد توست و کدام نادانی است

يا رب لا يسعه جودك واي زمان اطول من

ای پروردگار من فرا نگرفته آن را بخشش تو و کدام زمان است درازتر از

اناتك وما قدر اعمالنا في جنب نعمك وكيف

زمان مدارای تو و چیست قدر کردارهای ما در جنب نعمتهای تو و چگونه

تستكثر اعمالنا لانقابل بها كرمك بل كيف يضيق على

بسيار شماريم كارهای خود را كه مقابل ميكنيم با آن بزرگواری تو را بلكه چگونه تنگ می‌گردد

المذنبين ما وسعهم من رحمتك يا واسع المغفرة

بر گناهكاران آنچه فرا گرفته ايشان را از بخشش تو ای فراگيرنده آمرزش

ويا باسط اليدين بالرحمة فوعزتك يا سيدي لو

ای گشاينده دستها به بخشش پس قسم بعزت تو ای آقای من اگر

انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن تملقك

منع كنی مرا دور نميشوم از درگاه تو و نه باز ايستم از دوستی كردن

لما انتهى الي من المعرفة بجودك وكرمك وانت

بجهت آنكه منتهی شده بود بمن از شناختن بخشش تو و بزرگواری تو و توئی

الفاعل لما تشاء تعذب من تشاء بما تشاء كيف

كننده آنچه را خواهی هر گونه خواهی عذاب ميكنی آنرا كه خواهی بآنچه خواهی

تشاء وترحم من تشاء بما تشاء وكيف تشاء

هر گونه خواهی و بخشش ميكنی آنرا كه خواهی بآنچه خواهی بهر گونه كه خواهی

ولا تسئل عن فعلك ولا تنازع في ملكك

و سؤال كرده نميشوی از كردار خود و خصومت كرده نميشوی در پادشاهی خود

ولا تشارك في امرك ولا تضاد في حكمك ولا

و نه ياری كرده شوی در كار خود و نه دشمنی كرده شوی در حكم خود و نه

يعترض عليك احد في تدبيرك لك الخلق والامر

اعتراض نمی‌كند بر تو هيچكس در تدبير تو مر تراست آفرينش و حكم



تبارك الله رب العالمين يا رب هذا مقام من لاذ

پاک است خدای پروردگار جهانیان ای پروردگار من این جایگاه کسیست

بك واستجار بكرمك واحسانك ونعمك وانت

پناه گرفته بتو و زینهار جسته به بزرگواری تو و خو گرفته احسان تو را و نعمتهای تو را و تو ای

الجواد الذي لا يضيق عفوك ولا ينقص فضلك

بخشنده که تنگ نمیشود عفو تو و کم نمی‌شود فضل تو

ولا تقل رحمتك وقد توثقنا منك بالصفح القديم

و اندک نمی‌شود رحمت و بتحقیق اعتماد داریم از جانب تو به درگذشتن دیرینه

والفضل العظيم والرحمة الواسعة افتراك

و بخشش بزرگ و رحمت فرا گیرنده آیا می‌بینی خود را

يا رب تخلف ظنوننا او تخيب امالنا كلا يا كريم

ای پروردگار من که خلف کنی گمانهای ما را یا نا امید کنی آرزوهای ما را حاشا [illegible]

فليس هذا ظننا بك ولا هذا فيك طمعنا يا رب

نیست این گمان ما بتو و در این است در لطف تو طمع ای پروردگار

ان لنا فيك املا طويلا كثيرا ان لنا فيك رجاء

بدرستی که برای ما است در لطف تو آرزوی دراز بسیار بدرستی که برای ما است در بخشش تو

عظيما عصيناك ونحن نرجوا ان تستر علينا و

بزرگ نافرمانی کردیم تو را و حال آنکه ما امید داریم که بپوشی بر ما و

دعوناك ونحن نرجوا ان تستجيب لنا فحقق رجانا

میخوانیم تو را و حال آنکه امید داریم که بپذیری برای ما پس راست کن امید [illegible]

مولنا

مولٰنا فقد علمنا ما نستوجب باعمالنا ولكن علمك

ای آقای ما پس بتحقیق میدانیم آنچه را که سزاواریم بسبب کردارهای خود ولکن دانش تو

فینا وعلمنا بانك لا تصرفنا عنك حثنا على

درباره ما و دانستن ما بآنکه بتحقیق تو برنگردانی ما را از خود برانگیزانید ما را بر خواهش

الرغبة اليك وان كنا غير مستوجبين لرحمتك

بسوی تو و اگر بوده باشیم نامستحق بخشش تو را پس سزاوار

فانت اهل ان تجود علينا وعلى المذنبين بفضل

پس سزاواری که بخشش نمائی بر ما و بر گنهکاران بزیادتی

سعتك فامنن علينا بما انت اهله وجد علينا

بخشش پس عطا کن ما را بر ما آنچه تو سزاوار آنی و بخشش نما بر ما

فانا محتاجون الى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا

زیرا که ما محتاجیم بسوی عطای تو ای بسیار آمرزنده بروشنائی تو راه یافتیم

وبفضلك استغنينا وبنعمتك اصبحنا وامسينا

و ببخشش تو بی نیاز شدیم و بنعمت تو صبح کردیم و شام

ذنوبنا بين يديك نستغفرك اللهم منها ونتوب

گناهان ما در پیش تو است طلب آمرزش میکنیم تو را خداوندا از گناهان و رجوع میکنیم

اليك تتحبب الينا بالنعم ونعارضك بالذنوب

بسوی تو دوستی میکنی بسوی ما بنعمتها و برابری میکنیم نعمتهای تو را بگناهان

خيرك الينا نازل وشرنا اليك صاعد ولم يزل

نیکوئی تو بسوی ما فرود آینده است و بدی ما بسوی تو بالا رونده است



وَلا يَزالُ مَلَكٌ كَريمٌ يَأْتيكَ عَنّا في كُلِّ يَوْمٍ بِعَمَلٍ

و همواره فرشته بزرگواری می‌آید نزد تو از ما در هر روز با کردار زشتی

قَبيحٍ فَلا يَمْنَعُكَ ذلِكَ مِنْ اَنْ تَحُوطَنا بِنِعَمِكَ

پس باز نمی‌دارد تو را آن از آنکه فرو گیری ما را بنعمتهای خود و بخشش نمایی

وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنا بِآلائِكَ فَسُبْحانَكَ ما اَحْلَمَكَ

و بخشش نمایی بر ما بعطاهای خود پس پاکی تو چه بردباری تو

وَاَعْظَمَكَ وَاَكْرَمَكَ مُبْدِئاً وَمُعيداً تَقَدَّسَتْ

و چه بزرگی تو و چه بزرگواری تو در حالتی که پدید آورنده و بازگرداننده

اَسْماؤُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَكَرُمَ صَنائِعُكَ وَفِعالُكَ

نامهای تو و بزرگ است ستایش تو و گرامی است عطیه‌های تو و کارهای تو

اَنْتَ اِلهي اَوْسَعُ فَضْلاً وَاَعْظَمُ حِلْماً مِنْ اَنْ تُقايِسَني بِفِعْلي

تو خداوندا مرا فراخ‌تری از روی بخشش و بزرگتری از روی بردباری از آنکه مقایسه

وَخَطيئَتي فَالْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ سَيِّدي سَيِّدي

و خطای من پس بیامرز مرا درگذر درگذر ای آقای من آقای من

سَيِّدي اَللّهُمَّ اشْغَلْنا بِذِكْرِكَ وَاَعِذْنا مِنْ

آقای من بار خدایا مشغول گردان ما را بیاد خود و پناه ده ما را

سَخَطِكَ وَاَجِرْنا مِنْ عَذابِكَ وَارْزُقْنا مِنْ مَواهِبِكَ

از غضب خود و امان ده ما را از عذاب خود و روزی کن ما را از بخششهای خود

وَاَنْعِمْ عَلَيْنا مِنْ فَضْلِكَ وَارْزُقْنا حَجَّ بَيْتِكَ

و بخشش کن ما را از فضل خود و روزی کن ما را حج خانه خود

وزيارة

وَزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ وَمَغْفِرَتُكَ وَ

زیارت قبر پیغمبر خود درودهای تو و آمرزش تو و

رَحْمَتُكَ وَرِضْوَانُكَ عَلَيْهِ وَاَهْلِ بَيْتِهِ اِنَّكَ

رحمت تو و خشنودی تو بر او باد و بر خاندان او بدرستی

قَرِيبٌ مُجِيبٌ وَارْزُقْنَا عَمَلاً بِطَاعَتِكَ وَتَوَفَّنَا

که نزدیکی فرینده و روزی کن ما را عمل کردن بطاعت خود و بمیران ما را

مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بر دین خود و طریقهٔ پیغمبر خود رحمت فرستد خدا بر او و آل او

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا

خداوندا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و رحمت کن ایشان را چنانچه

رَبَّيَانِي صَغِيرًا وَاجْزِهِمَا بِالْاِحْسَانِ اِحْسَانًا

تربیت کردند مرا و حال آنکه خرد بودیم و جزا ده ایشان را در مقابل نیکوئی نیکوئی

وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ

و در مقابل بدیها آمرزش خداوندا بیامرز جمعی گروندگان را

وَالْمُؤْمِنَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ تَابِعْ

و زنان گرونده را زندگان ایشان را و مردگان ایشان را پی در پی

بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَ

میان ما و میان ایشان به نیکیها خداوندا بیامرز زندهٔ ما را و

مَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ذَكَرِنَا وَاُنْثَانَا صَغِيرِنَا

مرده ما را و حاضر ما را و غایب ما را مرد ما را و زنان ما را خورد ما را



وَكَبِيرِنَا وَحُرِّنَا وَمَمْلُوكِنَا كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللهِ

و بزرگ ما را آزاد ما را و بنده ما را دروغ گفتند عدول کنندگان از حق بخدا

وَضَلُّوا ضَلَالاً بَعِيداً وَخَسِرُوا خُسْرَاناً مُبِيناً

و گمراه شدند گمراهی دور و زیان کردند زیان روشنی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و ختم کن برای من بنیکی و

اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَلَا

کار گذاری کن برای من آنچه مهم است مرا از امر دنیای من و آخرت من و دست

تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ

مده بر من آن را که رحم نکند مرا و بگردان بر من از جانب خود حفظی

جُنَّةً وَاقِيَةً [باقية] وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ

که باقی ماند و سلب مکن از من شایسته آنچه بخشش نمودی

بِهِ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقاً وَاسِعاً

با آن بر من و روزی کن مرا از فضل خود روزی فراخ

حَلَالاً طَيِّباً اَللّٰهُمَّ احْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ وَ

حلال پاکیزه خداوندا نگهبانی کن مرا به نگهبانی خود و

احْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَاكْلَأْنِي بِكِلَائَتِكَ وَارْزُقْنِي

حفظ کن مرا بحفظ خود و نگاه دار مرا به نگاهداری خود و روزی کن مرا

حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَ

حج خانه محترم خود در امسال ما این سال و در هر سال و

زيارة

وزيارة قبر نبيك والأئمة عليهم السلام ولا تخلني

و زيارة قبر پیغمبر خود و پیشوایان بر ایشان باد درود و خالی مگردان

يا رب من تلك المشاهد الشريفة والمواقف الكريمة

ای پروردگار من از حضورات آن مشاهد بارفعت و موقفهای گرامی

اللهم تب حتى لا أعصيك وألهمني الخير والعمل به

بار خدایا توفیق توبه ده مرا تا آنکه نافرمانی نکنم تو را و در دل انداز مرا خیر و عمل کردن به آن

وخشيتك بالليل والنهار أبدا ما أبقيتني يا رب

و ترس از خوف تو در شب و روز همیشه تا مادام که باقی داری مرا ای پروردگار

العالمين اللهم إني كلما قلت قد تهيأت وتعبأت

جهانیان بار خدایا بدرستی هرگاه گفتم که بتحقیق مهیا شده و آماده گشتم

وقمت للصلاة بين يديك وناجيتك ألقيت علي

و ایستادم بجهت نماز در پیش تو و راز گفتم تو را افکندی بر من

نعاسا إذا أنا صليت وسلبتني مناجاتك إذا أنا

پینکی را هنگامی که نماز میکردم و رفع کردی از من راز گفتن خود را هنگامی که من

ناجيتك ما لي كلما قلت قد صلحت سريرتي وقرب

راز میگفتم تو را چیست مرا هرگاه گفتم که بتحقیق نیک شد اندرون من و نزدیک شد

من مجالس التوابين مجلسي عرضت لي بلية أزالت قدمي

از مجالس بازگشت کنندگان مجلس من عارض شد مرا بلائی که زایل کرد قدم مرا

وحالت بيني وبين خدمتك سيدي لعلك عن

و حایل شد میان من و میان خدمت تو آقای من شاید که تو از درگاه



بابك طردتني وعن خدمتك نحيتني او لعلك رأيتني

در گاه خود رانده باشی مرا واز خدمت خود دور کرده باشی مرا شاید که تو دیده باشی مرا

معرضا عنك فقليتني او لعلك وجدتني في مقام الكاذبين فرفضتني او لعلك رأيتني

مستخفا بحقك فاقصيتني او لعلك رأيتني غير شاكر

سبک شمارنده حق تو را پس دور کرده باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا ناسپاس گذار

لنعمائك فحرمتني او لعلك فقدتني من مجالس العلماء

نعمت تو را پس ناامید کرده باشی مرا یا شاید که تو نیافته باشی مرا از مجالس علما

فخذلتني او لعلك رأيتني في الغافلين فمن رحمتك

پس خوار گذاشته باشی مرا یا شاید که تو دیده مرا در زمره بیخبران پس از رحمت خود ناامید

آيستني او لعلك رأيتني آلف مجالس البطالين فبيني و

کرده باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا که الفت میگیرم مجالس بیکاران را پس میان

بينهم خليتني او لعلك لم تحب ان تسمع دعائي فباعدتني

میان ایشان واگذاشته باشی مرا یا شاید دوست نداشته باشی که بشنوی دعای مرا

او لعلك بقلة حيائي منك جازيتني

او لعلك بجرمي وجريرتي كافيتني او لعلك فان عفوت

مرا یا شاید که تو بگناه من و جنایت من پاداش داده باشی مرا یا شاید که از بی شرمی از تو مرا

يا رب فطال ما عفوت عن المذنبين لان كرمك اي

ای پروردگار پس دراز است آنچه عفو نمودی از گناهکاران پیش از من زیرا که بتحقیق بزرگواری

رب يجل عن مجازات المذنبين وحلمك يكبر عن مكافاة

پروردگار من بزرگ است از سزا دادن گناهکاران و بردباری تو بزرگتر است از پاداش دادن

المقصرين وانا عائذ بفضلك هارب منك

تقصیر کنندگان و من پناه گیرنده ام ببخشش تو گریزانم از تو

اليك

اِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ اَحْسَنَ بِكَ

بسوی تو خواهانم آنچه را که وعده دادی که آن در گذشتن است از آنکه نیکو کرده بتو

ظَنًّا اِلٰهي اَنْتَ اَوْسَعُ فَضْلاً وَاَعْظَمُ حِلْماً مِنْ اَنْ

گمان را خدای من تو فراخ برنده تری از روی فضل و بزرگتری از روی بردباری از آن

تُقايِسَني بِعَمَلي اَوْ تَسْتَزِلَّني بِخَطيئَتي وَما اَنَا يا سَيِّدي

مقایسه کنی مرا بکارم یا اینکه بلغزانی بلغزش مرا بگناهم و چیستم من ای آقای من

وَما خَطَري هَبْني بِفَضْلِكَ يا سَيِّدي وَتَصَدَّقْ

و چیست قدر من ببخش مرا بفضل خود ای آقای من و صدقه کن بر من

عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَجَلِّلْني بِسَتْرِكَ وَاعْفُ عَنْ تَوْبيخي

به عفو خود و بپوشان مرا بپوشش از خود و در گذر از سرزنش کردن

بِكَرَمِ وَجْهِكَ سَيِّدي اَنَا الصَّغيرُ الَّذي رَبَّيْتَهُ

ببزرگواری ذات خود بزرگ من منم آن خوردی که پروردی او را

وَاَنَا الْجاهِلُ الَّذي عَلَّمْتَهُ وَاَنَا الضّالُّ الَّذي

و منم آن نادانی که دانا کردی او را و منم آن گمراهی که

هَدَيْتَهُ وَاَنَا الْوَضيعُ الَّذي رَفَعْتَهُ وَاَنَا الْخا

راه نمودی او را و منم آن پستی که بلند کردی او را و منم آن ترسان

ئِفُ الَّذي آمَنْتَهُ وَاَنَا الْجائِعُ الَّذي اَشْبَعْتَهُ

که ایمن کردی او را و منم آن گرسنه که سیر کردی او را

وَالْعَطْشانُ الَّذي اَرْوَيْتَهُ وَالْعارِي الَّذي

و تشنه که سیراب نمودی او را و برهنه که



كسوته والفقير الذي اغنيته والضعيف الذي
پوشیدی اورا و نیازمندی که بی نیاز کردی اورا و ناتوانی که
قويته والذليل الذي اعززته والسقيم الذي
توانا کردی اورا و ذلیل و خواری که ارجمند کردی اورا و بیماری که
شفيته والسائل الذي اعطيته والمذنب الذي
شفا بخشیدی اورا و درخواست کننده که عطا فرمودی اورا و گنهکاری که
سترته والخاطئ الذي اقلته وانا القليل الذي
پوشانیدی اورا و خطاکاری که در گذشتی ازو و منم آن کم که بسیار
كثرته والمستضعف الذي نصرته وانا الطريد الذي
کردی و منم ضعیف شمرده که یاری دادی اورا و منم آن رانده شده
اويته انا يا رب الذي لم استحيك في الخلاء ولم
جای دادی اورا منم ای پروردگار آنکه شرم نکردم ترا در خلوت و نه
في الملاء انا صاحب الدواهي العظمى انا الذي
در حضور مردمان منم صاحب شدائد بزرگ منم آنکه
على سيده اجترا انا الذي عصيت جبار السماء
بر آقای خود دلیری نمودم منم آنکه نافرمانی کردم بزرگوار آسمان را
انا الذي اعطيت على معاصي الجليل الرشى
منم آنکه بخشش نمودم بر گناهان بزرگ رشوها را
انا الذي حين بشرت بها خرجت اليها اسعى
منم آنکه هنگامی که مژده داده شد بگناهان بیرون رفتم بسوی آنها

انا الذي امهلتني فما ارعويت وسترت علي فما
منم آنکه مهلت دادی مرا پشیمان نگشتم که پوشیدی بر من پس
استحييت وعملت بالمعاصي فتعديت واسقطتني
شرم نکردم و اتیان نمودم بگناهان پس درگذشتم از حد و افکندی مرا
من عينك فما باليت فبحلمك امهلتني وبسترك
از دیده خود پس باک نکردم پس به بردباری خودم مهلت دادی مرا و بپوششی از خود
سترتني حتى كانك اغفلتني ومن عقوبات
پوشیدی مرا تا آنکه گویا تو واگذاشتی مرا و از پاداشهای
المعاصي جنبتني حتى كانك استحييتني الهي لم
گناهان دور کردی مرا تا آنکه گویا شرم کردی از من ای خدای من نا
اعصك حين عصيتك وانا بربوبيتك جاحد
فرمانی نکردم ترا هنگامی که نافرمانی کردم ترا و حال آنکه بوده باشم پروردگاری ترا
ولا بامرك مستخف ولا لعقوبتك متعرض ولا
و نه فرمان ترا سبک شمارنده و نه عقوبت ترا فرا پیش آینده و نه وعید
لوعيدك متهاون ولكن خطيئة عرضت وسولت
وعید ترا خوار دارنده ولیکن خطائی عارض شد و آراست آن را
لي نفسي وغلبني هواي واعانني عليها شقوتي
برای من نفس و غالب شد مرا خواهش من و مدد کرد مرا بر آن بدبختی من
وغرني سترك المرخى فقد عصيتك وخالفتك
و فریفت مرا پرده تو که فرا گذاشته شده است بر من پس بتحقیق نافرمانی کردم و در زدم ترا



بجهدي فالآن من عذابك من يستنقذني ومن أيدي

بکوشش خود پس حال از عذاب تو که می رهاند مرا واز دستهای

الخصماء غداً من يخلّصني وبحبل من أتّصل إن أنت

دشمنان فردا که نجات میدهد مرا وبر ریسمان که درپیوندم اگر تو

قطعت حبلك عنّي فواسوأتا على ما أحصى كتابك

ببری ریسمان خود را ازمن پس ای رسوائی من براینچه شمرده کتاب تو

من عملي الذي لولا ما أرجو من كرمك وسعة

از کردار من آن کرداری که اگر نمیبود اینچه امید دارم از بزرگواری تو وفراخی

رحمتك ونهيك إيّاي عن القنوط لقنطت عندما

بخشش تو ومنع تو مرا از نومیدی هر آینه ناامید می شدم نزد

أتذكّرها يا خير من دعاه داعٍ وأفضل من رجاه

یاد آوردن آنها ای بهترین کسی که بخوانند اورا خواننده وبهترین کسی که امید دارد

راجٍ اللّهمّ بذمّة الإسلام أتوسّل إليك و

امید داری خداوندا بامان اسلام وسیله میجویم بسوی تو و

بحرمة القرآن أعتمد عليك وبحبّي النّبيّ الأمّيّ

بحرمت قرآن اعتماد مینمایم بر تو وبدوست داشتن من پیغمبر را که امی

القرشيّ الهاشميّ العربيّ التّهاميّ المكّيّ المدنيّ أرجو

وقریشی وهاشمی وعربی وتهامی ومکی ومدنی است امید دارم

الزّلفة لديك فلا توحش استيناس إيماني ولا

نزدیکی را نزد تو پس وحشت مده انس گرفتن ایمان مرا و

تجعل

تَجْعَلْ ثَوابي ثَوابَ مَنْ عَبَدَ سِواكَ فَاِنَّ قَوْماً اٰمَنُوا

نگردانی پاداش مرا پاداش آنکه پرستید غیر تو را زیرا که بتحقیق گروهی گرویدند

بِاَلْسِنَتِهِمْ لِيَحْقِنُوا بِهِ دِمائَهُمْ فَاَدْرَكُوا ما اَمَّلُوا

بزبانهای خود تا آنکه باز دارند بآن خونهای خود را آنها چه شدند پس دریافتند آنچه

وَاِنّا اٰمَنّا بِكَ بِاَلْسِنَتِنا وَقُلُوبِنا لِتَعْفُوَ عَنّا فَاَدْرِكْ

و بتحقیق ما گرویدیم بتو بزبانهای خود ودلهای خود تا آنکه درگذری ازما پس برسان ما را

بِنا ما اَمَّلْنا وَثَبِّتْ رَجاءَكَ في صُدُورِنا وَلا تُزِغْ

بآنچه امید داریم ما و ثابت دار امید از خود را در دلهای ما و میل مده

قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ

دلهای ما را پس از آنکه راه نمودی ما را و بخشش ما را از نزد خود بخشش بزرگ بدرستیکه تو

اَلْوَهّابُ فَوَعِزَّتِكَ لَوِ انْتَهَرْتَني ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ

بسیار بخشنده پس قسم بعزت تو که اگر منع کنی مرا جدا نمیشوم از درگاه تو

وَلا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِما اُلْهِمَ قَلْبي مِنَ الْمَعْرِفَةِ

و باز نمی ایستم از درخواستی کردن بتو بجهت آنچه افکنده شده در دل من از شناختن

بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ اِلى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ اِلّا

بزرگواری تو و گشادگی بخشش تو بسوی که میرود بنده مگر

اِلى مَوْلاهُ وَاِلى مَنْ يَلْتَجِئُ الْمَخْلُوقُ اِلّا اِلى خالِقِهِ

بسوی آقای خود و بسوی که پناه میبرد آفریده مگر بسوی آفریدگار خود

اِلهي لَوْ طَلَّ قَرَنْتَني بِالْاَصْفادِ وَمَنَعْتَني سَيْبَكَ

خدای من اگر ببندی مرا بغلها و باز داری از من عطای خود را



مِنْ بَيْنِ الْاَشْهادِ وَدَلَلْتَ عَلَى فَضائِحِي عُيُونَ الْعِبادِ

از میان حاضران و دراه نمودی بر رسوائیهای من دیدهای بندگان را

وَاَمَرْتَ بِي اِلَى النَّارِ وَحُلْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ الْاَبْرارِ ما

و فرمان دهی مرا بسوی آتش و حایل شوی میان من و نیکوکاران نمی

قَطَعْتُ رَجائِي مِنْكَ وَما صَرَفْتُ وَجْهَ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ

برّم امید خود را از تو و نمیگردانم روی آرزو داشتنم مر عفو را

عَنْكَ وَلا خَرَجَ حُبُّكَ عَنْ قَلْبِي اَنَا لا اَنْسَى اَيادِيَكَ

از تو و بیرون نرفته دوستی تو از دل من فراموش نمیکنم نعمتهای ترا

عِنْدِي وَسَتْرَكَ فِي دارِ الدُّنْيا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

که نزد من است و پوشانیدن آن را بر من در سرای دنیا ای بزرگ من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وَاَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيا مِنْ قَلْبِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى

و بیرون کن دوستی دنیا را از دل من و جمع کن میان من و میان مصطفی

وَآلِهِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ

و آل او برگزیده تو از خلق تو و آخر پیغمبران محمد رحمت فرستد خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَانْقُلْنِي اِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ اِلَيْكَ وَاَعِنِّي

بر او و آل او و نقل فرما مرا بسوی مرتبه بازگشت بسوی تو و یاری کن

بِالْبُكاءِ عَلَى نَفْسِي فَقَدْ اَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْاِما

مرا گریستن بر نفس خود پس بتحقیق بپایان رسانیدم با طلبه و در فردا الوقت

وَالْاَمالِ وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْآيِسِينَ مِنْ خَيْرِي فَمَنْ

عمر خود را و بتحقیق فرود آمدم در جایگاه ناامیدان از خیر پس کی باشد

اسوء

أَسْوَءَ حَالاً مِنّي إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي لَمْ

بد حال ترا از من اگر نقل کرده شوم بر مانند این حالم بسوی قبر نیاراستم

أُمَهِّدْهُ لِرَقْدَتِي أَفْرِشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي وَمَا لِي

آن را برای خفتن ونگسترانیدم آن را بعمل شایسته بجهت خوابیدن خود و چیست مرا

لَا أَبْكِي وَلَا أَدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي وَأَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي

که من گریم وحال آنکه نمیدانم بسوی چه خواهد بود بازگشت من ومی بینم نفس خود را که میفریبد

وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ

ودر روزگار خود را که حیله میکنند مرا وبتحقیق لرزان شد نزد سر من بالهای مرگ

فَمَا لِي لَا أَبْكِي أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي أَبْكِي

پس چیست مرا که نمی گریم آیا گریم بجهت بیرون شدن نفس خود گریم بجهت تیرگی قبر خود گریم

لِضِيقِ لَحْدِي أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ إِيَّايَ أَبْكِي

بجهت تنگی لحد خود گریم بجهت سوال کردن منکر و نکیر بجهت گریم

لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَاناً ذَلِيلاً حَامِلاً ثِقْلِي عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرُ

بیرون آمدم از قبر خود برهنه خوار بر دارنده بار گران بر پشت خود

مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَأُخْرَى عَنْ شِمَالِي إِذِ الْخَلَائِقُ فِي

یکبار از جانب راست خود وبار دیگر از جانب چپ خود هنگامی که آفریدگان باشند در

شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ

حالتی غیر حالت من برای هر مردی ازیشان در آن روز حالتی است که کافی است

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

و روی های گروهی در آن روز نورانی خندان شادی مانند و روی های گروهی در آن روز



عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ وَذِلَّةٌ سَيِّدِي عَلَيْكَ

بر آنها است گرد غم و اندوه فرا گیرد آنها را بزرگی و خواری ای آقای من بر تو است

مُعَوَّلِي وَمُعْتَمَدِي وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلُّقِي

وثوق من و اعتماد من و امید من و وا گذاشتن من کار خود را و برحمت تو است دلبستگی من

تُصِيبُ مَنْ تَشَاءُ بِرَحْمَتِكَ وَتَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ

میرسانی برحمت خود آن را که خواهی و راه مینمائی ببزرگواری خود آن را که

تُحِبُّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَّيْتَ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبِي وَلَكَ

دوست داری پس تو راست سپاس بر آنکه پاک کردی از شرک دل مرا و مر تو راست

الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي أَفَبِلِسَانِي هَذَا الْكَالِّ أَشْكُرُكَ

سپاس بر گشادن زبان من پس آیا بزبان خود این زبان کند سپاس گذاری کنم

أَمْ بِغَايَةِ جُهْدِي فِي عَمَلِي أُرْضِيكَ وَمَا قَدْرُ لِسَانِي يَا رَبِّ

یا بنهایت کوشش در کردار خود خشنود میسازم ترا و چیست قدر زبان من ای پروردگار

فِي جَنْبِ شُكْرِكَ وَمَا قَدْرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ

در جنب سپاس گذاری تو و چیست قدر کردار من در پهلوی نعمتهای تو و نیکوئیهای تو

إِلَهِي إِنَّ جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي وَشُكْرَكَ قَبِلَ عَمَلِي

پروردگارا بتحقیق بخشش تو گشایش داده امید مرا و جزا دادن تو پذیرفته کردار مرا

سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي وَمِنْكَ رَهْبَتِي وَإِلَيْكَ

آقای من بسوی تو است رغبت من و از تو است بیم من و بسوی تو است

وَقَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكَفْتُ

و بتحقیق راننده مرا بسوی تو امید من و بر تو ای یگانه من روی گردیده ام

همتی

هِمَّتِي وَفِيمَا عِنْدَكَ انْبَسَطَتْ رَغْبَتِي وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي

همت من و در آنچه نزد تو است پهن گردیده رغبت من و مر تو راست خالص امید من

وَبِكَ خَوْفِي وَبِكَ اَنِسَتْ مَحَبَّتِي وَاِلَيْكَ اَلْقَيْتُ بِيَدِي

و بتو ترس من و بتو خو گرفته انس دارم دوستی من و بسوی تو افکندم دست خود را

وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي يَا مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ

و بریسمان طاعت تو کشیدم ترس خود را ای آقای من بیاد کردن تو

عَاشَ قَلْبِي وَبِمُنَاجَاتِكَ بَرَّدْتُ اَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي فَيَا

زندگانی کرد دل من و براز گفتن تو سرد کردم گرمی درد ترس را از خود پس ای

مَوْلَايَ وَيَا مُؤَمَّلِي وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

آقای من و ای امیدگاه من و ای منتهای خواسته من رحمت بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ ذَنْبِيَ الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ

و آل محمد و جدائی افکن میان من و میان گناه من که باز دارنده است از پیوستن

طَاعَتِكَ فَاِنَّمَا اَسْئَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ وَعَظِيمِ

بطاعت پس جز این نیست که درخواهم از تو بجهت امید دیرینه ام در تو و ترسیدن

اِلَيْكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي اَوْجَبْتَ عَلَى نَفْسِكَ

که منتهی شده بسوی تو و طمع داشتن بزرگم از تو آنچه را که واجب کردی از

مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْاَمْرُ لَكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ

که مهربانی و بخشش است و فرمان مر تراست در حالتی که یگانه هستی نیست انبازی

لَكَ وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ وَكُلُّ شَيْءٍ

برای تو و خلق همه ایشان عیال تو و در دست توانند و هر چیزی



خاضع لك يا رب العالمين الهي ارحمني اذا انقطعت

فروتنی کننده است ای پروردگار عالمیان خدایا رحم کن مرا هر گاه بریده شود

حجتي وكلّ عن جوابك لساني وطاش عند سؤالك

حجت من و کند شود از جواب تو زبان من و سبک شود نزد سؤال کردن تو

اياي لبي فيا عظيم رجائي اذا اشتدت فاقتي اليك

عقل من پس ای امید بزرگ من ناامید مکن مرا هر گاه سخت شود احتیاج من بسوی تو

ولا تردني لجهلي ولا تمنعني لقلة صبري اعطني

و برمگردان مرا بجهت نادانی من و منع مکن بجهت کم بودن شکیبائی من بخشش کن

لفقري فارحمني لضعفي سيدي عليك معتمدي

مرا بجهت شکستگی من و رحم کن مرا بجهت ناتوانی من بزرگ من بر تو است اعتماد من

ومعولي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي وبفنائك

و وثوق من و امید من و توکل من و در رحمت تو است چسبیدن من و در پیش درگاه

احط رحلي وبجودك اقصد طلبتي وبكرمك اي رب

فرود میآورم بار خود را بجهت بخشش تو طلب میکنم حاجت خود را و به بزرگواری تو ای پروردگار

استفتح دعائي ولديك ارجو سد فاقتي وبغناك

طلب میکنم گشایش دعای خود را و نزد تو امید دارم کفایت حاجت خود را و ببی‌نیازی تو

اجبر عيلتي وتحت ظل عفوك قيامي والى جودك

تدارک میکنم نیازمندی خود را و در زیر سایه عفو تو است ایستادن من و بسوی بخشش تو

وكرمك ارفع بصري والى معروفك اديم نظري

و بزرگواری تو بلند میکنم دیده خود را و بسوی احسان تو مداوم میدارم نظر خود را

فلا تحرقني

فلا تحرقني بالنار وانت موضع املي ولا تسكنّي الهاوية

پس مسوزان مرا بآتش و تو قرارگاه امید منی و ساکن مگردان مرا در دوزخ

فانك قرة عيني يا سيدي ولا تكذب ظني باحسانك

زیرا که بتحقیق تو روشنی دیده منی ای آقای من غلط مساز گمان مرا باحسان خود

ومعروفك فانك ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك

و عطای خود زیرا که بتحقیق تو معتمد و امیدگاه منی و نا امید مکن مرا از پاداش نیک

فانك لعارف بفقري الهي ان كان قد دنا

زیرا که بتحقیق تو دانا و شناسنده باحتیاج منی خدای من اگر بوده باشد بتحقیق نزدیک شده

اجلي ولم يقربني منك عملي فقد جعلت الاعتراف

باشد اجل من و نزدیک نگردانیده باشد مرا بتو کردار من پس بتحقیق گردانیدم اقرار را

اليك بذنبي وسائل عللي الهي ان عفوت فمن

بسوی تو بگناه خود و سببهای مرضهای خود خدای من اگر درگذری پس کیست

اولى منك بالعفو وان عذبت فمن اعدل

سزاوارتر از تو بدرگذشتن و اگر عذاب کنی پس کیست با انصاف‌تر

منك في الحكم ارحم في هذه الدنيا غربتي وعند

از تو در حکم رحم کن در این جهان بیکسی مرا و در وقت

الموت كربتي وفي القبر وحدتي وفي اللحد وحشتي

مردن اندوه مرا و در قبر تنهائی مرا و در لحد ترس مرا

واذا نشرت للحساب بين يديك ذل موقفي واغفر لي ما خفي

و هرگاه برانگیخته شوم بجهت حساب در پیش تو خواری ایستادن مرا و بیامرز



عَلَی الْاٰدَمِیّینَ مِنْ عَمَلی وَاَدِمْ لی مابِهِ سَتَرْتَنی وَ
بر آدمیان از کردار من و در پوشیده دار برای من آنچه را که بآن پوشیدی مرا
اِرْحَمْنی صَریعاً عَلَی الْفِراشِ تُقَلِّبُنی اَیْدی اَحِبَّتی وَ
و رحم کن مرا در حالتی که بیفتاده باشم افتاده بر بستر که بگردانند مرا دستهای دوستان من
عَلَیَّ مَمْدُوداً عَلَی الْمُغْتَسَلِ یُغَسِّلُنی صالِحُ جیرَتی وَ
بر من در حالتی که دراز باشم کشیده شده بر جایگاه غسل دادن و غسل دهد مرا شایسته همسایگان من
تَحَنَّنْ عَلَیَّ مَحْمُولاً قَدْ تَناوَلَ الْاَقْرِباءُ اَطْرافَ جِنازَتی
و مهربانی کن بر من حال آنکه بار کرده شوم بتحقیق فرا گیرند خویشان کنارهای جنازه مرا
وَجُدْ عَلَیَّ مَنْقُولاً قَدْ نَزَلْتُ بِکَ وَحیداً فی حُفْرَتی
و بخشش کن بر من در حالتی که نقل کرده شوم که بتحقیق فرود آیم بتو تنها در قبر حفره
وَارْحَمْ فی ذلِکَ الْجَدیدِ غُرْبَتی حَتّی لا اَسْتَاْنِسَ
و رحم کن در آن خانه تازه بیکسی تا آنکه انس نگیرم
بِغَیْرِکَ یا سَیِّدی فَاِنَّکَ اِنْ وَکَلْتَنی اِلی نَفْسی
بغیر تو ای آقای من پس بتحقیق تو اگر واگذاری مرا بسوی نفس
هَلَکْتُ سَیِّدی فَبِمَنْ اَسْتَغیثُ اِنْ لَمْ تُقِلْنی
هلاک خواهم شد بزرگ پس بکه استغاثه نمایم اگر در نگذری از
عَثْرَتی وَاِلی مَنْ اَفْزَعُ اِنْ فَقَدْتُ عِنایَتَکَ
لغزش من و بسوی که استغاثه کنم اگر نیابم یاری تو را
فی ضَجْعَتی وَاِلی مَنْ اَلْتَجِئُ اِنْ لَمْ تُنَفِّسْ کُرْبَتی
در حالت خوابیدن خود و بسوی که پناه برم اگر گشایش ندهی اندوه مرا

سیدی

سَيِّدِي مَنْ وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَفَضْلَ مَنْ

بزرگ من کیست مرا اگر رحم نکنی تو مرا و بخشش کرا که امید کنم

أُؤَمِّلُ إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي وَإِلَى مَنِ

اگر بیابم فضل ترا در روز احتیاج خود و بسوی کیست

الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى أَجَلِي سَيِّدِي لَا

گریز از گناهان هرگاه بپایان رسد اجل من ای آقای من

تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ اللَّهُمَّ حَقِّقْ رَجَائِي وَآمِنْ

عذاب مکن مرا و من امید دارم ترا خداوندا درست کن امید مرا و ایمن کن

خَوْفِي فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ

خوف مرا زیرا که بتحقیق بسیاری گناهان من امید ندارم در باره آنها مگر عفو ترا

سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ وَأَنْتَ أَهْلُ

آقای من من می خواهم از تو آنچه را که سزاوار نیستم و تو سزاوار

التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاغْفِرْ لِي وَأَلْبِسْنِي مِنْ

پرهیزکاری و سزاوار آمرزشی پس بیامرز مرا و بپوشان مرا از

نَظَرِكَ ثَوْبًا يُغَطِّي عَلَيَّ الذُّنُوبَ وَالتَّبِعَاتِ وَتَغْفِرُهَا

لطف خود جامه که بپوشد گناهان مرا و بدیها را و بیامرزی آنها را

لِي وَلَا أُطَالَبُ بِهَا إِنَّكَ ذُو مَنٍّ قَدِيمٍ وَصَفْحٍ عَظِيمٍ وَ

برای من و مطالبه کرده نشوم بآنها بدرستیکه تو صاحب عطای دیرینه و درگذشتن بزرگی و

تَجَاوُزٍ كَرِيمٍ إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَيْبَكَ عَلَى

بزرگ و گذشتن گرامی ای خدای من تویی آنکه بر ریزی عطای خود را بر



عَلى مَن لا يَسئَلُكَ وَعَلَى الجاحِدينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

بر آنكه سؤال نكند و بر آنكه انكار كند پروردگاری تو را

فَكَيفَ سَيِّدي بِمَن سَئَلَكَ وَاَيقَنَ اَنَّ الخَلقَ لَكَ

پس چگونه تو ای آقای نسبت بآنكه سؤال كند از تو و يقين دارد كه خلق

وَالاَمرَ اِلَيكَ تَبارَكتَ وَتَعالَيتَ يا رَبَّ العالَمينَ

و هر كاری بسوی تو است با بركتی تو و بلندی تو ای پروردگار جهانيان

اِلهي وَسَيِّدي عَبدُكَ بِبابِكَ اَقامَتهُ الخَصاصَةُ

خدای من و بزرگ من بنده تو بدرگاه تو است برپا داشته او را احتياج

بَينَ يَدَيكَ يَقرَعُ بابَ اِحسانِكَ بِدُعائِهِ يَستَعطِفُ

در پيش تو ميكوبد در احسان تو را بدعای خود و طلب مهربانی كند

جَميلَ نَظَرِكَ بِمَكنُونِ رَجائِهِ فَلا تُعرِض بِوَجهِكَ الكَريمِ

از نگريستن نيك تو باميد پوشيده خود پس بر مگردان روی بزرگوار خود را

عَنّي وَاقبَل مِنّي ما اَقُولُ فَقَد دَعَوتُ بِهذَا الدُّعاءِ

از من و بپذير از من آنچه ميگويم پس بتحقيق خواندم باين دعا

وَاَنَا اَرجُوا اَن لا تَرُدَّني مَعرِفَةً مِنّي بِرَأفَتِكَ وَرَحمَتِكَ

و من اميدوارم آنكه برنگردانی مرا بجهت شناسائی من بمهربانی تو و بخشش تو

اِلهي اَنتَ الَّذي لا يُحفيكَ سائِلٌ وَلا يَنقُصُكَ

خدای من توئی آنكه بستوه نمی آورد تو را سؤال كننده و كم نمی سازد تو را

نائِلٌ اَنتَ كَما تَقُولُ وَفَوقَ ما نَقُولُ اَللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ

عطای تو چنانی كه خود ميگوئی و بالاتر از آنچه ميگوئيم خداوندا بدرستی كه سؤال ميكنم

صرا



صبراً جميلاً وفرجاً قريباً وقولاً صادقاً واجراً عظيماً

شکیبایی نیکو و گشایش نزدیک و گفتار راست و مزد بزرگ

اسئلك يا ربّ من الخير كلّه ما علمت منه وما لم اعلم

درمیخواهم از تو ای پروردگار من از خیر همهٔ آنچه آنچه دانسته ام از آن و آنچه ندانسته ام

اسئلك اللّهمّ من خير ما سئلك منه عبادك

سؤال میکنم تو را خداوندا از بهترین آنچه سؤال کرده تو را از آن بندگان

الصالحون يا خير من سئل واجود من اعطى اعطني

شایسته تو ای بهترین سؤال کرده شده و بخشنده ترین بخشش نموده عطا کن

سؤلي في نفسي واهلي وولدي ووالديّ وحزانتي

درخواسته مرا در نفس و اهل من و فرزندان من و پدر و مادر من و اهل من و برادران

واخواني فيك وارغد عيشي واظهر مروّتي واصلح

در راه تو خوشی کن زندگانی مرا و ظاهر ساز مروت مرا و اصلاح آور

جميع احوالي واجعلني ممّن اطلت عمره وحسّنت

همه حالهای مرا و بگردان مرا از آنکه دراز کرده عمر ایشان را و نیکو

عمله واتممت عليه نعمتك ورضيت عنه و

کردی ایشان را و تمام کردی بر ایشان نعمت خود را و خشنود گشتی از ایشان

احييته حيوة طيّبة في ادوم السرور واسبغ

زنده داشتی ایشان را زندگانی پاکیزه در پیوسته ترین شادی و کاملترین

الكرامة واتمّ العيش انّك تفعل ما تشاء ولا يفعل

نوازش و تمام ترین زندگانی بدرستی که تو میکنی آنچه خواهی و نمی کنند آنچه خواهد



مَا يَشَآءُ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ وَخُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ
آنچه خواهد غیر تو خداوندا و مخصوص گردان مرا از جانب خود بذکر خاص خود

وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِمَّا اَتَقَرَّبُ بِهِ فِي آنَآءِ اللَّيْلِ وَاَطْرَافِ
و مگردان هیچ چیزی را از آن چیزهای که نزدیکی بجویم بآن در ساعتهای شب و طرفهای

النَّهَارِ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا اَشَرًا وَلَا بَطَرًا وَاجْعَلْنِي
روز ریا و نه سمعه و نه ناز کردن و نه خرمی و نه طغیان و بگردان مرا

لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ
برای خود از فروتنی کنندگان خداوندا عطا کن مرا فراخی در روزی

وَالْاَمْنَ فِي الْوَطَنِ وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَ
و ایمنی در وطن و روشنی دیده در اهل و مال و

الْوَلَدِ وَالْمُقَامَ فِي نِعَمِكَ عِنْدِي وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ
فرزندان و دوام کردن در نعمتهای تو که نزد من است و صحت در جسد

وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَاسْتَعْمِلْنِي
و توانائی در بدن و سلامتی در دین و بکار فرما مرا

بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللّٰهُ
بطاعت خود و طاعت رسول خود محمد و اهل بیت او رحمت فرستد خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ اَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي وَاجْعَلْنِي مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِكَ
بر او و آل او همیشه مادام که زنده داری مرا و بگردان مرا از وافرترین بندگان تو

عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ وَتُنْزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ
نزد تو از روی بهره در هر خیر که فرستادی او را و فرو فرستی او را در ماه رمضان

فی لیلة



فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا اَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ
در شب قدر و آنچه تو فرود آورنده آن را در هر سال از رحمتی که
تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا وَحَسَنَاتٍ
پراکنده کنی آن و عافیتی که بپوشانی آن را و بلایی که دفع کنی آن را و نیکوئیها
تَتَقَبَّلُهَا وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ
که بپذیری آن را و بدیهایی که درگذری از آنها و روزی کن مرا حج خانه
الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَارْزُقْنِي رِزْقاً
محترم خود در سال ما این سال و در هر سال و روزی کن مرا روزی
وَاسِعاً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ وَاصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي
فراخی از بخشش فراگیرنده خود و بگردان از من ای آقای من
الْاَسْوَاءَ وَاقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظُّلَامَاتِ حَتّٰى لَا
بدیها را و ادا کن از من قرض و بزرگیها را تا آنکه ضرر
اَتَاذّٰى بِشَيْءٍ مِنْهُ وَخُذْ عَنِّي بِاَسْمَاعِ وَاَبْصَارِ اَعْدَائِي
نیابم به هیچ چیز و فراگیر از من گوشها و دیدههای دشمنان مرا
وَحُسَّادِي وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَانْصُرْنِي عَلَيْهِمْ وَاَقِرَّ
و بدخواهان مرا و آنان که ستم کنند بر من و یاری ده مرا بر ایشان و روشن کن
عَيْنِي وَحَقِّقْ ظَنِّي وَفَرِّحْ قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي
دیده مرا و درست کن گمان مرا و بگشا دل مرا و بگردان برای من از غم من
وَكَرْبِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَاجْعَلْ مَنْ اَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ
و اندوه من گشایشی و بیرون شدنی و بگردان هر که اراده کند آهنگ مرا به بدی از



جميع خلقك تحت قدمي واكفني شر الشيطان وشر

همه خلق خود در زیر قدمهای من و دفع کن از من بد شیطان را و گزند

السلطان وسيئات عملي وطهرني من الذنوب كلها

پادشاه را و بدیهای کردار مرا و پاک گردان مرا از گناهان همه آنها

واجرني من النار بعفوك وادخلني الجنة وزوجني

و زنهار ده مرا از آتش بعفو خود و درآور مرا در بهشت برحمت خود و زن ده

من الحور العين بفضلك والحقني باوليائك الصالحين

از سیاه دیدگان فراخ چشم بفضل خود و در رسان مرا بدوستان شایسته خود

محمد وآله الابرار الطيبين الطاهرين الاخيار صلوات

محمد و آل وی نیکان پاکیزگان پاکان برگزیدگان رحمت

الله عليهم وعلى ارواحهم واجسادهم ورحمة الله و

های خدا بر ایشان باد و بر نفسهای ایشان و بدنهای ایشان و رحمت

بركاته الهي وسيدي وعزتك وجلالك لئن طالبتني

و برکتهای او باد خدای من و بزرگ من قسم بعزت تو و بزرگواری تو اگر مطالبه کنی مرا

بلومي لاطالبنك بكرمك ولئن ادخلتني النار

بگناهان من هر آینه مطالبه کنم ترا ببزرگواری تو و اگر درآوری مرا در آتش

لاخبرن اهل النار بحبي لك الهي وسيدي ان كنت

هر آینه آگاه کنم اهل آتش را بدوستی داشتنم ترا خدای من و آقای من اگر تو

لا تغفر الا لاوليائك واهل طاعتك فالى

که نیامرزی مگر دوستان خود را و فرمانبرداران خود را پس کجا



مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ وَاِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ اِلَّا اَهْلَ الْوَفَاءِ

پناه گیرند گناهکاران و اگر بوده باشی که گرامی نداری مگر اهل وفا کردند بعهد

بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَغِيثُ الْمُسِيئُونَ اِلٰهِي اِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي

تو پس بکه استغاثه نمایند بدکاران خدای من اگر درآوری مرا در آتش پس

ذٰلِكَ سُرُورُ نَبِيِّكَ وَاَنَا وَاللهِ اَعْلَمُ اَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ

در آن شادی پیغمبر تو است و من قسم بخدا که میدانم که بتحقیق شادی پیغمبر تو است

اَحَبُّ اِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

نزد تو دوستتر است از شادی دشمن تو خداوندا بدرستی که من درخواهم از تو

اَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً مِنْكَ وَتَصْدِيقًا

اینکه پر کنی دل مرا از دوستی خود و ترس از خود و باور داشتن کتاب

بِكِتَابِكَ وَاِيمَانًا بِكَ وَفَرَقًا مِنْكَ وَشَوْقًا اِلَيْكَ

خود و گرویدن بخود و بیم نمودن از خود و آرزومندی بسوی خود

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ حَبِّبْ اِلَيَّ لِقَاءَكَ وَاَحْبِبْ

ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن دوست گردان بسوی من ملاقات خود را و دوست دار

لِقَائِي وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَ

ملاقات مرا و بگردان برای من در ملاقات تو راحت و آسایش و گشایش را و

الْكَرَامَةَ اَللّٰهُمَّ اَلْحِقْنِي بِصَالِحِ مَنْ مَضَى وَاجْعَلْنِي

نوازش بار خدایا ملحق ساز مرا بنیکوکاران که گذشته و بگردان مرا

مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِيَ وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ عَلَى نَفْسِي

از جمله نیکوکاران که باقی مانده و ببر مرا براه شایستگان مرا بر نفس



بما تعين به الصالحين على انفسهم واختم عملي باحسنه

بانچه یاری کنی بآن شایستگان را بر نفسهای ایشان و ختم کن کردار مرا بنیکوترین آن

واجعل ثوابي منه الجنة برحمتك يا رب العالمين

و بگردان پاداش مرا از آن بهشت برحمت خود ای پروردگار جهانیان

واعني على صالح ما اعطيتني وثبتني يا رب ولا

و مدد کن مرا بر شایسته آنچه عطا کردی مرا و ثابت دار ای پروردگار من و در

تردني في سوء استنقذتني منه اللهم اني اسالك

مگردان در ناخوشی که رهاندی مرا از آن خداوندا بدرستی که من درخواهم از تو

ايمانا لا اجل له دون لقائك احيني ما احييتني

ایمان که نباشد نهایتی برای آن پیش از ملاقات تو و زنده دار مرا مادام که زنده

عليه وتوفني اذا توفيتني عليه وابعثني اذا

داری بر آن و بمیران مرا هرگاه بمیرانی مرا بر آن و برانگیز مرا هرگاه بر

بعثتني عليه وابرء قلبي من الرياء والشك و

انگیزانی بر آن و خالی کن دل مرا از ریا کردن و شک نمودن و

السمعة في دينك حتى تكون عملي خالصا لك

سمعه کردن در دین تو تا آنکه بوده باشد کردار من خالص برای تو

اللهم اعطني بصيرة في دينك وفهما في حكمك

خداوندا ببخش مرا بینائی در دین خود و دریافتن در حکم خود

وفقها في علمك وكفلين من رحمتك وورعا

و دانش در علم خود و دو نصیب از رحمت خود و پرهیزکاری



يحجزني عن معصيتك وبيّض وجهي بنورك واجعل

باز دارد مرا از نافرمانی تو و سفید کن روی مرا بروشنائی خود و بگردان

رغبتي فيما عندك وتوفّني في سبيلك وعلى

رغبت مرا در آنچه نزد توست و بمیران مرا در راه خود و بر

ملّة رسولك صلّى الله عليه وآله اللّهمّ إنّي

دین فرستاده خود رحمت فرستد خدا بر او و آل او خدایا بدرستی که من

أعوذ بك من الكسل والفقر والفشل والهمّ والحزن

پناه میگیرم بتو از کاهلی و فقر و اندوه و ناتوانی و اندوه و دیدن

والبخل والغفلة والقسوة والذلّة والمسكنة

و بخل و بیخبری و سخت دلی و خواری و بیچیزی

والفاقة وكلّ بليّة والفواحش كلّها ما ظهر منها

و احتیاج و هر بلائی و هر زشتی آنچه آشکار باشد از آن

وما بطن وأعوذ بك من نفس لا تقنع وبطن لا

و آنچه پنهان باشد و پناه میگیرم بتو از نفسی که قناعت نورزد و شکمی که

تشبع وقلب لا يخشع ودعاء لا يسمع وعمل لا

سیر نشود و دلی که نترسد و دعائی که شنیده نشود و کرداری

ينفع وصلوة لا ترفع وأعوذ بك يا ربّ على نفسي

که نفع نبخشد و نمازی که بالا برده نشود و پناه میگیرم بتو ای پروردگار بر نفس

وولدي وديني ومالي وعلى جميع ما رزقتني

و فرزندان خود و دین خود و مال خود و بر همه آنچه روزی کردی



مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اَللّٰهُمَّ

از شیطان رانده شده بدرستی که تو ای شنوای دانا خداوندا

اِنِّي لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ اَحَدٌ وَلَا اَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَدًا

بدرستی امان نمیدهد مرا از تو هیچکس و نمی یابم غیر تو پناهی

فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا تَرُدَّنِي

پس مگردان نفس مرا از چیزی از عذاب خود و برمگردان مرا

بِهَلَكَةٍ وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابٍ اَلِيمٍ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي

بهلاکت و برمگردان مرا بعذاب دردناک خداوندا بپذیر از من

وَاَعْلِ ذِكْرِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطَّ وِزْرِي وَلَا

و بلند کن ذکر مرا و رفیع کن مرتبه مرا و فرو گذار بار گناه مرا و

تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي وَاجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي

یاد مکن مرا بخطای من و بگردان ثواب نشستن مرا و ثواب گفتن

وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ وَاَعْطِنِي يَا رَبِّ

و جزای دعای مرا خوشنودی خود و بهشت و ببخش مرا ای پروردگار

جَمِيعَ مَا سَئَلْتُكَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ اِنِّي اِلَيْكَ

همه آنچه سؤال کردم از تو و زیاد کن مرا از بخشش خود بدرستی که من بتو خوا

رَاغِبٌ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَنْزَلْتَ فِي

هشمندم ای پروردگار جهانیان خداوندا بدرستی که تو فرو فرستادی در

كِتَابِكَ الْعَفْوَ وَاَمَرْتَنَا اَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنَا وَقَدْ

کتاب خود عفو را و امر کردی مرا که در گذریم از آنکه ستم کرد ما را و بتحقیق

ظلمنا

ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا فَاعْفُ عَنَّا فَاِنَّكَ اَوْلٰى بِذٰلِكَ
ستم کردیم بر نفوس خود پس درگذر از ما زیرا که بتحقیق تو سزاوارتری در گذشتن

وَاَمَرْتَنَا اَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلًا عَنْ اَبْوَابِنَا وَقَدْ جِئْتُكَ
از ما و امر کردی ما را آنکه بر نگردانیم درخواهنده را از درهای خود و بتحقیق آمده‌ام

سَائِلًا فَلَا تَرُدَّنِي اِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي وَاَمَرْتَنَا بِا
درخواهنده پس بر مگردان مرا بر آوردن حاجت من و امر کردی ما را

لْاِحْسَانِ اِلٰى مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُنَا وَنَحْنُ اَرِقَّاؤُكَ
به نیکوئی کردن پس آنکه مالک است دستهای ما و ما بندگان توئیم

فَاَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَ
پس آزاد کن گردن ما را از آتش ای پناه من نزد اندوه من و ای

يَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي اِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ
فریادرس من نزد سختی من بسوی تو پناه آورده‌ام و بتو استغاثه

اِسْتَغَثْتُ وَلُذْتُ لَا اَلُوذُ بِسِوَاكَ وَلَا اَطْلُبُ
استغاثه میکنم و پناه در گرفته‌ام پناه نمی‌گیرم بغیر تو و طلب نمیکنم

اَلْفَرَجَ اِلَّا مِنْكَ فَاَغِثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَقْبَلُ
گشایش را مگر از تو پس فریادرس مرا و دور کن از من اندوه مرا ای آنکه می‌پذیرد

اَلْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ
اندک را و درگذر از گناه بسیاری بپذیر از من

عَنِّي الْكَثِيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ اَللّٰهُمَّ
از گناه بسیار بدرستی که تو مهربانی آمرزنده خداوندا



اِنّی اَسْئَلُکَ اِیماناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبی وَیَقیناً صادِقاً

بدرستی که من درمیخواهم از تو ایمانی که بیاشر آن کنی دل مرا و یقین راست درا

حَتّی اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ یُصیبَنی اِلّا ما کَتَبْتَ لی وَرَضِّنی

تا آنکه بدانم اینکه بتحقیق نمیرسد مرا مگر انچه نوشته برای من و خشنود ساز

مِنَ الْعَیْشِ بِما قَسَمْتَ لی یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَمُخْتَصَرُ

از زندگانی با انچه قسمت نموده برای من ای بخشاینده ترین بخشندگان دعاهای

اینَ یا مَفْزَعی عِنْدَ کُرْبَتی وَیا غَوْثی عِنْدَ شِدَّتی

اینست ای پناه من نزد اندوه من وای فریادرس من نزد سختی من

اِلَیْکَ فَزِعْتُ وَبِکَ اسْتَغَثْتُ وَبِکَ لُذْتُ لا

بسوی تو پناه آورده ام و بتو استغاثه نموده ام و بتو التجا آورده ام

اَلُوذُ بِسِواکَ وَلا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلّا مِنْکَ فَاَغِثْنی

بغیر تو وطلب نمیکنم گشایش را مگر از تو پس بفریاد برس مرا

وَفَرِّجْ عَنّی یا مَنْ یَقْبَلُ الْیَسیرَ وَیَعْفُو عَنِ الْکَثیرِ

و گشایش ده از من ای آنکه می پذیرد اندک را و در میگذرد از گناه بسیار

اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ

بدرستی که توئی آمرزگار مهربان بار خدایا بدرستی که من درمیخواهم از تو

اِیماناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبی حَتّی اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ یُصیبَنی اِلّا

ایمانی و بیاشر آن کنی دل مرا تا آنکه بدانم آنکه بتحقیق هرگز نمیرسد مرا

ما کَتَبْتَ لی یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ یا عُدَّتی فی کُرْبَتی

انچه نوشتی برای من ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای ذخیره من در اندوه

وَصاحِبی

وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَيَا غَايَتِي فِي

وای یار من در سختی من وای کفایت کننده من در نعمت من وای منتهای مطلب من در

رَغْبَتِي أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي وَالْآمِنُ رَوْعَتِي وَالْمُقِيلُ

خواهش من توئی پوشنده آمرزشت مرا وایمنی بخشنده خوف مرا و درگذرنده لغزش مرا

عَثْرَتِي فَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وامّا دعاهای

پس بیامرز برای من گناه ای بخشنده ترین بخشندگان ماه مبارک بسند

معتبر منقولست که حضرة امام زین العابدین وامام محمد باقر

درهر روز این ماه مبارک اَللّٰهُمَّ هٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي

این دعا می خواندند بارخدایا این ماه رمضانیست که فرو

أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى

فرستادی در آن قرآن را در حالتی وروشنیهای که میان راه نمائیست

وَالْفُرْقَانِ وَهٰذَا شَهْرُ الْقِيَامِ وَهٰذَا شَهْرُ الْإِنَابَةِ

وجدا کننده حق از باطل واین ماه روزه واشتن است واین ماه بازگشتن است

وَهٰذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ وَهٰذَا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ

واین ماه توبه است واین ماه آمرزش و بخشش است

وَهٰذَا شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَهٰذَا

واین ماه آزادی از آتش و رستگاری بهشت است واین

شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ اَللّٰهُمَّ

ماهی است که در آن شب قدر است که آن بهتر است از هزار ماه خداوندا



علی محمد واله واعنی علی صیامه وقیامه وسلمه

بر محمد و ال محمد و مدد کن مرا بر روزه داشتن آن و بر پا ایستادن در آن

لی وسلمنی فیه واعنی علیه بافضل عونك ووفقنی

و سالم دار از برای من و مدد کن بر آن به نیکوترین مدد خود و توفیق ده

فیه لطاعتك وطاعة رسولك واولیائك صلوات

در آن اسباب طاعت خود را و طاعت رسول و دوستان خود رحمتهای خدا بر ایشان

الله علیهم وفرغنی فیه لعبادتك ودعائك وتلاوة

و فارغ دار مرا در آن برای عبادت خود و خواندن خود و خواندن

کتابك وعظم لی فیه البرکة واحسن لی فیه

کتاب خود و بزرگ گردان برای من در آن برکت را و نیکو گردان برای من در آن

العافیة واجزل لی فیه التوبة واصح لی فیه بدنی

عافیت را و بسیار کن برای من در آن توبه را و سالم دار برای من در آن بدن را

واوسع فیه رزقی واکفنی فیه ما اهمنی واستجب

فراخ کن در آن روزی مرا و دفع کن از من در آن اندوه مرا و بپذیر

فیه دعائی وبلغنی فیه رجائی اللهم صل علی

در آن دعای مرا و برسان مرا در آن به امید من خداوندا رحمت بفرست

محمد وال محمد واذهب عنی فیه النعاس والکسل

محمد و ال محمد و ببر از من در آن خواب سبک و کاهلی

والسامة والفترة والقسوة والغفلة والغرة

و ملالت و سستی و سختی دل و بیخبری و فریفته را

وجنبنی

وَجَنِّبْنِي فِيهِ وَالْاَسْقَامَ وَالْهُمُومَ وَالْاَحْزَانَ وَالْاَعْرَاضَ
و دور گردان از من در آن علتها و بیماریها و غمها و اندوهها و حوادث
وَالْاَمْرَاضَ وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ وَاصْرِفْ عَنِّي فِيهِ
و مرضها و خطاها و گناهان را و بگردان از من در آن
السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ وَالْجَهْدَ وَالْبَلَاءَ وَالتَّعَبَ وَ
هر بدی و زشتی و مشقتی و بلائی و رنجی و
الْعَنَاءَ اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
رنجوری را بدرستی که تو اجابت کننده دعائی خداوندا رحمت فرست بر محمد
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِذْنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَهَمْزِهِ
و آل محمد و پناه ده مرا در آن از دیو رانده شده و از بد گوئی او
وَلَمْزِهِ وَنَفْثِهِ وَنَفْخِهِ وَوَسْوَسَتِهِ وَتَثْبِيطِهِ وَكَيْدِهِ
و عیب جوئی او و دمیدن او و وسوسه او و کاهلی که اندازد او
وَبَطْشِهِ وَكَيْدِهِ وَمَكْرِهِ وَحَبَائِلِهِ وَخُدَعِهِ وَاَمَانِيِّهِ
و حمله کردن او و حیله او و مکر او و دامهای او و فریبهای او و آرزوهای او
وَغُرُورِهِ وَفِتْنَتِهِ وَشَرَكِهِ وَاَحْزَابِهِ وَاَتْبَاعِهِ وَ
و فریب دادن او و آشوب او و دام او و لشکرهای او و پیروان او و
اَشْيَاعِهِ وَاَوْلِيَائِهِ وَشُرَكَائِهِ وَجَمِيعِ مَكَائِدِهِ
و پیروان او و دوستان او و انبازان او و همه مکرهای او
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا فِيهِ
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا در آن



وقيامه وبلوغ الامل فيه وفي قيامه واستكمال

درازی داشتن در آن و رسیدن در آن بآرزو در آن و در کمال رسیدن در آن در تمام کردن

ما يرضيك عني صبرا واحتسابا وايمانا ثم تقبل

آنچه خوشنود سازد ترا از من از روی شکیبائی خالص که بنیت قصد کردن پس بپذیر

ذلك مني بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم يا رب

آنرا از من بضعف بسیار و مزد بزرگ ای پروردگار

العالمين اللهم صل على محمد وال محمد وارزقني

جهانیان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روزی کن

الحج والعمرة والجد والاجتهاد والقوة والنشاط

حج و عمره و سعی کردن و کوشش نمودن و توانائی و تازگی

والانابة والتوبة والتوفيق والقربة والخير

و بازگشت و توبه و نیک ... نمودن اسباب و نزدیکی و خیر

المقبول والرهبة والرغبة والتضرع والخشوع

پذیرفته و ترس و خواهش ... و زاری نمودن و فروتنی

والرقة والنية الصادقة وصدق اللسان و

و رقت و نیت درست و راستی زبان و

الوجل منك والرجاء لك والتوكل عليك و

بیم داشتن از تو و امید داشتن مر ترا و توکل نمودن بر تو

الثقة بك والورع عن محارمك مع صالح القول

اعتماد داشتن بتو پرهیز کردن از محرمات تو ... و حرکت

ومقبول

وَمَقْبُولَ السَّعْيِ وَمَرْفُوعَ الْعَمَلِ وَمُسْتَجابَ الدَّعْوَةِ وَلا

پذیرفته سعی وعمل بالا برده شده و دعای اجابت کرده شده و

تَحُلْ بَيْني وَبَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذٰلِكَ بِعَرَضٍ وَلا مَرَضٍ وَلا

مگردان میان من و میان هیچ چیز از آنچه درخواستم من بکارش و نه بیماری و نه اندوهی

وَلا غَمٍّ وَلا سُقْمٍ وَلا غَفْلَةٍ وَلا نِسْيانٍ بَلْ بِالتَّعاهُدِ

و نه غمی و نه علتی و نه بیخبری و نه فراموشی را بلکه معاهده کن باین بر چیزی

وَالتَّحَفُّظِ لَكَ وَفيكَ وَالرِّعايَةِ لِحَقِّكَ وَالْوَفاءِ

وحفظ نگاهداشتن برای تو در راه تو در رعایت نگاه حق ترا و وفا نمودن

بِعَهْدِكَ وَوَعْدِكَ بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ

به پیمان تو و وعده تو برحمت تو ای رحم کننده ترین بخشایندگان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لي فيهِ أَفْضَلَ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و قسمت کن مرا در این ماه بهترین

ما تَقْسِمُهُ لِعِبادِكَ الصّالِحينَ وَأَعْطِني فيهِ أَفْضَلَ

آنچه قسمت کنی آن را مر بندگان شایسته خود را و ببخش مرا در آن بهترین

ما تُعْطي أَوْلِياءَكَ الْمُقَرَّبينَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْعَفْوِ

آنچه بخشش فرمائی دوستان نزدیک خود را از بخشش و درگذشتن

وَالْمَغْفِرَةِ وَالتَّحَنُّنِ وَالْإِجابَةِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ

و آمرزش

الدّائِمَةِ وَالْعافِيَةِ وَالْمُعافاةِ وَالْعِتْقِ مِنَ النّارِ

و مهربانی و پذیرفتن و درگذشتن و آمرزش همیشه از آتش



وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَخَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
و رستگاری به بهشت و خیر این جهان و آن جهان بار خدایا رحمت کن
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعَائِي فِيهِ إِلَيْكَ
بر محمد و آل محمد و بگردان دعای مرا در آن بسوی خود
وَاصِلًا وَرَحْمَتَكَ وَخَيْرَكَ إِلَيَّ فِيهِ نَازِلًا وَعَمَلِي
رسنده و رحمت خود را و خیر خود را بسوی من در آن فرود آینده و کردار
فِيهِ مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ
در آن پذیرفته و کوشش مرا در آن افزون شده و گناه مرا در آن
مَغْفُورًا حَتّٰى يَكُونَ نَصِيبِي فِيهِ الْأَكْبَرَ وَحَظِّي
آمرزیده شده تا آنکه بوده باشد نصیب من در آن بزرگتر و بهره من
فِيهِ الْأَوْفَرَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
در آن تمام تر خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و
وَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ عَلٰى أَفْضَلِ حَالٍ تُحِبُّ أَنْ
توفیق ده مرا در آن برای دریافتن شب قدر بر بهترین حالی که دوست داری
يَكُونَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَأَرْضَاهَا لَكَ
که بوده باشد بر آن حال یکی از دوستان تو و پسندیده ترین آن برای تو
ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَارْزُقْنِي فِيهَا
پس بگردان آن را برای من بهتر از هزار ماه و روزی کن مرا در آن
أَفْضَلَ مَا رَزَقْتَ أَحَدًا مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ إِيَّاهَا وَأَكْرَمْتَهُ
بهتر از آنچه روزی کردی کسی را از آنکه رسانیدی او را به آن و گرامی داشتی

بها

بها واجعلني فيه من عتقائك من جهنم وطلقائك

...ن شب وبگردان مرا در این شب از آزاد شدگان خود از دوزخ و رها کردگان خود

من النار وسعداء خلقك بمغفرتك ورضوانك

از آتش و نیکوان خلق خود به آمرزش و خشنودی خود

يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد

ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وارزقنا في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة

و روزی کن ما را در ماه ما این ماه وسعی و کوشش و قوت

والنشاط وما تحب وترضى اللهم رب الفجر و

و خرمی و آنچه دوست داری و بپسندی خداوندا ای پروردگار سپیده دم

ليال عشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان

و شبهای ده گانه و شفع و وتر و پروردگار ماه رمضان

وما انزلت فيه من القرآن ورب جبرئيل وميكائيل

و آنچه فرو فرستادی در آن که قرآن است و پروردگار جبرئیل و میکائیل

واسرافيل وجميع الملائكة المقربين ورب ابرهيم

و اسرافیل و همه فرشتگان نزدیکان پروردگار ابراهیم

واسمعيل واسحق ويعقوب ورب موسى وعيسى

و اسمعیل و اسحق و یعقوب پروردگار موسی و عیسی

وجميع النبيين والمرسلين ورب محمد خاتم النبيين

و جمیع پیغمبران و فرستادگان و پروردگار محمد آخر پیغمبران



صلواتك عليه وعليهم اجمعين واسئلك

رحمتهای تو را وبار دیگر بر ایشان همه ومی خواهم از تو

بحقهم عليك وبحقك العظيم عليهم لما صليت

بحق ایشان بر تو وبحق بزرگ تو بر ایشان که رحمت بفرستی

عليه واله وعليهم اجمعين ونظرت الي نظرة

بر او وال او وبر ایشان همه ونظر افکنی بسوی من نظری

رحيمة ترضى بها عني رضا لا سخط علي بعده ابدا

با شفقت که خشنود شوی بسبب آن از من خشنودی که نباشد غضبی بر من بعد از آن

واعطني جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي وارادتي

وعطا کنی مرا تمام خواسته مرا وخواهش مرا وآرزوی مرا ومقصود مرا

وصرفت عني ما اكره واحذر واخاف على نفسي

وبگردانی از من آنچه ناخوش دارم وبیم دارم وترسم بر نفس خود

وما لا اخاف وعن اهلي ومالي واخواني وذريتي

آنچه نترسم واز خاندان من ومال من وبرادران من وفرزندان من

اللهم اليك فررنا من ذنوبنا فاوونا تائبين وتب

خداوندا بسوی تو گریختیم از گناهان خود پس جای ده ما را حال آنکه بوده باشیم

علينا مستغفرين واغفر لنا متعوذين واعذنا

وبپذیر توبه ما را حال آنکه بوده باشیم طلب آمرزش نمایندگان پناه ده ما را حال آنکه بوده باشیم

مستجيرين واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين

پناه گیرندگان وپناه ده ما را حال آنکه بوده باشیم پناه جویندگان وزنهار ده



وامنا

وَآمِنّا راغِبینَ وَشَفِّعْنا سائِلینَ وَاَعْطِنا اِنَّکَ سَمیعُ

وایمن گردان ما را اگر چه باشیم خواهشمندان وقبول کن شفاعت ما را در حال اگر چه باشیم درخواهنده

الدُّعاءِ قَریبٌ مُجیبٌ اَللّهُمَّ اَنْتَ رَبّی وَاَنا عَبْدُکَ

تو پذیرنده دعائی نزدیک اجابت کننده خداوندا تو پروردگاری و من بنده توام

وَاَحَقُّ مَنْ سَئَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ وَلَمْ یَسْئَلِ الْعِبادُ مِثْلَکَ

سزاوارترین کسی که سؤال کند از او بنده پروردگار اوست و سؤال نکرده‌اند بندگان

کَرَماً وَجُوداً یا مَوْضِعَ شَکْوَی السّائِلینَ وَیا مُنْتَهی حاجَةِ

از روی بزرگواری و بخشش ای قرار شکایت درخواهندگان وای منتهی حاجت

الرّاغِبینَ وَیا غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ وَیا مُجیبَ دَعْوَةِ

خواهشمندان وای فریادرس فریادرسان وای پذیرنده دعای

الْمُضْطَرّینَ وَیا مَلْجَأَ الْهارِبینَ وَیا صَریخَ الْمُسْتَصْرِخینَ

درماندگان وای پناه گریزگان وای دادرس دادخواهان و

وَیا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفینَ وَیا کاشِفَ کَرْبِ الْمَکْرُوبینَ

وای پروردگار ناتوانان وای رفع نماینده اندوه ناکان

وَیا فارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومینَ وَیا کاشِفَ الْکَرْبِ الْعَظیمِ

وای گشاینده غم غمناکان وای رفع نماینده اندوه بزرگ

یا اَللّهُ یا رَحْمنُ یا رَحیمُ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ صَلِّ عَلی

ای خدا ای بخشنده مهربان ای بخشنده ترین بخشندگان رحمت فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لی ذُنُوبی وَعُیُوبی وَاِسائَتی

محمد و آل محمد و بیامرز برای من گناهان مرا و عیبهای مرا و بدیهای مرا



وظلمي وجرمي واسرافي على نفسي وارزقني من فضلك
و ستم نمودن مرا و گناه ورزیدن مرا و زیاده روی نمودن مرا بر نفس خود و روزی ده مرا از فضل خود
ورحمتك فانّه لا يملكها غيرك واعف عنّي واغفر لي
و رحمت خود زیرا که بتحقیق که مالک نیست آنها را غیر تو و درگذر از من و بیامرز
كلّ ما سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري
هر آنچه که گذشته از گناهان و نگاه دار مرا در آنچه باقی مانده از عمرم
واستر عليّ وعلى والديّ وولدي وقرابتي واهل خزانتي ومن
و بپوشان بر من و بر پدر و مادرم و فرزندم و خویشان من و اهل غم خواری من و آنکه
كان منّي بسبيل من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا
بوده باشد از من در راهی از مردان گرویدگان و زنان گرونده در جهان
والآخرة فانّ ذلك كلّه بيدك وانت واسع المغفرة
و آن جهان زیرا که بتحقیق اینها همه بدست تست و تو فراخ بخشنده آمرزشی
فلا تخيّبني يا سيّدي ولا تردّ دعائي ولا تردّ يدي
پس نا امید مکن مرا ای آقای من و بر مگردان دعای مرا و بر مگردان دست مرا
الى نحري حتّى تفعل ذلك بي وتستجيب لي جميع ما
بسوی سینه من تا آنکه بکنی آن را که درخواستم و بپذیری برای من همه آنچه
سألتك وتزيدني من فضلك فانّك على كلّ شيء
سؤال کردم از تو و زیاد کن مرا از بخشش خود زیرا که بتحقیق که تو بر هر چیزی
قدير ونحن اليك راغبون اللهمّ لك الاسماء
توانایی و ما بسوی تو خواهشمند ایم خداوندا مر تست نامهای نیک

الحسنى

الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء

و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمت

اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت

سؤال میکنم از تو بحرمت نام تو بنام خدای بخشنده مهربان اگر بوده باشی

قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح

حکم فرموده باشی در این شب فرود آمدن فرشتگان و روح را

فيها ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي

در آن اگر رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اگر بگردانی نام مرا

في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين

در دیوان نیکبختان و نفس مرا با شهیدان و نیکویی مرا در علیین

واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به

و بدی مرا آمرزیده و اگر بخشی مرا یقینی که مباشر گردی با

قلبي وايمانا لا يشوبه شك ورضى بما قسمت

دل مرا و ایمانی که نیامیزد آن را هیچ شک و خشنودی بآنچه قسمت کردی

لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة

برای من و بده مرا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی

وقني عذاب النار وان لم تكن قضيت في هذه

و نگاه دار مرا از عذاب آتش و اگر نبوده باشی که حکم کرده باشی در این

الليلة تنزل الملائكة والروح فيها فاخرني الى

شب فرود آمدن فرشتگان و روح را در آن پس بازپس دارم



إلى ذلك وارزقني فيها ذكرك وشكرك وطاعتك

تا آن شب درروزی کن مرا در آن شب یاد نمودن و سپاس گذاری حضرت و فرمان برداری

وحسن عبادتك فصل على محمد وآل محمد بافضل

و نیکوئی پرستیدن حضرت پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد به بهترین

صلواتك يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب

رحمتهای حضرت ای بخشنده ترین بخشندگان ای یگانه ای پناه نیازمندان ای

محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعداءهم

محمد و آل محمد غضب کن در این روز بجهت محمد و بجهت نیکوکاران آل او بکش گروه دشمنان

بددا واحصهم عددا ولا تدع على ظهر الارض

حال آنکه متفرق باشند و در حساب ایشان را بشماره و وامگذار بر پشت زمین

منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا

از ایشان کسی را و میامرز ایشان را هرگز ای نیکوئی مصاحبت ای

خليفة النبيين انت ارحم الراحمين البديء

خلیفه پیغمبران تو بخشنده ترین بخشندگان آغاز کاری

البديع الذي ليس كمثله شيء والدائم غير الغافل

نو بدید آورنده که نیست مانند او هیچ چیز و همیشه موجودی غیر غافل

والحي الذي لا يموت انت كل يوم في شأن انت

و زنده که نمی میرد تو هر روز در کاری تو

خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسألك ان

خلیفه محمد و یاور محمد و زیادتی دهنده محمد سؤال می کنم

تنصر وصی

وخلیفته محمّد

تنصر وصيّ محمّدٍ والقائم بالقسط من اوصياء محمّدٍ

اینکه یاری کنی وصی محمد و جانشین محمد و آن را که برپاست از عدل از اوصیا محمد

صلواتك عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك

رحمتهای تو بر او و بر ایشان برگردان بر ایشان یاری خود را

يا لا اله الّا انت بحقّ لا اله الّا انت صلّ على

ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو بحق تو و بحق لا اله الا انت رحمت فرست بر

محمّدٍ وآل محمّدٍ واجعلني معهم في الدنيا والآخرة و

محمد و آل محمد و بگردان مرا با ایشان در دنیا و آخرت و

اجعل عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا

بگردان آخر کار مرا بسوی آمرزش خود و بخشش خود ای

ارحم الراحمين وكذلك نسبت نفسك يا سيّدي

بخشنده ترین بخشندگان و هم چنین نامیده ذات خود را ای آقای من

باللطيف بلى انّك لطيف فصلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ

بمهربان بلی بدرستیکه تو مهربانی پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد

والطف بي انّك لطيف لما تشاء اللّهمّ صلّ

و لطف کن با من بدرستیکه تو لطف کننده هر چه را خواهی خداوندا رحمت فرست

على محمّدٍ وآل محمّدٍ وارزقني الحجّ والعمرة في عامنا

بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج و عمره در سال

هذا وفي كلّ عامٍ وتطوّل عليّ بجميع حوائجي للدنيا

این سال و در هر سال و احسان کن بر من بهمه حاجتهای من در حاجتهای دنیا



لس استغفر الله ربّي واتوب اليه انّ ربّي قريب مجيب

بگو طلب آمرزش میکنم از خدا پروردگارم و رجوع میکنم بسوی او بدرستیکه پروردگارم نز[illegible]

استغفر الله ربّي واتوب اليه انّ ربّي رحيم ودود

طلب آمرزش میکنم خدا پروردگارم و بازگشت میکنم بسوی او بدرستیکه پروردگارم مهربان [illegible]

استغفر الله ربّي واتوب اليه انّه كان غفّارا

طلب آمرزش خدا پروردگار و رجوع میکنم بسوی او بدرستیکه اوست آمرزگار

اللّهمّ اغفر لي انّك انت ارحم الرّاحمين ربّ انّي

خداوندا بیامرز مرا بدرستیکه تو بخشنده ترین بخشندگانی پروردگار

عملت سوء وظلمت نفسي فاغفر لي انّه لا يغفر

کردم بدی و ستم کردم بنفس خود پس بیامرز مرا بدرستیکه نمی آمرزد گناهان

الذّنوب الّا انت استغفر الله الّذي لا اله الّا

هیچ کس را مگر تو طلب آمرزش میکنم خدایرا که نیست سزاوار پرستش مگر

هو الحيّ القيّوم الحليم العظيم العليم الكريم الغفور

او زنده پاینده بردبار بزرگ دانا بزرگوار آمرزنده

للذّنب العظيم واتوب اليه استغفر الله انّ الله

گناه کار بزرگ و رجوع میکنم بسوی او طلب آمرزش میکنم خدا را بدرستیکه خدا

كان غفورا رحيما سه مرتبه اللّهمّ انّي اسئلك ان

هست آمرزگار رحیم[illegible] بگو خداوندا بدرستیکه درخواهم ترا که

تصلّي على محمّد وآل محمّد اللّهمّ انّي اسئلك ان

رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم از تو

تصلّي

تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل فيما تقضي وتقدر

رحمت بفرست بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی در جمله آنچه حکم میکنی و مقدر میکنی

من الامر العظيم المحتوم في ليلة القدر من القضاء

از امر بزرگ واجب گردیده در شب قدر از آن حکمی

الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك

که بر نمیگردد و بدل کرده نشود اینکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه

الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم

محترم خود که پذیرفته شود حج ایشان پاداش داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان

المكفر عنهم سيئاتهم وان تجعل فيما تقضي وتقدر

محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان واینکه بگردانی در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی

ان تطيل عمري وتوسع رزقي وتؤدي عني امانتي

اینکه دراز کنی عمر مرا و فراخ کنی روزی مرا و ادا کنی از جانب من امانت مرا

وديني آمين رب العالمين اللهم اجعل لي فرجا

و قرض مرا بپذیر ای پروردگار جهانیان بار خدایا بگردان برای من گشایش

ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب

و بیرون شدنی و روزی ده مرا از آنجا که گمان میبرم و از آنجا که گمان نمیبرم

واحرسني من حيث احترس ومن حيث لا احترس وصلى الله

و از آنجا نگهبانی کن مرا از آنجا که خود را نگه دارم و از آنجا که نگه نمیدارم و رحمت کناد خدا

على محمد واله وسلم تسليما كثيرا واين تسبيحات [illegible]

بر محمد و آل او و درود فرستد درود فرستادنی بسیار



معتبر از حضرت صادق منقولست سبحان الله بارئ

که در هر روز این ماه بخوانند

پاکیزه خدا آفریننده

النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج

روح پاک خدا نگارنده صورت پاک خدا آفریننده انواع گونه

کلها سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله

همه آنها پاکست خدا خلق کننده تاریکیها و روشنائی را پاکست خدا شکافنده دانه و هسته

خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا

آفریننده هر چیز پاکست خدا آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود

یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب

[illegible] خدا زیاد بشمار کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهانیان

العالمین سبحان الله السمیع الذی لیس شیء

جهانیان پاک خدای شنوای که نیست هیچ چیز

اسمع منه یسمع من فوق عرشه ما تحت سبع

شنواتر از او میداند از بالای عرش آنچه را در زیر زمینهای هفتگانه

ارضین ویسمع ما فی ظلمات البر والبحر ویسمع

و میداند آنچه را که در تاریکیهای بیابان و دریا و میشنود

الانین والشکوی ویسمع السر واخفی ویسمع

ناله و شکایت را و میشنود هر رازی را و پنهان‌ترین رازها را

وساوس الصدور ولا یصم سمعه صوت

اندیشه‌های سینه‌ها را و کر نمیسازد گوش او را صدائی

سبحان الله

سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ

پاک است خدا بدید آورنده آدمیان پاک است خدائی که بخشد صورتها را

اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ

خدا آفریننده اصناف مخلوقات همه آنها پاک است خدا پدید آورنده ظلمت

وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ

و نور پاک است خدا شکافنده دانه و خرما پاک است

اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا

خدا آفریننده هر چیزی پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه

لَا يُرَى سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ

دیده نشود تنزیه میکنیم خدا را مثل عدد کلمهای او پاک است خدا پروردگار

الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَبْصَرَ

عالمیان پاک است خدائی که بر حق البرز هیچ چیز بینا را از او

مِنْهُ يُبْصِرُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرَضِينَ وَ

می بینند از بالای عرش خود آنچه در زیر زمینهای هفتگانه و

يَسْمَعُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ

می بیند آنچه را در ظلمتهای بیابان و دریا است در نیابد او را دیده

وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ لَا تَغْشَى بَصَرَهُ الظُّلْمَةُ وَلَا يُسْتَتَرُ

و او دقیق بیچون آگاه نمی پوشد چیزی را از دیده او تاریکی و پوشیده

مِنْهُ بِسِتْرٍ وَلَا يُوَارِي مِنْهُ جِدَارٌ وَلَا يَغِيبُ عَنْهُ

از او بپرده و نمی پوشد از او دیواری و پنهان نیست از و



بَرٍّ وَلا بَحْرٍ وَلا يَكُنْ مِنْهُ جَبَلٌ ما في اَصْلِهِ وَلا قَلْبُ

بیابانی ونه دریایی ونهان نمیدارد کوهی انچه را در بیخ اوست ونه دل انچه را

ما فيهِ وَلا جَنْبٌ ما في قَلْبِهِ وَلا يَسْتَتِرُ مِنْهُ صَغيرٌ

که درونست اوست ونه انچه را در دل اوست وپوشیده نیست از او خردی

وَلا كَبيرٌ وَلا يَخْفى عَنْهُ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَلا فِي السَّماءِ

ونه بزرگی وپنهان نیست براو چیزی در زمین ونه در اسمان

هُوَ الَّذي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْاَرْحامِ كَيْفَ يَشاءُ لا اِلهَ اِلّا

اوست انکه بصورت در می اورد شمارا در رحمها هر روش که خواهد نیست خدایی مگر او

هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ بس سر برشیر سُبْحانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ

اوئی که غالب است نیکو کار پاک است خدا پدید اورنده ارواح

سُبْحانَ اللهِ خالِقِ الْاَزْواجِ كُلِّها سُبْحانَ اللهِ جاعِلِ

پاک است خدای افریننده اصناف مخلوقات همه انها پاک است خدای پدید اورنده

الظُّلُماتِ وَالنُّورِ سُبْحانَ اللهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى سُبْحانَ

ظلمات وروز پاکست خدا شکافنده دانه خرما پاکست

اللهِ خالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحانَ اللهِ خالِقِ ما يُرى وَما لا

خدا افریننده هر چیزی پاک است خدا افریننده انچه دیده شود وانچه دیده نشود

يُرى سُبْحانَ اللهِ مِدادَ كَلِماتِهِ سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمينَ

پاک است خدا را مثل عدد کلمات او پاک است خدا پروردگار عالمیان

سُبْحانَ اللهِ الَّذي يُنْشِئُ السَّحابَ الثِّقالَ وَيُسَبِّحُ

پاک است خدای که پدید می انگیزاند ابرهای گران بار را وتسبیح می کند

الرعد

الرعد بحمده والملائكة من خيفته ويرسل الصواعق

رعد بسپاس او و فرشتگان از بیم او می ترسند صاعقها را

فيصيب بها من يشاء ويرسل الرياح بشرا بين يدي

پس میرساند باتها که خواهد میفرستد بادها را در حالی که مژده دهنده اند پیش از

رحمته ويرسل الماء من السماء بكلمته وينبت

رحمت او و میفرستد آب را از آسمان بکلمه خود و می رویاند

النبات بقدرته ويسقط الورق بعلمه سبحان

گیاه را بتوانائی خود فرو ریزاند برگ درخت را بعلم خود پاک است

الله الذي لا يعزب عنه مثقال ذرة في الارض

خدای که پنهان نیست ازاو مقدار مورچه خوردی در زمین

ولا في السماء ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في

و نه در آسمان و نیست خورد تر ازان و نه بزرگتر مگر اینکه در

كتاب مبين پس سه مرتبه سبحان الله بارئ النسم

کتاب روشن پاک است خدا پدید آورنده مردم ذی روح

سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج

پاک است خدای که بخشنده صورت پاک است خدا آفریننده ازواج

كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله

همه آنها پاک است خدا خالق تاریکیها و روشنائی پاک است خدا

فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله

شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا خلق کننده هر چیزی را پاک است خدا



خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته
آفریننده آنچه دیده میشود وآنچه دیده نمیشود پاکست خدا بشماره کلمهای او
سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي
پاکست خدا پروردگار عالمیان پاکست خدایی که
يعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما
میداند آنچه بر میدارد در رحم هر رحم زنی وآنچه نگاه میدارد رحمها وآنچه
تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب و
بیفزاید آن را رحمها وهر چیزی نزد او باندازه است دانای پنهان
الشهادة الكبير المتعال سواء منكم من اسر
وآشکار است بزرگ است بلند مرتبه است یکسان است نزد او کسی که پنهان داشت از شما
القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل و
سخن را وهر که آشکار کند آن را وآنکه او پوشنده خودست در شب و
سارب بالنهار له معقبات من بين يديه ومن
آنکه آشکار رونده آنست در روز مر او راست فرشتگان از پیش روی او واز پی او
خلفه يحفظونه من امر الله سبحان الله الذي يميت
نگاه دارند گردهای او را بسبب امر خدا پاکست خدایی که میمیراند
الاحياء ويحيي الموتى ويعلم ما تنقص الارض
زندگان را وزنده میکند مردها را ومی داند آنچه کم میکند زمین
منهم وتقر في الارحام ما تشاء الى اجل مسمى
از ایشان وثابت میدارد در رحمها آنچه خواهد تا اجل معین



سبحان الله

بس سر نریبه سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ

پاکست خدا پدید آورنده صاحبان روح پاکست خدا

الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ

بخشنده صورت پاکست خدا آفریننده ازواج آفرینندگان همه آنها پاکست خدا

جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَ

آفریننده ظلمت و نور پاکست خدای شکافنده دانه و هستها

النَّوَى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ

را پاکست خدای آفریننده هرچیز پاکست خدای آفریننده

مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ

آنچه دیده شود وآنچه دیده نشود منزه میکنم خدا را بشماره کلمهای پاکست

اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي

خدا پروردگار جهانیان پاکست خدا خداوند پادشاهی میدهی

الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ

پادشاهی را باگر خواهی و بگیری پادشاهی را از آنکه بخواهی و عزیز

مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى

آنرا که بخواهی و خوار میسازی آنرا که بخواهی بدست تست هر نیکوئی بدرستیکه تو

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ

بر همه چیز توانائی درمی آوری شب را در روز و درمی آوری روز را

فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ

در شب و بیرون می آوری زنده را از مرده و بیرون می آوری مرده را



من الحی و یرزق من یشاء بغیر حساب پس سه مرتبه بگو
از زنده و روزی میدهی آن را که خواهی بی شمار
سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان
پاکست خدای پدید آورنده ذی روح پاکست خدای بخشنده صورت پاکست
الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات
خدای آفریننده انواع مخلوقات همه آنها پاکست خدای آفریننده ظلمتها
والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله
و نور پاکست خدای شکافنده دانه و هستهای خرما پاکست خدای
خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری
آفریننده هر چیز پاکست خدای آفریننده آنچه دیده شود یا نشود
سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین
منزه میکنم خدارا بشماره کلمهای او پاکست خدای پروردگار جهانیان
سبحان الله الذی عنده مفاتح الغیب لا یعلمها
پاکست خدائی که نزد اوست کلیدهای خزانهای غیب نمیداند
الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة
آنها را مگر او و میداند آنچه را که در خشکیست و دریاست و نمی افتد هیچ برگی
الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا
مگر آنکه میداند آن را و دانه که بیفتد در تاریکیهای زمین و نه تر و تازه و نه
یابس الا فی کتاب مبین پس سه مرتبه سبحان الله بارئ
خشک مگر در کتاب روشن پاکست خدای پدید آورنده



النسم

النَسِمِ سُبحانَ اللهِ خالِقِ المُصَوِّرِ سُبحانَ اللهِ خالِقِ

پدید آورنده پاکست خدای صورت بخش پاکست خدای آفریننده

الأَزواجِ كُلِّها سُبحانَ اللهِ جاعِلِ الظُلُماتِ وَالنُورِ

الزواج جفتهای همه آنها پاکست خدا خالق ظلمتها و نور

سُبحانَ اللهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَوى سُبحانَ اللهِ خالِقِ

پاکست خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاکست خدای آفریننده

ما يُرى وَما لا يُرى سُبحانَ اللهِ مِدادَ كَلِماتِهِ سُبحانَ اللهِ

آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود پاکست خدا بشمار کلمهای او پاکست خدا

رَبِّ العالَمينَ سُبحانَ اللهِ الَّذي لا يُحصي مِدحَتَهُ

پروردگار جهانیان پاکست خدای که نشمارند ستایش او را

القائِلونَ وَلا يَجزي بِآلائِهِ الشّاكِرونَ وَهُوَ كَما قالَ

گویندگان و شکر نمیکنند در مقابل نعمتهای او سپاس گذاران پرستندگان و او چنان

وَفَوقَ ما نَقولُ وَاللهُ سُبحانَهُ كَما أَثنى عَلى نَفسِهِ

و بالای آنچه میگوییم صفت میکنیم خدا پاکست او چنانست که او ستوده خود را

وَلا يُحيطونَ بِشَيءٍ مِن عِلمِهِ إِلّا بِما شاءَ وَسِعَ كُرسِيُّهُ

و فرا نمیرسند ایشان بچیزی از دانشهای او مگر بآنچه خواسته است خدا فرا گرفته کرسی

السَّماواتِ وَالأَرضَ وَلا يَؤُدُهُ حِفظُهُما وَهُوَ العَلِيُّ

آسمانها و زمین را نه گران کند او را نگهداشتن آنها و او والا

العَظيمُ سُبحانَ اللهِ بارِئِ النَسِمِ سُبحانَ اللهِ

بزرگ پاکست خدای پدید آورنده مردم



خَالِقِ الْمُصَوَّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا

آفریننده صورت پاکست خدا آفریننده اقسام خلایق همه پاکست

سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ

پاکست خدا آفریننده تاریکیها و نور پاکست خدا شکافنده

فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ

شکافنده دانه و هستهای خرما پاکست خدا آفریننده هر چیزها

سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللهِ

پاکست خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود پاکست خدای

مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ

شماره کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهانیان پاکست خدای

الَّذِي يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا

که میداند آنچه را که میداند آنچه را که داخل می شود و آنچه بیرون آید از آن و آنچه

يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا عَمَّا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ

فرود می آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن [illegible] داخل

وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَلَا يَشْغَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ

و آنچه بیرون آید از آن از آنچه در آن باز ندارد او را دانستن چیزی از دانش چیزها

وَلَا يَشْغَلُهُ خَلْقُ شَيْءٍ عَنْ خَلْقِ شَيْءٍ وَلَا حِفْظُ شَيْءٍ

و باز ندارد او را آفریدن چیزها از آفریدن چیزی دیگر و نه نگاهداشتن چیزی

عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ وَلَا يُسَاوِيهِ شَيْءٌ وَلَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ

از نگاهداشتن چیزی دیگر و مساوی نیست او را چیزی و برابر نمی کند او را چیزی

وهو السميع

وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ پس بگو سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ

داوست شنوای دانا پاکست خدای بدید آورنده

النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

مردمی روح پاکست خدا نگارنده پاکست خدای آفریننده جفتها

كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ

همه آنها پاکست خدای آفریننده ظلمتها و نور پاکست خدای شکافنده

فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ

دانه و هستهای خرما پاکست خدا آفریننده هر چیزی پاکست

اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ

خدای آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنیم خدای را بشماره

كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَاطِرِ

کلمهای او پاکست خدای پروردگار عالمیان پاکست خدا خلق نماینده

السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلٰئِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ

آسمانها و زمین گرداننده فرشتگان رسولان صاحبان بالهای

مَثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللّٰهَ

دو و سه و چهار و چهار می افزاید در آفرینش آنچه خواهد بدرستی که خدا

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا يَفْتَحِ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا

بر هر چیز توانا است آنچه بگشاید خدا برای آدمیان از بخشش پس نیست

مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

باز دارنده مر آن را و آنچه باز دارد پس نیست مر آن را پس از وی و اوست غالب



سه مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ

پاکست خدای پدید آرنده مردمی روح پاکست خدای نگارنده

الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ

صورت پاکست خدای آفریننده ازواج همه آنهاست پاکست

اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ

خدای آفریننده ظلمتها و نور پاکست خدای شکافنده دانه

وَالنَّوٰى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ

و هسته خرما پاکست خدای آفریننده هر چیز پاکست خدای آفریننده

مَا يُرٰى وَمَا لَا يُرٰى سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ

آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود پاکست خدای تنزیه میکنیم خدای را بشماره کلمهای او

رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ

پروردگار جهانیان پاکست خدای که میداند آنچه را در آسمانهاست

وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوٰى ثَلٰثَةٍ إِلَّا هُوَ

و آنچه را در زمین است نباشد از راز گفتن مگر آنکه سه کس مگر او

رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنٰى

چهارم ایشان است و نه آنکه پنج کس مگر آنکه او ششم ایشان است و نه کمتر از آن

مِنْ ذٰلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَمَا كَانُوا ثُمَّ

و نه بیشتر از آن مگر آنکه او با ایشان است هر جا که بوده باشند پس آگاه

يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

کند ایشان را بآنچه کرده اند در روز قیامت بدرستی خدا بهر چیز داناست

وایضا



و ایضا مستحبست که این صلوات در هر روز جمعه در تمام سال بخوانند إِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰٓئِكَتَهُ

بدرستی که خدا و فرشتگان او

يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

درود بفرستند بر پیغمبر ای گروهی که گرویده اند از رحمت بفرستید بر او

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا لَبَّيْكَ يَا رَبِّ وَسُبْحَانَكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و سلام بفرستید درود فرستادنی بفرستیم برای فرمان تو ای پروردگار پاکی تو خداوندا رحمت بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ

بر محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانچه رحمت فرستادی و برکت دادی

عَلَى إِبْرٰهِيمَ وَآلِ إِبْرٰهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ

بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستی که تو ستوده بزرگواری خداوندا رحم کن

مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ عَلَى إِبْرٰهِيمَ وَآلِ إِبْرٰهِيمَ إِنَّكَ

محمد و آل محمد را چنانچه ترحم نمودی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستی که تو

حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ

ستوده بزرگواری خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد همچنانکه درود فرستادی

عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ امْنُنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر نوح در میان عالمیان خداوندا بخشش نما بر محمد و آل محمد

كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَهٰرُونَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

چنانچه بخشش نمودی بر موسی و هرون خداوندا رحمت فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و آل محمد چنانچه راه نمائی کردی ما را بو خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد



وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون والاخرون

وبرانگيز اورا در جايگاه ستوده كه رشك برند اورا بسبب آن پيشينان و پسينان

على محمد وآله السلام كلما طلعت شمس او غربت

بر محمد و آل او باد درود هرگاه برآيد آفتاب يا فرو رود

على محمد وآله السلام كلما طرفت عين او برقت

بر محمد و آل او باد درود هرگاه برهم زند پلكها را ديده يا خيره شود

على محمد وآله السلام كلما طرفت عين او ذرفت على

بر محمد و آل او باد درود هرگاه برهم زند پلكها را ديده يا اشك ريزد بر

محمد وآله السلام كلما ذكر السلام على محمد وآله

محمد و آل او باد درود هرگاه ذكر كرده شود سلام بر محمد و آل او باد درود

كلما سبح الله ملك او قدسه السلام على محمد

هرگاه تسبيح كند خدا را فرشته يا تنزيه كند اورا درود بر محمد

وآله في الاولين السلام على محمد وآله في الاخرين

و آل او باد در زمره پيشينيان درود بر محمد و آل او باد در زمره پسينيان

السلام على محمد وآله في الدنيا والاخرة السلم

درود باد بر محمد و آل او باد در اين جهان و آن جهان درود باد

على محمد وآله ورحمة الله وبركاته اللهم رب

بر محمد و آل او باد و رحمت خدا و بركتهاى او بار خدايا اى پروردگار

البلد الحرام ورب الركن والمقام ورب الحل و

شهر محترم و پروردگار ركن كعبه و مقام ابراهيم و پروردگار حل و

الحرام

الحَرامِ اَبلِغ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً وَآلِهِ عَنّا السَّلامَ اَللّهُمَّ

وحرم برسان بپیغمبر خود محمد وال اورا از ما درود خداوندا

اَعطِ مُحَمَّداً مِنَ البَهاءِ وَالسُّرُورِ وَالنَّضرَةِ وَالكَرامَةِ

ببخش محمد را از نیکوئی وشادی وتازگی وبزرگواری

وَالغِبطَةِ وَالوَسيلَةِ وَالمَنزِلَةِ وَالمَقامِ وَالشَّرَفِ

وخوشحالی ووسیله ومرتبه وجایگاه وشرافت

وَالرِّفعَةِ وَالشَّفاعَةِ عِندَكَ يَومَ القِيامَةِ اَفضَلَ

وبلندی وشفاعت کردن نزد تو در روز قیامت بهتر

ما تُعطي اَحَداً مِن خَلقِكَ وَاَعطِ مُحَمَّداً فَوقَ ما تُعطي

از آنچه عطا کنی یکی از خلق خود را وعطا کن محمد را بالای آنچه عطا کنی

الخَلائِقَ مِنَ الخَيرِ اَضعافاً كَثيرَةً لا يُحصيها غَيرُكَ

آفریدگان را از نیکی اضعاف بسیار که نشمرد آنها را جز تو

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَطيَبَ وَاَطهَرَ وَاَزكى

خداوندا رحمت فرست بر محمد وال محمد پاکیزه تر وطاهرتر وپاکیزه

وَاَنمى وَاَفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلى اَحَدٍ مِنَ الاَوَّلينَ

وفزایش کننده بهتر از آنچه رحمت فرستاده بر یکی از پیشینیان و

وَالآخِرينَ وَعَلى اَحَدٍ مِن خَلقِكَ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ

پسینیان وبر یکی از خلق خود ای بخشنده ترین بخشندگان

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ اَميرِ المُؤمِنينَ وَوالِ مَن

خداوندا رحمت فرست بر محمد وعلی پادشاه گروندگان ودوست دار آن کس



والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من

او را و دشمن دار آن را که دشمن دارد او را و چندین برابر کن عذاب را برآنکه

شرك في دمه اللهم صل على فاطمة بنت نبيك ومحمد

شریک شد در خون او خداوندا رحمت بفرست بر فاطمه دختر پیغمبر خود و محمد

عليه واله السلام والعن من اذى نبيك

بر او و آل او باد درود و دور کن از رحمت خود کسی را که آزرد پیغمبر ترا در

فيها اللهم صل على الحسن والحسين امامي المسلمين

باره خداوندا رحمت فرست بر حسن و حسین دو پیشوای مسلمانان

ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب

دوست دار آن را که دوست دارد ایشان و دشمن دار آن را که دشمن دارد و

على من شرك في دمهما اللهم صل على علي ابن

بر آنکه شراکت نمود در خون ایشان خداوندا رحمت فرست بر علی پسر

الحسين امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه

حسین گردن نهندگان دوست دار آن را و دشمن دار او را و مضاعف

وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل

کن عذاب را برآنکه ستم کرده خداوندا رحمت بفرست

على محمد بن علي امام المسلمين ووال من والاه

بر محمد پسر علی پیشوای اطاعت نمایندگان دوست دار آن را که دوست دارد

وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه

و دشمن دار آن را که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را برآنکه ستم کرد



اللهم

اللّهمّ صلّ علی جعفر ابن محمّد امام المسلمین و

خداوندا رحمت بفرست بر جعفر بن محمد پیشوای اطاعت نمایندگان و

وال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب

دوست داران را که دوست دارد او را و دشمن دار او را که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را

علی من ظلمه اللّهمّ صلّ علی موسی ابن جعفر

بر آنکه ستم کرده او را خداوندا رحمت بفرست بر موسی بن جعفر

امام المسلمین ووال من والاه وعاد من عاداه

پیشوای مسلمانان و دوست داران را که دوست دارد او را و دشمن دار آن را که دشمن دارد او را

وضاعف العذاب علی من شرک فی دمه اللّهمّ

او را و مضاعف کن عذاب او را بر آنکه شراکت نمود در خون او خداوندا

صلّ علی علی ابن موسی امام المسلمین ووال من

رحمت بفرست بر علی پسر موسی پیشوای مسلمانان دوست داران را که

والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب علی

دوست دارد او را و دشمن دار آن را که دشمن دارد او را مضاعف کن عذاب را بر

من شرک فی دمه اللّهمّ صلّ علی محمّد بن علی

آنکه شراکت نمود در خون او خداوندا رحمت فرست بر محمد پسر علی

امام المسلمین ووال من والاه وعاد من عاداه

پیشوای مسلمانان دوست دار او را که دوست دارد او را و دشمن دار آن را

وضاعف العذاب علی من ظلمه اللّهمّ صلّ

و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرده او را خداوندا رحمت فرست



علی علی بن محمد امام المسلمین ووال من والاه و
بر علی پسر محمد پیشوای مسلمانان و دوست دار او را که دوست دارد او را
عاد من عاداه وضاعف العذاب علی من ظلمه
و دشمن دار از آنکه دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرده او را
اللهم صل علی الخلف من بعد امام المسلمین
خداوندا رحمت بفرست بر جانشین پس از پیشوای مسلمانان
ووال من والاه وعاد من عاداه وعجل فرجه
و دوست دار آنکه دوست دارد او را و دشمن دار آنکه دشمن دارد او را و تعجیل کن در فرج او
اللهم صل علی القاسم والطاهر ابنی نبیک
خداوندا رحمت بفرست بر قاسم و طاهر دو پسر پیغمبر تو
اللهم صل علی رقیة بنت نبیک والعن
خداوندا رحمت بفرست بر رقیه دختر پیغمبر تو و لعنت کن
من اذی نبیک فیها اللهم صل علی ام کلثوم
آن را که بیازرد پیغمبر ترا در باره او خداوندا رحمت بفرست بر ام کلثوم
بنت نبیک والعن من اذی نبیک فیها
دختر پیغمبر تو و لعنت کن آنرا که بیازرد پیغمبر ترا در باره او
اللهم اخلف نبیک فی اهل بیته اللهم
خداوندا خلیفه باش بر پیغمبر تو در خاندان او خداوندا
مکن لهم فی الارض اللهم اجعلنا من عددهم
جای ده ایشان را در زمین خداوندا ما را از شماره ایشان

ومددهم

وَمَدَدِهِمْ وَاَنْصارِهِمْ عَلَى الْحَقِّ فِى السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ
و یاوران ایشان و یاری نمایندگان ایشان بر حق در نهان و در آشکار
اَللّٰهُمَّ اطْلُبْ بِذَحْلِهِمْ وَوِتْرِهِمْ وَدِمائِهِمْ وَكُفَّ
خداوندا طلب کن کینه ایشان را و خون ایشان را و خونهای ایشان را و باز دار
عَنّا وَعَنْهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بَأْسَ كُلِّ باغٍ
از ما و باز از ایشان و باز از هر مرد گرونده و زن گرونده دلیری هر ستم کننده
وَطاغٍ وَكُلِّ دابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِناصِيَتِها اِنَّكَ اَنْتَ
و از حد در گذرنده و هر جنبنده که تو فرا گیرنده موی پیش سر او را بدرستی که تو
اَشَدُّ بَأْساً وَاَشَدُّ تَنْكِيلاً ودر اقبال بعد از نسخهای دیگر
سخت تری از روی عذاب کردن و سخت تری از روی عذاب نمودن

دعا از حضرت علی بن الحسین تا حضرت امام حسن عسکری ع بجای من ظلمه چنین است که على من شرك في دمه واز جمله دعاهای هر روز ماه مبارک دعا بهائیست که سید ابن طاوس فضیلت بسیار از جهة آن روایت کرده و بر مضامین عالیه مشتمل است اَللّٰهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ كَما
خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه
اَمَرْتَنى فَاسْتَجِبْ لى كَما وَعَدْتَنى سحر بگوید اَللّٰهُمَّ
امر کردی مرا پس بپذیر برای من چنانچه وعده نمودی مرا خداوندا
اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ بَهائِكَ بِاَبْهاهُ وَكُلُّ بَهائِكَ بَهِىٌّ
بدرستی که من سؤال میکنم از تو از نیکوئیهای تو به نیکوترین آن و همه نیکوئی تو نیکو



اللهم انی اسئلک ببهائک کله اللهم انی

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا به بزرگی تو همه آن خداوندا بدرستی که من

اسئلک من جلالک باجله وکل جلالک جلیل

سؤال میکنم ترا از بزرگواری تو به بزرگوارترین آن و هر بزرگواری تو بزرگوار است

اللهم انی اسئلک بجلالک کله اللهم انی

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا به بزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستی که من

اسئلک من جمالک باجمله وکل جمالک جمیل

سؤال میکنم از تو به نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیکو است

اللهم انی اسئلک بجمالک کله پس سه مرتبه بگوید

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو به نیکوئی تو همه آن

اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی

خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس بپذیر از من چنانچه وعده کردی مرا

پس بگوید اللهم انی اسئلک من عظمتک با

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از بزرگی تو به

عظمها وکل عظمتک عظیمة اللهم انی اسئلک

بزرگترین آن و هر بزرگی تو بزرگ است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ببزرگی تو

بعظمتک کلها اللهم انی اسئلک من نورک بانوره

ببزرگی تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از نور تو بنورانی ترین آن

وکل نورک نیر اللهم انی اسئلک بنورک کله اللهم

و هر نور تو روشن است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بنور تو همه آن خداوندا



انی

اِنّی اَسئَلُکَ مِن رَحمَتِکَ بِاَوسَعِها وَکُلُّ رَحمَتِکَ واسِعَةٌ

بدرستی که من سؤال میکنم ترا از رحمت تو بفراگیرنده ترین آن و همه رحمت تو فراگیرنده است

اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِرَحمَتِکَ کُلِّها پس سه مرتبه بگوید

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا برحمت تو همه آن

اَللّهُمَّ اِنّی اَدعُوکَ کَما اَمَرتَنی فَاستَجِب لی کَما وَعَدتَنی

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا چنانچه امر کردی مرا پس بپذیر برای من چنانچه وعده فرمودی

پس بگوید اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ مِن کَمالِکَ بِاَکمَلِهِ وَکُلُّ کَمالِکَ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از صفات کمال تو بکاملترین آن

کامِلٌ اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِکَمالِکَ کُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّی

کامل است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بکمال تو همه آن خداوندا بدرستی که

اَسئَلُکَ مِن کَلِماتِکَ بِاَتَمِّها وَکُلُّ کَلِماتِکَ تامَّةٌ

سؤال میکنم از تو کلمهای تو بتمام ترین آنها و هر یک از کلمهای تو تمام است

اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِکَلِماتِکَ کُلِّها اَللّهُمَّ اِنّی

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بکلمهای تو هر یک از آنها خداوندا بدرستی که

اِنّی اَسئَلُکَ مِن اَسمائِکَ بِاَکبَرِها وَکُلُّ اَسمائِکَ

سؤال میکنم ترا از نامهای تو ببزرگترین آنها و هر یک از نامهای تو

کَبیرَةٌ اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِاَسمائِکَ کُلِّها پس سه

بزرگست خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بنامهای تو هر یک از آنها

مرتبه بگوید اَللّهُمَّ اِنّی اَدعُوکَ کَما اَمَرتَنی فَاستَجِب لی

خداوندا بدرستی که میخوانم ترا چنانچه فرمان دادی مرا پس اجابت کن



كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسئلك من عزتك

من چنانچه وعده کردی خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا از عزت تو

باعزها وكل عزتك عزيزة اللهم اني اسئلك بعزتك

بارجمندترین آن وهر عزتی از تو ارجمندی است خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا بعزت تو

كلها عزيزة اللهم اني اسئلك بعزتك كلها اللهم

همه آن ارجمندی است خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا بعزت تو تمام آن خداوندا

اني اسئلك من مشيتك بامضاها وكل مشيتك

بدرستی که من سؤال میکنم ترا بخواستن تو بگذرنده‌ترین و هر خواستن تو

ماضية اللهم اني اسئلك بمشيتك كلها

گذرنده است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بخواستن تو همه آن

اللهم اني اسئلك اني اسئلك من قدرتك با

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بقدرت تو که با

لقدرة التي استطلت بها على كل شيء وكل قدرتك

قدرت او که استیلا داری بآن بر هر چیز و هر قدرت تو

مستطيلة اللهم اني اسئلك بقدرتك كلها

مستولی است خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بقدرت تو همه آن

سه مرتبه اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي

خداوندا بدرستی که میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا

كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسئلك من علمك

چنانچه وعده نمودی مرا خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا از علم تو



بانفذه

بانفذه وکل علمك نافذ اللهم انی اسئلك

بروانترین آن و همه علم تو روا است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

بعلمك کله اللهم انی اسئلك بعلمك کله

بعلم تو بر فراوان خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از بعلم تو بر فراوان

اللهم انی اسئلك من قولك بارضاه وکل

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از گفتار تو بپسندیده ترین آن و همه

قولك رضی اللهم انی اسئلك بقولك کله

گفتار تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بگفتار تو همه آن

اللهم انی اسئلك من مسائلك باحبها الیك

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از سؤالهای تو بدوست داشته ترین آنها بسوی تو

وکل مسائلك حبیبة الیك اللهم انی اسئلك

و هر یک از سؤالهای تو دوست داشته شده است بسوی تو خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم

من مسائلك باحبها الیك وکل مسائلك

از تو سؤالهای تو بدوست داشته ترین آنها بسوی تو و هر یک از سؤالهای تو

حبیبة الیك اللهم انی اسئلك بمسائلك

دوست داشته شده است بسوی تو خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بسؤالهای تو

کلها پس بخوان اللهم انی ادعوك کما امرتنی فاستجب

همه آنها خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس مستجاب کن

لی کما وعدتنی پس بگوید اللهم انی اسئلك من شرفك

برای من چنانچه وعده فرمودی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از بزرگواری تو



بِاَشْرَفِهٖ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّىٓ اَسْئَلُكَ

بزرگوارترین آن و همه بزرگواری تو بزرگوار است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا

مِنْ سُلْطَانِكَ بِاَدْوَمِهٖ وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ اَللّٰهُمَّ

از سلطنت تو همیشه ترین آن و همه سلطنت تو همیشه است خداوندا

اِنِّىٓ اَسْئَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهٖ اَللّٰهُمَّ اِنِّىٓ اَسْئَلُكَ

بدرستی که سؤال میکنم ترا بسلطنت تو همه آن خداوندا بدرستی که سؤال میکنم

مِنْ مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهٖ وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاخِرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّىٓ

از ملک و علیه بعظیم ترین آن و همه علو و تو عظیم است خداوندا بدرستی که

اَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهٖ (پس سه مرتبه) اَللّٰهُمَّ اِنِّىٓ اَدْعُوكَ

سؤال میکنم ترا بعظمت همه آن خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا

كَمَا اَمَرْتَنِى فَاسْتَجِبْ لِى كَمَا وَعَدْتَنِى (پس بگو) اَللّٰهُمَّ اِنِّىٓ

چنانچه امر کرده مرا پس اجابت کن برای من چنانچه وعده فرمودی خداوندا بدرستی که من

اَسْئَلُكَ عُلُوِّكَ بِاَعْلَاهُ وَكُلُّ عَلَائِكَ عَالٍ اَللّٰهُمَّ

سؤال میکنم ترا از بلندی تو بلندترین آن و همه بلندی تو بلند است خداوندا

اِنِّىٓ اَسْئَلُكَ بِعَلَائِكَ كُلِّهٖ اَللّٰهُمَّ اِنِّىٓ اَسْئَلُكَ

بدرستی که من سؤال میکنم ترا ببلندی تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا

مِنْ مَنِّكَ بِاَقْدَمِهٖ وَكُلُّ مَنِّكَ قَدِيمٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّىٓ

از انعام تو بدیرینه ترین آن و همه انعام که دیرینه است بار خدایا بدرستی که

اَسْئَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهٖ اَللّٰهُمَّ اِنِّىٓ اَسْئَلُكَ مِنْ اٰيَا

سؤال میکنم ترا بانعام تو همه آن بار خدایا بدرستی که من سؤال میکنم ... قدرت تو

ما عجبها

بِاَعْجَبِها وَكُلُّ آياتِكَ عَجيبَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِآ

بشگفت ترين آنها و هر يك از نشانهاى قدرت شگفت آورنده است خداوندا

ياتِكَ كُلِّها سه سرشته اَللّٰهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنى

بنشانهاى تو همه آن خداوندا بدرستيكه من ميخوانم ترا چنانچه امر كردى مرا پس

فَاسْتَجِبْ لى كَما وَعَدْتَنى سه سرشته اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

اجابت كن براى من آنچه وعده نمودى مرا بار خدايا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا

مِنْ فَضْلِكَ بِاَفْضَلِهِ وَكُلُّ فَضْلِكَ فاضِلٌ اَللّٰهُمَّ

از فضل خود بفضل ترين آن و هر يك از فضل تو افزون خداوندا

اِنّى اَسْئَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

بدرستيكه من سؤال ترا بفضل تو همه آن خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا

مِنْ رِزْقِكَ بِاَعَمِّهِ وَكُلُّ رِزْقِكَ عامٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

از روزى تو بفراگيرنده ترين آن و هر روزى تو فراگيرنده است خداوندا بدرستيكه

بِرِزْقِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ عَطائِكَ بِاَهْنَئِهِ

ترا بروزى تو همه آن خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا از بخشش تو بگواراترين

وَكُلُّ عَطائِكَ هَنِئٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ

و هر بخشش تو گوارا است خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا از نيكى تو

بِاَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عاجِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِخَيْرِكَ

بشتاب كننده ترين آن و هر خير تو شتابنده است خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا بخير تو

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ اِحْسانِكَ بِاَحْسَنِهِ وَكُلُّ

همه آن خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا از نيكوئى تو به نيكوترين آن



احسانك حسن اللهم انی اسئلك باحسانك كله

و همه احسان تو نیکوست خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا باحسان تو همه آن

اللهم انی اسئلك بما تجیبنی حین ادعوك فاجبنی

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بانچه اجابت میکنی مرا بسبب آن هنگامی که بخوانم ترا پس اجابت کن

یا الله نعم دعوتك یا الله اللهم انی اسئلك بما

مرا ای خداوند بحق خواندم ترا ای خدا خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم بانچه

انت فیه من الشؤن و الجبروت اللهم انی اسئلك

تو در آنی از کارها و بزرگواری خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا

بكل شان و جبروت اللهم انی اسئلك بشانك و

بهر کاری و بزرگواری خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بکار تو و

جبروتك كلها اللهم انی اسئلك بما تجیبنی به

بزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بانچه اجابت میکنی مرا بآن

حین اسئلك به فاجبنی یا الله صل علی محمد و آل

هنگامی که سؤال میکنم ترا بآن پس اجابت کن مرا ای خدا رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد پس هر حاجت که داری بگو پس تطلب اللهم صل علی محمد و آل

محمد خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد و ابعثنی علی الایمان بك و التصدیق برسولك

محمد و بر انگیز مرا بر ایمان بتو و باور داشتن رسول ترا

و الولایة لعلی ابن ابی طالب و الائتمام بالائمة

و دوستی علی ابن ابی طالب علیه السلام و اقتدا به پیشوایان از

من آل محمد



مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَالبَرَاءَةَ مِنْ اَعْدَائِهِمْ فَاِنِّی قَدْ رَضِیتُ بِذٰلِکَ

از خاندان محمد و بیزاری از دشمنان ایشان پس بدرستی که من خوشنودم به

یَا رَبَّاهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُکَ خَیْرَ الخَیْرِ

ای پروردگار من خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و سؤال میکنم از تو بهتر از هر نیکی

رِضْوَانَکَ وَالجَنَّةَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِکَ

خوشنودی تست و بهشت و پناه میبرم بتو از هر بدی که غضب تست

وَالنَّارَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِی مِنْ

و آتش خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و نگاه دار از هر درد

مُصِیبَةٍ وَمِنْ کُلِّ بَلِیَّةٍ وَمِنْ کُلِّ عُقُوبَةٍ وَمِنْ کُلِّ

هر آسیب و از هر رنجی و از هر عقوبتی و از هر آشوب

فِتْنَةٍ وَمِنْ کُلِّ بَلَاءٍ وَمِنْ کُلِّ شَرٍّ وَمِنْ کُلِّ مَکْرُوهٍ

و از هر بلائی و از هر گزندی و از هر ناخوشی و از

وَمِنْ کُلِّ مُصِیبَةٍ وَمِنْ کُلِّ اٰفَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

هر مصیبتی و از هر رنجی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان

اِلَی الاَرْضِ فِی هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ

بسوی زمین در این ساعت و در این شب

وَفِی هٰذَا الشَّهْرِ وَفِی هٰذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و در این ماه و در این سال خداوندا رحمت فرست

عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِی مِنْ کُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ کُلِّ

بر محمد و آل محمد و بخشش ده مرا از هر شادی و از هر



بهجة ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل

هر شکوهی واز هر مستقیمی واز هر گشادگی واز

عافية ومن كل سلامة ومن كل كرامة ومن كل

عافیت واز هر سلامتی واز هر نوازشی واز هر

رزق واسع حلال طيب ومن كل نعمة ومن كل حسنة

روزی فراخ حلال پاکیزه واز هر نعمت واز هر نیکو

نزلت او تنزل من السماء الى الارض في هذه الساعة

فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین در این ساعت و در این

وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر

و در این شب و در این روز و در این ماه

في هذا السنة اللهم ان ذنوبي قد اخلقت وجهي

و در این سال خداوندا اگر بوده باشد گناهان من کهنه کرده باشد

عندك وحالت بيني وبينك او غيرت حالي عندك

روی مرا نزد تو و حایل شده باشد میان من و میان تو یا تغییر داده باشد

فاني اسئلك بنور وجهك الكريم الذي لم يطفأ

حال مرا نزد تو پس سؤال میکنم بنور ذات بزرگوار تو که فرو نشانیده نشد

او بوجه حبيبك محمد المصطفى وبوجه وليك

و بجاه دوست تو محمد برگزیده و بجاه دوست تو

على المرتضى وبحق اوليائك الذين انتجبتهم ان

علی پسندیده و بحق دوستان تو که برگزیدی ایشان را آنکه

بفضلی

تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تغفر لی ولوالدیّ و

رحمت بفرست بر محمّد وآل محمّد واینکه بیامرزی برای من و پدر و مادرم و

ما ولدا وللمؤمنین والمؤمنات وما توالدوا

وانکه زاینده از ایشان و برای مردان گرونده و زنان گرونده و آنکه زاییده اند و

ذنوبنا کلّها صغیرها وکبیرها وان تختم لنا با

ایشان گناهان ما همه گناهان را خورد آنها و بزرگ آنها را واینکه ختم کنی برای

لصالحات وان تقضی لنا الحاجات والمهمّات

کردارهای شایسته واینکه روا کنی برای ما حاجتها را و کارهای سخت را و شکسته

وصالح الدعاء والمسئلة فاستجب لنا بحقّ محمّد

از دعا وسؤال را پس بپذیر برای ما بحق محمّد

وآله اللهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد آمین آمین

وآل او خداوندا رحمت بفرست بر محمّد وآل محمّد بپذیر بپذیر

ماشاء الله کان لا حول ولا قوّة الّا بالله

آنچه خواسته خدا بود هست قدرت ونه توانائی مگر به خواست خدا

سبحان ربّک ربّ العزّة عمّا یصفون وسلام

پاکست پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه می‌ستایند و درود

علی المرسلین والحمد لله ربّ العالمین پس دستها را

بر فرستادگان وستایش مر خدای را که پروردگار جهانیان

بجانب آسمان بلند کن ومثل ده کردنت را ببوی دوش



خپ خود وکرمیکن واکن یا الله یا لا اله الا
بیاید خود را بگریه ملا دیکو ای الکه نیست سزاوار پرستش مگر
انت اسئلك بحق من حقه عليك عظيم يا لا اله
تو در میخواهم از تو بحق آنکه حق او بزرگست یا الکه
الا انت اسئلك ببهاء لا اله الا انت اسئلك
الا انت سؤال میکنم از تو ببزرگواری لا الکه الا انت میکنم
بجلال لا اله الا انت يا لا اله الا انت
بشکوه لا الکه الا انت ای الکه نیست سزاوار پرستشی مگر تو
اسئلك بجمال لا اله الا انت يا لا اله الا
سؤال میکنم ترا بر خوشنمائی لا الکه الا انت ای الکه نیست خدائی
انت بكمال يا لا اله الا انت اسئلك بعزة
تو بتمامی لا الکه الا انت ای الکه نیست خدائی مگر تو سؤال میکنم ترا بعزت
لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك
لا اله الا انت ای الکه نیست خدائی مگر تو سؤال میکنم
بعظمة لا اله الا انت يا لا اله الا انت
ببزرگی لا الکه الا انت ای الکه نیست خدائی مگر تو
اسئلك بقول لا اله الا انت يا لا اله
سؤال میکنم ترا بوسیله گفتن لا الکه الا انت ای الکه نیست خدائی
الا انت اسئلك بشرف لا اله الا انت
مگر تو سؤال میکنم ترا ببلندی لا الکه الا انت

یا لا اله

يا لا اله الا انت اسئلك بعلاء لا اله الا

اى انكه نيست خداى مگر تو سؤال ميكنم ترا به بلندى لا اله الا

انت يا لا اله الا انت اسئلك بلا اله الا

انت اى انكه نيست خدا مگر تو سؤال ميكنم ترا بلا اله الا

انت يا ربّاه يا ربّاه انقدر بگويد كه يك نفس وفا
كند به همان حالتى كه بوده گردن

انت اى الهى اى پروردگار

كج كرده بسوى دوش چپ اسئلك يا سيّدى

پس بگويد يا الله يا ربّاه انقدر سؤال ميكنم ترا اى آقاى من

بگويد كه يكنفس وفا كند پس يا سيّداه يا مولاه يا

اى بزرگ اى آقا اى

غياثاه يا ملجاه يا منتهى غاية رغبتاه يا ارحم

فريادرس اى پناه اى منتهى نهايت خواهش اى بخشنده ترين بخشندگان

الرّاحمين اسئلك فليس كمثلك شئ واسئلك

بخشندگان سؤال ميكنم از تو كه نيست مانند تو هيچ چيز وسؤال ميكنم

بكلّ دعوة مستجابة دعاك بها نبىّ مرسل او

بهر دعاى [illegible] كه خوانده ترا بآن پيغمبر مرسل يا

ملك مقرّب او عبد مؤمن امتحنت قلبه

فرشته مقرب يا بنده گرونده كه آزموده دل او را

للايمان واستجبت دعوته منه وا توجّه اليك

براى ايمان و پذيرفتى دعاى او را ازو و رو مى آورم بسوى تو



محمد نبیك نبی الرحمة واقدمه بین حوائجی یا

بوسیله محمد پیغمبر تو پیغمبر رحمت و پیش میدارم او را در پیش حاجتهای خود ای

محمد یا رسول الله بابی انت وامی اتوجه بك

محمد ای رسول خدا فدای تو باد پدر و مادر من روی آورم بوسیله تو

الی الله والی ربك وربی واقدمك بین حوائج

بسوی خدا و بسوی پروردگار تو و پروردگار من و پیش میدارم ترا پیش حاجتهای خود

یا رباه یا رباه یا رباه اسئلك بك فلیس كمثلك

ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار سؤال میکنم ترا بحق تو پس نیست مانند تو

شیء واتوجه الیك بمحمد حبیبك وبعترته

هیچ چیز و روی آورم بسوی تو بوسیله محمد دوست تو و بوسیله خویشان او

الهادیة واقدمهم بین یدی حوائجی واسئلك

که راه نماینده و پیش میدارم ایشان را پیش حاجتهای خود و سؤال میکنم ترا

بحیاتك التی لا تموت وبنور وجهك الذی لا

بحق زندگی تو که زایل نمی شود و بروشنائی ذات تو که فرو نمیرد

یطفاء وبعینك التی لا تنام واسئلك بحق

نشود و بدیده تو که نمی خوابد و سؤال میکنم ترا بحق آنکه

من حقه علیك عظیم ان تصلی علی محمد وآل

از حق او است بر تو عظیم است آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل

محمد قبل كل شیء وبعد كل شیء وعدد كل شیء

محمد و پیش هر چیزی و پس از هر چیزی و بشماره هر چیزی و

ودم



وَزِنَةَ كُلِّ شَيْءٍ وَمِلْاَ كُلِّ شَيْءٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

وسنجش هر چیزی و پری هر چیزی خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُصْطَفٰى وَرَسُولِكَ

اگر رحمت فرستی بر محمد بنده او بر گزیده تو و رسول

الْمُرْتَضٰى وَاَمِينِكَ الْمُصْطَفٰى وَنَجِيبِكَ دُونَ خَلْقِكَ

پسندیده تو و معتمد بر گزیده تو و اختیار کرده شده تو نزد خلق تو

وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَجْمَعِينَ النَّذِيرِ

دوست تو و اختیار کرده شده از خلق تو همه ترسانندگان

الْبَشِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ

مژده دهنده چراغ روشن و بر خاندان او که پاکیزگان

الطَّاهِرِينَ الْمُطَهَّرِينَ الْاَخْيَارِ الْاَبْرَارِ وَعَلٰى

پاکان پاک کرده گان و نیکان نیکوکاران و بر

مَلٰائِكَتِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ

فرشتگان تو که خالص گردانیده ایشان را برای ذات خود

حَجَبْتَهُمْ عَلٰى خَلْقِكَ وَعَلٰى اَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ يُنْبِئُونَ

و باز داشته ایشان را از خلق حق و بر پیغمبران تو که خبر دهند

بِالصِّدْقِ عَنْكَ وَعَلٰى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ

براستی از تو و بر بندگان شایسته تو که درآورده

اَدْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ مَعَ الْاَئِمَّةِ الْمُهْتَدِينَ

ایشان در رحمت حق با پیشوایان هدایت یافتگان



الرّاشدين المطهّرين وعلى جبرئيل وميكائيل و
راه یافتگان پاک گردیدگان اند و بر جبرئیل و میکائیل و
اسرافيل وملك الموت رضوان خازن الجنّة
و اسرافیل و ملک موت و رضوان خزانه دار بهشت
ومالك خازن النّار وروح القدس وحملة العرش
و مالک خزانه دار دوزخ و روح القدس و بردارندگان عرش
ومنكر ونكير وعلى الملكين الحافظين على الصّلوة
و منکر و نکیر و بر آن دو فرشتگان که موکلند بر حفظ
التى تحبّ ان تصلّى عليهم صلوة كثيرة طيّبة مباركة
دوست میداری اگر رحمت بفرستی بر ایشان رحمت بسیار پاکیزه با برکت
زاكية نامية طاهرة شريفة فاضلة تبيّن بها
پاک فزایش کننده طاهر با رفعت ... ظاهر سازی بآن
فضلهم على الاوّلين والاخرين اللّهمّ انّى اسألك
زیادتی ایشان را بر پیشینیان و پسینیان خدا وندا بدرستی که من سؤال
ان تسمع صوتى وتجيب دعوتى وتغفر ذنوبى و
اگر بشنوی صدای مرا و اجابت کنی مرا و بیامرزی گناهان مرا
تنجح طلبتى وتقضى حاجاتى وتقبل قصّتى و
برآوری خواهش مرا و روا کنی حاجتهای مرا و بپذیری حکایت مرا
تنجز لى ما وعدتنى وتقيلنى عثرتى وتجاوز عن
و روا کنی برای من آنچه وعده داده مرا و از لغزش من و بگذری از



خَطِيئَتِي وَتَصْفَحَ عَنْ ظُلْمِي وَتَعْفُوَ عَنْ جُرْمِي وَتُقِيلَ

خطای من و درگذری از ستم من و عفو کنی از گناه من و درگذری

عَلَيَّ وَلَا تُعْرِضَ عَنِّي وَتَرْحَمَنِي وَلَا تُعَذِّبَنِي وَتُعَافِيَنِي

بر من و روی نگردانی از من و رحم کنی مرا و عذاب نکنی مرا و عافیت بخشی مرا

وَلَا تَبْتَلِيَنِي وَتَرْزُقَنِي مِنْ أَطْيَبِ الرِّزْقِ وَأَوْسَعِهِ

و مبتلا نسازی مرا و روزی دهی مرا از پاکیزه ترین روزیها و فراخ ترین

وَأَهْنَائِهِ وَأَمْرَئِهِ وَأَسْبَغِهِ وَأَكْثَرِهِ وَلَا تَحْرِمْنِي

آن و گوارنده‌ترین آن و نیک ترین آن رسیده و تمامترین آن و بیشترین آن

يَا رَبِّ النَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ

ای پروردگار من از نگریستن بسوی ذات بزرگوار تو و رستگاری به بهشت

وَالْعِتْقَ مِنَ النَّارِ وَاقْضِ عَنِّي يَا رَبِّ دَيْنِي وَأَمَانَاتِي

و آزادی از آتش و قضا کن از من ای پروردگار قرض مرا و امانت

وَضَعْ عَنِّي وِزْرِي وَلَا تُحَمِّلْنِي مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ يَا

و بگذار از من بار گران و بار مکن مرا آنچه نتوانائی مرا بآن ای

مَوْلَايَ وَأَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّداً

صاحب و اختیار من و درآور مرا در هر نیکی که درآوردی در آن محمد

وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَهُمْ مِنْهُ وَ

و آل محمد را و بیرون کن مرا از هر بدی که بیرون کردی ایشان را

لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً فِي الدُّنْيَا

و جدا مکن میانه من و میانه ایشان بقدر بر هم زدن چشم در دنیا



وَالْآخِرَةِ پس سه مرتبه اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِیْ

خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانچه امر کردی

فَاسْتَجِبْ لِیْ كَمَا وَعَدْتَنِیْ پس بگوید اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ

پس بپذیر دعای مرا چنانچه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم

قَلِیْلًا مِنْ كَثِیْرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِیْ اِلَیْهِ عَظِیْمَةٍ وَغِنَاكَ

اندکی از بسیار با نیازمندی من بسوی آن نیازمندی بزرگ و بی نیازی تو

عَنْهُ قَدِیْمٌ وَهُوَ عِنْدِیْ كَثِیْرٌ وَهُوَ عَلَیْكَ سَهْلٌ

از آن دیرین و آن نزد من بسیار است و آن بر تو سهل

یَسِیْرٌ فَامْنُنْ بِهِ عَلَیَّ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ اللّٰهُمَّ

و اندک است پس بخشش کن بآن بر من بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی خداوندا

بِرَحْمَتِكَ فِی الصَّالِحِیْنَ فَاَدْخِلْنَا وَفِیْ عِلِّیِّیْنَ فَارْفَعْنَا

برحمت خود در زمره نیکوکاران پس در آور مارا در علیین پس بلند کن مارا

وَبِكَاْسٍ مِنْ مَعِیْنٍ مِنْ عَیْنٍ سَلْسَبِیْلٍ فَاسْقِنَا وَمِنَ

و بجامی از شراب نیکو از چشمه سلسبیل که آب ده مارا و از

الْحُوْرِ الْعِیْنِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِیْنَ

حوریان فراخ چشم برحمت خود پس زن ده مارا و از کودکان جاوید

كَاَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُوْنٌ فَاَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ

که گویا ایشان مروارید پوشیده اند پس خادم بخش مارا و از میوه های بهشت

وَلُحُوْمِ الطَّیْرِ فَاَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِیَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِیْرِ

و گوشتهای مرغ پس بخوران مارا و از جامه های نازک و ابریشمین

والاستبرق

از جمله دعاهای شب

وَالاِستَبرَقِ فَاَلبِسنا وَلَیلَةَ القَدرِ وَحَجَّ بَیتِكَ

و دیبای سطبر پس بپوشان مارا و برای دریافت شب قدر و حج خانه

الحَرامِ وَقَتلاً فی سَبیلِكَ مَعَ وَلیّكَ فَوَفِّق لَنا وَصالِحَ

محترم خود و کشته شدن در راه در رکاب حضرت با دوستان حضرت پس توفیق ده ما را

الدُّعاءِ وَالمَسئَلَةِ فَاستَجِب لَنا یا خالِقَنا اِسمَع

از دعا و سؤال را پس بپذیر برای ما ای آفریننده ما بشنو

وَاستَجِب لَنا وَاِذا جَمَعتَنا الاَوَّلینَ وَالآخِرینَ

و اجابت کن ما را و هرگاه جمع کنی پیشینیان و پسینیان را در روز

یَومَ القِیامَةِ فَارحَمنا وَبَراءَةً مِنَ النّارِ وَاَماناً

رستخیز پس رحم کن ما را و بیزاری از آتش جهنم و ایمنی

مِنَ العَذابِ فَاکتُب لَنا وَفی جَهَنَّمَ وَلا تَجعَلنا وَمَعَ

از عذاب پس بنویس برای ما و در دوزخ پس مگردان ما را و با

الشَّیاطینِ فِی النّارِ فَلا تَقرِنّا وَفی هَوانِكَ وَ

دیوان پلید در آتش پس نبند ما را و در خواری از خود و

عَذابِكَ فَلا تُقَلِّبنا وَمِنَ الزَّقّومِ وَالضَّریعِ فَلا

عذاب خود پس بگردان ما را و از میوه زقوم و خوار خشک زهردار پس

تُطعِمنا وَفِی النّارِ عَلی وُجوهِنا فَلا تَکُبَّنا وَمِن

مخوران ما را و در آتش بر روهای ما پس میفکن ما را و از

ثِیابِ النّارِ وَسَرابیلِ القَطِرانِ فَلا تُلبِسنا وَمِن

جامه‌های آتش و پیراهنهای قطران پس مپوشان ما را و از

كلّ سوءٍ يا لا اله الّا انت بحقّ لا اله الّا انت

هر بدی ای آنکه سزاوار پرستش نیست بجز تو بحق لا اله الا انت

فبها اللّهمّ انّی اسئلک ولم یسئل مثلک و

پس برهان خداوندا درمیخواهم از تو و درخواسته نشده است مانند تو

ارغب الیک ولم یرغب الی مثلک یا ربّ انت

رغبت میکنم بسوی تو و رغبت کرده نشده است بسوی مثل تو ای پروردگار تو

موضع مسئلة السّائلین ومنتهی رغبة الرّاغبین

جایگاه سؤال درخواهندگانی و منتهی رغبت خواهشمندان

اسئلک اللّهمّ بافضل اسمائک کلّها وانجحها یا الله

درمیخواهم از تو خداوندا به بهترین نامهای تو همه آنها و فیروزترین نامهای

یا رحمن باسمک المخزون المصون الاعزّ الاجلّ الاعظم

ای بخشنده بحرمت تو آن نامی که پنهان و نگاه داشته شده است ارجمند بزرگوار بزرگتر

الّذی تحبّه وتهواه وترضی عمّن دعاک به وتستجیب

آنکه دوست میداری آن را و میخواهی آن را و خوشنود می‌شوی از آنکه

له دعاءه وحقّ علیک یا ربّ ان تحرم سائلک

میخواند ترا بآن و میپذیری برای او دعای او را و دلالت بر تو ای پروردگار

اللّهمّ انّی اسئلک بکلّ اسم هو لک دعاک به

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بهر نامی که آن برای تست که خواند ترا بآن

عبد هو لک فی برّ او بحر او سهل او جبل او عند

بنده که او برای تست در بیابان یا دریا یا زمین هموار یا کوه یا نزد



بیتک

بَيْتِكَ الْحَرامِ اَوْ فِي شَيْءٍ مِنْ سُبُلِكَ فَاَدْعُوكَ يا رَبِّ

خانه محترم حق یا در چیزی از راههای دین تو پس میخوانم ترا ای پروردگار

دُعاءَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ

مانند خواندن کسی که سخت باشد احتیاج او و بزرگ شده گناه او و سست باشد

كَدْحُهُ وَاَشْرَفَتْ عَلَى الْهَلَكَةِ نَفْسُهُ ثِقَةً بِشَيْءٍ مِنْ

کوشش او و مشرف گشته باشد بر هلاکت نفس او و اعتماد نکرده باشد بچیزی از

عَمَلِهِ وَلَمْ يَجِدْ لِما هُوَ فِيهِ سادًّا وَلا لِذَنْبِهِ غافِرًا

کردار خود و نیافته باشد برای او آنچه در دست بازدارنده و نه برای گناه آمرزنده

وَلا لِعَثْرَتِهِ مُقِيلًا غَيْرَكَ هارِبًا اِلَيْكَ مُتَعَوِّذًا

و نه برای لغزش درگذرنده غیر تو حال آنکه باشد گریزان بسوی تو پناه گیرنده

بِكَ مُتَعَبِّدًا لَكَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلا مُسْتَكْبِرٍ وَلا مُتَكَبِّرٍ

بتو پرستنده مر ترا عار دارنده از عبادت تو و نه تکبر کننده و نه گردن کش باشد

وَلا مُتَجَبِّرٍ وَلا مُتَعَظِّمٍ بَلْ بائِسٌ فَقِيرٌ مُسْتَجِيرٌ اَسْاَلُكَ

و نه تکبر کننده و نه بزرگی نماینده بلکه بد حال محتاج ترسان امان جوینده در می خواهم از تو

يا اَللهُ يا رَحْمٰنُ يا حَنّانُ يا مَنّانُ يا بَدِيعَ السَّمٰواتِ وَ

ای خدای بخشاینده ای نهایت مهربان ای بسیار بخشنده ای نو پدید آورنده آسمانها و

الْاَرْضِ يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ

زمین ای خداوند بزرگوار و گرامی داشتن اگر رحمت فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً مُبارَكَةً نامِيَةً زاكِيَةً

و آل محمد درود بسیار پاک با برکت فزایش کننده پاکیزه



شريفة اسئلك اللهم ان تغفر لي في شهري هذا
بلند پایه سؤال میکنم ترا خداوندا اگه بیامرزی در ماه من این ماه
وترحمني وتعتق رقبتي من النار وتعطيني فيه خير
ورحم کنی مرا وازاد کنی گردن مرا از اتش وعطا کنی مرا در ان بهتر
ما اعطيت احدا من خلقك وخير ما انت معطيه ولا
ازانچه عطا فرمودی یا از خلق خود را وبهتر ازانچه تو عطا فرمائی ان
تجعله اخر شهر رمضان صمته لك منذ اسكنتني
انرا اخر ماه رمضان که روزه داشتم انرا بجهت تو ازانوقت
ارضك الى يومي هذا بل اجعله على اتمه نعمة و
در زمین خود تا روز من این روز بلکه بگردان انرا برکامترین ان در نعمت و
اعمه عافية واوسعه رزقا واجزله واهناه اللهم
فرو گیرنده ترین ان از روی عافیت وفراگیرنده ترین ان در روزی و وافرترین ان
اني اعوذ بك وبوجهك الكريم وملكك العظيم ان
بدرستی که من پناه میگیرم بتو وبذات بزرگوار تو وپادشاهی بزرگ مرتبه تو ازانکه
تغرب الشمس من يومي هذا او تنقضي بقية هذا
که غروب کند افتاب از روز من این روز یا بپایان رسد باقیمانده این
اليوم او يطلع الفجر من ليلتي هذه او يخرج هذا
روز یا براید صبح از شب من این شب یا بیرون این
الشهر ولك قبلي تبعة او ذنب او خطيئة تريد
ماه وحال انکه بوده باشد مر ترا نزد من مطالبی یا گناهی یا خطائی که خواهی

ان تقا

أَنْ تُقَايِسَنِي بِهَا أَوْ تُؤَاخِذَنِي بِهَا أَوْ تُوقِفَنِي بِهَا مَوْقِفَ

بسنجی مرا بآن یا مؤاخذه نمایی مرا بآن یا بر دارکردی مرا بسبب آن در جایگاه

خِزْيٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَوْ تُعَذِّبَنِي يَوْمَ أَلْقَاكَ يَا أَرْحَمَ

خواری در دنیا و آخرت یا عذاب کنی مرا در روزی که ملاقات نمایم ترا

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِهَمٍّ لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ

بخشایندگان خداوندا بدرستیکه من بخوانم ترا از جهت غمی که نمی‌گشاید آنرا غیر تو

وَلِرَحْمَةٍ لَا تُنَالُ إِلَّا بِكَ وَلِكَرْبٍ وَلَا يَكْشِفُهُ إِلَّا أَنْتَ

و بجهت بخششی که رسیده نمی‌شود مگر بجانب تو و بجهت اندوهی که زایل نمی‌گرداند

وَلِرَغْبَةٍ لَا تُبْلَغُ إِلَّا بِكَ وَلِحَاجَةٍ لَا يَقْضِي دُونَكَ

مگر تو و بجهت خواهشی که رسیده نمی‌شود مگر بجانب تو و بجهت حاجتی که روا کرده نمی‌شود

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ الْإِسْتِجَابَةُ لِي فِيمَا دَعَوْتُكَ

بار خدایا پس چنانچه بود از شأن کار تو آنچه اجابت کردن را برای من در آنچه خواندم

بِهِ وَالنَّجَاةُ لِي فِيمَا فَزِعْتُ إِلَيْكَ أَيَا مَنْ مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ

بآن و درستگاری برای من در آنچه استغاثه نمودم برای تو از آن ای نرم سازنده آهن

لِدَاوُدَ أَيْ كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْكُرَبِ الْعِظَامِ عَنْ أَيُّوبَ

بجهت داود ای رفع نماینده بدحالی و اندوههای بزرگ از ایوب

وَمُفَرِّجَ غَمِّ يَعْقُوبَ وَمُنَفِّسَ كَرْبِ يُوسُفَ صَلِّ عَلَى

وای گشاینده غم یعقوب وای زایل کننده اندوه یوسف رحمت بفرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ

محمد و آل محمد و بکن با من آنچه تو سزاوار آنی پس بدرستیکه تو سزاوار



واهل المغفرة اللهم انت ثقتي في كل كرب وانت رجائي
و سزاوار آمرزشی بار خدایا تو معتمدی در هر اندوهی و امیدگاه منی
في كل امر نزل بي ثقة وعدة من كرب يضعف منه
در هر سختی و تو برای من در هر امری که فرود آید بمن معتمد و ذخیره چه بسیار از اندوه
الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل فيه الصديق
دل را اندک میشود در آن چاره و خوار میگردد در آن دوست و شادی مینمایند در آن
ويشمت منه العدو وانزلته بك وشكرته اليك
در آن دشمن فرود آوردم آن را بدرگاه تو و شکایت نمودم
رغبة مني فيه اليك عمن سواك ففرجته وكشفته
از راه رغبت من در آن بسوی تو از غیر تو پس گشودی آن را و زایل کردی آن
وكفيته فانت ولي كل نعمة وصاحب كل حسنة
و دفع نمودی آن را پس تو خداوند هر نعمتی و صاحب هر نیکی
ومنتهى كل رغبة اعوذ بكلمات الله التامات
منتهی هر رغبتی پناه میبرم بکلمهای خدا که تمام کاملند
من شر ما خلق من شيء اللهم عافني في يومي هذا
از گزند آنچه آفریده از چیزی خداوندا عافیت بخش مرا در روز من این
امسي اللهم اني اسئلك بركة يومي هذا وما
شام کنم خداوندا بدرستی که درخواهم از تو برکت روزم را این روز و آنچه
نزل فيه من عافية ومغفرة ورحمة ورضوان ورزق
فرود آمده در این روز از عافیت و آمرزش و رحمت و خشنودی و روزی

واسع

وَاسِعٍ حَلاَلاً تَبْسُطُهُ عَلَىَّ وَعَلَى وَالِدَىَّ وَوَلَدِى

فراخ حلالی که پهن کنی بر من و بر پدر و مادر من و فرزندان من و خا

وَاَهْلِى وَعِيَالِى وَاَهْلِ حُزَانَتِى وَمَنْ اَحْبَبْتُ وَاَحَبَّنِى

ندان من و عیال من و اهل غم خواری او بوم و اگر دوست دارم من و دوست دارد ما

وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِى اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ

و زاییدم من و زایید مرا خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از شک نمودن

وَالشِّرْكِ وَالْحَسَدِ وَالْبَغْىِ وَالْحَمِيَّةِ وَالْغَضَبِ

و شرک آوردن و بد خواهی و ستم کردن و غیرت و خشم کردن

اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْاَرَضِينَ السَّبْعِ

خداوندا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه

وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و آنچه در آنست و آنچه میان آنست و ای پروردگار عرش بزرگ رحمت بفر

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِى الْمُهِمَّ مِنْ اَمْرِى بِمَا شِئْتَ

ست بر محمد و آل او و کار گذاری کن برای من مهم از امر مرا بآنچه خواهی و بهر روش

وَكَيْفَ شِئْتَ پس بخوان سورهٔ حمد و آیة الکرسی
را و این دعا را بخوان

و خواهی پرورش

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خداوندا بتحقیق که تو گفتی به پیغمبر خود رحمت و سلام خدا برو و آل او

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ اِنَّ نَبِيَّكَ

و هر آینه که عطا کند ترا پروردگار تو تا خشنود شوی تو خداوندا بدرستی که پیغمبر



وَرَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ لَا تَرْضَى

و رسول تو دوست تو و برگزیده تو از خلق تو خشنود نمی شوی

بِاَنْ تُعَذِّبَ اَحَدًا مِنْ اُمَّتِهِ دَائِنَكَ بِمُوَالَاتِهِ وَمُوَالَاةِ

بآنکه عذاب کنی یکی را از امت او که دین دار و بوسیله دوستی او

الْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ وَاِنْ كَانَ مُذْنِبًا خَاطِئًا

و دوست داشتن بتو ائمه از خاندان او و اگرچه بوده باشد گناه کار خطا کرده

فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَاَجِرْنِي يَا رَبِّ مِنْ جَهَنَّمَ وَعَذَابِهَا وَ

در آتش دوزخ پس پناه ده مرا ای پروردگار من از دوزخ و عذاب آن

لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا جَامِعًا بَيْنَ اَهْلِ الْمَحَبَّةِ

مر محمد و آل محمد ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای جمع کننده میان اهل

عَلَى تَالُّفٍ مِنَ الْقُلُوبِ وَشِدَّةِ الْمَحَبَّةِ وَنَازِعَ الْغِلِّ

بر الفت از دلها و شدت دوستی و برکننده کینه

مِنْ صُدُورِهِمْ وَجَاعِلَهُمْ اِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ

از سینه های ایشان و گرداننده ایشان برادران بر کرسیها رو بروی یکدیگر

يَا جَامِعًا بَيْنَ اَهْلِ طَاعَتِهِ وَبَيْنَ مَنْ خَلَقَهَا لَهُ وَيَا

ای جمع کننده میان اهل طاعت خود و میان خلق بجهت طاعت ای

مُفَرِّجَ حُزْنِ كُلِّ مَحْزُونٍ وَيَا مَنْهَلَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا رَاحِمِي

وای زایل کننده اندوه هر اندوهناک وای آبخور هر بیکسی ای رحم کننده

فِي غُرْبَتِي وَفِي كُلِّ اَحْوَالِي بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْكِلَاءَةِ لِي

در بیکسی من و در هر حالی به نیکی محافظت و نگاهبانی کردن مرا

يَا مُفَرِّجَ



يا مفرّج ما بي من الضيق والخوف صلّ على محمد وآل

ای گشاینده آنچه هست از تنگی و بیم رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد واجمع بيني وبين احبّتي وقادتي وساداتي و

محمد و جمع کن میان من و میان دوستان من و کشندگان من و بزرگان

موالي يا مؤلّفاً بين الاحبّاء صلّ على محمد وآل محمد

و دار استادان من و ای الفت دهنده میان دوستان رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

ولا تفجعني بانقطاع رؤيتي عنهم فبكلّ مسائلك

و بدرد میاور مرا بسبب بریده شدن دیدن من از ایشان پس بهمه سؤالهای تو

يا ربّ ادعوك الهي فاستجب دعائي يا ارحم الراحمين

ای پروردگار من میخوانم ترا ای خدای من پس بپذیر دعای من را ای بخشنده ترین بخشندگان

اللّهمّ انّي اسألك بانقطاع حجّتي ووجوب

خداوندا بدرستی که من درمیخواهم از تو بسبب بریده شدن دلیل من و لازم بودن

حجّتك ان تغفر لي اللّهمّ انّي اعوذ بك من خزي

حجت تو اگر بیامرزی مرا بار خدایا بدرستی که من پناه میبرم بتو از خواری

يوم المحشر ومن شرّ ما بقي من الدهر ومن شرّ الاعداء

در روز محشر و از شر آنچه باقی مانده از زمانه و از گزند دشمنان

وصغر الفناء وعضال الداء وخيبة الرجاء

و پستی خود در وقت جز گردانیده و بی بهره شدن امید و از زایل شدن نعمت

وزوال النعمة وفجاءة النقمة اللّهمّ اجعل لي

و ناگاه رسیدن عقوبت خداوندا بگردان برای من

قلباً یخشاک کأنه یراک الی یوم یلقاک و دور نیست

دلی که بترسد ترا بحدی که گویا او می بیند ترا تا روزی که ملاقات نماید

که در اوقات دیگر هرگاه شدتی رو دهد یا حاجتی ضروری بهم رسد این دعا را توان خواند

فصل ششم در اعمال مختصره شبها و روزهای مخصوص اینماه مبارک است در روایتی وارد شده است که انجیل بر حضرت عیسی در سیم این ماه نازل شده و در روایت دیگر در ششم و در روایت دیگر در دوازدهم و شیخ مفید علیه الرحمه نقل کرده است که در روز ششم این ماه مامون ملعون با حضرت امام رضا بیعت کرد و روایت شده است که هر که در این روز دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت را ادا کرده خواهد بود و بروایت دیگر از حضرت [illegible] منقولست که در شب سیزدهم دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام باین صفت و در شب پانزدهم شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است



وغسل

وغسل و زیارة امام حسین مستحبست دران چنانچه مذ
کور شد و در حدیث معتبر از حضرة امام جعفر صادق
منقولست که حضرة رسول فرمود که در شب نیمهٔ ماه
مبارک رمضان صد رکعت نماز بکند یعنی هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ
قل هو الله احد حقتعالی ده ملک فرو فرستد بسوی
او که دفع کنند از او شر دشمنان اورا از جنیان و آدمیان
و در هنگام مرگ او سی ملک بفرستند که اورا بشارت
دهند به بهشت و سی ملک که اورا ایمن گردانند از
جهنم و ایضا از انحضرة منقولست که هر که در شب
نصف ماه رمضان زیارة حضرة امام حسین بکند و بعد از
نماز عشا ده رکعت نماز نیز در قبر انحضرة بکند و در هر رکعتی
سورهٔ حمد و ده مرتبه ایة قل هو الله احد بخواند نمیرد تا
در خواب به بیند ملکی چند را که بشارت دهند اورا
بهشت و ملکی چند را که ایمن گردانند اورا از جهنم و شب
هفدهم نیز شب بسیار مبارکیست و در ان شب لشکر
حضرة رسول با لشکر کفار قریش ملاقاة کردند در بدر
و در روزش جنگ بدر شد و حقتعالی لشکر انحضرة را بر کفار
ظفر داد و ان فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت



فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است
و حقتعالی میفرماید انا انزلناه فی لیلة القدر یعنی
ما فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبی که نزد حقتعالی
قدر و منزلت عظیم دارد یا تقدیر امور سال در آن شب
میشود یا زمین تنگ میشود از بسیاری نزول ملائکه
و ما ادریک ما لیلة القدر و چه چیز ترا اعلام کرده
است که چه چیز است شب قدر لیلة القدر خیر من الف
شهر شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی عبادت
در آن بهتر است از عبادت هزار ماه تنزل الملائکة و الروح
فیها باذن ربهم فرود میایند و روح که از همه ملائکه
اعظم تر است در اینشب باذن ربهم برخصت پرور
دگار ایشان من کل امر بسبب تقدیر هر امر احادیث
بسیار وارد شده است که ملائکه و روح در اینشب
بر امام زمان نازل میشوند و آنچه از برای هر کس در
اینشب مقدر شده است بر امام عرض میکنند سلم
هی حتی مطلع الفجر یعنی سلامتیست این شب از جمیع
بدیها تا طلوع صبح یا سلام میکنند بر امام و بر مومنان
که در اینشب عبادة میکنند تا طلوع صبح و میان سنی
و شیعه در شب قدر خلاف بسیار است بعضی از



سنیان

سنیان گفته اند که شب قدر در زمان حضرت رسالت
بود و بعد از آن حضرت برطرف شد و اکثر ایشان گفته اند
که تا روز قیامت باقیست پس بعضی گفته اند که
در تمام سال پنهانست و در همه شبها عبادت باید کرد
تا فضیلت شب قدر را دریابند و بعضی گفته اند شب
نیمه شعبانست و بعضی گفته اند شب اول ماه رمضان
است و بعضی گفته اند شب نیمه رمضانست و بعضی
شب هفدهم و بعضی شب بیست و سیم و بعضی بیست
نهم و بعضی شب آخر گفته اند و اکثر سنیان در این باب
اتفاق کرده اند بر شب بیست و هفتم و علمای شیعه
امامیه اجماع کرده اند بر آنکه از شب نوزدهم و بیست
یکم و بیست و سیم بیرون نیست و بعضی مردم میان شب
بیست و یکم و سیم مردد اند و بسیاری از احادیث معتبره
دلالت می کند بر آنکه از این سه شب بیرون نیست
و این سه شب را یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم
احیا باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و در بعضی
از احادیث معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سیم شده
است و در بعضی خصوص بیست و سیم شده است و
منقولست که آن شب جهنی است و او اعرابی بود که



که بحضرت رسول عرض کرد که منزل من دور است تا
مدینه میخواهم شبی را از برای من تعیین کنی که بهتر از
شبها باشد که در آن شب بخدمت تو برسم آنحضرت شب
بیست سیم را از برای او تعیین فرمود و او پیوسته در آن شب
با خیل و حشم و اهل خوانه خود داخل مدینه میشد و چون
صبح میشد بر میگشت و از بعضی احادیث ظاهر میشود که
هر سه شب قدر اند و در شب اول تقدیر امور میشود و در
شب دویم بکثرت دعا و عبادات ممکن است بعضی تغییر بیابد
و در شب سیم ختم میشود و تغییر نمی یابد یا بسیار کم تغییر می یابد
بلا تشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود
و تغییرش آسانست و بعد از آن ثبت دفاتر میشود و تغییرش
دشوار است اما تا بمهر مزین نگردیده است باز ممکن است
که تغییر بیابد و چون بمهر اشرف رسید بمنزله ختم است و
تغییرش در غایت صعوبت و حقتعالی را حکمتها در
ابهام بعضی از امور هست مانند اسم اعظم الهی که بر اکثر
مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نمازهاست
و ساعت استجابت دعا است و در هر شب و روز جمعه
و عمل مقبول در میان اعمال و امثال اینها و یک حکمت در
مبهم ساختن اینها آنست که بر اسماء مقدسه الهی مواظبت

نمایند



نمایند و اهتمام در همهٔ نمازها بکنند و در همهٔ ساعات
و روز جمعه دعا بکنند و سعی در همهٔ اعمال خیر بکنند
و شاید یکی مقبول گردد و همچنین در شب قدر و شبهای
که احتمال آن دارد همه را احیا کنند و حکمت دیگر بعضی
از اینها میتوانند بود مثل آنکه اگر اسم اعظم را همه کس بدانند
گاه باشد که بعضی از نفوس شریره آنرا وسیله مطالب
دنیه کنند چنانچه از بلعم نقل کرده اند و همچنین شب قدر
و ساعت استجابت دعا اگر بخصوص اینها را بدانند ممکن است
که امور غیر مشروعه یا مرضهای عظیم نسبت ببعضی از مسلما
نان نسبت دعا کنند و اگر بخصوص دانند باید البته مستجاب
گردد و دیگر آنکه مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای
دیگر بسیار است که این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد پس
باید مومن این شب را احیا کند و اهتمام در عبادت و دعا
بکنند تا فضیلت شب قدر را دریابند و در دو شب آخر اهتمام
بیشتر بکنند و در شب بیست سیم که احادیث معتبره بسیار
در تخصیص آن وارد شده است که شب قدر است سعی
بیشتر است بکنند و فواید عبادت شب قدر بسیار است
از جملهٔ آنکه چون عبادت شب قدر را دریابد بنص قرآن
زیاده از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد



ساله است از برای او مقرر گردانیده میفرمایند دیگر دیگر
آنکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر و مال و فرزند و عزت
و صحت و توفیق اعمال خیر و سایر امور در این شب میشود
اصلاح احوال تمام سال خود را در این شب کرده خواهد
بود و ممکنست که نام او در دیوان اشقیا نوشته شده باشد
و در اینشب از زمرهٔ سعادتمندان نوشته شود چنانکه از
مضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است
دیگر آنکه چون امام او صاحب الامر در تمام اینشب با
ملئکه مقربین محشور است و فوج فوج بخدمت او میآیند و
بر او سلام میکنند و تقدیراتی که از برای او و سایر خلق شده است
بر او عرض میکنند سزاوار نیست که در چنین شبی تاسی بامام
خود نکنند و بغفلت بسر آورد و از حضرت رسول صلعم منقولست
که چون شب میشود در میآیند ملئکه که در سدرة المنتهی
ساکنند و از جملهٔ ایشان جبرئیل است و جبرئیل با خود علمها
میآورد یک علم را بر قبر منور من نصب میکند و یکی را بر
بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا
و نمیگذارند مرد مؤمن و زن مؤمنه را مگر آنکه بر او سلام
می کنند و ایضا حضرت رسول صلعم منقولست که بهشت را هر
سال از برای داخل شدن ماه مبارک رمضان زینت

می کند



میکنند چون شب اول ماه میشود نسیمی از زیر عرش میوزد
که انرا مثیره میگویند و بصدا می اورد درختان را و حلقهای
بهشترا پس نغمه از ان میوزد و میشنوند که هرگز شنونده
کان از ان خوشتر نغمه نشنیده اند پس حوریان
از غرفهای بهشت بیرون می ایند و ندا میکنند که ایا
کسی هست که ما را خواستگاری کند از خدا باعمال صالحه
خود پس از رضوان خازن بهشت میپرسند که این چه
شبیست رضوان میگوید لبیک ای نیکوکاران این
شب اول ماه رمضان است درهای بهشت گشوده
شده است برای روزه داران امت محمد ص پس حقتعالی
میفرماید که ای رضوان بگشا درهای بهشترا ای مالک
ببند درهای جهنم را از روزه داران امت محمد ص ای
جبرئیل برو بسوی زمین و در زنجیر کن شیاطین متمرد را
و غلهای در گردن ایشان گذار و ایشانرا در لجهای
دریا بیفکن تا فاسد نگردانند بر امت حبیب من محمد ص رو
زهای ایشانرا و حضرت فرمود که حقتعالی در هر شب از
از شبهای ماه رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که ایا سؤال
کننده هست که سؤال او را عطا کنم ایا توبه کننده هست
که توبه او را قبول کنم ایا استغفار کننده هست که گناهان



را بیامرزم کیست که قرض دهد بخدا و نه مالداری که
هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده است بوعدهای خود
و ستم نمی کند و فرمود که در آخر هر روز از روزهای ماه
رمضان در وقت افطار حقتعالی هزار هزار کس را از آتش
دوزخ آزاد میکند چون شب جمعه و روز جمعه میشود در
هر ساعتی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند که
هر یک مستوجب عذاب شده باشند و در شب آخر بعدد
آنچه در تمام ماه آزاد کرده است آزاد میکند چون شب قدر
میشود حقتعالی امر میکند جبرئیل را که بزمین می آید با
لشکر عظیمی از ملائکه و با خود علم سبزی می آورد و بر با
لای کعبه معظمه نصب می کند و او ششصد بال دارد
و دو بال اش را نمی گشاید مگر در شب قدر و چون در شب
قدر آن دو بال را میگشاید از مشرق و مغرب میگذرد
و پهن میکند جبرئیل و آن ملائکه را در این شب در اطراف
زمین پس سلام میکنند بر هر ایستاده و نشسته که مشغول
نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان مصافحه میکنند چون
ایشان دعا می کنند ملائکه آمین میگویند و پیوسته
مشغول این کارند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع می شود
ندا می کند جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه جانب



اسمان

آسمان شوید پس ملائکه میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در
حوائج مؤمنان از امت محمد جبرئیل میگوید گناهان همه را
آمرزید مگر کسی که همیشه شراب خورده باشد یا عاق پدر و
مادر باشد یا قطع رحم یا با مؤمنان عداوه کند و چون شب
عید فطر میشود و آنرا شب جوایز میگویند خدا مزد میدهد
عمل کنندگان ماه رمضانرا بیحساب و چون بامداد روز
عید میشود حقتعالی ملائکه را بسیار در جمیع شهرها میفرستد
که بزمین می آیند و بر سر کوچها و بازارها و راهها میایند
و می ایستند و میگویند ای امت محمد بیرون روید بسوی
درگاه پروردگار کریمی که عطاهای بزرگ می بخشد و
گناهان عظیم را میامرزد پس چون بمصلی میروند برای
نماز عید حقتعالی بملائکه میگوید ای ملائکه من چیست جزای
مزدور هرگاه عمل خودرا بکند ملائکه میگویند که الهنا و
ماوای آقای ما جزای او اینست که مزدش تمام داده شود
حقتعالی میفرماید که ای ملائکه من شما را گواه میگیرم که ثواب
ایشانرا از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت شبها
آن عطا کردم که از ایشان راضی شدم و گناهان ایشانرا
آمرزیدم پس ندا میفرماید مؤمنانی را که در آنجمع حاضر شده
است که ای بندگان من هرچه خواهید از من سؤال کنید



بعزت وجلال خود سوگند یاد می کنم که در این مجمع شما هر حاجت
که برای دنیا و آخرت و دنیای خود سؤال کنید البته عطا
میکنم وعیبهای شما را میپوشانم تا از من روگردان نشوید
ومزدهای شما را مضاعف میگردانم وشما را در میان
گناهکاران رسوا نمیگردانم برگردید از مصلی آمرزیده بد
رستی که خشنود گردانیدید مرا وخشنود شدم از شما پس
ملائکه سرور و شاد میشوند ویکدیگر را مبارکباد می
گویند بانچه حقتعالی عطا کرد و در حدیث دیگر معتبر از
امام محمد باقر منقولست که هر که احیا کند شب قدر را گناهان
او آمرزیده شود هر چند بعدد ستارهای آسمان وسنگینی
کوهها وکیل دریاها باشد واما اعمال این سه شب
پس بر دو نوع است اول آنکه در سه شب باید کرد دوم
آنکه مخصوص است بهر شبی اما اول از حضرت رسول منقولست
که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت
بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند وبعد از فا
رغ شدن هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله واتوب
الیه هنوز از جای خود برنخیزد تا حقتعالی او را و پدر
ومادرش را بیامرزد وملکی چند بفرستند که حسنات برای
او بنویسند تا سال آینده وملکی بفرستند بسوی بهشت

که درختها



که درختها از برای او غرس نمایند و قصرها از برای او بنا
کنند و نهرها از برای او جاری کنند و از دنیا بیرون نرود
تا همه را مشاهده نماید و غسل درین سه شب سنت
موکد است و غسل این شبها مقارن آفتاب غروب کردن
بهتر است که نماز شام را با غسل بکند و مستحب است
در این شبها که قرآن مجید را   اللهم انی اسئلك
بدست بگیرد و بگشاید بن دعا   بار خدایا بدرستی که من سؤال میکنم از تو
بکتابك المنزل وما فیه وفیه اسمك الاكبر و
بحرمت کتاب فرو فرستاده تو و آنچه در آن است و در آن نام بزرگتر تو
اسماؤك الحسنی وما یخاف ویرجی ان تجعلنی من عتقائك
و نامهای نیکوی تست و آنچه ترسیده میشود و امید داشته میشود اینکه بگردانی مرا از آزاد کردگان
من النار وتقضی حوائجی للدنیا والآخرة پس حاجات
از آتش دوزخ و بگذاری حاجتهای مرا برای دنیا و آخرت   خود را
از حقتعالی طلب نماید که انشاء الله تعالی برآورده
است و این دعا از حضرت امام محمد باقر منقول است
و از حضرت امام جعفر صادق منقول است که مصحف را بگیر
و بر سر بگذار   اللهم بحق هذا القرآن وبحق من
و بگو این دعا را   خداوندا بحق این قرآن و بحق آنکه
ارسلته وبحق كل مؤمن مدحته فيه وبحقك
فرستادی قرآن را باو و بحق هر گرونده که ستوده او را در قرآن و بحق تو

۸

علیهم فلا احد اعرف بحقك منك پس ده مرتبه
بر ایشان نیست پس کسی شناسا بحق تو از تو بگو یا الله
و ده مرتبه بمحمد ده مرتبه بعلی ده مرتبه بفاطمة ده مرتبه
بالحسن ده مرتبه بالحسین ده مرتبه بعلی ابن الحسین
و ده مرتبه بمحمد ابن علی ده مرتبه بجعفر ابن محمد ده مرتبه
بموسی ابن جعفر ده مرتبه بعلی ابن موسی ده مرتبه بمحمد ابن
علی ده مرتبه بعلی ابن محمد ده مرتبه بالحسن ابن علی ده مرتبه
بالحجة پس هر حاجت که داری بطلب و زیاره حضرة
امام حسین در هر یک از این سه شب مستحب موکد است
خصوصا شب بیست وسیم صد رکعت نماز سنت
است هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعت بعد از
حمد ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و در بعضی از
روایات معتبره وارد شده است که هفت مرتبه یا
پنج مرتبه قل هو الله اکتفا میتوان کرد و احادیث
بسیار در فضیلت این صد رکعت غیر نافله وارد شده
است و باید که این صد رکعت غیر نافله شب بوده
باشد و اگر ضعف داشته باشد نشسته هم میتواند
کرد و بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا



از برای مطالب دنیا و آخرت خود است و پدر و مادر و خو
یشان خود و برادران مؤمن زنده و مرده ایشان را و اذکار
صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم آنچه مقدور شود
و در بعض از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر
را در هر یک از این سه شب بخوانند و اما در دویم پس اعمال
مخصوص شب نوزدهم است که صد مرتبه استغفر الله
رَبّی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ و صد اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ طلب آمرزش میکنم از خدا
پروردگار و بازگشت میکنم بسوی او مرتبه خدایا دور گردان از رحمت خود
اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ و این دعا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فیما تَقْضی وَ
کشندگان [illegible] کرده‌اند را بخواند خداوندا بگردان در جمله آنچه حکم میکنی و
تُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ وَ فیما تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَکیمِ فی
تقدیر میکنی از امر واجب گردیده و در آنچه جدا میکنی از امر موافق حکمت در
لَیْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضاءِ الَّذی لا یُرَدُّ وَ لا یُبَدَّلُ اَنْ
شب قدر از حکمی که برگردانیده نشود و بدل کرده نشود اینکه
تَکْتُبَنی مِنْ حُجّاجِ بَیْتِکَ الْحَرامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ الْمَشْکُورِ سَعْیُهُمْ
بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود که پذیرفته شود حج ایشان و جزا داده شود
الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ الْمُکَفَّرِ عَنْهُمْ سَیِّئاتُهُمْ وَ اجْعَلْ فیما
آمرزیده شود گناه ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه
تَقْضی وَ تُقَدِّرُ اَنْ تُطیلَ عُمْری وَ تُوَسِّعَ عَلَیَّ فی رِزْقی
حکم میکنی و تقدیر مینمائی اینکه دراز کنی عمر مرا و گشاده کنی بر من در روزی ما



وَتَقَدَّرَ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي مَا هُوَ خَيْرٌ لِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي
و تقدیر کنی برای من در همه امور من آنچه که آن خیر است برای من در دنیا و آخرت من
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس حوائج خود را از حقتعالی طلب نماید و در
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان شب بیست و یکم فضیلتش زیاده از شب
سابق است و غسل و اعمال سابقه را همه را باید بعمل آورد
و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جماعت سنتست و
بهتر اسبجابت دعا است و بسند بسیار معتبر از حضرت امام
موسی کاظم منقولست که در شب بیست و یکم و بیست و سیم
غسل کرده صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت ده مرتبه سوره
قل هو الله بخوان و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
امام محمد باقر این دو شب را احیا میکرد و در نصف شب
اول مشغول دعا میشدند و در نصف آخر مشغول نماز
و بسند موثق از حضرت صادق منقولست که اگر توانی
در شب بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان در هر یک
صد رکعت نماز بکن بغیر سیزده رکعت نماز شب و نافله
صبح و تا صبح بیدار باش و مستحبست که مشغول نماز و دعا
و تضرع باشی بیدر ستی که امید شب قدر در یکی از اینها است
و شب قدر بهتر است از هزار ماه فرمود یعنی بهتر است
از عمل ده هزار ماه و هر اثری کردن آن سال واقع میشود در شب



قدر مقدر میشود و دعای اینشب در ضمن دعاهای دهه
آخر مذکور خواهد شد انشاء الله و اما شب بیست و سیم
اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه انشب قدر است
و وراند و غسل سنت است یکی در اول شب و دیگری
در آخر شب و حضرت صادق ع فرمود که در شب بیست و
سیم جهنی است و در انشب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر می
میگردد و در انشب مقدر می شود مرگها و بلاها و اجلها
و روزیها و قضاها و آنچه در اثنا سال واقع میشود تا شب قدر
آینده پس خوشا حال بنده که احیا کند انشب را و بیدار باشد
بعبادة و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود
را در برابر دیدهای خود ممثل گردان و بر آنها بگرید چون چنین
کند امیدوارم که از فضیلت شب قدر محروم نگردد و فرمود
که حقتعالی امر می کند ملکی را که ندا می کند در هر روز
ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من
که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب قدر شفاعت
شما را در حق یکدیگر مستجاب میکنم مگر کسی روزه را افطار
کند بر مسکنتی یا کینه برادر مؤمنی را در دل داشته
باشد و بسند معتبر از حضرة صادق ع منقولست که هر که
سوره عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم بخواند



واللّه که او از اهل بهشتست و استثنا نمیکنم در آن احدی
را و نمیترسم که خدا در این سوگند گناهی بر من بنویسد و این
دو سوره را در نزد خدا منزلت عظیم هست و ایضا از آن
حضرت بسند معتبر منقولست که هرکه در شب بیست و
سیم ماه مبارک هزار مرتبه انا انزلناه را بخواند هرآینه
صبح کند با یقین شدید و اعتراف بانچه مخصوص ماست از
کرامتها در انشب بسبب آنچه در خواب به بیند و سوره
حم دخان بهتر است نیز سنتست که در انشب بخواند و از
حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که هرکه زیارت
حضرت امام حسین را در شب بیست و سیم که امید شب قدر
در انهست و در ان هر امری مقدر میشود و مصافحه کند
با او روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که در انشب رخصت
می طلبند از حقتعالی و زیارت آنحضرت و بسند معتبر از حضرت
امام محمد باقر روایت کرده است که هرکه احیا کند شب قدر
و شب بیست سیم ماه مبارک رمضان را و صد رکعت نماز
کند حقتعالی روزی او را فراخ گرداند و دردها و شر
دشمنان را از او کفایت میکند و پناه دهد او را از غرق
شدن و خانه بر سرش خراب شدن و لقمه در گلو گرفتن
و از شر درندگان و دفع کند از او هول منکر و نکیر را و از قبر

بیرون



بیرون آید و اورا نوری باشد که روشنی بخشد اهل محشر را
و نامه اش را بدست راست او دهند و بنویسند برای
او برات بیزاری از آتش جهنم را و گذشتن بر صراط را
و ایمنی از عذاب را و داخل بهشت شود بی حساب و در
بهشت او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان
و صالحان کرده اند و نیکو رفیقانند ایشان و دعای این
شب از جمله دعاهای دهه آخر بخواند و ایضا این دعا را
بخواند اَللّٰهُمَّ اُمْدُدْ لِی فِی عُمْرِی وَاَوْسِعْ لِی فِی رِزْقِی
خداوندا درازی بخش برای من در عمرم و گشایش ده مرا در روزی
وَاَصِحَّ جِسْمِی وَبَلِّغْنِی اَمَلِی وَاِنْ کُنْتُ مِنَ الْاَشْقِیَاءِ فَامْحُنِی
و درست کن بدن مرا و برسان مرا بآرزوی من و اگر بوده باشم از بدبختان پس محو کن
مِنَ الْاَشْقِیَاءِ وَاکْتُبْنِی مِنَ السُّعَدَاءِ فَاِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتَابِکَ
از دیوان بدبختان و بنویس مرا از نیکبختان زیرا که بتحقیق تو گفته در کتاب خود
الْمُنْزَلِ عَلَی نَبِیِّکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ یَمْحُو اللّٰهُ
که فرود آورده شده بر پیغمبر تو رحمتهای تو بر او و بر آل او باد محو میکند خدا
مَا یَشَاءُ وَیُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْکِتَابِ وایضا اَللّٰهُمَّ
آنچه را میخواهد و ثابت میدارد آنچه را خواهد و نزد اوست اصل کتاب بگوید خداوندا
اجْعَلْنِی مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِکَ نَصِیبًا مِنْ کُلِّ خَیْرٍ اَنْزَلْتَهُ
بگردان مرا از وافرترین بندگان حق از روی بهره از هر چیز که فرو فرستاده ای



فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ اَوْ اٰنْتَ مُنْزِلُهُ مِنْ نُورٍ تَهْدِي بِهِ اَوْ
در این شب یا نوری خواهی فرستاد آن را از نور گشته‌ای که راه یابند به آن
رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا اَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ اَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ اَوْ ضُرٍّ
یا رحمتی که پراکنده سازی آن را یا روزی که قسمت کنی آن را یا بلائی که دفع نمائی آن را
تَكْشِفُهُ وَاكْتُبْ لِي مَا كَتَبْتَ لِاَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ
زیان که برطرف کنی آن را و بنویس برای من آنچه نوشته برای دوستان خوش شایسته
الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا مِنْكَ الثَّوَابَ وَاَمِنُوا بِرِضَاكَ
که سزاوار شدند از تو پاداش نیک را و ایمن گشته‌اند بسبب خشنودی تو
عَنْهُمْ مِنْكَ الْعِقَابَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
از ایشان از تو عقوبت را ای بزرگوار ای بزرگوار رحمت بفرست بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي ذٰلِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
محمد و بکن بمن آن را برحمت خود ای بخشنده‌ترین بخشندگان

و بمقدار امکان از قرآن که ممکن باشد در اینشب بخواند
و دعای صحیفه کامله بخواند خصوصاً دعای مکارم
اخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز باید
با حرمت داشت بعبادت و تلاوت قرآن و دعا بسر آورد
زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز
قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است و در شب ثلث



چهارم نیز بخصوص غسل سنتست و در شب بیست و
پنجم نیز غسل سنت است و احادیث معتبره در استحباب
غسل در انوارد شده است و منقولست که خدای عز
وجل در انشب دفع میکند بدیها و گناهان و جمیع انواع
بلاها از روزه داران ماه رمضان پس عطا میکند
حقتعالی بایشان نوری در کوشها و دیدهای ایشان
و در شب بیست هفتم نیز غسل بخصوص وارد شده است
ومنقولست که حضرت امام زین العابدین ع در انشب
مکرر این دعا اللهم ارزقنی التجافی عن دار الغرور
را می خواندند خداوندا روزی کن مرا کناره رفتن از سرای فریبنده
والانابة الی دار الخلود والاستعداد للموت قبل
و بازگشت بسوی سرای همیشگی و مهیا شدن برای مردن از فوت
حلول الفوت و در شب بیست و نهم نیز غسل بخصوص
وارد شده است و همچنین در شب
مرگ
اخر غسل سنتست و زیارة حضرة امام حسین سنتست
و وداع ماه مبارک رمضان سنت موکد است برای
اظهار انکه روزه و عبادات این ماه مبارک بر ما گران
و دشوار نبود و ما خواهان او بودیم و از مفارقت
آن ازرده و محزونیم و هر که لذت عبادة الهی را یافته است



وفوایدان را در دنیا و آخرة داشته است عاشق عبادة
وبندگی میباشد پس باید این ماه وافر البرکات را بنحوی
وداع کند که عزیزترین اهل خود را در هنگام مفارقت
وداع کند و معلوم است که غلامی که از خدمت آقای
خود شاد و خوشحال باشد و از ترک خدمت دلگیر نباشد
مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند و بان راضی
نباشد و دعای وداع را در شب آخر سنت است خواندن
واگر در روز آخر نیز بخواند خوبست و در حدیث است که
اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست و نهم احتیاطا
سنت است خواندن و دعاهای وداع بسیار است
و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است ولید
های بسیار از حضرة امام بسم الله الرحمن الرحیم
جعفر صادق ع این دعا وداع را بنام خدای بخشاینده مهربان

اللهم انک قلت فی کتابک المنزل علی لسان نبیک
بار خدایا بدرستی که تو گفته در کتاب خود که فرود آورده شده است بر لسان پیغمبر تو
صلواتک علیه و آله وقولک حق شهر رمضان
رحمتهای تو بر او و آل او باد و سخن تو راست و درست است که این ماه رمضان است
الذی انزل فیه القرآن هدی للناس وبینات من
و فرو فرستاده شده در آن قرآن در حالتی که راه نماینده آدمیان است و نشانهای روشن از

الهدی



الهدی والفرقان وهذا شهر رمضان قد تصرم وانقضا
راه نمایت بری حق وجدا کننده است حق [illegible] باطل واین ماه رمضان بتحقیق بریده شده

ایامه ولیالیه فاسئلک [illegible] کا لکریم وکلماتک
روزهای آن وشبهای آن پس درمیخواهم از تو بحق ذات بزرگوار تو وکلمهای

التامة ان کانت بقی علی ذنب لم تغفره لی او ترید
تمام کامل تو اگر بوده باشد که باقی باشد بر من گناهی که نیامرزیده باشی او اراده

ان تعذبنی علیه او تقایسنی به ان لا یطلع فجر هذه
یا خواسته باشی که عذاب کنی مرا بر آن یا قیاس کنی مرا بآن یا طلوع کند صبح این

اللیلة او یتصرم هذا الشهر الا وقد غفرته لی
شب یا منقطع شود این ماه مگر آنکه بتحقیق بیامرزی آن را برای من ای بخشاینده

یا ارحم الراحمین اللهم لک الحمد بمحامدک کلها
بخشایندگان بار خدایا مر تراست سپاس بسپاسهای تو همه آنها اول

اولها واخرها ما قلت لنفسک منها وما قال لک
آنها وآخر آنها آنچه گفته برای ذات خود از آنها وآنچه گفته اند برای تو

الخلائق الحامدون المجتهدون المعددون الموثرون
آفریدگان سپاس گذاران کوشش نمایندگان شمارندگان برگزینندگان

فی ذکرک والشکر لک الذین اعنتهم علی اداء حقک
در یاد کردن تو وسپاس گذاری برای تو آنانکه مدد کردی ایشان را برادای حق تو

من اصناف خلقک من الملائکة المقربین والنبیین
از اصناف خلق از فرشتگان نزدیکان و پیغمبران



والمرسلين واصناف الناطقين المسبحين لك من جميع
وفرستادگان وانواع ستایندگان تنزیه کنندگان مرترا از همه

العالمين على انك بلغتنا شهر رمضان وعلينا من نعمك
عالمیان برانکه بتحقیق تو رسانیدی مارا باه رمضان وحال آنکه بر ماست از

وعندنا من جزيل قسمك واحسانك وتظاهر امتنانك
ونزد ماست از بخششهای وافر تو واحسان تو وپی درپی آمدن انعام تو

بذلك لك منتهى الحمد الخالد الدائم الراكد المخلد
بجهت مرترا است منتهای سپاس جاوید پیوسته ثابت جاوید مانده همیشه

السرمد الذي لا ينفد طول الابد جل ثناؤك اعنتنا
که بپایان نرسد در کشیدگی زمانه بزرگ است ستایش تو مدد کردی مارا

عليه حتى قضيت عنا صيامه وقيامه من صلوة
بر ماه رمضان تا آنکه ادا کردی از ما روزه داشتن آن وشب بیداری درآن از

اللهم وما كان منا فيه من بر او شكر او ذكر اللهم
وانچه یافته شده است از ما درآن از نیکی یا سپاس گذاری یا ذکری خداوندا

فتقبله منا باحسن قبولك وتجاوزك وعفوك
پس بپذیر آنرا از ما به نیکوترین پذیرفتن حق ودرگذشتن حق وعفو حق

وصفحك وغفرانك وحقيقة رضوانك حتى
ودرگذشتن حق وآمرزش حق وثابت خشنودی حق تا آنکه فیروز سازی مارا

تظفرنا فيه بكل خير مطلوب وجزيل عطاء وتومنا
فیروزی دهی مارا درآن به هر خیر طلب کرده شده وعطای وافر

مِن كُلِّ اَمرٍ مَرهُوبٍ وَذَنبٍ مَسكُوبٍ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ

از هر امری که ترسیده شود و گناهی که ریخته کرده شده خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو

بِعَظيمِ ما سَئَلَكَ اَحَدٌ مِن خَلقِكَ مِن كَريمِ اَسمائِكَ وَجَزيلِ

بحرمت بزرگ آنچه سؤال کرده ترا یکی از آفریدگان تو از گرامی نامهای تو و بسیار

ثَنائِكَ وَخاصَّةِ دُعائِكَ اَن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَجعَلَ

ثنای بسیار تو و دعای خاص تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی

شَهرَنا هٰذا اَعظَمَ شَهرِ رَمَضانَ مَرَّ عَلَينا مُنذُ اَنزَلتَنا

ماه ما را این ماه بزرگترین ماه رمضان که گذشته بر ما از آن وقتی که فرود آوردی ما را

اِلَى الدُّنيا بَرَكَةً فى عِصمَةِ ديني وَخَلاصِ نَفسي وَقَضاءِ

بسوی دنیا از روی زیادتی در نگاه داشتن دین من و رهایی نفس من و روا کردن

حاجَتي وَتُشَفِّعَني فى مَسائِلي وَتَمامِ النِّعمَةِ عَلَيَّ وَصَرفِ

حاجت من و اینکه بپذیری شفاعت مرا در سؤالهای من و تمام شدن نعمت بر من و گردانیدن

السُّوءِ عَنّي وَلِباسِ العافِيَةِ لي وَاَن تَجعَلَني بِرَحمَتِكَ

بدی از من و پوشش عافیت مرا و اینکه بگردانی مرا برحمت خود

مِمَّن خِرتَ لَهُ لَيلَةَ القَدرِ وَجَعَلتَها لَهُ خَيراً مِن اَلفِ

از آنکه دور کرده ای برای او شب قدر را و گردانیده ای آن را برای او بهتر از هزار

شَهرٍ فى اَعظَمِ الاَجرِ وَكَرائِمِ الذُّخرِ وَطُولِ العُمرِ وَحُسنِ

ماه در بزرگترین مزدی و گرامی ذخیره و درازی عمر و نیک

الشُّكرِ وَدَوامِ اليُسرِ اَللّٰهُمَّ وَاَسئَلُكَ بِرَحمَتِكَ وَطَولِكَ

شکرگذاری و همیشگی توانگری خداوندا و سؤال میکنم ترا بوسیله رحمت و ...



وعفوك وجلالك ونعمائك وقديم احسانك وامتنانك
و در گذشتن تو و بزرگواری تو و نعمتهای تو و دیرینه احسان تو و الی منت تو
ان لا تجعله آخر العهد منا لشهر رمضان حتى تبلغناه
اگر بگردانی آن را آخر دیدن ما مر ماه رمضان را تا آنکه برسانی ما را بآن
من قابل على احسن حال وتعرفني هلاله مع الناظرين
در سال آینده بر نیکوترین حالی و بشناسانی مرا هلال آن با نظر کنندگان
اليه والمعترفين له في اعفى عافيتك واتم نعمتك
بسوی او و شناسندگان مر آن را در بزرگترین عافیت خود و تمامترین نعمت خود
واوسع رحمتك واجزل قسمك اللهم يا ربي الذي
فراخترین رحمت خود و وافرترین قسمتهای خود خداوندا ای پروردگار من که
ليس لي رب غيره لا يكون هذا الوداع مني وداع فناء
نیست مرا پروردگاری غیر او نباشد این از من وداع نیستی و نه
ولا آخر العهد من اللقاء حتى ترينيه من قابل
آخر ملاقات از ملاقات تا آنکه بنمائی آن را مرا از سال آینده
في اسبغ النعم وافضل الرجاء وانا لك على احسن
در تمامترین نعمتها و بهترین فراخی و حال آنکه من باشم برای تو بر نیکوترین
الوفاء انك سميع الدعاء اللهم اسمع دعائي
وفا بدرستیکه تو شنونده دعائی خداوندا بشنو دعای مرا
وارحم تضرعي وتذللي لك واستكانتي لك وتوكلي
و رحم کن زاری مرا و خواری مرا برای تو و فروتنی مرا و اعتماد مرا

علیك

عَلَيْكَ وَاَنَا لَكَ مُسَلِّمٌ لَا اَرْجُو اِنْجَاحًا وَلَا مُعَافَاةً

بر تو و من برای تو منقادم امید نمیدارم رستگاری را و نه عافیت مرا

وَلَا تَشْرِيفًا وَلَا تَبْلِيغًا اِلَّا بِكَ وَمِنْكَ فَامْنُنْ عَلَيَّ

و نه گرامی را و نه رسانیدن را مگر از تو پس انعام کن بر من بزرگست

جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَتَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ بِتَبْلِيغِي شَهْرَ رَمَضَانَ

ستایش تو و پاکست نامهای تو برسانیدن ماه رمضان

وَاَنَا مُعَافًى لَكَ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمَحْذُورٍ وَمِنْ جَمِيعِ

و حال آنکه من عافیت بخشیده‌ام از هر ناخوش و پرهیزیده شده و از همه

الْبَوَائِقِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَعَانَنَا عَلٰى صِيَامِ هٰذَا

مصیبتها ستایش مر خدای را که مدد کرده ما را بر روزه داشتن این

الشَّهْرِ وَقِيَامِهِ حَتّٰى بَلَّغَنَا اٰخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ اَللّٰهُمَّ

ماه و ایستادن در او تا رسانیده ما را بآخر شبی از آن بار خدایا

اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاَحَبِّ مَا دُعِيتَ بِهِ وَاَرْضٰى مَا رَضِيتَ

بدرستیکه من سوال میکنم ترا بدوسترین چیزی که خوانده شدی بآن و پسندیده‌ترین چیزی

بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْ

بآن از محمد رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و مگردان

وَدَاعِي شَهْرَ رَمَضَانَ وِدَاعَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا

وداع بودن من ماه رمضان را وداع بیرون شدن من از دنیا و نه

وِدَاعَ اٰخِرِ عِبَادَتِكَ فِيهِ وَلَا اٰخِرَ صَوْمِي لَكَ وَارْزُقْنِي

وداع آخر عبادت تو در آن و نه آخر روزه داشتن مرا برای تو و



الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَوَفِّقْنِي

مرا باز گشت در آن برحمت خود ای دوست گروندگان و توفیق ده مرا

فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ رَبِّ

در آن برای دریافت شب قدر و بگردان شب قدر را برای من بهتر از هزار

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ

شب و روز و کوهها و دریاها و تاریکیها و روشنائیها

وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ

و زمین و آسمان ای آفریدگار ای صورت بخش ای بغایت مهربان

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ

ای خدای ای بخشنده ای مهربان ای زنده ای برپا دارنده ای نو پدید آورنده آسمانها

وَالْأَرْضِ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا

و زمین ای بذات زنده ای بذات خود موجود مر تراست نامهای نیک و

وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ

و بزرگواری و نعمتها در می خواهم از تو بنام تو به نام خدای

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

بخشنده مهربان اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و بگردانی

تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي

بگردانی نام مرا در این شب در زمرهٔ نیکبختان و روح مرا

مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً

با شهیدان و نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده

وان



وَاَنْ تَهَبَ لِی یَقِیناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبِی وَاِیماناً لا یَشُوبُهُ

واینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که بیامیزد

شَکٌّ وَرِضًی بِما قَسَمْتَ لِی وَاَنْ تُؤْتِیَنِی فِی الدُّنْیا

شک و خوشنودی به آنکه قسمت کرده ای برای من و اینکه عطا کنی مرا در دنیا

حَسَنَةً وَفِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَاَنْ تَقِیَنِی عَذابَ

نیکی و در آخرت نیکی و اینکه نگاه داری عذاب

النّارِ الْحَرِیقِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِیما تَقْضِی وَتُقَدِّرُ مِنَ

آتش سوزنده خداوندا بگردان مرا در جمله آنکه حکم می کنی و آنکه تقدیر می کنی از

الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِیما تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَکِیمِ فِی لَیْلَةِ

امر که واجب شده و در آنکه جدا می کنی از امر محکم در شب

الْقَدْرِ مِنَ الْقَضاءِ الَّذِی لا یُرَدُّ وَلا یُبَدَّلُ وَلا یُغَیَّرُ

قدر از آن حکمی که بگردانیده نشود و بدل کرده نشود و تغییر داده نشود

اَنْ تَکْتُبَنِی مِنْ حُجّاجِ بَیْتِکَ الْحَرامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْکُورِ

اینکه بنویسی مرا از حاجیان خانه محترم که مقبول باشد حج ایشان و پسندیده

سَعْیُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُکَفَّرِ عَنْهُمْ سَیِّئاتُهُمْ وَ

حرکت ایشان آمرزیده شده گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و

اجْعَلْ فِیما تَقْضِی وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطِیلَ عُمْرِی وَاَنْ تُعْتِقَ

بگردان مرا در آنکه حکم می کنی و تقدیر می کنی اینکه دراز کنی عمر مرا و اینکه آزاد کنی

رَقَبَتِی مِنَ النّارِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُکَ

گردن مرا از آتش ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا



وَلَمْ يَسْئَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ جُوداً وَكَرَماً وَارْغَبُ اِلَيْكَ

و سوال نکرد بندگان مثل ترا از روی بخشش و بزرگواری و رغبت می کنم بسوی تو

وَلَمْ يُرْغَبْ اِلَى مِثْلِكَ اَنْتَ مَوْضِعُ مَسْئَلَةِ السَّائِلِينَ وَ

و رغبت نمی کنند بسوی مثل تو تو محل سوال سوال کنندگانی و

مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ اَسْئَلُكَ بِاَعْظَمِ الْمَسَائِلِ

منتهای رغبت رغبت کنندگانی سوال می کنم ترا ببزرگترین سوالها

كُلِّهَا وَاَفْضَلِهَا وَاَنْجَحِهَا الَّتِي يَنْبَغِي لِلْعِبَادِ اَنْ يَسْئَلُوكَ

همه آن و بهترین آنها و رواترین آنها که سزاوار است از برای بندگان اینکه سوال کنند ترا

بِهَا يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ وَبِاَسْمَائِكَ مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ

بآن ای خدا ای بخشنده و بنامهای تو که می دانم من از آن و آنکه نمی

اَعْلَمْ وَبِاَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَاَمْثَالِكَ الْعُلْيَا وَنِعَمِكَ الَّتِي

نمی دانم و بنامهای تو که نیکو است و داستانهای بلند تو و نعمت تو آنکه

لَا تُحْصَى وَبِاَكْرَمِ اَسْمَائِكَ عَلَيْكَ وَاَحَبِّهَا اِلَيْكَ وَ

شمرده نمی شود و بگرامی ترین نامهای تو بر تو و دوست داشته ترین آنها بسوی تو و

اَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَاَقْرَبِهَا مِنْكَ وَسِيلَةً وَاَجْزَلِهَا

بلندترین آنها نزد تو از روی مرتبه و نزدیک ترین آنها از تو از روی وسیله و رواکننده ترین

مِنْكَ وَاَسْرَعِهَا لَدَيْكَ اِجَابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ

از تو و شتابنده ترین آنها نزد تو از روی اجابت و بنام تو که پوشیده و در خزانه است

الْحَيِّ الْقَيُّومِ الْاَكْبَرِ الْاَجَلِّ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضَى

زنده پاینده بزرگتر بزرگوارتر آن نامی که دوست می داری آنرا و می خواهی آنرا

بِهِ عَنْ

بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبَ لَهُ دُعَآءَهُ وَحَقٌّ عَلَيْكَ اَنْ

سبب ان اراده که خواننده ترا بان و مستجاب می کرداند برای او دعای او را و لازم است بر تو اینکه

لَا تُخَيِّبَ سَآئِلَكَ وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ اِسْمٍ هُوَ لَكَ فِي

محروم نکنی سوال کننده خود را و سوال می کنم ترا بهر نامی که آن از برای تست آن نامی که در

اَلتَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَبِكُلِّ اِسْمٍ عَلَّمْتَهُ

توریت و انجیل و زبور و قران است و بهر نامی که خوانده‌اند ترا

بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَلٰٓئِكَةُ سَمٰوَاتِكَ وَجَمِيعُ الْاَصْنَافِ

بان برداریده عرش تو و فرشتگان آسمان تو و همه اقسام

مِنْ خَلْقِكَ مِنْ نَبِيٍّ اَوْ صِدِّيقٍ اَوْ شَهِيدٍ وَبِحَقِّ الرَّاغِبِينَ

از خلق تو از پیغمبری یا راست گویی یا شهیدی و بحق رغبت کنندگان

اِلَيْكَ الْفَرِقِينَ مِنْكَ الْمُتَعَوِّذِينَ بِكَ وَبِحَقِّ مُجَاوِرِي

بسوی تو ترسندگان از تو پناه برندگان بتو و بحق همسایگان

بَيْتِكَ الْحَرَامِ حُجَّاجًا وَمُعْتَمِرِينَ وَمُقَدِّسِينَ وَالْمُجَاهِدِينَ

خانه محترم حال آنکه باشند حج کنندگان و عمره گذاران و تعزیه کنندگان و جهاد کنندگان

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَبِحَقِّ كُلِّ عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَكَ فِي بَرٍّ اَوْ بَحْرٍ اَوْ

در راه خدا و بحق هر بنده پرستنده مر ترا در بیابان یا در دریا یا

سَهْلٍ اَوْ جَبَلٍ اَدْعُوكَ دُعَآءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ

زمین هموار یا کوه می خوانم ترا مانند خواندن کسی که سخت باشد احتیاج او

وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَدْحُهُ دُعَآءَ

و بسیار باشد گناه او و بزرگ باشد خیانت او و سست باشد کوشش او بمانند خواندن



مَنْ لَا يَجِدُ لِنَفْسِهِ سَادًّا وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا وَلَا لِذَنْبِهِ
کسیکه نیابد از برای خود بازدارنده و نه بجهت ناتوانی خود قوت دهنده و نه بجهت گناه خود

غَافِرًا غَيْرَكَ هَارِبًا إِلَيْكَ مُتَعَوِّذًا بِكَ مُتَعَبِّدًا لَكَ غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ
آمرزنده سوای تو گریزان باشد بسوی تو پناه برنده باشد بتو عبادت کننده باشد برای تو نه گردنکش

وَلَا مُسْتَنْكِفٍ خَائِفًا بَائِسًا فَقِيرًا مُسْتَجِيرًا بِكَ أَسْأَلُكَ
و نه ننگ دارنده ترسان باشد بیچاره محتاج درویش زنهار جوینده بتو سؤال می کنم ترا

بِعِزَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَجَبَرُوتِكَ وَسُلْطَانِكَ وَبِمُلْكِكَ
بعزت تو و بزرگی تو و بزرگواری تو و غلبه تو و پادشاهی تو

وَبَهَائِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَبِآلَائِكَ وَحُسْنِكَ
و نیکوئی تو و بخشش تو و بنعمتهای تو و بزرگواری تو و نیکوئی تو

وَجَمَالِكَ وَبِقُوَّتِكَ عَلَى مَا أَرَدْتَ مِنْ خَلْقِكَ أَدْعُوكَ
و خوبی تو و بتوانائی تو بر آنکه اراده نمائی از خلق می خوانم ترا

يَا رَبِّ خَوْفًا وَطَمَعًا وَرَهْبَةً وَرَغْبَةً وَتَخَشُّعًا وَتَمَلُّقًا
ای پروردگار من از ترس و طمع و بیم و خواهش و فروتنی و دوستی

وَتَضَرُّعًا وَإِلْحَافًا وَإِلْحَاحًا خَاضِعًا لَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
و زاری کردن و الحاح کردن و حال آنکه فروتنی کننده ام برای تو نیست خدائی مگر تو

وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا قُدُّوسُ يَا قُدُّوسُ يَا قُدُّوسُ يَا اللهُ يَا اللهُ
یگانه تو نیست شریک برای تو ای پاک ای پاک ای پاک ای خدا ای خدا

يَا اللهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَبِّ
ای خدا ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده ای مهربان ای مهربان ای مهربان ای پروردگار

يا ربّ

یا رَبِّ یا رَبِّ اَعُوذُ بِکَ یا اَللّٰهُ اَلْواحِدُ اَلْاَحَدُ اَلصَّمَدُ

ای پروردگار من ای پروردگار من پناه می برم بتو ای خدای یگانه یکتا بی نیاز

اَلْوِتْرُ اَلْمُتَکَبِّرُ اَلْمُتَعالُ وَاَسْئَلُکَ بِجَمیعِ ما دَعَوْتُکَ

یا مانند بزرگوار بلند مرتبه و سؤال می کنم تو را بهمه آنچه می خوانم تو را

بِهِ وَبِاَسْمائِکَ تَمْلاءُ اَرْکانَکَ کُلَّها اَنْ تُصَلِّیَ

بآن و بنامهای تو که پر کرده اطراف مملکت ترا همه اینکه رحمت کنی

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لی ذَنْبی وَارْحَمْنی وَاَوْسِعْ

بر محمد و آل محمد و بیامرزی از برای من گناه مرا و رحم کنی مرا و گشایش ده

عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ الْعَظیمِ وَتَقَبَّلْ مِنّی شَهْرَ رَمَضانَ وَ

بر من از بخشش حق که بزرگ است و قبول کنی از من شهر رمضان را و

قِیامَهُ وَفَرْضَهُ وَنَوافِلَهُ وَاغْفِرْ لی وَارْحَمْنی وَاعْفُ

برپا ایستادن او و واجبات او و سنتهات او و بیامرزی برای من و رحم کنی مرا و عفو کنی

عَنّی وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضانَ صُمْتُهُ لَکَ وَعَبَدْتُکَ

از من و مگردان او را آخر ماه رمضان را در روزه او را از برای تو و عبادت کردم

فیهِ وَلا تَجْعَلْ وِداعی اِیّاهُ وِداعَ خُرُوجی مِنَ الدُّنْیا

در آن و مگردان وداع من آن را وداع بیرون رفتن از دنیا

اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لی مِنْ رَحْمَتِکَ وَمَغْفِرَتِکَ وَرِضْوانِکَ

خداوندا واجب کن برای من از رحمت حق و آمرزش حق و خوشنودی حق

وَخَشْیَتِکَ اَفْضَلَ ما اَعْطَیْتَ اَحَداً مِمَّنْ عَبَدَکَ فیهِ

و ترس حق بهتر آنچه عطا کردی یکی را از آنها که پرستش کنند ترا در آن



اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي اَخْسَرَ مَنْ سَئَلَكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ

خداوندا مگردان مرا زیان کارتر کسی که سؤال کند ترا در آن و بگردان مرا از آنکه

اَعْتَقْتَهُ فِي هٰذَا الشَّهْرِ مِنَ النَّارِ وَغَفَرْتَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ

آزاد کرده او را در این ماه از آتش دوزخ و آمرزیدی از برای او آنکه پیش گذشته است

مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَاَخَّرَ وَاَوْجَبْتَ لَهُ اَفْضَلَ مَا رَجَاكَ

از گناهان او و آنکه بازپس مانده و واجب ساخته از برای او نیکوتر از آنچه امید دارد ترا

وَاَمَّلَ مِنْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ

و آرزو دارد از تو ای رحیم‌ترین رحم کنندگان خداوندا روزی کن مرا بازگشت

فِي صِيَامِهِ لَكَ وَعِبَادَتِكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ كَتَبْتَهُ

در روزه داشتن آن از برای تو و بندگی کردن تو در آن و بگردان مرا از آنکه نوشتی تو او را

فِي هٰذَا الشَّهْرِ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ

در این ماه از حاجیان خانهٔ محترم است که پذیرفته حج ایشان

الْمَغْفُورِ ذَنْبُهُمْ الْمُتَقَبَّلِ عَمَلُهُمْ اٰمِينَ اٰمِينَ اٰمِينَ

آمرزیده گناه ایشان و قبول کرده شده کردار ایشان مستجاب کن مستجاب کن مستجاب کن

رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لِي فِيهِ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ

ای پروردگار عالمیان خداوندا مگذار از برای من در این ماه گناهی مگر آنکه بیامرزی او را

وَلَا خَطِيئَةً اِلَّا مَحَوْتَهَا وَلَا عَثْرَةً اِلَّا اَقَلْتَهَا وَلَا دَيْنًا

و نه خطائی که محو کرده باشی او را و نه لغزشی مگر در گذری از آن و نه قرضی

اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَيْلَةً اِلَّا اَغْنَيْتَهَا وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ

مگر آنکه ادا کنی آن را و نه نیازمندی مگر بی‌نیاز کنی آن را و نه اندوهی مگر بگشائی او را



وَلَا فَاقَةً

وَلَا فَاقَةً اِلَّا سَدَدْتَهَا وَلَا عُرْيَانًا اِلَّا كَسَوْتَهُ وَلَا

و نه حاجتی مگر اینکه بند کنی آن را و نه برهنه مگر بپوشانی اورا و نه

مَرِيضًا اِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا دَاءً اِلَّا اَذْهَبْتَهُ وَلَا حَاجَةً

بیماری مگر اینکه شفا دهی اورا و نه دردی مگر اینکه ببری اورا و نه حاجت

مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِلَّا قَضَيْتَهَا عَلٰى اَفْضَلِ

از حاجتهای دنیا و آخرت مگر روا کنی آن را بر نیکوتر

اَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تُزِغْ

آرزوی من و امید من در تو ای رحیم‌ترین رحم کنندگان خداوندا مپیچان

قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَلَا تُذِلَّنَا بَعْدَ اِذْ اَعْزَزْتَنَا

دلهای مارا پس از اینکه راه نمودی تو مارا و خوار مکن مارا بعد از آنکه عزیز کرده مارا

وَلَا تَضَعْنَا بَعْدَ اِذْ رَفَعْتَنَا وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ اِذْ اَكْرَمْتَنَا

و پست مکن مارا بعد از آنکه بلند کردی مارا و خوار مکن مارا بعد از آنکه گرامی داشتی مارا

وَلَا تُفْقِرْنَا بَعْدَ اِذْ اَغْنَيْتَنَا وَلَا تَمْنَعْنَا بَعْدَ اِذْ اَعْطَيْتَنَا

و بیچیز مکن مارا بعد از آنکه بی‌نیاز کردی مارا و منع مکن مارا پس از آنکه بخشش نمودی مارا

وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ اِذْ رَزَقْتَنَا وَلَا تُغَيِّرْ شَيْئًا مِنْ نِعَمِكَ عَلَيْنَا

و محروم مکن مارا پس از آنکه روزی دادی مارا و مگردان چیزی از نعمتهای خود که بر ما

وَاِحْسَانِكَ اِلَيْنَا لِشَيْءٍ كَانَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَلَا لِمَا هُوَ كَائِنٌ

و نیکوئی خود را بسوی ما بجهة چیزی که گذشته شده از گناهان ما و نه بجهة چیزی که او خواهد شد

مِنْهَا فَاِنَّ فِي كَرَمِكَ وَعَفْوِكَ وَفَضْلِكَ سَعَةً لِلْمَغْفِرَةِ

از ما پس بدرستیکه در بزرگواری تو و بخشش تو و نیکوئی تو وسعت گنجایشی است بجهة آمرزش



ذُنُوبَنا فَاغْفِرْ لَنا وَتَجاوَزْ عَنّا وَلا تُعاقِبْنا عَلَيْها يا

گناهان ما را پس بیامرز ما را و بگذر از ما و عقوبت مکن ما را بر آنها ای

اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اَكْرِمْنِي فِي مَجْلِسِي هٰذا كَرامَةً لا

رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان خداوندا گرامی دار مرا در مجلس من این گرامی داشتنی که

تُهِينُنِي بَعْدَها اَبَداً وَاَعِزَّنِي عِزّاً لا تُذِلُّنِي بَعْدَهُ اَبَداً

خوار نکنی مرا پس از آن هرگز و عزیز کن مرا عزتی که خوار نکنی و ذلیل مرا پس از آن هرگز

وَعافِنِي عافِيَةً لا تَبْتَلِينِي بَعْدَها اَبَداً وَارْفَعْنِي رِفْعَةً

و عافیت بخش مرا عافیتی که مبتلا نکنی مرا پس از آن هرگز و بلند کن مرا بلند کردنی

لا تَضَعُنِي بَعْدَها اَبَداً وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ كُلِّ شَيْطانٍ

که پست نکنی مرا پس از آن هرگز و بگردان از من بدی هر دیو

مَرِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ جَبّارٍ عَنِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ قَرِيبٍ اَوْ بَعِيدٍ وَشَرَّ

سرکشی و بدی هر منکر ستیزه‌کننده و بدی هر نزدیک یا دوری و بدی

كُلِّ صَغِيرٍ اَوْ كَبِيرٍ وَشَرَّ كُلِّ دابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها

هر کوچک یا بزرگ و بدی هر جنبنده که تو گیرنده موی پیشانی اویی

اِنَّ رَبِّي عَلىٰ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ ما كانَ فِي قَلْبِي مِنْ

بدرستی که پروردگار من بر راه راست است خداوندا هر چه باشد در دل من از هیچ

اَوْ رِيبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ

ارتیاب یا انکار یا نومیدی یا شادی یا بسیار خوشی یا حیرانی یا

بَذَخٍ اَوْ خُيَلاءٍ اَوْ رِياءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقاقٍ اَوْ نِفاقٍ

گردنکشی یا بخل یا ریا یا سمعه یا بدبختی یا دورویی

اَوْ كُفْرٍ



أَوْ كُفْرٍ أَوْ فُسُوقٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ أَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ عَلَيْهِ وَلِيًّا

يا سپاس يا نافرانى يا عصيان يا چيزى كه دوست ندارى بران دوستى

لَكَ فَأَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَمْحُوَهُ

مر ترا پس سؤال مى‌كنم ترا اينكه رحمت كنى بر محمد و آل محمد و اينكه محو كنى آن

مِنْ قَلْبِي وَتُبَدِّلَ لِي مَكَانَهُ إِيمَانًا بِوَعْدِكَ وَرِضًى بِقَضَائِكَ

از دل من و بدل آورى براى من بجاى او ايمان را بوعدهٔ تو و خوشنودى بحكم تو

وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَوَجَلًا مِنْكَ وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا

و وفا بعهد تو و ترسيدن از تو و بى‌رغبتى در دنيا

وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَطُمَأْنِينَةً إِلَيْكَ وَ

و رغبت در آنچه نزد تو است و اعتماد بتو و آرام گرفتن بسوى تو و

تَوْبَةً نَصُوحًا إِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتَ بَلَّغْتَنَاهُ وَإِلَّا

بازگشت خالص بسوى تو خداوندا اگر بوده باشى رساننده ما را باين و اگرنه

فَأَخِّرْ عَنَّا آجَالَنَا إِلَى قَابِلٍ حَتَّى تُبَلِّغَنَاهُ فِي يُسْرٍ مِنْكَ

پس تأخير كن از ما اجلهاى ما را تا سال آينده تا آنكه برسانى ما را بآن در آسانى از تو

وَعَافِيَةٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و عافيت اى بخشنده‌ترين بخشندگان و رحمت خدا بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ كَثِيرًا وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْهِمْ و بر جمعهٔ آخر

محمد بسيار و رحمت حق خدا و بركتهاى او بر ايشان

نيز وداع جمعها

بدين نسبت و از جابر ابن عبد الله انصارى منقولست



که گفت رفتم بخدمت حضرت رسول در جمعهٔ آخر ماه
رمضان وچون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که این جمعه
آخر جمعه است از ماه مبارک اللّهمّ لا تجعله
رمضان پس او را وداع کن وبگو بار خدایا مگردان این را
آخر العهد من صیامک ایّاه فان جعلته فاجعلنی
آخر عهد من از روزه تو او را پس اگر گردانیدی او این گردانی مرا
مرحوما ولا تجعلنی محروما زیرا که هر که این دعا را در این روز
بخواند بیکی از دو خصلت بخشیده شده و مگردان مرا ناامید
نیکو ظفر میابد یا برسیدن ماه رمضان آینده یا
بآمرزش خدا ورحمت بی انتها وبسند معتبر از حضرت
صادق منقولست که هر که در شب اللّهمّ لا تجعله
آخر ماه رمضان این دعا بخواند بار خدایا مگردان این را
آخر العهد من صیامی لشهر رمضان واعوذ بک
آخر عهد من از روزه داشتن آن از برای ماه رمضان و پناه می برم بتو
ان یطلع فجر هذه اللیلة الّا وقد غفرت لی
اینکه طلوع کند صبح این شب مگر وحال اینکه بیامرزی گناهان مرا
حقتعالی پیش از صبح او را بیامرزد واو را توبه وانابه
روزی کند وایضا اللّهمّ انّی اسئلک بالحبّ
سنّت که این دعا بخواند بار خدایا بدرستیکه سؤال می کنم ترا بحق این

صادق



ما دعيت به وارضى ما رضيت به عن محمد وعن اهل

اگر خوانده شوی بان و پسندیده ترین اگر خوشنود شوی بان از محمد و از اهل

بيت محمد عليه وعليهم السلام ان تصلى عليه وعليهم ولا

خانه محمد براو و برایشان باد السلام اینکه رحمت فرستی براو و برایشان و

تجعل وداع شهري هذا وداع خروجي من الدنيا ولا

مگردان وداع ماه مرا این ماه وداع بیرون رفتن از دنیا و نه

وداع اخر عبادتك ووفقني فيه لليلة القدر

وداع آخر عبادت تو و توفیق ده مرا دران از برای شب قدر

واجعلها لي خيرا من الف شهر مع مضاعف الاجر

و بگردان انرا برای من بهتر از هزار ماه با مضاعف شدن اجر و ثواب

والاجابة والعفو عن الذنب برضى الرب

و اجابت کردن و درگذشتن از گناه بخشنودی پروردگار

وازجمله چیزهائی که سنت است در شب آخر ازاد
کردن بندها است زیرا که شبی است که حق تعالی
بندهٔ بسیار از اتش جهنم ازاد میگرداند هرگاه بندهٔ
ضعیف فرماید بندگان از قید رقیت ازاد کند
امید هست که خداوند قادر بی زوال بان وسعت
وکمال اورا از اتش جهنم ازاد گرداند ونام اورا از
جرائد عاصیان محو کند چنانچه منقول است که حضرت



امام زین العابدین بنده‌ها در عرض سال تحصیل نموده بود تا
بیست نفر زیاد و کم در شب آخر ماه رمضان آزاد مینمود
و میفرمود که شماها را آزاد کردم بامید آنکه خداوند
رحیم از تقصیرات من در گذرد و مرا از عذاب جهنم آزاد
گرداند و چون روز عید میشد جایزه‌های عظیم بایشان
می‌بخشید که ایشان بی‌نیاز باشند از سؤال کردن از
مردم و میگفت که حقتعالی در هر شب ماه مبارک
رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار کس را آزاد می
کند از آنها که مستوجب جهنم شده باشند و در شب
آخر مثل آنچه در جمیع ماه آزاد میکرده است آزاد
کرد و حضرت هیچ غلامی و کنیزی زیاده از یکسال
خدمت نفرموده و در روز عرفه در عرفات نیز بنده‌های
خود را آزاد میفرمود و روایتی وارد شده است
که سنتست که در شب آخر سوره انعام و کهف و یس
را بخوانند و صد مرتبه بگویند اَستَغفِرُ اللهَ وَ اَتُوبُ اِلَیهِ
فصل هفتم در دعاهای مخصوص دهه آخر ماه مبارک
است بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که
آنحضرت در هر شب از شبهای دهه آخر این دعا را
میخواند اَللّهُمَّ اِنَّکَ قُلتَ فی کِتابِکَ شَهرُ
خداوندا بدرستیکه تو گفته در کتاب خود که این ماه
رمضان



رمضان الذی انزل فیه القران هدی للناس و
رمضان است که فرو فرستاده شد در آن قران حال آنکه راه نمای گویا است مردمان را و
بینات من الهدی والفرقان فعظمت حرمة شهر
آیتهای روشن است از راه نمائی و جدا کننده است پس بزرگ کردی حرمت ماه
رمضان بما انزلت فیه من القران وخصصته
رمضان را بسبب آنکه فرستادی در آن از قران و مخصوص گردانیدی اورا
بلیلة القدر وجعلتها خیرا من الف شهر اللهم
بشب قدر و گردانیدی آنرا بهتر از هزار ماه بار خدایا
وهذه ایام شهر رمضان قد انقضت ایامه و
اینک روزهای ماه رمضان بتحقیق بپایان رسیده و
لیالیه قد تصرمت وقد صرت یا الهی منه الی
شبهای آن بتحقیق منقطع شده و بتحقیق گردیدم من ای خدای من از آن بسوی
ما انت اعلم به منی واحصی لعدده من الخلق اجمعین
آنچه تو داناتری بآن از من و ضبط نماینده تری مر شماره آنرا از خلق همه
فاسئلک بما سئلک به ملائکتک المقربون و
پس سوال میکنم ترا بآنچه سوال کردند ترا بآن فرشتگان تو نزدیکان و
انبیاؤک المرسلون وعبادک الصالحون ان تصلی
پیغمبران تو فرستادگان و بندگان تو شایستگان اینکه رحمت فرستی
علی محمد وآل محمد وان تفک رقبتی من النار وتدخلنی
بر محمد و آل محمد و اینکه آزاد کنی گردن مرا از آتش و داخل کنی مرا



الجنة برحمتك وان تتفضل علي بالامن يوم الخوف
در بهشت برحمت خود وانکه بخشش نمائی بر من بامن از روز خوف
من كل هول اعددته ليوم القيامة الهي واعوذ
از هر شدتی که آماده کرده برای روز رستخیز ای خدای من و پناه می برم
بوجهك الكريم وبجلالك العظيم ان ينقضي ايام
بذات بزرگوار تو و به بزرگواری تو که بزرگ است اینکه بسر آید روزهای
شهر رمضان ولياليه ولك قبلي تبعة او ذنب
ماه رمضان و شبهای آن و حال آنکه ترا باشد نزد من وبالی و گناهی
تؤاخذني به او خطيئة تريد ان تقتصها مني لم
که مواخذه کنی مرا بآن یا خطائی که اراده کنی که بگیری قصاص آنرا از من نه
تغفرها سيدي سيدي سيدي اسئلك بلا
آمرزیده باشی آنرا ای آقای من ای آقای من ای آقای من سوال می کنم ترا که نیست
اله الا انت اذ لا اله الا انت ان كنت رضيت
خدائی مگر تو چون نیست خدائی مگر تو که اگر بوده باشی خوشنود
عني في هذا الشهر فازدد عني رضى وان لم تكن
از من در این ماه پس افزون کن از من خوشنودی خود را و اگر نبوده باشی تو
رضيت عني فمن الآن فارض عني يا ارحم الراحمين
که خوشنود بوده باشی از من پس در این زمان پس خوشنود باش از من ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
يا الله يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له
ای خدای یگانه ای بی نیاز ای آنکه نمی زاید و زائیده نمی شود و نمی باشد مر او را

كفوا احد

أَحَدٌ وَلَن يَنفَادُ يَا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ

همچکس میکفشد ای نرم کننده آهن از برای داود ای دفع کننده بد حال

وَالْكَرْبِ الْعِظَامِ عَنْ أَيُّوبَ أَيْ مُنَفِّسَ هَمِّ يَعْقُوبَ

و اندوههای بزرگ از ایوب ای رهاکننده اندوه یعقوب

أَيْ مُنَفِّسَ غَمِّ يُوسُفَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْتَ

ای گشاینده غم یوسف رحمت کن بر محمد و آل محمد همچنانکه تو

أَهْلُهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

سزاوار آنکه رحمت کنی بر ایشان همه و بکن بمن آنچه تو سزاوار آنی

بسند معتبر دیگر از آن حضرة منقولست که در هر شب
دهه آخر این دعا را می خواندند و آن اینست
أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقَضِيَ عَنِّي شَهْرُ

پناه می برم ببزرگواری ذات تو که بزرگست اینکه بگذرد از من ماه

رَمَضَانَ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ وَبَقِيَ لَكَ

رمضان یا طلوع کند صبح از شب من این شب و مانده باشد مرا نزد

عِنْدِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ يَوْمَ أَلْقَاكَ

نزد من وبالی یا گناهی که عذاب کنی مرا بر آن روزیکه ملاقات کنم ترا

بسندهای معتبر در هر شب از دهه دعای مخصوص
از حضرت صادق وارد شده است و بر مطالب دنیا
و آخرت مشتمل است دعای شب بیست و یکم



يا مولج الليل في النهار و مولج النهار في الليل و

ای درآورنده شب در روز و درآورنده روز را در شب و

يخرج الحي من الميت و مخرج الميت من الحي يا رازق

بیرون می آوری زنده را از مرده و بیرون می آوری مرده را از زنده ای روزی دهنده

من يشاء بغير حساب يا الله يا رحمن يا الله يا رحيم

هر که را خواهی بی شمار ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بخشنده

يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله لك

ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا مر ترا

الأسماء الحسنى و الأمثال العليا و الكبرياء و الآلاء

نامهای نیکو و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها

اسئلك ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تجعل اسمي

سؤال می کنم ترا اینکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و دیگر قرار دهی نام مرا

في هذه الليلة في السعداء و روحي مع الشهداء و

در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و

احساني في عليين و اسائتي مغفورة و ان تهب لي

نیکوئیهای مرا در علیین و بدکاری مرا آمرزیده و اینکه عطا کنی مرا

يقينا تباشر به قلبي و ايمانا يذهب الشك عني

یقینی که بیاشامی ان کنی دل مرا و ایمانی که از جای ببرد شک را از من

و ترضيني بما قسمت لي و آتنا في الدنيا حسنة و في

و راضی کنی مرا بآنچه قسمت کردی مرا و بده ما را در دنیا نیکی و در

الآخرة

الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها

الجنان را نیکی نگاه دار مارا از عذاب آتش سوزان و روزی کن مارا در آن

ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة

یاد تو و شکر تو و رغبت بسوی تو و بازگشت و توبه

والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم

و توفیق برای چیزی که توفیق دادی براو را محمد و آل محمد بر او و بر ایشان

السلام شب بیست و دوم يا سالخ النهار من الليل فاذا

سلام ای بازکننده روز از شب پس آنگاه

نحن مظلمون ومجري الشمس لمستقرها بتقديرك يا عزيز

ما در تاریکی درآییم و جاری کننده آفتاب به جای قرارگاه آن به اندازه خود ای غالب

يا عليم ومقدر القمر منازل حتى عاد كالعرجون القديم

ای دانا و ای تقدیر کننده ماه در منزلهای معین تا آنکه گردد مثل شاخ خرمای کهنه

يا نور كل نور ومنتهى كل رغبة وولي كل نعمة يا الله

ای نور همه نور و منتهای هر خواستنی و خداوند هر نعمت ای خدا

يا رحمن يا الله يا قدوس يا احد يا واحد يا فرد يا الله

ای بخشنده ای خدا ای پاک ای یگانه ای یکتا ای یکتا ای خدا

يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا

ای خدا ای خدا از برای توست نامهای نیکو و داستانهای بلند

والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل

و بزرگواری و نعمتها سؤال میکنم ترا اینکه رحمت کنی بر محمد و آل

محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي
محمد و اینکه قرار دهی نام مرا در این شب در زمره نیک بختان و روح مرا
مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة
با شهداء و نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده شده
وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك
و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را
عني وترضيني بما قسمت لي واتنا في الدنيا حسنة وفي
از من و اینکه خوشنود سازی مرا به آنچه بهره داده مرا و بده ما را در دنیا نیکی و در
الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها
آخرت نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در آن
ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوفيق
یاد تو و سپاس تو و رغبت بسوی تو و بازگشت و توفیق
لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام
آنکه توفیق دادی بان محمد و آل محمد بر او و بر ایشان سلام
شب بیست و سیم يا رب ليلة القدر وجاعلها
ای پروردگار شب قدر و گرداننده آن
خيرا من الف شهر رب الليل والنهار والجبال
بهتر از هزار ماه پروردگار شب و روز و کوه ها و
والبحار والظلم والانوار والارض والسماء يا بارئ
دریاها و تاریکیها و روشنیها و زمین و آسمان ای آفریننده

یا مصور

یا مصوّر یا حنّان یا منّان یا الله یا رحمن یا الله یا قیّوم یا

ای نگارنده ای مهربان ای بخشنده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای پاینده ای

بدیع یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی بخواند

پدید آورنده ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو [illegible]

تا علیه وعلیهم السلام شب بیست وچهارم یا فالق

برا و [illegible] وبر ایشان بادسلام ای شکافنده

الاصباح ویا جاعل اللیل سکنا والشمس والقمر

صبح وای گرداننده شب را آرامگاه وآفتاب وماه را

حسبانا یا عزیز یا علیم یا ذا المنّ والطول والقوّة و

وسیله شمار ای غالب ای دانا ای خداوند انعام واحسان وتوانائی و

الحول والفضل والانعام یا ذا الجلال والاکرام

قدرت وبخشش ونعمت ای خداوند بزرگی وبزرگواری

یا الله یا رحمن یا الله یا فرد یا وتر یا الله یا ظاهر یا

ای خدا ای بخشنده ای خدا ای یکتا ای یگانه ای خدا ای آشکارا ای

باطن یا حیّ یا لا اله الا انت لک الاسماء الحسنی

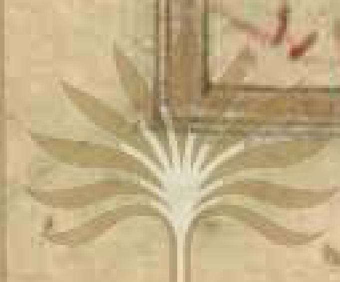
ای پنهان ای زنده ای آنکه نیست خدا مگر تو مر تراست نامهای نیکو

بخواند تا علیه وعلیهم السلام شب بیست وپنجم

براو باد وبر ایشان سلام

یا جاعل اللیل لباسا والنهار معاشا والارض

ای گرداننده شب را پوشش وروز را وقت کسب معیشت وزمین را



مهاداً والجبال اوتاداً یا الله یا قاهر یا جبار یا

گهواره و کوهها را میخها ای خدا ای غلبه کننده ای بزرگوار ای

الله یا سمیع یا الله یا قریب یا الله یا مجیب یا الله

خدا ای شنونده ای خدا ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا

یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی بخواند تا علیه

ای خدا ای خدا مر تراست نامها نیکو برادر هر

وعلیهم السلام شب بیست و ششم یا جاعل اللیل

و بر ایشان سلام ای گرداننده شب

والنهار آیتین یا من محی آیة اللیل وجعل

و روز دو نشانه قدرت ای آنکه محو کرده نشانه شب را و گردانیده

آیة النهار مبصرة لتبتغوا فضلاً منه ورضواناً

نشانه روز را بینا تا طلب کنید بخشش را از او و خوشنودی را

یا مفصل کل شیء تفصیلاً یا الله یا ماجد یا وهاب

ای افزون دهنده هر چیزی افزون دادنی ای خدا ای بزرگوار ای بخشنده

یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی بخوانند

ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو

تا آخر شب بیست و هفتم یا ماد الظل ولو شئت

ای کشنده سایه و اگر خواهش داشتی

لجعلته ساکناً وجعلت الشمس علیه ثم

میگردانیدی آرام کن و گردانیدی آفتاب را بر او پس

قبضته

قبضته الیک قبضا یسیرا یا ذا الحول والطول

گرفتن از او بسوی تو گرفتنی آسان ای بزرگوار و انعام

والکبریاء والآلاء لا اله الا انت عالم

و بزرگواری و نعمتها نیست خدا مگر تو دانای

الغیب والشهادة الرحمن الرحیم لا اله الا

پنهان و آشکار بخشنده مهربان نیست خدا مگر

انت یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا مهیمن یا

تو ای پاکیزه ای سالم ای امان دهنده ای گواه بر همه چیزی ای

عزیز یا جبار یا متکبر یا الله یا خالق یا باری یا

غالب ای بزرگوار ای بزرگ ای خدا ای آفریننده ای پدید آورنده ای

مصور یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی

نگارنده ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو

بخواند تا علیه و علیهم السلام شب بعثت و هشتم

کرده تا براو باد و بر ایشان السلام

یا خازن اللیل فی الهواء وخازن النور فی السماء

ای نگاهدارنده شب در هوا و نگاهدارنده روشنی در آسمان

ومانع السماء ان تقع علی الارض الا باذنه

و منع کننده آسمان آنکه بیفتد بر زمین مگر بفرمان او

وحابسهما ان تزولا یا علیم یا غفور یا دائم یا

و بازدارنده آنها آنکه ناچیز شوند ای دانا ای آمرزنده ای همیشه ای



وارث یا باعث من فی القبور یا الله یا الله یا

میراث برنده ای برانگیزنده آنها که در قبرهایند ای خدا ای خدا ای

الله لک الاسماء الحسنی بخواند تا علیه وعلیهم

خدا مر تراست نامهای نیکوی بسیار تا بر او و بر ایشان

السلام شب بیست نهم یا مکور اللیل علی

سلام ای در آورنده شب بر

النهار ومکور النهار فی اللیل یا علیم یا حکیم

روز و در آورنده روز در شب ای دانا ای درست کردار

یا رب الارباب وسید السادات لا اله الا

ای پروردگار پروردگاران و آقای آقایان نیست خدائی مگر

انت یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا الله

تو ای آنکه او نزدیکتر است بسوی من از رگ گردن ای خدا

یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی بخواند تا

ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو تا

علیه وعلیهم السلام شب سی ام الحمد لله لا

بر او و بر ایشان سلام سپاس مر خدا راست

شریک له والحمد لله کما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله

شریک نیست مر او را و سپاس مر خدا را چنانکه سزاوار بزرگواری ذات او و ارجمندی بزرگواری او

وکما هو ینبغی اهله یا قدوس یا نور یا نور القدس

و چنانکه او سزاوار است ای پاک ای نور ای نور پاک منزه

یا سبوح

یا سبّوح یا منتهی التسبیح یا رحمن یا فاعل الرحمة
ای منزه ای منتهای تنزیه ای بخشنده ای کننده بخشش

یا الله یا علیم یا کبیر یا الله یا لطیف یا جلیل
ای خدا ای دانا ای بزرگ ای خدا ای مهربان ای بزرگوار

یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی و
ای خدا ای خدا ای خدا مرتراست نامهای نیکو و

الامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسألک
مثلهای بلند رتبه و بزرگواری و نعمتها سؤال میکنم ترا

ان تصلّی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی
اینکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و اینکه قرار دهی نام مرا در

هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء
این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان

واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان
و نیکی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده شده و اینکه

تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب
به بخشی مرا یقینی که مباشر باشد دل مرا و ایمانی که زایل کند

الشکّ عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا
شک را از من و خوشنود کنی مرا بآنچه قسمت کرده مرا و بده ما را

فی الدنیا حسنة وقنا عذاب النار الحریق
در این جهان نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزان



وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ

و روزی کن مرا در آن بار خدا و شکر خود و رغبت بسوی خود و

وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا

و بازگشت و توبه و توفیق مر آنچه را که توفیق دادی محمد

وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ فصل سیم در بیان نمازها

و آل محمد بر او و بر ایشان سلام

شبها و دعاهای روزها است که مشهور است و علما در کتب دعا ذکر کرده اند و نزد فقیر معتبرند نماز شب اول چهار رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید دویم چهار رکعت در هر رکعت بعد از بیست و پنج مرتبه انا انزلنا سیم دو رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید چهارم هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا انزلناه پنجم ششم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سوره تبارک الذی بیده هشتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انا انزلناه نهم دهم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و



بعد از سلام

و بعد از سلام هزار مرتبه سبحان الله یازدهم شش
رکعت میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و
هفت آیة الکرسی و بعد از تمام پنجاه مرتبه اللهم
صل علی محمد دوازدهم بیست رکعت در هر رکعت حمد
و سی مرتبه توحید سیزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد
و بیست انا اعطیناک الکوثر چهاردهم هشت رکعت
در هر رکعت حمد و سی مرتبه انا انزلناه پانزدهم
چهار رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید
شانزدهم شش رکعت در هر رکعت حمد و سی
مرتبه اذا زلزلت هفدهم چهار رکعت در هر
رکعت اول حمد و صد مرتبه توحید و در دو رکعت
دیگر پنجاه مرتبه توحید هجدهم دوازده رکعت
در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه الهیکم التکاثر
نوزدهم دو رکعت در رکعت اول حمد و هر
سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد صد مرتبه توحید
و بعد از سلام صد مرتبه لا اله الا الله بیستم
چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه
انا اعطیناک الکوثر بیست و یکم پنجاه مرتبه با حمد و
پنجاه مرتبه اذا زلزلت و گویا مراد آن باشد که



در هر رکعت یکبار بخواند زیرا که مشکل است
که در یک شب دو هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت
خواندن بیست و دوم بیست و سیم بیست و چهارم
در هر یک هشت رکعت بهر سوره که میسر شود بیست
پنجم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه
توحید بیست و ششم شش رکعت در هر رکعت صد مرتبه
توحید بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد
و تبارک الذی و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید
بیست و هشتم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد
صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه
کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد
بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست
مرتبه توحید سی ام دوازده رکعت در هر رکعت
حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد
مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نمازها چنانچه
مذکور شد هر دو رکعت بیک سلام است فصل چهارم
دعاها روزها از ابن عباس روایت کرده اند که حضرت
رسول فضیلت بسیار از برای روزه هر روزه ماه
رمضان بیان فرمود و از برای هر روز دعای مخصوص

یا حفیظ

با فضیلت و ثواب بسیار از برای آن دعا ذکر کرده
وما با اصل دعا اکتفا مینمائیم روز اوّل
اَللّهُمَّ اجْعَلْ صِیامی فیهِ صِیامَ الصّائِمینَ وَقِیامی
بار خدایا بگردان روزه مرا درین ماه روزه روزه داران ایستادن مرا
فیهِ قِیامَ الْقائِمینَ وَنَبِّهْنی فیهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغافِلینَ
درآن ایستادن ایستادگان و آگاه گردان مرا درآن از خواب بیخبران
وَهَبْ لی جُرْمی فیهِ یا اِلهَ الْعالَمینَ وَاعْفُ عَنّی یا
و ببخش بمن گناه مرا درآن ای خدای جهانیان و درگذر از من ای
عافِیاً عَنِ الْمُجْرِمینَ روز دوم اَللّهُمَّ قَرِّبْنی فیهِ اِلی
درگذرنده از گناهکاران خداوندا نزدیک گردان مرا درآن بسوی
مَرْضاتِکَ وَجَنِّبْنی فیهِ مِنْ سَخَطِکَ وَنَقِماتِکَ
خوشنودی تو و دور گردان مرا درآن از غضب تو و عقوبتهای تو
وَوَفِّقْنی لِقِرائَةِ آیاتِکَ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
و توفیق بده مرا از برای خواندن آیتهای کتاب تو برحمت تو ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان
روز سیم اَللّهُمَّ ارْزُقْنی فیهِ الذِّهْنَ وَالتَّنْبیهَ
خداوندا روزی کن مرا درآن زیرکی و آگاه گردیدن
وَباعِدْنی فیهِ مِنَ السَّفاهَةِ وَالتَّمْویهِ وَاجْعَلْ
و دور گردان مرا درآن از کم خردی و پوشیدن حق و بگردان
لی فیهِ نَصیباً مِنْ کُلِّ خَیْرٍ تُنْزِلُ فیهِ بِجودِکَ یا اَجْوَدَ
از برای من درآن بهره از هر نیکی که فرود آید درآن ببخشش تو ای بخشنده‌ترین



الاجودين روز چهارم اللهم قوّني فيه على اقامة
بخشندگان — خداوندا توانا کن مرا دران بر پا داشتن

امرك واذقني فيه حلاوة ذكرك واوزعني فيه
امر تو و بچشان مرا دران شیرینی یاد کردن حق و توفیق ده مرا دران

لاداء شكرك بكرمك واحفظني فيه بحفظك
برای بجا آوردن سپاس حق به بزرگواری حق و نگاه دار مرا دران به نگاه داری حق

وسترك يا ابصر الناظرين روز پنجم اللهم اجعلني
و پوشش حق ای بیناترین بینندگان خداوندا بگردان مرا

فيه من المستغفرين واجعلني فيه من عبادك الصالحين
دران از زمره طلب آمرزش کنندگان و بگردان مرا دران از زمره بندگان شایستگان

القانتين واجعلني فيه من اوليائك المقربين
فرمان برداران و بگردان مرا دران از دوستان حق و نزدیکان

برأفتك يا ارحم الراحمين روز ششم اللهم لا تخذلني
به مهربانی حق ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان خداوندا خوار مکن مرا

فيه لتعرض معصيتك ولا تضربني بسياط نقمتك
دران بجهة فرا گرفتن نافرمانی حق و مزن مرا به تازیانه عقوبت حق

وزحزحني فيه من موجبات سخطك بمنك واياديك
و دور گردان مرا دران از اموری که واجب می‌گرداند غضب حق را به بخشش حق و نعمتهای حق

يا منتهى رغبة الراغبين روز هفتم اللهم اعنّي على
ای منتهای خواهش خواهش کنندگان خداوندا یاری ده مرا بر

صيامه

صيامه وقيامه وجنبني فيه من هفواته واثامه وارزقني فيه

روزه داشتن او و بپا ایستادن او و دور گردان مرا دران از لغزشهای او و گناهان او و روزی کن مرا

ذكرك بدوامه بتوفيقك يا هادي المضلين روز هشتم

یاد خود را به همیشگی او بتوفیق خود ای راهنمای گمراهان

اللهم ارزقني فيه رحمة الايتام واطعام الطعام

خداوندا روزی کن مرا دران مهربانی بیتیمان و خورانیدن طعام

وافشاء السلام ومجانبة اللئام وصحبة الكرام

و فاش ساختن سلام و مجانبت با لئیمان و صحبت بزرگواران

بطولك يا ملجأ الآملين روز نهم اللهم اجعل لي

بفضل خود ای پناه آرزومندان خداوندا بگردان مرا

فيه نصيبا من رحمتك الواسعة واهدني فيه

دران بهره از رحمت خود فراگیرنده خود و راه نما کن مرا دران

لبراهينك الساطعة وخذ بناصيتي الى مرضاتك

بدلایل بلند خود و فرا گیر موی پیشانی مرا بسوی رضامندیهای خود

الجامعة بمحبتك يا امل المشتاقين روز دهم اللهم

در فراهم آورنده بمحبت خود ای امیدگاه آرزومندان خداوندا

اجعلني فيه من المتوكلين عليك واجعلني فيه

بگردان مرا دران از توکل کنندگان بر تو و بگردان مرا دران

من الفائزين لديك واجعلني فيه من المقربين اليك

از رستگاران نزد خود و بگردان مرا دران از نزدیکان بسوی خود



بإحسانك يا غاية الطالبين روز یازدهم اللهم حبّب

به نیکوئیها حق ای منتهای مطلب طلب کنندگان خداوندا دوست گردان

إليّ فيه الإحسان وكرّه إليّ فيه الفسوق والعصيان

بسوی من دران نیکوئیها و دشمن گردان بسوی من دران بدکرداری و نافرمانی را

وحرّم عليّ فيه السخط والنيران بقوّتك يا غياث

وحرام کن بر من دران خشم و آتشها را بقوتها حق ای فریادرس

المستغيثين روز دوازدهم اللهم زيّنّي فيه بالستر و

دادخواهان خداوندا آراسته کن مرا دران بپوشش و

العفاف واسترني فيه بلباس القنوع والكفاف

پرهیزکاری و بپوشان مرا دران بجامه قناعت و در روزی کفاف

واحملني فيه على العدل والإنصاف وآمنّي

و بدار کن مرا دران بر عدالت و انصاف و ایمن گردان مرا

فيه من كل ما أخاف بعصمتك يا عصمة الخائفين

دران از هر آنچه میترسم بنگاهداشت خود ای نگاهدارنده ترسندگان

روز سیزدهم اللهم طهّرني فيه من الدنس و

خداوندا پاکیزه گردان مرا دران از چرک و

الأقذار وصبّرني فيه على كائنات الأقدار

همه قاذورات و شکیبا کن مرا دران بر تقدیرهای ثابت است

ووفّقني فيه للتقى وصحبة الأبرار بعونك

و توفیق ده مرا دران بپرهیزکاری و مصاحبت نیکوکاران بیاری حق

یا قرّة

يا قرّة عين المساكين روز چهاردهم اللّهمّ لا تؤاخذني

ای روشنی چشم بیچارگان خداوندا بگیر مرا

فيه بالعثرات واقلني فيه من الخطايا والهفوات

در آن بلغزشها و درگذر در آن از گناهان و لغزشهای من

ولا تجعلني فيه غرضًا للبلايا والآفات بعزّتك

و مگردان مرا در آن نشانه برای تیرهای بلا و آفتها بعزت حق

يا عزّ المسلمين روز پانزدهم اللّهمّ ارزقني فيه طاعة

ای ارجمند گردن نهندگان خداوندا روزی کن مرا در آن فرمان بری

الخاشعين واشرح فيه صدري بانابة المخبتين

فروتنی کنندگان و گشایش ده مرا در آن سینه مرا بباز گشت فروتنی کنندگان

بامانك يا امان الخائفين روز شانزدهم اللّهمّ

بامان دادن حق ای ایمنی بخش ترسندگان خداوندا

وفّقني فيه لموافقة الابرار وجنّبني فيه

توفیق ده مرا در اینجاه برای موافقت نیکان و دور گردان مرا در اینجاه

موافقة الاشرار وآوني فيه برحمتك الى

همراهی بدکاران و فرود آر مرا در آن برحمت حق بسوی

دار القرار بالهيّتك يا اله العالمين روز هفدهم

خانه آرامگاه بخداوندی حق ای خدای جهانیان

اللّهمّ اهدني فيه لصالح الاعمال واقض لي

بار خدایا راه نما کن مرا در آن بشایسته کردارها و بگذار از برای من



فِيهِ الْحَوائِجَ وَالْآمالِ يا مَنْ لا يَحْتاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ
دران حاجتها و آرزوها ای انکه محتاج نیست بسوی اظهار کردن

وَالسُّؤالِ يا عالِماً بِما في صُدُورِ الْعالَمِينَ روز هجدهم
و سئوال ای داناکه باانکه در سینهای جهانیانست

اَللّٰهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكاتِ أَسْحارِهِ وَنَوِّرْ فِيهِ
بار خدایا بیدار گردان مرا دران برای برکتهای سحرهای ان و روشن کن دران

قَلْبِي بِضِياءِ أَنْوارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضائِي إِلَى اتِّباعِ
دل مرا بروشنی نورهای او و بگیر بهر اعضای مرا بسوی پیروی

آثارِهِ يا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعارِفِينَ روز نوزدهم اَللّٰهُمَّ
نشانهای ان ای روشن گرداننده دلهای شناسندگان بار خدایا

وَفِّرْ حَظِّي فِيهِ مِنْ بَرَكاتِهِ وَسَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى
بسیار کن دراینجاه بهره مرا از برکتهای حق و اسان گردان راه مرا بسوی

خَيْراتِهِ وَلا تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَناتِهِ يا هادِياً إِلَى
نیکوئی ان و محروم مکن مرا پذیرفتن نیکوئی ان ای راهنمای بسوی

الْحَقِّ الْمُبِينِ روز بیستم اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوابَ
دین حق روشن خداوندا بگشا برای من دران درهای

الْجِنانِ وَأَغْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوابَ النِّيرانِ وَوَفِّقْنِي
بهشت را و ببند برای من درانجاه درهای دوزخ را و توفیق ده مرا

فِيهِ لِتِلاوَةِ الْقُرْآنِ يا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ في قُلُوبِ
دراینجاه از برای خواندن قران حق ای فرود آورنده آرامش در دلهای

المؤمنین روز بیست و یکم اللهم اجعل لی فیه الی مرضاتك
گروندگان خداوندا بگردان برای من در اینماه بسوی خوشنودی خود

دلیلا و لا تجعل للشیطان فیه علی سبیلا و
راهی و مگردان از برای شیطان در اینماه بر من راهی و

اجعل الجنة لی منزلا و مقیلا یا قاضی حوائج الطالبین
بگردان بهشت را از برای جای فرود آمدن و آرامگاه ای برآورنده حاجات طلب کنندگان

روز بیست و دویم اللهم افتح لی فیه ابواب فضلك
خداوندا بگشا برای من در اینماه درهای بخشش خود را

و انزل علی فیه برکاتك و وفقنی فیه لموجبات
و فرود آور بر من در اینماه برکات خود را و توفیق ده مرا در اینماه برای آنچه موجب

مرضاتك و اسكنی فیه بحبوحات جناتك یا
خوشنودیست مرا و ساکن گردان در اینماه در میان بوستانهای بهشت خود ای

مجیب دعوة المضطرین روز بیست و سیم اللهم اغسلنی
اجابت کننده دعای درماندگان خداوندا بشوی مرا

فیه من الذنوب و طهرنی فیه من العیوب و
در اینماه از گناهان و پاک گردان مرا در اینماه از عیبها و

امتحن قلبی فیه بتقوی القلوب یا مقیل عثرات
آزمایش کن دل مرا در آن به پرهیزکاری دلها ای درگذرنده از لغزشهای

المذنبین روز بیست و چهارم اللهم انی اسئلك فیه ما
گناهکاران خداوندا بدرستیکه سؤال می کنم ترا در آن آنچه



بفضلك واعوذ بك فيه مما يؤذيك واسئلك

خوشنودی تو و پناه می برم بتو دراینماه از آنکه آزرده شوی تو و سؤال می کنم ترا

فيه التوفيق فيه لان اطيعك ولا اعصيك يا عالما

دراینماه توفیق را دراینماه از برای آنکه فرمان برم ترا و نافرمانی نکنم ترا ای دانا

باحوال السائلين بسبب محمد اللهم اجعلني فيه محبا

باحوال سؤال کنندگان خداوندا بگردان مرا دراینماه دوست

لاوليائك ومعاديا لاعدائك مستنا بسنة

مر دوستان خود و دشمن از برای دشمنان خود جاری شونده بطریقه

خاتم انبيائك يا عاصم قلوب النبيين روز بیست و ششم

آخر پیغمبران تو ای نگاهدارنده دلهای پیغمبران

اللهم اجعل سعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا

بارخدایا بگردان حرکت مرا دراینماه جزا داده شده و گناه مرا دراینماه آمرزیده شده

وعملي فيه مقبولا وعيبي فيه مستورا يا اسمع

و کردار مرا دراینماه پذیرفته شده و عیب مرا دراین پوشیده ای شنواترین

السامعين روز بیست و هفتم اللهم ارزقني فيه

شنوندگان خداوندا روزی کن مرا دراینماه

فضل ليلة القدر وصير اموري فيه من العسر

زیادتی شب قدر و بگردان امور مرا دراینماه از سختی

الى اليسر واقبل معاذيري وحط عني الوزر يا رؤفا

بسوی آسانی و قبول کن عذرهای مرا و فرو دار از من بارگران را ای مهربان



بعباده

بعباده الصالحين بیست هشتم اللهم وفّر حظي فيه

به بندگان شایستگان خداوندا بسیار کن بهره مرا در اینماه

من النوافل وأكرمني فيه بإحضار المسائل وقرّب

از زیادتیها وگرامی دار مرا در اینماه بحاضر کردن مسائل ونزدیک گردان

فيه وسيلتي من بين الوسائل يا من لا يشغله إلحاح

در اینماه وسیله مرا بسوی خود از میان وسیلها ای آنکه بازنمیدارد اورا مبالغه

الملحين بیست نهم اللهم غشّني فيه بالرحمة وارزقني

مبالغه کنندگان خداوندا بپوشان مرا در اینماه برحمت وروزی کن مرا

فيه التوفيق والعصمة وطهّر قلبي من غياهب

در اینماه توفیق ونگهداری وپاکیزه گردان دل مرا از تیرگیهای

التهمة يا رحيما بعباده المؤمنين سی ام اللهم

دروغ بستن ای مهربان بر بندگان گروندگان خداوندا

اجعل صيامي فيه بالشكر والقبول على ما ترضاه

بگردان روزه مرا در اینماه مقرون بسپاس گذاری وپذیرا بآنچه که پسندی اورا

ويرضاه الرسول محكمة فروعه بالأصول بحق

وپسندیده دارد اورا رسول حال آنکه محکم باشد فرعهای آن باصلهای آن بحق

سيدنا محمد وآله الطاهرين والحمد لله رب العالمين

آقای ما محمد وآل او که پاکانند وستایش مر خدا را که پروردگار عالمیان است

مؤلف گوید که در تقدیم وتاخیر دعاهای هر یک در کتب



دعوات ذکر کرده اند چون روایتش را معتبر نمی
دانم متعرض ذکر آنها نشده ام دعای روز بیست و
هفتم کفعمی در بیست و نهم ذکر کرده است و موافق
مذهب شیعه در روز بیست و سیم خواندن دور
نیست که انسب باشد والله یعلم **باب سیم**
در اعمال و لیالی و ایام متبرکه ماه شوال و ماه ذی
القعده است از جمله ایام متبرکه ماه شوال روز
عید فطر است و شبش از جمله لیالی شریفه است
و در فضیلت و ثواب روزه عبادت و احیای آن
احادیث بسیار است و از حضرت رسول صلعم منقول است
که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزی
که دلها از ترس بمیرد و از حضرت و از حضرت امام محمد
باقر ع مرویست که گفت پدرم علی ابن الحسین شب
عید را احیا می کرد بنماز تا صبح و بر تمام آن شب در
مسجد میماند و میگفت که این فرزند امشب کمتر از شب
قدر نیست و غسل در این شب سنت است و شخصی
بخدمت حضرت عرض کرد که آمرزش نازل می شود بر کسی
که روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر حضرت فرمود
که بکار کن مزدش را نمیدهند مگر بعد از فراغ آن کار



وآن در شب عید است راوی گفت که چکار سزاوارتر
کرد در این شب بکنم حضرت فرمود که چون آفتاب غروب کند
غسل بکن و چون فریضهٔ مغرب و نافله یا ذا المن و
ای صاحب انعام و
از آنجا آوردی دستها را بسوی آسمان بلند کن و بگو
الطول یا ذا الجود یا مصطفی محمد و ناصره صل علی
بخشش ای صاحب انعام و جود ای برگزیننده محمد و یاوری دهندهٔ او رحمت کن بر
محمد و آل محمد واغفر لی کل ذنب احصیته و هو عندک
محمد و آل محمد و بیامرز از برای من هر گناهی که بشمردی اورا و شمرده اورا و او نزد تو
فی کتاب مبین پس بسجود برو و صد مرتبه در سجود
بگو اتوب الی الله پس هر حاجت
بازگشت میکنم بسوی خدا
که داری بطلب که انشاء الله برآورده است و بسند
معتبر منقول است که حضرت امیر المؤمنین ع در شب عید
فطر دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول بعد از
حمد هزار مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم
یکمرتبه بخواند پس برکوع و سجود میرفتند و بعد از سلم
بسجده میرفتند و اتوب الی الله پس می یا ذا المن و
بازگشت میکنم بسوی خدا ای صاحب انعام و
و صد مرتبه میگفتند گفتند
الطول یا مصطفی محمد صل علی محمد و آل محمد پس
بخشش ای برگزیننده محمد رحمت کن بر محمد و آل محمد



حاجات خود را میطلبیدند پس سر از سجده برمیداشتند
و میفرمودند بحق خداوندی که جانم بدست اوست
هر کر این نماز را بکند هر حاجت که از حق تعالی بطلبد
البته او را عطا کند و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه
داشته باشد خدا بیامرزد و بعد از یا الله یا الله یا
نماز سنت است که این دعا بخواند

ای خدا ای خدا ای خدا ای

الله یا رحمن یا الله یا رحیم یا الله یا ملک یا الله یا

خدا ای بخشنده ای خدا ای مهربان ای خدا ای پادشاه ای خدا و ای

قدوس یا الله یا سلام یا الله یا مؤمن یا الله یا مهیمن

پاکیزه ای خدا ای سالم از نقص ای خدا ای امان دهنده ای خدا ای نگاهدارنده

یا الله یا عزیز یا الله یا جبار یا الله یا متکبر یا الله

ای خدا ای غالب ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بزرگوار ای خدا

یا خالق یا الله یا باری یا الله یا مصور یا الله یا

ای آفریننده ای خدا ای پدید آورنده ای خدا ای نگارنده ای خدا ای

عالم یا الله یا عظیم یا الله یا کریم یا الله یا حلیم

دانا ای خدا ای بزرگ ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بردبار

یا الله یا حکیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله

ای خدا ای درست کردار ای خدا ای شنوا ای خدا ای بینا ای خدا و

یا قریب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا واحد

ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای [illegible]

یا الله



يا الله يا ولي يا وفي يا الله يا مولى يا الله يا قاضي يا

ای حکم کننده ای یار ای وفا کننده ای دوست ای خدا

الله يا سريع يا الله يا شديد يا الله يا رؤف يا الله يا

ای زود اجابت کننده ای توانا ای مهربان ای

رقيب يا الله يا مجيب يا الله يا جواد يا الله يا علي

نگهبان ای اجابت کننده ای بخشنده ای بلند مرتبه

يا الله يا حفيظ يا الله يا محيط يا الله يا سيد السادات

ای نگهبان ای فرا گیرنده ای آقای آقایان

يا الله يا اول يا الله يا آخر يا الله يا ظاهر يا باطن

ای اول ای آخر ای هویدا ای پنهان

يا الله يا فاخر يا الله يا قاهر يا الله يا رباه يا الله يا

ای بزرگوار ای صاحب قهر ای پروردگار ای

رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله

پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

يا رباه يا الله يا ودود يا الله يا نور يا الله يا دافع

ای پروردگار ای دوست ای نور ای دفع کننده

يا الله يا مانع يا الله يا فاتح يا الله يا نفاع يا الله

ای منع کننده ای گشاینده ای کثیر

يا جليل يا الله يا جميل يا الله يا شهيد يا الله

ای بزرگوار ای نیکو ای گواه



یا شاهد یا الله یا مغیث یا الله یا حبیب یا الله یا فاطر

ای گوا ای فریادرس ای دوست ای پدید آورنده

یا الله یا مطهر یا الله یا مالك یا الله یا مقتدر یا

ای پاک کننده ای خداوند ای توانا

الله یا قابض یا الله یا باسط یا الله یا محیی یا الله

ای گیرنده ای پهن کننده ای زنده کننده

یا ممیت یا الله یا مجیب یا الله یا باعث یا الله یا معطی

ای میراننده ای اجابت کننده ای برانگیزاننده ای عطا کننده

یا الله یا مفضل یا الله یا منعم یا الله یا حق یا الله

ای بخشنده ای انعام کننده ای ثابت

یا مبین یا الله یا طبیب یا الله یا محسن یا الله یا

ای هویدا ای دوا ای نیکو ای

مبدئ یا الله یا معید یا الله یا باری یا الله یا بدیع

پدید آورنده ای اعاده کننده ای آفریدگار ای نو پدید آورنده

یا الله یا هادی یا الله یا کافی یا الله یا شافی یا

ای راهنما ای کفایت کننده ای شفا کننده

الله یا علی یا الله یا حنان یا الله یا منان یا الله

ای بلند مرتبه ای مهربان ای مهربان

یا ذا الطول یا الله یا متعالی یا الله یا عدل یا الله

ای صاحب بزرگواری ای بلند مرتبه ای عدل

یا ذا المعارج

یا ذَا الْمَعارِجِ یا اَللّٰهُ یا صادِقُ یا اَللّٰهُ یا دَیّانُ یا اَللّٰهُ

ای خداوند بلند پایه ای راست گو ای جزا دهنده

یا باقی یا اَللّٰهُ یا ذَا الْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ یا اَللّٰهُ یا مَعْبُودُ

ای بی زوال ای صاحب جلالت ای صاحب بزرگوارگی ای پرستیده شده

یا اَللّٰهُ یا مَحْمُودُ یا اَللّٰهُ یا صانِعُ یا اَللّٰهُ یا مُعینُ یا اَللّٰهُ

ای پسندیده شده ای آفریدگار ای اعانت کننده

یا مُکَوِّنُ یا اَللّٰهُ یا فَعّالُ یا اَللّٰهُ یا لَطیفُ یا اَللّٰهُ یا

ای ایجاد کننده ای کننده ای مهربان ای

جَلیلُ یا اَللّٰهُ یا جَمیلُ یا اَللّٰهُ یا غَفُورُ یا اَللّٰهُ یا

بزرگوار ای نیکو ای آمرزنده ای

شَکُورُ یا اَللّٰهُ یا نُورُ یا اَللّٰهُ یا حَنّانُ یا اَللّٰهُ یا

جزا دهنده ای نور ای مهربان ای

قَدیرُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ

توانا ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ

ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ

ای پروردگار سوال میکنم ترا اینکه رحمت کنی بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَمُنَّ عَلَیَّ بِرِضاکَ وَ تَعْفُوَ عَنّی

محمد و آل محمد و منت کنی بر من بخشنودی خود و عفو کنی از من



بحلمك وتوسع علي من رزقك الحلال الطيب

به بردباری خود و فراخ کن بر من از روزی خود حلال است و پاکیزه

من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب فاني

از هر جا که گمان می برم و از جائی که گمان ندارم پس بدرستیکه من

عبدك ليس لي احد سواك ولا احد اسئله غيرك

بنده توام نیست از برای من احدی غیر از تو و نیست احدی که سوال کنم او را غیر تو

يا ارحم الراحمين ما شاء الله لا قوة الا بالله العلي

ای رحیم ترین رحم کنندگان آنچه خواهد خدا نیست توانائی مگر بخدای بلند مرتبه

العظيم پس بسجده میروی و میگوئی يا الله يا الله يا رب يا الله

بزرگ ای خدا ای خدا ای پروردگار ای خدا

يا رب يا منزل البركات بك كل حاجة اسئلك

ای پروردگار ای فرود آورنده برکات بتو هر حاجت سوال میکنم ترا

بكل اسم في مخزون الغيب عندك والاسماء

بهر نامی در پنهان است و در خزانه است نزد تو و نامهای

المشهورات عندك المكتوبة على سرادق عرشك

مشهور گردیده شده نزد تو نوشته شده بر پرده های عرش تو

ان تصلي على محمد وال محمد وان تقبل مني شهر

اینکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و اینکه بپذیری از من ماه

رمضان وتكتبني في الوافدين الى بيتك

رمضان را و بنویسی مرا در زمره وارد شوندگان بخانه خود

الحرام

الحرام وتصفح لی عن الذنوب العظام ولتستخرج یا رب

محترم و درگذری از من از گناهان بزرگ و بیرون آوری ای پروردگار

کنوزک یا رحمن و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه

گنجهای ترا ای خدای بخشنده

قل هو الله صد مرتبه نیز وارد شده

وایضاً سنت مؤکد است که بعد از نماز شام و خفتن

وصبح شب عید و نماز عید این تکبیرات را بخواند

الله اکبر الله اکبر ولا اله الا الله والله اکبر الله

خدا بزرگ تر است خدا بزرگ تر است نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگ تر است خدا

اکبر ولله الحمد الله اکبر علی ما هدینا **اما** اعمال

روز عید پس

بزرگ تر است و مر خدای راست حمد خدا بزرگ تر است بر آنچه راه نمود ما را

زکوة فطره واجبست و ترکش با تحقیق شرایط و

جوب گناه کبیره است و شرط قبول روزه ماه مبارک

چنانچه از حضرت صادق منقولست که تمامی روزه

زکوة است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل

محمد تمامی نماز است زیرا که هر که روزه بدارد و

زکوة فطره را ندهد روزه او مقبول نیست هرگاه

عمداً ترک کند و اگر صلوات بر محمد و آل محمد را ترک کند

در تشهد نمازش مقبول نیست و خدا زکوة را پیش

از نماز ذکر کرده است در آنجا که فرموده است



قد أفلح من تزكى و ذكر اسم ربه فصلى به تحقیق که رستگاری

بتحقیق که رستگاری یافت کسیکه زکوة فطره داد و پروردگار خود را یاد کرد و نماز عیدها بجا آورد

یافت هر که زکوة فطره را داد و بعد کار خود را یاد
کرد بان تکبیرات که مذکور شد پس نماز عید را بجا آورد
چنانچه زکوة مال باعث پاکیزگی مال میشود و مال
از تلف محفوظ مینماید چنانچه منقولست که هیچ مال
در دریا و صحرا تلف نمی شود مگر بندادن زکوة همچنین
زکوة فطره بدنست و بدن را پاکیزه میگرداند از بخل و سایر
کثافات معنویه و او را تا سال آینده از بلاها حفظ می
کند چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت صادق با
معتب وکیل خرج خود فرمود که برو و فطره جمیع عیال
و غلامان و کنیزان ما را بده و یکی از ایشان را ترک مکن
که زکوة او را ندهی زیرا که اگر یکی را ترک میکنی میترسم
که در عرض سال بمیرد و بدانکه زکوة بر مال نابالغ و
دیوانه عیال دیگری باشند بر او واجبست که فطره
ایشانرا بدهد و زکوة بنده را آقا میدهد بنابر مشهور
مگر آنکه بنده عیال دیگری باشد و اشهر و اقوی است
که قوت سالیانه خود و عیال خود داشته باشد یا
قادر بر کسبی باشد که وفا بمعیشت او و عیال خود بکند فطره

داشند



داشته باشد بر او واجب است و اظهر آنست که بر او
سنت است و اگر فقیر یک سر فطره را با عیال با خود
دست بدست بگرداند و بعد از آن بفقیر دیگر بدهد
همه ثواب فطره تامی یابند و باید که غنی اخراج فطره کند
از خود و از هر کس که واجب النفقه او باشد بشرط آنکه
عیال دیگری شده باشند بر او واجب است و همچنین
باید بدهد از هر کسی که در خانه او باشد از مهمان و
غیر او که آخر روز ماه رمضان پیش از شام در آنخانه باشد
و افطار کند و اگر بعد از شام داخل شود و افطار کند یا
نکند بر او واجب نیست بر صاحب خانه و اگر پیش از
شام داخل شود و افطار از مال او نکند احوط آنست
که هر دو بدهند یا یکی از ایشان باذن دیگری بمستحق بدهد
قربة الی الله و اگر شخصی عیال او نباشد اما نفقه و
کسوه او را دهد نزد دیگری باشد زکوة او بر معطی
نیست و همچنین اگر در شب عید پیش از شام از جهة
همسایها طعامی بفرستند یا فقیر را چیزی بدهد یا
شخصی در ماه رمضان مهمان باشد در شب و در جای
دیگر افطار کند یا بعد از شام عید افطار کرده بخواند
و اید یا چیزی نخورده باشد و بعد از شام بیاید زکوة



زکوة بر او واجب نیست و احوط آنست که در صورت
اخیر هر دو بدهند بلکه مطلق مهما امکن اگر غنی باشد
خود نیز بدهد بهتر است و وقت بیرون کردن فطره
موافق مشهور از شام شب عید است تا ظهر روز عید
و بعضی گفته اند تا شام روز و احوط آنست که در
شب جدا کند و پیش از نماز عید بدهد و اگر در صبح جدا
کند نیز خوبست و اگر پیش از نماز جدا کند و بعد از نماز
در آن روز یا بروز دیگر برای حاضر شدن مستحق یا عذر
دیگر تاخیر کند قصور ندارند و اگر جدا نکند تا ظهر روز
عید احوط آنست که تا شام قصد ادا و قضا نکند و
اگر از روز عید بگذرد بقصد قربت بدهد و بقصد
خصوص نکند یا آنکه قصد کند که اینرا میدهم که اگر
قضای فطره بر من واجب باشد و الا تصدق باشد
و پدر و مادر و جد و فرزندان و فرزندزادگان هرگاه
فقیر باشد نفقهٔ ایشان بر او واجب است پس اگر نفقهٔ
او را خورند فطرهٔ ایشان بر او است و اگر عیال شخص
دیگر باشند بر آن شخص دیگر است و اگر عیال دیگری
نیز نباشند اشهر و احوط آنست که او فطرهٔ ایشان بدهد
واما جنس فطرهٔ مشهور آنست که هر چیز قوت غالب او (۱)



باشد

باشد میتواند داد واحوط آنست که جو یا گندم یا موئز
یا خرما یا کشک بدهد وبهتر آنست که خرما بدهد
وبعد از آن موئز هرچه قوت غالب باشد چنانچه مردم
شهر غالب قوت ایشان چون نان گندم است
بهتر آنست که گندم بدهند ومردم دهات که غالبا
نان جو میخورند جو بدهند ودر حدیث است که یک
صاع خرما در فطره بدهم دوستر میدارم از آنکه یک
طلا بدهم واما مقدار فطره آن هر شخصی یکصاع
باید داد وصاع موافق حساب مشهور ظاهرا یکمن
تبریز وچهارده مثقال وربع مثقال است واحوط آن
است که یکمن نیم تبریز بدهند وبنهایت احتیاط که یکمن
شاه بدهند ونباید بدهند که قوت سالیانه خود وعیال
خود را نداشته باشد وسائل بکف نباشد واحوط
آنست که متظاهر بفسوق نباشد وصالح باشد واحوط
آنست که در زمان غیبت امام بمجتهد جامع الشرایط
عادل بدهند که او بمستحقان برساند چون بمصارف
او بهتر میداند وبعضی از علماء این را واجب دانسته
اند واحوط آنست که فقیر را کمتر از یکصاع ندهند
وبیک کس چند سر میتواند داد وفطره را بواجب النفقه
نمیتواند داد وبخویشان غیر واجب النفقه دادن



بهتر است وبعد از ان بهمسایکان پریشان وبعد از ان
بکسانی که فاضلتر وصالح تر وپریشان تر باشند فطره
غیر سید را بسید نمیتوانند داد وسنت است که در روز
عید پیش از نماز عید در اول روز افطار کنند وسنت
است که بخرما افطار کند وغسل روز عید سنت موکد است
وبعضی واجب دانسته اند واز حضرت صادق ع منقول است
که غسل را در زیر سقفی بکن ودر اللهم ایمانا
زیر اسمان مکن وپیش از غسل بکو
خدایا تصدیق میخواهم
بک وتصدیقا بکتابک واتباع سنة نبیک ثم
بتو وباور داشتن کتاب ترا وپیروی میخواهم طریقه پیغمبر ترا
بسم الله بکو وغسل بکن وچون اللهم اجعله کفارة
از غسل فارغ شوی بکو
بنام خدا خدایا بکردان این غسل را کفاره
لذنوبی وطهر دینی اللهم اذهب عنی الدنس
کناهان من وپاک کن دین مرا خداوندا ببر از من چرکینی را
وزیارة حضرة امام حسین ع در روز عید سنت موکد است
وثواب بسیار در ان وارد شده است ونماز عید در
زمان حضرت امام ع واجب است ودر زمان غیبت
امام اکر علما سنت می دانند وبجماعت کردن را سنت
میدانند ومیکویند تنها میتوانند کرد وبعضی بکمان فقیر واجب
است که بجماعت بکنند وبنماز جمعه عادل حاضر

شوند

شوند و اگر نتوانند حاضر شد تنها کردن سنت است
و نماز عید دو رکعت است اول بعد از حمد قراءت
پنج تکبیر میگوید و بعد از هر تکبیری یک قنوت و در
رکعت دویم بعد از قراءت چهار تکبیر میگوید و چهار
قنوت میخواند و قنوت مخصوص دارد و اگر کسی اورا
نداند آنچه در قنوت نمازهای دیگر میخواند بخواند
و هرگاه بجماعت کنند پیش نماز دو خطبه بعد از نماز
میخواند و قنوت مخصوص اللهم اهل الکبریاء و
نماز عید اینست — خدایا ای سزاوار بزرگی

العظمة و اهل الجود و الجبروت و اهل العفو و الرحمة
عظمتی و سزاوار بخشش و بزرگواری و سزاوار بخشش و رحمتی

و اهل التقوی و المغفرة اسئلك بحق هذا الیوم
و سزاوار پرهیزکاری و آمرزش سوال میکنم تو را بحق این روز

الذی جعلته للمسلمین عیدا و لمحمد صلی الله علیه و
آنچنان که گردانیدی آن را از برای مسلمانان عید و از برای محمد رحمت فرستد خدا بر او

و آله ذخرا و مزیدا ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان
و بر آل او ذخیره و زیاده داده شده اینکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و آنکه

تدخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمدا و آل محمد و ان
درآوری مرا در هر نیکی که درآوردی در آن محمد و آل محمد را و آنکه



تخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد صلو
بیرون کنی مرا از هر بدی چه بیرون آوردی ازان محمد و آل محمد رحمتها می تو
علیه و علیهم اللهم انی اسئلک خیر ما سئلک
بر او و بر ایشان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم تو بهتر از آنکه سوال کرده ترا
به عبادک الصالحون و اعوذ بک مما استعاذ
بان بندگان شایسته و پناه می برم بتو از آنکه پناه برد
منه عبادک المخلصون و بعد از نماز عید دعاء
از آن بندگان خالص شده
بسیار وارد شده است
و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسند
صحیح از حضرت امام محمد باقر منقول است که در روز
جمعه و عید فطر و عید قربان در هنگامی که می شود
این دعا اللهم من تهیأ فی هذا الیوم او تعبأ
بخوانند
بار خدایا کسیکه مهیا گردیده درین روز یا ساز گشته
او اعد و استعد لوفادة الی مخلوق رجاء رفده و
یا سخته شد یا آماده گردیده برای وارد شدگان بسوی مخلوق بجهة امید بخشش او و
نوافله و فواضله و عطایاه فان الیک یا سیدی
زیادتیهای او و نیکیهای او و عطاهای او پس بدرستی که بسوی توست ای آقای من
تهیئتی و تعبئتی و اعدادی و استعدادی رجاء
مهیا گشتن من و ساز گشتن من و مهیا شدن من و آماده شدن من بجهة امید



رفدک

رِفْدِكَ وَجَوائِزِكَ وَنَوافِلِكَ وَفَواضِلِكَ وَفَضائِلِكَ

بخشش تو و عطاهای تو و جایزه‌های تو و نیکیهای تو و احسانهای تو

وَعَطائِكَ وَقَدْ غَدَوْتُ مالي عِنْدَ مِنْ اَعْمالٍ اُمَّةِ نَبِيِّكَ

و بخششهای تو و بتحقیق که بامداد آوردم بسوی عبدیت از اعمال و امت پیغمبر تو

مُحَمَّدٍ وَلَمْ اَفِدْ اِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صالِحٍ اَثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ

محمد و نیامدم من بسوی تو امروز بکردار شایسته که اعتماد دارم بآن پیش داشتم

وَلا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ اَمَّلْتُهُ وَلكِنْ اَتَيْتُكَ خاضِعاً

و رو نکردم بمخلوقی که امید وار باشم ولیکن آمدم من تورا در حالتی فروتنی کنم

مُقِرّاً بِذُنُوبي وَاِساءَتي اِلى نَفْسي فَيا عَظيمُ يا عَظيمُ

و اقرار کننده بگناهان خود و بدی کردن بسوی نفس خود پس ای بزرگ ای بزرگ

اِغْفِرْ لِيَ الْعَظيمَ مِنْ ذُنُوبي فَاِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظامَ

بیامرز از برای من بزرگ از گناهان مرا پس بدرستیکه نمی آمرزد گناهان بزرگ را

اِلاّ اَنْتَ يا لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

مگر تو ای آنکه نیست خدائی مگر تو ای رحم‌کننده‌ترین رحم کنندگان

حدیث معتبر از حضرت صاحب الامر منقولست که

بعد از نماز صبح روز اللّهُمَّ اِنّي تَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ

اسید عارا بخوانند — خدایا بدرستیکه من رو آوردم بسوی تو

بِمُحَمَّدٍ اَمامي وَعَلِيٍّ مِنْ خَلْفي وَعَنْ يَميني وَاَئِمَّتي عَنْ

بوسیلهٔ محمد که پیش روی من و بعلی که پس سر من و از جانب راستم و بعضی امامان خود از



بِسَرَائِرِي أَسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذَابِكَ وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ

عاب جب خود پنهان میشوم بایشان از عذاب تو و نزدیکی می جویم بسوی تو

زُلْفَى لَا أَجِدُ أَحَدًا أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ فَهُمْ أَئِمَّتِي

نزدیکا که نمی یابم احدی را نزدیکتر بسوی تو از ایشان پس ایشان پیشوایان منند

فَآمِنْ بِهِمْ خَوْفِي مِنْ عِقَابِكَ وَسَخَطِكَ وَأَدْخِلْنِي

پس ایمن گردان بایشان ترس مرا از عذاب خود و خشم خود و درآور مرا

بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا

برحمت خود در زمره بندگان شایسته گان صبح کردم حال آنکه هستم بخدا ایمان آورنده

مُوقِنًا مُخْلِصًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَعَلَى دِينِ عَلِيٍّ

یقین کننده خالص بر دین محمد و طریقه او و بر دین علی

وَسُنَّتِهِ وَعَلَى دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَسُنَّتِهِمْ آمَنْتُ

و طریقه او و بر دین اوصیا و طریقه ایشان ایمان آوردم

بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَأَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا رَغِبَ

به پنهان ایشان و آشکار ایشان و رغبت دارم بسوی خدا در آنکه رغبت دارند

فِيهِ إِلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ فَالْأَوْصِيَاءُ وَلَا حَوْلَ وَلَا

در آن بسوی او محمد و علی پس اوصیا و نیست گردیدنی و نه

قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا عِزَّةَ وَلَا مَنَعَةَ وَلَا سُلْطَانَ

توانائی مگر بخدا و نه ارجمندی و نه بازداشتنی و نه پادشاهی

إِلَّا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ تَوَكَّلْتُ

مگر از برای خدای یگانه غلبه دارنده ارجمند جبار اعتماد کردم من

عَلَى اللَّهِ

على الله ومن يتوكل على الله فهو حسبه إن الله

بر خدا وهرکه اعتماد کند بر خدا پس او بس است او را بدرستیکه خدا

بالغ أمره قد جعل الله لكل شيء قدرا اللهم

رساننده است فرمان خود را بتحقیق که قرار داد خدا از برای هر چیزی اندازه خداوندا

إني أريدك فأردني وأطلب ما عندك فيسره

بدرستیکه اراده می‌دارم ترا پس اراده کن مرا و طلب می‌کنم آنچه نزد تو است پس آسان کن آنرا

لي واقض لي حوائجي فإنك قلت في كتابك

برای من و برآور برای من حاجتهای مرا پس بدرستیکه تو می‌گوئی در کتاب خود

وقولك الحق شهر رمضان الذي أنزل فيه

و گفته تو راست است ماه رمضان آنچه که فرو فرستاده شده در آن ماه

القرآن هدى للناس وبينات من الهدى

قرآن راهنمای از برای مردمان است و نشانهای روشن است از رهنماها

والفرقان فعظمت حرمة شهر رمضان بما

و جدا کننده حق و باطل پس بزرگ کردی حرمت ماه رمضان را باینکه

أنزلت فيه من القرآن وخصصته وعظمته

فرو فرستادی در آن از قرآن و مخصوص کردانیدی او را و بزرگ کردانیدی او را

بتصييرك فيه ليلة القدر فقلت ليلة

بگردانیدن تو در آن شب قدر را پس گفتی شب

القدر خير من ألف شهر تنزل الملائكة و

قدر بهتر است از هزار ماه فرود می‌آیند فرشتگان و



الرّوح فيها باذن ربّهم من كلّ امرٍ سلامٌ هي حتّى
روح در آن بفرمان پروردگار ايشان از هر فرمانی سلامت است آن تا
مطلع الفجر اللّهمّ وهذه ايّام شهرٍ قد انقضت
طلوع صبح خدايا واين روزهای ماه رمضان كه بپايان رسيده
ولياليه قد تصرّمت وقد صرت منه يا الهي
وشبهای آن هم كه بسر آمد ومن رسيدم كه گرديدم از آن ای خدای من
الى ما انت اعلم به منّي واحصى لعدده من
بسوی آنكه تو داناتری بآن از من وداناتری بشمردن آن از
عددي فاسئلك يا الهي بما سألك به عبادك
شماره من پس سوال ميكنم ترا ای خدای من بآنچه سوال كردند ترا بآن بندگان
الصّالحون ان تصلّي على محمّدٍ وآل محمّدٍ واهل بيت
شايسته آنكه رحمت كنی بر محمد وآل محمد واهل بيت
محمّدٍ وان تتقبّل منّي ما تقرّبت به اليك وتتفضّل
محمد وآنكه بپذيری از من آنچه نزديكی جستم بسوی تو وآنكه بخشش كنی
على بتضعيف عملي وقبول تقرّبي وقرباتي و
برمن بدو چند كردن عمل من وپذيرفتن نزديكی جستن من وعبادات قرب من و
استجابة دعائي وهب لي منك عتق رقبتي من
مستجاب شدن دعای من وبخش از برای من از جانب خود آزادی گردن مرا از
النّار ومنّ عليّ بالفوز بالجنّة والامن يوم الخوف
آتش ومنت گذار برمن برستگاری به بهشت وايمن بودن روز ترس

من كل



مِنْ كُلِّ فَزَعٍ وَمِنْ كُلِّ هَوْلٍ اَعْدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيامَةِ

از هر ترسی واز هر هولی که شماره کردی اورا از برای روز قیامت

اَعُوذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَحُرْمَةِ نَبِيِّكَ الصّالِحِ

پناه می برم وبحرمت ذات بزرگوار تو وحرمت پیغمبر تو که شایسته است

اَنْ تَنْصَرِمَ هذَا الْيَوْمُ وَلَكَ قِبَلِي تَبِعَةٌ تُرِيدُ اَنْ

از اینکه بپایان رسد این روز وبر تو است نزد من وبالی اراده می کنی اینکه

تُؤاخِذَنِي بِها اَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ اَنْ تُقايِسَنِي بِهِ وَتُشْقِيَنِي

مواخذه کنی مرا بآن یا گناهی که اراده داری اینکه مقایسه کنی مرا بآن وبدبخت کنی و

وَتَفْضَحَنِي بِهِ اَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ اَنْ تُقايِسَنِي بِها وَتَقْتَصَّها

ورسوا کنی مرا بآن یا خطائی که اراده داری اینکه مقایسه کنی مرا بآن وبگیری آن را

مِنِّي لَمْ تَغْفِرْها لِي وَاَسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ

از من نیامرزی آن را از من وسوال می کنم ترا بحرمت ذات بزرگوار تو

الْفَعّالِ لِما يُرِيدُ الَّذِي تَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ لا

که کننده است هرچه اراده می کند آنچنانی که می گوید از برای هر چیزی که باش پس می باشد نیست

اِلهَ اِلّا هُوَ اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِلا اِلهَ اِلّا اَنْتَ

خدایی مگر او خداوندا بدرستیکه سوال می کنم بحرمت لا اله الا انت

اِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي فِي هذَا الشَّهْرِ اَنْ تَزِيدَ فِيما بَقِيَ

اگر هستی تو خوشنود از من در این ماه اینکه زیاد کنی در آنچه باقی مانده

مِنْ عُمْرِي رِضًا فَاِنْ كُنْتَ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فِي هذَا الشَّهْرِ

از زندگانی من خوشنودی را پس اگر باشی که خوشنود نشدی از من در این ماه



فمن الآن فارض عنّي الساعة الساعة الساعة و

پس از حالا خوشنود شو از من در این ساعت این ساعت این ساعت و

اجعلني في هذه الساعة وفي هذا المجلس من عتقائك

بگردان مرا در این ساعت و در این مجلس از آزادکان خود

من النار وطلقائك من جهنم وسعداء خلقك

از آتش و رها کردگان تو از جهنم و نیک بختان خلق خود

بمغفرتك ورحمتك يا ارحم الراحمين اللهم

بآمرزش خود و رحمت خود ای رحیم ترین رحم کنندگان خداوندا

اسئلك بحرمة وجهك الكريم ان تجعل شهري

سؤال می کنم تو را بحرمت ذات بزرگوار تو اینکه بگردانی ماه مرا

هذا خير شهر رمضان عبدتك فيه وصمته

این ماه بهتر از ماه رمضان تنها پرستیدم تو را در آن ماه و روزه گرفتم

لك وتقربت به اليك منذ اسكنتني فيه اعظمه

از برای تو و نزدیکی جستم بآن بسوی تو در آن وقت که ساکن کردی مرا در آن بزرگ تر

اجرا واتمه نعمة واعمه مغفرة واكمله رضوانا و

از روی مزد و تمام تر نعمتی و فراگیرنده تر آمرزشی و کامل تر خوشنودی و

اقربه الى ما تحب وترضى اللهم لا تجعله آخر

نزدیک تر بسوی آنکه دوست میداری و خوشنود میشوی خداوندا مگردان او را آخر

شهر رمضان صمته لك وارزقني العود فيه ثم

ماه رمضان که روزه گرفتم او را برای تو و روزی کن مرا برگشتن در آن ماه پس

العود



العود حتى ترضى وبعد الرضى وحتى تخرجني من الدنيا

برگشتن تا اینکه خوشنود شوی و پس از خوشنودی و تا اینکه بیرون بری مرا از دنیا

سالما وانت عني راض وانا لك مرضي اللهم

سالم و حال اینکه تو از من خوشنود باشی و من برای تو پسندیده باشم بار خدایا

اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم الذي

بگردان در آنچه حکم می کنی و تقدیر می کنی از امر لازم گردیده که

لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام

بر نگردد و بدل نشود اینکه بنویسی مرا از حاجیان خانه خود که محترم است

في هذا العام وفي كل عام المبرور حجهم المشكور

در این سال و در هر سال از آنها که پذیرفته شود حج ایشان پسندیده شود

سعيهم المغفور ذنوبهم المتقبل مناسكهم المعا

حرکت ایشان آمرزیده شود گناه ایشان پذیرفته عبادتهای ایشان

على استغفارهم المتقبلين على نسكهم المحفوظين في

بر استغفار ایشان رو آورنده بر اعمال حج خود نگاه داشته شده در

انفسهم واموالهم وذراريهم وكل ما انعمت به

نفسهای خود و مالهای خود و فرزندان خود و هر آنچه انعام کردی تو آن

عليهم اللهم اقلبني من مجلسي هذا في شهري هذا

بر ایشان خداوندا بر گردان مرا از مجلس من این مجلس در ماه من این ماه

في يومي هذا في ساعتي هذه مفلحا منجحا مستجابا لي

در روز من این روز در ساعت من این ساعت رستگار فیروز جواب گفته دعای من



مغفورة ذنبي معافا من النار ومعتقا منها عتقا

آمرزيده شده گناه من عافيت بخشيده شده از آتش وآزاد كرده شده از آن آزاد كردنى

لا رق بعده ابدا ولا رهبة يا رب الارباب اللهم

كه نباشد بندگى پس از آن هرگز ونه ترسى اى پروردگار پروردگاران خداوندا

اني اسئلك ان تجعل فيما شئت واردت وقضيت

بدرستيكه سوال مى كنم تورا اينكه بگردانى در آنكه خواهى واراده كردى وحكم كردى

وقدرت وحتمت وانفذت ان تطيل عمري وتنسئ

واندازه كردى وواجب گردانيدى وروان كردى اينكه دراز كنى عمر مرا وپس اندازى

في اجلي وان تقوي ضعفي وان تغني فقري وان

اجل مرا واينكه قوت دهى ناتوانى مرا واينكه بى نياز كنى احتياج مرا واينكه

تجبر فاقتي وان ترحم مسكنتي وان تعز ذلي وان

تدارك كنى احتياج مرا واينكه رحم كنى درويشى مرا واينكه عزيز كنى خوارى مرا واينكه

ترفع ضعتي وان تغني عائلتي وان تؤنس وحشتي

بلند كنى پستى مرا واينكه بى نياز كنى بازماندگى مرا واينكه انس بخشى وحشت مرا

وان تكثر قلتي وان تدر رزقي في عافية ويسر و

واينكه بسيار كنى كمى مرا واينكه روان سازى روزى مرا در عافيت وآسانى و

خفض وان تكفيني ما اهمني من امر دنياي وآخرتي

رفاهيت واينكه كفايت كنى از من آنچه غمگين ساخته مرا از امر دنياى من وآخرت من

ولا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني

ووامگذارى مرا بسوى خودم پس عاجز شوم از آن ونه بسوى مردمان پس واگذارند مرا

وان تعافيني

وَاَنْ تُعَافِيَنِي فِي دِينِي وَبَدَنِي وَجَسَدِي وَزَوْجِي وَوُلْدِي

وآنکه عافیت بخشی مرا در دین من و بدن من و جسد من و زوج من و فرزندان من

وَاَهْلِ مَوَدَّتِي وَاِخْوَانِي وَجِيرَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و اهل دوستی من و برادران من و همسایگان من از گروندگان مردان و زنان

وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ وَاَنْ

و مردان مسلمان و زنان مسلمه زنده از ایشان و مرده و آنکه

تَمُنَّ عَلَيَّ بِالْاَمْنِ وَالْاِيمَانِ مَا اَبْقَيْتَنِي فَاِنَّكَ وَلِيِّي وَمَوْلَاي

منت گذاری بر من با ایمنی و ایمان مادام که باقی گذاری مرا پس بدرستیکه تو والی منی

وَثِقَتِي وَرَجَائِي وَمَعْدِنُ مَسْئَلَتِي وَمَوْضِعُ شَكْوَاي

و معتمد من و امیدگاه من و قرارگاه سؤال من و محل شکایت من

وَمُنْتَهَى رَغْبَتِي فَلَا تُخَيِّبْنِي رَجَائِي يَا سَيِّدِي وَ

و منتهای رغبت من پس محروم مکن مرا در امید من ای آقای من و

مَوْلَايَ وَلَا تُبْطِلْ طَمَعِي وَرَجَائِي فَقَدْ تَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ

صاحب اختیار من و باطل مکن طمع مرا و امید مرا بتحقیق که رو آوردم بسوی تو

بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَدَّمْتُهُمْ اَمَامِي وَاَمَامَ حَاجَتِي وَطَلِبَتِي

بمحمد و آل محمد و پیش داشته ام ایشان را در پیش خود و پیش حاجت خود و بازاری خود

وَتَضَرُّعِي وَمَسْئَلَتِي فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا

و زاری خود و سؤال خود پس بگردان مرا بایشان روسفید در این جهان

وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَاِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهِمْ

و در آن جهان و از مقربان پس بدرستی که تو منت گذاشتی بر من بایشان



بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ وَالسَّلَامَةِ وَالْأَمْنِ
بشناختن ایشان پس ختم کن برای من به نیکبختی و سلامت و امن
وَالْإِيمَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالسَّعَادَةِ وَالْحِفْظِ
و ایمان و آمرزش و خوشنودی و نیک بختی و نگاهداشتن
يَا اللّٰهُ أَنْتَ لِكُلِّ حَاجَةٍ لَنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَافِنَا
ای خدا تو از برای هر حاجتی که ماراست پس رحمت کن بر محمد و آل او و عافیت ده
وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ
و مسلط مکن بر ما احدی از خلق خود که نباشد توانائی برای ما با او و
اكْفِنَا كُلَّ أَمْرٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ
کارگذاری کن ما را هر امری از امر دنیا و آخرت ای صاحب جلال و
الْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
بزرگواری رحمت کن بر محمد و آل محمد و رحم کن بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ
محمد و درود فرست بر محمد و آل محمد مثل بهترین رحمت و فرستادی و برکت دادی
وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَى إِبْرٰهِيمَ وَآلِ إِبْرٰهِيمَ إِنَّكَ
و رحمی که کردی و مهربانی نمودی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستی که تو
حَمِيدٌ مَجِيدٌ و استحباب روزه داشتن شش روز بعد از
ستوده بزرگواری
عید در بعضی از روایات وارد شده و ظاهر اما
روزه داشتن محمول بر تقیه است چنانکه در میان

سنیان



بستان مشهور است وترکش بهتر است وهمچنین
کراهت نکاح کردن درمیان عید قربان وعید
فطر اصلی ندارد وشاید اصلش از عامه بوده باشد
ودر ماه شوال چون عقد عایشه در آن واقع شده است
واکثر مفاسد اسلام بر آن مترتب شده است واز بعضی
روایات کراهت مستفاد میشود اگر در خصوص شوال
احتراز کند بهتر است **باب چهاردهم در اعمال محرم** بدانکه
اول ماههای حرام است که حقتعالی در قرآن یاد فرموده
است وآنها ذی القعده وذی الحجه وماه محرم وماه رجب
است ودر این ماهها ابتدای قتال با کافران نباید
کرد وشیخ مفید ره وغیره از حضرت رسول ص روایت کرده اند
که هرکه در یکی از ماههای حرام پنجشنبه وجمعه وشنبه
را متوالی روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت برای
او نوشته شود ودر روایتی از حضرت رسول ص منقولست
که در شب پانزدهم ماه ذی حقتعالی بسوی بندگان
مؤمن نظر رحمت میکند وکسی که آنشب را بعبادت بسر آورد
ثواب صد عابد باو عطا کند که در ملک چشم زدنی
معصیت خدا نکرده باشند چون نصف شب بگذرد
شروع کن بعبادت ونماز وحاجات خود را از حقتعالی



طلب که هر که حاجت که طلب کنی مستجاب میکردد و بعضی
از علماء کفته اند که در روز بیست وسیم ماه ذی القعده
زیارة حضرة امام رضا از نزدیك و دور سنتست و
روز بیست وپنجم ذی القعده روز دحو الارض است یعنی
پهن شدن زمین از کعبه بروی اب و روز بسیار مبارکیست
وکلینی از محمد ابن عبد الله روایت کرده است که حضرة
امام رضاء در شهر مرو در روز بیست وپنجم ذی القعده
بیرون امدند و فرمودند که امروز روزه بدارید که من
نیز روزه ام کفتم فدای تو شویم امروز چه روز یست فرمود
که روز یست که رحمت در این روز منتشر کردیده است
وزمین در این روز پهن شده است وکعبه در این روز
پهن شده است وکعبه در این روز نصبت شده است وا
حضرة ادم در این روز بزمین فرود امده است وابن بابویه
ده روایت کرده است از حسن وشا که کفت من با پدر
در خدمت امام رضا شام خوردیم در شب بیست و
پنجم ذی القعده پس فرمود که امشب حضرة ابرهیم وحضرة
عیسی متولد شده اند و زمین از زیر کعبه پهن شده
پس هر که روزش را روزه بدارد چنانست که شصت ماه
را روزه داشته باشد وحضرة قایم در این روز ظاهر

خواهد

خواهد شد و از حضرت رسول منقولست که حقتعالی
رحمت خود را بر بندگان در اینروز فرستاده است و در
روزه اش مثل روزهٔ هفتاد سال است و بروایت دیگر
رحمت از آسمان در این شب نازل شده است و تعظیم
کعبه بر آدم در اینروز نازل شده است ~~هر که در اینروز~~
~~نازل شده است~~ هر که در اینروز روزه بدارد هرچه در
میان آسمان و زمین است برای او استغفار کنند و طلب
آمرزش نمایند و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که اول
رحمتی که از آسمان بسوی زمین نازل شد در بیست و پنجم
ذی القعده بود هر که اینروز را روزه دارد و شب آنرا به
عبادت بایستد از برای او عبادت صد سال نوشته شود
که روزها را روزه داشته باشد و شبها را بعبادت بسر
آورده باشد و هر جماعتی که در اینروز جمع شوند برای
ذکر پروردگار خود پیش از آنکه متفرق شوند حاجت
ایشان بر آورده میشود و در اینروز هزار هزار رحمت از
جانب حقتعالی بر بندگان نازل میگردد نود و نه رحمت
از آنها مخصوص جمعی است که مجتمع گردند و بذکر خدا مشغول
گردند و روزش را روزه بدارند و شبش را عبادت کنند
و در روایتی وارد شده است که در اینروز دروقت



چاشت دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعتی بعد از
حمد پنج مرتبه والشمس بخواند و بعد از سلام این
دعا لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ یَا مُقِیْلَ
بخواند
ای درگذرنده
الْعَثَرَاتِ اَقِلْنِیْ عَثْرَتِیْ یَا مُجِیْبَ الدَّعَوَاتِ اَجِبْ دَعْوَتِیْ
لغزشها درگذر از لغزش من ای اجابت کننده دعاها مستجاب کن دعای مرا
یَا سَامِعَ الْاَصْوَاتِ اِسْمَعْ صَوْتِیْ وَارْحَمْنِیْ
ای شنونده صداها بشنو صدای مرا و رحم کن بر من
وَتَجَاوَزْ عَنْ سَیِّئَاتِیْ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ و شیخ
و درگذر از گناهان من ای صاحب جلالت و بزرگواری
طوسی
ره گفته است که مستحب است اَللّٰهُمَّ دَاحِیَ
کرد امروز این دعا بخواند
خداوندا ای گسترانندهٔ
الْکَعْبَةِ وَفَالِقَ الْحَبَّةِ وَصَادِقَ التَّوْبَةِ وَکَاشِفَ
کعبه و شکافنده دانه و دگر داننده توبه و دور کننده
کُلِّ کُرْبَةٍ اَسْئَلُکَ فِیْ هٰذَا الْیَوْمِ مِنْ اَیَّامِکَ الَّتِیْ
هر اندوهی سؤال میکنم ترا در این روز از روزهای تو آنکه
اَعْظَمْتَ حَقَّهَا وَاَقْدَمْتَ سَبْقَهَا وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ
بزرگ گردانیدی حق آن را و پیشتر داشتی پیشی اورا و گردانیدی او را نزد
الْمُؤْمِنِیْنَ وَدِیْعَةً وَاِلَیْکَ ذَرِیْعَةً وَبِرَحْمَتِکَ
گروندگان امانت و بسوی تو وسیله و برحمت تو

الوسعة

الواسعة أن تصلي على محمد عبدك المنتجب في

که وسیع است اینکه رحمت کنی بر محمد که بنده برگزیده تست در

الميثاق القريب يوم التلاق فاتق كل رتق و

روز پیمان نزدیک روز بهم رسیدن گشاینده هر بسته و

داع إلى كل حق وعلى أهل بيته الأطهار

خواننده بسوی هر حق و بر اهل خانه او که پاکانند

الهداة المنار وقائم الجبار وولاة أهل الجنة

راهنمایان نشانهای برافراشته و ستونهای خدای جبار و والیان اهل بهشت

والنار وأعطنا في يومنا هذا من عطائك المخزون

و دوزخ و عطا کن ما را در این روز ما این روز از عطای خود که مخزون است

غير مقطوع ولا ممنون تجمع لنا به التوبة وحسن

غیر قطع کرده شده و منت داده شده که جمع کنی برای ما به آن توبه را و نیکوی

الأوبة يا خير مدعو وأكرم مرجو يا كفي يا وفي

بازگشت ای بهتر خوانده شده و گرامی امید داشته شده ای کفایت کننده ای وفا کننده

يا من لطفه خفي الطف لي بلطفك وأسعدني بعونك

ای کسیکه لطف او پنهان است لطف کن مرا بلطف خود و نیک بخت کن مرا بیاری خود

وأيدني بنصرك ولا تنسني كريم ذكرك بولاة أمرك

و قوت ده مرا بیاری خود و فراموش مکن گرامی یاد کردن خود بحرمت والیان امر خود

وحفظة سرك احفظني من شوائب الدهر إلى يوم

و نگهبانان سر خود نگاه دار مرا از مصیبت روزگار تا روز



الحشر والنشر واشهدني اولياءك عند خروج

برانگیختن و روز برانگیختن و حاضر گردان برای من دوستان خود را نزد بیرون رفتن

نفسي وحلول رمسي وانقطاع املي وانقضاء اجلي

روح من و فرود آمدن در قبر خود و از بریدن آرزوی من و سر آمدن اجل من

اللهم واذكرني على طول البلى اذا حللت بين

خداوندا و یاد کن مرا بر درازی زمان کهنگی هرگاه فرود آیم میان

اطباق الثرى ونسيني الناسون من الورى واحللني

طبقهای خاک و فراموش کرد فراموشان از خلق و فرود آور مرا

دار المقامة وبوئني منزل الكرامة واجعلني

خانه اقامت و جاه ده مرا جایگاه بزرگی و بگردان مرا

من موافقي اولياءك واهل اجتبائك واصطفائك

از رفیقان دوستان خود و اهل برگزیدگان تو و اختیار کرده شدگان خود

وبارك لي في لقاءك وارزقني حسن العمل قبل حلول

و برکت ده برای من در ملاقات تو و روزی کن مرا نیک کردار پیش از در رسیدن

الاجل مبرءا من الزلل وسوء الخطل اللهم و

اجل حال آنکه باشم بیزار از لغزش و بدی سخن زشت خداوندا و

اوردني حوض نبيك محمد صلى الله عليه واله و

فرود آر مرا حوض پیغمبر تو محمد رحمت خدا بر او و بر آل او و

اسقني منه مشربا رويا سائغا هنيئا لا اظما بعده

آب ده مرا از آن آبی سیراب روان گوارا که تشنه نشوم پس از آن



وَلا اُحَلأُ وِرْدَهُ وَلا عَنْهُ اُزادُ وَاجْعَلْهُ لِي خَيْرَ

و نه منع کرده شوم از ورد آن و نه از آن رانده شوم و بگردان اشرا از برای من بهتر

زادٍ وَاَوْفى مِيعادٍ يَوْمَ يَقُومُ الاَشْهادُ اَللّهُمَّ

توشه و وفاتر وعده روزی که برپای کند حاضران خداوندا

وَالْعَنْ جَبابِرَةَ الاَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ وَبِحُقُوقِ اَوْلِيائِكَ

لعنت کن تسلط داران پیشینیان و پسینیان و بحقوق دوستان تو

الْمُسْتَأْثِرِينَ اَللّهُمَّ وَاقْصِمْ دَعائِمَهُمْ وَاَهْلِكْ

که مستفردند در نگهها خداوندا برهم شکن ستونهای ایشان و هلاک کن

اَشْياعَهُمْ وَعامِلَهُمْ وَعَجِّلْ مَهالِكَهُمْ وَاسْلُبْهُمْ

پیروان ایشان و والیان ایشان و تعجیل کن مهلکهای ایشان و [illegible] کن

مَمالِكَهُمْ وَضَيِّقْ عَلَيْهِمْ مَسالِكَهُمْ وَالْعَنْ مُساهِمَهُمْ

مملکتهای ایشان و تنگ کن بر ایشان راههای ایشان را و لعنت کن شریک ایشان

وَمُشارِكَهُمْ اَللّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ اَوْلِيائِكَ وَارْدُدْ

و شریکان ایشان خداوندا و تعجیل کن گشایش دوستان تو و رد کن

عَلَيْهِمْ مَظالِمَهُمْ وَاَظْهِرْ بِالْحَقِّ قائِمَهُمْ وَاجْعَلْهُ

بر ایشان ستمکاریهای ایشان را و ظاهر کن بحق قائم ایشان را و بگردان او را

لِدِينِكَ مُنْتَصِراً وَبِاَمْرِكَ فِي اَعْدائِكَ مُؤْتَمِراً

که برای دین خود یاری و بامر تو در دشمنان تو فرمان برنده

اَللّهُمَّ احْفُفْهُ بِمَلائِكَةِ النَّصْرِ وَبِما اَلْقَيْتَ

خداوندا فرا گیر او را بفرشتگان یاری و بآنچه بیفکنی



إِلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مُنْتَقِمًا لَكَ حَتَّى

بسوی او از امر در شب قدر انتقام کشنده از برای تو تا

تَرْضَى وَيَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا

آنکه خوشنود شوی و برگردد دین تو بسبب او و بر دستهای او نو تازه

غَضًّا وَيَمْحَضَ الْحَقَّ مَحْضًا وَيَرْفُضَ الْبَاطِلَ

تازه و خالص سازد حق را خالص حق را و براندازد باطل را

رَفْضًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى جَمِيعِ

برانداختنی خداوندا رحمت کن بر او و آل او و بر همه

آبَائِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَأُسْرَتِهِ وَابْعَثْنَا

پدران او و بگردان ما را از یاران او و گروه او و برانگیزان ما را

فِي كَرَّتِهِ حَتَّى نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ

در رجعت او تا آنکه بوده باشیم در زمان او از

أَعْوَانِهِ اَللّٰهُمَّ أَدْرِكْ بِنَا

یاوران او خداوندا دریاب ما را

قِيَامَهُ وَأَشْهِدْنَا أَيَّامَهُ

بر پا شدن او و حاضر گردان ما را در روزگار او

وَصَلِّ عَلَيْهِ وَارْدُدْ إِلَيْنَا سَلَامَهُ

و رحمت کن بر او و برگردان بسوی ما سلام او را

وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

و درود بر ایشان و رحمتهای خدا و برکتهای او



باب پنجم در بیان فضائل و اعمال لیالی و ایام متبرکه ماه ذیحجه است و در ان پنج فصل است **فصل اوّل** در بیان فضائل ماه ذیحجه است و دهه اول و اعمال انست ایام این دهه در نهایت فضیلت و برکتند و حق تعالی میفرماید واذکروا الله فی ایام معدودات یعنی یاد کنید خدا را در روزی چند شمرده شده یعنی کم و باز فرموده و یذکروا اسم الله فی ایام معلومات علی ما رزقهم من بهیمة الانعام یعنی اعلام کن مردم را که بیایند بحج تا انکه بیابند منفعتهای دنیا و اخرت و یاد کنند خدا را در روزی چند معلوم برای انکه روزی کرده است ایشان را از گوشت چهارپایان که گاو و شتر و گوسفند و بز است و در احادیث معتبره بسیار از ائمه علیهم السلام منقولست که ایام معلومات ده روز اول ماه ذیحجه است و ایام معدودات روز دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذیحجه است و از حضرت رسول منقولست که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از دهه اول ذیحجه و چون این ماه داخل میشد صلحای صحابه و تابعان اهتمام عظیم میکردند در عبادة و بسند معتبر منقولست از حضرت صادق که پدرم امام محمد باقر با من



کفت که ای فرزند کرامی البتّه در هر شب دههٔ اول ذی

حجّه دو رکعت نماز بجا اور در میان نماز شام و خفتن

و در هر رکعت یکمرتبه سورهٔ حمد و قل هو الله احد و این

ایه را بخوان وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ

در هر رکعت

و وعده کردیم موسی را سی شب و تمام کردانیدیم انرا بده شب

فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ

پس تمام شده وعده پروردگار چهل شب و گفت موسی برای برادر خود هارون

اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ چون چنین

جانشین من باش در میان قوم من و اصلاح کن کار را و پیروی مکن راه فساد کنندگان را

کنی با حاجیان

در ثواب حج شریک باشی هر چند بحج نروی و در روز اوّل

ذیحجه روز مبارکیست و روایتی وارد شده که حضرت ابراهیم

در این روز متولّد شده و در این روز حق تعالی ابراهیم را خلیل

خود کرد و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر

منقولست که هر که روز اوّل ذیحجّه را روزه بدارد حق

تعالی برای او ثواب هشتاد ماه روزه بنویسد و از حضرت

امام موسی منقولست که هر که روز اوّل ذی الحجه را روزه

بدارد حق تعالی ثواب روزه تمام عمر او را برای او بنویسد

و شیخ طوسی کفته است که روز اوّل ذیحجّه تا روز نهم

روزه مستحبّست و اکر نتواند روز اوّل را روزه بدارد و در



ردد

روز اول حضرت رسالت پناه حضرت فاطمه را بحضرة
امیر المؤمنین تزویج نمود و در بعضی روایات در روز
ششم تزویج نمود و بدانکه روزه قضای ماه مبارك
رمضانرا از اول ماه تا روز عرفه میتوان گرفت چنانکه
علما گفته اند واحادیث صحیح بران دلالت دارد و بعضی
از روایات که بر منع وارد شده مستند انها معتبر نیست
و محمول بر تقیه است چنانچه در کتب مبسوطه دلائل
انها را ایراد نموده ام و باز شیخ ره گفته است که مستحب است
در روز اول نماز حضرت فاطمه بجا آورد و در روایت
دیگر وارد شده که ان چهار رکعتست مثل نماز حضرة
امیر المؤمنین بدو سلام و در هر رکعت بعد از سورهٔ حمد
پنجاه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد میخواند و بعد از سلام
تسبیح حضرت فاطمه را و سُبْحَانَ اللهِ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ
بخواند و تسبیح اینست پاکست خداوند با رفعت بلند پایه و بزرگ و محتشم
سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ
پاکست خداوند با رفعت بزرگواری عظیم پاکست پاک خداوند پادشاهی
الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى اَثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ
دیر بنیاد پاکست آنکه می بیند نشان مورچه در سنگهای سخت پاکست
مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰكَذَا وَلَا
آنکه می بیند پریدن مرغ را در هوا پاکست کسی که او چنین است و نیز



وَاهلِ وِلايتِكَ اَللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ

و اهل دوستی خود خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اَن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَهَبَ لَنا فيهَا الرِّضا

اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه عطا کنی بر ما در آن خوشنودی را

اِنَّكَ سَميعُ الدُّعآءِ وَلا تَحرِمنا خَيرَ ما نَزَلَ فيها مِنَ السَّمآءِ

بدرستی که تو شنونده دعا ما و محروم مکن ما را از خیر آنکه فرود آمده در آن از آسمان

وَطَهِّرنا مِنَ الذُّنُوبِ يا عَلّامَ الغُيُوبِ وَاَوجِب لَنا فيها

و پاک گردان ما را از گناهان ای بسیار دانای نهانها و واجب گردان ما را در آن

دارَ الخُلُودِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا تَترُك لَنا

سرای همیشه خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و وامگذار برای ما در آن

ذَنباً اِلّا غَفَرتَهُ وَلا هَمّاً اِلّا فَرَّجتَهُ وَلا دَيناً اِلّا قَضَيتَهُ

گناهی را مگر بیامرزی آن را و نه اندوهی مگر اینکه گشایش دهی او را و نه قرضی مگر ادا کنی او را

وَلا غائِباً اِلّا اَدَّيتَهُ وَلا حاجَةً مِن حَوآئِجِ الدُّنيا وَالآخِرَةِ

و نه پنهانی مگر برسانی او را و نه حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت

اِلّا سَهَّلتَها وَيَسَّرتَها اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ اَللّهُمَّ

مگر سهل کنی او را و بسیار آسان کنی او را بدرستی که تو بر همه چیزی توانایی خداوندا

يا عالِمَ الخَفِيّاتِ يا راحِمَ العَبَراتِ يا مُجيبَ الدَّعَواتِ يا رَبَّ

ای دانای پنهانها ای رحم کننده اشک دیدها ای اجابت کننده دعاها ای پروردگار

الاَرَضينَ وَالسَّمواتِ يا مَن لا تَتَشابَهُ عَلَيهِ الاَصواتُ

زمینها و آسمانها ای آنکه مشتبه نمی کند برو آوازها



صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنا فیها مِنْ عُتَقاءِکَ وَ

درود فرست بر محمد و آل محمد و بگردان ما را در آن از آزاد کرده شدگان و

طُلَقاءِکَ مِنَ النّارِ وَ الْفائِزینَ بِجَنَّتِکَ النّاجینَ بِرَحْمَتِکَ

رها کرده شدگان از آتش و فیروزی یافتگان به بهشت خود که رستگارانند برحمت تو

یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعینَ وَ سَلَّمَ

ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان و درود فرستد خدا بر محمد و آل او همه و درود فرستد

تَسْلیماً و شیخ مفید و سید بن طاوس بسند معتبر از حضرت

فرستادنی

امام محمد باقر روایت کرده‌اند که جبرئیل از جانب

خداوند جلیل برای حضرت عیسی پنج دعا بهدیه آورد و

گفت یا عیسی این پنج دعا را در دهه اول ذیحجه بخوان بدرستی

که هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از عبادت در

این دهه اوّل اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ

گواهی میدهم نیست معبودی مگر خدای یگانه و تنها نیست همتا

لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ

از برای او است پادشاهی و مخصوص او ست ستایش بقدرت اوست خیر و او بر همه چیز توانا

دوم اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ اَحَداً

گواهی میدهم من خدائی که خدای یگانه نیست همتائی از برای او و یکتا

صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَداً سیم اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا

و بی‌نیاز است نگرفته است مصاحب و زن و نه فرزند گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر

اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ اَحَداً صَمَداً لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ

خدای یگانه [illegible]



۱۸

وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ چهارم اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ

و نمی باشد او را ای او همتا هیچکس گواهی میدهم که نیست خدا مگر خدای یگانه

لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا

نیست شریک مر او را از او است پادشاهی و مر او راست ستایش زنده می کند و میمیراند و او است زنده که نه

یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ پنجم حَسْبِیَ اللّٰهُ وَکَفَی

میمیرد بدست اوست نیکی و او بر هر چیز توانا است بس است مرا خدا و کافی است

سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا لَیْسَ وَرَاءَ اللّٰهِ مُنْتَهَی اَشْهَدُ لِلّٰهِ بِمَا دَعَا

شنید خدا هر کسی که خواند نیست غیر خدا منتهای گواهی میدهم مر خدا را بانچه خواند

وَاَنَّهُ بَرِیءٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَ وَاَنَّ لِلّٰهِ الْاٰخِرَةَ وَالْاُولَی پس حواریون

و اینکه او بیزار است از کسی که بیزاری جسته و اینکه مر خدا راست آن جهان و این جهان گفتند یا روح

اللّٰه چه ثواب دارد کسیکه این کلمات را بگوید حضرت عیسی ع

گفت که هرکه دعای اول را صد مرتبه بخواند عمل هیچکس

از اهل زمین بهتر از اهل او نباشد در ان روز و در روز

قیامت حسنات او زیاده از همه کس باشد و هرکه دعای

دوم را صد مرتبه بخواند چنان باشد که دوازده مرتبه

توریة و انجیل را خوانده باشد و ثواب انها را باو بدهند

حضرت عیسی فرمود یا جبرئیل ثواب خواندن توریة و

انجیل چیست جبرئیل گفت طاقت برداشتن یکحرف توریة

و انجیل نداشت هرکه در اسمانهای هفتگانه است

از ملائکه تا انکه مبعوث شدم من و اسرافیل بر ایشان که ...

اول بنده بود که کفت لاحول ولاقوة الا بالله وهرکه
دعای سیم را بخواند حق بیت کردشی ده تولانه کر کنا تعالی
بنویسد از برای او باین دعا هزار هزار حسنه و محو
کند از وده هزار کناه و بلند کند از برای او در بهشت
ده هزار هزار درجه و فرود اید از اسمان هفتاد هزار
ملك که دستها بر داشته باشند و صلوات فرستند
بر کسی که این کلمات را باین عدد خوانده است پس حضرت
عیسیٰ کفت ای جبرئیل ایا ملائکه صلوات میفرستند
بر غیر پیغمبران جبرئیل کفت هر که ایمان اورد بانچه پیغمبران
از جانب خدا اورده اند و تغییر ندهد شریعت ایشانرا
حق تعالی ثواب پیغمبران با و عطا میفرماید وهرکه
دعای چهارم را صد مرتبه بخواند اند عار استغفا
نماید ملکی و بالا برد بسوی حق تعالی پس نظر کند بسوی
کوینده این دعا برحمت و هر که نظر رحمت خدا بر او کند
هرکز شقی و بد عاقبت نشود پس حضرت عیسیٰ کفت یا
جبرئیل ثواب دعای پنجم چیست جبرئیل کفت ان دعای
منست و حق تعالی مرا رخصت نداده که ثواب انرا بکویم
مؤلف کوید که اکر هر روز هر یك این دعارا ده مرتبه بخوانند
دور نیست که عمل باین روایت کرده باشند و اکر هر روز
هر یکرا صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و این باب بود



سید بن طاوس رضی الله عنهم از حضرت امیر المؤمنین
روایت کرده اند که هر که در هر روز از دهه ذی حجه
این تهلیلات ده مرتبه بخواند حق تعالی عطا کند بهر
تهلیلی درجه در بهشت از مروارید و یاقوت و از میان
درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد برفتار سواری
که بتازد و در هر درجه شهری بوده باشد و در آن شهر
قصری باشد از یکجوهر که در آن فصلی نباشد و در هر
شهری از آن شهرها از انواع جواهر و غرفها و خانها
و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و نهالیها و متکاها
و خوانها و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها
و حلها بوده باشد که وصف کننده قادر بر وصف آنها
نباشد و چون از قبر بیرون آید از هر موی از بدن او نوری
ساطع باشد و مبادرت نماید بسوی او هفتاد هزار ملک
و از پیش رو و جانب راست و چپ او راه روند تا او را بدر
بهشت رسانند و چون داخل بهشت شود او را مقدم
دارند و ملائکه از عقب او روند تا آنکه بشهری برسد
که بیرونش از یاقوت سرخ و اندرونش از زبرجد سبز و
در آن شهر بوده باشد هر نعمتی که حق تعالی خلق کرده است
پس با او گویند ای دوست خدا میدانی که این شهر چیست
گوید نه و شما کیستید گویند ما ملائکه هستیم که حاضر بودیم

در هنگامی که تو آن تهلیلات را میخواندی در دنیا و این
شهر و آنچه در آن هست از نعمتهای الهی یک ثواب تو نیست
برای خواندن آن تهلیلها و بشارت باد ترا بهتر از این
ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار
السلام که بلائی و غمی و مکروهی در آن نمیباشد و نعمتها
و رحمتهای خدا هرگز از تو قطع نمیشود و تهلیلات اینست
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَالدُّهُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
نیست خدائی مگر خدای بشماره شبها و روزها نیست خدائی مگر خدای
عَدَدَ اَمْوَاجِ الْبُحُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ
بشماره موج دریاها نیست خدائی مگر خدای و رحمت او بهتر است از آنچه جمع میکنند
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ
نیست خدائی مگر خدا بشماره خارها و درختها نیست خدائی مگر خدا بشماره
الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا اِلٰهَ
مویها و پشمها نیست خدائی مگر خدا بشماره سنگ و کلوخ نیست خدا
اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُيُونِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِي اللَّيْلِ اِذَا
مگر خدا بشماره بر هم زدن چشمها نیست خدائی مگر خدا در شب چون
عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الرِّيَاحِ
تاریک شود و صبح چون بدمد نیست خدا مگر خدا بشماره بادها
فِي الْبَرَارِي وَالصُّخُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنَ الْيَوْمِ اِلَى يَوْمِ
در بیابانها و کوهستانها نیست خدای مگر خدا از امروز تا روزی



ینفخ فی الصّور و از بعضی روایات مستفاد میشود که

بیکمرتبه اکتفا میتوان کرد **فصل دوّم** در صور دمیده شود

در اعمال روز ترویه و روز عرفه و روز عید ترویه روز

هشتم ذیحجه است و روز مبارکیست و ابن بابویه از

حضرت امام موسیٰ روایت کرده است که حضرت رسول

فرمود که حق تعالی چهار روز را از روزها برگزیده است

روز جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان

وایضا از حضرت صادق روایت کرده است که روزه

روز ترویه کفاره شصت سال گناه است و شب عرفه

از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول منقولست

که هر که دعا کند در اینشب مستجاب میشود و کسیکه این

شبرا بعبادت بسر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت

دارد و آنشب مناجات با قاضی الحاجات و هر که در آن

شب توبه کند توبه اش مقبولست و از حضرت صادق

منقولست که هر که در شب عرفه یا در شبهای جمعه این دعا را

بخواند خدا گناهانش بیامرزد اللّهمّ یا شاهد کلّ

نجوی و موضع کلّ شکوی و عالم کلّ خفیّة و منتهی

ای گواه هر راز و فرودگاه هر شکایت و دانای هر پنهان و منتهای

کلّ حاجة یا مبتدئا بالنّعم علی العباد یا کریم العفو

هر حاجت ای ابتدا کننده نعمتها بر بندگان ای بزرگوار در گذشتن



يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا جَوَادُ يَا مَنْ لَا يُوَارِي مِنْهُ لَيْلٌ دَاجٍ

ای نیکو گذرنده ای بخشنده ای آنکه نمی پوشد از او شب تار

وَلَا بَحْرٌ عَجَّاجٌ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ وَلَا ظُلَمٌ ذَاتُ

ونه دریای پر موج آب ونه آسمان صاحب برجها ونه تاریکی صاحب

ارْتِتَاجٍ يَا مَنِ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ أَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ

بسیار است ای آنکه تاریکی نزد او روشنایی است سؤال میکنم ترا بنور ذات تو

الْكَرِيمِ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى

که بزرگوار است آن روشنی که تابان شدی بآن بکوه پس گردانیدی کوه را خورد و افتاد موسی

صَعِقًا وَبِاسْمِكَ الَّذِي رَفَعْتَ بِهِ السَّمٰوَاتِ بِلَا عَمَدٍ وَ

بیهوش و بنام تو که رفعت داده بآن آسمانها بی ستون و

سَطَحْتَ بِهِ الْأَرْضَ عَلَى وَجْهِ مَاءٍ جَمَدٍ وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ

گسترانیدی بآن زمین را بر روی آب گسترده و بنام تو که پنهان

الْمَخْزُونِ الْمَكْتُوبِ الطَّاهِرِ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ

و پوشیده و نوشته شده پاک چنانکه هرگاه خوانده شوی بآن اجابت میکنی

وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أَعْطَيْتَ وَبِاسْمِكَ السُّبُّوحِ الْقُدُّوسِ

و هرگاه سؤال کرده شوی بآن عطا میکنی و بنام تو که پاک و منزه است

الْبُرْهَانِ الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلَى كُلِّ نُورٍ وَنُورٌ مِنْ نُورٍ

و دلیل روشن است آن نامی که آن نور است بر هر نوری و نور است از نوری

يُضِيءُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ إِذَا بَلَغَ الْأَرْضَ انْشَقَّتْ وَإِذَا

که روشن می کند از آن هر روشنی هرگاه که برسد بزمین شکافته می شود و هرگاه



بِهِ داوُدُ خَرَّ لَكَ ساجِداً فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وَبِاسْمِكَ

با و داود که افتاد از برای تو در حالتی که سجده کرد پس آمرزیدی از برای او گناه اورا و بنام تو

الَّذی دَعَتْكَ بِهِ آسِيَةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ اِذْ قالَتْ رَبِّ

آن نامی که خواند ترا بان آسیه زن فرعون وقتی که گفت ای پروردگار من

ابْنِ لی عِنْدَكَ بَيْتاً فِی الْجَنَّةِ وَنَجِّنی مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ

بنا کن از برای من نزد خود خانه در بهشت و نجات ده مرا از فرعون و کردار او

وَنَجِّنی مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمينَ فَاسْتَجَبْتَ لَها دُعاءَها

و نجات ده مرا از قوم ستمکاران پس مستجاب کردی از برای او دعای اورا

وَبِاسْمِكَ الَّذی دَعاكَ بِهِ اَيُّوبُ اِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلاءُ

و بنام تو آن نامی که خواند ترا بان ایوب را زیرا که حلول کرد باو بلا

فَعافَيْتَهُ وَآتَيْتَهُ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ

پس عافیت دادی اورا و دادی باو اهل اورا و مانند ایشان با ایشان از روی بخشش از نزد خود

وَذِكْرى لِلْعالَمينَ وَبِاسْمِكَ الَّذی دَعاكَ بِهِ يَعْقُوبُ

و پندی برای پرستندگان و بنام تو آن نامی که خواند ترا بان یعقوب

فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَقُرَّةَ عَيْنِهِ يُوسُفَ وَجَمَعْتَ

پس برگردانیدی بر آن چشم اورا و روشنی دیده او یوسف را و در هم آوردی

شَمْلَهُ وَبِاسْمِكَ الَّذی دَعاكَ بِهِ سُلَيْمانُ فَوَهَبْتَ

پراکنده که اورا و بنام تو آن نامی که خواند ترا بان سلیمان پس بخشیدی تو

لَهُ مُلْكاً لا يَنْبَغی لِاَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ

از برای او ملکی که سزاوار نباشد از برای کسی بعد از او بدرستی که تو بخشنده



وَباسمِكَ الّذى سَخَّرْتَ بِهِ الْبُراقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

وبنام تو آن نامی که رام کردی بدان براق را از برای محمد درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ اِذْ قالَ تَعالى سُبْحانَ الَّذى اَسْرى

بر او و آل او زیرا که گفت خدای تعالی پاک است خدای آنچنانی که برد

وَقولُه سُبْحانَ الَّذى

و گفته او پاک است که

بِعَبْدِهِ لَيْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصَى الَّذى

بنده خود را در شب از مسجد حرام بمسجدی که دور است از همه مسجدها

سَخَّرَ لَنا هذا وَما كُنّا لَهُ مُقْرِنينَ وَاِنّا اِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ

رام گردانید برای ما این را و نبودیم ما برای او طاقت داران و بدرستی که ما بسوی خدای خود بازگردندگانیم

وَباسمِكَ الَّذى نَزَّلَ بِهِ جَبْرَئيلُ عَلى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

وبنام تو آنکه نازل شد بدان جبرئیل بر محمد درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَباسمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ آدَمُ فَغَفَرْتَ

بر او و آل او وبنام تو آنکه خواند ترا بدان آدم پس آمرزیدی تو

لَهُ ذَنْبَهُ وَاَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ

برای او گناهان او را و ساکن گردانیدی او را در بهشت و سؤال میکنم ترا بحق قرآن

الْعَظيمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَبِحَقِّ اِبْراهيمَ وَبِحَقِّ

بزرگ و بحق محمد آخر پیغمبران و بحق ابراهیم و بحق

فَصْلِكَ يَوْمَ الْقَضاءِ وَبِحَقِّ الْمَوازينِ اِذا نُصِبَتْ

جدا کردن تو حق را از باطل در روز حکم کردن و بحق ترازوهای اعمال وقتی بپا داشته شود

وَالصُّحُفِ اِذا نُشِرَتْ وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَما جَرى وَاللَّوْحِ

و نامه‌های اعمال هرگاه گشوده شود و بحق قلم و آنچه روان شده و لوح



وما احصى وبحق الاسم الذي كتبته على سرادق

واگر شمرده بنده وبحق نام تو آن نامی که نوشتی تو بر سراپرده

العرش قبل خلقك والدنيا والشمس والقمر بالفى

عرش پیشتر از آفریدن بندگان و دنیا و آفتاب و ماه بدو هزار

عام واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له

سال و گواهی میدهم اینکه نیست خدای مگر خدای یگانه نیست شریکی از برای او

وان محمدا عبده ورسوله واسئلك باسمك المخزون

و بدرستی که محمد بنده او است و رسول او و سؤال میکنم ترا بنام تو که پنهان است

في خزائنك الذي استاثرت به في العلم الغيب عندك

در خزانه تو که اختیار کرده بان در علم پنهان نزد تو

لم يظهر عليه احد من خلقك لا ملك مقرب ولا

که مطلع نشده بر آن یکی از خلق تو نه فرشته نزدیک و نه

نبي مرسل ولا عبد مصطفى واسئلك باسمك

پیغمبری فرستاده شده و نه بنده برگزیده و سؤال میکنم بنام تو

الذي شققت به البحار وقامت به الجبال واختلف

که شکافتی آب دریاها و ایستاده است آن کوهها و آمده و شد

به الليل والنهار وبحق السبع المثاني والقرآن

بان شب و روز و بحق سبع مثانی و قرآن

العظيم وبحق الكرام الكاتبين وبحق طه وكهيعص

بزرگ و بحق بزرگواران نویسندگان و بحق طه و کهیعص



وكهيعص

وَحمٓعٓسٓقٓ وَبِحَقِّ تَوْرٰيةِ مُوسٰى وَاِنجِيلِ عِيسٰى وَزَبُورِ

وحم عسق وبحق تورية موسی وانجیل عیسی وزبور

دَاوُدَ وَفُرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَعَلٰى

داود وفرقان محمد درود فرستد خدا براو وآل او وبر

جَمِيعِ الرُّسُلِ وَبِاٰهِيًّا شَرَاهِيًّا اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْاَلُكَ

همه پیغمبران وبحق خدای ازلا بارخدایا بدرستی که سوال می کنم ترا

بِحَقِّ تِلْكَ الْمُنَاجَاةِ الَّتِى كَانَتْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مُوسَى بْنِ

بحق این مناجات که بود میان تو ومیان موسی پسر

عِمْرَانَ فَوْقَ جَبَلِ طُورِ سَيْنَاۤءَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

عمران بالای کوه طور سیناء وسوال میکنم از تو بنام تو

الَّذِى عَلَّمْتَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْاَرْوَاحِ وَاَسْاَلُكَ

آن نامی که امر کردی آن را بملک موت برای گرفتن جانها وسوال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِى كُتِبَ عَلٰى وَرَقِ الزَّيْتُونِ فَخَضَعَتِ

بنام تو آن نامی که نوشته شد بر برگ زیتون پس فروتنی کرد

النِّيرَانُ لِتِلْكَ الْوَرَقَةِ فَقُلْتَ يَا نَارُ كُونِى بَرْدًا وَسَلَامًا

آتشها بران برگ پس گفتی ای آتش باش سرد وسلامت

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى كَتَبْتَهُ عَلٰى سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَ

وسوال میکنم ترا بنام تو آن نامی که نوشته ای آنرا بر پردهای بزرگواری و

الْكَرَامَةِ يَا مَنْ لَا يُحْفِيهِ سَائِلٌ يَا مَنْ بِهِ يُسْتَغَاثُ

وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ

بزرگی ای آنکه نمی تحف ندهد او را سوال کننده ای کسیکه کم نمی کند او را عطا ای آنکه باو استغاثه کنند



واليه يلجا اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى

و بسوی او پناه می‌برند سوال میکنم ترا بحرمت محل بستن عزت از عرش تو و منتهای

الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم وجدك الاعلى

رحمت از کتاب تو و بنام تو که بزرگ است و عظمت تو که بلند است

وكلماتك التامات العلى اللهم رب الرياح وما

و کلمات تو که تامند و بلند ترند خداوندا ای پروردگار بادها و آنکه

ذرت والسماء وما اظلت والارض وما اقلت والشياطين

پراکنده کند و آسمان و آنچه سایه افکند و زمین و آنکه [illegible] و شیاطین

وما اضلت والبحار وما جرت وبحق كل حق هو

و آنچه گمراه کرده‌اند و دریا و آنکه جاری گشته و بحق هر حقی که لازم است آن

عليك حق وبحق ملائكتك المقربين والروحانيين

بر تو و ثابت است و بحق فرشتگان نزدیکان و روحانیان

والكروبيين والمسبحين لك بالليل والنهار لا

و کروبیان و تسبیح کنندگان مر ترا در شب و روز در حالتی که

يفترون وبحق ابراهيم خليلك وبحق كل ولي

سست نمی‌کردند و بحق ابراهیم دوست تو و بحق هر دوستی

يناديك بين الصفا والمروة وتستجيب له دعائه

که می‌خوانند ترا میان صفا و مروه و مستجاب می‌گردانی دعای او را

يا مجيب اسئلك بهذه الاسماء وبهذه الدعوات

ای اجابت کننده سوال میکنم ترا باین نامها و باین دعاها



أن تغفر لنا ما قدمنا وما أخرنا وما أسررنا وما أعلنا

اینکه بیامرزی مارا آنچه پیش داشتیم ما وآنچه پس داشتیم ما وآنچه پنهان کردیم ما وآنچه آشکار کردیم

وما أبدينا وما أخفينا وما أنت أعلم به منا إنك

وآنچه ظاهر ساختیم وآنچه پنهان داشتیم وآنچه تو داناتری بآن از ما بدرستیکه تو

على كل شيء قدير برحمتك يا أرحم الراحمين يا حافظ

بر هر چیز توانا برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای نگهبان

كل غريب يا مونس كل وحيد يا قوة كل ضعيف يا ناصر

هر بیکسی ای مونس هر تنها ای زور بخش هر ناتوانی ای یاری کننده

كل مظلوم يا رازق كل محروم يا مونس كل مستوحش

هر ستم رسیده ای روزی دهنده هر محرومی ای مونس هر رمیده

يا صاحب كل مسافر يا عماد كل حاضر يا غافر كل ذنب

ای مصاحب هر سفر کننده ای محل اعتماد هر حاضری ای آمرزنده هر گناهی

وخطيئة يا غياث المستغيثين يا صريخ المستصرخين

و خطا ای فریادرس فریاد کنندگان ای دادرس دادرس جویان

يا كاشف كرب المكروبين يا فارج هم المهمومين

ای زایل کننده اندوه اندوهناکان ای برطرف کننده غم غمناکان

يا بديع السموات والأرضين يا منتهى غاية الطالبين

ای بدید آورنده آسمانها و زمینها ای منتهای نهایت طلب کنندگان

يا مجيب دعوة المضطرين يا أرحم الراحمين يا رب العالمين

ای اجابت کننده دعای درماندگان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای پروردگار عالمیان



يا دَيّانَ يَومِ الدّينِ يا اَجوَدَ الاَجوَدينَ يا اَكرَمَ الاَكرَمينَ

ای پادشاه روز جزا ای بخشنده ترین بخشندگان ای بزرگوارترین بزرگواران

يا اَسمَعَ السّامِعينَ وَيا اَبصَرَ النّاظِرينَ يا اَقدَرَ

ای شنواترین شنوندگان وای بیناترین بینندگان ای اندازه کننده ترین

القادِرينَ اِغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُغَيِّرُ النِّعَمَ اِغفِر لِيَ

اندازه کنندگان بیامرز از برای من گناهانرا که تغییر می دهد نعمتها را بیامرز از برای من

الذُّنوبَ الَّتي تُورِثُ النَّدَمَ وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُورِثُ

گناهانرا که عقب می کند پشیمانی را وبیامرز از برای من گناهانرا که عقب می کند

السَّقَمَ وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَهتِكُ العِصَمَ وَاغفِر لِيَ

بیماری را وبیامرز از برای من گناهانرا که می درد پرده های عصمت را وبیامرز از برای من

الذُّنوبَ الَّتي تَرُدُّ الدُّعاءَ وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَحبِسُ

گناهانرا که رد می کند دعا را وبیامرز از برای من گناهانرا که حبس می کند

قَطرَ السَّماءِ وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تُعَجِّلُ الفَناءَ وَاغفِر

باران آسمان را وبیامرز از برای من گناهانرا که پیشی می گیرد نیستی را وبیامرز

لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَجلِبُ السَّماءَ وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي

از برای من گناهانرا که بر انگیزد بدبختی را وبیامرز از برای من گناهانرا که

تُظلِمُ الهَواءَ وَاغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي تَكشِفُ الغِطاءَ وَ

تاریک می کند هوا را وبیامرز از برای من گناهانرا که پاره می کند پرده عصمت را و

اغفِر لِيَ الذُّنوبَ الَّتي لا يَغفِرُها غَيرُكَ يا اَللهُ وَاحمِل

وبیامرز از برای من گناهانرا که نمی آمرزد آنها را بجز تو ای خدا وبر دار

عنّي كلّ تبعةٍ لاحدٍ من خلقك واجعل لي من امري

از من هر وبالها را که باشد برای بندگان خود و بگردان برای من از کار من

فرجاً ومخرجاً ويسراً وانزل يقينك في صدري و

گشایش و محل بیرون آمدن و آسانی و فرو فرست یقین خود را در سینهٔ من و

رجاءك في قلبي حتّى لا ارجو غيرك اللّهمّ احفظني

امید داری تو را در دل من تا اینکه امیدوار نباشم جز تو را خداوندا نگاه دار مرا

وعافني في مقامي واصحبني في ليلي ونهاري ومن بين

و عافیت ده مرا در این مقام و یار باش مرا در شب من و در روز من و از پیش

يديّ ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي ومن فوقي

روی من و از پشت سر من و از جانب راست من و از جانب چپ من و از بالای سر من

ومن تحتي ويسّر لي السّبيل واحسن لي التّيسير ولا

و از زیر پای من و آسان کن برای من راه را و نیکو گردان برای من آسانی را و نه

تخذلني في العسير واهدني يا خير دليل ولا تكلني الى

خوار مکن مرا در دشواری و راه نما کن مرا ای نیکو راهنما و وامگذار مرا بسوی

نفسي في الامور ولقّني كلّ سرورٍ واقلبني الى اهلي

نفس من در کارها و پیش آور مرا هر خوشی‌ها و بازگردان مرا بسوی اهل من

بالفلاح والنّجاح محبوراً في العاجل والآجل انّك على

برستگاری و فیروزی شاد در دنیا و آخرت بدرستی که تو بر

كلّ شيءٍ قدير وارزقني من فضلك واوسع عليّ من

هر چیز توانا و روزی ده مرا از فضل خود و واسع گردان بر من از



طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَاَجِرْنِي

با کرز کما روزی حق وبکار دارمرا در بنده کی حق وپناه مرا

مِنْ عَذَابِكَ وَنَارِكَ وَاَقْلِبْنِي اِذَا تَوَفَّيْتَنِي اِلَى جَنَّتِكَ

از عذاب حق واتش حق وبکردان مرا هرگاه بمیرانی مرا بسوی بهشت حق

بِرَحْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَ

برحمت حق خداوندا بدرستی که من پناه می برم بتو از زایل شدن نعمت تو و

مِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ حُلُولِ نِقْمَتِكَ وَمِنْ نُزُولِ

از گردانیدن عافیت تو واز فرود آمدن عقوبت تو واز دارد شدن

عَذَابِكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاۤءِ وَدَرَكِ الشَّقَاۤءِ

عذاب تو وپناه میبرم بتو از سختی بلا ودر یافتن بدبختی

وَمِنْ سُوۤءِ الْقَضَاۤءِ وَشَمَاتَةِ الْاَعْدَاۤءِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ

واز بدی حکم وشادی دشمنان واز شر انکه فرود می آید

مِنَ السَّمَاۤءِ وَمِنْ شَرِّ مَا فِي الْكِتَابِ الْمُنْزَلِ اَللّٰهُمَّ لَا

از آسمان واز شر انچه در کتاب فرود فرستاده شده خداوندا

تَجْعَلْنِي مِنَ الْاَشْرَارِ وَلَا مِنْ اَصْحَابِ النَّارِ وَلَا تَحْرِمْنِي

مگردان مرا از بدان ونه از یاران اتش ونه انکه محروم کنی مرا

صُحْبَةَ الْاَخْيَارِ وَاَحْيِنِي حَيٰوةً طَيِّبَةً وَتَوَفَّنِي وَفَاةً طَيِّبَةً

از صحبت نیکان وزنده گردان مرا زندگانی نیکو وبمیران مرا مردن نیکو

تُلْحِقُنِي بِالْاَبْرَارِ وَارْزُقْنِي مُرَافَقَةَ الْاَنْبِيَاۤءِ فِي مَقْعَدِ

برسانی مرا بنیکوکاران وروزی گردان مرا رفاقت پیغمبران در نشیمنهای



صدق

صَدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰى

جای پسندیده نزد پادشاه بزرگ بارخدایا مر تراست حمد و سپاس بر

حُسْنِ بَلَائِكَ وَصُنْعِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْاِسْلَامِ

نیکوئی انعام تو و صنع تو و مر تراست سپاس بر شعار اسلام

وَالسُّنَّةِ يَا رَبِّ كَمَا هَدَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَعَلَّمْتَهُمْ

و طریقه پیغمبران ای پروردگار چنانکه راه نمودی ایشان را برای دین تو و تعلیم کرده ایشان را

كِتَابَكَ فَاهْدِنَا وَعَلِّمْنَا وَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى حُسْنِ بَلَائِكَ

کتاب خود پس راه نما ما را و تعلیم کن ما را و مر تراست سپاس بر نیکوئی انعام تو

وَصُنْعِكَ عِنْدِي خَاصَّةً كَمَا خَلَقْتَنِي فَاَحْسَنْتَ

و صنعت تو نزد من بخصوص همچنانکه آفریدی مرا پس نیکو کرده

خَلْقِي وَعَلَّمْتَنِي فَاَحْسَنْتَ تَعْلِيمِي وَهَدَيْتَنِي فَاَحْسَنْتَ

خلقت مرا و تعلیم کرده مرا پس نیکو کرده تعلیم مرا و راه نمودی مرا پس نیکو

هِدَايَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى اِنْعَامِكَ عَلَيَّ قَدِيمًا وَحَدِيثًا

راه نمودن مرا پس مر تراست سپاس بر انعام دادن تو بر من کهنه و تازه

فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ فَرَّجْتَهُ وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يَا سَيِّدِي

پس چه بسیار اندوه ای آقای که دفع نمودی از من و چه بسیار از غم ای آقای من

قَدْ نَفَّسْتَهُ وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ كَشَفْتَهُ وَكَمْ مِنْ

که زائل کردی از ما و چه بسیار از اندوه ای آقای من که دفع نمودی از ما و چه بسیار از

بَلَاءٍ يَا سَيِّدِي قَدْ صَرَفْتَهُ وَكَمْ مِنْ عَيْبٍ يَا سَيِّدِي

بلا ای آقای من که برگردانیدی از ما و چه بسیار از عیب ای آقای من



قَدْ سَتَرْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ حَالٍ فِي كُلِّ مَثْوًى وَ

که پوشش بندی از پس ارای تو است حمد بر هر حال در هر جایگاهی و

زَمَانٍ وَمُنْقَلَبٍ وَمَقَامٍ وَعَلَى هٰذِهِ الْحَالِ وَكُلِّ

زمانها و بازگشتن و مقام و بر این حال و هر

حَالٍ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ اَفْضَلِ عِبَادِكَ نَصِيبًا فِي

حال خداوندا بگردان مرا از بهترین بندگان حظ ازبهره در

هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ اَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ اَوْ سُوءٍ تَصْرِفُهُ

این روز از بهتر تقسیم حظ یا بدی که زایل کنی آن را یا بدی که بگردانی آن را

اَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ اَوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا اَوْ

یا بلا که دفع کنی آن را یا نیکی که برانی آن را یا رحمتی که پهن کنی آن را یا

عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا فَاِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِيَدِكَ

عافیتی که بپوشانی از آن پس بدرستی که تو بر هر چیز توانا و بدست تو است

خَزَائِنُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ

خزینه‌های آسمانها و زمین و تو یگانه بزرگوار

الْمُعْطِي الَّذِي لَا يُرَدُّ سَائِلُهُ وَلَا يُخَيَّبُ آمِلُهُ وَلَا

بخشنده که برگردانیده نشود سائل کننده او و ناامید نشود آرزومند او و نه

يَنْقُصُ نَائِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ بَلْ يَزْدَادُ كَثْرَةً وَ

کم شود عطای او و تمام نشود آنچه نزد او است بلکه افزون کند زیادتی و

طِيبًا وَعَطَاءً وَجُودًا وَارْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي لَا

پاکیزگی و بخشش و جود و روزی کن مرا از خزانه‌های تو که نه



تفنا و من رحمتک الواسعة ان عطاءک لم یکن

تمام شد و از رحمت تو که فراگرفته است بدرستی که عطای تو نبوده است

محظورا و انت علی کل شیء قدیر برحمتک یا ارحم الراحمین

ممنوع و تو بر همه چیز توانائی برحمت خود ای بخشنده‌ترین بخشندگان

و احادیث بسیار در فضیلت زیارت حضرت امام حسین ع
در شب و روز عرفه وارد شده و زیارت نزدیکی را در
کتاب تحفة الزائر ذکر کرده‌ام و زیارت دور انشاء الله
بعد از این مذکور خواهد شد و پیشتر نیز زیارت آن
حضرت مذکور شد و اما روز عرفه از اعیاد عظیمه است
و کسیکه توفیق یابد که در عرفات باشد و ادعیه و
اعمال بسیار دارد و بهترین اعمال در این روز دعا است
حتی اینکه مستحب است که جمع کند میان نماز ظهر و عصر
در اول وقت و نافله و اذان عصر ساقط میشود
و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام و دعا
از برای برادران زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه
در حدیث صحیح منقولست که ابراهیم بن هاشم گفت
من عبد الله بن جندب را دیدم در موقف عرفات و حال
هیچکس را از او بهتر ندیدم پیوسته دستهای خود را
بسوی آسمان بلند کرده بود و آب دیده‌اش بر رویش
جاری بود تا بزمین میریخت چون مردم فارغ شدند



کفتم وقوف هیچکس را بهتر از وقوف تو ندیدم کفت
بخدا سوکند که دعا نکردم مکر برای برادران مؤمن خود
زیرا که از حضرت امام موسی ع شنیدم که هر که دعا
کند از برای برادر مؤمن خود در غیبت او از عرش ندا
باو برسد که از برای تو صد هزار برابر دعای او باد
پس من نخواستم که دست بردارم از صد هزار برابر دعای
ملك که البته مستجابست برای یکدعای خود که نمیدانم
مستجاب خواهد شد یانه و اکر کسی توفیق یابد که در روز
عرفه در بقعهٔ مقدسه حضرت امام حسین ع
باشد ثوابش کمتر نیست از کسیکه در عرفات باشد بلکه
زیاده است چنانکه از حضرت صادق منقولست
که هر که در روز عرفه بزیارت آنحضرت برود و حق
او را شناسد و او را امام واجب الاطاعه داند بنویسد
حق تعالی از برای او دو هزار ثواب حج و دو هزار عمره
مقبول و هزار جهاد که با پیغمبر مرسل باشد یا امام
عادلی راوی کفت کجاست ثواب وقوف عرفات حضرت
از روی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود که بدرستیکه
که بنده مؤمن چون در روز عرفه نزد قبر آنحضرت حاضر
شود و در نهر فرات غسل کند و متوجه زیارت شود
هر کام که بر میدارد ثواب یکحج و عمره برای او بنویسند



و در روایت دیگر فرمود که در روز عرفه حق تعالی اول
نظر رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین میکند و
گناهان ایشانرا می آمرزد و حاجات ایشانرا بر میاورد
و بعد از آن متوجه اهل عرفات میگردد زیرا که در
میان زواران حضرت حرامزاده و فرزند زنا نیست
و در میان اهل عرفات هست و کسیکه توفیق هیچیک
از اینها را نیافته باشد باید که در سایر بلاد غسل کند
و در مجمع مؤمنان حاضر شود و زیارت آنحضرت بکند
و اگر در بام بلندی یا صحرای گشاده باشد بهتر است
پس مشغول دعا شوند و تا شام مشغول ذکر و دعا باشند
تا در ثواب انها شریک گردند چنانچه از حضرت صادق
منقولست و احادیث در باب روزه روز عرفه مختلف است
و اکثر علما جمع میان احادیث باین روش کرده اند که
اگر اشتباهی در ماه نباشد و اورا از دعا کردن ضعیف
نکرداند سنت است و الا مکروهست یعنی ثوابش کمتر است
و در روایتی وارد شده که روزه عرفه برابر است با روزه
یکسال و اگر اشتباه در ماه باشد یا روزه از دعا مانع
شود روزه نگرفتن بهتر است و از حضرت صادق
منقولست که هر که در روز عرفه پیش از آنکه متوجه دعا
شود دو رکعت نماز بجا آورد در زیر آسمان و اعتراف



کند نزد خدا بگناهان خود و اقرار کند بخطاهای خود
فایز گردد بثواب اهل عرفات وگناهان گذشته و
اینده اش امرزیده شود و شیخ مفید رحمة الله علیه
این نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده و گفته که این
نماز مخصوص جمعیست که در اطراف باشند و در عرفات
نباشند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که چون خواهد مشغول دعا شود اول
صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه
سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه
قل هو الله احد و صد مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخواند
و در روایت دیگر فرمود که صد مرتبه ایة الکرسی
بخواند و صد مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله بگوید و صد
مرتبه اللهم صل علی محمد و ال محمد بگوید پس
مشغول دعا شود و بهترین دعاها دعای صحیفهٔ کامله است
انرا با خضوع و خشوع و تانی و رقت بخواند که مشتمل است
بر جمیع مطالب دنیا و اخرت و شیخ طوسی ره بسند
معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده که حضرت رسول
بحضرت امیر المومنین ع فرمود نمیخواهی تورا تعلیم کنم
دعای روز عرفه که جمع شود ان برای تو هرگاه بخوانی
خیر دنیا و اخرت و ان دعای پیغمبران پیش از منست

محکوک



می گوئی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک

نیست خدائی مگر خدای یگانه کو نیست شریک مر او را او راست پادشاهی

وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر

و مر او راست سپاس زنده می کند و می میراند و اوست زنده که نمی میرد بدست اوست نیکی

وهو علی کل شیء قدیر اللهم لک الحمد کالذی نقول

و او بر هر چیز تواناست بارخدایا مر تراست سپاس مانند آنکه خود می گوئی

وخیرا مما نقول وفوق ما یقول القائلون اللهم

و نیکوتر از آنکه ما می گوئیم و بالاتر از آنچه می گویند گویندگان بارخدایا

لک صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی ولک براءتی و

مر تراست نماز من و عبادت من و زندگانی من و مردن من و مر تراست بیزاری من و

بک حولی ومنک قوتی اللهم انی اعوذ بک من الفقر

بتوست حرکت من و از توست توانائی من خداوندا بدرستی که من پناه می برم بتو از احتیاج

ومن وسواس الصدر ومن شتات الامر ومن عذاب

و از وسوسه های سینه و از پراکندگی کار و از عذاب

القبر اللهم انی اسئلک خیر الریاح واعوذ بک من

قبر خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا نیکوتر بادها و پناه می برم بتو از

شر ما تجیئ به الریاح واسئلک خیر اللیل والنهار

بدی آنچه می آورد او را بادها و سوال میکنم ترا بهتر شبها و نیکوتر روزها

اللهم اجعل فی قلبی نورا وفی سمعی نورا وفی بصری

خداوندا بگردان مرا نور در دل مرا و در گوش من نوری و در چشم من



نوراً وفي لحمي نوراً وفي دمي وعظامي وعروقي و

نور و در گوشت من نور و در خون من و استخوان من و رگهای من و

مقامي ومقعدي ومدخلي ومخرجي نوراً واعظم

محل ایستادن من و نشستن من و داخل شدن من و بیرون شدن من نور و بزرگ گردان

لي النور يا ربّ يوم ألقاك انّك على كلّ شيءٍ قدير

از برای من نور ای پروردگار من روزی که ملاقات کنم ترا بدرستی که تو بر هر چیز توانا

و از حضرت امام رضا ع منقولست که این دعا را در روز
عرفه بخوانند که ثواب عظیم در ضمن آن میباشد

اللّهمّ كما سترت عليّ ما لم اعلم فاغفر لي ما تعلم

خداوندا چنانچه پوشانیدی بر من آنچه را نمی دانم پس بیامرز مرا آنچه را که می دانی

وكما وسعني علمك فليسعني عفوك وكما بدأتني

و چنانچه فرا گرفت مرا دانائی تو پس فرا گیرد مرا بخشش تو و چنانچه پیش گرفتی مرا

بالاحسان فاتمّ نعمتك بالغفران وكما اكرمتني

به نیکوئی پس تمام کن نعمت خود را به آمرزش و چنانچه گرامی داشتی مرا

بمعرفتك فاشفعها بمغفرتك وكما عرفتني وحدانيتك

بشناسائی تو پس جفت کن آن را به آمرزش خود و چنانچه شناسا کردی بمن یگانگی خود را

فاكرمني بطاعتك وكما عصمتني ممّا لم اكن اعتصم

پس گرامی دار مرا بطاعت خود و چنانچه باز داشتی مرا از آنچه نمی توانستم که نگاه دارم خود را

منه الّا بعصمتك فاغفر لي ما لو شئت عصمتني

از آن مگر بباز داشتن تو پس بیامرز برای من آنچه را اگر خواهی نگاه میداری مرا



مِنهُ یا جَوادُ یا کَریمُ یا ذا الجَلالِ وَالاِکرامِ واز

از آن ای بزرگوار ای صاحب عظمت و بزرگواری

حضرت امام موسیٰ این دعای بزرگوار منقولست

اَللّهُمَّ اِنّی عَبدُکَ وَابنُ عَبدِکَ اِن تُعَذِّبنی

خداوندا بدرستی که من بنده توام و پسر بنده توام اگر عذاب کنی مرا

فَبِاُمورٍ قَد سَلَفَت مِنّی وَاَنَا بَینَ یَدَیکَ بِرُمَّتی

پس بامورییست که پیش گذشته است از من و من پیش روی توام بتمام اعضای من

وَاِن تَعفُ عَنّی فَاَهلُ العَفوِ اَنتَ یا اَهلَ العَفوِ

و اگر ببخشی مرا پس سزاوار آمرزشی تو ای سزاوار آمرزش

اَنتَ یا اَهلَ العَفوِ یا اَحَقَّ مَن عَفی اِغفِر لی وَلِاِخوانی

تو ای سزاوار بخشش ای سزاوارتر کسی که در گذرد و بخشش مرا و برادران مرا

واز جمله دعای روز عرفه دعای حضرت سید الشهدا
امام حسین ص است بشر و بشیر پسران غالب اسدی
روایت کرده اند که پسین روز عرفه در عرفات
در خدمت آنحضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند
با گروهی از اهل بیت و شیعیان خود با نهایت
تذلل و خشوع و فروتنی پس در جانب چپ کوه
ایستادند و روی مبارک خود را بسوی کعبه
معظمه گردانیدند و دستهای مبارک
خود را برابر رو برداشتند مانند مسکینی که طعام

طلبد وایند عارا خوانند بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی لیس لقضائه

بنام خدای بخشنده مهربان

ستایش مر خدایرا که نیست حکم اورا

دافع ولا لعطائه مانع ولا کصنعه صنع

دفع کننده ونه از برای بخشش او منع کننده ونه مانند صنع او صنعت کر

صانع وهو الجواد الواسع فطر اجناس البدائع

کارسازی واوست بخشنده وسعت دهنده آفریده انواع نو پدید آمدها را

واتقن بحکمته الصنائع ولا تخفی علیه الطلائع

ومحکم نمود بدانش خود کارها را ومخفی نیست براو پنهانها

ولا تضیع عنده الودائع جازی کل صانع و

وتلف نگردد نزد او امانتها سزا دهنده هر کار کننده و

رائش کل قانع وراحم کل ضارع ومنزل المنافع

عطا کننده هر قناعت کننده ورحم کننده هر زاری کننده وفرود فرستنده سودها

والکتاب الجامع بالنور الساطع وهو للدعوات

وکتاب فراهم آورنده بروشنائی مرتفع واوست مر دعاهای

سامع وللدرجات رافع وللکربات دافع وللجبابرة

شنونده ومر مرتبها ایشانرا بلند کننده ومر اندوه را برطرف کننده ومر ستمگران را

قامع فلا اله غیره ولا شیء یعدله ولیس کمثله

خارسازنده پس نیست معبودی غیر او ونه چیزی که برابری کند او ونیست مثل او

شیء وهو السمیع البصیر اللطیف الخبیر وهو علی

چیزی واوست شنوای بینا بخشنده دانا واوست بر



كل شيء قدير اللهم إني أرغب إليك وأشهد

بر هر چیز توانا خداوندا بدرستی که من خواهشمند شدم بسوی تو و گواهی میدهم

بالربوبية لك مقرا بأنك ربي وأن إليك مردي

به پروردگاری مر ترا اقرار دارنده باینکه تو پروردگار منی و اینکه بسوی توست بازگشت من

ابتدأتني بنعمتك قبل أن أكون شيئا مذكورا و

ابتدا کردی مرا بنعمت خود پیش از آنکه بوده باشم چیزی یاد کرده شده

خلقتني من التراب ثم أسكنتني الأصلاب آمنا

و آفریدی مرا از خاک پس ساکن گردانیدی مرا در پشت پدران ایمن

لريب المنون واختلاف الدهور فلم أزل ظاعنا من

از شدتهای زمانه و ناموافقی روزگار پس همیشه بودم سفرکننده از

صلب إلى رحم في تقادم الأيام الماضية والقرون

پشت پدری بسوی رحم مادری در دیرینه روزهای گذشته و قرنهای

الخالية لم تخرجني لرأفتك بي ولطفك لي وإحسانك

رفته بیرون نیاوردی مرا بجهة مهربانی تو بمن و بلطف تو بمن و نیکوئی تو

إلي في دولة أيام الكفرة الذين نقضوا عهدك

بسوی من در دولت روزگار ناگرویدگان آنانکه شکستند پیمان ترا

وكذبوا رسلك لكنك أخرجتني رأفة منك وتحننا

و بدروغ نسبت دادند فرستادگان ترا لکن تو بیرون آوردی مرا برای آنکه مهربانی کرده از روی مهربانی و

علي للذي سبق لي من الهدى الذي يسرتني وفيه

بر من برای آنکه پیشی گرفته از برای من از راه راست نما که مهیا کردی برای من و در آن



انشأتني ومن قبل ذلك رؤفت بي بجميل صنعك

بدید آوردی مرا و از پیش از آن مهربانی کردی بمن به بخشش نیکوئیهای صنع تو

وسوابغ نعمتك فابتدعت خلقي من مني يمنى ثم

و نعمتهای کامل تو پس از آن بدید آوردی مرا از آب منی پس

اسكنتني في ظلمات ثلاث بين لحم وجلد ودم و

ساکن گردانیدی مرا در تاریکیهای سه گانه میانه گوشت و پوست و خون و

لم تشهرني بخلقي ولم تجعل الي شيئا من امري ثم

مشهور نساختی با فریدن من و نگردانیدی بسوی من چیزی از کار من پس

اخرجتني الى الدنيا تاما سويا وحفظتني في المهد

بیرون آوردی مرا بسوی دنیا کامل درست اعضا و نگاه داشتی مرا در گهواره

طفلا صبيا ورزقتني من الغذاء لبنا مريا وعطفت

در حال انکه کوچک بودم و روزی کردی مرا از غذا شیر تازه گوارا و مهربان کردی

على قلوب الحواضن وكفلتني الامهات الرحائم و

بر سر دلهای تربیت کنندگان و کار گذار کردی مادرهای مهربان مرا و

وكلأتني من طوارق الجان وسلمتني من الزيادة

و محافظت نمودی مرا از آسیبهای جن و سالم داشتی مرا از زیادتی

والنقصان فتعاليت يا رحيم يا رحمن حتى اذا استهللت

و کمی آن پس برتری تو ای مهربان ای بخشنده تا انکه با واز آمدم

ناطقا بالكلام اتممت على سوابغ الانعام فربيتني

سخن گوی بسخن تمام تمام کردی بر من کامل از نعمتهای خود پس پروردی مرا



زائداً في كل عام حتى إذا كملت فطرتي واعتدلت
زیاده کننده در هر سال تا کامل شد خلقت من و راست شد

مريرتي أوجبت علي حجتك بأن ألهمتني معرفتك
عقل من واجب ساختی بر من حجت خود را بآنکه الهام کردی مرا شناختن خود را

وروعتني بعجائب فطرتك وأنطقتني لما ذرأت
و بدل انداختی مرا غرائب آفرینش خود و گویا کردی مرا برای آنچه ظاهر کردی تو

في سمائك وأرضك من بدائع خلقك ونبهتني
در آسمان خود و زمین خود از نو بدیدهای آفرینش خود و آگاه کردی مرا

لذكرك وشكرك وواجب طاعتك وعبادتك
برای یاد خود و سپاس گذاری خود و واجب فرمان طاعت خود و بندگی خود

وفهمتني ما جاءت به رسلك ويسرت لي تقبل
و در فهمانیدن مرا آنچه آوردند بآن فرستادگان تو و آسان کردی برای من پذیرفتن

مرضاتك ومننت علي في جميع ذلك بعونك ولطفك
خوشنودیهای تو و منت گذاشتی بر من در همه اینها بمدد کردن و مهربانی تو

ثم إذ خلقتني من خير الثرى لم ترض لي يا إلهي نعمة
پس چون آفریدی مرا از خالص بهترین خاک نپسندیدی برای من ای خدا نعمتی را

دون أخرى ورزقتني من أنواع المعاش وصنوف
بجز نعمت دیگری و روزی دادی مرا از انواع روزیها و اصناف

الرياش بمنك العظيم علي وإحسانك القديم إلي
پوششها بانعام خود که بزرگست بر من و نیکوییهای دیرینه بسوی من



حتی اذا اتممت علیّ جمیع النعم وصرفت عنی کل
تا اگر تمام کردی برمن همه نعمتها را وگردانیدی از من هر
النقم لم یمنعک جهلی وجرأتی علیک ان دللتنی
ناخوش را بازنداشت مرا نادانی من ودلیری من بر تو اگر راه نمودی مرا
علی ما یقربنی الیک ووفقتنی لما یزلفنی لدیک
بر چیزی که نزدیک کند مرا بسوی تو وتوفیق دادی مرا برای آنچه نزدیک شود مرا نزد تو
فان دعوتک اجبتنی وان سألتک اعطیتنی و
پس اگر بخوانم ترا اجابت کنی مرا واگر سوال کنم ترا عطا کنی و
ان اطعتک شکرتنی وان شکرتک زدتنی کل
اگر اطاعت کنم ترا سپاس کنی مرا واگر سپاس کنم ترا زیاده کنی مرا همه
ذلک اکمالا لانعمک علیّ واحسانک الیّ فسبحانک
این بجهة آنکه تمام کنی نعمت خود را برمن واحسان خود را بسوی من پس پاکی تو
سبحانک من مبدئ معید حمید مجید تقدست
پاکی تو از بدیه آورنده بازگرداننده ستوده بزرگواری پاک است
اسماؤک وعظمت آلاؤک فای نعمک یا الهی احصی
نامهای تو وبزرگ است نعمتهای تو پس کدام نعمت را ای خدای من بشماره
عددا او ذکرا ام ای عطایاک اقوم بها شکرا و
درآورم یا بیاد آورم یا کدام بخششهای ترا بجا آورم بآن ازروی سپاس و
هی یا رب اکثر من ان یحصیها العادون او یبلغ
این ای پروردگار بیشتر از آنکه بشماره درآورد آن را شمارندگان یا برسند



عِلْماً بِهَا الْحَافِظُونَ ثُمَّ مَا ذَرَأْتَ وَصَرَفْتَ عَنِّي

از روی دانا کردن حفظ کنندگان پس دفع کردی دگر دربندی از من

اَللّٰهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَالضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي

خداوندا از بدحالی و ناخوشی بیشتر از آنچه ظاهر شد از روی من

مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ وَأَنَا أُشْهِدُكَ يَا إِلٰهِي بِحَقِيقَةِ

از عافیت و ناخوشی و من گواه می گیرم ترا ای خدای من بحقیقت

إِيمَانِي وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي وَخَالِصِ صَرِيحِ

ایمان من و محکم دانستن و نگاه داشتن یقین من و خالص محض

تَوْحِيدِي وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي وَعَلَائِقِ مَجَارِي

یگانه پرستیدن من و پنهان پوشیده دل من و در راه گذرهای روان شده

نُورِ بَصَرِي وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَخُرَقِ مَارِبِ

روشنی چشم من و چینهای روی جبین پیشانی و سوراخهای راههای

نَفْسِي وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عِرْنِينِي وَمَسَارِبِ صِمَاخِ

نفس من و پاره‌های استخوانهای جانب بینی من و راههای سوراخ

سَمْعِي وَمَا ضُمَّتْ وَأُطْبِقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ وَ

گوش من و آنچه بهم آورده شد و پوشیده شد بر من لبهای من و

حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَمَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي وَ

حرکات تلفظ کردن زبان من و محل بهم آوردن در طرف دهان من و

مَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَبُلُوغِ حَبَائِلِ بَارِعِ عُنُقِي وَمَسَاغِ

جاهای روییدن دندانهای من و رسیدن رشته‌های گاه گردن من و گوارا



مَاكَلِي وَمَشْرَبِي وَحِمَالَةِ اُمِّ رَاْسِي وَجُمَلِ حَمَائِلَ

خوردن من واشامیدن من وبردارنده اصل سر من وشعبهای رشتهای

حَبْلِ وَتِينِي وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي وَنِيَاطِ

رشتهای دل من وآنچه مشتمل است بران دل که در سینه من است ورگ

حِجَابِ قَلْبِي وَاَفْلاذِ حَوَاشِي كَبِدِي وَمَا حَوَتْهُ شَرَاسِيفُ

پرده دل من وقطعهای کنارهای جگر من وآنچه فرا گرفته اورا سرهای

اَضْلاعِي وَحِقَاقِ مَفَاصِلِي وَاَطْرَافِ اَنَامِلِي وَقَبْضِ

استخوانهای پهلوی من وسر مفصلهای من وکنارهای سر انگشتان من وگرهها

عَوَامِلِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَعَصَبِي وَقَصَبِي

پاهای من وخون من وموی من وبشره من وپی من واستخوان نرم من

وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعُرُوقِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي وَمَا انْتَسَجَ

واستخوان من ومغز استخوان من ورگهای من وهمه اعضای من وآنچه بافته شد

عَلَى ذَلِكَ اَيَّامَ رِضَاعِي وَمَا اَقَلَّتِ الاَرْضُ مِنِّي وَنَوْمِي

بران روزگار شیر خوردن من وآنچه برداشته زمین از من وخواب من

وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي وَحَرَكَتِي وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَ

وبیداری من وسکون من وحرکت من وحرکات رکوع من و

سُجُودِي اَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الاَعْصَارِ

سجود من اگر قصد کنم وکوشش نمایم درازی زمانها

وَالاَحْقَابِ لَوْ عُمِّرْتُهَا اَنْ اُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ

وروزگارها اگر زنده دارم آنها بتوانم که بجا آورم سپاس یکی از

النعم



أنعمك ما استطعت ذلك إلا بمنك الموجب علي

نعمتهای ترا نمی توانم این را مگر بانعام تو که واجب جدید بر من

شكرا أنفا جديدا وثناء طارفا عتيدا أجل ولو

سپاسی مستانف تازه و ستایش تازه مهیا بلی و اگر

حرصت أنا والعادون من أنامك أن نحصي مدى

خواسیم من و شمارنده گان از خلق تو اگر بشماریم بسیاری

إنعامك سالفه وآنفه لما حصرناه عددا ولا

انعام ترا گذشته و حاضر را هر آینه احاطه کرده ایم او را از شماره و نه

أحصيناه أبدا هيهات أنى ذلك وأنت المخبر عن

توانیم شمردن او را هرگز بلکه است این و حال آنکه تو خبر دهنده از

نفسك في كتابك الناطق والنبإ الصادق وإن تعدوا

نفس خود در کتاب حق گوی خود و خبر راست اگر بشمارید

نعمة الله لا تحصوها صدق كتابك اللهم وإنباؤك

نعمت خدا را نمی توانید شمرد راست است کتاب تو خداوندا و خبر تو

وبلغت أنبياؤك ورسلك ما أنزلت عليهم من وحيك

و رسانیده اند پیغمبران تو و فرستادگان تو آنچه فرستادی بر ایشان از پیغام تو

وشرعت لهم من دينك غير أني يا إلهي أشهد بجهدي

و ظاهر ساختی از برای ایشان از دین خود جز آنکه ای خدای من گواهی میدهم بسعی خود

وجهدي ومبالغ طاقتي ووسعي وأقول مؤمنا

و کوشش خود و رسانیدن طاقت خود و وسع خود و می گویم من در حالتی که یقین دارم



مؤمنا الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا فیکون موزونا

تصدیق نماینده سپاس مر خدای را که نگرفته هیچ فرزندی پس باشد او را سنجیده شده

ولم یکن له شریک فی الملک فیضاده فیما ابتدع

ونیست مر او را شریکی در پادشاهی پس مخاصمه کند او را در آنچه پدید آورده

ولا ولی من الذل فیرفده فیما صنع سبحانه سبحانه

و نه یاوری از ذلت پس یاری دهد او را در آنچه کرده پاکست او پاکست او

سبحانه لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا فتفطرتا

پاکست او اگر بوده باشد در آسمان و زمین خدایانی غیر از خدای بحق که تباه شدندی هر آینه آسمان و زمین

فسبحان الله الواحد الحق الاحد الصمد الذی لم

پس پاکست خدای یکتای حق یگانه بی‌نیاز چنانکه نه

یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد الحمد لله حمدا

زاده و نزاییده شده و نمی‌باشد مر او را مانند هیچکس سپاس مر خدایراست سپاسی

یعدل حمد ملائکته المقربین وانبیائه المرسلین

که برابری کند سپاس فرشتگان او که نزدیکانند و پیغمبران او که فرستادگانند

وصلی الله علی خیرته من خلقه محمد خاتم النبیین

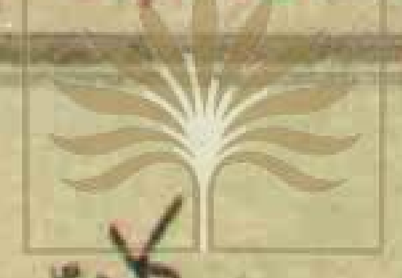
درود فرستد خدا بر بهترین بندگان او محمد آخر پیغمبران

وآله الطاهرین المخلصین پس شروع فرمود آنحضرت

و آل او که پاکانند خالص شدگان در سؤال و اهتمام نمود در

دعا و آب از دیده‌های مبارکش اللهم اجعلنی اخشاک

جاری بود پس آنحضرت فرمود بار خدایا بگردان مرا که بترسم ترا



کانی

كأني اراك واسعدني بتقواك ولا تشقني بمعصيتك

بگان می‌بینم ترا و نیک‌بخت کن مرا به پرهیزکاری تو و بدبخت مساز مرا به نافرمانی خود

وخر لي في قضائك وبارك لي في قدرك حتى لا احب

و خیره ده مرا در حکم خود و برکت ده مرا در تقدیر خود تا اینکه دوست ندارم

تعجيل ما اخرت ولا تأخير ما عجلت اللهم اجعل

شتاب کردن آنچه در تأخیر انداختی و نه باز پس انداختن آنچه شتاب دادی بار خدایا بگردان

غناي في نفسي واليقين في قلبي والاخلاص في عملي

بی‌نیازی مرا در نفس من و یقین در دل من و اخلاص را در عمل من

والنور في بصري والبصيرة في ديني ومتعني

و روشنایی را در چشم من و بینایی در دین من و بهره‌ور کن مرا

بجوارحي واجعل سمعي وبصري الوارثين مني

به اعضای من و بگردان گوش مرا و چشم مرا میراث‌برنده‌گان از من

وانصرني على من ظلمني وارزقني فيه مآربي وثاري

و یاری ده مرا بر کسی که ستم کند مرا و روزی کن مرا در او حاجت مرا و خون مرا

واقر بذلك عيني اللهم اكشف كربتي واستر

و روشن کن بدان چشم مرا بار خدایا زایل کن اندوه مرا و بپوشان

عورتي واغفر لي خطيئتي واخسأ شيطاني وفك

عورت مرا و بیامرز گناهان مرا و دور کن شیطان مرا و باز پس ده

رهاني واجعل لي يا الهي الدرجة العليا في الآخرة

گروهای مرا و بگردان از برای من ای خدای من مرتبه بلندی در آخرت



والاولی اللهم لک الحمد کما خلقتنی فجعلتنی سمیعا

و ... خداوندا از برای توست سپاس چنانچه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا شنوای

بصیرا ولک الحمد کما خلقتنی فجعلتنی حیا سویا رحمة

بینا و مر تراست سپاس چنانکه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا زنده درست اعضا از راه رحمت

بی وکنت عن خلقی غنیا رب بما برأتنی فعدلت

بمن و بودی تو از آفرینش من بی نیاز پروردگارا بانچه خلق کردی مرا پس درست کردی

فطرتی رب بما انشأتنی فاحسنت صورتی یا رب بما

خلقت مرا پروردگارا بانچه ایجاد کردی مرا پس نیکو کردی صورت مرا ای پروردگار من بانچه

احسنت الی وفی نفسی عافیتنی رب بما اویتنی ومن

نیکوئی کردی بمن و در نفس من عافیت دادی مرا پروردگار من بانچه جا دادی مرا و از

کل خیر اتیتنی واعطیتنی رب بما اطعمتنی وسقیتنی

هر نیکی که دادی مرا و بخشیدی مرا پروردگار من بانچه طعام دادی مرا و آب دادی

رب بما اغنیتنی واقنیتنی رب بما اعنتنی واعززتنی

ای پروردگار من بانچه بی نیاز کردی مرا و روزی دادی مرا پروردگار من بانچه یاری کردی مرا و عزت دادی

رب بما البستنی من ذکرک الصافی ویسرت لی من

پروردگار من بانچه پوشانیدی مرا از یاد تو که صاف است و آسان کردی از برای من از

صنعک الکافی صل علی محمد وآل محمد واعنی علی بوائق

بخشش کفایت کننده رحمت کن بر محمد و آل محمد و یاری کن مرا بر حادثهای

الدهر وصروف الایام واللیالی ونجنی من اهوال

روزگار و مکروهات روزها و شبها و رهائی ده مرا از اهوال



الدنیا

اَلدُّنیا وَکُرُباتِ الاٰخِرَةِ اَکْفِنی شَرَّ ما یَعْمَلُ الظّالِمُونَ

دنیا وانده وبرهای آخرت کفایت کن مرا بدی آنکه کنند ستمکاران

فِی الاَرْضِ اَللّٰهُمَّ ما اَخافُ فَاکْفِنی وَما اَحْذَرُ

در زمین خداوندا آنچه می ترسم پس دفع کن از من وآنچه می پرهیزم

فَقِنی وَفی نَفْسی وَدینی فَاحْرُسْنی وَفی سَفَری

پس نگاه دار مرا ودر نفس من ودین من پس نگاه بان کن مرا ودر سفر من

فَاحْفَظْنی وَفی اَهْلی وَمالی وَوَلَدی فَاخْلُفْنی

پس حفظ کن مرا ودر اهل من ومال من وفرزند من پس خلیفه باش مرا

وَفیما رَزَقْتَنی فَبارِكْ لی وَفی نَفْسی فَذَلِّلْنی وَفی

ودر آنچه روزی کردی مرا پس برکت ده مرا ودر نفس من پس خوار کن مرا ودر

اَعْیُنِ النّاسِ فَعَظِّمْنی وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالاِنْسِ فَسَلِّمْنی

دیدهای آدمیان پس بزرگ کن مرا واز بدی جنیان وآدمیان پس سالم دار مرا

وَبِذُنُوبی فَلا تَفْضَحْنی وَبِسَریرَتی فَلا تُخْزِنی وَبِعَمَلی

وبگناهان من پس رسوا مکن وبگناهان نهانی من پس خوار مکن مرا وبکردار من

فَلا تَبْتَلِنی وَنِعَمَكَ فَلا تَسْلُبْنی وَاِلی غَیْرِكَ فَلا

پس مبتلا مکن مرا وبنعمت خود پس زایل مکن از من وبسوی غیر خود پس

تَکِلْنی اِلٰهی اِلی مَنْ تَکِلُنی اِلَی الْقَریبِ یَقْطَعُنی اَمْ

واگذار مرا ای خدای من بسوی که می گذاری مرا بسوی نزدیک که بر برد از من یا

اِلَی الْبَعیدِ یَتَجَهَّمُنی اَمْ اِلَی الْمُسْتَضْعِفینَ لی وَ

بسوی دور که ناخوشی کند مرا یا بسوی ضعیف شمارندگان من وحال آنکه

أَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكُ أَمْرِي أَشْكُوا إِلَيْكَ غُرْبَتِي

تو پروردگاری و مالک کار من شکایت می کنم بسوی تو بیکسی مرا

وَبُعْدَ دَارِي وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَّكْتَهُ أَمْرِي اَللّٰهُمَّ

و دوری سرای من و خواری من بر آنکه گردانیدی او مالک کار من خداوندا

فَلَا تُحْلِلْ بِي غَضَبَكَ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ

پس فرو میار بر من غضب خدا پس اگر نباشی تو که غضب کنی بر من

فَلَا أُبَالِي سِوَاكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي فَأَسْئَلُكَ

پس باک ندارم سوای تورا مگر آنکه عافیت تو فراخ تر است مرا پس ای پروردگار

بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمٰوَاتُ

بنور ذات تو که روشن است بجهت آن زمین و آسمانها

وَانْكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ

و دور است گشته بآن تاریکیها و راست شده بجهت آن کار پیشینیان

وَالْآخِرِينَ أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلَ

و پسینیان اینکه بمیرانی مرا بر غضب خود و فرود نفرستی

بِي سَخَطَكَ لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذٰلِكَ لَا

بمن غضب خدا را است عذر خواهی تا راضی شوی پیش از این نیست

إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ

خدائی مگر تو پروردگار شهر حرام و مشعر حرام و

الْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي حَلَّلْتَهُ الْبَرَكَةَ وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ

خانه دیرینه چنانکه فرود فرستادی اورا برکت را و گردانیدی اورا برای مردمان



امید

اَمَنَةً يا مَنْ عَفى عَنِ الْعَظيمِ مِنَ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ

وسیله ای کسیکه گذشت از بزرگ از گناهان بر بردباری

يا مَنْ اَسْبَغَ النِّعْمَةَ بِفَضْلِهِ يا مَنْ اَعْطَى الْجَزيلَ

ای انکه تمام کرد نعمت را بر بخشش خود ای کسیکه بخشید بسیاری از گناهان

بِكَرَمِهِ يا عُدَّتي في شِدَّتي يا صاحِبي في وَحْدَتي

بکرم خود ای فریادرس من در وقت اندوه من ای صاحب من در تنهائی من

يا غِياثي في كُرْبَتي يا مُونِسي في حُفْرَتي يا وَلِيَّ نِعْمَتي

ای فریادرس من در اندوه من ای انیس من در قبر من ای خداوند نعمت من

يا اِلهي وَاِلهَ آبائي اِبْراهيمَ وَاِسْمعيلَ وَاِسْحقَ وَ

ای خدای من و خدای پدران من ابراهیم و اسمعیل و اسحق و

يَعْقُوبَ وَرَبَّ جَبْرَئيلَ وَميكائيلَ وَاِسْرافيلَ

یعقوب و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَآلِهِ الْمُنْتَجَبينَ وَمُنْزِلَ

و پروردگار محمد آخر پیغمبران و آل او که برگزیدگانند و فرود آورنده

التَّوْريةِ وَالْاِنْجيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقانِ وَمُنَزِّلَ

توریة و انجیل و زبور و قرآن و فرود آورنده

كهيعص وَطه وَيس وَالْقُرْانِ الْحَكيمِ اَنْتَ كَهْفي

کهیعص و طه و یس و قرآن با حکمت تو پناه منی

حينَ تُعْيينِي الْمَذاهِبُ في سَعَتِها وَتَضيقُ عَلَيَّ الْاَرْضُ

هنگامی که عاجز کنند راهها در فراخی آن و تنگ شود بر زمین



بِرُحْبِهٰا وَلَوْلٰا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهٰالِكِينَ وَ

با گشادگی آن و اگر نبود رحمت تو هر آینه بودم من از جمله هلاک شوندگان و

اَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي وَلَوْلٰا سَتْرُكَ اِيّٰايَ لَكُنْتُ مِنَ

تو در گذرنده لغزش مرا و اگر نبود پوشیدن تو مرا هر آینه بودم از

الْمَفْضُوحِينَ وَاَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى الْاَعْدٰاۤءِ

رسوا شدگان و تو قوت دهنده مرا بیاری بر دشمنان

وَلَوْلٰا نَصْرُكَ اِيّٰايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يٰا مَنْ خَصَّ

و اگر نبود یاری تو مرا هر آینه بودم من از جمله غلبه کرده شده ای کسیکه مخصوص کرد

نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَالرِّفْعَةِ فَاَوْلِيٰاۤؤُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَزُّونَ

خود را به بلندی و رفعت پس دوستان او بارجمندی او ارجمند شوند

يٰا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلٰى اَعْنٰاقِهِمْ

ای کسیکه گردانیده‌اند مر او را پادشاهان یوغ خواری بر گردنهای ایشان

فَهُمْ مِنْ سَطَوٰاتِهِ خٰاۤئِفُونَ تَعْلَمُ خٰاۤئِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمٰا

پس ایشان از غضب او ترسنده‌اند می داند خیانت چشمها را و آنچه

تُخْفِي الصُّدُورُ وَغَيْبَ مٰا تَأْتِي بِهِ الْاَزْمٰانُ وَ

پنهان است در سینه‌ها و پنهانها آنچه می آورد او را زمانها و

الدُّهُورُ يٰا مَنْ لٰا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ اِلّٰا هُوَ يٰا مَنْ لٰا يَعْلَمُ

روزگارها ای کسیکه نمی داند چگونه است او مگر او ای کسیکه نمی داند

مٰا يَعْلَمُهُ اِلّٰا هُوَ يٰا مَنْ كَبَسَ الْاَرْضَ عَلَى الْمٰاۤءِ وَسَدَّ

چیزیرا می داند مگر او ای آنکه زمین را بر آب افشرده و باز داشت

الهواء

الهواءَ بالسماء یا من له اکرم الاسماء یا ذا المعروف

هوا را باسمان ای آنکه مراوراست گرامی نامها ای خداوند احسان

الذی لا ینقطع ابدا یا مقیض الرکب لیوسف

که بر طرف نمی گسلد هرگز ای گمارنده کاروان برای یوسف

فی البلد القفر ومخرجه من الجب وجاعله بعد

در شهر خالی و بیرون آورنده او از چاه و گرداننده بعد از

العبودیة ملکا یا رادّ یوسف علی یعقوب

بنده گی پادشاه ای برگرداننده یوسف بر یعقوب

بعد ان ابیضت عیناه من الحزن فهو کظیم یا کاشف

بعد از آنکه سفید شد هر دو چشم او از اندوه پس او خشم فرو برنده بود ای رفع کننده

الضر والبلاء عن ایوب یا ممسک ید ابراهیم

اندوه و بلا از ایوب ای نگاه دارنده دست ابراهیم

من الذبح عن ابنه بعد ان کبر سنه وفنی عمره

از ذبح و بریدن گلوی پسر او بعد از آنکه بالا رفته بود سال او و فانی شد عمر او

یا من استجاب لزکریا فوهب له یحیی ولم یدعه

ای آنکه مستجاب کرد دعای زکریا را پس بخشید مراو را یحیی و واگذاشت او را

فردا وحیدا یا من اخرج یونس من بطن الحوت

تنها و یگانه ای آنکه بیرون آورد یونس را از شکم ماهی

یا من فرق البحر لبنی اسرائیل فانجیهم وجعل

ای آنکه شکافت دریا را برای بنی اسرائیل پس رهانید ایشان را و گردانید



من المغرقين

فرعون وجنوده يا من ارسل الرياح مبشرات

فرعون و جنود او را از غرق شدگان ای آنکه فرستاد بادها را مژده دهنده

بين يدي رحمته يا من لم يعجل على من عصاه

پیش دو دست رحمت او ای آنکه شتاب نکرد بر آنکه نافرمانی کرد او را

من خلقه يا من استنقذ السحرة من بعد طول

از بندگان او ای آنکه نجات داد جادوگران را از بعد درازی

الجحود وقد غدوا في نعمته يأكلون رزقه و

انکار و می کردند در نعمت او می خوردند روزی او را و

يعبدون غيره وقد حادوه ونادوه وكذبوا

می پرستیدند غیر او را و دشمنی کردند او را و مخالفت کردند او را و دروغ نسبت دادند

رسله يا الله يا بدئ لا بدأ لك يا دائما لا نفاد

پیغمبران او را ای خدا ای پدید آورنده که نیست ابتدا از برای تو ای همیشه که نیست نیستی

لك يا حي حين لا حي يا محيي الموتى يا من هو قائم

از برای تو ای زنده هنگامی که نبود زنده ای زنده کننده مردگان را ای آنکه همیشه ایستاده

على كل نفس بما كسبت يا من قل له شكري فلم

بر هر نفسی است بآنچه کسب کرده است ای آنکه کم است برای او سپاس گذاری من پس نه

يحرمني وعظمت عنده خطيئتي فلم يفضحني و

محروم کرد مرا و بزرگ است نزد او گناهان من پس رسوا نکرد مرا و

رآني على المعاصي فلم يخذلني يا من حفظني في

دید مرا بر نافرمانی پس خوار نکرد مرا ای آنکه حفظ کرد مرا در



صغری یا من رزقنی فی کبری یا من ایادیه عندی

خوردی من ای آنکه روزی کرد مرا در بزرگی من ای آنکه نعمتهای او نزد منست بیش

لا تحصی یا من نعمه عندی لا تجازی یا من عارضنی

بشمار است ای آنکه نعمتهای او نزد من شکر کرده نشود ای آنکه آمد مرا

بالخیر والاحسان وعارضته بالاساءة والعصیان

بخیر و نیکوئی و آمدم اورا به بدی و نافرمانی

یا من هدانی بالایمان قبل ان اعرف شکر الامتنان

ای آنکه راه نمود مرا بایمان پیشتر از آنکه بشناسم شکر انعام را

یا من دعوته مریضا فشفانی وعریانا فکسانی

ای آنکه خواندم اورا در حال بیماری پس شفا داد مرا و در حال برهنگی پس پوشانید مرا

وجائعا فاطعمنی وعطشانا فاروانی وذلیلا

و در گرسنگی پس طعام داد مرا و در تشنگی پس سیراب گردانید مرا و در حال خواری

فاعزنی وجاهلا فعرفنی ووحیدا فکثرنی وغائبا

پس عزیز گردانید مرا و در حال نادانی پس شناسا کرد مرا و یگانه پس بسیار گردانید مرا و پنهان

فردنی ومقلا فاغنانی ومنتصرا فنصرنی وغنیا

پس باز گردانید مرا و تنگدست پس بی نیاز گردانید مرا و دادخواه پس یاری کرد مرا و بی نیاز

فلم یسلبنی وامسکت عن جمیع ذلک فابتدانی

پس سلب نکرد مرا و باز ایستادم جمله از همه آنها پس بیشی گرفت مرا

فلک الحمد یا من اقال عثرتی ونفس کربتی واجاب

پس مر تراست حمد ای آنکه در گذشت از لغزش من و زایل کرد اندوه مرا و اجابت کرده



دعوتی واستر عورتی واغفر ذنوبی وبلغنی طلبتی

دعوت مرا و بپوشانند عورت مرا و آمرزنده گناهان مرا و رساننده مرا بحاجت من

ونصرنی علی عدوی وان اعد نعمک ومننک

و یاری داد مرا بر دشمن من و اگر خواهم که بشمارم نعمتهای تو را و منت تو را

وکرائم منحک لا احصیها یا مولای انت الذی نعمت

و گرامی بعضی بخششهای تو نمی توانم شمرد ای آقای من تو آنکسی انعام کردی

انت الذی احسنت انت الذی اجملت انت الذی

آنکه نیکو کردی تو آنکه نیکوئی کردی تو آنکه

افضلت انت الذی مننت انت الذی اکملت انت الذی

که بخشش کردی تو آنکه انعام کردی تو آنکه کامل کردی تو آنکه

رزقت انت الذی وفقت انت الذی اعطیت انت

روزی دادی تو آنکه توفیق دادی تو آنکه عطا کردی تو

الذی اغنیت انت الذی اقنیت انت الذی آویت

آنکه بی نیاز کردی تو آنکه کفایت کردی تو آنکه جا دادی

انت الذی کفیت انت الذی هدیت انت الذی عصمت

تو آنکه کارگزاری کردی تو آنکه راه نمائی کردی تو آنکه نگاه داشتی

انت الذی سترت انت الذی غفرت انت الذی اقلت

تو آنکه پوشنده ای تو آنکه آمرزندی تو آنکه درگذشتی تو

انت الذی مکنت انت الذی اعنت انت الذی عضدت

تو آنکه توانگری دادی تو آنکه یاری کردی تو آنکه مدد کردی



انت

أنت الذي أيدت أنت الذي نصرت أنت الذي

تو آنکه کرونت دادی تو آنکه که یاری کردی تو آنکه

شفیت أنت الذي عافیت أنت الذي أکرمت أنت

شفا دادی تو آنکه که عافیت دادی تو آنکه که گرامی داشتی تو

تبارکت ربي وتعالیت فلك الحمد دائما ولك

خداوند برکتها پروردگار من و برتری پس از برای توست سپاس همیشه و مر تراست

الشکر واصبا ثم أنا یا إلهي المعترف بذنوبي فاغفرها

شکر گذاری دائمی پس من ای خدای من اقرار دارنده‌ام بگناهان پس بیامرز آنها را

لي أنا الذي أسأت أنا الذي أخطأت أنا الذي

برای من منم آنکه بد کردم منم آنکه خطا کردم منم آنکه

أغفلت أنا الذي جهلت أنا الذي هممت أنا الذي

غافل شدم منم آنکه نادانی کردم منم آنکه قصد گناه کردم منم آنکه

سهوت أنا الذي اعتمدت أنا الذي تعمدت أنا

فراموش کردم منم آنکه اعتماد کردم منم آنکه عمدا گناه کردم منم

الذي وعدت أنا الذي أخلفت أنا الذي نکثت

آنکه وعده کردم منم آنکه خلاف کردم منم آنکه به پیمان را شکستم

أنا الذي أقررت أنا یا إلهي أعترف بنعمك عندي

منم آنکه اقرار کردم منم ای خدای من که اقرار دارم نعمت تو نزد من

وأبوء بذنوبي فاغفرها لي یا من لا تضره ذنوب

و اقرار می کنم بگناهان خود پس بیامرز آنها را از برای من ای کسیکه ضرر نمیرساند او را گناهان



عِبادِهِ وَهُوَ الغَنِيُّ عَنْ طاعَتِهِمْ وَالمُوَفِّقُ مَنْ عَمِلَ

بندگان او وعمل انکه او بی نیاز است از عبادت ایشان و توفیق دهنده است کسی را که عمل کرد

مِنْهُمْ صالِحًا بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ فَلَكَ الحَمْدُ اِلٰهِي اَمَرْتَنِي

از ایشان کار شایسته بمدد او و رحمت او پس مر تراست سپاس ای خدای من امر کردی مرا

فَعَصَيْتُكَ وَنَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ فَاَصْبَحْتُ

پس نافرمانی کردم ترا و نهی کردی مرا پس مرتکب شدم نهی ترا پس صبح کردم

لا ذا بَراءَةٍ فَاَعْتَذِرَ وَلا ذا قُوَّةٍ فَاَنْتَصِرَ فَبِاَيِّ شَيْءٍ

نه صاحب بیزاری کننده پس عذر خواهی کنم و نه صاحب توانائی پس انتقام کشم پس بکدام چیز

اَسْتَقْبِلُكَ يا مَوْلايَ اَبِسَمْعِي اَمْ بِبَصَرِي اَمْ بِلِسانِي

پیش آیم ترا ای خدای من و آقای من بگوش من یا بدیده من یا بزبان من

اَمْ بِيَدِي اَمْ بِرِجْلِي اَلَيْسَ كُلُّها نِعَمَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّها

یا بدست من یا بپای من آیا نیست همه آن نعمت تو نزد من و بهمه اینها

عَصَيْتُكَ يا مَوْلايَ فَلَكَ الحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ يا مَنْ

نافرمانی کردم ترا ای آقای من پس مر تراست حجت و راه بر من ای آنکه

سَتَرَنِي مِنَ الآباءِ وَالاُمَّهاتِ اَنْ يَزْجُرُونِي وَمِنَ

پوشید مرا از پدران و مادران اینکه منع کنند مرا و از

العَشائِرِ وَالاِخْوانِ اَنْ يُعَيِّرُونِي وَمِنَ السَّلاطِينِ

خویشان و برادران اینکه سرزنش کنند مرا و از پادشاهان

اَنْ يُعاقِبُونِي وَلَوِ اطَّلَعُوا يا مَوْلايَ عَلَى ما اطَّلَعْتَ

اینکه عذاب کنند مرا و اگر مطلع گردند ای آقای من بر آنچه مطلع شدی تو



علیه

عليه مني اذاً اما انظروني ولرفضوني وقطعوني

بر او از من آنوقت مهلت نمی دادند مرا و ترک می کردند مرا و می بریدند مرا

فها انا ذا بين يديك يا سيدي خاضعا ذليلا

پس اینک من پیش توام ای آقای من فروتنی کننده خوار

حصيرا حقيرا لا ذو براءة فاعتذر ولا ذو قوة

بیمقدار حقیر نه خداوند بیزاری پس عذر آورم و نه صاحب توانائی

فانتصر ولا حجة لي فاحتج بها ولا قائل لم اجترح

پس انتقام کشم و نیست حجتی برای من پس حجت آورم بآن و نه گوینده ام که گناه نکرده ام

ولم اعمل سوءً وما عسى الجحود لو جحدت يا مولاي

و نه کردم بدی و لیکن چه انکار کرده که اگر انکار کنم ای آقای من

ينفعني فكيف واني ذلك وجوارحي كلها شاهدة

نفع بخشد مرا پس چگونه و کجاست نفع آن و اعضای من همه آن گواهند

علي بما قد عملت وعلمت يقينا غير ذي شك انك

بر من بانچه کرده ام و میدانم من ازروی یقین با شک بدرستی که تو

سائلي عن عظائم الامور وانك الحكم العدل الذي

سؤال کننده مرا از کارهای بزرگ و بدرستی که تو درست کردار عادلی که

لا يجور وعدلك مهلكي ومن كل عدلك مهربي

ستم نکند و عدالت هلاک کننده است و از هر عدالت تو گریزگاه من

فان تعذبني فبذنوبي يا الهي بعد حجتك علي و

پس اگر عذاب کنی مرا پس بگناهان من ای خدای من بعد از حجت تو بر من و



إِنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ لَا إِلٰهَ

اگر عفو کنی از من پس هم ببردباری تو و بخشش تو و بکرم تو نیست خدا

إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا

مگر تو پاکا تو بدرستی که بودم من از ستمکاران نیست خدا مگر

أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا

تو پاکا تو بدرستی که بودم من از بگناه زاریش نیست خدا مگر

أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

تو پاکا تو بدرستی که بودم من از یگانه پرستان نیست خدا مگر تو

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

پاکا تو بدرستی که بودم من از ترسندگان نیست خدا مگر تو پاکا تو

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي

بدرستی که بودم من از بیم ناکان نیست خدا مگر تو پاکا تو بدرستی که من

كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي

بودم از سؤال کنندگان نیست خدا مگر تو پاکا تو بدرستی که من

كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ الرَّاغِبِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

بودم از امیدواران خواهشمندان نیست خدا مگر تو پاکا تو

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهَلِّلِينَ الْمُسَبِّحِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي

بدرستی که بودم از تهلیل کنندگان تسبیح کنان نیست خدا مگر تو ای پروردگار من

وَرَبُّ آبَائِيَ الْأَوَّلِينَ اللّٰهُمَّ هٰذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّداً

و پروردگار پدران من پیشینیان بار خدایا این است ستایش من بر تو تعظیم کننده



وَإِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا وَإِقْرَارِي بِآلَائِكَ مُعَدِّدًا

و خالص گردانیدن مرا برای ذکر حق یکتا و اقرار کردن مرا بنعمتهای تو شمرده شده

وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَا أُحْصِيهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا

و اگر بودی تو اقرار کننده نمی توانم شمرد آنها را بجهت بسیاری آنها و تمامی آنها

وَتَظَاهُرِهَا وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي

و پیاپی بودن آن و پیشی گرفتن آنها بسوی نعمت تازه که همیشه لطف بندی را

بِهِ مَعَهَا مُذْ خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمْرِ مِنَ

بآن با آنها از وقت که آفریدی مرا و بدید آوردی مرا از اول عمر از

الْإِغْنَاءِ بَعْدَ الْفَقْرِ وَكَشْفِ الضُّرِّ وَتَسْبِيبِ الْيُسْرِ

با بی نیازی بعد از تنگدستی و زایل شدن گزند و ساز کردن آسان

وَدَفْعِ الْعُسْرِ وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ

و دفع دشواری و گشودن اندوه و عافیت در بدن

وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ

و سلامت در دین و اگر یاری کردندی مرا بر اندازه یاد

نِعَمِكَ عَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

نعمت تو بر همه جهانیان از پیشینیان و پسینیان

لَمَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ تَقَدَّسْتَ وَتَعَالَيْتَ

هر آینه قدرت نداشتمی و نه ایشان بر این پاکی تو و برتری

مِنْ رَبٍّ عَظِيمٍ كَرِيمٍ رَحِيمٍ لَا تُحْصَى آلَاؤُكَ وَلَا

از پروردگار بزرگ بزرگوار مهربان شماره در نمی آید نعمتهای تو و نه



يبلغ ثناؤك ولا تكافى نعماؤك صل على محمد و
نمیرسد ستایش تو و شکر کرده نشود نعمتهای تو درود فرست بر محمد و
ال محمد واتمم علينا نعمك واسعدنا بطاعتك
آل محمد و تمام کن بر ما نعمتهای خود را و نیک بخت گردان ما را بطاعت خود
وسبحانك لا اله الا انت اللهم انك تجيب دعوة
و پاکی تو نیست خدا مگر تو خداوندا بدرستی تو مستجاب می کنی دعای
المضطر اذا دعاك وتكشف السوء وتغيث المكروب
درماندگان را هرگاه بخواند ترا و برطرف میکنی بدی را و بفریاد می رسی غمناک را
وتشفي السقيم وتغني الفقير وتجبر الكسير وترحم
و شفا می دهی بیمار را و بی نیاز می گردانی فقیر را و درست می کنی شکسته را و رحم می کنی
الصغير وتعين الكبير وليس دونك ظهير ولا
کوچک را و اعانت می کنی بزرگ را و نیست جز تو یاوری و نه
فوقك قدير وانت العلي الكبير يا مطلق المكبل
بالای تو توانایی و تو بلند قدر بزرگ مرتبه ای رها کننده بند کرده
الاسير يا رازق الطفل الصغير يا عصمة الخائف
دستگیر ای روزی دهنده کوچک خرد ای نگاه دارنده ترسنده
المستجير يا من لا شريك له ولا وزير صل على محمد
زنهار جوینده ای آنکه نیست شریک مر او را و نه وزیری درود فرست بر محمد
وال محمد واعطني في هذه العشية افضل ما اعطيت
و آل محمد و عطا کن مرا در این شب نیکوتر از آنچه بخشیدی



وَاَنْتَ اَحَداً مِنْ عِبادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُوَلِّيها وَ آلاءٍ

ودر بندی تو هیچ از بندگان خود را از نعمتی که انعام کردی او را و نعمتها

تُجَدِّدُها وَ بَلِيَّةٍ تَصْرِفُها وَ كُرْبَةٍ تَكْشِفُها وَ دَعْوَةٍ

که تازه می‌کنی او را و بلاها که برگردانی او را و اندوهی که زایل کنی او را و دعا

تَسْمَعُها وَ حَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُها وَ سَيِّئَةٍ تَغْفِرُها

که بشنوی او را و نیکی که بپذیری او را و گناهی که بیامرزی او را

اِنَّكَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ وَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ

بدرستی که تو لطف کننده آگاهی و بر هر چیز توانائی خداوندا بدرستی که تو

اَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ وَ اَسْرَعُ مَنْ اَجابَ وَ اَكْرَمُ مَنْ عَفى

نزدیکتری از کسی که خوانده شود و شتابنده‌تری از هر که اجابت کرده و کریمتری از آنکه عفو کرده

وَ اَوْسَعُ مَنْ اَعْطى وَ اَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ يا رَحْمٰنَ الدُّنْيا

و فراخ بخشنده‌تری از آنکه بخشیده و شنواتری از هر که سوال کرده ای بخشنده دنیا

وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُما لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَ لا

و آخرت و مهربان هر دو جهان نیست مثل تو سوال کرده شده و نیست

سِواكَ مَأْمُولٌ دَعَوْتُكَ فَاَجَبْتَنِي وَ سَاَلْتُكَ فَاَعْطَيْتَنِي

غیر تو امید داشته شده خواندم ترا پس اجابت کردی مرا و سوال کردم ترا پس عطا کردی

وَ رَغِبْتُ اِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي وَ وَثِقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنِي وَ

و خواهش کردم بسوی تو پس رحم کردی مرا و اعتماد کردم بتو پس نجات دادی مرا و

فَزِعْتُ اِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ

پناه آوردم بسوی تو پس کفایت کردی مرا خداوندا درود فرست بر محمد



عبدك ورسولك ونبيك وعلى آله الطيبين الطا

که بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر توست و بر آل او که پاکان و پاکیزگانند

هرين اجمعين وتمم لنا نعماءك وهنئنا عطاءك

همه ایشان و تمام کن از برای ما نعمتهای خود را و گوارا کن عطای خود را

واجعلنا لك شاكرين ولآلائك ذاكرين آمين

و بگردان ما را از برای خود شکر گذارندگان و برای نعمتهای خود یاد کنندگان اجابت کن ما را

آمين رب العالمين اللهم يا من ملك فقدر

اجابت کن ای پروردگار عالمیان خداوندا ای آنکه مالک هر چیز است پس توانا گشت

فقهر وعصي فستر واستغفر فغفر يا غاية الطالبين الراغبين

و مغلوب گردانید و نافرمانی کرده شد پس پوشانید و طلب آمرزش کرده شد پس آمرزید ای منتهای خواهش رغبت کنندگان

ومنتهى امل الراجين يا من احاط بكل شيء علما

و منتهای امید امیدواران ای کسی که فرو گرفته بهر چیزی دانش او

ووسع المستقيلين رحمة ورأفة وحلما اللهم

و وسعت داده بیچارگان را از راه مهربانی و بخشش و بردباری خداوندا

انا نتوجه اليك في هذه العشية التي شرفتها و

بدرستی که متوجه شده ایم بسوی تو در این شب چنانکه شرافت داده ای آنرا

عظمتها بمحمد نبيك ورسولك وخيرتك من خلقك

و بزرگ شمرده ای آنرا بمحمد پیغمبر تو و رسول تو و برگزیده تو از میان خلق تو

وامينك على وحيك اللهم فصل على البشير النذير

و امین تو بر وحی تو خداوندا پس درود فرست بر مژده دهنده بیم کننده



السراج المنير الذی انعمت به علی المسلمین و

چراغ روشن چنانکه انعام کردی آن بر مسلمانان و

جعلته رحمة للعالمین اللهم فصل علی محمد و

گردانیدی او را رحمت برای جهانیان خداوندا پس درود فرست بر محمد و

اله کما محمد هو اهل ذلک یا عظیم صل علیه و

آل او چنانکه محمد سزاوار این است ای بزرگ درود فرست بر او و

علی آل محمد المنتجبین الطیبین الطاهرین اجمعین

بر آل محمد که برگزیدگان پاکان پاکیزگانند همه

وتغمدنا بعفوک عنا فالیک عجت الاصوات

و فرو گیر ما را به درگذشتن تو از ما پس بسوی تو بلند شده صداها

بصنوف اللغات واجعل لنا فی هذه العشیة نصیبا

بانواع لغتها و بگردان از برای ما در این شب بهره

فی کل خیر تقسمه ونور تهدی به ورحمة تنشرها

در هر چیز که قسمت کرده او را و نوری که راه نمایی بآن و رحمتی که پهن کرده او را

وعافیة تجللها وبرکة تنزلها ورزق تبسطه

و عافیتی که بپوشانیده او را و برکتی که فرو فرستادی او را و روزی که پهن کردی او را

یا ارحم الراحمین اللهم اقلبنا فی هذا الوقت منجحین

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا برگردان ما را در این وقت ظفر یافتگان

مفلحین مبرورین غانمین ولا تجعلنا من القانطین

و رستگاران نیکوکاران بهره برندگان و مگردان ما را از ناامیدان

وَلَا تُخلِنا مِن رَحمَتِكَ وَلَا تَحرِمنا ما نُؤَمِّلُهُ مِن فَضلِكَ

و خدایا مگردان ما را از رحمت خود و محروم مگردان ما را آنچه امید داریم از آن از بخشش خود

وَلَا تَرُدَّنا خائِبِينَ وَلَا مِن بابِكَ مَطرُودِينَ وَلَا

و بر مگردان ما را بی بهره گان و نه از درگاه خود رانده شدگان و نه

تَجعَلنا مِن رَحمَتِكَ مَحرُومِينَ وَلَا لِفَضلِ ما نُؤَمِّلُهُ

گردان ما را از رحمت خود محروم شوندگان و نه از برای زیادتی آنچه امید داریم از آن

مِن عَطاياكَ قانِطِينَ يا أَجوَدَ الأَجوَدِينَ وَيا أَكرَمَ

از عطاهای خود نا امیدان ای بخشنده ترین بخشندگان و ای بزرگوارترین

الأَكرَمِينَ إِلَيكَ أَقبَلنا مُؤمِنِينَ وَلِبَيتِكَ الحَرامِ

بزرگواران بسوی تو روی آورده ایم ما گروندگان و در خانه تو که محترم است

آمِّينَ قاصِدِينَ فَأَعِنّا عَلى مَناسِكِنا وَأَكمِل لَنا حَجَّنا

قصد کنندگان پس اعانت کن ما را بر عبادات ما و کامل کن از برای ما حج ما را

وَاعفُ عَنّا اللّٰهُمَّ وَعافِنا فَقَد مَدَدنا إِلَيكَ

و در گذر از ما خداوندا و عافیت ده ما را پس کشیده ایم ما بسوی تو

أَيدِيَنا وَهِيَ بِذِلَّةِ الاِعتِرافِ مَوسُومَةٌ اللّٰهُمَّ

دستهای خود را و این بخواری اعتراف کن آن حضرت نشان کرده شدگان خداوندا

فَأَعطِنا فِي هٰذِهِ العَشِيَّةِ ما سَأَلناكَ وَاكفِنا

پس ببخش ما را درین شب آنچه ما از تو سوال کننده ایم و کفایت کن ما را

ما استَكفَيناكَ فَلا كافِيَ لَنا سِواكَ وَلا رَبَّ لَنا

آنچه ما طلب کفایت کردیم پس نیست کفایت کننده از برای ما بجز تو و نه پروردگاری برای ما



غيرك نافذ فينا حكمك محيط بنا علمك عدل

غیر تو جاری است در ما حکم تو فرو گرفته است ما را دانش تو عدالت تو

فينا قضاؤك اقض لنا الخير واجعلنا من اهل

در ما حکم تو حکم کن برای ما نیکی را و بگردان ما را از اهل

الخير اللهم اوجب لنا بجودك عظيم الاجر

نیکوها خداوندا واجب گردان برای ما ببخشش خود بزرگ مزد

وكريم الذخر ودوام اليسر واغفر لنا ذنوبنا

و ذخیره گرامی و وسعت دائم و بیامرز از برای ما گناهان ما را

اجمعين ولا تهلكنا مع الهالكين ولا تصرف

همه و هلاک مکن ما را با هلاک شدگان و مگردان

عنا رافتك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم

از ما مهربانی خود برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا

اجعلنا في هذا الوقت ممن سألك فاعطيته و

بگردان ما را در این وقت از آنان که سوال کرد ترا پس عطا کردی او را و

شكرك فزدته وتاب اليك فقبلته وتنصل

سپاس گذاری کرد ترا پس زیاده کردی او را و توبه کرد بسوی تو پس قبول کردی او را و بیزاری جست

اليك من ذنوبه كلها فغفرتها له يا ذا الجلال و

بسوی تو از گناهان خود همه پس آمرزیدی آنها را از برای او ای صاحب جلالت و

والاكرام اللهم وفقنا وسددنا واعصمنا و

بزرگواری خداوندا توفیق ده ما را و درست کن ما را و نگاه دار ما را و



اَقْبَلْ تَضَرُّعَنا يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ

بپذیر زاری ما را ای بهترین سؤال کرده شدگان و ای رحیم‌ترین کسی مهربانی کرده شده

يا مَنْ لا يَخْفى عَلَيْهِ اِغْماضُ الْجُفُونِ وَلا لَحْظُ الْعُيُونِ

ای کسی که پوشیده نیست بر او بهم آوردن مژه‌ها و نه نگریستن گوشه چشمها

وَلا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ وَلا ما اَنْطَوَتْ عَلَيْهِ

و نه آنچه قرار گرفته در امور پوشیده و نه آنچه پیچیده شده بر او

مُضْمَراتُ الْقُلُوبِ اَلا كُلُّ ذلِكَ قَدْ اَحْصاهُ عِلْمُكَ

پنهانهای دلها آگاه باش همه اینها را شمرده است دانش تو

وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ سُبْحانَكَ وَتَعالَيْتَ عَمّا يَقُولُ الظّالِمُونَ

و گنجایش داده است او را بردباری تو پاکی تو و برتری تو از آنچه می‌گویند ستمکاران

عُلُوًّا كَبيراً تُسَبِّحُ لَكَ السَّمواتُ السَّبْعُ وَالْاَرَضُونَ

بلندی بسیار بزرگ تسبیح می‌کنند ترا آسمانهای هفت گانه و زمین

وَمَنْ فيهِنَّ وَاِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ فَلَكَ

و آنکه در آنها است و نیست هیچ چیز مگر آنکه تسبیح می‌کند بحمد تو پس برای تست

اَلْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ

سپاس و بزرگی و بلندی مرتبه ای صاحب جلالت و بزرگی

وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعامِ وَالْاَيادِي الْجِسامِ وَاَنْتَ

و بخشش و انعام و نعمتهای بزرگ و تو

اَلْجَوادُ الْكَريمُ الرَّؤُوفُ الرَّحيمُ اَللّهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيَّ

بخشنده بزرگوار مهربان بخشنده خداوندا وسعت ده بر من



مِنْ

مِنْ رِزْقِكَ وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي وَآمِنْ خَوْفِي وَ

از روزی تو و عافیت ده مرا در بدن من و دین من و ایمنی بخش ترس را و

أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللّٰهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا

آزاد کن گردن مرا از آتش خداوندا مکر مکن با من و نه

تُعَذِّبْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ

رنجه مرا عذاب مکن و مگردان مرا خوار و دور کن از من بدی بدکاران از

الْجِنِّ وَالْإِنْسِ پس سر مبارک خود را بسوی آسمان بلند

دیوان و آدمیان را کرد و از دیدهای مبارکش آب مهر محبت

مانند و مشک و بصدای بلند گفت یا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ

وَيَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ ای شنونده ترین شنوندگان

و ای بیناتر بینندگان و ای زودتر شمارندگان

وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ

و ای رحیم تر رحم کنندگان درود فرست بر محمد و آل محمد بزرگان

الْمَيَامِينِ وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ

صاحب یمنت و سؤال می کنم ترا خداوندا حاجت من بسوی تو است که اگر

أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا

عطا کنی مرا ضرر نرساند مرا آنچه منع کنی مرا و اگر منع کنی مرا

لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي أَسْأَلُكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي

نفع نبخشد مرا آنچه بخشی مرا سؤال می کنم ترا آزاد کردن گردن مرا

مِنَ النَّارِ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ

از آتش نیست خدایی مگر تو یگانه نیست شریک مر ترا مر ترا



الملك ولك الحمد وانت على كل شئ قدير يا رب
پادشاهی و مر تراست ستایش و تو بر همه چیز توانا ای پروردگار
یا رب یا رب پس مکرر میگفت یا رب وصدا‌ها
ای پروردگار ای پروردگار
بکریه بلند شد و بار کردند و روانه
جانب مشعر الحرام شدند و سید بن طاوس رضی الله
عنه بسند معتبر روایت کرده است از حضرت امام
جعفر صادق ع که در روز عرفه چون زوال شمس
بشود نماز ظهر و عصر را بکن پس برو بمحل وقوف
وصد مرتبه الله اکبر وصد مرتبه الحمد لله وصد مرتبه
سبحان الله وصد مرتبه لا اله الا الله وصد مرتبه
قل هو الله احد وصد مرتبه انا انزلناه بخوان و بعد از آن
پس این دعا را بخوان لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله
بخضوع تمام
نیست خدایی مگر خدای بردبار بزرگوار نیست خدایی
الا الله العلي العظيم سبحان الله رب السموات
مگر خدای بلند رتبه بزرگ پاکست خدا پروردگار آسمانها
ورب الارضين وما فيهن وما بينهن ورب
و پروردگار زمینها و آنچه در زمینهاست و آنچه میانه آنهاست و پروردگار
العرش العظيم والحمد لله رب العالمين اللهم
عرش بزرگ و ستایش مر خدا را که پروردگار جهانیانست خداوندا
اياك اعبد واياك استعين اللهم اني اريد
ترا می پرستم و از تو طلب یاری می جویم خداوندا بدرستیکه من اراده دارم



أَنْ أُثْنِيَ عَلَيْكَ وَمَا عَسَى أَنْ أَبْلُغَ مِنْ مَدْحِكَ

انکه ستایش کنم ترا و چه شاید که برسم به ستایش کردن تو

مَعَ قِلَّةِ عَمَلِي وَقَصْرِ رَأْيِي وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ

با کمی کردار من و کوتاهی عقل من و تو ای آفریننده و منم آفریده شده

وَأَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا

و توئی خداوند صاحب و منم بنده و توئی پروردگار و منم

الْعَبْدُ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ وَأَنْتَ الْقَوِيُّ

بنده و توئی عزیز و منم خوار و توئی توانا

وَأَنَا الضَّعِيفُ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَأَنْتَ

و منم ناتوان و توئی بی‌نیاز و منم محتاج و توئی

الْمُعْطِي وَأَنَا السَّائِلُ وَأَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْخَاطِي

بخشنده و منم سوال کننده و توئی آمرزنده و منم گناهکار

وَأَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا تَمُوتُ وَأَنَا خَلْقٌ أَمُوتُ اللَّهُمَّ

و توئی زنده که نمیمیری و منم بنده که میمیرم خداوندا

أَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ اللهُ

توئی خدای که نیست خدای مگر تو پروردگار جهانیان و توئی خدای

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

نیست خدائی مگر تو غالب درست کردار و توئی خدا که نیست خدائی مگر

أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ

تو که بلند مرتبه و بزرگی و توئی خدائی که نیست خدائی مگر تو آمرزنده



الرَّحیم وَاَنْتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ مالِکِ یَوْمِ الدّین
مهربان و توئی خدای که نیست خدائی مگر تو پادشاه روز جزا
وَاَنْتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ مِنْکَ بَدْؤُ الْخَلْقِ وَ
و توئی خدای نیست خدای مگر تو از تست اول آفرینش و
اِلَیْکَ یَعُودُ وَاَنْتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ لَمْ تَزَلْ
بسوی تو است بازگشت و توئی خدا نیست خدائی مگر تو که همیشه بودی
وَلا تَزالُ وَاَنْتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ خالِقُ الْجَنَّةِ
و خواهی بود و توئی خدا نیست خدای مگر تو آفریننده بهشت
وَالنّارِ وَاَنْتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ خالِقُ الْخَیْرِ وَالشَّرِّ
و دوزخ و توئی خدای که نیست خدائی مگر تو آفریننده نیکی و بدی
وَاَنْتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ الْواحِدُ الْاَحَدُ الْفَرْدُ
و توئی خدا نیست خدای مگر تو یکی یگانه و بی همتا
الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ
و بی نیازمندی بچیزی نزائیده و زائیده نشده و نمی باشد برادر همتای هیچ کس
وَاَنْتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ
و توئی خدا نیست خدا مگر تو دانای پنهان و آشکارا
الرَّحْمنُ الرَّحیمُ وَاَنْتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ الْمَلِکُ
بخشنده مهربان و توئی خدای نیست خدای مگر تو پادشاه
الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزیزُ الْجَبّارُ
پاک از عیبها سلامتی بخش امان دهنده نگهبان ارجمند بزرگوار



المتکبر

الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَاَنْتَ اللهُ لَا
بزرگ پاکست خدا ازانکه شریک می آورند وتوئی خدا که نیست
اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ
خدائی مگر تو آفریننده پروردگار نگارنده مرورا ست نامهای
الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ
نیکو تسبیح میکند مرترا آنچه در آسمانها وزمین است وتوئی
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْكَبِيرُ
غالب درست کردار وتوئی خدای که نیست خدای مگر تو که بزرگ
الْمُتَعَالِي وَالْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُكَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ سَابِغُ
وبرتری وبزرگواری جامه توست بارخدایا بدرستیکه توئی صاحب
النَّعْمَاءِ حَسَنُ الْبَلَاءِ جَزِيلُ الْعَطَاءِ مُسْقِطُ
نعمتها خوب آزمایش بسیار بخشش بیندازنده
الْقَضَاءِ بَاسِطُ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ نَفَّاعٌ بِالْخَيْرَاتِ
حکم گشاده کننده دو دست بر رحمت بخشنده نیکوئیها
كَاشِفُ الْكُرُبَاتِ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ مُنْزِلُ الْاٰيَاتِ
برطرف کننده اندوه بلند کننده درجها فرو فرستنده معجزات
مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمٰوَاتٍ عَظِيمُ الْبَرَكَاتِ مُخْرِجُ مَنْ فِي
از بالای هفت آسمان بزرگ برکت بیرون آرنده
الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ مُبَدِّلُ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ
تاریکیها بسوی روشنائیها بدل کننده بدیها نیکوئیها



وَجاعِلَ الْحَسَناتِ دَرَجاتٍ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ دَنَوْتَ فى

و گرداننده نیکیها را بمرتبها خداوندا بدرستیکه نزدیکی در

عُلُوِّكَ وَعَلَوْتَ فى دُنُوِّكَ فَدَنَوْتَ فَلَيْسَ دُونَكَ

بلندی حق و بلندی در نزدیکی پس نزدیکی که نیست نزدیکتر از تو

شَىْءٌ وَارْتَفَعْتَ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَىْءٌ تَرى وَلا تُرى

چیزی و بلند مرتبه پس نیست بالاتر از تو چیزی می بینی و دیده نمی شوی

وَاَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلى فالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوى لَكَ

و تو در دیدنهای بلند شکافنده دانه و هسته‌ها از برای تو است

ما فِى السَّمواتِ الْعُلى وَلَكَ الْكِبْرِياءُ فِى الْاخِرَةِ

آنچه در آسمانهای بلند است و مر تو است بزرگواری در آخرت

وَالْاُولى اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ غافِرُ الذَّنْبِ شَديدُ الْعِقابِ

و دنیا خداوندا بدرستی که تو آمرزنده گناهانی سخت عذابی

ذُو الطَّوْلِ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ اَنْتَ اِلَيْكَ الْمَصيرُ وَسِعَتْ

سزاوار احسان نیست معبودی مگر تو بسوی تو است بازگشت فرو گرفته است

رَحْمَتُكَ كُلَّ شَىْءٍ وَبَلَغَتْ حُجَّتُكَ وَلا مُعَقِّبَ لِحُكْمِكَ

رحمت تو هر چیزی را و رسیده حجت تو و نیست بازپس دارنده مر حکم ترا

وَاَنْتَ لا تُخَيِّبُ سائِلَكَ اَنْتَ الَّذى لا رافِعَ لِما

و تو نا امید نمی کنی سوال کننده ترا تو آنکه نیست بلند کننده مر آنچیز را

وَضَعْتَ وَلا واضِعَ لِما رَفَعْتَ اَنْتَ الَّذى اَثْبَتَّ

که پست گردانی تو و نیست پست کننده مر آنچیز را که بلند کردی تو آنکه ثابت کردی

كل



كُلَّ شَيْءٍ بِحُكْمِكَ وَلَا يَفُوتُكَ شَيْءٌ بِعِلْمِكَ وَلَا يَمْتَنِعُ

هر چیزی بحکم تو و فوت نمی‌شود ترا چیزی بدانائی تو و باز نمی‌ماند

عَنْكَ شَيْءٌ أَنْتَ الَّذِي لَا يُعْجِزُكَ هَارِبٌ وَلَا يَرْتَفِعُ

از تو چیزی تو آنی که عاجز نمی‌کند ترا گریزنده و بلند نمی‌شود

صَرِيعُكَ وَلَا يَحْيَى قَتِيلُكَ أَنْتَ عَلَوْتَ فَقَهَرْتَ

انداخته تو و زنده نمی‌شود کشته شده تو بلندی پس غلبه کننده تو

وَمَلَكْتَ فَقَدَرْتَ وَبَطَنْتَ فَخَبَرْتَ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ

و مالک شدی پس توانائی و دانا باطنی پس آگاهی در هر چیزی

ظَهَرْتَ عَلِمْتَ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

غلبه کنی دانستی خیانت چشمها را و آنچه پنهان است در سینه‌ها

وَتَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَضَعُ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ

و می‌دانی آنچه بر می‌دارد هر زنی و آنچه می‌گذارد و آنچه می‌کاهد رحمها

وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَكَ بِمِقْدَارٍ أَنْتَ الَّذِي

و آنچه زیاد می‌شود و هر چیزی نزد تو باندازه است تو آنی

لَا تَنْسَى مَنْ ذَكَرَكَ وَلَا تُضَيِّعُ وَدَائِعَ مَنْ تَوَكَّلَ

فراموش نمی‌کنی آنرا که یاد کرد ترا و ضایع نمی‌کنی امانتهای کسی که توکل کرد

عَلَيْكَ أَنْتَ الَّذِي لَا يَشْغَلُكَ مَا فِي جَوِّ أَرْضِكَ

بر تو تو آنی که باز نمی‌دارد ترا آنچه در فضای زمین تو است

عَمَّا فِي جَوِّ سَمَاوَاتِكَ وَلَا تَشْغَلُكَ مَا فِي جَوِّ سَمَاوَاتِكَ

از آنچه در فضای آسمان تو و باز نمی‌دارد ترا آنچه در فضای آسمان تو است



عمّا في جوّ ارضك انت الذي تعزّزت في ملكك

از آنچه در فرای زمین توست تو آن که ابتلا یافتی در ملک ات تو

ولم يشركك احدٌ في جبروتك انت الذي علا

و شریک نیست ترا هیچ کس در بزرگواری تو آن که بالا رفت

كلّ شيءٍ ملكك وملك كلّ شيءٍ امرك انت الذي

هر چیزی را ملک پادشاهی تو و مالک شد هر چیزی را فرمان تو تو آنی

ملكت الملوك بقدرتك واستعبدت الارباب

که مالک شدی ملک‌ها ایشان را بتوانائی خود و طلب بندگی کرده بزرگان شد

بعزّتك وانت الذي قهرت كلّ شيءٍ بقوّتك و

بعزت خود و تو آنکه غلبه کرده هر چیزی را بتوانائی خود و

علوت كلّ شيءٍ بفضلك انت الذي لا يستطاع

بلند کرده هر چیزی را بفضل خود تو آنکه استطاعت ندارد

كنه وصفك ولا منتهى لما عندك انت الذي

کنه وصف ترا و نیست منتها مر آنچه را نزد خود تو آنی

لا يصف الواصفون عظمتك ولا يستطيع المرء الو

که وصف نمی کنند وصف کنندگان بزرگواری ترا و توانائی ندارد مفارقت کنندگان

نحو ملك انت شفاءٌ لما في الصدور وهدًى ورحمةٌ

گردانیدن ترا تو شفا دهنده آنچه در سینه‌هاست و هدایت کننده و رحمت کننده

للمؤمنين انت الذي لا يحصيك سائلٌ ولا ينقصك

مر مومنان را تو آنکه باز نمی‌شمارد ترا سوال کننده و کم نمی‌کند مال ترا



وَلَا یَبْلُغُ مِدْحَتَکَ مَادِحٌ وَلَا قَائِلٌ اَنْتَ الْکَائِنُ

نگفت و نمی رسد مدح ترا هیچ ستاینده و نه گوینده تو بودی

قَبْلَ کُلِّ شَیْءٍ وَالْمُکَوِّنُ لِکُلِّ شَیْءٍ وَالْکَائِنُ بَعْدَ کُلِّ

پیشتر از هر چیزی و آگاه کردی هر چیزی را و موجودی بعد از هر

شَیْءٍ اَنْتَ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ الَّذِی لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ

چیزی تو یگانه با همت که نمی زاید و زاده نمی شود

وَلَمْ تَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ وَلَمْ تَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا

و نمی باشد مر او را مانندی هیچکس و فرا نگرفته هیچ زنی و نه

وَلَدًا اَلسَّمٰوَاتُ وَمَنْ فِیهِنَّ لَکَ وَالْاَرَضُونَ وَمَنْ

فرزندی آسمانها و آنکه در اوینده از برای توست و زمینها از برای توست و کسی

فِیهِنَّ لَکَ وَمَا بَیْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَ الثَّرَی اَحْصَیْتَ

در اوینده از برای توست و آنکه در میان آنهاست و آنکه زیر خاک است شمرده تو

کُلَّ شَیْءٍ وَاَحَطْتَ بِهِ عِلْمًا وَاَنْتَ تَزِیدُ فِی الْخَلْقِ مَا

هر چیز را و فرا گرفته ای از روی دانائی و تو زیاد می کنی در آفریدن هر چه را

تَشَاءُ وَاَنْتَ لَا تُسْئَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ یُسْئَلُونَ

خواهی و تو پرسیده نشوی از آنچه می کنی و ایشان سؤال کرده می شوند

وَاَنْتَ الْفَعَّالُ لِمَا تُرِیدُ وَاَنْتَ الْقَرِیبُ وَاَنْتَ

و تو کننده مر آنچه را اراده می کنی و تو نزدیک و تو

اَلْبَعِیدُ وَاَنْتَ السَّمِیعُ وَاَنْتَ الْبَصِیرُ وَاَنْتَ الْمَاجِدُ

دور و تو شنوا و تو بینا و تو بزرگوار



وَأَنْتَ الْوَاجِدُ وَأَنْتَ الْعَلِيمُ وَأَنْتَ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ
و تو یابنده و تو دانا و تو راست کردار و تو
الْغَنِيُّ وَأَنْتَ الْكَرِيمُ وَأَنْتَ الْبَارِئُ وَأَنْتَ الرَّحِيمُ
بی نیاز و تو بزرگوار و تو پدید آرنده و تو مهربان
وَأَنْتَ الْقَادِرُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى
و تو توانا و تو غالب تراست نامهای نیکو
كُلُّهَا وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَبْخَلُ أَنْتَ الَّذِي لَا يُذَلُّ
همه آنها و تو بخشنده چنانکه بخل نمی ورزد و تو عزیزی که خوار نمی گردی
وَأَنْتَ مُمْتَنِعٌ لَا تُرَامُ يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ
و تو امتناع کننده که قصد کرده نمی شوی تسبیح می کند مر ترا آنکه در آسمانها و
الْأَرْضِ وَأَنْتَ بِالْخَيْرِ أَجْوَدُ مِنْكَ بِالشَّرِّ أَنْتَ رَبِّي
زمین است و تو به نیکی بخشنده تری از خود به بدی تو پروردگار منی
وَرَبُّ آبَائِيَ الْأَوَّلِينَ أَنْتَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ
و پروردگار پدران پیشینیانی تو اجابت می کنی درمانده را چون بخواند ترا
أَنْتَ نَجَّيْتَ نُوحًا مِنَ الْغَرَقِ وَأَنْتَ غَفَرْتَ لِدَاوُدَ
تو نجات دادی نوح را از غرق شدن و تو آمرزیدی داود را
ذَنْبَهُ وَأَنْتَ نَفَّسْتَ عَنْ ذِي النُّونِ كَرْبَهُ وَأَنْتَ
گناه او را و تو رها کردی از خداوند ماهی اندوه او را و تو
كَشَفْتَ عَنْ أَيُّوبَ ضُرَّهُ وَأَنْتَ رَدَدْتَ مُوسَى عَلَى
زایل نمودی از ایوب اندوه او را و تو رد کردی موسی را بر



امه

أُمَّتِهِ وَأَنْتَ صَرَفْتَ قُلُوبَ السَّحَرَةِ إِلَيْكَ حَتَّى قَالُوا
امتش و تو گردانیدی دلهای ساحران را بسوی خود تا گفتند

آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ نِعْمَةُ الصَّالِحِينَ لَا
ایمان آوردیم به پروردگار جهانیان و تو مستحق نعمت شایستگانی نه

يُذْكَرُ مِنْكَ إِلَّا الْحَسَنُ الْجَمِيلُ وَمَا لَا يُذْكَرُ لَكَ
یاد کرده می‌شود از تو مگر نیکو نیکو و آنکه یاد کرده نمی‌شود تو را

الْآلَاءُ وَالنِّعَمُ وَأَنْتَ الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ
عطاها و نعمتها و تو احسان کننده نیکو کرداری نمی‌رسد ستایش تو

وَلَا الثَّنَاءُ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ
و ستایش بر تو تو چنانی که خود را ستودی بر خود

سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ تَبَارَكَتْ أَسْمَاؤُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ
پاکی تو و ستایش تو مشغولم پاک است نامهای تو و بزرگ است ستایش تو

مَا أَعْظَمَ شَأْنَكَ وَأَجَلَّ مَكَانَكَ وَمَا أَقْرَبَكَ مِنْ
چه بزرگ است شأن تو و بزرگوار است جایگاه تو و چه نزدیکی تو از

عِبَادِكَ وَأَلْطَفَكَ بِخَلْقِكَ وَأَمْنَعَكَ بِقُوَّتِكَ
بندگان خود و چه مهربانی بر بندگان خود و غالبی به توانایی خود

أَنْتَ أَعَزُّ وَأَجَلُّ وَأَسْمَعُ وَأَبْصَرُ وَأَعْلَى وَأَكْبَرُ وَأَظْهَرُ
تو عزیزتری و بزرگوارتری و شنواتری و بیناتری و بلندتری و بزرگتری و ظاهرتری

وَأَشْكَرُ وَأَقْدَرُ وَأَعْلَمُ وَأَخْبَرُ وَأَكْثَرُ وَأَعْظَمُ وَأَقْوَى
و سپاس‌گذارتری و تواناتری و داناتری و آگاه‌تری و بیشتری و بزرگوارتری و نزدیک‌تری



وَاَمْلَكُ وَاَوْسَعُ وَاَمْنَحُ وَاَعْطٰى وَاَحْكَمُ وَاَفْضَلُ

و پادشاه تر و فراخ تر و بازدارنده تر و بخشنده تر و حکم کننده تر و بهتر

وَاَحْمَدُ مِنْ اَنْ يُدْرِكَ الْعِيَانُ عَظَمَتَكَ اَوْ يَصِفَ

و ستوده تری از اینکه دریابد ترا چشمها و دیده ها بزرگی ترا یا وصف کنند

الْوَاصِفُونَ صِفَتَكَ اَوْ يَبْلُغُوا غَايَتَكَ اَللّٰهُمَّ

وصف کنندگان صفت ترا یا برسند بکنه ذات تو خداوندا

اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِى لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَجَلُّ مَنْ ذُكِرَ وَ

تو آن خدای که نیست خدایی مگر تو بزرگتری از آنکه یاد کرده شود و

اَشْكَرُ مَنْ عُبِدَ وَاَرْأَفُ مَنْ مَلَكَ وَاَجْوَدُ مَنْ سُئِلَ

جزا دهنده تری از هر که پرستیده شد و مهربان تری از هر که خداوندی کرد و بخشنده تری از آنکه سؤال کرده شود

وَاَوْسَعُ مَنْ اَعْطٰى تَحْلُمُ بَعْدَ مَا تَعْلَمُ وَتَعْفُوا وَتَغْفِرُ بَعْدَ

و فراخ کننده تری از آنکه بخشش نمودی و بردباری بعد از آنکه می دانی و در میگذری و می آمرزی بعد از

مَا تَقْدِرُ لَمْ تُطَعْ قَطُّ اِلَّا بِاِذْنِكَ وَلَمْ تُعْصَ قَطُّ

آنکه قادر میشوی اطاعت کرده نشدی هرگز مگر باذن تو و نافرمانی کرده نشدی هرگز

اِلَّا بِقُدْرَتِكَ تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَتُعْصٰى رَبَّنَا

مگر بقدرت تو فرمان برده میشوی ای پروردگار پس جزا میدهی و عصیان کرده میشوی پروردگار

فَتَغْفِرُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَقْرَبُ حَفِيظٍ وَاَدْنٰى شَهِيدٍ حُلْتَ

پس می آمرزی خداوندا تو نزدیکتری نگهبانی و نزدیکتری گواهی حائل شدی

بَيْنَ الْقُلُوبِ وَاَخَذْتَ بِالنَّوَاصِى وَاَحْصَيْتَ

میان دلها و گرفتی پیشانیها و شماره آوردی



الاعمال

الاعمال وعلمت الاخبار وبيدك المقادير و

کردارها و دانستی خبرها را و بدست توست اندازهای و

القلوب اليك مفضية والسر عندك علانية

دلها بسوی تو است میل و پنهان نزد تو آشکار است

والمهتدي من هديت والحلال ما حللت و

و راه یافته است کسیکه که راه نموده تو او را و حلال چیزی است که حلال کردی

الحرام ما حرمت والدين ما شرعت والامر

و حرام چیزی است که تو حرام کرده و دین آنست که تو مقرر داشته و امر

ما قضيت تقضي ولا يقضى عليك اللهم

آن چیزی است که تو فرمان داده حکم می کنی و حکم نمی کنند بر تو خداوندا

انت الاول فليس قبلك شيء وانت الاخر فليس

تو اولی پس نیست پیش از تو چیزی و تو آخری پس نیست

بعدك شيء وانت الظاهر فليس فوقك شيء و

بعد از تو چیزی و تو آشکاری پس نیست بالای تو چیزی و

انت الباطن فليس دونك شيء وانت العزيز الحكيم

تو باطنی پس نیست جز از تو چیزی و تو غالب و درست کرداری

اللهم بيدك مقادير الليل والنهار وبيدك

خداوندا بدست توست اندازه شب و روز و بدست توست

مقادير الشمس والقمر وبيدك النصر والخذلان

اندازه آفتاب و ماه و بدست توست یاری و خواری



وبيدك مقادير الدنيا والآخرة وبيدك مقادير

وبدست تواست اندازها دنیا واخرت وبدست تواست اندازها

الموت والحيوة وبيدك مقادير الخير والشر

مرگ وزندگانی وبدست تواست اندازه نیکی وبدی

صل على محمد وآل محمد واغفر لي كل ذنب اذنبته

درود فرست بر محمد وآل او وبیامرز مرا هر گناهی که کرده ام

في ظلم الليل وضوء النهار عمدا وخطأ سرا او

در تاریکیهای شب وروشنی روزها از روی عمد وخطا پنهان و

علانية انك على كل شيء قدير وهو عليك

آشکارا بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی وآن بر تو

سهل يسير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي

سهل وآسانیست ونیست گردش ونیست توانائی مگر بخدای بلند مرتبه

العظيم اللهم اني اثني عليك باحسن ما اقدر

بزرگ خداوندا بدرستیکه من ثنا میکنم بر تو به نیکوتر آنکه توانا باشم

عليه واشكرك بما مننت به علي وعلمتني من

بر آن وشکر میکنم ترا بآنکه تو انعام کرده ان بر من وآموختی مرا از

شكرك اللهم لك الحمد بمحامدك كلها على

شکر تو خداوندا مر تراست ستایش بستایشهای تو همه آنها بر

نعمائك كلها وعلى جميع خلقك حتى ينتهي الحمد

نعمتهای تو همه آنها وبر همه آفریدهای تو تا آنکه برسد سپاس تو



إِلَىٰ مَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَىٰ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ
بسوی آنچه دوست میداری پروردگار ما و راضی است خداوندا مر ترا ستایش

عَدَدَ مَا خَلَقْتَ وَعَدَدَ مَا أَرَدْتَ وَعَدَدَ مَا
شماره آنچه آفریدی و شماره آنچه اراده کردی و شماره آنچه

مَا ذَرَأْتَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا بَرَأْتَ وَلَكَ الْحَمْدُ
آنچه پدید آورده و مر تراست ستایش شماره آنچه پدید آورده و مر تراست ستایش

عَدَدَ مَا أَحْصَيْتَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي السَّمٰوٰتِ
شماره آنچه احصا کرده و مر تراست ستایش شماره آنچه در آسمانها

وَالْأَرَضِينَ وَلَكَ الْحَمْدُ مِلْءَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
و زمین است و مر تراست ستایش پری دنیا و آخرت

پس ده لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ
مرتبه بگو نیست خدا مگر خدای یگانه نیست شریک مر او را برای او مر او راست

الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ
پادشاهی و مر او راست ستایش زنده می کند و می میراند و او زنده است که نمی میرد

بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و ده أَسْتَغْفِرُ
بدست اوست نیکی و او بر هر چیزی تواناست مرتبه بگو طلب آمرزش میکنم

اللّٰهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ
خدا را آنکه نیست خدا مگر او زنده پاینده و توبه می کنم

إِلَيْهِ پس يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ ده يَا رَحْمٰنُ يَا
بسوی او بگو ای خدا ای خدا مرتبه ای بخشنده ای



رحمن ده یا رحیم یا رحیم ده یا بدیع السموات
بخشنده مرتبه ای مهربان ای مهربان مرتبه ای بدید آورنده آسمانها
والارض ده یا ذا الجلال والاکرام ده یا حنان
و زمین است مرتبه ای صاحب جلالت و بزرگواری مرتبه ای مهربان
یا منان ده یا حی یا قیوم ده بسم الله الرحمن الرحیم
ای مهربان مرتبه ای زنده ای پاینده مرتبه بنام خدای بخشنده مهربان
ده اللهم صل علی محمد وآل محمد ده مرتبه اللهم
مرتبه خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد پس بگو خداوندا
لک الحمد ولی الحمد وفی العهد عزیز الجند قدیم
مر تراست ستایش سزاوار ستایشی و منتهای ستایش وفا کننده بعهد عزیز لشکر دیرینه
المجد الحمد لله الذی کان عرشه علی الماء حین
بزرگواری ستایش مر خداوندرا آنکه بود گسترده او بر آب وقتی که
لا شمس تضیء ولا قمر یستوی ولا بحر یجری ولا
نیست شمسی که روشن کند ونیست ماهی که حرکت کند ونه دریایی که جاری شود ونه
ریاح تذری ولا سماء مبنیة ولا ارض مدحیة
بادی که وزیده شود ونه آسمانی که برافراشته شود ونه زمینی که گسترده شود
ولا لیل یجن ولا نهار یکن ولا عین تدمع ولا
ونه شبی که پوشاننده ونه روزی که آرامش شود ونه چشمی که بریزد ونه
صوت یسمع ولا جبل مرسی ولا سحاب منشی
صداها که بشنود ونه کوه [illegible] شده ونه ابری برانگیخته شده

ولا

ولا انس مبرو ولا جن مذرو ولا ملك كريم

و نه آدمی آفریده شده و نه دیو خلق شده و نه فرشته بزرگوار

ولا شيطان رجيم ولا ظل ممدود ولا شيء

و نه شیطان رانده شده و نه سایه کشیده شده و نه چیزی

معدود الحمد لله الذي استحمد الى من استحمده

شمرده شده سپاس مر خدا را که جزا داد کسی را که سپاس کرد اورا

من اهل محامده ليحمدوه على ما بذل من نوافله

از اهل ستایشهای او تا سپاس کنند اورا بر آنکه بخشش نمود از نعمتهای او

الذي فاق مدح المادحين مآثر محامده و

که سبقت گرفت ستایش ستایش کنندگان را برگزیدهای ستایش او و

عدا وصف الواصفين هيبة جلاله هو ابدا

واگذاشت از ستایش ستایش کنندگان هیبت بزرگواری او اوست سزاوار

لكل حمد ومنتهى كل رغبة وقاضي كل حاجة

مر هر ستایشی و منتهای هر خواهشی و حکم کننده هر حاجتی

الواحد الذي لا بدء له الملك الذي لا زوال

یگانه آنکه نیست ابتدا اورا او پادشاهی است که زوال نیست

له الرفيع الذي ليس فوقه ناظر ذو المغفرة

برای اوست برتری که نیست بالاتر از او نگرنده خداوند مغفرت

والرحمة المحمود لبذل نواله المعبود لهيبة جلاله

و رحمت ستوده شده بجهت بخشش نعمتهای او پرستیده شده بجهت هیبت بزرگی او



المذکور بجمیل الآلاء [illegible] المنّان بسعة فواضله

یاد کرده شده [illegible] زیاد [illegible] نعمتهای او

المرغوب الیه فی [illegible] والوهّاب من خزائنه العظیم

خواهش کرده [illegible] در [illegible] بخشنده [illegible] او خزینهای حق بزرگ

الشأن [illegible] فی مکانه المحیم

بزرگ [illegible] در جایگاه [illegible]

فی امتنانه الجواد فی فضائله الحمد لله بارئ خلق

[illegible] سپاس مر خدا را [illegible] آورده خلق

[illegible] ومصوّر اجساد العباد بقدرته

[illegible] بندگان [illegible]

ومخالف صور من خلقه ونافخ الارواح [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

السموات والارض [illegible] الذی وسع کل

[illegible]

شیء [illegible] علی [illegible] الاعلین

[illegible]

وقهر الملوک بجبروته الجبار الاعلی المعبود

[illegible] بزرگواری او [illegible]

فِي سُلْطَانِهِ الْمُتَسَلِّطِ بِقُوَّتِهِ الْمُتَعَالِي فِي دُنُوِّهِ

الْمُتَدَانِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فِي ارْتِفَاعِهِ الَّذِي نَفَذَ بَصَرُهُ

فِي خَلْقِهِ وَحَارَتِ الْأَبْصَارُ لِعَظَمَتِهِ الْحَمْدُ

لِلّٰهِ الْحَلِيمِ الرَّشِيدِ الْقَوِيِّ الشَّدِيدِ الْمُبْدِئِ الْمُعِيدِ

الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ مُنْزِلِ الْآيَاتِ وَ

الْكَرِيمَاتِ وَ [illegible] الْحَمْدُ لِلّٰهِ فِي كُلِّ

مَكَانٍ وَفِي كُلِّ زَمَانٍ وَفِي كُلِّ أَوَانٍ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ وَلَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ وَلَا يُذِلُّ

مَنْ وَالَاهُ الَّذِي يَجْزِي بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَبِالصَّبْرِ

نَجَاةً الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي



الأرض وله الحمد في الآخرة وهو الحكيم الخبير

زمین و مر او راست ستایش در آخرت و اوست درست کردار آگاه

الحمد لله فاطر السموات والأرض جاعل الملئكة

ستایش مر خدای را که خلق کرده آسمانها و زمین را گرداننده فرشتگان را

رسلا أولي أجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد

فرستادگان خداوندان بالها دو دو و سه سه و چهار چهار می افزاید

في الخلق ما يشاء إن الله على كل شيء قدير وسبحان

در آفرینش آنچه می خواهد بدرستی که خدا بر هر چیز تواناست پاک است

الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر ولا

خدا و ستایش مر خدای را و نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگ تر است و نیست

حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم سبحان الله

گردیدنی و نیست توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ پاک است خدا

حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد في السموات

هنگامی که شام می کنید و هنگامی که صبح می کنید و مر او راست ستایش در آسمانها

والأرض وعشيا وحين تظهرون وسبحان الله

و زمین و در وقت خفتن و هنگامی پیشین و پاک است خدا

آناء الليل وأطراف النهار وسبحان الله بالغدو

در ساعتهای شب و طرفهای روز و پاک است خدا بصبح گاه

والآصال وسبحان ربك رب العزة عما يصفون

و شبانگاه و پاک است پروردگار تو که پروردگار غلبه است از آنچه وصف می کنند



وسلامٌ علی المرسلین والحمد لله ربّ العالمین

و رحمت خدا بر فرستادگان و سپاس مر خدا را که پروردگار جهانیانست

والحمد لله کما یحبّ ربّنا وکما یرضی حمداً کثیراً طیّباً

و سپاس مر خدا را همچنانکه دوست پروردگار و همچنانکه سپاس بسیار پاکیزه

وسبحان الله کلّما سبّح اللهَ شیءٌ وکما یحبّ الله

و پاکست خدا هر زمان پاک است خدا چیزی را و همچنانکه دوست دارد خدا

ان یسبّح والحمد لله کلّما حمد اللهَ شیءٌ وکما

اینکه تسبیح کرده شود سپاس مر خدای را هر زمان که سپاس کند خدا را چیزی و همچنانکه

یحبّ الله ان یحمد ولا اله الّا الله کلّما هلّل اللهَ

سپاس کرده شود خدا را نیست خدا مگر خدا همچنانکه تهلیل کند خدا را

شیءٌ وکما یحبّ الله ان یهلّل والله اکبر کلّما کبّر

چیزی و همچنانکه دوست دارد خدا اینکه تهلیل کرده شود و خدا بزرگتر است هر زمان که بزرگ

اللهَ شیءٌ وکما یحبّ الله ان یکبّر لا حول ولا قوّة

خدا را چیزی و همچنانکه دوست میدارد خدا اینکه بزرگ کرده شود و نیست گردش و نه

الّا بالله العلیّ العظیم پس بخوان این اللّهمّ انّی

دعای مجرّب

مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ خداوندا بدرستی

اسئلک یا الله یا رحمن هفت باسمائک الرضیّة

مرتبه

که سؤال میکنم ترا ای خدا ای بخشنده بنامهای تو پسندیده

المرضیّة المکنونة یا الله اللّهمّ انّی اسئلک

خوشنود کرده شده پوشیده شده ای خدا خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا



بِأَسْمَائِكَ الْعَزِيزَةِ الْمُمْتَنِعَةِ وَأَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ
بنامهای تو که ارجمند است در منع است و سؤال میکنم ترا بنامهای تو
التَّامَّةِ الْكَامِلَةِ الْمَشْهُورَةِ يَا اَللهُ وَأَسْئَلُكَ
تمام و کامل مشهور ای خدا و سؤال میکنم ترا
بِأَسْمَائِكَ الَّتِي هِيَ رِضَاكَ يَا اَللهُ وَأَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ
بنامهای تو آن که خوشنودی تست ای خدا و سؤال میکنم ترا بنامهای
الَّتِي لَا يَرُدُّهَا دُونَكَ أَحَدٌ يَا اَللهُ وَأَسْئَلُكَ مِنْ
آنکه رد نمی کند او را غیر تو احدی ای خدا و سؤال میکنم ترا از
مَسَائِلِكَ بِمَا عَاهَدْتَ أَوْفَى الْعَهْدِ يَا اَللهُ أَنْ لَا
سؤالهای تو بانکه عهد کردی تو وفا کننده ترین عهدی ای خدا آنکه
تُخَيِّبَ سَائِلَكَ يَا اَللهُ وَأَسْئَلُكَ بِجُمْلَةِ مَسَائِلِكَ
محروم نمی کنی سؤال کننده خود ای خدا و سؤال میکنم ترا بهمه سؤال تو
الَّتِي لَا يَفِي بِحَمْلِهَا شَيْءٌ غَيْرُكَ يَا اَللهُ هِمَّتْ وَ
آنکه وفا نمی کند بکشیدن آنها چیزی غیر تو ای خدا مرتبه و
أَسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ أَوْجَبْتَهُ وَكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَكُلِّ
سؤال میکنم ترا بهر نامی که واجب کرده تو او را و بهر نامی که او از برای تو است و بهر
مَسْئَلَةٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى اسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ
سؤال تا منتهی شود بسوی اسم تو که بزرگتر بزرگتر
الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى الَّذِي اسْتَوَيْتَ بِهِ
بزرگتر بزرگتر بلند تر بلندتر آنکه استوار شده بآن

علی

عَلَى عَرْشِكَ وَاسْتَقَلَّتْ عَلَى كُرْسِيِّكَ وَهُوَ

بر عرش تو و مستقر گردانیدی بر کرسی خود و او است

اِسْمُكَ الْفَاضِلُ الْكَامِلُ الَّذِي فَضَّلْتَهُ عَلَى

نام تو که فاضل و تمام است آن نامی که فزونی دادی او را بر

جَمِيعِ اَسْمَائِكَ يَا رَحْمٰنُ هفت مرتبه وَاَسْئَلُكَ بِمَا لَا

همه نامهای خود ای بخشنده و سوال میکنم تورا بانکه نه

اَعْلَمُ مَا لَوْ عَلِمْتُهُ لَسَأَلْتُكَ بِهِ يَا اَللّٰهُ وَبِكُلِّ اسْمٍ

می دانم او را آنچه اگر میدانستم او را هر آینه سوال می کردم تورا بآن ای خدا و بهر اسمی

اِسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ يَا رَحْمٰنُ يَا

که برگزیده ای او را بآن در علم نهان نزد خود ای بخشنده ای

رَحِيمُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

مهربان اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد که بنده تو و رسول تو

وَنَبِيِّكَ وَاَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

و پیغمبر تو و امین تو و دوست تو و برگزیده تو از خلق تو

وَخَاصَّتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَنَجِيِّكَ وَنَجِيبِكَ وَ

و مخصوص تو از آفریدگان تو و برگزیده تو و اختیار کرده تو و

حَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِ محمد وَتَرَحَّمْ

دوست تو و برگزیده تو و بر اهل بیت و رحم کن

عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ وَاَجْمَلِ وَاَزْكَى

بر محمد و آل خانه محمد مانند بهتر و نیکوتر و پاکیزه تر



وَاَطْهَرَ وَاَعْظَمَ وَاَكْثَرَ وَاَتَمَّ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ

و پاکتر و بزرگتر و بیشتر و تمامتر از آنکه درود فرستادی بر یکی

مِنْ اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

که از جمله پیغمبران تو و فرستادگان تو است ای صاحب جلالت و بزرگواری

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْاَوَّلِينَ وَصَلِّ

خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد در پیشینیان و درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

بر محمد و آل محمد در پسینیان و درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَأِ الْاَعْلَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

محمد و آل محمد در جمع بندگان و درود فرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ فِي النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِ

آل محمد در زمره پیغمبران و فرستادگان خداوندا ببخش

مُحَمَّدًا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ

محمد را رحمت تو بر او و آل او باد وسیله و زیادتی

وَالشَّرَفَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ اَللّٰهُمَّ اَكْرِمْ

و شرافت و مرتبه بلند خداوندا گرامی دار

مَقَامَهُ وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ نُورَهُ وَبُرْهَانَهُ

جایگاه او را و بلند کن اساس بنیاد او را و بزرگ کن روشنی و حجت او

وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَاَعْلِ كَعْبَهُ وَاَفْلِجْ حُجَّتَهُ وَاَظْهِرْ

و روشن گردان روی او و بلند گردان قدر او را و ظاهر ... او را و ظاهر ساز

دعوته و تقبّل شفاعته كما بلّغ رسالاتك و

و خواندن اورا و قبول کن شفاعت اورا چنانکه رسانید پیغامهای ترا و

تلا آياتك و امر بطاعتك و ائتمر بها و نهى عن

خواند آیات ترا و امر کرد بطاعت تو و خود بنده انرا کرد و نهی کرد از

معصيتك و انتهى عنها في سرّ و علانية و جاهد

معصیت تو و منع کرد خود را ازان در نهان و اشکارا و جهاد کرد

حقّ الجهاد فيك و عبدك مخلصا حتى اتاه اليقين

در راه خدا حق کارزار در راه تو و بندگی کرد ترا از روی اخلاص تا آمد اورا مرگ

صلواتك عليه و على اهله اللهمّ ابعثه مقاما

درود تو بر او و بر اهل او بار خدایا برانگیزان اورا بجایگاه

محمودا يغبطه عليه الاوّلون و الآخرون من النبيين

ستوده که رشک برد بر او پیشینیان و پسینیان از پیغمبران

و المرسلين اللهمّ استعملنا بسنّته و توفّنا على

و فرستادگان خداوندا بکار دار مارا بطریقه او و بمیران مارا بر

ملّته و ابعثنا في شيعته و احشرنا في زمرته

ملت او و برانگیز مارا در زمره پیروان او و محشور گردان مارا اندر گروه او

و اجعلنا ممن يتبعه و لا تحجبنا عن رؤيته و لا

و بگردان مارا از تابعان او و مپوشان مارا از دیدن او و نه

تحرمنا مرافقته حتى تسكننا غرفه و تخلّدنا في

ابدیه مکن مارا از رفاقت او تا ساکن گردانی مارا بغرفهای او و جاوید گردان مارا در



جوارِه ربّ انّي احببته فاحببني لذلك و لا

جوار او پروردگارا من بدرستی که من دوست میدارم او را پس دوست بدار برای آن و نه

تفرّق بيني و بينه طرفة عين في الدنيا و الآخرة

جدائی کن میان من و میان او چشم بر هم زدنی در دنیا و آخرت

اللّهمّ صلّ على محمّد و آل محمّد الذين اذهبت

خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد آنکه ببرد کرد

عنهم الرجس و طهّرهم تطهيرا اللّهمّ افتح لهم

از ایشان نجس را و پاک کن ایشان را پاک کردنی خداوندا بگشا از برای ایشان

فتحا يسيرا و انصرهم نصرا عزيزا و اجعل لهم من

گشایشی آسان و یاری ده ایشان را یاری با عزت و قرار ده از برای ایشان از

لدنك سلطانا نصيرا اللّهمّ مكّن لهم في الارض

نزد خود حجتی یاری دهنده خداوندا جای ده از برای ایشان در زمین

و اجعلهم ائمّة و اجعلهم الوارثين اللّهمّ ارهم

و بگردان ایشان را پیشوایان و بگردان ایشان را میراث برندگان خداوندا بنما ایشان را

في عدوّهم ما يأملون و ارِ عدوّهم منهم ما يحذرون

در دشمنان ایشان آنچه امید دارند و بنما دشمنان ایشان را از ایشان آنچه حذر میکنند

اللّهمّ اجمع بينهم في خير و عافية اللّهمّ عجّل

خداوندا جمع کن میان ایشان در نیکی و عافیت خداوندا بشتاب

الروح و الفرج لآل محمّد اللّهمّ اجمع على الهدى

راحت و گشایش را برای آل محمد خداوندا جمع کن بر راه راست

امرهم

أَمرَهُم وَاجعَل قُلوبَهُم عَلى قُلوبِ خِيارِهِم وَأَصلِح

امر کار ایشان را و قرار داده دلهای ایشان را بر دلهای بهترین ایشان و اصلاح کن

ذاتَ بَينِهِم إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ اَللّهُمَّ إِنّي أَسئَلُكَ

کار میان ایشان را بدرستی که تو ستوده بزرگواری خداوندا بدرستیکه سوال میکنم ترا

أَن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَن تَغفِرَ لي وَلِوالِدَيَّ

اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی مرا و مر پدران مرا

وَما وَلَدا وَأَعتِقهُما مِنَ النّارِ وَارحَمهُما وَأَرضِهِما

و آنچه زاده اند و آزاد کن این دو را از آتش و رحم کن این دو را و خوشنود گردان این دو را

عَنّي وَاغفِر لِكُلِّ والِدٍ لي دَخَلَ فِي الإِسلامِ

از من و بیامرز از برای من هر پدری که از برای من است که داخل شده در اسلام

وَلِأَهلي وَوُلدي وَجَميعِ قَراباتي إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيءٍ

و از برای اهل من و ولد من و همه خویشان من بدرستی که تو بر هر چیزی

قَديرٌ اَللّهُمَّ اجعَلني وَجَميعَ وَرَثَةِ أَبي وَإِخواني

توانا خداوندا بگردان مرا و همه وارثان پدر من و برادران مرا

فيكَ مِن أَهلِ وِلايَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ فَإِنَّهُ لا يَقدِرُ

در راه قرب خود از اهل ولایت تو و محبت تو پس بدرستی که قدرت ندارد

عَلى ذلِكَ غَيرُكَ يا رَحمنُ اَللّهُمَّ أَوزِعني أَن

بر این غیر تو ای بخشنده خداوندا توفیق ده مرا اینکه

أَشكُرَكَ وَأَشكُرَ نِعمَتَكَ الَّتي أَنعَمتَ عَلَيَّ وَعَلى

سپاس گذارم من ترا و شکر کنم نعمت ترا که ... بر من و بر



والدي وان اعمل صالحا ترضيه واصلح لي
پدران من و دیگر بکنم کار شایسته که خوشنود باشی تو او را و اصلاح کن از برای من

في ذريتي اني تبت اليك واني من المسلمين
در اولاد من بدرستی که من توبه کردم بسوی تو و بدرستیکه من از مسلمانانم

واجز والدي خير ما جزيت والدا عن ولده واجعل
و جزا ده پدر و مادر مرا بهتر انچه جزا دادی پدران را از فرزندان او و بگردان

ثوابهما عني جنات النعيم واغفر لنا ولاخواننا
ثواب این دو را از من بهشت با نعمت و بیامرز از برای ما و برادران ما

الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا
آنانکه سبقت گرفتند از ما به ایمان و قرار مده در دلهای ما کینه

للذين امنوا ربنا انك رؤف رحيم واغفر لنا و
برای آنانکه ایمان آورده اند ای پروردگار ما بدرستیکه تو مهربان بخشنده و بیامرز ما را و

للمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات
مردان مومن و زنان مومنه زنده از ایشان و مرده از ایشان

اللهم اصلح ذات بينهم واجمع على الهدى امرهم و
خداوندا اصلاح کن این را میان ایشان و جمع کن بر هدایت امر ایشان را و

اجعلني واياهم على طاعتك ومحبتك اللهم
بگردان مرا و ایشان را بر طاعت تو و محبت تو خداوندا

والمم شعثهم واحقن دماءهم وول امرهم خيارهم
جمع کن پراکندگی ایشان را و حفظ کن خون ایشان را و دوست دار امر ایشان نیکان ایشان

اهل

اَهْلَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَعْدِلَةِ عَلَيْهِمْ اِنَّكَ

سزاوار مهربانی و رحمت و بخشش بر ایشان بدرستیکه تو

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ

بر هر چیز توانائی ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا

بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

پدید آورنده آسمانها و زمین دانای پنهان و آشکارا

ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَالْجُودِ وَالْقُوَّةِ وَالسُّلْطَانِ

صاحب جلالت و بزرگواری و بخشش و توانائی و پادشاهی

وَالْجَبَرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْكِبْرِيَاۤءِ وَالْعَظَمَةِ

و بزرگواری و مملکت و بزرگواری و بزرگی

وَالْقُدْرَةِ وَالْمِدْحَةِ وَالرَّهْبَةِ وَالْجُودِ وَالْعُلُوِّ (والرّغبة)

و توانائی و ستایش و هیبت و ترس و بخشش و برتری

وَالْحُجَّةِ وَالْهُدٰى وَالطَّاعَةِ وَالْعِبَادَةِ وَالْاَمْرِ

و حجت و هدایت و طاعت و عبادت و فرمانها

وَالْخَلْقِ وَكُلُّ شَيْءٍ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ يَا

و آفرینش و هر چیزی که هست ترا ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای

رَبِّ يَا رَبِّ اَسْئَلُكَ يَا رَبِّ سُؤَالَ الضَّارِعِينَ

پروردگار من ای پروردگار من سؤال می کنم ترا ای پروردگار من سؤال زاری کنندگان

الْمُتَضَرِّعِينَ الْمَسَاكِينِ الْمُسْتَكِينِينَ الرَّاغِبِينَ

فروتنی نمایندگان محتاجان تنگدستی کنندگان خواهش دارندگان



الراهبين الذين لا يجدون سواك يا من يجيب
ترسندگان آنانکه نمی یابند غیر ترا ای کسیکه اجابت می کند

المضطر و يكشف الضر و يجيب الداعي و يعطي
درمانده کار را و زایل می کند ضرر را و می پذیرد دعای خواننده گان را و عطا می کند

السائل اسئلك يا رب سؤال من لم يجد لضعفه
سؤال کننده را سؤال می کنم ترا ای پروردگار من سؤال کسیکه نمی یابد برای ناتوانیش

مقويا و لا لذنبه غافرا و لا لفقره سادا غيرك
توانا کننده و نه برای گناهش آمرزنده و نه برای احتیاج آنکه نگاه دارنده غیر تو

اسئلك سؤال من اشتدت فاقته و ضعفت
سؤال می کنم ترا سؤال کسیکه سخت شده است احتیاج او و ضعیف شده است

قوته و كثرت ذنوبه يا ذا الجلال و الاكرام يا رب
توانائی او و بسیار است گناه او ای صاحب جلالت و بزرگواری ای پروردگار من

يا رب يا رب اسئلك يا رب مسئلة كل سائل
ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال می کنم ترا ای پروردگار من سؤال هر سؤال کننده

و رغبة كل راغب تبذل اذا دعيت اجبت و
و خواهش هر خواهشمندی بخششی هرگاه خوانده شوی اجابت می کنی و

بحق السائلين عليك و بحق صفوتك من عبادك
و بحق سؤال کنندگان بر تو و بحق برگزیدگان تو از بندگان تو

و منتهى العز من عرشك و منتهى الرحمة من كتابك
و منتهای ارجمندی از عرش تو و منتهای رحمت از کتاب تو



ان لا یستدرجنی بخطیئتی و لا تجعل مصیبتی

آنکه بگیری مرا بگناهان خود و قرار مده مصیبت مرا

فی دینی واذکرنی یا رب برضاک و لا تنسنی حین

در دین من و یاد کن مرا ای پروردگار من بخشنودی تو و فراموش مکن مرا وقتی

تنشر رحمتک واقبل بوجهک الکریم وامنن

پهن کنی رحمت خود را و رو آوری برمن بذات مقدس خود و منت گذار

علی بکرامتک یا کریم العفو واستجب دعائی

برمن بکرامت خود ای مهربان صاحب بخشش و مستجاب کن دعای مرا

وارحم تضرعی فانی بائس فقیر خائف مستجیر

و رحم کن زاری مرا پس بدرستیکه من با بیچیز محتاجم ترسانم امیدوارم

من عذابک لا اثق بعملی لکنی اثق برحمتک یا ر

از عذاب تو اعتماد ندارم بکردار من لکن اعتماد دارم برحمت تو ای پروردگار

ب یا رب اللهم کن بی حفیا ولا تجعلنی

ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا باش بمن مهربان و مگردان مرا

بدعائک رب شقیا وامنن علی بعافیتک وعتق

بدعای خود پروردگارا بدبخت و منت گذار برمن بعافیت خود و آزاد کن

رقبتی من النار فانی لا استغیث بغیرک واستجیر

گردن مرا از آتش پس بدرستیکه من استغاثه نمی کنم بغیر تو و زنهار می طلبم

واجرنی من کل هول ومشقة وخوف وامن خوفی

و زنهار ده مرا از هر ترسی و سختی و ترسی و ایمنی ده ترس مرا



مّ شجّع جبنی وقوّ ضعفی وسدّ فاقتی واصلح لی

و دلاوری ده جبن مرا و قوت ده ناتوانی مرا و تدارک کن حاجت مرا و باصلاح آور برای من

جمیع اموری یا ربّ اعوذ بک من هول المطّلع و

همه امور مرا ای پروردگار من پناه می برم بتو از هول خبر یافتگان و

من شدّة الموقف یوم الدین فانّک تجیر ولا یجار

از سختی جای ایستادن روز جزا پس بدرستیکه پناه می دهی و پناه داده نشوی

علیک یا ربّ یا ربّ یا ربّ اللّهمّ لا تعرض عنّی

بر تو ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا رو مگردان از من

حین ادعوک ولا تصرف عنّی وجهک حین اسئلک

هنگامی که بخوانم ترا و بر مگردان از من روی خود را وقتی که درخواست کنم از تو

فلا ربّ لی سواک واعطنی مسئلتی وامن خوفی

پس نیست پروردگاری مرا سوای تو و ببخش مرا مسئلت مرا و ایمن گردان ترس مرا

یوم القاک اللّهمّ انّی اعوذ بک فاعذنی فانّی

روزی که ملاقات کنم ترا خداوندا بدرستیکه پناه می برم بتو پس پناه ده مرا پس بدرستیکه

ضعیف خائف مستجیر بائس فقیر یا ربّ یا ربّ

ناتوان ترسنده ام زنهار جوینده با حزن محتاج ای پروردگار من ای پروردگار من

یا ربّ اللّهمّ اکشف ضرّ ما استعذتک منه و

ای پروردگار من خدایا رفع کن گزند آنچه پناه میجویم بتو از آن و

البسنی رحمتک وحلّلنی عافیتک وامنّی برحمتک

و بپوشان مرا رحمت خود را و فرا گیر مرا عافیت خود و ایمن گردان مرا برحمت خود

فانّک

فانك تجير ولا يجار عليك اللهم اني اعوذ

پس بدرستی که تو پناه می دهی و پناه داده نمی شود بر تو خداوندا بدرستی که پناه می برم

بك من وحشة القبر ومن خلوته ومن ظلمته

بتو از وحشت قبر واز تنهائی او واز تاریکی او

وضيقه وعذابه ومن هول ما اخوف بعده

و تنگی او و عذاب او واز ثبوت آنچه میترسم پس از آن

يا رب العالمين يا رب يا رب يا رب اللهم اني

ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا بدرستی که من

اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد واهل بيته

سؤال میکنم اینکه درود فرستی بر محمد وال محمد واهل خانه او

صفوتك وخيرتك من خلقك وان تستجيب لي

برگزیده تو واختیار کرده تو از بندگان تو واینکه مستجاب کنی برای من

دعائي وتعطيني سؤلي واكفني امر آخرتي و

دعای مرا وعطا کنی مرا سؤال مرا وکفایت کن مرا امر آخرت مرا و

دنياي وارحم فاقتي واغفر ذنوبي ما تقدم

دنیای مرا ورحم کن حاجت مرا وبیامرز گناهان مرا آنچه گذشته

منها وما تأخر وآتني في الدنيا حسنة وقني برحمتك

ازان وآنچه باز پس مانده وبده مرا در دنیا نیکی ونگاه دار مرا برحمت

عذاب النار اللهم ارزقني صلة قرابتي و

عذاب آتش را خداوندا روزی کن مرا پیوستن خویشان که آنکه و



وَحَجًّا مَقْبُولًا وَعَمَلًا صَالِحًا مَبْرُورًا تَرْضَاهُ مِمَّنْ
و حج قبول کرده و کرداری شایسته پرهیزکرده که بپسندی اورا از کسیکه
عَمِلَ بِهِ وَاَصْلِحْ لِي اَمْرِي وَاَهْلِي وَوَلَدِي وَاَسْئَلُكَ
عمل بکند آن و اصلاح آور برای من امر مرا و اهل مرا و فرزندان مرا و سؤال می‌کنم تورا
اَنْ تَجْعَلَ لِي عَقِبًا صَالِحًا تُلْحِقُنِي مِنْ دُعَائِهِمْ
اینکه بگردانی برای من فرزند شایسته که ملحق سازی مرا از دعای او
رِضْوَانًا وَمَغْفِرَةً وَزِيَادَةً فِي كَرَامَتِكَ اِنَّكَ عَلَى
خوشنودی را و آمرزش و زیادتی در نوازشهای حق بدرستی که تو بر
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ
هر چیزی توانائی و تو رحم کننده‌ترین رحم کنندگانی ای پروردگار من ای پروردگار
يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ وَكُلَّمَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ اَوْ
ای پروردگار من خداوندا و هر چیز که بود در دل من از شک یا
رِيبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ
تهمت یا انکار یا نومیدی یا خرمی یا سرور یا [illegible]
اَوْ فَخْرٍ اَوْ خُيَلَاءَ اَوْ جُبْنٍ اَوْ خِيفَةٍ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ
یا سرور یا خیال یا بیم یا [illegible] یا [illegible] یا مکاری
اَوْ شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ عِصْيَانٍ
یا بدبختی یا دورویی یا ناسپاسی یا بیرون رفتن از فرمان خدا یا نافرمانی
اَوْ عَظَمَةٍ اَوْ شَيْءٍ مِمَّا لَا يُحِبُّ عَلَيْهِ اَوْلِيَاؤُكَ
یا بزرگ‌نمائی یا چیزی در دیگری که دوست [illegible] دوستان تو

فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تَمْحُوَ ذٰلِكَ مِنْ

پس سوال میکنم ترا بحق محمد و آل محمد و اینکه زایل کنی این را از

قَلْبِي وَاَنْ تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ اِيمَانًا وَعَدْلًا وَرِضًا

دل من و اینکه بدل کنی برای من بجای آن ایمان و درستی و خوشنودی

بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَوَجَلًا مِنْكَ وَزُهْدًا

بحکم حق و وفا نمودن بعهد حق و ترسیدن از حق و بی خواهش

فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَ

در دنیا و خواهش در آنچه نزد توست و اعتماد کردن بتو و

طُمَاْنِينَةً اِلَيْكَ وَتَوْبَةً اِلَيْكَ نَصُوحًا يَا رَبِّ

و آرام گرفتن بسوی تو و توبه بسوی تو توبه خالص ای پروردگار من

يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي وَلَمْ

ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا مر تراست ستایش همچنانکه آفریدی مرا و نه

اَكُ شَيْئًا مَذْكُورًا فَاَعِنِّي عَلٰى اَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ

بودم چیزی یاد کرده شده پس یاری کن مرا بر ترسهای دنیا و

بَوَائِقِ الدَّهْرِ وَنَكَبَاتِ الزَّمَانِ وَكُرُبَاتِ الْآخِرَةِ

هلاک کننده زمانه و خواریهای زمانه و اندوههای آخرت

وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْاَيَّامِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ

و بلاهای شبها و روزها و کفایت کن مرا بدی آنچه می کنند

الظَّالِمُونَ فِي الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ

ستمکاران در زمین خداوندا برکت ده مرا در تقدیرات حق



ورضّني بقضائك اللّهمّ افتح مسامع قلبي لذكرك
و خرسند کن مرا بفرمان حق خداوندا بگشا گوشهای دل مرا برای ذکر حق
وارزقني شكراً وتوفيقاً وعبادة وخشية يا ربّ
و روزی کن مرا سپاس حق و توفیق و بندگی و ترس حق ای پروردگار عالم
العالمين يا ربّ يا ربّ اللّهمّ اطلع الىّ اليوم
جهانیان ای پروردگار ای پروردگار خداوندا نظر کن بسوی من امروز
نظراً تدخلني بها الجنّة اللّهمّ استجب دعائي
نظر کردنی که داخل کنی مرا بان در بهشت خداوندا مستجاب کن دعای مرا
واقبله منّي واجعله دعاءً جامعاً يوافق بعضه
و قبول کن از من و بگردان او را دعای تمامی موافق کند بعض ان
بعضاً فانّ كلّ شيءٍ عندك بمقدار اللّهمّ واجعله
بعضی را پس بدرستی که هر چیزی نزد تو باندازه است خداوندا و قرار ده او را
من شأنك فانّك كلّ يوم في شأن اللّهمّ واكتبه
از کار تو پس بدرستیکه هر روزی در کاری خداوندا و بنویس این را
لي في علّيّين في كتاب لا يمحى ولا يبدّل ان تقول
برای من در علیین در کتابی که محو نشود و تغییر نیابد انکه بگوئی
قد غفرت لعبدي ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر
بتحقیق که امرزیدم برای بنده خود انچه پیش گذشت از گناهان او و انچه پس امد
واستجبت له دعوته ووفّقته واصطنعته
و مستجاب کردم برای او دعای او را و توفیق دادم او را و برگزیدم او را

لِنَفْسِي وَكَرَّمْتُهُ وَفَضَّلْتُهُ وَعَصَمْتُهُ وَهَدَيْتُهُ

از برای نفس خود و گرامی داشتم اورا و زیادتی دادم او و نگاه داشتم اورا و راه نمائی کردم اورا

وَزَكَّيْتُهُ وَاَصْلَحْتُهُ وَاسْتَخْلَصْتُهُ وَغَفَرْتَ لَهُ

و پاکیزه کردم اورا و بصلاح آوردم اورا و خلاص کردم اورا و آمرزیدم از برای او

وَعَفَوْتَ عَنْهُ اٰمِيْنَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ

و درگذشتم از او اجابت کن ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا

اِنِّيْ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى

بدرستی که روی آوردم بسوی تو به پیغمبر تو پیغمبر رحمت که محمد است درود فرستد

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ فِيْ خَلَاصِيْ وَخَلَاصِ وَالِدَيَّ

خدا بر او و بر آل او در خلاص من و خلاص پدر و مادر من

وَمَا وَلَدَا وَاَهْلِيْ وَوُلْدِيْ وَجَمِيْعِ ذُرِّيَّةِ اٰبِيْ وَ

و آنچه زائیده‌اند و اهل من و فرزندان من و همه فرزندان پدر من و

اِخْوَانِيْ فِيْكَ وَجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكُلِّ

برادران من در راه تو و همه گروه مؤمنان و زنان مؤمنه و هر

وَلَدٍ لِيْ دَخَلَ فِي الْاِسْلَامِ مِنْ اَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

فرزندی که مرا هست داخل شده در اسلام از ترسهای روز قیامت

وَمِنْ شَرِّ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ هُمُوْمِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ

و از بدی عذاب قبر و از اندوههای دنیا و آخرت

وَاَهْوَالِهَا وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَرْزُقَنِيْ عِزَّهَا وَنَصْرَ

و از هولهای آخرت و سؤال میکنم ترا اینکه روزی کنی مرا عزت آن و پیروزی آن



عنی شرها وتثبتنی بالقول الثابت فی الحیوة

از من بدی ان و ثابت دار مرا بگفتار ثابت در زندگانی

الدنیا والاخرة انك رؤف رحیم وصلی الله علی

دنیا و اخرت بدرستی که تو بخشنده مهربانی و درود فرستد خدا بر

محمد واله کثیرا وحسبنا الله ونعم الوکیل یارب

محمد و آل او بسیار و بس است ما را خدا و خوب وکیل است ای پروردگار

یارب یارب اللهم انی اسئلك ان تصرف عنی

ای پروردگار ای پروردگار خداوندا بدرستی که من سوال میکنم تو را اینکه بگردانی از من

شر کل جبار عنید وشیطان مرید وشر کل ضعیف

بدی هر ستمکار ستیزه کار و شیطان رانده شده و بدی هر ناتوانا

من خلقك وشدید ومن شر السامة والهامة

از افریده تو و توانا را وار بدی هر صاحب سمی و هر گزنده

واللامة والخاصة والعامة ومن شر کل دابة

و ملامت کننده و خواص و عوام و از بدی هر جنبنده

صغیرة او کبیرة باللیل والنهار ومن شر فسقة

کوچک یا بزرگ در شب و روز و از بدی بدکاران

العرب والعجم ومن شر فسقة الجن والانس انك

عرب و عجم و از بدی بدکاران دیوان و آدمیان بدرستیکه تو

علی کل شیء قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی

بر هر چیزی توانائی و نیست گردیدن و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه

العظیم

العظیم وصلی الله علی خیر مخلوق دعا الی خیر

بزرگ و درود فرستد خدا بر بهترین بندگان که خوانده شده به نیکوتر

معبود اللهم ربنا واتنا فی الدنیا حسنة و

پرستیده شده خداوندا ای پروردگار ما بده ما را در دنیا نیکوئی و

فی الاخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار یا

در آخرت نیکوئی و نگاه دار ما را برحمت خود از عذاب آتش ای

رب یا رب یا رب اللهم وما کان من خیر

پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا و آنکه بوده باشد از نیکی

او عمل صالح اسئلك به واکون فی رضوانك

یا کردار شایسته سؤال می کنم ترا بآن و بوده باشم در خشنودی خود

وعافیتك وما صلح من ذلك من البر فامنن علی

و عافیت خود و آنکه شایسته است از این از نیکی پس منت گذار بر من

به انی الیك راغب وبك مستجیر اللهم ما

بآن بدرستیکه من بسوی تو رغبت کننده ام و بتو زنهار جوینده بار خدایا آنکه طلب

استعفیتك منه وما لم استعفك منه فتوجب

عفو کردم ترا از آن و آنکه طلب عفو نکردم از آن و واجب کرده

علی به النار وسخطك فعافنی منه وما عذت

بر من بآن آتش را و خشم خود را پس عافیت ده مرا از آن و آنکه پناه جستم

من المخازی یوم القیمة وسوء المطلع الی ما فی

از خواریهای روز قیامت و بدی نگریستن بسوی آنکه در



القبور فاعذني منه اللهم وما اندم عليه

قبرها پس پناه ده مرا ازان خداوندا وانچه پشیمانم وازارم بران

من فعلي له واجازى عليه يوم المعاد او تراني

از کردارم ازرا ومکافات کنده بران روز قیامت یا ببینی مرا

في الدنيا على الحال التي تورث سخطك فاسالك

در دنیا بر حال یعنی حالتها که مورث خشم تست پس سؤال میکنم ترا

بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي من جميع ذلك

بذات بزرگوار تو اینکه بزرگ گردانی عافیت را از همه اینها

يا ولي العافية يا رب يا رب يا رب واسئلك

ای کننده عافیت ای پروردگارم ای پروردگارم ای پروردگارم وسؤال میکنم ترا

يا رب مع ذلك العافية من جهد البلاء وسوء

ای پروردگارم با این عافیت از مشقت بلا وبدی

القضاء وشماتة الاعداء وان تحملني ما لا

حکم وشماتت کردن دشمنان واینکه بار کنی مرا آنچه طاقت نیست

طاقة لي به وان تسلط على ظالما او تبتليني

تو را برای من بآن واینکه مسلط کنی برمن ستمکاری را یا مبتلا کنی مرا

بما لا طاقة لي به وتناقشني الحساب يوم الحساب

بچیزی که نیست توانائی برای من بآن وسخت گیری مرا در حساب روز حساب

مناقشة بمساوي احوج ما اكون الى عفوك و

سخت گیری در حساب بدیها [illegible] محتاجتر وقتی که بوده باشم [illegible] تو و

تجاوزك

تجاوزك اسئلك بوجهك الكريم ان تعظم

تجاوز تو سؤال میکنم ترا بذات بزرگ که انکه بزرگ گردانی

عافيتي في جميع ذلك يا ولي العافية اي من

عافیت مرا در همه این ای بخشنده عافیت ای انکه

عفا عن السيئات ولم يجاز بها ارحم عبدك

درگذشت از گناهان و پاداش نداد بدان رحم کن بنده خود را

يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله نفسي

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا تن مرا

نفسي ارحم عبدك يا سيداه عبدك بين يديك

تن مرا رحم کن بنده خود را ای آقا بنده تو در میان دو دست تو

يا رباه يا رباه يا منتهى رغبتاه يا مجري لدم في

ای پروردگار ای پروردگار ای منتهای خواهشها ای روان کننده خون در

عروقي عبدك عبدك يا سيداه يا مالك

رگهای من بنده تو بنده تو ای آقا ای صاحب اختیار

عبده يا سيداه يا مالكاه يا هو يا رباه لا حيلة

بنده خود ای آقا ای صاحب اختیار ای او ای پروردگار نیست چاره

لي ولا غنا بي عن نفسي ولا استطيع لها ضرا

مرا و نه بی نیازی مرا از جانب خود و قدرت ندارم برای خود زیانی

ولا نفعا ولا ارجاء لي ولا اجد احدا اصانعه

و نه سودی و نیست امیدی مرا و نمی یابم کسی را که رشوه دهم اورا



تقطعت اسباب الخدائع واضمحل عني كل باطل

بریده شده اسباب حیله ها ازمن و رفته از من هر باطل

افردني الدهر اليك فقمت هذا المقام الهي

تنها گذاشته مرا زمانه بسوی تو پس ایستادم اینجا ای خداوند من

بعلمك فكيف انت صانع بي ليت شعري ولا

بدانش تو پس چگونه تو معامله کنی با من ای کاش میدانستم و نه

اشعر كيف تقول لدعائي اتقول نعم او تقول

دانم من چگونه می گوئی تو برای دعای من آیا میگوئی تو بله یا می گوئی تو

لا فان قلت لا فيا ويلتاه يا ويلتاه يا ويلتاه

نه پس اگر گوئی تو نه پس ای وای ای وای ای وای

يا عولتاه يا عولتاه يا عولتاه يا شقوتاه يا شقوتاه

ای فغان ای فغان ای فغان ای بدبختی ای بدبختی

يا شقوتاه يا ذلتاه يا ذلتاه يا ذلتاه الى من والى

ای بدبختی ای خواری ای خواری ای خواری بسوی که خواهم گریخت و کو

عند من او كيف او ماذا او الى اي شيء ومن

نارد که یا چگونه یا بچه روکنم یا بسوی کدام چیز و که

ارجو ومن يعود علي ان رفضتني يا واسع المغفرة

امید دارم و که نفع رساند بمن اگر واگذاری مرا ای فراخ کننده آمرزش

وان قلت نعم كما الظن بك فطوبى لي انا السعيد

واگر بگوئی تو بله آنچنانکه است اعتقاد بتو پس خوشی مرا منم سعادتمند

فطوبى

فطوبى لي انا المرحوم ايا مترحم ايا مترئف ايا

پس خوشا حال مرا منم بخشیده شده ای بخشنده ای لطافت کننده مهربان ای

متعطف ايا محيي يا متملك ايا متسلط لا عمل

لطافت مهربان ای زنده کننده ای خداوند ملک ای خداوند سلطنت نیست کرداری

لي ارجو به نجاح حاجتي ولا احد انفع لي منك

مرا که امیدوارم بسبب آن روا شدن حاجت خود را و نیست هیچ کس نفع رساننده تر از تو

يا من عرفني نفسه يا من امرني بطاعته يا مدعوّ

ای کسیکه شناسانید مرا ذات خود را ای کسیکه امر کرد مرا بطاعت خود ای خوانده شده

يا مسئول ايا مطلوب اليه رفضت وصيتك

ای سؤال کرده شده ای طلب کرده شده بسوی او انداختم وصیت ترا

التي وصيتني ولو اطعتك لكفيتني ما قمت اليه

که وصیت کردی مرا و اگر فرمان میبردم ترا هر آینه کفایت می کردی مرا اگر بپا داشتم

فيه من قبل ان اقوم وانا مع معصيتي لك راج

در آن پیشتر از آنکه بایستم و من با نافرمانی ترا امیدوارم

فلا تحل بيني وبين ما رجوته واردد بيدي ملأً

پس حایل مشو میان من و میان آنچه امیدوارم و برگردان دست مرا پر

من خيرك بحقك يا سيدي يا وليي انا من قد عرفت

از نیکیهای خود بحق تو ای آقای من ای یاور من منم آنکه می شناسی

شر عبد وانت خير رب يا مخشي الانتقام يا رب

به بنده بدم و تو بهترین پروردگار ای ترسیده شده کینه کشنده ای پروردگار



يا ربّ يا ربّ يا الله يا الله يا محيط بملكوت

ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای فرا گیرنده بپادشاهی

السّموات والارض اصلحني لديني واصلحني لآخرتي

آسمانها و زمین و بصلاح آور از برای دین من و بصلاح آور از آخرت مرا

واصلحني لاهلي واصلحني لولدي واصلح لي ما

و بصلاح آور برای اهل مرا و بصلاح آور فرزندان مرا و بصلاح آور از برای من آنچه

خوّلتني يا الهي واصلحني من خطاياي يا حنّان يا منّان

جایل کرد مرا ای خدای من و بصلاح آور از خطاهای من ای مهربان ای بخشنده

تفضّل عليّ برحمتك وامنن عليّ باجابتك وصلّ

بخشش کن بر من برحمت خود و منت گذار بر من باجابت حق و درود فرست

اللّهمّ على محمّد النّبيّ واهله وسلّم وحل بيني

بار خدایا بر محمد پیغمبر و اهل او و درود فرست و حایل شو میان من

وبين ما حلت بينه وبين اهل بيت محمّد من الباطل

و میان آنچه حایل شده میان او و میان اهل خانه محمد از باطل و ناحق

وآتنا في الدّنيا حسنة وفي الآخرة حسنة يا ارحم

و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی ای رحم کننده ترین

الرّاحمين يس بسم الله الرّحمن الرّحيم والهكم اله واحد

رحم کنندگان بگو بنام خداوند بخشنده مهربان و خدای شما خدای یگانه

لا اله الّا هو الرّحمن الرّحيم الله لا اله الّا هو الحيّ

نیست خدایی مگر او بخشنده مهربان خدایی که نیست خدایی مگر او زنده

القيّوم

القیوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما فی السموات

پاینده فرا نمی گیرد اورا پینکی و نه خواب مراوراست آنکه در آسمانها

وما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا

و آنکه در زمین است کیست آنکه درخواست کند نزد او مگر

باذنه یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا

بفرمان او می داند آنچه میان دستهای ایشان است و آنچه پشت سر ایشان است و نه

یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه

می رسند فراهم بچیزی از دانای او مگر آنکه خواهد فرا گرفته است کرسی او

السموات والارض ولا یؤده حفظهما وهو

آسمانها و زمین و نمی افکند برنج نگهبانی آنها و او

العلی العظیم الم الله لا اله الا هو الحی القیوم

بلند برتر بزرگ است خدائی که نیست خدائی مگر او زنده پاینده

هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله

او است آنکه می نگارد صورت شما را در رحمها بهر حال که خواهد نیست خدائی

الا هو العزیز الحکیم الذین یقولون ربنا اننا

مگر او غالب درست کردار آنانکه می گویند ای پروردگار ما بدرستیکه ما

امنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار الصابرین

ایمان آوردیم پس بیامرز مارا گناهان ما و نگاه دار مارا از عذاب آتش شکیبائی کنندگان

والصادقین والقانتین والمنفقین والمستغفرین

و راستگویان و طاعت کنندگان و صدقه کنندگان و آمرزش خواهان



بِالْأَسْحَارِ شَهِدَ اللّٰهُ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلٰئِكَةُ
در سحرگاهان گواهی داد خدا اینکه نیست خدا مگر او و فرشتگان

وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ
و صاحبان دانش ایستاده بر پا کننده بعدل نیست خدا مگر او غالب

الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْإِسْلَامُ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ
درست کردار بدرستیکه دین نزد خدا اسلامست خدا نیست خدا

إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ
مگر او هر آینه فراهم آورند شما را تا روز قیامت نیست شک در آن

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ حَدِيثًا ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ
و کیست راست گوتر از خدا در سخن اینست خدا پروردگار شما

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ
نیست خدا مگر او آفریننده هر چیزی پس پرستنده او را و اوست بر

كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلٰهَ
هر چیزی نگهبان پیروی کن آنکه وحی شد بسوی تو از جانب پروردگار نیست خدا

إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ
مگر او و دوری کن از شرک کنان بگو ای گروه مردمان

إِنِّي رَسُولُ اللّٰهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ
بدرستیکه من فرستاده خدایم بسوی شما همه آنکه مر او راست پادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللّٰهِ
و زمین نیست خدا مگر او زنده می کند و می میراند پس ایمان آورید بخدا



ورسوله

وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَ

ورسول او كه پيغمبر است امى آنكه مى گرود بخدا و

كَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَمَا اُمِرُوا اِلَّا لِيَعْبُدُوا

كلمهاى او و پيروى كنيد او را شايد شما راه يابيد و آنكه امر نكرده شدند مگر آنكه پرستند

اِلٰهًا وَاحِدًا لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

خدائى را كه يگانه است نيست خدائى مگر او پاك است او از آنكه شريك مى دانند

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا

بتحقيق آمد شما را پيغمبرى از جنس شما گران است بر او رنج

عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ فَاِنْ

و تعب شما حريص است در اسلام شما بمومنان بخشنده مهربان پس اگر

تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

پشت كنند پس بگو بس است مرا خدا نيست خدائى مگر او بر او اعتماد نمودم

وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ حَتّٰى اِذَا اَدْرَكَهُ الْغَرَقُ

و اوست پروردگار عرش بزرگ تا دريافت او را غرق شدن

قَالَ آمَنْتُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُوا

گفت ايمان آوردم آنكه نيست خدائى مگر آنكه ايمان آوردم بان بنى

اِسْرَائِيلَ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَاِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ

اسرائيل و من از جمله مسلمانانم پس اگر اجابت نكردند سوال شما را

فَاعْلَمُوا اَنَّمَا اُنْزِلَ بِعِلْمِ اللّٰهِ وَاَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا

پس بدانيد كه فرستاده شده بعلم خدا و اينكه نيست خدائى مگر



هو فهل انتم مسلمون قل هو ربی لا اله الا

او پس آیا شما اسلام آرندگانید بگو او پروردگار منست نیست خدائی مگر

هو علیه توکلت والیه متاب ان انذروا انه

او بر او اعتماد کردم و بسوی اوست بازگشت اینکه اعلام کنید چنین را انکه او

لا اله الا انا فاتقون الله لا اله الا هو له

نیست خدائی مگر من پس بترسید از من خدائیست خدای مگر او مر او راست

الاسماء الحسنی فاستمع لما یوحی اننی انا الله

نامهای نیکو پس بشنو از انکه پیغام داده شد اینکه منم خدا

لا اله الا انا فاعبدنی واقم الصلوة لذکری

نیست خدائی مگر من پس بپرستید مرا و بر پای دارید نماز را برای یاد من

انما الهکم الله الذی لا اله الا هو وسع کل شیء

جز این نیست خدای شما آن خدائی که نیست خدائی مگر او فرا گرفته است هر چیزی را

علما وما ارسلنا من قبلک من رسول الا

از روی دانش و نفرستادیم از پیش از تو هیچ فرستاده شده مگر

یوحی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون وذا النون

اینکه وحی شده بسوی او اینکه نیست خدائی مگر من پس بپرستید مرا و خداوند ماهی

اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی

چون رفت خشمناک پس گمان کرد اینکه توانائی نیستیم بر او پس ندا کرد

فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی

در تاریکیها اینکه نیست خدائی مگر تو پاکی ترا بدرستی که من

کنت

كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم

بدرستيكه بودم از ستمكاران پس اجابت كرديم دعاي او را و رهانيديم او را از اندوه

وكذلك ننجي المؤمنين فتعالى الله الملك الحق

و همچنين نجات ميدهيم مؤمنان را پس برترست خداي پادشاه راستين

لا اله الا هو رب العرش العظيم الله لا اله الا

نيست خداي مگر او پروردگار عرش بزرگ است و اوست خدايي كه نيست خداي مگر

هو له الحمد في الاولى والآخرة وله الحكم واليه

او مر او راست ستايش در اين جهان و در آن جهان و مر او راست فرمان و بسوي او

ترجعون يا ايها الناس اذكروا نعمت الله عليكم

بازگشت شما اي گروه مردمان ياد كنيد نعمت خداي را بر شما

هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض

آيا هست آفريننده غير خدا كه روزي دهد شما را از آسمان و زمين

لا اله الا هو فانى تؤفكون انهم كانوا اذا قيل

نيست خداي مگر او پس از كجا دروغ مي بافيد ايشان بودند چون گفته شدي

لهم لا اله الا الله يستكبرون ذلكم الله ربكم

مر ايشان را كه نيست خداي مگر خداي گردن كشي كنند اينست خداي پروردگار شما

له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون غافر

مر او راست پادشاهي نيست خداي مگر او پس بكجا برگردانيده مي شويد آمرزنده

الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي الطول

گناهان و قبول كننده توبه سخت عقوبت كننده خداوند انعام



لا اله الا هو اليه المصير ذلكم الله ربكم خالق

نیست خدائی مگر او بسوی اوست بازگشت این است خدا پروردگار شما آفریننده

كل شيء لا اله الا هو فأنى تؤفكون تبارك الله

هر چیزی نیست خدا مگر او پس از کی دروغ می بندند بزرگ است خدا

رب العالمين لا اله الا هو يحيي ويميت ربكم

پروردگار جهانیان نیست خدا مگر او زنده می کند و میمیراند پروردگار شما

ورب آبائكم الاولين فاعلم انه لا اله الا الله

و پروردگار پدران شما که پیشینیانند پس بدان آنکه نیست خدائی مگر خدا

واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات والله

و طلب آمرزش کن برای گناهانت و از برای مردان مؤمن و زنان مؤمنه و خدا

يعلم متقلبكم ومثواكم لو انزلنا هذا القرآن

می داند بازگشت شما را و آرامگاه شما را اگر فرو می فرستادیم این قرآن را

على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله

بر کوه هر آینه می دیدی او را فروتنی کننده و شکافته شده از ترس خدا

وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون

و این داستانها می زنیم برای مردمان شاید ایشان فکر کنند

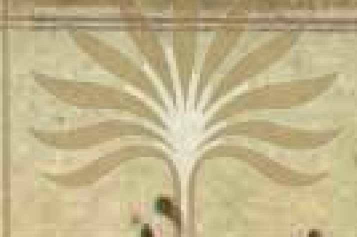
هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس

اوست خدائی آنچنانکه نیست خدائی مگر او پادشاه پاک از عیبها

السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر

سالم از آفات ایمن دهنده نگهبان ارجمند غالب بزرگوار

سبحان



سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ

پاک است خدا از آنکه شریک می‌دهند اوست خدای آفریننده پاکیزه کننده

المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی

نگارنده صورت مراورا است نامهای نیکو تسبیح می‌کند مراورا آنکه در

السموات والارض وهو العزیز الحکیم الله لا

آسمانها و زمین است و اوست غالب درست کردار خدا نیست

اله الا هو وعلی الله فلیتوکل المومنون رب

خدا مگر او و بر خدا باید اعتماد کنند ایمان دارندگان پروردگار

المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وکیلا

مشرق و مغرب نیست خدا مگر او پس فراگیر او را کار گذار

پس هفت وانه لکتاب عزیز لا یاتیه الباطل

مرتبه بگو و بدرستی که او هر آینه کتابی است غالب نمی‌آید او را باطل

من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید

از میان دو دست او و نه از پشت سر او فرو فرستاده شده از جانب درست کردار ستوده

پس آمنا بالله وما انزل الینا وما انزل الی ابرهیم

بگو ایمان آوردیم بخدا و آنکه فرو فرستاده شد بسوی ما و آنکه فرستاده شد بسوی ابراهیم

واسمعیل واسحق ویعقوب والاسباط وما

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط و آنکه

اوتی موسی وعیسی وما اوتی النبیون من ربهم

داده شد موسی و عیسی و آنکه داده شده پیغمبران از پروردگار ایشان



لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ رَبَّنَا
جدا نمی افکنیم میان هیچیک از ایشان و ما مر او را اسلام آورده ایم پروردگار ما

رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ اِلٰهًا
پروردگار آسمانها و زمینهاست نمی خوانیم غیر او خدائی را

لَقَدْ قُلْنَا اِذًا شَطَطًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَدَانَا لِهٰذَا
بر آینه گفته باشیم گفتار بعید دروغ سپاس مر خدا را آنکه راه نمود ما را این مرتبه

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ لَقَدْ جَاءَتْ
و نبوده ایم ما که هدایت بیابیم اگر نبوده هدایت کرد ما را خدا بتحقیق که آمدند

رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ پس
فرستادگان پروردگار ما براستی درود خدا بر ایشان همه

بگو

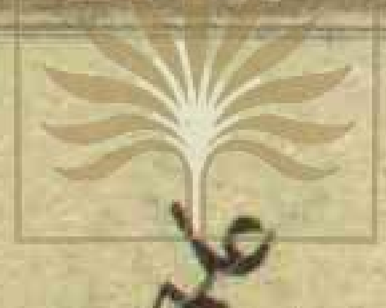
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا رَسُولَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا
سلام بر تو باد ای فرستاده خدا سلام بر تو باد ای

نَبِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا خِیَرَةَ اللّٰهِ مِنْ خَلْقِهِ وَ
پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای برگزیده خدا از بندگان او و

اَمِیْنَهُ عَلٰی وَحْیِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَوْلَایَ یَا اَمِیرَ
معتمد پیغمبر او بر وحی او سلام بر تو باد ای آقای من ای پادشاه

الْمُؤْمِنِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِیْنَ اَنْتَ
مؤمنین سلام بر تو باد ای آقای من ای پادشاه مؤمنان تو

حُجَّةُ اللّٰهِ عَلٰی خَلْقِهِ وَاَمِیْنُهُ عَلٰی وَحْیِهِ وَبَابُ
حجت خدا بر بندگان او و معتمد او بر وحی او و در



عِلْمِهِ وَوَصِيِّ نَبِيِّهِ وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ فِي أُمَّتِهِ

دانش و وصی پیغمبر او وجانشین بعد از او در امت او

لَعَنَ اللهُ أُمَّةً غَصَبَتْكَ حَقَّكَ وَقَعَدَتْ مَقْعَدَكَ

لعنت کند خدا گروهی را که غصب کردند حق ترا ونشستند بجای نشستن تو

أَنَا بَرِيءٌ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ إِلَيْكَ السَّلَامُ عَلَيْكِ

من بیزارم از ایشان واز پیروان ایشان بسوی تو سلام بر تو باد

يَا فَاطِمَةُ الْبَتُولُ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَيْنَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

ای فاطمه پاره تن رسول سلام بر تو باد ای زینت زنان جهانیان

السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سلام بر تو باد ای دختر رسول خدا پروردگار جهانیان

صَلَّى اللهُ عَلَيْكِ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا أُمَّ

درود خدا بر تو و بر او سلام بر تو ای مادر

السِّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ لَعَنَ اللهُ أُمَّةً غَصَبَتْكِ

دو سبط حسن وحسین لعنت کند خدا گروهی را که غصب کردند

حَقَّكِ وَمَنَعَتْكِ مَا جَعَلَهُ اللهُ لَكِ حَلَالاً طَيِّباً

حق ترا ومنع کردند ترا آنچه قرار داده بود او را خدا از برای تو حلال پاکیزه

أَنَا بَرِيءٌ إِلَيْكِ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ السَّلَامُ عَلَيْكَ

من بیزارم بسوی تو از ایشان واز پیروان ایشان سلام بر تو

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ الزَّكِيُّ لَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَبَايَعَتْ

ای ابا محمد حسن پاکیزه لعنت کند خدا گروهی را که کشت ترا وبیعت کرد



فی امرک وشایعت وانا بریٔ الیک منهم ومن

در امر تو و پیروی کردند ومن بیزارم بسوی تو ازایشان واز

شیعتهم السلام علیک یا مولای یا ابا عبد الله

پیروان ایشان سلام برتو باد ای آقای من ای ابا عبدالله

الحسین بن علی صلوات الله علیک وعلی ابیک

حسین پسر علی درود خدا برتو و بر پدر تو

وجدک محمد المصطفی صلی الله علیه وآله ولعن الله

وجد تو محمد که برگزیده شد درود خدا براو وآل او ولعنت کرد خدا

امة استحلت دمک ولعن الله امة قتلتک

گروهی که حلال دانستند خون تورا ولعنت کند خدا گروهی راکه کشتند ترا

واستباحت حریمک ولعن الله اشیاعهم واتباعهم

ومباح دانستند کردار تورا ولعنت کند خدا پیروان ایشان را و متابعان ایشان

ولعن الله الممهدین لهم بالتمکین من قتالکم انا

ولعنت کند خدا تمهید کنندگان ایشان را بتهیه از کشتن شما من

بریٔ الی الله والیک منهم السلام علیک یا مولای

بیزارم بسوی خدا وبسوی تو ازایشان سلام بر تو ای آقای من

یا ابا محمد علی بن الحسین السلام علیک یا مولای

ای ابا محمد علی بن حسین سلام برتو باد ای آقای من

یا ابا جعفر محمد بن علی السلام علیک یا مولای

ای ابا جعفر محمد بن علی سلام برتو باد ای آقای من



يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
ای ابا عبد الله جعفر پسر محمد سلام برتو ای
مَوْلَایَ یَا اَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
آقای من ای ابا حسن موسی پسر جعفر سلام برتو باد
يَا اَبَا الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
ای ابا حسن علی بن موسی الرضا سلام برتو باد
يَا مَوْلَایَ يَا اَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
ای آقای من ای ابا جعفر محمد پسر علی سلام برتو
يَا مَوْلَایَ يَا اَبَا الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
ای آقای من ای ابا حسن علی پسر محمد سلام برتو
يَا مَوْلَایَ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ اَلْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
ای آقای من ای ابا محمد حسن پسر علی سلام برتو
يَا مَوْلَایَ يَا اَبَا الْقَاسِمِ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَاحِبَ
ای آقای من ای ابا قاسم حجة فرزند حسن صاحب
اَلزَّمَانِ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلَى عِتْرَتِكَ الطَّاهِرَةِ
زمان رحمت خدا برتو و بر عترت تو که پاکان
اَلطَّيِّبَةِ يَا مَوَالِيَّ كُونُوا شُفَعَاءَ لِي عِنْدَ اللهِ فِي
و پاکیزگانند ای آقایان من باشید شفیعان من از برای من نزد خدا در
حَطِّ وِزْرِي وَخَطَايَايَ آمَنْتُ بِاللهِ وَبِمَا اُنْزِلَ
فرو گذاشتن بار گرانم و گناهان من ایمان آوردم بخدا و آنکه فرستاده شده



إليكم وأتوالى آخركم بما أتوالى أولكم وبرئت

بسوی شما ودوست می کنم آخر شما را آنچه دوستی کردم اول شما را وبیزاری می جویم

من الجبت والطاغوت واللات والعزى يا موالي

از جبت وطاغوت ولات وعزی ای آقای آقایان من

أنا سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وعدو لمن

من صلحم با هر که با شما صلح است وجنگم با هر که با شما جنگ است ودشمنم با هر که

عاداكم وولي لمن والاكم إلى يوم القيمة ولعن

دشمن است شما را ودوستم با هر که شما را دوست است تا روز قیامت ولعنت کند

الله ظالميكم وغاصبيكم ولعن الله أشياعهم

خدا ستمکاران شما را وغصب کنندگان حق شما را ولعنت کند خدا پیروان ایشان را

وأتباعهم وأهل مذهبهم وأبرأ إلى الله وإليكم

وتابعان ایشان را واهل مذهب ایشان را وبیزاری می جویم بسوی خدا وبسوی شما

منهم اللهم إني أشهدك وكفى بك شهيدا وأشهد

از ایشان خداوندا بدرستی که گواه می گیرم ترا وکافی است ترا گواه وگواه می گیرم

محمدا صلى الله عليه وآله وعليا والأئمة من

محمد را رحمت خدا بر او وبر آل او وعلی وپیشوایان از

ذريتهما والثمانية حملة عرشك والأربعة الأملاك

فرزندان ایشان وهشت تن که بر می دارند عرش ترا وچهار تن فرشتگان

خزنة علمك أني بريء من أعدائهم فعلى محمد وأهل

خزانه داران علم تواند بدرستی که من بیزارم از دشمنان ایشان پس بر محمد وآل



بیته

بَیْتِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ الصَّلوٰةُ وَالسَّلامُ اَللّٰهُمَّ
خانه او که پاکان و پاکیزگانند رحمت و درود باد خداوندا
اَقْرِرْ عَیْنِی بِصَلاتِهِ وَصَلوٰةِ اَهْلِ بَیْتِهِ وَاجْعَلْ
روشن کن چشم مرا به درود فرستادن بر او و درود فرستادن اهل خانواده او و بگردان
مَا هَدَیْتَنِی اِلَیْهِ مِنَ الْحَقِّ وَالْمَعْرِفَةِ بِهِمْ مُسْتَقَرًّا
آنچه راهنما کرده مرا بسوی او از حق و معرفت ایشان ثابت داشته
لا مُسْتَوْدَعًا یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اَللّٰهُمَّ وَعَرِّفْنِی
نه امانت گذاشته ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا و شناسان مرا
نَفْسَکَ وَعَرِّفْنِی رُسُلَکَ وَعَرِّفْنِی مَلٰئِکَتَکَ وَ
خود را و بشناسان مرا پیغمبران ترا و شناسان مرا فرشتگان ترا و
عَرِّفْنِی وُلاةَ اَمْرِکَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی لا آخُذُ اِلَّا مَا
بشناسان مرا والیان خود را خداوندا بدرستی من نمی گیرم مگر آنچه
اَعْطَیْتَ وَلا اُوقَی اِلَّا مَا وَقَیْتَ اَللّٰهُمَّ لا تَحْرِمْنِی
عطا فرموده و نگاه داشته نمی شوم مگر آنچه نگاه می داری تو خداوندا محروم مکن مرا
مَنَازِلَ اَوْلِیَائِکَ وَلا تُزِغْ قَلْبِی بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنِی وَهَبْ
از جاهای فرود آمدن دوستان خود و میگردان دل مرا بعد از آنکه هدایت کردی مرا و ببخش
لِی مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهَّابُ وَهَیِّئْ لِی
مرا از نزد خود رحمتی بدرستی که تو بسیار بخشنده و مهیا کن مرا
مِنْ اَمْرِی رُشْدًا اَللّٰهُمَّ وَعَلِّمْنِی نَاطِقَ التَّنْزِیلِ وَ
از کار دین خود رستگاری خداوندا و تعلیم کن مرا خواندن قرآن و



وخلّصني من المهالك اللهمّ وخلّصني من

وخلاص کن مرا از مهلکها خداوندا وخلاص کن مرا از

الشيطان وحزبه ومن السلطان وجنده ومن

شیطان ولشکرش او واز سلطان ولشکریان او واز

الجبت وانصاره بحقّ محمّدٍ المحمود وبعليٍّ المقصود

جبت ویاران او بحق محمد پسندیده شده وبحق علی قصد کرده شده

وبحقّ شبّرٍ وشبيرٍ وبحقّ اسمائك الحسنى صلّ على

وبحق حسن وحسین وبحق نامهای تو که نیکوست درود فرست بر

محمّدٍ افضل الصلوات انّك على كلّ شيءٍ قديرٌ وانت

محمد بهترین درودها بدرستی که تو بر هر چیز توانائی وتو

بكلّ شيءٍ محيطٌ يا ربّ يا ربّ يا ربّ يا الله يا الله يا

بهر چیز فرا گیرنده ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای

الله يا ربّاه يا ربّاه يا ربّاه يا سيّداه يا سيّداه يا سيّداه

خدا ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای آقا ای آقا ای آقا

يا مولاه يا مولاه يا مولاه يا عماد من لا عماد له يا

ای صاحب ای صاحب ای صاحب ای ستون آنکه نیست ستونی مر او را ای

سند من لا سند له ويا ذخر من لا ذخر له انت

معتمد آنکه نیست معتمدی او را وای ذخیره آنکه نیست ذخیره مر او را تو

ربّي وانا عبدك على عهدك ووعدك اللهمّ

پروردگار منی ومن بنده توام بر پیمان تو ووعدهٔ تو خداوندا



اجعله

اجعله موقفاً محموداً ولا تجعله آخر العهد منّا
بگردان او را اقامتگاه ستوده و مگردان او را آخر عهد از ما
واشركنا في صالح دعاء من دعاك بمنى وعرفات
و شریک گردان ما را در شایسته دعای کسیکه خواند ترا بمنی و عرفات
ومزدلفة وعند قبر نبيك عليه وآله السلام
و مزدلفه و نزد قبر پیغمبر تو برو و آل او سلام
وعند زمزم والمقام اللهم لك الحمد حيث رفعت
و نزد زمزم و مقام خداوندا مر تراست سپاس هرجا بلند گردد
اقدارنا عن شدّ الزنانير في الاوساط والخواتيم
قدرهای ما را از بستن زنارها در کمرها و خاتمها
في الاعناق ولك الحمد حيث لم تجعلنا زنادقة
در گردنها و مر تراست سپاس هرجا که نگردانیدی ما را بی دینان
مضلين ولا مدعية شاكين مرتابين ولا معارضين
گمراه و نه ادعا کنندگان شک کنندگان با اعتقاد و نه معارضه کنندگان
ولا عن اهل بيت نبيك صلى الله عليه وآله
و نه از اهل خانه پیغمبر تو رحمت خدا برو و بر آل او
منحرفين اللهم كما بلغتنا هذا اليوم المبارك
کج روندگان خداوندا چنانکه رسانیدی ما را این روز مبارک
من شهرنا وسنتنا هذه المباركة فبلغها آخرها
از ماه ما و سال ما این سال بابرکت پس برسان ما آخر آن



في عافية وبلغنا اعواما كثيرة برحمتك يا ارحم

در عافیت و برسان ما را سالهای بسیار برحمت خود ای رحم کننده ترین

الراحمين يا ربّ يا ربّ يا ربّ يا الله يا الله يا الله يا

رحم کنندگان ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدای

ربّاه يا ربّاه يا ربّاه يا سيّداه يا سيّداه يا سيّداه

پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای بزرگوار ای آقا ای آقا

يا مولاه يا مولاه يا مولاه اللهم وما قسمت لي في

ای صاحب ای صاحب ای صاحب خداوندا و آنچه قسمت کردی برای من در

هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي

این ساعت و در این روز و در این ماه و در

هذه السنة من خير او بركة او عافية او مغفرة

این سال از نیکی یا برکت یا عافیت یا آمرزش

او رأفة او رحمة او عتق من النار او رزق واسع

یا مهربانی یا رحمت یا آزادی از آتش یا روزی فراخ

حلال طيّب او توبة نصوح فاجعل لنا في ذلك

حلال پاکیزه یا توبه خالص پس بگردان ما را در این گذارش

اوفر النصيب واجزل الحظ اللهم وما انزلت في

وافرتر نصیبی و کاملتر بهره خداوندا و آنچه فرستادی تو در

هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر

این ساعت و در این روز و در این ماه



وفي هذه

وفي هذه السنة من حرق او شرق او غرق او
و در این سال از سوختن و شکافتن یا غرق شدن یا

هدم او ردم او خسف او قذف او رجف او مسخ
خراب شدن یا بستن یا فرو رفتن یا انداختن یا لرزیدن یا مسخ شدن

او صيحة او زلزلة او فتنة او صاعقة او برد
یا نعره عجیب یا لرزیدن زمین یا آشوب یا صاعقه یا سرما

او جنون او جذام او برص او اكل سبع او ميتة
یا دیوانه یا خوره یا برص یا خوردن جانوران یا مرگ

سوء وجميع انواع البلاء في الدنيا والآخرة فاصرفه
بد و همه اقسام بلا در دنیا و آخرت پس بگردان آن را

عنا كيف شئت واني شئت وعن جميع المؤمنين
از ما هر نحو که خواهی و از هر جا که خواهی و از همه مومنان

في كل دار ومنزل في شرق الارض وغربها عز
در هر خانه و منزل ما در مشرق زمین و مغرب زمین عزیز است

جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك وحدك لا
همسایه تو و بزرگ است ستودن تو و نیست خدایی غیر تو یگانه تو نیست

شريك لك فاطر السموات والارض عالم الغيب
شریک ترا آفریننده آسمانها و زمین دانای پنهان

والشهادة رب كل شيء ومليكه اشهد ان لا اله
و آشکارا پروردگار هر چیزی و پادشاه او گواهی میدهم که نیست خدایی



الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا

مگر خدای یگانه نیست شریک مر اورا وگواهی می دهم اینکه محمد

صلى الله عليه واله عبده ورسوله واشهد

رحمت خدا براو وآل او بنده او است وفرستاده او وگواهی می دهم

ان الجنة حق والنار حق وان الساعة اتية لا

اینکه بهشت حق است ودوزخ حق است واینکه قیامت آینده است نیست

ريب فيها وان الله يبعث من في القبور اشهد

شک درآن واینکه خدا برمی انگیزاند هرکه را در قبرها است گواهی می دهم

ان لا اله الا الله وحده لا شريك له عليها احيا

اینکه نیست خدا مگر خدای یگانه نیست شریک مر اورا برآن زنده می شوم

وعليها اموت وعليها ابعث حيا ان شاء الله

وبرآن می میرم وبرآن برانگیخته می شوم زنده اگر خواهد خدا

رضيت بالله ربا وبالاسلام دينا وبمحمد صلى الله

راضی شدم بخدا پروردگار خود وباسلام دین خود وبمحمد رحمت خدا

عليه واله نبيا وبعلي وليا واماما وبالقران

براو وآل او پیغمبر وبعلی ولی خود وپیشوای خود وبقرآن

كتابا وبالكعبة قبلة وبابراهيم عليه السلام

کتاب خود وبکعبه قبله خود وبابراهیم براو سلام

لنبينا ابا وبمحمد صلى الله عليه واله نبيا وبالا

برای پیغمبر ما پدر وبمحمد رحمت خدا براو وآل او پیغمبر وبائمه

المؤمنين



المؤمنين صلوات الله عليه للحق موضحا و

مومنان درود خدا براو برای حق واضح کننده و

للجنة والنار قاسما وبالمؤمنين من شيعته

بهشت ودوزخ را تقسیم کننده و بمومنان از پیروان او

اخوانا لا اشرك بالله شيئا ولا اتخذ من دونه

برادر شریک نمی کنم خداوند چیزی و فرا نمی گیرم غیر از خدا

وليا ولا ادعى معه الها لا اله الا الله وحده

دوست را و نمی خوانم با خدا خدائی نیست خدائی مگر خدای یگانه

لا شريك له الها واحدا احدا فردا صمدا

نیست شریک از برای او خدای یگانه یکتا تنها بی نیاز

لم يتخذ صاحبة ولا ولدا اللهم اني اسئلك

فرا نگرفته یاری و نه فرزندی خداوندا خدا که سوال میکنم ترا

بالعظيم من الائك والقديم من نعمائك والمخزون

بر بزرگ از نعمتهای تو و دیرینه از انعام تو و پنهان

من اسمائك وما وارت الحجب من بهائك و

از نامهای تو وآنچه پوشیده از پردها از نیکوی تو و

معاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من

حمد ادجبندهای از عرش تو ومنتهای رحمت از

كتابك وبك وحدك لا شريك لك ان تصلي

کتاب تو و بتو یگانه تو نیست شریک از برای تو اینکه درود فرستی



عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَرْحَمَ هذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَة
بر محمد و آل محمد و اینکه رحم کنی این نفس جزع کننده
وَهذَا الْبَدَنَ الْهَلُوعَ الَّذى لا يُطيقُ حَرَّ شَمْسِكَ
و این بدن ناشکیبنده که طاقت ندارد گرمی آفتاب ترا
فَكَيْفَ حَرَّ نارِكَ اَنْ تُعاقِبَنى لا يَزيدُ فى مُلْكِكَ
پس چگونه است گرمی آتش تو اینکه عقاب کنی مرا زیاد نمی کند در ملک تو
شَىْءٌ وَاِنْ تَعْفُ عَنّى لا يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِكَ شَىْءٌ
چیزی و اگر عفو کنی از من کم نمی کند از ملک تو چیزی
اَنْتَ يا رَبِّ بِخَلْقِكَ اَرْحَمُ وَبِعِبادِكَ اَعْلَمُ وَ
تو ای پروردگار به آفریدگان خود رحیم تری و به بندگان تو داناتری
بِسُلْطانِكَ اَرْءَفُ وَبِمُلْكِكَ اَقْدَمُ وَبِعَفْوِكَ اَكْرَمُ
به پادشاهی خود مهربان تری و بملک که خود قدیم تری و بعفو خود گرامی تری
وَعَلى عِبادِكَ اَنْعَمُ لا يَزيدُ فى مُلْكِكَ طاعَةُ
و بر بندگان خود انعام کننده تری زیاد نمی کند در ملک تو طاعت
الْمُطيعينَ وَلا يَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْعاصينَ
اطاعت کنندگان و کم نمی کند از آن نافرمانی نافرمانی کنندگان
وَاعْفُ عَنّى يا اَكْرَمَ الْاَكْرَمينَ وَيا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ
و درگذر از من ای گرامی ترین بزرگواران و ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
اَلُوذُ بِعِزَّتِكَ وَاَسْتَظِلُّ بِفِنائِكَ وَاَسْتَجيرُ بِقُدْرَتِكَ
پناه می برم بعزت تو و سایه می طلبم به فنای تو و پناه می برم بقدرت تو



وَاَسْتَغِيثُ بِرَحْمَتِكَ وَاَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ وَلَا اَثِقُ

واستغاثه می کنم برحمت تو و چنگ میزنم بریسمان تو و اعتماد ندارم

اِلَّا بِكَ وَلَا اَلْجَاُ اِلَّا اِلَيْكَ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا

مگر بتو و پناه نمیبرم مگر بسوی تو ای بزرگ امید ای

كَاشِفَ الْبَلَاءِ وَيَا اَحَقَّ مَنْ تَجَاوَزَ وَعَفَا اَللّٰهُمَّ

زایل کننده بلاها وای سزاوارتر کسی که درگذرد و عفو کند خداوندا

اِنَّ ظُلْمِي مُسْتَجِيرٌ بِعَفْوِكَ وَخَوْفِي مُسْتَجِيرٌ بِاَمَانِكَ

بدرستی که ستم من زنهار جوینده است ببخشش تو و ترس من زنهار جوینده است بامان تو

وَفَقْرِي مُسْتَجِيرٌ بِغِنَاكَ وَوَجْهِيَ الْبَالِيَ الْفَانِي

و احتیاج من زنهار جوینده است به بی نیازی تو و روی من که کهنه و فانیست

مُسْتَجِيرٌ بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي الَّذِي لَا يَفْنَى وَلَا

زنهار جوینده است بذات تو که همیشه و پاینده است آنچنانکه فانی نمیشود و

يَزُولُ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَاْنٌ عَنْ شَاْنٍ لَا تَجْعَلْ

زایل نمیشود ای آنکه مشغول نمی کند او را کاری از کاری مگردان

مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا اَكْبَرَ هَمِّنَا وَلَا

مصیبت ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگتر اندوه ما و

تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِنَا

مسلط مگردان بر ما کسیکه رحم نکند بر ما و برگرد به بردباری خود به نادانی ما

وَبِاِحْسَانِكَ عَلَى اِسَاءَتِنَا وَبِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِنَا وَ

و به نیکوئی خود بر بدیهای ما و بتوانائی خود بر ناتوانی ما و



وبغناك على فقرنا واعدنا من الاذى والقذى

وبا بی نیازی خود بر احتیاج ما و پناه ده مارا از بدی و در سوا ما

والضر وسوء القضاء وشماتة الاعداء وسوء

و گزندها و بدی قضا و شادی کردن دشمنان و بدی

المنظر في المال والدين والاهل والولد وعند

نگریستن در مال و دین و در اهل و فرزندان و نزد

معاينة الموت اللهم يا رب نشكوا غيبة نبينا

آشکار دیدن مرگ خدایا ای پروردگار شکایت می کنیم نهان شدن پیغمبر خود را

عنا وقلة ناصرنا وكثرة عدونا وشدة الزمان

از ما و کمی یاری کننده ما و بسیاری دشمنان ما و سختی زمانه

علينا ووقوع الفتن وتظاهر الخلق علينا اللهم

بر ما و واقع شدن فتنها بر ما و هم پشت شدن بر ما خدایا

صل على محمد وال محمد وافرج ذلك بفرج منك

رحمت کن بر محمد و آل محمد و گشایش ده این را بگشایشی از خود

تعجله ونصر تعزه وحق تظهره اللهم وابعث

شتابنده و یاری گرامی کنی اورا و حقی که ظاهر سازی اورا خدایا بر انگیزان

بقائم ال محمد صلى الله عليه واله للنصر لدينك

قائم آل محمد را رحمت خدا بر او و آل او برای یاری دادن دین

واظهار حجتك والقيام بامرك وتطهير ارضك

و آشکار کردن حجت خود و بپا داشتن فرمان خود و پاک کردن زمین خود را

من



مِن اَرجاسِها بِرَحمَتِكَ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ اَللّهُمَّ

از چرک گناهای گناه برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا

اِنّي اَعوذُ بِكَ اَن اُوالِيَ لَكَ عَدُوّاً اَو اُعادِيَ

بدرستیکه من پناه می برم بتو اینکه دوست می گیرم دشمن ترا خدا یا دشمن گیرم

لَكَ وَلِيّاً اَو اَسخَطَ لَكَ رِضىً اَو اَرضىٰ لَكَ

دوست ترا یا خشم گیرم برای تو خوشنودی را یا خوشنود باشم برای تو

سَخَطاً اَو اَقولَ بِحَقٍّ هٰذا باطِلٌ اَو اَقولَ لِباطِلٍ

خشم را یا بگویم یا بگویم مر حق را که این باطل است یا بگویم مر باطل را

هٰذا حَقٌّ اَو اَقولَ لِلَّذينَ كَفَروا هٰؤُلاءِ اَهدىٰ

که این حق است یا بگویم مر آنانکه کافر شدند این گروه راه یافته ترند

مِنَ الَّذينَ آمَنوا سَبيلاً اَللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ

از آنانکه ایمان آوردند از راه خداوندا درود فرست بر محمد و

آلِهِ وَآتِنا فِي الدُّنيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً

آل او و عطا کن ما را در دنیا نیکوئی را و در آخرت نیکوئی را

وَقِنا بِرَحمَتِكَ عَذابَ النّارِ وسابقاً مذكور شد

و نگاه دار ما را برحمت خود از عذاب دوزخ

که عمل استفتاح

نیز در این روز بعمل آوردن مستحب است **فصل یکم**

دربیان اعمال ضروریه شب عید قربان و روز

وایام تشریق یعنی یازدهم و دوازدهم و سیزدهم

بدانکه شب عید اضحی از جمله چهار شبست که احیای



آنها سنّت مؤکّد است و منقولست که درهای آسمان
بسته نمیشود برای آنکه صداهای دعای حاجیان
بالا رود و صدای ایشان در آسمان بپیچد مانند
صدای مگس عسل در میان گنبد و حق تعالی حاجیان را
ندا می کند که منم پروردگار شما و شمائید بندگان
من و حق مرا ادا کنید و بر من لازمست که دعای شما را
مستجاب گردانم پس هر که مستحق آمرزش است همه گناهان
او را می آمرزم و هر که سزاوار آن نیست گناهش را
کم می کند پس هر که با ایشان در عبادت و دعا شریک
شود در ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل
و زیارت حضرت امام حسین ع در اینشب سنت است
و منقولست که هر که آنحضرت را در اینشب زیارت
کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و اما
اعمال روز عید غسل در آن سنّت مؤکّد است و بعضی
واجب دانسته اند و بهتر آنست که پیش از نماز غسل
کند و نماز عید بنا بر مشهور در زمان غیبت امام
سنّت مؤکّد است و بگمان فقیر واجبست بشرایط
مقرره و همان کیفیتست نمازش که در عید فطر
مذکور شد و دعای پیش از نماز عید در آنجا مذکور
شد و دعای بسیار پیش از نماز و بعد از آن وارد شده



دعای

در این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهترین دعاها
دعای چهل و ششم صحیفهٔ کامله است که اولش
یا مَن یَرحَمُ مَن لا یَرحَمُهُ العِبادُ است بخواند و اگر
دعای چهل و هشتم صحیفهٔ کامله را بخواند خوبست
که اولش اینست که اَللّهُمَّ هذا یَومٌ مُبارَکٌ و در بعضی
از نسخ قدیمهٔ صحیفه استحباب خواندن دعای یا من یرحم
نیز وارد شده است و دعای ندبه بهترین دعاهاست
و در این روز و سایر اعیاد سنت است خواندن آن
چنانچه انشاء الله بعد از این در ضمن زیارات مذکور
خواهد شد و در این عید سنت است که افطار بعد از
نماز از گوشت قربانی بشود و از جمله احکام این عید
قربان است و آن سنت مؤکد است و بعضی از علما
واجب دانسته اند اگر قدرت بر این داشته باشد
و از حضرت صادق ع منقولست که اضحیه واجبست
بر هر مسلمانی و فرمود که از برای خود البته بکن و از
برای عیال خود اگر خواهی بکن و اگر خواهی مکن و از
ام سلمه زوجهٔ حضرت رسول ص منقولست که با آنحضرت
عرض کردم که عید اضحی حاضر میشود و من قیمت اضحیه
ندارم آیا قرض کنم و اضحیه بکنم حضرت فرمود که
قرض کن که آن قرضی است خدا ادا میکند و بهتر آنست



که در روز عید بکشد و در روز یازدهم و دوازدهم
نیز میتواند کشت و اگر در منی باشد روز سیزدهم
نیز میتواند کشت و بهتر انست که در دهه ذیحجه
خریده باشد و مکروهست قربانی کردن حیوانی
که در خانه تربیت کرده باشند و میباید یا شتر یا گاو
یا گوسفند یا بز بوده باشد و حیوانات دیگر را قربانی
نمیتوان کرد و اگر شتر باشد میباید پنج سال تمام داشته
باشد یا زیاده و اگر گاو یا بز باشد می باید که یکسالش
تمام باشد و داخل در سال دویم شده باشد و اگر دو سال
تمام داشته باشد بهتر است و اگر گوسفند باشد شش
ماهه کافیست و اگر هفت ماهش تمام باشد بهتر است
و میباید که نقصی در اعضایش نبوده باشد و کور
بیک چشم یا هر دو چشم نبوده باشد و بسیار لنگ نباشد
که راه رفتن بر او دشوار باشد و گوشش بریده نباشد
و اگر شق شده باشد و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر
شق نیز نباشد بهتر است و باید که مغز شاخش
نشکسته باشد و اگر پوستش نشکسته باشد نیز خوبست
و بهتر انست بیمار و بسیار پیر نباشد و سنت است
که فربه باشد و باید که بسیار لاغر نباشد که پیه بر گرده اش
نباشد و باید که خصی نباشد یعنی خصیه اش را نبریده

باشند



باشند و مکروه هست اگر خصیه اشتر امالیدن باشند
واگر بغیر خصی بهم نرسد خصی را میتوان قربان کرد
وسنت است که خود بکشد واگر نتواند دست بر
روی دست قصاب بگذارد ومددی بکند و طریق
کشتن انست که اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را
مانند کارد یا نیزه در گودال پائین گردنش فرو برد
واگر بعوض ان ذبح کنند حرام میشود وواجب است
که رو بقبله بدارد انرا و نام خدا ببرد وسنت است
که انرا ایستاده بدارد رو بقبله وهر دو دستش
از سر پا تا زانوا بریسمانی یا تسمه بربندد بگو بسم الله و
انکه نحر می کند در جانب راست شتر بایستد و نحر
اشترا در نحرش فرو برد واگر گاو یا گوسفند باشد باید
باید که چهار رگ را از گردنش ببرد یعنی حلقوم و دو
رگ بزرگ که در دو جانب حلقوم است ورگی که
در پشت حلقوم است که راه اب وعلف از ان رگ بجوف
ان میرود واگر اینها را نحر کند حرام میشوند وسنت
است که در وقت کشتن چنانکه بسند صحیح از حضرت
صادق منقولست که چون قربانی را نحر کنی روی
انرا بقبله کن ودر وقت وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي
نحر یا ذبح بگو این فقرا تا

روز آورد دم روی خود را برای آنکه



فطر السموات والارض حنيفا مسلما وما انا من
آفرید آسمانها و زمین را در حالتی که گردانیدم و اسلام آوردم و نیستم من از
المشركين ان صلوتي ونسكي ومحياي ومماتي
مشرکین بدرستی که نماز من و عبادت من و زنده گانی من و مردن من
لله رب العالمين لا شريك له وبذلك امرت
از برای خدای پروردگار جهانیان نیست شریکی مر او را و بدین امر کرده شده ام
وانا من المسلمين اللهم منك ولك بسم الله و
و من از مسلمانانم خدایا از تو است و برای تو است بنام خدا و
الله اكبر پس نحر یا ذبح اللهم تقبل منی و فرمود
خدا بزرگ است بکند و بگوید خدایا قبول کن از من که تا نمیرد
سر شرا جدا مکن و چون پوست بکند سنت است
که یکحصه را خود و اهل خانه بخورند و بهتر انست
که خود بان افطار کند و یکحصه را برای همسایگان
بهدیه بفرستد و اگر پریشان باشد بهتر است و یک
حصه را بفقرا و همسایه و سؤال کنندگان بدهد
و اگر اکثر را تصدق کند شاید بهتر باشد و سنت است
پوست و کله و جمیع اجزای حلال از ان تصدق کند
و تصرف نکند و بقصاب ندهد مگر انکه قصاب
پریشان باشد و بتصدق باو بدهد و در حدیث صحیح
دیگر وارد شده که پوستشرا میتواند دباغت کند



در

وبر روی آن نماز کند و بنشیند و اگر گوسفند
یافت نشود سنت است که قیمت وسطش را تصدق
کند و اگر یک حیوان برای خود و عیال خود بکشد
کافیست و اگر یکی از برای خود و یکی از برای عیال
خود بکشد کافیست بهتر است و اگر بعدد عیال
بکشد ثوابش بیشتر خواهد بود و از برای پدر و ما
و اولاد و خویشان که مرده باشند قربانی کردن خوبست
و اگر از برای حضرت رسول ص و ائمه معصومین ص
قربانی کند ظاهرا خوبست و منقولست که حضرت
رسول ص دو گوسفند قربانی کردند و در اول فرمودند
که این از من و از هر که قربانی نکرده است از اهل
بیت من و در دوم فرمودند خداوندا این از من و از
هر که قربانی نکرده است از امت من و حضرت امیر المؤمنین ع
هر سال اول یک قربانی میفرمودند یک گوسفند را
و میگفتند خداوندا این از پیغمبر تو ست و یک گوسفند
دیگر از برای خود قربانی میفرمود و اگر جمعی قادر
نباشند که هر یک قربانی بکشند جدا جایز است که با
یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر بلکه تا هفتاد نفر
و حق تعالی فرموده است که خدا را یاد کنید در ایام
معدودات یعنی در روزی چند شمرده شده و در



احادیث معتبره منقولست که مراد تکبیر گفتن است
در ایام تشریق پس هر که در منی باشد عقب پانزده
نماز بگوید که اولش ظهر عید است و آخرش صبح
روز سیزدهم و در سایر شهرها عقب ده نماز که از
ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم و مشهور
استحبابست و بعضی واجب دانسته اند و اولش
بعد از هر نماز یکمرتبه است و اگر مکرر بگوید بهتر است
و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوبست و طریق
تکبیر موافق حدیث صحیح اینست
اَللهُ اَکبَرُ اَللهُ اَکبَرُ لا اِلهَ اِلّا
خدا بزرگترست خدا بزرگترست نیست خدایی مگر
اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ اَللهُ اَکبَرُ وَلِلّهِ الحَمدُ اَللهُ اَکبَرُ عَلی
خدا و خدا بزرگترست خدا بزرگترست و خدا راست سپاس خدا بزرگترست بر
ما هَدانا اَللهُ اَکبَرُ عَلی ما رَزَقَنا مِن بَهیمَةِ الاَنعامِ
آنچه راه نمود ما را خدا بزرگترست بر آنچه روزی کرد ما را از گوشت چهارپایان
وَالحَمدُ لِلّهِ عَلی ما اَبلانا
و سپاس مر خدا راست بر آنچه بخشش کرد ما را

فصل چهارم در فضایل شب و روز عید غدیر است و
عید غدیر هجدهم اینماهست و عظیمترین اعیاد است
و احادیث از طرق عامه و خاصه در فضیلت این
روز و اعمال آن زیاده از حد و احصاست و در این
مقام بچند حدیث اکتفا مینماید بسند معتبر از



حضرت

حضرت امام رضا ع منقولست که چون روز قیامة
شود چهار روز را بنزد عرش الهی برند با زینت تمام
مانند عروسی که او را بخانه داماد برند روز عید
اضحی و روز عید فطر و روز جمعه و روز عید
غدیر در میان انها مانند ماه باشد در میان
ستارکان و انروزیست که حق تعالی ابراهیم را ع
از اتش نجات داد و این روز را روزه داشت برای
شکر حق تعالی و انروزیست که خدا دران روز کامل
کردانید دین را بانکه حضرت رسول ص حضرت امیر
المؤمنین را نصب کرد بخلافت و فضیلت او را وصی
بودن او را ظاهر کردانید بر مردم پس روزه داشت
این روز را و این روز کامل شدن دین است و روز زینت
که بینی شیطان بر خاک مالیده شد و روزیست
که اعمال شیعیان و دوستان ال محمد در اینروز
مقبول میشود و این روزیست که حق تعالی اعمال مخالفان
و سیئات را باطل میکرداند مانند ذرها که در هوا
پراکنده میشود و این روزیست که خدای عز و جل
امر میکند جبرئیل را که نصب کند کرسی کرامت را
در برابر بیت المعمور و جبرئیل بر ان کرسی بالا میرود
و ملائکه جمیع اسمانها نزد او جمع میشوند و ثنا میکنند

بر محمد و آل محمد و استغفار میکنند برای شیعیان
امیر المؤمنین و ائمه طاهرین و دوستان ایشان و
از فرزندان آدم و این روزیست که حق تعالی امر میکند
ملائکه نویسندگان اعمال را که قلم بر دارند از محبان
اهل بیت و شیعیان ایشان تا سه روز از روز عید
غدیر و ننویسند هیچ خطا و گناه ایشانرا برای کرامت
محمد و علی و ائمه و این روزیست که مخصوص محمد و آل
و شیعیان ایشان گردانیده و این روزیست که زیاد
میگرداند خدا مال کسیرا که عبادت خدا کند در
این روز و توسعه دهد روزیرا بر عیال خود و برادران
مؤمن و او را آزاد میگرداند از آتش جهنم و این روزیست
که خدا اعمال شیعیانرا شکر میکند یعنی مزد میدهد
و گناه ایشانرا میامرزد و عمل ایشانرا قبول میکند
و این روزیست که خدا غمهای شیعیانرا زایل میگرداند
و گناهان ایشانرا کم میکند و روز بخشش است و روز
عطیه است و روز پهن کردن علم است و روز بشارتست
و روز عید بزرگست و روزیست که دعاها در آن
مستجاب میگردد و روز موقف بزرگست و روز
پوشیدن جامهای نیکوست و روز بخشیدن
گناهان امیر المؤمنین است و روزیست که باید بسیار



صلوات فرستاد بر محمد و آل محمد و روز خشنودیست
و روز عید اهل بیت محمد است و روز قبول اعمال است
و روز طلب زیادتی ثوابست و روز استراحت مؤمنان
است و روز سوداگری ایشانست و روز دوستی
کردن شیعیانست با یکدیگر و روز رسیدن برحمت
خداست و روز ترک کبایر و گناهانست و روز عبادت
و روز افطار فرمودن روزه دارانست پس هر که روزه
داری را در این روز افطار فرماید چنانست که ده
فئام را اطعام کرده باشد و هر فئامی صد هزار
کس است و روز تهنیت و مبارکباد است پس هر
مؤمنی را که دیگری ملاقات کند چنین تهنیت بگوید
الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر
سپاس مر خدا را الحمد خدا را که گردانید ما را از آنها که چنگ زنند در ولایت و محبت امیر
المؤمنین و الائمة علیهم السلام و این روز تبسم است
مؤمنان و پیشوایان دین بر ایشان باد درود
در روی مؤمنان
پس هر کس تبسم کند در روی برادر مؤمن خود در روز
عید غدیر حق تعالی نظر کند در روز قیامت بسوی او
برحمت و برآورد هزار حاجت ورا و بنا کند در بهشت
از برای او قصری از مروارید سفید و روی او را
نورانی گرداند و این روز زینت است پس هر که زینت



کند برای روز غدیر حق تعالی بیامرزد از برای او
هر گناهی که کرده است از صغیره یا کبیره و بفرستد
حق تعالی بسوی او ملکی چند را که بنویسند برای
او حسنات و بلند گردانند برای او درجات تا سال
آینده مثل این روز پس اگر بمیرد شهید مرده باشد
و ثواب شهیدان داشته باشد و اگر زنده باشد
سعادتمند زندگانی کند و هر که طعامی دهد در
این روز مؤمنی را چنان باشد که طعام داده باشد
جمیع پیغمبران و صدیقان را و هر که دیدن کند
مؤمنی را داخل گرداند خدا در قبر او هر روز هفتاد
هزار ملک و بشارت دهند او را به بهشت و در روز
غدیر حق تعالی عرض کرد ولایت و امامت ما را بر اهل آسمانها
هفتگانه پس پیشی گرفتند باقرار بآن اهل آسمان هفتم
پس زینت داد آنرا بعرش پس بعد از آن سبقت گرفتند
اهل آسمان چهارم پس زینت داد آنرا به بیت المعمور پس
سبقت گرفت آنرا باقرار بما اهل آسمان اول پس آنرا
زینت بخشید بستارگان پس حق تعالی عرض کرد ولایت
ما را بر زمینها پس پیشی گرفت مدینه طیبه پس زینت
داد آنرا بمحمد مصطفی پس سبقت کرد بسوی او شهر کوفه
پس زینت داد آنرا بقبر حضرت امیر المؤمنین پس عرض



کرد

کرد ولایت ما را بر کوهها پس اول کوهی که اقرار
کردند کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه و کوه یاقوت
و باین سبب این جواهر در انها بهم رسید پس کوههای
دیگر سبقت کرفتند و باین سبب معدن طلا و نقره
و سایر معدنها کردیدند و هریک که اقرار نکردند
معدن هیچ چیز نکردیدند و باز در روز غدیر عرض
کرد ولایت ما را بر ابها هرچه قبول کرد شیرین
شد و هرچه قبول نکرد تلخ و شور شد پس عرض کرد
ولایت ما را بر مرغان هر مرغ که قبول کرد سخن کو
و خوش اواز کردید و هریک که قبول نکرد لال و بد
اواز کردید و مثل مؤمنان در قبول کردن ولایت
امیر المؤمنین در روز غدیر مانند مثل ملئکه است
در قبول کردن سجدهٔ ادم و مثل انها که قبول ولایت
انحضرت نکردند مثل شیطانست در قبول نکردن
سجدهٔ ادم و در روز غدیر این ایه نازل شد که اَلْیَوْمَ
اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِیْنَکُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِیْ وَرَضِیْتُ لَکُمُ
اَلْاِسْلَامَ دِیْنًا یعنی امروز کامل کردانیدم از برای
شما دین شما را و تمام کردانیدم بر شما نعمت خود را
و پسندیدم اسلام را برای دین شما پس حضرت فرمود
که نفرستاده است خدا پیغمبری را مکر انکه وصی و



خلیفه خود را در این روز نصب کرده و کلینی
بسند معتبر روایت کرده که از حضرت صادق ع
پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی هست غیر جمعه
و اضحی و فطر فرمود عیدی هست که از همه حرمتش
بیشتر است راوی گفت کدام عید است فرمود
که آن روزیست که نصب کرد رسول خدا امیر
المؤمنین را بخلافت خود و فرمود که هر کرا من
مولی و آقای اویم علی مولا و پیشوای اوست و آن
روز هیجدهم ذی الحجه است راوی گفت چکار
در این روز باید کرد فرمود که باید روزه بدارید
و عبادت کنید و محمد و آل محمد را یاد کنید و بر
ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول
خدا امیر المؤمنین را که این روز را عید گردانند
هر پیغمبری وصی خود را وصیت میکرد که این روز را
عید گردانند و بروایت دیگر فرمود که روزه روز
غدیر کفاره شصت سال گناهست و بروایت دیگر
منقولست مفضل از حضرت صادق ع پرسید که آیا امر
میکنی مرا که روز غدیر را روزه بدارم فرمود آری
والله آری والله آری بدرستی که در این روز خدا
توبه حضرت آدم را قبول کرد و بشکر آن روز روزه

داشت

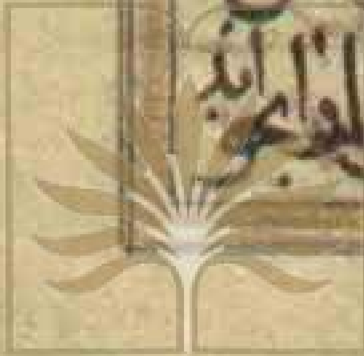


داشت و در این روز خدا ابراهیم را از آتش جهنم
نجات داد و بشکر آن این روز را روزه داشتند و در
این روز حضرت هرون را موسی وصی خود کردانیده
و این روز را بشکر این نعمت روزه داشت و در این
روز حضرت عیسی وصیت وصی خود شمعون
الصفا را ظاهر کردانید و این روز را بشکر حق
تعالی روزه داشت و در این روز حضرت رسول
حضرت امیر المؤمنین را خلیفه خود کردانید
و فضیلت و وصایت او را بر خلق ظاهر کردانید
و این روز را بشکر این نعمتها روزه داشت و این روز
روز روزه داشتن است و روز عبادت است و روز
طعام دادن است و روز نیکی کردن است با برادران
مؤمن و روزیست که خدا از مؤمنان خوشنود میکردد
و بینی شیطان بر خاک مالیده میشود و بسند
معتبر از ابن ابی نصر منقولست که گفت روزی
در خدمت امام رضا بودم و جماعت بسیار حاضر
بودند پس فضیلت روز غدیر مذکور شد و بعضی
از حاضران انکار کردند حضرت فرمود پدرم از
پدرانش روایت کرد که روز غدیر در آسمان مشهور
تر است از زمین و بدرستی که خدا را در فردوس



اعلی قصری هست که یک خشت ان از طلا است
و یکخشت از نقره و دران قصر صد هزار قبه است
از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است از یاقوت سبز
و خاکش نمک و عنبر است و دران چهار نهر جاریست
نهری از شراب و نهری از شیر و نهری از عسل
و نهری از اب و دور ان درختان هست از انواع
میوها و بران مرغان خوش الحان هستند بدنهای
انها از مروارید است و بالهای انها از یاقوت
و بانواع نغمها خوانندگی میکنند و چون روز
عید غدیر میشود و دران قصرها حاضر میشوند
جمیع اهل اسمانها و تسبیح و تقدیس حق تعالی
میکنند و ان مرغان پرواز می کنند و در میان
اب فرو می روند و بران مشک و عنبر میغلطند
و چون ملائکه جمع شدند پرواز میکنند و مشک
و عنبر بر سر ایشان می افشانند و در این روز نثار
حضرت فاطمه ص را که در شب زفاف انحضرت سدرة
المنتهی و درخت طوبی نثار کردند برای یکدیگر
بهدیه میفرستند و چون اخر این روز میشود
ندا از جانب رب اعلی بایشان میرسد که برگردید
بسوی درجها و مرتبهای خود تحقیق که ایمن

گردید یدا از گناه و خطا و لغزش تا مثل این روز از سال آینده برای کرامت محمد و علی صلوات الله علیهما پس حضرت فرمود ای پسر ابی نصر هر جا که باشی سعی کن که نزد قبر مطهر امیر المؤمنین ع حاضر شوی بدرستی که خدا در این روز می آمرزد از هر مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت ساله ایشانرا و در این روز آزاد می کند از آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر و یک درهم که در این روز ببرادر مؤمن بدهی برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهی و احسان کن در این روز ببرادران مؤمن و شاد گردان هر مؤمن و زن مؤمنه را بخدا سوگند که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند و چنانچه باید هر آینه هر روز ده مرتبه ملائکه با ایشان مصافحه کنند و زیارت حضرت امیر المؤمنین ع در این روز فضیلت بسیار دارد از نزدیک و دور و موافق روایت صفوانی و غیر آن اگر از دور زیارت کند دو رکعت نماز زیارت بجا آورد و در رکعت اول سوره انا انزلناه و در رکعت دوم سوره قل هو الله بخواند پس بعد از این دو رکعت نماز آینده علیه ابد



اللهم صل علی ولیک واخی نبیک ووزیره

خداوندا رحمت کن بر دوست خود وبرادر پیغمبر خود ووزیر او

وحبیبه وخلیله وموضع سره وخیرته من اسرته

ودوست او ودوست خالص او وجایگاه راز او وبرگزیده از قبیله او

ووصیه وصفوته وخالصته وامینه وولیه

وجانشین او وبرگزیده او وخالص کرده شده او وامین او ودوست او

واشرف عترته الذین امنوا به وابی ذریته

وبزرگوارترین خویشان او آنان که ایمان آوردند باو وپدر فرزندان او

وباب حکمته والناطق بحجته والداعی الی شریعته

ودرگاه حکمت او وگویا بحجت او وخواننده بسوی طریقه او

والماضی علی سنته وخلیفته علی امته سید

وامضا کننده بر طریقه او وجانشین او برامت او آنکه

المسلمین وامیر المؤمنین وقائد الغر المحجلین

مسلمانان وپادشاه مؤمنان وکشنده ای سفیدان کشیده

افضل ما صلیت علی احد من خلقک واصفیائک

بهترین آنچه رحمت فرستادی بر یکی از بندگان خود وبرگزیدگان خود

واوصیاء امنائک اللهم انی اشهد انه قد بلغ

واوصیاء امینان خود خداوندا بدرستیکه گواهی میدهم اینکه رسانید

عن نبیک صلی الله علیه واله ما حمل ورعی

از پیغمبر تو رحمت خدا بر او وآل او آنکه بار کرده شد ونگاهداشت



مَا اسْتُحْفِظَ وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ وَحَلَّلَ حَلَالَكَ

آنچه خواسته شد حفظ آن ونگاه داشت آنچه امانت سپرده شد وحلال کرد حلال تورا

وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَأَقَامَ أَحْكَامَكَ وَدَعَا إِلَى سَبِيلِكَ

وحرام کرد حرام تورا وبرپا داشت احکام تورا وخواند مردم را بسوی راه تو

وَوَالَى أَوْلِيَاءَكَ وَعَادَى أَعْدَاءَكَ وَجَاهَدَ

ودوست داشت دوستان ترا ودشمن داشت دشمنان ترا وکارزار کرد

النَّاكِثِينَ عَنْ سَبِيلِكَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ

با بیرون روندگان از راه تو وازحد بگذر کنندگان وبیرون کنندگان

عَنْ أَمْرِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ لَا

از فرمان تو صبر کننده حساب کنندگان روآورنده نه پشت کننده نه

تَأْخُذُهُ فِي اللّٰهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ حَتَّى بَلَغَ فِي ذٰلِكَ الرِّضَا

می گرفت اورا در حق خدا سرزنش ملامت گری تا رسید بدان خوشنودی

وَسَلَّمَ إِلَيْكَ الْقَضَاءَ وَعَبَدَكَ مُخْلِصًا وَنَصَحَ لَكَ

وتسلیم کرد بسوی تو حکمها را وبندگی تو کرد از روی اخلاص ونصیحت کرد ترا

مُجْتَهِدًا حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ فَقَبَضْتَهُ إِلَيْكَ شَهِيدًا

کوشش کننده تا آمد اورا مرگ پس گرفتی اورا بسوی خود شهید

سَعِيدًا وَلِيًّا تَقِيًّا رَضِيًّا زَكِيًّا هَادِيًا مَهْدِيًّا اللّٰهُمَّ

نیک بخت دوست پرهیزکار پسندیده پاکیزه راه نما راه یافته خدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ

درود فرست بر محمد وبر او نیکوتر آنچه رحمت کردی بر یکی



مِنْ اَنْبِيَاۤئِكَ وَاَصْفِيَاۤئِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَاَكْرِ

لذ پیغمبران تو و برگزیدگان تو ای پروردگار جهانیان اشاره

کند بانگشت شهادت بجانب قبر شریف آنحضرت

واین زیارت را هرگاه نیز بخواند بهتر است و آن اینست

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ

سلام بر تو ای پادشاه مؤمنان و رحمت خدا و

بَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِينَ اللّٰهِ فِي اَرْضِهِ وَ

برکتهای او سلام بر تو ای امانت خدا در زمین او و

حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ اَشْهَدُ لَقَدْ جَاهَدْتَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

حجت او بر بندگان او گواهی میدهم که کارزار کردی ای پادشاه مؤمنان

فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ

در راه خدا حق کوشش و رفتار نمودی بکتاب او و پیروی کردی طریقه

نَبِيِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللّٰهُ اِلَى

پیغمبر او رحمت خدا بر او و آل او تا خواند ترا خدا بسوی

جِوَارِهِ فَقَبَضَكَ اِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ لَكَ كَرِيمَ ثَوَابِهِ وَ

پناه او پس فرا گرفت ترا بسوی او به برگزیدن او برای تو گرامی داشتن ثواب او و

وَاَلْزَمَ اَعْدَاۤءَكَ الْحُجَّةَ فِي قَتْلِهِمْ اِيَّاكَ مَعَ مَا لَكَ

و لازم کرد دشمنان ترا حجت را در کشتن ایشان ترا با آنچه از برای تو است

مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

از حجتهای کامله بر همه بندگان او خداوندا رحمت کن بر



مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ رَاضِيَةً

محمد وآل او وبگردان نفس من آرام گیرنده بتقدیر حکم خود خوشنود گردیده

بِقَضَائِكَ مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ مُحِبَّةً

بحکم تو حریص شده بیاد کردن تو و دعای تو دوست دارنده

لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ

برگزیدگان دوستان ترا دوست داشته شده در زمین تو و آسمان تو

صَابِرَةً عِنْدَ نُزُولِ بَلَائِكَ شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ

صبر کننده نزد فرود آمدن بلای تو شکر کننده زیادتیهای

نَعْمَائِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ مُشْتَاقَةً إِلَى

نعمت تو یاد کننده مر نعمتهای کامل ترا آرزومند بسوی

فَرْحَةِ لِقَائِكَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ

شادی برای لقای تو توشه گیرنده پرهیزکاری برای روز پاداش تو

مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ

فرو گیرنده بطریقهای دوستان تو جدا شونده مر عادتهای

أَعْدَائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ

دشمنان تو مشغول است از دنیا بستایش تو و ستایش تو

اَللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالِهَةٌ وَسُبُلَ

خداوندا بدرستی که دلهای سوختگان بسوی تو مشتاق است و راههای

الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ وَأَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ

خواهشمندان بسوی تو گشاده است و نشانهای قصد کنندگان



إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَأَفْئِدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةٌ

بسوی تو روشن است و دلهای شناسایان از تو زاری کننده

وَأَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَأَبْوَابُ

و صداهای خوانندگان بسوی تو بالا رونده و درهای

الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ وَدَعْوَةُ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ

اجابت برای ایشان گشاده است و خواندن کسیکه مناجات کند ترا مستجاب است

وَتَوْبَةُ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَعَبْرَةُ مَنْ بَكَى

و توبه کسیکه توبه کند بسوی تو قبول کرده شده و اشک کسیکه گریه کند

مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْإِغَاثَةُ لِمَنِ اسْتَغَاثَ

از خوف تو رحم کرده شده و فریادرسی از برای کسیکه طلب فریادرسی کند

بِكَ مَوْجُودَةٌ وَالْإِعَانَةُ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ

بتو ثابت است و یاری از کسیکه طلب یاری کند بتو بخشیده شده

وَعِدَاتُكَ لِعِبَادِكَ مُنْجَزَةٌ وَزَلَّاتُ مَنِ اسْتَقَالَكَ

و وعدهای تو مر بندگان ترا وفا کرده شده و خواری کسیکه طلب بازگشت کند

مُقَالَةٌ وَأَعْمَالُ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ وَ

بازداشته شده و کارهای کارکنندگان نزد تو نگاه داشته شده و

أَرْزَاقُ الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ

روزی آفریدگان از نزد تو فرود آینده است و گشایشهای زیاد

إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ وَذُنُوبُ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ

بسوی ایشان رسنده است و گناهان طلب آمرزش کنندگان آمرزیده شده

وحوائج

وحوائج خلقك عندك مقضية وجوائز السائلين

وحاجتهای بندگان تو نزد تو برآورده شده وجایزهای سؤال کنندگان

عندك موفرة وعوائد المزيد متواترة وموائد

نزد تو بسیار است وبخششهای زیاد پیاپی است وخوانهای

المستطعمين معدة ومناهل الظماء لديك

طلب روزی کنندگان آماده است وموضع آب خوردن تشنگان نزد تو

مترعة اللهم فاستجب دعائي واقبل ثنائي

پر است خداوندا پس مستجاب کن دعای مرا وقبول کن مدح مرا

واجمع بيني وبين اوليائي واحبائي بحق محمد و

وجمع کن میان من ومیان دوستان من ودوستان من بحق محمد و

علي وفاطمة والحسن والحسين والائمة من ذرية

علی وفاطمه وحسن وحسین وپیشوایان از فرزندان

الحسين ائمتي انك ولي نعمائي ومنتهى مناي

حسین پیشوایان من بدرستیکه خداوند نعمت منی ومنتهای آرزوی من

وغاية رجائي في منقلبي ومثواي واگر بعد از نماز

ونهایت امید من در بازگشت من وآرامگاه من اول این زیارت

بعمل آورد وآخر آن دعا را بخواند شاید بهتر باشد
وشب غدیر نیز شب بسیار مبارکیست ودر شب
نیز مناسب است که این زیارت را بعمل آورد ونماز
در شب وارد شده چون سندش معتبر نبود ایراد



نمودیم واما فضیلت روزه داشتن و تصدق کردن
وافطار روزه دار نمودن در این روز در این ابواب
احادیث بسیار است از جمله انها روایتیست که
حضرت صادق فرمود که روزهٔ روز غدیر برابر است
با روزه عمر دنیا که اگر کسی بقدر تمام عمر دنیا عمر
بیابد و روزه بدارد روزه این روز برابر است با
ثواب او و روزه اش برابر است نزد خدا با صد حج و صد
عمره و این عید بزرگ خدا است و خدا نفرستاده است
پیغمبری را مگر انکه این روز را عید کرده است و حرمت
انرا دانسته است و نامش در اسمان روز عهد
معهود است و نامش در زمین روز میثاق ما خوذ
وجمع مشهود است و هرکه در این روز مؤمنی را
افطار فرماید ثواب کسی دارد که ده فئام را طعام
دهد که هر فئامی صد هزار کس است و ثواب کسی
دارد که طعام دهد و اب دهد باین عدد که مذکور
شد از پیغمبران و اوصیای ایشان و شهیدان و
صالحان را در سال قحط و یک درهم که در این روز
تصدق کند پس فرمود که شاید که گمان کنی که خدا
روزی خلق کرده است که حرمتش از این روز بیشتر
باشد نه والله نه والله و بروایت دیگر فرمود

که روزه اش برابرست با شصت ماه از ماههای
حرام که روزه بدارند و فرمود که روز عید و سرور
شادیست و بسند معتبر از فیاض بن محمد منقولست
که در روز عید غدیر در مرو در خدمت حضرت
امام رضا بودم و آن روز آن حضرت مخصوصان
خویشان و اصحاب خود را جمع کرده بود و ایشان را نگاه
داشته بود که در شب افطار کنند و بخانهای ایشان
طعام و زرها و خلعتها فرستاد حتی انگشتر و کفش
نیز فرستاده بود و بایشان خلعتهای فاخر شفقت
فرمود و ملازمان و خدمتکاران خود را جامهای
نو بسیار نفیس پوشانیده بود و فضیلت این روز را
برای مردم نقل میفرمود از جمله آنها گفت که در
بعضی از سالهای خلافت حضرت امیر المؤمنین ص
روز جمعه با عید غدیر در یک روز جمع شد پس بعد از
پنج ساعت که از روز گذشت بر منبر بالا رفت و خطبه
طولانی خواند و فضائل روز غدیر را بسیار بیان فرمود
و ثناهای بسیار از برای این روز ذکر کرد پس فرمود
بعد از انقضای این مجمع برگردید بخانهای خود و توسعه
کنید بر عیال خود و احسان و نیکی کنید نسبت ببرادران
مؤمن خود و در خانهای خود برادران مؤمن را جمع



کنید و نیکوئی کنید نسبت بایشان و یکدیگر را تهنیت
و مبارکباد بگوئید و نیکی و احسان کردن در این
روز مال و عمر را زیاد می کند و مهربانی با یکدیگر
کردن موجب مزید رحمت الهی است و تا توانید بخشش
و احسان کنید با عیال خود و برادران مؤمن خود
و اظهار شادی و خوشحالی کنید و هر که امید احسان
از شما دارد در حق او تقصیر مکنید و ضعیفان
و فقیران و غلامان و کنیزان با خود برابر کنید
بدرستی که دادن یکدرهم در این روز برابر است
با دویست هزار درهم و حق تعالی زیاده نیز عطا
میکند و روزه این روز را حق تعالی سنت گردانید
و ثوابش مانند ثواب کسی گردانید که از اول
دنیا تا آخر دنیا عبادت کند بانکه روزها روزه
بدارد و شبها بعبادت بایستد و کسیکه برآورد
حاجت برادر مؤمنی را پیش از آنکه او اظهار کند
و از روی رغبت و خواهش با او نیکی کند چنان باشد
که این روز را روزه داشته باشد و تمام شبش را
عبادت کرده باشد و هر که در شبش مؤمنی را افطار
فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر و صدیق
و شهید را افطار فرموده باشد پس چگونه باشد



ثواب کسی که متکفّل احوال چندین نفر از مردان
مؤمن وزنان مؤمنه بشود هرگاه چنین کند من
ضامنم برخدا که امان یابد از کافر شدن وفقیر
شدن واگر بمیرد دران شب یا دران روز یا
بعد ازان تا عید غدیر اینده بدون انکه کبیره بسیار
بدی بکند البتّه امرزیده است وهرکه قرضی بکند
دراین روز برای برادران خود من ضامنم برخدا
که اگر اورا زنده بدارد یا بمیراند ان قرضرا ازاو
متحمّل شود وازدوش او بردارد وچون با یکدیگر
ملاقات کنند مصافحه کنید وبا انها یکدیگررا
تهنیت بگوئید وانچه گفتم حاضران بغائبان بگویند
وتوانگران رعایت کنند فقیرانرا وقویا دستگیری
کنند ضعیفانرا حضرت رسول خدا مرا بهمه اینها امر
فرمودند وبدانکه غسل دراول این روز سنّت مؤکّداست
واما کیفیّت نماز روز عید غدیر نماز مشهورش
است که از حضرت صادق روایت کرده اند که هرکه
دراینروز نیم ساعت پیش از زوال شمس دو رکعت
نماز بجا اورد ودرهر رکعت سورهٔ حمد یکمرتبه وقل
هو الله احد وانا انزلناه وایة الکرسی تا هم فیها خالدون
هریکرا ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد حق تعالی



با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجت که از
حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند کریم سؤال
کند البته باسانی و عافیت بر آورده شود و چون بر در
مؤمن را ملاقات الحمد لله الذی اکرمنا بهذا الیوم
حمد مر خدا را آنکه گرامی داشت ما را باین روز
کنی بگو که
وجعلنا من الموفین بعهده الذی عهده الینا و
و گردانید ما را از وفاکنندگان بعهد او آنکه عهد بسوی ما بست و
میثاقه الذی واثقنا به من ولایة ولاة امره و
پیمان او آنکه محکم کرد ما را بآن از دوستی صاحبان امر او و
القوام بقسطه و لم یجعلنا من الجاحدین و المکذبین
آنان که حکم می کنند بعدالت او و نگردانید ما را از انکار کنندگان و تکذیب کنندگان
بیوم الدین و فرمود که بعد از ربنا اننا سمعنا منادیا
نماز این دعا را بخوانند
بروز جزا ای پروردگار ما بدرستی که ما شنیدیم ندا کننده
ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر
که ندا می کند از برای ایمان اینکه ایمان بیاورید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس بیامرز
لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار
از برای ما گناهان ما و در گذر از ما گناهان ما را و بمیران ما را با نیکوکاران
ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم
پروردگارا و بده ما را آنچه وعده داده ما را بر فرستادگان تو و خوار مکن ما را روز
القیمة انک لا تخلف المیعاد اللهم انی اشهدک
قیامت بدرستی که تو خلاف نمی کنی وعده را خداوندا بدرستی که من گواه می گیرم ترا

وَكَفىٰ بِكَ شَهِيدًا وَاُشْهِدُ مَلٰٓئِكَتَكَ وَاَنْبِيآئَكَ

وگافی است بتو گواه وگواه می گیرم فرشتگان ترا وپیغمبران ترا

وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَمٰوٰاتِكَ وَاَرْضِكَ بِاَنَّكَ

وبردارندگان عرش ترا وساکنان آسمانهای تو وزمین تو باینکه تو

اَنْتَ اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنْتَ الْمَعْبُودُ فَلَا نَعْبُدُ سِوٰاكَ

توئی خدا که نیست خدائی مگر تو که پرستیده شده پس نمی پرستیم غیر ترا

فَتَعٰالَيْتَ عَمّٰا يَقُولُ الظّٰالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا وَاَشْهَدُ

پس برتری از آنکه می گویند ستمکاران برتری بلندی بزرگ وگواهی میدهم

اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَشْهَدُ اَنَّ اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

اینکه محمد بنده تو است وفرستاده تو است وگواهی میدهم اینکه امیر مؤمنان

عَبْدُكَ وَمَوْلٰانٰا رَبَّنٰا سَمِعْنٰا وَاَجَبْنٰا وَصَدَّقْنٰا

بنده تو است وآقای ماست ای پروردگار ما شنیدیم واجابت کردیم او را وباور کردیم

الْمُنٰادِیَ رَسُولَكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اِذْ نٰادىٰ

نداکننده رسول تو رحمت خدا بر او وآل او وقتی که ندا کرد

بِنِدٰاءٍ عَنْكَ بِالَّذِی اَمَرْتَهُ اَنْ يُبَلِّغَ مٰا اَنْزَلْتَ اِلَيْهِ

بندائی از تو بآنچه امر کردی اینکه برساند آنچه فرو فرستادی بسوی او

مِنْ وِلٰايَةِ وَلِیِّ اَمْرِكَ وَحَذَّرْتَهُ وَاَنْذَرْتَهُ اِنْ لَمْ

از فرمان خداوند امر تو وترسانیدی او را بیم فرمودی او اگر نه

يُبَلِّغْ مٰا اَمَرْتَهُ بِهِ اَنْ تَسْخَطَ عَلَيْهِ وَلَمّٰا بَلَّغَ رِسٰالٰاتِكَ

نرساند آنچه امر کرده او را بآن اینکه خشم گیری براو وچون رسانید پیغامهای ترا



عصمته من الناس فنادى مبلغا عنك الامر

نگاه داشت اورا از مردمان پس ندا کرد در حالی که رساننده بود از تو آگاه باشید که هر که

كنت مولاه فعلي مولاه ومن كنت وليه فعلي

بودم من آقای او پس علی آقای اوست و کسی که بودم صاحب اختیار او پس علی

وليه ومن كنت نبيه فعلي اميره ربنا قد اجبنا داعيك

صاحب اختیار اوست و کسی که بودم من پیغمبر او پس علی پادشاه اوست ای پروردگار ما اجابت کردیم خواننده ترا

النذير محمدا عبدك ورسولك الى الهادي المهدي

بیم نماینده محمد را که بنده تو و فرستاده توست بسوی راه نماینده که راه یافته است

عبدك الذي انعمت عليه وجعلته مثلا لبني اسرائيل

بنده تو آنکه انعام کردی تو بر او و گردانیدی او را داستان از برای فرزندان یعقوب

علي امير المؤمنين ومولاهم ووليهم ربنا واتبعنا

علی پادشاه مومنان و آقای ایشان و صاحب اختیار ایشان ای پروردگار ما پیروی کردیم

مولانا وولينا وهادينا وداعينا وداعي الانام و

آقای خود را و صاحب اختیار را و راه نماینده ما را و خواننده ما را و خواننده مردمان و

صراطك المستقيم وحجتك البيضاء وسبيلك

و راه تو که راست است و حجت تو که روشن است و راه تو را

الداعي اليك على بصيرة هو ومن اتبعه وسبحان

که خواننده است بسوی تو بر بینایی او و آنکه پیرو اوست و پاک است

الله عما يشركون واشهد انه الامام الهادي الرشيد

خدا از آنکه شریک می‌دانند او را و گواهی می‌دهم اینکه او پیشوای راه نماینده است رشید



أميرِ المؤمنين الّذي ذكرتَه في كتابك وقولك

پادشاه مومنان آنکه یاد کرده تو او را در کتاب خود و گفتار تو

الحقّ وإنّك قلتَ وإنّه في أمّ الكتاب لدينا لعليٌّ

حق است و بدرستی که گفتی تو و آنکه او در محکم کتاب نزد ما بلند مرتبه

حكيمٌ اللّهمّ فإنّا نشهد بأنّه عبدك والهادي

درست کردار است خداوندا پس بدرستی که گواه می دهیم بآنکه بنده تو و راه نمای

بعد نبيّك النّذير المنذر وصراطك المستقيم

بعد از پیغمبر تو که بیم کننده و ترساننده و راه تو راست است

وأمير المؤمنين وقائد الغرّ المحجّلين وحجّتك

و پادشاه مومنان و پیشرو پیشانی سفیدان و حجت تو

البالغة ولسانك المعبّر عنك في خلقك و

رساننده است و زبان تو است که گویا است از تو در میان بندگان تو و

أنّه القائم بالقسط في بريّتك وديّان دينك

آنکه او ایستاده بعدل است در میان آفریدگان تو و جزا دهنده دین تو و

وخازن علمك وأمينك المأمون المأخوذ ميثاقه

و خزانه دار علم تو و امین تو که ایمن و گرفته شده است پیمان او

وميثاق رسولك عليهما السّلام من جميع خلقك

و پیمان رسول تو بر این دو پاک درود از همه بندگان تو

وبريّتك شاهدًا بالإخلاص لك والوحدانيّة

و آفریدگان تو گواه باخلاص برای تو و بوحدانیت تو



وَالرُّبُوبِيَّةِ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَاَنَّ

و پروردگاری تو بانکه تو تویی خدای نیست خدایی مگر تو و آنکه

مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ عَلِيًّا اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

محمد بنده تو است و رسول تو است و آنکه علی پادشاه مؤمنان

جَعَلْتَهُ وَلِيَّكَ وَالْاِقْرَارُ بِوَلَايَتِهِ تَمَامُ وَحْدَانِيَّتِكَ

گردانیدی تو او را یاور دین حق و اقرار کننده بولایت او تمام کننده یگانگی تو

وَكَمَالُ دِينِكَ وَتَمَامُ نِعْمَتِكَ عَلٰى جَمِيعِ خَلْقِكَ

و کمال دین تو و تمام کننده نعمت حق بر همه بندگان حق

وَبَرِيَّتِكَ فَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ

و نیکو شان حق پس گفتی تو و گفتار تو راست است امروز کامل کردم از برای شما

دِينَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْاِ

دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و راضی شدم برای شما

سْلَامَ دِينًا فَلَكَ الْحَمْدُ بِمُوَالَاتِهِ وَاِتْمَامِ نِعْمَتِكَ

اسلام را دین پس مر او راست ستایش به دوست داشتن او و تمام کردن نعمت خود را

عَلَيْنَا بِالَّذِي جَدَّدْتَ مِنْ عَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ

بر ما بانکه تازه کردی از عهد حق و پیمان حق

وَذَكَّرْتَنَا ذٰلِكَ وَجَعَلْتَنَا مِنْ اَهْلِ الْاِخْلَاصِ وَ

و بیاد آورده ما را بآن و گردانیده ما را از اهل اخلاص و

التَّصْدِيقِ بِمِيثَاقِكَ وَمِنْ اَهْلِ الْوَفَاءِ بِذٰلِكَ

تصدیق کنندگان به پیمان تو و از اهل وفا کنندگان بآن پیمان



وَلَمْ تَجْعَلْنَا مِنْ اَتْبَاعِ الْمُغَيِّرِينَ وَالْمُبَدِّلِينَ وَ

وگردان مارا از پیروان تغییر دهندگان و بدل کنندگان و

الْمُنْحَرِفِينَ وَالْمُبَتِّكِينَ اٰذَانَ الْاَنْعَامِ وَالْمُغَيِّرِينَ

کج روندگان و شکافندگان گوشهای چهارپایان و تغییر دهندگان

خَلْقَ اللّٰهِ وَمِنَ الَّذِينَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ

آفریده خدا و از آنان که غلبه کرده بر ایشان شیطان

فَاَنْسٰيهُمْ ذِكْرَ اللّٰهِ وَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَالصِّرَاطِ

پس فراموش گردانید ایشان را یاد خدا و باز داشت ایشان را از راه و راه

الْمُسْتَقِيمِ اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْجَاحِدِينَ وَالنَّاكِثِينَ

راست خدایا لعنت کن منکران و شکنندگان پیمان را

وَالْمُغَيِّرِينَ وَالْمُبَدِّلِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ

و تغییر دهندگان و تبدیل کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا

مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ اَللّٰهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى

از پیشینیان و پسینیان خدایا پس مر تراست ستایش بر

اِنْعَامِكَ عَلَيْنَا بِالْهُدَى الَّذِى هَدَيْتَنَا بِهِ اِلٰى

نعمت دادن تو برما بر آن هدایتی که راه نمودی ما را بآن بسوی

وُلَاةِ اَمْرِكَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ

صاحبان امر تو بعد از پیغمبر تو درود خدا بر او و آل او

الْاَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ وَاَعْلَامِ الْهُدٰى وَمَنَارِ

که پیشوایان راه نمایان صاحب رشد و نشانهای راه حق و روشنیهای



القلوب والتقوى والعروة الوثقى وكمال
دلها و پرهیزکاری و دست آویزان محکم و کامل کننده

دينك وتمام نعمتك ومن بهم وبموالاتهم
دین تو و تمام کنندگان نعمت تو و کسیکه بایشان و با دوستی ایشان

رضيت لنا الاسلام دينا ربنا فلك الحمد امنا
پسندیدی از برای ما اسلام را دین پروردگارا پس مر تراست ستایش ایمان آوردیم

وصدقنا بمنك علينا بالرسول النذير المنذر
و باور کردیم با تمام منت تو بر ما بفرستاده بیم نماینده ترساننده

ووالينا وليهم وعادينا عدوهم وبرئنا من
و دوستی کردیم دوست ایشان و دشمنی کردیم با دشمن ایشان و بیزاریم از

الجاحدين والمكذبين بيوم الدين اللهم فكما
انکار کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا خداوندا پس چنانکه

كان ذلك من شانك يا صادق الوعد يا من لا
بود این از شان تو ای راست وعده ای کسیکه

يخلف الميعاد يا من هو كل يوم في شان اذ اتممت
خلف نمی کند وعده را ای کسیکه او هر روزی در کار است وقتی که تمام کردی

علينا نعمتك بموالاة اوليائك المسئول عنهم
بر ما نعمت خود را بدوستی دوستان خود که پرسیده شده از ایشان

عبادك فانك قلت ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم
بندگان تو پس بدرستیکه گفتی و پس البته سوال کرده میشوید در آنروز از نعمتها



وكذ

وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَقِفُوهُمْ اِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ وَ

و گفتی تو و گفتار تو راست است که باز دارید ایشان را بدرستیکه ایشان سؤال کرده شده و

مَنَنْتَ عَلَیْنَا بِشَهَادَةِ الْاِخْلَاصِ وَبِوِلَایَةِ اَوْلِیَائِكَ

منت گذاشتی بر ما بگواهی دادن اخلاص و بدوستی دوستان تو

الْهُدَاةِ بَعْدَ النَّذِیرِ الْمُنْذِرِ السِّرَاجِ الْمُنِیرِ فَاَکْمَلْتَ

که راه نماینده‌اند بعد از پیغمبر بیم نماینده ترساننده چراغ روشن پس کامل کردی

لَنَا بِهِمُ الدِّینَ وَاَتْمَمْتَ عَلَیْنَا النِّعْمَةَ وَجَدَّدْتَ

از برای ما بایشان دین را و تمام کردی بر ما نعمت را و تازه کردی

لَنَا عَهْدَكَ وَذَکَّرْتَنَا مِیثَاقَكَ الْمَأْخُوذَ مِنَّا فِي

برای ما عهد خود را و بخاطر آوردی ما را پیمان خود که گرفته شده از ما در

اِبْتِدَاءِ خَلْقِكَ اِیَّانَا وَجَعَلْتَنَا مِنْ اَهْلِ الْاِجَابَةِ

ابتدای خلق کردن تو ما را و گردانیدی ما را از اهل اجابت

وَلَمْ تُنْسِنَا ذِکْرَكَ فَاِنَّكَ قُلْتَ وَاِذْ اَخَذَ رَبُّكَ مِنْ

و فراموش نفرمودی ما را یاد خود را پس بدرستیکه تو گفتی و وقتی که فرا گرفت پروردگار تو از

بَنِي اٰدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَاَشْهَدَهُمْ عَلٰی

فرزندان آدم از پشتهای ایشان فرزندان ایشان و گواه گرفت ایشان را بر

اَنْفُسِهِمْ اَلَسْتُ بِرَبِّکُمْ قَالُوا بَلٰی شَهِدْنَا بِمَنِّكَ

نفس ایشان آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری گواهی می‌دهیم بانعام تو

وَلُطْفِكَ فَاِنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبُّنَا

و لطف تو پس بدرستیکه تو خدائی نیست خدائی مگر تو پروردگار ما



وَمُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَنَبِيُّنَا وَعَلِيٌّ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

و محمد بنده تو است و رسول تو است و پیغمبر ما و علی پادشاه مومنان

عَبْدُكَ الَّذِي اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا وَجَعَلْتَهُ اٰيَةً لِنَبِيِّكَ

بنده تو است انکه انعام کرده بان بر ما و قرار دادی او را نشانه از برای پیغمبر تو

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰيَتُكَ الْكُبْرٰى وَصِرَاطُكَ الْمُسْتَقِيمُ

درود خدا بر او و ایت تو که بزرگ است و راه تو که راست است

وَالنَّبَاُ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ

و خبر بزرگ انکه ایشان دران اختلاف کنند که از او

مَسْئُولُونَ اَللّٰهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَاْنِكَ اَنْ اَنْعَمْتَ

سوال کرده شده خداوندا پس همچنانکه بود از کار تو انکه انعام کنی

عَلَيْنَا بِالْهِدَايَةِ اِلٰى مَعْرِفَتِهِمْ فَلْيَكُنْ مِنْ شَاْنِكَ

بر ما براهنمائی بسوی شناسائی ایشان پس باشد از کار تو

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا

انکه درود فرستی بر محمد وال محمد و انکه برکت دهی از برای ما در روز ما

هٰذَا الَّذِي اَكْرَمْتَنَا بِهِ وَذَكَّرْتَنَا فِيهِ عَهْدَكَ

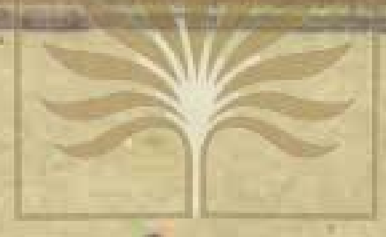
این روز چنانکه گرامی داشتی ما را بان و بیاد اوردی ما را دران عهد تو

وَمِيثَاقَكَ وَاَكْمَلْتَ دِينَنَا وَاَتْمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ

و پیمان تو و کامل کردی دین ما را و تمام کردی بر ما نعمت تو

وَجَعَلْتَنَا بِمَنِّكَ مِنْ اَهْلِ الْاِجَابَةِ لَكَ وَالْبَرَاءَةِ

و گردانیدی ما را بمنت خود از اهل اجابت مر تو را و بیزاری جستن



من

من اعدائك واعداء اوليائك المكذبين بيوم

از دشمنان تو و دشمنان دوستان تو که تکذیب کنندگان بروز

الدين فاسئلك يا رب تمام ما انعمت وان تجعلنا

جزا پس سوال می کنم ترا ای پروردگار من تمام آنچه انعام کرده و اینکه بگردانی ما را

من الموقنين ولا تلحقنا بالمكذبين واجعل لنا

از یقین کنندگان و ملحق مکن ما را بدروغ گویان و بگردان ما را

قدم صدق مع المتقين واجعلنا مع المتقين

قدم راستی با پرهیزگاران و بگردان ما را با پرهیزگاران

اماما يوم ندعوا كل اناس بامامهم واحشرنا

پیشوایان روزی که می خوانیم هر امامی را با پیشوایان ایشان و حشر کن ما را

في زمرة اهل بيت نبيك الائمة الصادقين

در زمره اهل خانه پیغمبر تو پیشوایان راستگویان

واجعلنا من البراءة من الذين هم دعاة الى النار

و بگردان ما را از بیزاری از آنانکه ایشان خوانندگان بسوی آتش

ويوم القيمة هم من المقبوحين واحينا على ذلك

و روز قیامت ایشان از رانده شدگانند و زنده کن ما را بر این

ما احييتنا واجعل لنا مع الرسول سبيلا واجعل

مادام که زنده کردی تو ما را و بگردان ما را با رسول راهی و بگردان

لنا قدم صدق في الهجرة اليهم واجعل محيانا خير

از برای ما قدم راستی در کوچ کردن بسوی ایشان و بگردان زندگانی ما بهتر



الْمَحْيا وَمَماتَنا خَيْرَ الْمَماةِ وَمُنْقَلَبَنا خَيْرَ الْمُنْقَلَبِ

زندگانی و مردن ما بهترین مردنها و بازگشت مارا نیکوترین بازگشتی

عَلی مُوالاةِ اَوْلِیاءِکَ وَمُعاداةِ اَعْداءِکَ حَتّی

بر دوستی دوستان تو و دشمنی دشمنان تو تا

تَوَفّانا وَاَنْتَ عَنّا راضٍ قَدْ اَوْجَبْتَ لَنا جَنَّتَکَ

بمیرانی مارا و تو از ما خوشنود باشی که واجب گردانیده باشی مارا بهشت خود

بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَالْمَثْوی مِنْ جِوارِکَ

برحمت خود ای رحیمترین رحم کنندگان و آرامگاهی از قرب خود

فی دارِ الْمُقامَةِ مِنْ فَضْلِکَ لا یَمَسُّنا فیها نَصَبٌ

در سرای قیامت از فضل خود حاصل آنکه نمیرسد مارا در آن تعبی

وَلا یَمَسُّنا فیها لُغُوبٌ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ

و نمیرسد مارا در آن رنجی ای پروردگار ما بیامرز مارا گناهان ما و

کَفِّرْ عَنّا سَیِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الْاَبْرارِ رَبَّنا وَآتِنا

بپوشان از ما بدیهای ما و بمیران مارا با نیکوکاران ای پروردگار ما بده مارا

ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ وَلا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیمَةِ

آنچه وعده داده مارا بر فرستادگان خود و خوار مکن مارا روز قیامت

اِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ اَللّٰهُمَّ احْشُرْنا مَعَ الْاَئِمَّةِ

بدرستیکه تو خلف نمی‌کنی وعده خود را خداوندا محشور کن مارا با پیشوایان

الْهُداةِ مِنْ آلِ رَسُولِکَ نُؤْمِنُ بِسِرِّهِمْ وَعَلانِیَتِهِمْ

راه نمایان از آل رسول تو ایمان آورده‌ام بنهان ایشان و آشکاری ایشان



وَشاهِدِهِم وَغائِبِهِم اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُكَ بِالحَقِّ

و حاضران شان و غائب ایشان خداوندا بدرستیکه سؤال می کنم ترا بحق

اَلَّذی جَعَلتَهُ عِندَهُم وَبِالَّذی فَضَّلتَهُم بِهِ

آنچنانکه قرار دادی اورا نزد ایشان و بآنچنانکه زیادتی دادی ایشانرا بآن

عَلَی العالَمینَ جَمیعاً اَن تُبارِكَ لَنا فی یَومِنا هذا

بر جهانیان همه اینکه برکت دهی از برای ما در این روز این روز

اَلَّذی اَکرَمتَنا فیهِ بِالمُوافاةِ بِعَهدِكَ الَّذی

آنچنانکه گرامی داشتی ما را در آن بوفای بعهد تو آنچنانکه

عَهِدتَهُ اِلَینا وَبِالمیثاقِ الَّذی واثَقتَنا بِهِ مِن

که عهد کرده آنرا بسوی ما و به پیمان آنچنانکه پیمان گرفته ما را بآن از

مُوالاةِ اَولِیاءِكَ وَالبَراءَةِ مِن اَعداءِكَ اَن

دوستی دوستان تو و بیزاری از دشمنان تو اینکه

تُتِمَّ نِعمَتَكَ وَلا تَجعَلهُ مُستَودَعاً وَاجعَلهُ مُستَقَرّاً

تمام کنی نعمت خود را و مگردان آنرا با امانت گذارده شده و بگردان آنرا ثابت

وَلا تَسلُبناهُ اَبَداً وَلا تَجعَلهُ مُستَعاراً وَارزُقنا

و از ما سلب مکن آنرا هرگز و مگردان آنرا عاریت گذارده شده و روزی کن ما را

مُرافَقَةَ وَلِیِّكَ الهادِی المَهدِیِّ اِلَی الهُدی وَ

رفاقت دوست حق که راهنما و راه یافته است بسوی راه راست و

تَحتَ لِوائِهِ وَفی زُمرَتِهِ شُهَداءَ صادِقینَ عَلی بَصیرَةٍ

زیر علم او و در زمره او شهید شدگان راستگویان بر بینائی



مِنْ دِينِكَ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و اگر این عمل بر

از دین تو بدرستی که تو بر هر چیز توانایی

او دشوار باشد

باین عمل روایت کند که شیخ مفید علیه الرحمة و دیگران از حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که در روز غدیر دو رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد و اگر نزدیک بزوال بکند که در آن ساعت حضرت رسول ص حضرت امیر المؤمنین ع را در غدیر خم برای مردم بامامت و خلافت نصب کرد بهتر است یعنی بهر سوره که خواهد و اگر در رکعت اول انّا انزلناه و در رکعت دوم قل هو الله احد بخواند چنانچه در روایت دیگر که معتبر است وارد شده بهتر است پس بسجده رود و صد مرتبه شکراً لله یا شکراً بگوید و چون سر از سجده بردارد اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاَنَّ لَكَ

این دعا را بخواند

خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا بآنکه از برای تست

اَلْحَمْدَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ اَنَّكَ وَاحِدٌ اَحَدٌ

سپاس یگانه تو نیست شریک از برای تو و اینکه تو یگانه یکتا

صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُواً اَحَدٌ

بی نیاز نزائیدی و زائیده نشدی و نبوده است برای تو مانندی هیچ کس

وَ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ

و اینکه محمد بنده تو و رسول تو درود خدا بر او باد



وَآلِهِ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ
وآل او ای آنکه او هر روز در کاری است چنانکه بود از کار تو
أَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ بِأَنْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَهْلِ إِجَابَتِكَ
اینکه رحم کنی بر من باینکه قرار دهی مرا از اهل اجابت تو
وَأَهْلِ دِينِكَ وَأَهْلِ دَعْوَتِكَ وَوَفَّقْتَنِي لِذَلِكَ
واهل دین تو واهل خواننده تو وتوفیق دادی مرا از برای این
فِي مُبْتَدَإِ خَلْقِي تَفَضُّلاً مِنْكَ وَكَرَماً وَجُوداً ثُمَّ
در ابتدا آفرینش من از روی فضل از تو وکرم وبخشش پس
أَرْدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلاً وَالْجُودَ جُوداً وَالْكَرَمَ
در پی درآوردی آن فضل را فضل دیگر وبخشش را بخشش دیگر وبزرگواری را
كَرَماً رَأْفَةً مِنْكَ وَرَحْمَةً إِلَى أَنْ جَدَّدْتَ ذَلِكَ
بزرگواری دیگر مهربانی از تو ورحمتی بسوی اینکه تازه گردانیدی این
الْعَهْدَ لِي تَجْدِيداً بَعْدَ تَجْدِيدِكَ خَلْقِي وَكُنْتُ
عهد را برای من تازه کردنی بعد از تازه کردن تو آفرینش مرا وبودم من
نَسِيّاً مَنْسِيّاً نَاسِياً سَاهِياً غَافِلاً فَأَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ
با فراموشی بنام فراموش شده با خطا با غفلت پس تمام کردی نعمت خود را
بِأَنْ ذَكَّرْتَنِي ذَلِكَ وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَهَدَيْتَنِي لَهُ
باینکه یاد کردی مرا این را ومنت گذاشتی بآن بر من وراه نمودی مرا بآن
فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ
پس باید که باشد از کار تو ای خدای من وآقای من وصاحب اختیار من



أَنْ تُتِمَّ لِي ذَلِكَ وَلَا تَسْلُبْنِيهِ حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَى

اینکه تمام کنی برای من این را ودر رفع نکنی او را تا بمیرانی مرا بر

ذَلِكَ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ فَإِنَّكَ أَحَقُّ الْمُنْعِمِينَ أَنْ

این وتو ازمن راضی شونده پس بدرستی که تو سزاوارترین منعمانی اینکه

تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَجَبْنَا

تمام کنی نعمت خود را بر من خداوندا شنیدیم ما واطاعت کردیم واجابت کردیم

دَاعِيَكَ بِمَنِّكَ فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ

خواننده ترا بانعام خود پس مر تراست ستایش بار خدایا آمرزش تو ای پروردگار ما وبسوی تو است

الْمَصِيرُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ

بازگشت ایمان آوردیم بخدای یگانه نیست شریک از برای او وبرسالت او

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَدَّقْنَا وَأَجَبْنَا دَاعِيَ

محمد رحمت خدا براو وبرآل او وتصدیق کردیم ما واجابت کردیم دعوت

اللَّهِ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِي مُوَالاةِ مَوْلَانَا وَمَوْلَى

خداوند را وپیروی کردیم رسول را در دوست داشتن آقای ما وصاحب اختیار

الْمُؤْمِنِينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِ اللَّهِ

مومنان پادشاه مومنان علی پسر ابا طالب بنده خدا

وَأَخِي رَسُولِهِ وَالصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ وَالْحُجَّةِ عَلَى بَرِيَّتِهِ

وبرادر رسالت او وصدیق بزرگ وحجت بر بندگان او

الْمُؤَيِّدِ بِهِ نَبِيَّهُ وَدِينَهُ الْحَقَّ الْمُبِينَ عَلَماً لِدِينِ

مویّد گردانیده بآن پیغمبر او را ودین او را که حق ودر آن نهایت نشانی دین



اللّهِ وَخازِناً لِعِلْمِهِ وَعَيْبَةً غَيْبِ اللّهِ وَمَوْضِعَ

خدا وخزینه دار علم او وصندوق سر خدا وجایگاه

سِرِّ اللّهِ وَاَمينَ اللّهِ عَلى خَلْقِهِ وَشاهِدَهُ فى بَرِيَّتِهِ

سر خدا وامانت خدا بر آبندگان او وگواه او در آفریدگان او

اَللّهُمَّ رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِياً يُنادى لِلْايمانِ

خداوندا پروردگارا بدرستیکه شنیدیم نداکننده که نداکند از برای ایمان

اَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا

اینکه ایمان بیاورید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم پس بیامرز ما را گناهان ما را

وَكَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الْاَبْرارِ رَبَّنا وَآتِنا

ودور کن از ما بدیهای ما را وبمیران ما را با نیکوکاران ای پروردگار ما بده ما را

ما وَعَدْتَنا عَلى رُسُلِكَ وَلا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيمَةِ اِنَّكَ

آنچه وعده داری ما را بر فرستادگان خود وخوار مکن ما را در روز قیامت بدرستیکه تو

لا تُخْلِفُ الْميعادَ فَاِنّا رَبَّنا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ اَجَبْنا

خلف نمی کنی وعده را پس بدرستیکه ما پروردگارا بمنت تو ومهربانی تو اجابت کردیم

داعِيَكَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقْناهُ وَصَدَّقْنا

دعوت ترا وپیروی کردیم فرستاده ترا وتصدیق کردیم او را وتصدیق کردیم

مَوْلَى الْمُؤْمِنينَ وَكَفَرْنا بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ

آقای مومنان را وکافر شدیم به جبت وطاغوت

فَوَلِّنا ما تَوَلَّيْنا وَاحْشُرْنا مَعَ اَئِمَّتِنا فَاِنّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ

پس بگردان ما را آنچه برگردیدیم وحشر کن ما را با پیشوایان ما پس بدرستیکه ما بایشان گرویدگانیم



موقنون ولهم مسلمون آمنّا بسرّهم وعلانيتهم
یقین کنندگان و مر ایشان را گردن نهنده گانیم ایمان آوردیم به نهان ایشان و آشکار ایشان

وشاهدهم وغائبهم وحيّهم وميّتهم ورضينا
و حاضر ایشان و غایب ایشان و زنده ایشان و مرده ایشان و خوشنود شدیم

بهم أئمّة وقادة وسادة وحسبنا بهم بيننا و
بایشان پیشوایان و پیش روان و بزرگان و بسنده است ما را ایشان میان ما و

بين الله دون خلقه لا نبتغي بهم بدلا ولا
میان خدا نزد خلق او نمی خواهیم برای ایشان عوضی و نه

نتّخذ من دونهم وليجة وبرئنا إلى الله من كلّ من
می گیریم از غیر ایشان دوستی و بیزاریم بسوی خدا از هر کسیکه

نصب لهم حربا من الجنّ والإنس من الأوّلين والآخرين
بر پا کرد برای ایشان جنگ را از دیو و آدمی از پیشینیان و پسینیان

وكفرنا بالجبت والطاغوت والأوثان الأربعة
و کافر شدیم به جبت و طاغوت و بتهای چهارگانه

وأشياعهم وأتباعهم وكلّ من والاهم من الجنّ
و پیروان ایشان و متابعان ایشان و هر کسیکه دوست دارد ایشان را از دیو

والإنس من أوّل الدهر إلى آخره اللّهمّ إنّا نشهدك
و آدمی از ابتدای روزگار تا آخر او خداوندا بدرستیکه گواهی می آریم

أنّا ندين بما دان به محمّد وآل محمّد صلّى الله عليهم
اینکه جزا می بینیم بآنکه جزا داده بآن محمد و آل محمد رحمت خدا بر ایشان



ومولانا

وَقَوْلُنا ما قالُوا وَدينُنا ما دانُوا بِهِ ما قالُوا بِهِ

و گفتار ما آنکه گفتند و دین ما آنچه است که اعتقاد کردند آن آنکه گفتند آن

قُلْنا وَما دانُوا بِهِ دِنّا وَما اَنْكَرُوا اَنْكَرْنا وَمَنْ

گفتیم و آنچه ز دین کردند آن ما کردیم و آنچه انکار کردند انکار کردیم و کسیکه

والَوْا والَيْنا وَمَنْ عادَوْا عادَيْنا وَمَنْ لَعَنُوا لَعَنّا

دوست داشتند دوست داشتیم و هرکه دشمن داشتند دشمن داشتیم و هرکه را لعنت کردند لعنت کردیم

وَمَنْ تَبَرَّؤُا مِنْهُ تَبَرَّأنا مِنْهُ وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ

و هرکه بیزاری جستند ازاو بیزاری جستیم ازاو و هرکه را ترحم کردند براو

تَرَحَّمْنا عَلَيْهِ آمَنّا وَسَلَّمْنا وَرَضينا وَاتَّبَعْنا

ترحم کردیم براو ایمان آوردیم و گردن نهادیم و پسندیدیم و پیروی کردیم

مَوالِينا صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ اَللّهُمَّ فَتَمِّمْ لَنا ذلِكَ

پیشوایان خود را رحمت خدا بر ایشان خداوندا پس تمام کن برای ما این را

وَلا تَسْلُبْناهُ وَاجْعَلْهُ مُسْتَقِرّاً ثابِتاً عِنْدَنا وَلا

و از ما مگیر این را و بگردان او را ثابت و برقرار نزد ما و نه

تَجْعَلْهُ مُسْتَعاراً وَاَحْيِنا ما اَحْيَيْتَنا عَلَيْهِ وَاَمِتْنا

قرار ده او را عاریت از برای ما و زنده دار ما را با آنچه زنده داشته ما را بر آن و بمیران ما را

اِذا اَمَتَّنا عَلَيْهِ آلُ مُحَمَّدٍ اَئِمَّتُنا فَبِهِمْ نَأْتَمُّ وَاِيّاهُمْ

هرگاه بمیرانی ما را بر آن آل محمد پیشوایان ما اند پس بایشان اقتدا میکنیم ما و ایشان را

نُوالي وَعَدُوَّهُمْ عَدُوُّ اللهِ نُعادي فَاجْعَلْنا مَعَهُمْ

دوست داریم و دشمن ایشان دشمن خداست دشمن می داریم پس بگردان ما را با ایشان



فی الدنیا والآخرة ومن المقربین فانا بذلک

در دنیا و آخرت و از جمله نزدیکان پس بدرستیکه ما بدین

راضون یا ارحم الراحمین پس باز بسجده رود و

راضی هستیم ای رحم‌ترین رحم کنندگان

صد مرتبه الحمد لله

وصد مرتبه شکراً لله بگوید پس حضرت فرمود که

هر که این عمل را بجا آورد ثواب کسی داشته باشد

که در روز غدیر نزد حضرت رسول صلعم حاضر شده باشد

و با حضرت رسول صلعم و امیر المؤمنین بر ولایت آنحضرت

بیعت کرده باشد و درجه او در بهشت با درجه

راستگویان و تصدیق کنندگان باشد که تصدیق نمودند

خدا و رسول در آن روز از روی اخلاص کردند مانند

سلمان و ابوذر و مقداد رضی الله عنهم و مانند

کسی باشد که شهید شده باشد با حضرت رسول

و امیر المؤمنین و حسن و حسین و مانند کسی باشد

که در زیر علم حضرت صاحب الامر و در زیر خیمه

حضرت بوده باشد از نجیبان و نقیبان و برگزیدگان

اصحاب آنحضرت و ایضاً شیخ مفید روایت کرده

است که سنت است در روز غدیر این دعا را بخوانند

اللهم انی اسئلک بحق محمد نبیک و علی ولیک

خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بحق محمد پیغمبر تو و علی دوست تو



والائن

وَالشَّانِ وَالْقَدْرِ الَّذِى خَصَصْتَهُمَا بِهِ دُونَ

و بلندی مرتبه و قدری که مخصوص فرمودی ایشان را بان نزد

خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلِىٍّ وَاَنْ تَبْدَأَ بِهِمَا

سایر خلق خود اینکه رحمت فرستی بر محمد و علی و اینکه ابتدا کنی بایشان

فِى كُلِّ خَيْرٍ عَاجِلٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

در هر نیکی شتابنده خداوندا رحمت کن بر محمد وآل محمد

الْاَئِمَّةِ الْقَادَةِ وَالدُّعَاةِ السَّادَةِ وَالنُّجُومِ الزَّاهِرَةِ

پیشوایان کشندگان و خوانندگان و بزرگان و ستارگان درخشنده

وَالْاَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ وَسَاسَةِ الْعِبَادِ وَاَرْكَانِ

و نشانهای آشکار و بهترین بندگان و رکنهای

الْبِلَادِ وَالنَّاقَةِ الْمُرْسَلَةِ وَالسَّفِينَةِ النَّاجِيَةِ

شهرها و ناقه فرستاده شده و کشتی نجات یافته

الْجَارِيَةِ فِى اللُّجَجِ الْغَامِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

روان در دریای عمیق خداوندا رحمت کن بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ خُزَّانِ عِلْمِكَ وَاَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ وَ

وآل محمد خزانه داران علم تو و رکنهای یکتایی تو و

دَعَائِمِ دِينِكَ وَمَعَادِنِ كَرَامَتِكَ وَصَفْوَتِكَ

ستونهای دین تو و قرارگاه کرامت تو و برگزیدگان تو

مِنْ بَرِيَّتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ الْاَتْقِيَاءِ الْاَ

از آفریدگان تو و نیکویان از بندگان تو که پرهیزکاران



نقباء النجباء الابرار والباب المبتلى به الناس

پاکان نجیبان نیکوکاران ودرهای ازمایش کرده شده بان مردمان

من اتاه نجى ومن اباه هوى اللهم صل على

هرکه درامد انرا نجات یافت وهرکه سرباز زد هلاک شد خداوندا رحمت کن بر

محمد وال محمد اهل الذكر الذين امرت بمسئلتهم

محمد وال محمد اهل ذکر انکه امرکردی تو بسوال کردن ایشان

وذوى القربى الذين امرت بمودتهم وفرضت

وصاحبان قرب انکه امرکردی بدوستی ایشان وواجب کردی

حقهم وجعلت الجنة معاد من اقتص اثارهم

حق ایشان را وگردانیدی بهشت راه بازگشت کسی که پیروی کند احکام ایشان را

اللهم صل على محمد وال محمد كما امروا بطاعتك

خداوندا رحمت کن بر محمد وال محمد چنانچه امرکردند بطاعت تو

ونهوا عن معصيتك ودلوا عبادك على وحدانيتك

ونهی کردند از معصیت تو وراه نمودند بندگان ترا بر یگانه پرستی تو

اللهم انى اسئلك بحق محمد نبيك ونجيبك

خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بحق محمد پیغمبر تو واختیار کرده تو

وصفوتك وامينك ورسولك الى خلقك وبحق

وبرگزیده تو وامین تو وفرستاده تو بسوی بندگان تو وبحق

امير المؤمنين ويعسوب الدين وقائد الغر المحجلين

پادشاه مومنان وبزرگ دین وپیشرو وپیشوای سفیدان

الوصى



الوصيّ الوفيّ والصدّيق الاكبر والفاروق

انجا نشین وفاکننده راست گو بزرگ تر وجدا کننده

بين الحقّ والباطل والشاهد لك والدالّ عليك

میان حق وباطل وگواهی دهنده برای تو ورهنماینده برتو

والصادع بامرك والمجاهد في سبيلك لم تاخذه

وشکافنده کان بفرمان تو وجهاد کننده در راه تو نگرفته اورا

فيك لومة لائمٍ ان تصلّي على محمّدٍ وآل محمّدٍ و

در راه تو ملامت ملامت کننده اینکه رحمت کنی بر محمد وآل محمد

ان تجعلني في هذا اليوم الذي عقدت فيه لوليّك

اینکه قرار دهی مرا در این روز آنکه بستی درو از برای ولی خود

العهد في اعناق خلقك واكملت لهم الدين من

پیمان را در گردنهای بندگان خود وکامل کردی از برای ایشان دین را

العارفين بحرمته والمقرّين بفضله من عتقائك

شناسندگان بحرمت او واقرار کنندگان بفضل او از آزاد کنندگان خود

وطلقائك من النار ولا تشمت بي حاسدي النعم

ورها شدگان تو از آتش وشاد مکن بمن رشک برندگان نعمتهای

اللّهمّ فكما جعلته عيدك الاكبر وسمّيته

خداوندا همچنانکه گردانیدی اورا عید بزرگتر ونامیدی اورا

في السماء يوم العهد المعهود وفي الارض يوم

در آسمان روز پیمان عهد کرده شده ودر زمین روز



الْمِيثَاقِ الْمَأْخُوذِ وَالْجَمِيعِ الْمَسْئُولِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
پیمان گرفته شده و جمع سوال کرده شده رحمت کن بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقِرَّ بِهِ عُيُونَنَا وَاجْمَعْ بِهِ شَمْلَنَا وَلَا
و آل محمد و روشن کن بان چشم ما و فراهم آور بان پراکندگی ما را و
تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَاجْعَلْنَا لِأَنْعُمِكَ مِنَ
گمراه مکن بعد از آنکه راه نمودی ما را و بگردان ما را برای نعمتهای خود از
الشَّاكِرِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنَا
شکر کنندگان ای رحیمترین رحم کنندگان ستایش مر خدا را که شناسانید ما را
فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ وَبَصَّرَنَا حُرْمَتَهُ وَكَرَّمَنَا بِهِ وَشَرَّفَنَا
زیادتی این روز و بینا کرد ما را حرمت آن و گرامی داشت ما را به بزرگواری
بِمَعْرِفَتِهِ وَهَدَانَا بِنُورِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
بشناسانیدن او و راه نمود ما را بروشنی او ای فرستاده خدا ای پادشاه مومنان
عَلَيْكُمَا وَعَلَى عِتْرَتِكُمَا وَعَلَى مُحِبِّيكُمَا مِنِّي أَفْضَلُ السَّلَامِ
بر شما و بر خویشان شما و بر دوستان شما از جانب من بهترین سلامی
مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَبِكُمَا أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي
مادامی که باقیست شب و روز و بشما رو می آورم بسوی خدا پروردگار من
وَرَبِّكُمَا فِي نَجَاحِ طَلِبَتِي وَقَضَاءِ حَوَائِجِي وَتَيْسِيرِ
و پروردگار شما در روا شدن حاجت من و بر آمدن حاجتهای من و آسان شدن
أُمُورِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ
امورهای من خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بحق محمد و آل محمد اینکه



تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَلْعَنَ مَنْ جَحَدَ حَقَّ
رحمت کنی بر محمد و آل محمد و اینکه لعنت کنی کسی را که انکار کرد حق
هٰذَا الْیَوْمِ وَاَنْکَرَ حُرْمَتَهُ فَصَدَّ عَنْ سَبِیلِکَ
این روز را و انکار کرد حرمت آن را پس باز گردانید مردم را از راه تو
لِاِطْفَاءِ نُورِکَ فَاَبَی اللّٰهُ اِلَّا اَنْ یُتِمَّ نُورَهُ اَللّٰهُمَّ
بجهة فرو نشاندن نور تو پس ابا کرد خدا مگر آنکه تمام کند نور خود را خداوند
فَرِّجْ عَنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَاکْشِفْ عَنْهُمْ وَ
گشایش ده از خانواده محمد که پیغمبر تو است و دور کن از ایشان و
بِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِینَ الْکُرُبَاتِ اَللّٰهُمَّ اَمْلَأِ الْاَرْضَ
بسبب ایشان از مؤمنان اندوهها را خداوندا پر کن زمین را
بِهِمْ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَاَنْجِزْ لَهُمْ مَا
بسبب ایشان از عدالت همچنانکه پر شد از ستم و تعدی و وفا کن ایشان را آنچه
وَعَدْتَهُمْ اِنَّکَ لَا تُخْلِفُ الْمِیعَادَ و اگر بعد از این
وعده کرده ایشان را بدرستی که تو خلف نمی کنی وعده خود را دعا بسجده برود
و صد مرتبه الحمد لله بگوید و صد مرتبه یا انچه تواند
بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلیٰ اِکْمَالِ الدِّینِ وَاِتْمَامِ النِّعْمَةِ وَرِضَی
سپاس مر خدا را بر کامل گردانیدن دین و تمام کردن نعمت و خوشنودی
الرَّبِّ الْکَرِیمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَالصَّلٰوةُ عَلیٰ خَیْرِ
پروردگار بزرگ و سپاس مر خدا را که پروردگار جهانیان است و رحمت بر بهترین
خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِینَ بهتر خواهد بود چنانچه
بندگان او محمد و خویشان او که پاکانند



سید بن باقی و کفعمی روایت کرده اند اما شیخ مفید
علیه الرحمه این زیادتی را نقل نکرده است فصل پنجم
در فضیلت و اعمال روز مباهله است تا اخر ماه
و در تعیین روز مباهله میان علما خلافست و
اشهر و اقوی انست که روز بیست و چهارم است
و بعضی بیست و پنجم و بعضی بیست و هفتم و بعضی
بیست و یکم گفته اند و اگر در هر یک از اینها اعمال
مستحب را بعمل اورند بهتر است و انچه مشهور است
بیست و چهارم است و سبب فضیلت روز مباهله
انست که چون حضرت رسول رسولان فرستاد بسوی
نصاری نجران که اعظم ترسایان عرب بودند و
ایشان بکتب خود رجوع کردند و اوصاف حضرت
رسالت را در کتب جمیع انبیا مشاهده کردند حب
دنیا بر اکثر علمای ایشان غالب شد و ایمان نیاوردند
و هفتاد نفر از علما و عظمای خود را فرستادند که
صفاتی که در کتب سابقه برای حضرت دیده اند مشاهده
نمایند و بمدینه داخل شدند و صفات را موافق یافتند
و حضرت رسول حجتهای شافی بر ایشان تمام کرد
و باز بعضی از ایشان بسبب حب ریاست و اغراض
باطله مضایقه کردند در ایمان اوردن و خوتم



این

این ایه کریمه فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ
را فرستاد پس هرکه مجادله کند ترا درباره عیسی بعد از انکه آمده است ترا
مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ
از دانستن و برهان پس بگو بیائید بخوانیم ما و شما پسران خود را و پسران شما را
وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ
و زنان خود را و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را پس بخوانیم و زاری کنیم
فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ پس حضرت
پس بگردانیم لعنت خدا را بر دروغ گویان
رسول عبائی
بر دوش گرفت و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن
و حسین را در زیر عبا داخل کرد و گفت پروردگارا
هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین
خلق بوده اند با و خداوندا اینها اهل بیت من اند
پس از ایشان برطرف کن شک و گناه را و پاک کردا
ایشان را پاک کردنی پس جبرئیل نازل شد و این ایه کریمه
در شان ایشان اِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ
ایشان آورد جز این نیست که می خواهد خدا که زائل کند از شما بدی و شک را
الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا پس حضرت رسول
ای اهل بیت و پاک گرداند شما را پاک گردانیدنی
علی و فاطمه و حسن و
حسین را با خود بیرون برد از مدینه برای مباهله
و چون نصاری حقیقت انحضرت را دانسته بودند



بعد از ایستادن حضرت با آن بزرگواران در
مقام مباهله آثار نزول عذاب در زمین و آسمان
ظاهر شد و عالم بزرگ ایشان گفت بخدا سوگند
که من روی چند می بینم که اگر دعا کنند که کوهی
از جا کنده شود کنده خواهد شد جرأت نکردند
بر مباهله و استدعای مسالمه و مصالحه کردند
و قبول کردند که هر سال جزیه بدهند و حضرت
ایشان را نفرین نکرد و بامر الهی بر ایشان جزیه قرار
داد و حضرت فرمود بخدا سوگند که هلاک و عذاب
آویخته شد بر اهل نجران و اگر مباهله میکردم
هر آینه همه این جماعت میمون و خوک میشدند و این
وادی بر ایشان آتش میشد و سرایت میکرد بنجران
و همه ترسایان نجران میسوختند و پیش از آنکه سال
تمام شود همه میمردند و یک نصرانی بر روی زمین
زنده نمیماند و باین سبب چندین امر بر عالمیان
ظاهر شد اول حقیت آنحضرت زیرا که اعتماد بر حقیت
خود نمیداشت خود را و عزیزترین اهل خود را در
معرض مباهله در نمی آورد و اگر حقیت آنحضرت را ند
این جماعت بر ایشان ظاهر نشده بود مباهله میکردند
و مذلت و خواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند تو



انکه ظاهر شد که آل عبا بزرگوارترین خلق بودند
که ایشان را انحضرت با خود در دعا شریک کردانید
سیم انکه ایشان عزیزترین خلق بودند نزد ان
حضرت که برای اظهار حقیت خود ایشان را در معرض
نفرین بدر آوردند زیرا که بسیار است که ادمی خود را
بمهالك می اندازد اما اعزه عیال خود را راضی
نمیشود که در معرض خطر در اورد چنانچه صاحب
کشاف وغیر او از متعصبان سنیان اعتراف
بر این نموده اند چهارم انکه حسن وحسین فرزند
حقیقی انحضرت اند ورتبه ایشان از سایر صحابه
بیشتر بوده نزد خدا ورسول با ان صغر سن پنجم
انکه حضرت فاطمه بهترین زنان بوده است واز
زوجات وسایر قرابات با نحضرت اخص واقرب
بوده ومنزلت او نزد حق تعالی از همه بیشتر ششم
انکه باتفاق عامه وخاصه حضرت امیر المومنین
در مباهله بود وداخل ابنا ونسا نیست پس باید
داخل انفسنا باشد وحقیقت در اینجا مراد نمیتواند
بود زیرا که اتحاد دو نفس محالست پس مراد انست
که اختصاص انحضرت بحضرت رسالت در کمالات
وصفات بمرتبه بود که بمنزله نفس وجان انحضرت

بود پس هر کمالی که در حضرت رسول بود باید که
در آن حضرت باشد بغیر پیغمبری پس باید که افضل
باشد از جمیع صحابه و جمیع پیغمبران بغیر آنحضرت
و باید که مخصوص ترین خلق باشد با آنحضرت و
اعز خلق باشد نزد او و روایات مفصله این قصه
شریفه و فوایدی که از آن مستفاد میشود در
کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام و این رساله گنجایش
ذکر آنها ندارد و از جمله اموری که در روز بیست
و چهارم واقع شده و موجب مزید فضل آن گردیده
آنست که در این روز حضرت امیر المؤمنین ع در
رکوع نماز انگشتری خود را بسائل بخشید و این آیه
کریمه نازل شد و امامت آنحضرت بر اصحاب بصیرت
هویدا إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
گردید نیست صاحب اختیار شما مگر خدا و رسول او و آنانکه ایمان آوردند
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ
آنانکه برپا میدارند نماز را و می دهند زکوة را و ایشان
رَاكِعُونَ و این آیه نص صریحست بر امامت آنحضرت
در آن حالت در رکوع اند
چنانچه در سایر کتب ذکر کرده ام و در این
روز غسل سنت است و زیارت حضرت امیر المؤمنین ع
را در این روز ذکر کرده اند و چون خواندن زیارت

جامعه



جامعه مناسب است و روزهٔ این روز مستحب است
و تاسی بمولای خود امیر المؤمنین کردن در تصدق
بر فقرا وار باب حاجات بانچه مقدور و میسر
باشد مطلوب است و اعمال این روز مباهله بسیار است
اول شیخ طوسی ره از حضرت صادق روایت کرده
که در این روز پیش از زوال بنیم ساعت دو رکعت
نماز بکند برای شکر نعمت مباهله و در هر رکعت
بعد از سورهٔ حمد هر یك از سورهٔ قل هو الله احد
و ایة الکرسی تا هم فیها خالدون و سورهٔ انا انزلناه
راده مرتبه بخواند اگر این نماز را بعمل اورد نزد
خدا برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره
و هر حاجتی از حاجتهای دنیا و اخرت از حق تعالی
سؤال کند البته براورده شود هر چند عظیم باشد
انشاء الله و این نماز همان نماز است که در اعمال
روز غدیر مذکور شد عمل دویم از اعمال این روز
دعائیست که شیخ طوسی و سید بن طاوس قدس الله
روحهما بسندهای معتبر از حضرت صادق روایت
کرده اند و ان حضرت از پدر خود امام محمد باقر روایت
کرده است که ان حضرت فرمود که اگر گویم در این دعا
اسم اعظم حق تعالی هست هر اینه راست گفته ام



واگر مردم بدانند که این دعا در اجابت چگونه
تأثیر مینماید البته بهر نحو که مقدور باشد سعی
نمایند در تحصیل آن هرچند باید که قتال کنند
ومرا هر حاجت که عارض میشود این دعا را میخوانم
وبعد از آن حاجت خود را می طلبم والبته مستجاب
میگردد واین دعائیست که در وقتی که آیه مباهله
نازل شد جبرئیل از جانب خداوند جلیل بر حضرت
سیّد رسل نازل شد واین دعا را آورد وگفت
برای مباهله بیرون رو ووصی خود علی بن ابیطالب
وسیده نسا فاطمه زهرا ودو نور دیده وفرزند
پسندیده خود حسن وحسین را با خود ببر واین دعا را
بخوان وبا ترسایان مباهله کن وبر ایشان نفرین
کن پس حضرت امام جعفر صادق ع گفت که هرگاه
این دعا را خوانید جهد وسعی کنید در دعا وتضرع
واین دعا را شفیع خود گردانید در حاجتها واز کسی
که اهلش نباشد از سفیهان ومنافقان پنهان
دارید وبایشان تعلیم منمائید که از علمهای
مخزونست وهرکس قابل این گوهر گرانمایه نیست ودعا اینست
اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ بَهائِکَ بِاَبْهاهُ وَکُلِّ

خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا از بزرگیهای تو ببزرگترین آن و همه


بهاوا

بَهاۤئِكَ بَهِىٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِبَهاۤئِكَ

نیکوها تو نیکوست خداوندا بدرستی که من سؤال می کنم ترا به نیکوها تو

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ جَلالِكَ بِاَجَلِّهِ

همه آن خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا از بزرگواری تو بخوب ترین آن

وَكُلُّ جَلالِكَ جَليلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِجَلالِكَ

و همه بزرگی تو بزرگ است خداوندا بدرستی سؤال می کنم ترا ببزرگی تو

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ جَمالِكَ بِاَجْمَلِهِ

همه آن خداوندا بدرستی سؤال می کنم ترا از نیکوها تو به نیکوترین او

وَكُلُّ جَمالِكَ جَميلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِجَمالِكَ

و همه نیکوها تو نیکوست خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا به نیکوها

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنى فَاسْتَجِبْ لى

همه آن خداوندا بدرستی تو می خوانم ترا همچنانکه فرمودی مرا پس اجابت کن مرا

كَما وَعَدْتَنى اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَ

همچنانکه وعده فرمودی خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا از بزرگواری تو به

عْظَمِها وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظيمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

بزرگترین آنها و همه بزرگواری تو بزرگ است خداوندا بدرستی سؤال می کنم ترا

بِعَظَمَتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ

به بزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال می کنم از نور تو

بِاَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ

بروشن ترین آن و همه روشنائیها تو روشن است خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا بروشنائی تو



كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِها

همه آن خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا از رحمت تو بوسیع ترین آن

وَكُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ

و همه رحمت تو وسیع است خداوندا بدرستی که سوال می کنم ترا از رحمت تو

كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنى فَاسْتَجِبْ لى

همه آن خداوندا بدرستی که می خوانم ترا چنانکه امر فرمودی پس مستجاب گردان برای

كَما وَعَدْتَنى اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ كَمالِكَ بِاَكْمَلِهِ

چنانکه وعده دادی مرا خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا از کمال تو بکاملترین آن

وَكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ

و همه کمال تو کامل است خداوندا بدرستی که سوال می کنم ترا بکمال تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ كَلِماتِكَ بِاَتَمِّها وَكُلُّ

خداوندا بدرستی که سوال می کنم ترا از کلمهای تو بتمامترین آن و همه

كَلِماتِكَ تامَّةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِكَلِماتِكَ

کلمات تو تمام است خداوندا بدرستی که سوال می کنم ترا بکلمات تو

كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمائِكَ بِاَكْبَرِها

همه آن خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا از نامهای تو به بزرگ ترآنها

وَكُلُّ اَسْمائِكَ كَبيرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِاَسْمائِكَ

و همه نامهای تو بزرگ است خداوندا بدرستی که سوال می کنم ترا بنامهای تو

كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنى فَاسْتَجِبْ لى

همه آن خداوندا بدرستی که می خوانم ترا چنانکه امر فرمودی پس اجابت کردی مرا



كما وعدتني اللهم اني اسئلك من عزتك

چنانکه وعده فرمودی خداوندا بدرستی که سوال می کنم ترا بعزت تو

باعزها وكل عزتك عزيزة اللهم اني اسألك

بعزیزترین آن و همه عزت تو عزیز است خداوندا بدرستی که سوال می کنم ترا

بعزتك كلها اللهم اني اسئلك من مشيتك

بعزت تو همه آن خداوندا بدرستی که سوال می کنم ترا بمشیت تو

بامضاها وكل مشيتك ماضية اللهم اني

بگذشته ترین آن و همه مشیت تو گذشته است خداوندا بدرستیکه

اسئلك بمشيتك كلها اللهم اني اسئلك

سوال می کنم ترا بمشیت تو همه آن خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا

بقدرتك التي استطلت بها على كل شيء وكل

بقدرت تو که استیلا یافته بان بر همه چیزی و همه

قدرتك مستطيلة اللهم اني اسئلك بقدرتك

قدرت تو استیلا یافته خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا بقدرت تو

كلها اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب

همه آن خداوندا بدرستیکه می خوانم ترا چنانکه امر فرمودی مرا پس اجابت کن دعا

لي كما وعدتني اللهم اني اسئلك من علمك

از من چنانکه وعده دادی مرا خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا از علم تو

بانفذه وكل علمك نافذ اللهم اني اسئلك

بروان ترین آن و همه علم تو روان است خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا



٥

بعلمك كله اللهم اني اسئلك من قولك

بعلم تو همه آن خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا از گفتار تو

بارضاه وكل قولك رضي اللهم اني اسئلك

بخوشنودترین آن وهمه گفتار تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه سوال می کنم

بقولك كله اللهم اني اسئلك من مسائلك

بگفتار تو همه آن خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا از مسائل تو

باحبها وكل مسائلك حبيبة اللهم اني اسئلك

بدوسترین آنها وهمه مسائل تو دوست است خداوندا بدرستیکه سوال می کنم

بمسائلك كلها اللهم اني ادعوك كما امرتني

بمسائل تو همه آن خداوندا بدرستیکه می خوانم ترا چنانکه امر کردی مرا

فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسئلك من

پس اجابت کردی برای من چنانکه وعده دادی مرا خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا از

شرفك باشرفه وكل شرفك شريف اللهم

بشرف تو بشریفترین او وهمه شرف تو شریف است خداوندا

اني اسئلك بشرفك كله اللهم اني اسئلك

بدرستیکه سوال می کنم ترا بشرف تو همه آن خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا

من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم

از پادشاهی تو به پیوسته ترین آن وهمه پادشاهی تو همیشگی است

اللهم اني اسئلك بسلطانك كله اللهم اني

خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا بپادشاهی تو همه آن خداوندا بدرستیکه



اَسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاخِرٌ

سؤال میکنم ترا از پادشاهی تو بعظیم تر ان و همه پادشاهی تو عظیم است

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

خداوندا بدرستیکه سؤال می کنم ترا بپادشاهی تو همه ان خداوندا بدرستیکه

اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِیْ فَاسْتَجِبْ لِیْ كَمَا وَعَدْتَنِیْ

می خوانم ترا چنانکه امر فرمودی پس اجابت کن مرا چنانکه وعده فرمودی مرا

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ عَلَائِكَ بِاَعْلَاهُ وَكُلُّ

خداوندا بدرستیکه سؤال می کنم ترا از بلندی تو به بلندترین او و همه

عَلَائِكَ عَالٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ اٰيَاتِكَ

بلندی تو بلند است خداوندا بدرستیکه سؤال می کنم ترا از نشانهای تو

بِاَعْجَبِهَا وَكُلُّ اٰيَاتِكَ عَجِيبَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ

به شگفت ترین او و همه نشانهای تو شگفت است خداوندا بدرستیکه سؤال می کنم ترا

بِاٰيَاتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ مَنِّكَ

بنشانهای تو همه ان خداوندا بدرستیکه سؤال می کنم ترا از انعام تو

بِاَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَدِيمٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ

به دیرینه ترین او و همه انعام تو دیرینه است خداوندا بدرستیکه سؤال می کنم ترا

بِمَنِّكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِیْ فَا

بانعام تو همه ان خداوندا بدرستیکه می خوانم ترا چنانکه امر فرمودی مرا پس

سْتَجِبْ لِیْ كَمَا وَعَدْتَنِیْ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِمَا

مستجاب گردان مرا چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه سؤال می کنم ترا بانچه



انت فیه من الشؤن والجبروت اللهم انی اسالک

تو دران از کارها و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

بکل شان وکل جبروت لک اللهم انی اسالک

بهر کاری و هر بزرگواری از برای تو خداوندا بدرستیکه من سوال می کنم

بما تجیبنی به حین اسالک یا الله یا لا اله الا

بانچه اجابت کنی مرا بان وقتی که سوال کرد ترا ای خدا ای نیست خدا مگر

انت اسئلک ببهاء لا اله الا انت یا لا اله الا

تو سوال می کنم ترا به نیکوئی لا اله الا انت ای انکه نیست خدا مگر

انت اسئلک بجلال لا اله الا انت یا لا اله الا

تو سوال می کنم ترا به بزرگی لا اله الا انت ای انکه نیست خدا مگر

انت اسئلک بلا اله الا انت اللهم انی دعوتک

تو سوال می کنم ترا بکلمه لا اله الا انت خداوندا بدرستیکه من می خوانم ترا

کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسالک

همچنانکه امر کردی مرا پس مستجاب کردی مرا چنانکه وعده دادی مرا خداوندا بدرستیکه سوال کنم ترا

من رزقک باعمه وکل رزقک عام اللهم انی

از روزی تو بفراگیرنده تران و همه روزی تو فراگیرنده است خداوندا بدرستیکه

اسئلک برزقک کله اللهم انی اسئلک من عطائک

سوال می کنم ترا بروزی تو همه آن خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا از عطای تو

باهناه وکل عطائک هنیء اللهم انی اسالک بعطائک

بگوارنده‌ترین آن و همه بخشش تو گوارنده است خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا به بخشش

کله



كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ خَیْرِكَ بِاَعْجَلِهِ وَ

همه ان خداوندا بدرستیکه سؤال می کنم ترا از نیکویها تو شتابنده ترش و

كُلُّ خَیْرِكَ عَاجِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِخَیْرِكَ

همه نیکوئی تو شتابنده است خداوندا بدرستیکه سؤال می کنم ترا به نیکوئی تو

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِاَفْضَلِهِ وَ

همه ان خداوندا بدرستی که سوال می کنم ترا از فضل تو بافزون تر ان و

كُلُّ فَضْلِكَ فَاضِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِفَضْلِكَ

همه فضل تو افزون است خداوندا بدرستی سوال می کنم ترا بفضل تو

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی

همه ان خداوندا بدرستی می خوانم ترا چنانکه فرمودی مرا پس مستجاب کردی مرا

كَمَا وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ

چنانکه وعده دادی مرا خداوندا رحمت کن بر محمد و آل محمد و

ابْعَثْنی عَلَی الْاِیمَانِ بِكَ وَالتَّصْدیقِ بِرَسُولِكَ

بر انگیزان مرا بر ایمان آوردن بتو و تصدیق کردن بفرستاده تو

عَلَیْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَالْوِلَایَةِ لِعَلِیِّ بْنِ اَبیطَالِبٍ

بر او و آل او سلام و دوستی بر علی فرزند ابوطالب

وَالْبَرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِ وَالْاِئْتِمَامِ بِالْاَئِمَّةِ مِنْ آلِ

و بیزاری از دشمن او و اقتدا نمودن بر پیشوایان از آل

مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ فَاِنّی قَدْ رَضیتُ بِذٰلِكَ

محمد بر ایشان سلام پس بدرستی راضی شدم باین



یا رب اللهم صل علی محمد عبدک ورسولک

ای پروردگار من خدایا رحمت کن بر محمد که بنده تو و فرستاده تست

فی الاولین وصل علی محمد وال محمد فی الاخرین

در پیشینیان و رحمت کن بر محمد وال محمد در پسینیان

وصل علی محمد وال محمد فی الملأ الاعلی وصل

و رحمت کن بر محمد وال محمد در زمره بلند مرتبه و رحمت کن

علی محمد واله فی المرسلین اللهم اعط محمدا

بر محمد وال محمد در فرستادگان خداوندا ببخش محمد را

الوسیلة والشرف والفضیلة والدرجة

وسیله و شرف و بزرگی و درجه

الکبیرة اللهم صل علی محمد وال محمد وقنعنی

بزرگ خداوندا رحمت کن بر محمد وال محمد و قانع کن مرا

بما رزقتنی وبارک لی فیما اعطیتنی واحفظنی

بانچه روزی کردی تو مرا و برکت ده مرا در انچه عطا کردی مرا و محافظت کن مرا

فی غیبتی وفی کل غائب هو لی اللهم صل

در غیبت و در هر غایبی او از برای من خداوندا رحمت کن

علی محمد وال محمد واسئلک خیر الخیر رضوانک

بر محمد وال محمد و سوال می کنم ترا نیکو نیکوتر خوشنودی تو

والجنة واعوذ بک من شر الشر سخطک والنار

و بهشت و پناه می برم بتو از بدی بدتر خشم تو و جهنم



اللهم صل علی محمد وآل محمد واحفظنی

خداوندا رحمت کن بر محمد وآل محمد ونگاهداری کن مرا

من کل مصیبة ومن کل بلیة ومن کل عقوبة

از هر مصیبتی واز هر بلیه واز هر عقوبت

ومن کل بلاء ومن کل شر ومن کل مکروه و

واز هر بلا واز هر بدی واز هر ناخوشی و

من کل مصیبة ومن کل آفة نزلت او تنزل

از هر مصیبتی واز هر آفتی که فرود آمده یا فرود می آید

من السماء الی الارض فی هذه الساعة وفی

از آسمان بسوی زمین در این ساعت ودر

کل ساعة وفی هذه اللیلة وفی هذا الیوم

هر ساعت ودر این شب ودر این روز

وفی هذا الشهر وفی هذه السنة اللهم صل

ودر این ماه ودر این سال خداوندا رحمت کن

علی محمد وآل محمد واقسم لی من کل سرور ومن

بر محمد وآل محمد وقسمت کن ازبرای من از هر شادی واز

کل بهجة ومن کل استقامة ومن کل فرج

هر نیکوئی واز هر راستی واز هر گشایشی

ومن کل عافیة ومن کل سلامة ومن کل کرامة

واز هر عافیتی واز هر سلامتی واز هر بزرگواری



ومن كل رزق واسع حلال طيب ومن كل

واز هر روزی فراخی حلال پاکیزه وهر

نعمة ومن كل سعة نزلت او تنزل من السماء

نعمتی واز هر وسعتی که فرود آمده یا فرود می آید از آسمان

الى الارض فى هذه الساعة وفى هذه الليلة

بسوی زمین در این ساعت ودر این شب

وفى هذا اليوم وفى هذا الشهر وفى هذه السنة

ودر این روز ودر این ماه ودر این سال

اللهم ان كانت ذنوبى قد اخلقت وجهى

خداوندا اگر بوده باشد گناهان من که کهنه کرده باشد روی مرا

عندك وحالت بينى وبينك وغيرت حالى

نزد تو وحایل شده میان من ومیان تو ودیگر کرده حال مرا

عندك فانى اسئلك بنور وجهك الذى لا يطفا

نزد تو پس بدرستی که سوال می کنم ترا بنور ذات تو آنکه فرو نشیند

وبوجه محمد حبيبك المصطفى وبوجه وليك

وبذات محمد دوست تو که برگزیده شده است وبذات ولی تو

على المرتضى وبحق اوليائك الذين انتجبتهم

علی پسندیده شده وبحق دوستان تو آنکه برگزیده است

ان تصلى على محمد وآل محمد وان تغفر لى ما

اینکه رحمت کنی بر محمد وآل محمد واینکه بیامرزی مرا آنچه

مَضَی مِنْ ذُنُوبِی وَاَنْ تَعْصِمَنِی مَا بَقِیَ مِنْ عُمْرِی

گذشته از گناهان من و اینکه نگاه داری مرا مادامی که باقیست عمرم

وَاَعُوذُ بِکَ اَللّٰهُمَّ اَنْ اَعُودَ فِی شَیْءٍ مِنْ مَعَا

و پناه میگیرم بتو خداوندا اگر برمیگردم در چیزی از نافرمانی

صِیکَ اَبَداً مَا اَبْقَیْتَنِی حَتّٰی تَتَوَفَّانِی وَاَنَا لَکَ

تو ابدا هرگز مادام باقی گذاری مرا تا آنکه بمیرانی مرا و من مر تورا

مُطِیعٌ وَاَنْتَ عَنِّی رَاضٍ وَاَنْ تَخْتِمَ لِی عَمَلِی بِاَحْسَنِه

فرمانبردارم و تو از من راضی شوده و اینکه ختم کنی از برای من عمل مرا بنیکوترین

وَتَجْعَلَ لِی ثَوَابَهُ الْجَنَّةَ وَاَنْ تَفْعَلَ بِی مَا اَنْتَ

و قرار دهی برای من ثواب آن را بهشت و اینکه بکنی بمن آنچه تو

اَهْلُهُ یَا اَهْلَ التَّقْوٰی وَیَا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ صَلِّ

سزاوار آنی ای اهل پرهیزکاری و ای اهل آمرزش رحمت کن

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِی بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ

بر محمد و آل محمد و رحم کن مرا برحمت خود ای رحیم‌ترین

الرّاحِمِینَ و بعد از آن هر حاجت که داری از حق

ص نسخه کاتب تعالی طلب کن که انشاء الله بر آورده است

مؤلف گوید که خواندن آیند عا در روز مباهله از سنت

است و شیخ طوسی علیه الرحمة نیز در این روز روایت

کرده و از روایت مذکوره معلوم میشود که در همه

وقت میتوان خواندن و در دعا اختلافی هست



میان روایات و آنچه در اینجا ذکر شده است
موافق روایات شیخ است و روایات دیگر را با ترجمه
در رساله دیگر ایراد نموده ام و شبیه باین دعا ها
در سحرهای ماه مبارک رمضان و روزهای آن
نیز وارد شده است با فضیلت بسیار و آن عظیم
ترین دعاها است عمل سیم آنست که شیخ طوسی و
دیگران بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر
صلوات الله علیه روایت کرده اند که روز مباهله
روز بیست و چهارم ماه ذیحجه است و در این روز
آنچه خواهی از نماز بکن و هر دو رکعت نماز بکنی
بعد از آن هفتاد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ
بگو پس می ایستی و بموضع سجود خود نظر می کنی و این
دعا را میخوانی و باید که با غسل باشی و بروایت
دیگر فرمود که روز بیست و چهارم روز مباهله است
باید که این روز را روزه بداری و برای شکر حق
تعالی بر این نعمت عظمی و غسل بکن و پاکیزه ترین
جامهای خود را بپوش و آنچه توانی بوی خوش خود را
خوشبو کن و باید که بآرام دل و آرام تن باشی و اگر
در یکی از مشاهد مشرفه باشی نزد آن ضریح مقدس
حاضر شوی و الا بجای خلوتی بروی یا بر کوه بلندی

یا بصحرائی بروی و باید که از منزل خود بیرون
رود و غسل کند و بهترین جامهای خود بپوشد
و چون بمحل دعا خواندن داخل شود دو رکعت
نماز بکند و باداب و شرایط و بعد از سلام هفتاد
مرتبه استغفار کند پس بایستد و بجانب آسمان
آسمان نظر کند و این دعا را بخواند و بعد از آن
فرمود پس هر دعائی که خواهی بکن باز دو رکعت نماز
بکن و دعا بکن اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
و دعا اینست
سپاس مر خدای را که پروردگار جهانیان است سپاس مر خدای را
فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَهُ مَا فِی
آنکه در مر او راست آنکه مر خدای را سپاس در زمین است آسمانهاست که او
السَّمٰوَاتِ وَفِی الْاَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی خَلَقَ السَّمٰوَاتِ
آسمانها و در زمین است سپاس مر خدای را آنکه آفرید آسمانها
وَالْاَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِینَ
و زمین را و پدید آورد تاریکیها و روشنائی پس آنکه
كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ یَعْدِلُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی عَرَّفَنِی
کافر شدند به پروردگار خود از عدول کردند سپاس مر خدای را آنکه شناسانید مرا
مَا كُنْتُ بِهِ جَاهِلًا وَلَوْلَا تَعْرِیفُهُ اِیَّایَ لَكُنْتُ
نادانی کرده بودم بدو ایزدان و اگر نه شناسانیدن آن مرا هر آینه بودم
هَالِكًا اِذْ قَالَ وَقَوْلُهُ الْحَقُّ قُلْ لَا اَسْئَلُكُمْ عَلَیْهِ
هلاک گشتگان و چنین که گفت دیگر او حق است بگو نمی خواهم از شما



أجراً إلّا المودّة في القربى فبيّن لي القرابة وقال

مزدی مگر دوستی در حق خویشاوندان پس بیان کن برای من خویشی را و گفت

سبحانه إنّما يريد الله ليذهب عنكم الرّجس

پاک است نیست جز این که می‌خواهد خدا که ببرد گناه را از شما شرک و شکی را

أهل البيت ويطهّركم تطهيراً فبيّن لي أهل البيت

ای اهل بیت و پاک گرداند شما را پاک کردنی پس بیان کن برای من اهل بیت را

بعد القرابة ثمّ قال تعالى مبيّناً عن الصّادقين

بعد از خویشی پس گفت خدای تعالی بیان کننده از راست گویان

الّذين أمرنا بالكون معهم والرّدّ إليهم بقوله

آنکه امر کرده ما را به بودن با ایشان و رد به سوی ایشان به گفته او

سبحانه يا أيّها الّذين آمنوا اتّقوا الله وكونوا

پاک است او ای آنکه ایمان آورده‌اید بپرهیزید از خدا و باشید

مع الصّادقين فأوضح عنهم وأبان عن صفتهم

با راست گویان پس روشن کرد از ایشان و ظاهر کرد از صفت ایشان

بقوله جلّ ثناؤه فقل تعالوا ندع أبناءنا

به قول خود بزرگ است ثنای او پس بگو بیایید بخوانیم پسران خود را

وأبناءكم ونساءنا ونساءكم وأنفسنا وأنفسكم

و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را

ثمّ نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين

پس زاری کنیم پس بگردانیم لعنت خدا را بر دروغ گویان



فَلَكَ الشُّكْرُ يَا رَبِّ وَلَكَ الْمَنُّ حَيْثُ هَدَيْتَنِي
پس مر تراست شکر ای پروردگار من و مر تراست منت آنجا که راه نمودی مرا
وَاَرْشَدْتَنِي حَتَّى لَمْ يَخْفَ عَلَيَّ الْاَهْلُ وَالْبَيْتُ
و نمودی مرا ارآگهی تا نه پوشیده بر من اهل و خانواده
وَالْقَرَابَةُ فَعَرَّفْتَنِي نِسَاءَهُمْ وَاَوْلَادَهُمْ وَرِجَالَهُمْ
و خویشی پس شناسانیدی مرا زنان ایشان را و اولاد ایشان را و مردان ایشان
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذٰلِكَ الْمَقَامِ
خداوندا بدرستی نزدیکی می کنم بسوی تو بآن مقام
الَّذِي لَا يَكُونُ اَعْظَمَ مِنْهُ فَضْلًا لِلْمُؤْمِنِينَ
آنچنان که نمی باشد بزرگ تر از او از فضل ازبرای مومنان
وَلَا اَكْثَرَ رَحْمَةً لَهُمْ بِتَعْرِيفِكَ اِيَّاهُمْ شَاْنَهُ وَ
و نه بیشتر از رحمت ازبرای ایشان بشناختن تو ایشان را کار او و
اِبَانَتِكَ فَضْلَ اَهْلِهِ الَّذِينَ بِهِمْ اَدْحَضْتَ
آشکار نمودن تو زیادتی خوانندگان او آنانکه بسبب ایشان برطرف کرده
بَاطِلَ اَعْدَائِكَ وَثَبَّتَّ بِهِمْ قَوَاعِدَ دِينِكَ وَ
باطل دشمنان خود را و ثابت گردانیدی بایشان پایهای دین خود را و
لَوْلَا هٰذَا الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ الَّذِي اَنْقَذْتَنَا بِهِ وَ
اگر نه بود این مقام پسندیده شده که برهانیدی ما را بآن و
دَلَلْتَنَا عَلَى اتِّبَاعِ الْمُحِقِّينَ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ
راه نمودی ما را بر متابعت کردن صاحبان حق از اهل بیت پیغمبر تو



الصادقين عنك الذين عصمتهم من لغو

از راست گویان از لغو لانکه نگاه داشتی ایشان را از بیهوده

المقال ومدانس الافعال لخضع اهل الاسلام

گفتگو و چرکینهای کارها هر اینه غلبه کرده شد اهل اسلام

وظهرت كلمة اهل الالحاد وفعل اولي العناد

و ظاهر شد سخن آنان که از حق برگشتند و کردار خداوندان دشمنی

فلك الحمد ولك المنة ولك الشكر على نعمائك

پس مر تراست ستایش و مر تراست منت و مر تراست شکر بر نعمتهای تو

وآلائك اللهم فصل على محمد وآل محمد الذين

و احسان تو خداوندا پس رحمت کن بر محمد و آل محمد آنانکه

افترضت علينا طاعتهم وعقدت في رقابنا

واجب کرده بر ما فرمان ایشان را و بستی در گردنهای ما

ولايتهم واكرمتنا بمعرفتهم وشرفتنا باتباع

دوستی ایشان را و گرامی داشتی ما را بشناختن ایشان و بلند گردانیدی ما را به پیروی

آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذي عرفونا

علامتهای ایشان و ثابت دار ما را بگفتار ثابت آنکه شناسانیدند به ما

فاعنا على الاخذ بما بصرونا واجز محمدا عنا

پس اعانت کن ما را بر گرفتن آنچه بینا کرده اند ما را و پاداش ده محمد را از ما

افضل الجزاء بما نصح لخلقك وبذل وسعه

نیکوتر پاداشها بآنچه پند داد آفریدگان ترا و صرف کرد بقدر طاقت خود



فی ابلاغ رسالاتك واخطر بنفسه فی اقامة

در رسانیدن پیغامهای تو و بهلاکت انداخت نفس خود را در برپای

دینك وعلی اخیه ووصیه والهادی من بعده

دین تو و بر برادر او و وصی او و راه نماینده از بعد او

الی دینه والمقیم سنته علی امیر المؤمنین

بسوی دین او و بپادارنده سنت او علی پادشاه مومنان

صلوات الله علیه وصل علی الائمة من

رحمت خدا بر او و رحمت کن بر پیشوایان از

ابنائه الصادقین الذین وصلت طاعتهم

فرزندان او که راست گویانند آنانکه پیوسته فرمان ایشان

بطاعتك وادخلنا بشفاعتهم دار الکرامة

بفرمان تو و داخل کن ما را بشفاعت ایشان در سرای بزرگی

یا ارحم الراحمین اللهم هؤلاء اصحاب الکساء

ای رحیم ترین رحم کنندگان خداوندا این گروه اند یاران عبا ردا

والعباء یوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا

و عبا در روز بهم با نفرین خداوندا بگردان ایشان را شفیعان ما

واسئلك بحق ذلك المقام المحمود والیوم المشهود

و سوال میکنم ترا بحق این مقام پسندیده شده و در روز حاضر شده

ان تغفر لی وتتوب علی انك انت التواب الرحیم

اینکه بیامرزی مرا و به پذیری توبه مرا بدرستی که تو توبه پذیر مهربان



اللهم اني اشهد ان ارواحهم وطينتهم

خداوندا بدرستیکه گواهی می‌دهم انکه روحهای ایشان و سرشت ایشان

واحدة وهي الشجرة التي طاب اصلها وفرعها

یکیست و این درخت انچنانست که پاکست بیخ ان و شاخ ان

واغصانها واوراقها اللهم ارحمنا بحقهم

و شعبهای آن و برگهای ان خداوندا رحم کن مارا بحق ایشان

واجرنا من مواقف الخزي في الدنيا والاخرة

و پناه ده مارا از ایستادگاه خواری در دنیا و اخرت

بولايتهم واوردنا مورد الامن من اهوال يوم

بدوستی ایشان و درآر و گردان مارا جایگاه ایمنی از ترسهای روز

القيمة بحبهم واقررنا بفضلهم واتباعنا

قیامت بدوستی ایشان و اقرار ما بفضل ایشان و متابعت کردن ما

اثارهم واهتدائنا بهداهم واعتقادنا ما عرفونا

اثار ایشانرا و راه نمائی ما را براهنمائی ایشان و باور کردن ما انچه شناسانیدند ما را

من توحيدك ووقفونا عليه من تعظيم شانك

از یکتائی تو و توقیف دادند مارا بران از بزرگ شمردن شان تو

وتقديس اسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات

و پاک دانستن نامهای تو و شکر نعمتهای تو و سلب کردن صفات

ان تحلك والعلم ان يحيط بك والوهم ان يقع

انکه جا کند در تو و دانش انکه فرا گیرد بتو و وهم انکه واقع شود



علیک فانک اقمتهم حججا علی خلقک وادلّاء

بر تو پس به درستی که تو برپا داشتی ایشان را حجت بر خلق خود و راهبرها

علی توحیدک وهداة تنبه علی امرک وهدی

بر یگانگی خود و راه نمودن براگاه گرداننده بر امر تو و راه نماینده

الی دینک وتوضح ما اشکل علی عبادک وبابا

بسوی دین تو و آشکارا نماینده آنچه مشکل بود بر بندگان تو و درگاه

للمعجزات التی یعجز عنها غیرک وبها تبین

رحمت برای معجزات چنانکه عاجز می‌شود از آن غیر تو و بآن ظاهر می‌شود

حجتک وتدعو الی تعظیم السفیر بینک وبین

حجت تو و می‌خواند بسوی بزرگ کردن ایلچی میان تو و میان

خلقک وانت المتفضل علیهم حیث قربتهم

بندگان تو و تویی بخشنده برایشان هرجا نزدیک گردانیدی ایشان را

من ملکوتک واختصصتهم بسرک واصطفیتهم

از پادشاهی خود و مخصوص گردانیدی ایشان را براز خود و برگزیدی ایشان را

لوحیک واورثتهم غوامض تاویلک رحمة

برای وحی خود و میراث دادی ایشان را رمزهای تعبیرات تو بخشش نمودن

لخلقک ولطفا بعبادک وحنانا علی بریتک

مر بندگان تو و مهربانی نمودن مر بندگان تو و رحمت بر آفریدگان تو

وعلما بما تنطوی علیه ضمائر امناءک

و دانستن آنچه پوشیده برآن دلهای امانت‌داران تو



وَمَا يَكُونُ مِنْ شَأْنِ صِفْوَتِكَ وَطَهَّرْتَهُمْ فِي
و آنکه می باشد از کار برگزیدگان تو و پاک کرده ایشان را در
مَنْشَأِهِمْ وَمُبْتَدَئِهِمْ وَحَرَسْتَهُمْ مِنْ نَفْثِ نَافِثٍ
وقت آفرینش ایشان و ابتدای ایشان و نگهداری نمودی ایشان را از دمنده تو
إِلَيْهِمْ وَأَرَيْتَهُمْ بُرْهَاناً عَلَى مَنْ عَرَضَ بِسُوءٍ لَهُمْ
بسوی ایشان و نمودی تو ایشان را حجتی بر کسیکه پیش آمد بدی از برای ایشان
فَاسْتَجَابُوا لِأَمْرِكَ وَشَغَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِطَاعَتِكَ
پس مستجاب کردند مر امر ترا و مشغول کنند نفسهای را بطاعت تو
وَمَلَئُوا أَجْزَاءَهُمْ مِنْ ذِكْرِكَ وَعَمَرُوا قُلُوبَهُمْ
و پر کردند جزوهای ایشان را از یاد تو و آباد کردند دلهای ایشان
بِتَعْظِيمِ أَمْرِكَ وَجَزَّءُوا أَوْقَاتَهُمْ فِيمَا يُرْضِيكَ
به بزرگ داشتن کار تو و پاره پاره کردند اوقات ایشان را در آنچه خوشنود گرداند ترا
وَأَخْلَوْا دَخَائِلَهُمْ مِنْ مَعَارِيضِ الْخَطَرَاتِ الشَّاغِلَةِ
و خالی کردند اندرونها را از معارضه کردن خطرها که مشغول کننده است از
عَنْكَ فَجَعَلْتَ قُلُوبَهُمْ مَكَانَ إِرَادَتِكَ وَ
از تو پس گردانیدی تو دلهای ایشان را مکان اراده و خواهش خود و
عُقُولَهُمْ مَنَاصِبَ لِأَمْرِكَ وَنَهْيِكَ وَأَلْسِنَتَهُمْ
عقلهای ایشان را جاهای قرار امر تو و نهی تو و زبانهای ایشان را
تَرَاجِمَ لِسُنَّتِكَ ثُمَّ أَكْرَمْتَهُمْ بِنُورِكَ حَتَّى فَضَّلْتَهُمْ
بیان طریقه تو پس گرامی داشتی ایشان را بنور خود تا زیاده دادی ایشان را

مِنْ بَيْنِ اَهْلِ زَمَانِهِمْ وَالْاَقْرَبِينَ اِلَيْهِمْ

از میان اهل زمان ایشان و نزدیکان بسوی ایشان

فَخَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَاَنْزَلْتَ اِلَيْهِمْ كِتَابَكَ وَاَمَرْتَنَا

پس مخصوص کرده ایشان را بوحی خود و فرستادی بسوی ایشان کتاب خود را و امر کردی ما را

بِالتَّمَسُّكِ بِهِمْ وَالرَّدِّ اِلَيْهِمْ وَالْاِسْتِنْبَاطِ مِنْهُمْ

بچنگ زدن بایشان و رد کردن بسوی ایشان و فرا گرفتن از ایشان

اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا قَدْ تَمَسَّكْنَا بِكِتَابِكَ وَبِعِتْرَةِ نَبِيِّكَ

خداوندا بدرستی که چنگ زدیم ما بکتاب تو و بعترت پیغمبر تو

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ الَّذِينَ اَقَمْتَهُمْ لَنَا دَلِيلًا وَعَلَمًا

رحمت تو برایشان آنکه بپا داشتی ایشان را برای ما دلیل و نشانه

وَاَمَرْتَنَا بِاتِّبَاعِهِمْ اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا قَدْ تَمَسَّكْنَا بِهِمْ

و امر کردی ما را به پیروی ایشان خداوندا پس بدرستیکه چنگ زدیم بایشان

فَارْزُقْنَا شَفَاعَتَهُمْ حِينَ يَقُولُ الْخَائِبُونَ فَمَا

پس روزی کن ما را شفاعت ایشان هنگامی که می گویند ترسندگان پس نیست

لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ وَاجْعَلْنَا مِنَ

ما را هیچ از شفاعت کنندگان و نه دوست مهربان و بگردان ما را از

الصَّادِقِينَ الْمُصَدِّقِينَ لَهُمْ الْمُنْتَظِرِينَ لِاَيَّامِهِمْ

راستگویان تصدیق کنندگان مر ایشان را انتظار کشندگان مر ایام دولت ایشان

النَّاظِرِينَ اِلَى شَفَاعَتِهِمْ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ اِذْ

نگرندگان بسوی شفاعت ایشان و گمراه مکن ما را بعد از آنکه

هدیتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت

راه نمودی ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمتی را بدرستی که تو توئی

الوهاب امین رب العالمین اللهم صل علی

بخشنده مستجاب کن ای پروردگار عالمیان خداوندا رحمت کن بر

محمد نبیك وعلی اخیه وصنوه امیر المؤمنین

محمد پیغمبر تو و بر برادر او و طینت او پادشاه مومنان

وقبلة العارفین وعلم المهتدین وثانی الخمسة

و قبله شناسندگان و نشان راه یافتگان و دوم پنج تن

المیامین الذین فخر بهم الروح الامین وباهل

از پیشوایان آنانکه مباهات کرد بایشان روح الامین و مباهله کرد

الله تعالی بهم المباهلین فقال وهو اصدق

خدای تعالی بایشان مباهله کنندگان پس گفت و حال آنکه راستگوترین

القائلین فمن حاجك فیه من بعد ما جاءك

از گویندگانست دیگر پس کسی که منازعه کند ترا در این روز بعد از آنکه آمد ترا برهان

من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم

و دانش پس بگو ای محمد بیائید بخوانیم پسران خود و پسران شما را

ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل

و زنان خود و زنان شما را و جانهای خود و جانهای شما را پس مباهله کنیم

فنجعل لعنة الله علی الکاذبین ذلك الامام

پس بگردانیم لعنت خدا را بر دروغ گویان آن پیشوای

الْمَخْصُوصِ بِمُواخاتِهِ یَوْمَ الْإِخاءِ وَالْمُؤْثِرِ بِالْقُوتِ

مخصوص گردانیده شده به برادری او در روز برادری و اختیار کننده بقوت

بَعْدَ ضُرِّ الطَّوی وَمَنْ شَکَرَ اللّٰهُ سَعْیَهُ فی

پس از گزند گرسنگی و کسیکه سپاس کرد خدا را سعی او در

هَلْ أَتی وَمَنْ شَهِدَ بِفَضْلِهِ مُعادُوهُ وَأَقَرَّ بِمَناقِبِهِ

هل اتی و کسیکه گواهی دادند بفضل او دشمنان او و اقرار کردند بمنقبتهای او

جاحِدُوهُ مَوْلَی الْأَنامِ وَمُکَسِّرِ الْأَصْنامِ وَمَنْ لَمْ

انکار کننده او پادشاه آفریدگان و شکننده بتها و کسیکه نه

تَأْخُذْهُ فِی اللّٰهِ لَوْمَةُ لائِمٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ

گرفته است او را در راه خدا ملامت کننده رحمت خدا بر او و آل او

ما طَلَعَتْ شَمْسُ النَّهارِ وَأَوْرَقَتِ الْأَشْجارُ وَعَلَی

مادام که طلوع کند آفتاب روز و برگ کنند درختان و بر

النُّجُومِ الْمُشْرِقاتِ مِنْ عِتْرَتِهِ وَالْحُجَجِ الْواضِحاتِ

ستارگان درخشنده از عترت او و حجتهای همه روشن

مِنْ ذُرِّیَّتِهِ واین دعا بحسب سند و متن اصحّ

از فرزندان او ادعیه است و دیگر از ایام متبرکه
روز بیست و پنجم است و مشهور است که در این
روز سورهٔ کریمهٔ هل اتی در شان حضرت امیر
المؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین
صلوات الله علیهم نازل شده بسبب آنکه حسن و حسین



بیمار شدند و حضرت رسول بعیادت ایشان رفت
و امر فرمود که حضرت امیر و فاطمه و حسن و حسین
نذر کردند که اگر خدا ایشان را عافیت دهد سه
روز روزه بگیرند و چون خدا عافیت کرامت کرد
آن چهار بزرگوار با فضه خادمهٔ ایشان روزه
گرفتند و نداشتند چیزی که بآن افطار نمایند
پس حضرت امیر قدری پشم از شمعون یهودی
گرفت با سه صاع از جو که حضرت فاطمه هر روز
ثلث آن پشم را بریسد و یکصاع از آن جو را بمزد
خود بردارد پس در روز اول حضرت فاطمه
قدر ثلث آن پشم را گرفت و رشت و بمزد آن صاعی
از جو برداشت و آرد کرد و پنج گرده نان پخت و چون
حضرت امیر با حضرت رسول نماز شام کرد و بخانه
برگشت و حضرت فاطمه پنج گرده نان را حاضر کرد
و خواستند افطار نمایند مسکینی بر در خانه ندا
کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من مسکینم
از مساکین مسلمانان مرا طعام دهید تا شما را خدا
از مائدهای بهشت طعام دهد پس حضرت امیر
ابتدا کرد و فرمود که من نان خود را می دهم و سایر
اهل بیت با فضه با آنحضرت موافقت کردند و

و نانهای خود را بسائل دادند و باب افطار کردند
و روز دیگر را روزه داشتند و باز حضرت فاطمه
صلوات الله علیها بمزد رشتن یک ثلث دیگر
از پشم یک صاع دیگر را برداشتند و آرد کردند و
پنج گرده دیگر پخت و چون خواستند افطار کنند
سائلی بر در خانه صدا زد که السلام علیکم ای
اهل بیت محمد من سائلی و یتیمی ام از اولاد مهاجر
و پدرم در روز عقبه شهید شده است مرا
طعام دهید تا خدا شما را از خوانهای بهشت
طعام دهد پس حضرت امیر مؤمنان اول نان
خود را داد و بعد از آن فاطمه زهرا و بعد از آن
دو گوشوار عرش خدا و بعد از آن فضه سعادت
مند همگی نانهای خود را بیتیم دادند و باب افطا
فرمودند و در روز سیم باز حضرت سیدة النساء
با حضرت امیر و حسنین و فضه روزه داشتند و حضرت
فاطمه بقیه پشم را رشت و بقیه جو را گرفت و در
آسیا خورد کرد و باز پنج گرده نان پخت و چون حضرت
امیر کبیر از نماز برگشت و حضرت فاطمه طعام را حاضر
ساختند که افطار نمایند ناگاه اسیری از اسیر کافران
ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد ما را اسیر



می کنید و می بندید و طعام بدهید که بخورد
پس بنوشبهای سابق همه گردهای نان را
بسائل دادند و باب بحت افطار نمودند چون
صبح شد حق تعالی سوره کریمه هل اتی را
در شان ایشان فرستاد و دران سوره اشاره
باین قصه یُوفُونَ بِالنَّذرِ وَیَخافُونَ یَوماً
نمود که
وفا می کنند به نذر و می ترسند روزی را که
کانَ شَرُّهُ مُستَطِیراً وَیُطعِمُونَ الطَّعامَ عَلی
می باشد شر آن اگر خلق را فرا گرفته و می خورانند طعام را با وجود گرسنگی بر
حُبِّهِ مِسکِیناً وَیَتِیماً وَاَسِیراً اِنَّما نُطعِمُکُم
دوستی خدا بمحتاج و یتیم بی پدر و دستگیر و بزبان الحال ای انما الطعام می کنیم
لِوَجهِ اللهِ لا نُرِیدُ مِنکُم جَزاءً وَلا
مگر بمحض رضای خدا نمی خواهیم از شما اگر امی را و نه سپاس
شُکُوراً اِنّا نَخافُ مِن رَبِّنا یَوماً عَبُوساً قَمطَرِیراً
سپاس بدرستیکه ما می ترسیم از پروردگار خود روزی که در نهایت هول و سختی
وچون در روز چهارم که بیست و پنجم ماه ذیحجه
بود سوره هل اتی در مدح ایشان نازل شد
حضرت رسول صلی الله علیه و آله بخانه
اهل بیت علیهم السلام آمد و ایشان را بان
شدت گرسنگی و آنحالت غریب مشاهده

نمود

نمود و گریست و فرمود که این چه حالتست که
در شما مشاهده می کنم و امام حسن و امام
حسین علیهما السلام را دید که از نقاهت
بیماری و از شدت گرسنگی مانند جوجه
که از تخم مرغ بیرون آید می لرزند و حضرت
فاطمه صلوات الله علیها را دید که در محراب
عبادت ایستاده بود و از گرسنگی شکم
مبارکش به پشت چسبیده بود و چشمها
فرو رفته بود چون از نماز فارغ شد حق تعالی
خوانی از بهشت برای فاطمه فرستاد که در آن
کاسه بود و گوشت و ثرید گرم در آن میان
بود که میجوشید و از آن بوی بهتر از مشک
ساطع بود پس حضرت فاطمه صلوات الله
علیها آن خوان را بنزد حضرت رسول آورد
آن حضرت فرمود ای فاطمه این از کجا
آوردی گفت از جانب خدا آمده است
خدا هر که را خواهد روزی می دهد بغیر
حساب حضرت فرمود الحمد لله که از دنیا
نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر
حضرت عیسی را دیدم پس از آن تناول نمود



و تا هفت روز از آن میخوردند و آخر نمیشد
حضرت صادق علیه السلام فرمود که
آن کاسه نزد ماست و حضرت صاحب
الامر آن را ظاهر خواهد کرد و طعام
بهشت از آن تناول خواهد نمود و سنیان
نیز این روایت را با نزول مائده بطرق
بسیار نقل کرده اند و تفصیل این قصه را
در سایر کتب ذکر کرده ام پس مناسب است
که شیعیان اهل بیت علیهم السلام در این
ایام تاسی نمایند بموالی خود و تصدق کردن
بر مساکین و یتیمان و سعی نمایند در اطعام
ایشان و شیخ مفید علیه الرحمة گفته
است که مستحب است که این روز را روزه
بدارند برای شکر نزول سوره مبارکه
هل اتی در شان آل عبا علیهم السلام
و ایضا مناسب است زیارت ایشان و
زیارت ائمه علیهم الصلوة والسلام و
زیارت جامعه را خواندن در این روز
مناسب است و چون بعضی از علما این روز
را روز مباهله میدانند دعاهای مباهله

در این

نین در اینروز مبارک خواندن بسیار
خوبست وروز بیست وششم ماه ذی
حجه بر مشهور میان علما عمر بن الخطاب
علیه اللعنة والعذاب خنجر بشکمش زدند
وبدرك سقر واصل شد واین سبب فضیلة
بسیار دارد ودر روز بیست وهفتم اینماه
مروان که از خلفای بنی امیه است لعنهم الله
که اخر خلفای بنی امیه است بجهنم واصل
شده ودولة ملعونه بنی امیه لعنهم الله
در روز بیست وهفتم برطرف شد پس در
اینروز شکر این نعمت باید کرد وبعضی
گفته اند امام علی نقی علیه الصلوة
والسلام در اینروز متولد شده است
ودر روز بیست ونهم ماه ذی الحجة بنا



بر مشهور عمر علیه اللعنة باسفل درك

سقر منتقل شده و باین سبب فضیلت و

برکت بسیار دارد و در روز اخر ذی حجة الحرام

که اخر سال عربیست روایت کرده اند که سنة

است که دو رکعت نماز بجا اورد و در هر

رکعت ازان سوره فاتحة الکتاب و ده

مرتبه قل هو الله احد بخواند و ده مرتبه ایة

الکرسی و بعد از اللهمّ ما عملت فی هذه

سلام این دعا بخواند

بار خدایا انچه کردم من در این

السنة من عمل نهیتنی عنه ولم ترضه و

سال از عمل که منع کردی مرا ازان و نه پسندیدی اورا و

نسیته ولم تنسه ودعوتنی الی التوبة بعد

فراموش کردم من اورا و فراموش نکردی اورا و دعوت کردی مرا بسوی توبه بعد از

اجترائی علیك اللهمّ فانی استغفرك منه

دلیری نمودن من بر تو خداوندا پس بدرستی که طلب امرزش می کنم ترا ازان

فاغفر لی وما عملت من عمل یقربنی الیك

پس بیامرز مرا و انچه کردم من هیچ عملی و کرداری که نزدیك کند مرا بسوی تو

فاقبله منی ولا تقطع رجائی منك یا کریم

پس قبول کن اورا از من و مبر امید مرا از تو ای بخشنده

اعمال دهه اول محرم

فصل اول

باب هشتم در بیان فضیلت و اعمال ماه محرم است و در آن سه فصل است فصل اول در اعمال دهه اول محرم است از حضرت امام رضا منقولست که حضرت رسول و آله در روز اول محرم دو رکعت نماز میکردند و چون از نماز فارغ میشدند دست بدعا بر میداشتند و این دعا را اللّهمّ انت الاله القدیم سه مرتبه می خواندند

خدایا تو خدای دیرینه

وهذه سنة جدیدة فاسئلك فیها العصمة من الشیطان

و این سالیست تازه پس سوال می کنم بزد تو در آن که نگاهداری مرا از شیطان

والقوة علی هذه النفس الامارة بالسوء والاشتغال

و توانائی بر این نفس بسیار امرکننده به بدیها و مشغول شدن

بما یقربنی الیك یا کریم یا ذا الجلال والاکرام یا عماد

با که نزدیک کند مرا بسوی تو ای بزرگوار ای صاحب جلالت و بزرگواری ای ستون

من لا عماد له یا ذخیرة من لا ذخیرة له یا حرز من لا

کسی که نیست ستونی از برای او ای ذخیره کسیکه نیست ذخیره از برای او ای پناه کسیکه نیست

حرز له یا غیاث من لا غیاث له یا سند من لا سند له

پناهی از برای او ای فریادرس کسیکه نیست پناهی از برای او ای تکیه گاه کسیکه نیست تکیه گاهی از برای او

یا کنز من لا کنز له یا حسن البلاء یا عظیم الرجاء یا

ای گنج کسیکه نیست گنجی از برای او ای نیکو نعمت ای بزرگ امید ای

عز الضعفاء یا منقذ الغرقی یا منجی الهلکی یا منعم یا

عزت ضعیفان ای رهاننده غرق شدگان ای نجات دهنده هلاک شدگان ای انعام کننده



مجمل یا مفضل یا محسن انت الذی سجد لک سواد اللیل

انعام کننده ای بخشنده ای نیکوکار تو آنکه سجده کرد برای تو سیاهی شب

ونور النهار وضوء القمر وشعاع الشمس ودوی الماء

وروشنی روز وروشنی ماه وشعاع آفتاب وصدای آب

وحفیف الشجر یا الله لا شریک لک اللهم اجعلنا

و آواز درخت ای خدا نیست شریکی از برای تو خداوندا بگردان ما را

خیرا مما یظنون واغفر لنا ما لا یعلمون ولا تؤاخذنا

بهتر از آنکه گمان می برند وبیامرز ما را آنچه نمی دانند ومگیر ما را

بما یقولون حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت

بآنچه می گویند بس است مرا خدا نیست خدائی مگر او بر او اعتماد کردم

وهو رب العرش العظیم آمنا به کل من عند ربنا وما

واوست پروردگار عرش بزرگ ایمان آوردیم بآن همه از نزد پروردگار ما و نه

یذکر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد

پند می گیرد مگر صاحب عقلها ای پروردگار ما میل مده دلهای ما را پس

اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب

از آنکه راه نمودی ما را وببخش ما را از نزد خود بخششی بدرستیکه تو بسیار بخشنده

وچون حضرت سید الشهداء علیه در دهم این ماه بسعادت
شهادة فایز گردیده ودر اکثر این دهه محزون وغمگین
بودند واخبار موحشه بایشان میرسید باید که شیعیان

در مجموع



در مجموع این ده روز بلوازم تعزیه آنحضرت قیام نمایند
و محزون اندوهناک باشند و اخبار و احادیث که مشتمل
بر ذکر مصایب ایشان باشد بخوانند و بعضی از علما گفته
اند که ترک بعضی از لذات بکنند و از حضرت امام رضا
منقولست که ماه محرم ماهی بود که کافران در این ماه
جنگ کردن را حرام میدانستند و منافقان این امت در این
ماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند
و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش در خیمهای ما زدند
و اموال ما را غارت کردند و حرمت حضرت رسالت در باب
ما رعایت نکردند بدرستی که مصیبت حضرت امام حسین
چشمهای ما را مجروح کرده اند و آب دیدهای ما را جاری ساخت
و عزیز ما را ذلیل کردند و واقعه کرب و بلا را برای ما مقضا
کردند تا روز قیامت پس باید که بر مصایب ایشان گریه
کنند کان بگریند بدرستی که گریه بر آنحضرت گناهان بزرگ
را برطرف میکند پس فرمود که پدرم حضرت امام موسی
چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را خندان نمیدید
و اثر حزن و اندوه بر آنحضرت ظاهر میشد در مجموع ده
اول ماه محرم و چون روز دهم میشد روز مصیبت و گریه
و اندوه او بود و می گفت امروز روز شهادت حسین و در شد



دیگر فرمود که چون حسین ؑ شهید شد آسمان خون و خاک بارید
اگر بر آنحضرت آنقدر گریه کنی که آب دیدهٔ تو بر روی تو جاری
گردد حق تعالی جمیع گناهان کوچک و بزرگ ترا بیامرزد
پس فرمود که اگر خواهی که چون بمیری هیچ گناه بر تو نباشد
زیارت کن حضرت امام حسین ؑ و اگر خواهی که در غرفهای بهشت
با حضرت رسول ص و آل او باشی لعنت کن قاتلان حسین را و اگر
خواهی ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت که مصیبت
آنحضرت را بیاد آوری بگو یا لَیتَنی کُنتُ مَعَهُم فَأَفُوزَ فَوزاً
عَظِیماً یعنی ای کاشکی میبودم با ایشان پس رستگاری می
یافتم رستگاری بزرگ و اگر خواهی که در درجات عالیه بهشت
با ما باشی از برای اندوه ما اندوهناک و از برای شادی ما شاد
باش و بدانکه روزهٔ روز اول محرم حضرت زکریا ؑ دعا کرد و از
خدا فرزند طلبید و حقتعالی دعای او را مستجاب گردانید و حضرت
یحیی ؑ را باو عطا کرد پس هر که این روز را روزه بدارد و دعا کند حق
تعالی دعای او را مستجاب گرداند چنانکه دعای زکریا را مستجاب
کرد و شیخ مفید ره گفته است که روز سیم محرم روز مبارکی
است و در آن روز حضرت یوسف ؑ از چاه بیرون آمد هر که آن
روز را روزه بدارد حقتعالی کارهای صعب را بر او آسان
گرداند و غمهای او را زایل گرداند و بهتر آنست که روز نهم و



دهم را روزه بدارد زیرا که بنی امیه این روز را روز برکت می
دانستند و شماتت بر قتل آنحضرت روزه میداشته‌اند و احادیث
بسیار در فضیلت آن روز روزه از آنحضرت بسته‌اند و از
طریق اهل بیت علیهم السلام احادیث در مذمت روزه این
دو روز خصوصا روز عاشورا وارد شده است و ایضا بنی
امیه لعنهم الله از برای برکت آذوقه سال را در روز عاشورا
در خانه ذخیره میکرده‌اند لهذا از حضرت امام رضا ع
منقولست که هر که ترک کند سعی در حوائج خود را در روز
عاشورا و پی کاری نرود حق تعالی حوائج دنیا و آخرة
او را برآورد و هر که روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و
گریه او باشد حقتعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و
شادی او گرداند و دیده اش در بهشت بما روشن گردد
و هر که روز عاشورا روز مبارک داند و از برای برکت خود
در آن روز چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را از برای او مبارک
نگرداند و در روز قیامت با یزید و عبید الله ابن زیاد و عمر ابن سعد
علیهم اللعنة محشور گردد پس باید که در روز عاشورا آدمی
مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه
و مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را که تعزیه آنحضرت
بدارند و مشغول ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد



و اقارب خود میباشد و در این روز امساک کند از خوردن و
آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز بعد از عصر
افطار کند اگرچه بشربت آبی باشد و روزهٔ تمام ندارد مگر
آنکه در خصوص این روز روزهٔ واجبی داشته باشد که نذر
داشته آن براو واجب شده باشد که این روز را باید روزه
بگیرد و در آن روز آذوقه ذخیره نکند و نخندند و مشغول لهو
و لعب نگردد و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند
بگوید اللهم العن قتلة الحسین و در روایتی وارد شده
است از حضرت صادق که هر که در روز عاشورا هزار مرتبه
سورهٔ قل هو الله احد بخواند خداوند رحمن نظر رحمت بسوی
او بکند و هر که خدا نظر رحمت بسوی او کند هرگز او را
عذاب نکند و در شب عاشورا نیز باید احیا کند بگریه و
اندوه و حزن برای تاسی بحضرت امام حسین و اصحاب او که
در آن شب در صحرای کربلا در میان سی هزار نفر از کافران
بیجا تا صباح احیا کردند و عبادت و طلب سعادت شهادت
میکردند در زیارت مشهور آنحضرت است در روز عاشورا
فضیلت زیارت آنحضرت در شب و روز عاشورا بسند معتبر از
صادق منقول است که هر که در شب عاشورا نزد قبر شریف
آنحضرت باشد و آنحضرت را زیارت کند در روز قیامت محشور

گردد



کردد بخون خود آلوده و در بهشت شهداء کربلا در میان ایشان
محشور گردد و هرکه در شب و روز عاشورا زیارت کند آنحضرت را
چنان باشد که در پیش روی آنحضرت شهید شده باشد و بسند
صحیح از آنحضرت منقولست که هرکه حضرت امام حسین را در
روز عاشورا زیارت کند بهشت او را واجب گردد اما زیارت مشهور
روز عاشورا شیخ طوسی و ابن قولویه و غیر ایشان روایت کرده
اند از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه و هر دو از محمد بن اسمعیل
علقمة بن محمد حضرمی و هر دو از مالک جهنی که حضرت امام محمد
باقر ع فرمود که هرکه زیارت کند حضرت امام حسین ع را در روز دهم
محرم یا نزد قبر آنحضرت گریان شود ملاقات کند خدا را در روز
قیامت با ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار
هزار جهاد که هریک را با رسول خدا ص و ائمه طاهرین علیهم السلام
کرده باشد مالک گفت فدای تو شوم چه ثواب است برای
کسی که در میان شهرهای دور باشد و ممکن نباشد او را
رفتن بسوی آنحضرت فرمود که چون روز عاشورا شود بیرون
رود بسوی صحرا یا بالا رود بر بام بلندتر از خانه خود و اشاره
کند بسوی آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین کردن بر قاتل
آنحضرت و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و بکند این کار را
در اول روز پیش از زوال پس ندبه و نوحه و گریه کند بر حسین



وامر کنند هر که را در خانه اوست و از او تقیه نکند بگریه کردن
بر آنحضرة و در خانه خود مصیبتی بر پا دارد با ظهار جزع بر آنحضرت
وملاقات کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانهای خود بگریه
کردن و تعزیه گویند بعضی از ایشان بعضی را بمصیبت آنحضرة
پس من ضامنم بر خدا که هرگاه این کار را بکنند حق تعالی جمیع این
ثوابها را با ایشان عطا فرماید مالک گفت تو ضامنی و کفیلی
از برای ایشان باین ثوابها فرمود بلی پرسید که چگونه یک
دیگر را تعزیه میگویند عَظَّمَ اللهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا بِالحُسَیْنِ
فرمود که می گویند بزرگ گرداند خدا مزد ما را بمصیبت ما بحسین
وَجَعَلَنا وَاِیّاکُمْ مِنَ الطّالِبینَ بِثارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الاِمامِ
و بگرداند ما و شما را از طلب کنندگان خون او با حضرت او پیشوای
اَلْمَهْدِیِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ و اگر توانی در این روز
راه نموده از آل محمد بر ایشان سلام از برای هیچ کار از
خانه بیرون مرو که این روز نحسیست که حاجت هیچ مؤمن
در آن بر آورده نمیشود و اگر بر آورده شود از برای او مبارک
نیست خیری و رشدی نخواهد دید و ذخیره مکن از برای منزل
خود چیزی که در این روز از برای منزل خود چیزی ذخیره کند
از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است و اهلش که از
برای ایشان ذخیره کرده است مبارک نخواهد بود از برای

پس کسی



پس کسی چنین کند از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج
و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه را با رسول خدا
کرده باشد و از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبری
و رسولی و صدیقی و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده
باشد از وقتی که خدا دنیا را خلق کرده است تا روز قیامت علقمه
بن محمد گفت که من گفتم بحضرت امام محمد باقر که تعلیم نما بمن دعائی
که بخوانم در این روز که هرگاه که خواهم که آنحضرت را زیارت کنم از
نزدیک و دعائی که هرگاه در شهرهای دور خواهم که اشاره
کنم آنحضرت را و زیارت کنم بخوانم فرمود که ای علقمه هرگاه بکنی
آن دو رکعت نماز را بعد از آنکه اشاره کرده باشی بجانب
آنحضرت بسلام و گفته باشی بعد از اشاره و نماز این
قول را که مذکور خواهد شد پس دعا کرده خواهی بود بدعائی
که ملائکه میخوانند در وقتی که زیارت آنحضرت میکنند و
مینویسد خدا برای تو بآن زیارت هزار هزار حسنه و محو
میکند از تو هزار هزار گناه و بلند می کند از برای تو
در بهشت هزار هزار درجه و خواهی بود از آنها که شهید
شده باشند با حسین ابن ع تا آنکه شریک شوی با ایشان
در درجات ایشان و نشناسند ترا مگر از آنها که با آن
حضرت شهید شده اند و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبر



ورسولی وثواب زیارة هر که آنحضرت را السلام علیک
زیارة کرده است از روزی که شهید شده است سلام برتو باد
یا ابا عبد الله السلام علیک یابن رسول الله السلام
ای ابا عبد الله سلام برتو ای پسر رسول خدا سلام
علیک یابن امیر المؤمنین وابن سید الوصیین السلام
برتو ای پسر امیر مؤمنان و پسر آقای اوصیا سلام
علیک یابن فاطمة سیدة نساء العالمین السلام
برتو ای پسر فاطمه آقای زنان جهانیان سلام
علیک یا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور السلام علیک
برتو ای خون خدا و پسر خون او و ای خون [illegible] سلام برتو
وعلی الارواح التی حلت بفنائک علیکم منی جمیعا
و بر جانهای که فرود آمدند بگرد [illegible] برشما از جانب من همه
سلام الله ابدا ما بقیت وبقی اللیل والنهار یا ابا
سلام خدا همیشه مادامی که باقیم من و باقی است [illegible] و روز ای ابا
عبد الله لقد عظمت الرزیة وجلت المصیبة بک
عبد الله هر آینه بتحقیق بزرگ است [illegible] و بزرگ شد مصیبت تو
علینا وعلی جمیع اهل الاسلام وجلت وعظمت مصیبتک
بر ما و بر همه اهل اسلام و بزرگ و عظیم است مصیبت تو
فی السموات علی جمیع اهل السموات فلعن الله امة اسست
در آسمانها بر همه اهل آسمانها پس لعنت کند خدا امتی که بنا کردند

اساس

اساس الظلم والجور عليكم اهل البيت ولعن الله امة
اساس ستمکاری وجور را بر شما اهل بیت ولعنت کند خدا امتی

دفعتكم عن مقامكم وازالتكم عن مراتبكم التي رتبكم
که دفع کردند شما را از جای خدا و زایل کردند شما را از مرتبهای خود که قرار داده است

الله فيها ولعن الله امة قتلتكم ولعن الله الممهدين لهم
خدا در آن مرتبه ولعنت کند خدا امتی را که کشتند شما را ولعنت کند خدا تمهید کنندگان ایشان را

بالتمكين من قتالكم برئت الى الله واليكم منهم ومن
بتمکین ایشان از کشتن شما بیزارم من بسوی خدا وبسوی شما از ایشان و از

اشياعهم واتباعهم واوليائهم يا ابا عبد الله اني
پیروان ایشان و تابعان ایشان و دوستان ایشان ای ابا عبد الله بدرستیکه

سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم الى يوم القيامة
صلحم با هر که با شما صلح است وجنگم با هر که با شما جنگ است تا روز قیامت

ولعن الله آل زياد وآل مروان ولعن الله بني امية
ولعنت کند خدا آل زیاد را وآل مروان را ولعنت کند خدا پسران امیه را

قاطبة ولعن الله ابن مرجانة ولعن الله عمر بن سعد
همه ولعنت کند خدا پسر مرجانه را ولعنت کند خدا عمر پسر سعد را

ولعن الله شمرا ولعن الله امة اسرجت والجمت و
ولعنت کند خدا شمر را ولعنت کند خدا امتی را که زین زدند و دهنه کردند و

تنقبت وتهيأت لقتالك بابي انت وامي لقد عظم
ونقاب بستند ومهیا شدند از برای کشتن تو پدرم ومادرم فدای تو هرآینه بزرگ است



مصابي بك فاسئل الله الذي اكرم مقامك واكرمني

مصیبت من بتو پس سوال می کنم خدا انکه گرامی کرد جایگاه ترا و گرامی کرد مرا

بك ان يرزقني طلب ثارك مع امام منصور من اهل

بتو اینکه روزی کند مرا طلب خون تو با امام یاری کرده شده از اهل

بيت محمد صلى الله عليه واله اللهم اجعلني عندك

خانه محمد رحمت کند خدا بر او و آل او خداوندا بگردان مرا نزد خود

وجيها بالحسين في الدنيا والاخرة يا ابا عبد الله اني

رو سفید بسبب حسین در دنیا و اخرت ای ابا عبد الله بدرستیکه من

اتقرب الى الله والى رسوله والى امير المؤمنين والى

نزدیکی می جویم بسوی خدا و بسوی رسول او و بسوی امیر مؤمنان و بسوی

فاطمة والى الحسن واليك بموالاتك وبالبراءة ممن قاتلك

فاطمه و بسوی حسن و بسوی تو بدوستی تو و به بیزاری از انکه کشت ترا

ونصب لك الحرب وبالبراءة ممن اسس اساس الظلم

و بر پا کرد برای تو جنگ را و بیزاری از انکه اساس کرد اساس ستم

والجور عليكم وابرء الى الله والى رسوله ممن اسس ذلك

و جور را بر شما و بیزاری می جویم بسوی خدا و بسوی رسول او از انکه اساس این را

وبنى عليه بنيانه وجرى في ظلمه وجوره عليكم وعلى

و بنا کرد بر او بنای او را و جاری کرد در ستم او و جور او بر شما و بر

اشياعكم برئت الى الله واليكم منهم واتقرب الى الله

پیروان شما بیزاری می جویم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان و نزدیکی می جویم بسوی خدا



ثُمَّ اِلَیْکُمْ بِمُوالاتِکُمْ وَمُوالاتِ وَلِیِّکُمْ وَبِالْبَرآءَةِ مِنْ

پس بسوی شما بدوستی شما و دوستی و با بیزاری از

اَعْدائِکُمْ وَالنّاصِبینَ لَکُمُ الْحَرْبَ وَبِالْبَرآءَةِ مِنْ اَشْیاعِهِمْ

دشمنان شما و نصب کنندگان از برای شما جنگ را و بیزاری از پیروان

وَاَتْباعِهِمْ اِنّی سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ

و تابعان ایشان بدرستیکه صلحم با هرکه با شما صلح است و جنگم با هرکه با شما جنگ است

وَوَلِیٌّ لِمَنْ والاکُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداکُمْ فَاَسْئَلُ اللهَ

و دوستم با هرکه با شما دوست است و دشمنم با هرکه با شما دشمن است پس سوال کردم خدا

الَّذی اَکْرَمَنی بِمَعْرِفَتِکُمْ وَمَعْرِفَةِ اَوْلِیائِکُمْ وَرَزَقَنِی الْبَرآءَةَ

آنکه گرامی داشت مرا بشناختن شما و شناختن دوستان شما و روزی کرد مرا بیزاری

مِنْ اَعْدائِکُمْ اَنْ یَجْعَلَنی مَعَکُمْ فِی الدُّنْیا وَالْاٰخِرَةِ وَاَنْ

از دشمنان شما اینکه بگرداند مرا با شما در دنیا و آخرت و اینکه

یُثَبِّتَ لی عِنْدَکُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِی الدُّنْیا وَالْاٰخِرَةِ وَ

ثابت کند برای من نزد شما جایگاه راستی در دنیا و آخرت

اَسْئَلُهُ اَنْ یُبَلِّغَنِیَ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ لَکُمْ عِنْدَ اللهِ وَاَنْ

سوال می کنم از او اینکه برساند مرا جایگاه پسندیده شده را که از برای شما نزد خدا و اینکه

یَرْزُقَنی طَلَبَ ثاری مَعَ اِمامٍ مَهْدِیٍّ ظاهِرٍ ناطِقٍ مِنْکُمْ

روزی کند مرا طلب کردن خون مرا با امام راه نموده شده هویدا سخن گوی از شما

وَاَسْئَلُ اللهَ بِحَقِّکُمْ وَبِالشَّأْنِ الَّذی لَکُمْ عِنْدَهُ اَنْ

و سوال میکنم خدا را بحق شما و بمرتبه آنکه مر شما راست نزد او اینکه



يعطيني بمصابي بكم افضل ما يعطي مصابا بمصيبته

عطا کنی مرا بسبب مصیبت من بشما بهتر آنچه عطا می کنی صاحب مصیبتی را بسبب مصیبت او

مصيبة ما اعظمها واعظم رزيتها في الاسلام وفي

و آهی مصیبتی و چه بزرگست آن و چه بزرگست مصیبت آن در اسلام و در

جميع اهل السموات والارض اللهم اجعلني في مقا

همه اهل آسمانها و زمین خدایا بگردان مرا در جایگاه من

هذا ممن تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم

این از آنانکه برسد او را از تو درودی و رحمتی و آمرزشی خدایا

اجعل محياي محيا محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد وآل

بگردان زندگی مرا مانند زندگی محمد و آل محمد و مردن مرا مانند مردن محمد و آل

اللهم ان هذا يوم تبركت به بنو امية وابن اكلة

خدایا بدرستی این روزیست که مبارک دانستند بآن پسران امیه و پسر خورنده

الاكباد اللعين ابن اللعين على لسان نبيك وآله

جگرها لعین پسر لعین بر زبان پیغمبر تو و آل او

في كل موطن وموقف وقف فيه نبيك صلواتك

در هر جا و منزل که اقامت نمود در آن پیغمبر تو رحمت تو

عليه وآله اللهم العن ابا سفيان ومعاوية

بر او و آل او خدا لعنت کن ابا سفیان و معاویه

ابن ابي سفيان ويزيد بن معاوية عليهم منك

پسر ابا سفیان و یزید پسر معاویه بر ایشان باد از جانب تو



اللعنة

اللعنة ابد الابدين وهذا يوم فرحت به آل زياد و

لعنت در مدت بی نهایت واین روزی است که شاد شدند در آن آل زیاد و

آل مروان بقتلهم الحسين اللهم ضاعف عليهم

آل مروان بسبب کشته شدن حسین خداوندا زیاد گردان برایشان

اللعن منك والعذاب اللهم اني اتقرب اليك

لعنت را از جانب خود و عذاب را خداوندا بدرستیکه من نزدیکی می جویم بسوی تو

في هذا اليوم وفي موقفي هذا وايام حياتي بالبراءة

در این روز و در این جایگاه این و مدت زندگانی بر بیزاری

منهم واللعنة عليهم وبالموالاة لنبيك وآل

از ایشان و لعنت برایشان و بدوستی مر پیغمبر تو را و آل

نبيك عليهم السلام پس صد مرتبه بگوید اللهم العن

پیغمبر تو برایشان سلام خداوندا لعنت کن

اول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك

اول ستمکاری که ستم کرد در حق محمد و آل محمد و آخر متابعت کننده مر او برای این

اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين وشايعت

خداوندا لعنت کن جماعتی که کارزار کردند با حسین و پیروی کردند

وبايعت وتابعت على قتله اللهم العنهم جميعا

و بیعت کردند و متابعت کردند بر کشتن او خداوندا لعنت کن ایشان را همه

پس صد مرتبه بگو السلام عليك يا ابا عبد الله

سلام بر تو ای ابا عبد الله



وعلی الارواح التی حلت بفنائک علیک منی

و بر جانهائی که فرود آمدند گرداگرد تو بر تو از جانب من

سلام الله ابدا ما بقیت وبقی اللیل والنهار ولا

سلام خدا همیشه مادامی که باقی باشم و باقی است شب و روز و نه

جعله الله آخر العهد منی لزیارتکم السلام علی

گرداند او را خدا آخر عهدی از من که زیارت تو سلام بر

الحسین وعلی علی بن الحسین وعلی اصحاب الحسین

حسین و بر علی پسر حسین و بر یاران حسین

پس بگو اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی

خدایا مخصوص کن تو اول ستم کننده را بلعن از من

وابدء به اولا ثم الثانی ثم الثالث ثم الرابع

وابتدا کن بان اول را پس دویم را پس سیم را پس چهارم

اللهم العن یزید بن معاویة خامسا والعن عبید الله

خداوندا لعنت کن یزید پسر معاویه را در پنجم و لعنت کن عبید الله

ابن زیاد وابن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل

پسر زیاد و پسر مرجانه را و عمر پسر سعد و شمر را و آل

ابی سفیان وآل زیاد وآل مروان الی یوم القیامة

ابا سفیان و آل زیاد و آل مروان تا روز قیامت

پس سجده کن و بگو اللهم لک الحمد حمد الشاکرین

خدایا و مر تراست ستایش ستایش سپاسگذاران



لک

لَکَ عَلیٰ مُصابِهِم اَلحَمدُ لِلّهِ عَلیٰ عَظیمِ رَزِیَّتی اَللّهُمَّ

از برای تو بر مصیبتهای ایشان سپاس مر خدا را بر بزرگ رزیه خداوندا

ارزُقنی شَفاعَةَ الحُسَینِ یَومَ الوُرُودِ وَثَبِّت لی

روزی کن مرا شفاعة حسین در روز وارد شدن و ثابت کن برای من

قَدَمَ صِدقٍ عِندَکَ مَعَ الحُسَینِ وَاَصحابِ الحُسَینِ

قدم راستی نزد حق با حسین و یاران حسین

اَلَّذینَ بَذَلُوا مُهَجَهُم دُونَ الحُسَینِ علقمه گفت که حضرت

آنکه نثار کردند جانهای خود را نزد حسین

امام محمد باقر فرمود

که اگر توانی هر روز باین کیفیت زیارت کنی بکن که جمیع

این ثوابها از برای تو خواهد بود و روایت کرد محمد بن خالد

طیالسی از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان جمال و جماعتی

از اصحاب خود رفتیم بسوی نجف بعد از آنکه حضرت صادق

بیرون رفته بودند از حیره بمدینه پیش از ما پس چون از

زیارة حضرة امیر المؤمنین فارغ شدیم صفوان رو بخود را

گردانید بسوی قبر حضرة امام حسین و گفت زیارت کنید حضرت

امام حسین را از اینمکان از بالای سر امیر المؤمنین که

حضرة امام جعفر صادق چنین کرد در وقتی که من در خدمت

آنحضرة باینمکان شریف آمده بودم پس خواند صفوان از زیارتی

که علقمه از حضرت امام محمد باقر برای روز عاشورا روایت



کرده است پس دو رکعت نماز کرد نزد سر امیر المؤمنین
و وداع کرد بعد از نماز امیر المؤمنین او رو بجانب قبر
امام حسین کرد و آنحضرت را نیز وداع کرد و از جمله دعا
ها که بعد از آن دو رکعت خواند این دعا بود

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا كَاشِفَ
ای خدا ای خدا ای خدا ای اجابت کننده دعای بیچارگان ای رافع کننده

كُرَبِ الْمَكْرُوبِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا صَرِيخَ الْمُسْ
اندوه اندوهناکان ای فریادرس فریادخواهان ای داد و دادرس طلبان

وَيَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ
وای آنکه او نزدیکتر است بسوی من از رگ گردن وای آنکه حایل میشود میان

الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلَى وَبِالْاُفُقِ
مرد و دل او وای آنکه اوست بمرتبه بلند است و بکنار

الْمُبِينِ وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى
هویدا است وای آنکه اوست بخشنده مهربان بر عرش مستوی

وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ يَا مَنْ
و ای آنکه می داند خیانت چشمها را و آنکه پنهان است در سینه ها ای و آنکه

لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ وَيَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْاَصْوَ
پنهان نیست براو هیچ پنهانی وای آنکه مشتبه نمی کند براو صداها

وَيَا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ الْحَاجَاتُ وَيَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ اِلْحَاحُ الْمُلِحِّ
و ای آنکه بغلط نمی اندازد حاجتها وای آنکه تنگ نمی آورد الحاح الحاح کنندگان



یا مردّ

يَا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ وَيَا جَامِعَ كُلِّ شَمْلٍ وَيَا بَارِئَ النُّفُوسِ

اى دريابنده هر فوت شده واى جمع كننده هر متفرقه واى ايجاد كننده جانها

بَعْدَ الْمَوْتِ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ

بعد از مرگ اى آنكه او هر روزى در كارى است اى برآورنده حاجتها

يَا مُنَفِّسَ الْكُرُبَاتِ يَا مُعْطِيَ السُّؤُلَاتِ يَا وَلِيَّ الرَّغَبَاتِ

اى زايل كننده اندوهها اى عطا كننده سؤالها اى دوست رغبتها

يَا كَافِيَ الْمُهِمَّاتِ يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ

اى كفايت كننده مهمات اى آنكه كار گذارى مى‌كند از هر چيزى و كار گذارى نمى‌كند از او

شَيْءٌ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ أَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ

چيزى در آسمانها و زمين سؤال مى‌كنم ترا بحق محمد و علي و

بِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَإِنِّي

بحق فاطمه دختر پيغمبر تو و بحق حسن و حسين پس بدرستى كه من

بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هٰذَا وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ وَ

بايشان رو آورده‌ام بسوى تو در جايگاه خود اين و بايشان وسيله مى‌جويم و

بِهِمْ أَتَشَفَّعُ إِلَيْكَ وَبِحَقِّهِمْ أَسْئَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأَعْزِمُ

بايشان شفيع مى‌سازم بسوى تو و بحق ايشان سؤال مى‌كنم ترا و قسم مى‌دهم و قصد مى‌كنم

عَلَيْكَ وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالْقَدْرِ الَّذِي

بر تو و بمرتبه آنچنانى كه براى ايشان نزد تست و بمرتبه آنچنانى

لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ

براى ايشان نزد تست و بآنكه تفضيل داده ايشان را بر جهانيان



باسمائك الذي جعلته عندهم وبه خصصتهم دون
بنام تو آنچنانکه قرار دادی اورا نزد ایشان وبه آن مخصوص کردی ایشان را نزد
العالمين وبه ابنتهم وابنت فضلهم من فضل العباد
عالمیان وبآن ظاهر ساختی ایشان را وظاهر ساختی فضل ایشان را از فضل عباد
حتى فاق فضلهم فضل العالمين ان تصلي على محمد
تا بلند کرد فضل ایشان را فضل جهانیان اینکه رحمت کنی بر محمد
وآل محمد وان تكشف عني غمي وهمي وكربي وتكفيني
وآل محمد واینکه زایل کنی از من غم مرا واندوه مرا وحزن مرا وکفایت کنی
المهم من اموري وتقضي عني ديني وتجيرني من الفقر
مهم را از امور من وبرآور از من قرض مرا ونگاهداری کنی مرا از احتیاج
وتجيرني من الفاقة وتغنيني عن المسئلة الى المخلوقين
وپناه دهی مرا از تنگدستی وبی نیاز کنی مرا از سوال بسوی مخلوقین
وتكفيني هم من اخاف همه وعسر من اخاف عسره
وکفایت کنی مرا اندوه کسیکه میترسم اندوه اورا ودشواری انکه میترسم دشواری اورا
وحزونة من اخاف حزونته وشر من اخاف شره و
واندوه کسیکه میترسم اندوه اورا وبدی کسیکه می ترسم بدی اورا
مكر من اخاف مكره وبغي من اخاف بغيه وجور
مکر کسیکه میترسم مکر اورا وستم کسیکه می ترسم ستم اورا وجور
من اخاف جوره وسلطان من اخاف سلطانه وكيد
کسیکه میترسم جور اورا وسلطنت کسیکه می ترسم سلطنت او وکید

۱۰۰

من اخاف



مَنْ اَخَافُ كَيْدَهُ وَمَقْدِرَتَهُ مَنْ اَخَافُ بَلَاۤءَ مَقْدُرَتِهِ
کسیکه میترسم کید اورا و اندازه کسیکه می ترسم بلای اندازه اورا

عَلَىَّ وَرُدَّ عَنِّى كَيْدَ الْكَيَدَةِ وَمَكْرَ الْمَكَرَةِ اَللّٰهُمَّ مَنْ اَرَادَنِى
بر من و برگردان از من مکر مکر کنندگان وحیله حیله کنندگان خداوندا کسیکه اراده کند مرا

فَاَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنِى فَكِدْهُ وَاصْرِفْ عَنِّى كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ
پس اراده کن اورا و کسیکه حیله کند مرا حیله کن اورا و برگردان از من کید اورا و حیله اورا

وَبَاْسَهُ وَاَمَانِيَّهُ وَامْنَعْهُ عَنِّى كَيْفَ شِئْتَ وَاَنّٰى شِئْتَ
و بدی اورا و بازی دادن او و منع کن اورا از من بهر گونه که خواهی و هر روش که خواهی

اَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّى بِفَقْرٍ لَا تَجْبُرُهُ وَبِبَلَاۤءٍ لَا تَسْتُرُهُ وَ
خداوند مشغول کن اورا از من به تنگدستی که تدارک نکنی اورا و ببلاء که نپوشانی اورا و

وَبِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا وَبِسُقْمٍ لَا تُعَافِيهِ وَذُلٍّ لَا تُعِزُّهُ وَ
با حتیاجی که باز نداری اورا و به بیماری که عافیت ندهی اورا و خواری که عزت ندهی اورا و

بِمَسْكَنَةٍ لَا تَجْبُرُهَا اَللّٰهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصْبَ
و به تنگدستی که تدارک نکنی اورا خدایا بزن خواری میان

عَيْنَيْهِ وَاَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِى مَنْزِلِهِ وَالْعِلَّةَ
دو چشم او و داخل کن براو فقر در منزل او و علت

وَالسُّقْمَ فِى بَدَنِهِ حَتّٰى تَشْغَلَهُ عَنِّى بِشُغْلٍ شَاغِلٍ لَا
و بیماری در بدن او تا آنکه مشغول کنی اورا از من بشغل مشغول دارنده که نیست

فَرَاغَ لَهُ وَاَنْسِهِ ذِكْرِى كَمَا اَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ وَخُذْ
فراغت از برای او و فراموش ده اورا یاد مرا چنانکه فراموش دادی اورا یاد خود و بگیر



عنّي بسمعه وبصره ولسانه ويده ورجله وقلبه و

از من بگوش او وديده او وزبان او ودست او وپاى او ودل او و

جميع جوارحه وادخل عليه في جميع ذلك السقم و

همه اعضاى او وداخل كن براو در همه اين بيمارى و

لشقه حتّى تجعل ذلك شغلا شاغلا به عنّي و

مشقت را تا گردانى اين را شغل دارنده او از من و

عن ذكري واكفني يا كافي ما لا يكفي سواك ومفرّج

از ذكر من وكفايت كن مرا اى كفايت كننده آنچه كفايت نميكند جز تو وگشاينده

لا مفرّج سواك ومغيث لا مغيث سواك وجار لا

كه نيست گشاينده جز تو وفرياد رسنده كه نيست فرياد رسنده جز تو وهمسايه كه نيست

جار سواك خاب من كان رجاؤه لسواك ومغيثه

همسايه جز تو نااميد شد كسيكه بود اميد او جز او وفرياد رس او

سواك ومفزعه الى سواك ومهربه وملجاؤه الى

جز تو وپناهگاه او بسوى غير تو وگريزگاه او وپناه او بسوى

غيرك ومنجاه من مخلوق غيرك فانت ثقتي ورجائي

غير تو ونجاتگاه او از آفريده غير تو پس تويى معتمد منى واميد منى

ومفزعي ومهربي وملجاي ومنجاي فبك استفتح

وپناهگاه منى وگريزگاه منى وپناه منى ونجاتگاه منى پس بتو طلب گشايش ميكنم

وبك استنجح وبمحمّد وآل محمّد اتوجّه اليك واتوسّل

وبتو رستگارى ميطلبم وبمحمد وآل محمد رو ميكنم بتو وتوسل ميكنم

واستشفع



وَاَتَشَفَّعُ فَاَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ

وشفیع می گردانم پس سوال می کنم ترا ای خدا ای خدا ای خدا پس مر ترا ست ستایش

لَكَ الشُّكْرُ وَاِلَيْكَ الْمُشْتَكىٰ وَاَنْتَ الْمُسْتَعَانُ فَاَسْئَلُ

مر تراست شکر و بسوی تو شکایت می کنم و تو ئی یاری خواسته شده پس سوال کنم ترا

فَاَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

پس سوال می کنم ترا ای خدا بحق محمد و آل محمد اینکه رحمت کنی بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي

و آل محمد و اینکه رفع کنی از من غم مرا و اندوه مرا و حزن مرا در مقام من

هٰذَا كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ وَكَفَيْتَهُ

این چنانکه روشن کردی از پیغمبر تو هم او و غم او و اندوه او و کفایت کردی او را

هَوْلَ عَدُوِّهِ فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ وَفَرِّجْ عَنِّي

شدت دشمن او را پس دفع کن از من چنانکه زائل کردی از او و گشوده از من

كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَاكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ

چنانکه گشودی از او و کفایت کن مرا چنانکه کفایت کردی او را و بگردان از من شدت

مَا اَخَافُ هَوْلَهُ وَمَؤُنَةَ مَا اَخَافُ هَمَّهُ بِلَا مَؤُنَةٍ

آنچه می ترسم هول او را و زحمت آنچه می ترسم اذیت او را بدون اذیتی

عَلىٰ نَفْسِي مِنْ ذٰلِكَ وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي وَكِفَايَةِ

بر نفس خود از این و بگردان مرا به برآوردن حاجت من و کفایت

مَا اَهَمَّنِي هَمُّهُ مِنْ اَمْرِ اٰخِرَتِي وَدُنْيَايَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

آنچه اندوهگین ساخت مرا اندوه او از امر آخرت من و دنیای من ای پادشاه مومنان

یا اباعبدالله علیکما منی سلام الله ابداً ما بقی
وای ابا عبد الله برشما از من سلام خدا همیشه تا وقتی که باقی است
اللیل والنهار ولا جعله الله اخر العهد من زیا
شب و روز و مگردان این را خدا آخر عهد از زیارت
رتکما ولا فرق الله بینی وبینکما اللهم احینی حیوة
شما و جدا نکند خدا میان من و میان شما خدایا زنده دار مرا زندگی
محمد وذریته وامتنی مماتهم وتوفنی علی ملتهم
محمد و فرزندان او و بمیران مرا بمردن ایشان و بمیران مرا بر طریقه ایشان
واحشرنی فی زمرتهم ولا تفرق بینی وبینهم طرفة
و در آور مرا در گروه ایشان و جدا منما میان من و میان ایشان یک
عین ابداً فی الدنیا والاخرة یا امیر المؤمنین ویا
چشم زدن هرگز در دنیا و آخرت ای امیر مومنان و ای
ابا عبد الله اتیتکما توجهت الی ضریحکما اتیتکما
ابا عبد الله آمدم شما را رو آوردم بسوی ضریح شما آمدم شما را
زائراً ومتوسلاً الی الله ربی وربکما متوجهاً الیه
زیارت کننده ام و وسیله جوینده ام بسوی خدا که پروردگار من و پروردگار شما است رو آوردم بسوی او
بکما ومستشفعاً بکما الی الله فی حاجتی هذه فا
بشما و شفاعت می جویم بشما ازبرای من بسوی خدا در حاجت خود این پس شفیع باشید
شفعا لی فان لکما عند الله المقام المحمود والجاه
ازبرای من پس بدرستیکه ازبرای شما نزد خدا مقام ستوده و مرتبه است

الوجیه



الوجيه والمنزل الرفيع والوسيلة اني انقلب عنكما

نیکو و جای بلند و وسیله بدرستی که من بر می گردم از شما

منتظر لتنجز الحاجة وقضائها ونجاحها من الله بشفا

انتظار کشنده ام از برای روا شدن حاجت و بر آمدن آن و رفع آن از خدا بشفاعت

عتكما لي الى الله في ذلك فلا اخيب ولا يكون منقلبي

شما از برای من بسوی خدا در این پس نا امید نشوم و نمی باشد برگشتن من

خائبا خاسرا بل يكون منقلبي منقلبا راجحا منجحا

برگشت نا امیدی زیان کاری بلکه بوده باشد برگشتن من برگشتن امیدوار و رستگار

مستجابا لي بقضاء جميع حوائجي وتشفعا لي الى الله

مستجاب از برای من بر آمدن همه حاجتهای من و شفاعت کننده برای من بسوی خدا

انقلب على ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله

بر می گردم بهر آنچه خواهد خدا و نیست گردیدن و نه توانائی مگر بخدا

مفوضا امري الى الله ملجئا ظهري الى الله ومتوكلا

گذارنده کار خود را بسوی خدا پناه دهنده پشت خود را بسوی خدا و اعتماد کننده

على الله واقول حسبي الله وكفى سمع الله لمن دعا

بر خدا و می گویم بس است مرا خدا و کافی است شنید خدا از برای آنکه خواند

ليس لي وراء الله ووراءكم يا سادتي منتهى ما

نیست از برای من غیر خدا و غیر شما ای آقایان من منتهای آنچه

شاء ربي كان وما لم يشا لم يكن ولا حول ولا قوة

خواهد پروردگار من بشود و آنچه نخواهد نباشد و نیست گردیدن و نه توانائی



إلا بالله استودعكما الله ولا جعله الله آخر العهد مني
مگر بخدا ودیعت می‌گذارم شما را خدا و نگرداند او را خدا آخر عهد از من

إليكما انصرفت يا سيدي يا أمير المؤمنين ومولاي وأنت
بسوی شما باز می‌گردم ای آقای من ای پادشاه مومنان و آقای من و تو

يا أبا عبد الله يا سيدي وسلامي عليكما متصل ما اتصل
ای اباعبدالله ای آقای من و سلام من بر شما پیوسته است مادامی که پیوسته

الليل والنهار واصل ذلك إليكما غير محجوب
شب و روز رسنده است این بسوی شما این غیر پنهان است

عنكما سلامي إن شاء الله وأسأله بحقكما أن يشاء
از شما سلام من اگر خواهد خدا و سوال می‌کنم او را بحق شما اگر می‌خواهد

ذلك ويفعل فإنه حميد مجيد انقلبت يا سيدي
این را و بکند پس بدرستی ستوده بزرگوار است برگردیدم ای آقای من

عنكما تائبا حامدا لله شاكرا راجيا للإجابة غير
از شما توبه کننده ستایش کننده مر خدای را شکر کننده امیدوار للاجابه غیر

آيس ولا قانط آئبا عائدا راجعا إلى زيارتكما غير
مایوس و محروم و نه ناامید باز گردنده بسوی زیارت شما غیر

راغب عنكما ولا من زيارتكما بل راجع عائد إن شاء
اعراض کننده از شما و نه از زیارت شما باز گردنده‌ام و رجوع کننده اگر خواهد

الله ولا حول ولا قوة إلا بالله يا سادتي رغبت إليكما
خدا و نیست گردش و نه قوه مگر بخدا ای آقایان من رغبت کردم بسوی شما



والی

وَاِلَى زِیارَتِکُما بَعْدَ اَنْ زَهِدَ فِیکُما وَفِی زِیارَتِکُما اَهْلُ
و بسوی زیارت شما بعد از آنکه بی رغبت شدند در شما و در زیارت شما اهل
الدُّنْیا فَلا خَیَّبَنِیَ اللهُ مِمّا رَجَوْتُ وَما اَمَّلْتُ فِی زِیارَتِکُما
دنیا پس محروم نگرداند مرا خدا از آنچه امید داشتم و آنچه آرزو داشتم در زیارت شما
اِنَّهُ قَرِیبٌ مُجِیبٌ سیف بن عمیره گفت من بصفوان گفتم
بدرستی که او نزدیک است اجابت کننده که علقمه که این زیارت را از حضرت امام محمد
باقر از برای ما روایت کرد این دعا را نقل نکرد صفوان گفت که
من وارد شدم با سید خود حضرت امام جعفر صادق ع باین
مکان پس کرد آنچه ما کردیم در زیارة و این دعا را خواند در
هنگام وداع بعد از آنکه دو رکعت نماز را کرد و آن وداع
را بجا آورد و بعد از آن صفوان گفت که حضرت صادق ع
بمن گفت که تعاهد نما این زیارت و بخوان این دعا را و باین
نحو زیارت بکن که من ضامنم بر خدا که هر که این زیارت بکند
این دعا را بخواند از نزدیک یا دور اینکه زیارتش مقبول
باشد و سعیش مزد داده شود و سلامش بآنحضرت برسد و
محجوب نگردد و هر حاجت که از خدا بطلبد بر آورده شود هر چند
حاجتش بزرگ باشد ای صفوان این زیارة را با همین ضامنی
از پدرم شنیدم و پدرم از علی بن الحسین ع با همین ضامنی
و او از امام حسین ع و او از امام حسن ع با همین ضامنی و او از



پدرش امیرالمؤمنین ع با همین ضامنی و امیرالمؤمنین ع از رسول
خدا صلی الله علیه و آله با همین ضامنی و رسول خدا ص با همین
ضامنی از جبرئیل و جبرئیل از خداوند عالمیان با همین ضامنی
و بتحقیق که حقتعالی قسم بذات مقدس خود خورده که هر که
حضرة امام حسین ع با این روش زیارة کند از نزدیک و دور
و این دعا را بخواند زیارة او را قبول کنم و هر حاجت که طلبد
بر آورم هر چند بزرگ باشد و هر سؤال که بکند عطا کنم و از
درگاه من نا امید بر نگردد و او را برگردانم و شاد و خوشحال
بر آمدن حاجتش و فایز شدن به بهشت و آزاد شدن از
آتش جهنم و از برای هر که شفاعت کند شفاعتش را قبول
کنم مگر کسی که دشمن ما اهل بیت باشد و گواه گرفت خدا
را بر اینچه گواه گرفته بود بر آن ملائکه ملکوت خود را پس
جبرئیل گفت یا رسول الله حقتعالی مرا بسوی تو فرستاده
است برای بشارة و سرور و خوشحالی تو و بشاره و شا
علی ابن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین ع و امامان از فرزند
تو تا روز قیامت پس حضرة صادق ع فرمود که ای صفوان هر گاه
ترا حاجتی بسوی خدا بهم رسد این زیارة را بکن هر جا که باشی
و این دعا را بخوان و از پروردگار خود حاجت خود را طلب
کن البته بر آورده میشود و حقتعالی خلف وعده خود نمیکند

فرماید



فرماید مؤلف گوید که چون عبارة حدیث تشویش عظیمی دارد
و قابل احتمال بسیار هست اگر اول زیارة السّلام علیک
یا اباعبدالله تا و ال نبیک علیهم السّلام بخواند و نماز زیارة
را بکند و باز همان زیارت را اعاده کند بهتر است و اگر بعد از
صد مرتبه لعنت بار دیگر نماز بکند و بعد از صد مرتبه
سلام بار دیگر نماز کند و متصل بسجده و بعد از سجده نیز
نماز بکند شاید بجمیع احتمالات عمل کرده باشد و اگر یکی از
زیارات بعید را بعمل آورد و نماز بکند و بعد از آن این اعمال
را بعمل آورد ظاهرا کافی باشد و اگر زیارت امیر المؤمنین ع را با آن
ضم کند بهتر است خصوصا هرگاه این زیارت را در نزد ضریح
امیر المؤمنین ع بعمل آورد و چون در حدیث تجویز کردن این زیارت
در هر وقت وارد شده است و اگر در غیر روز عاشورا کند بجای
اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا یَوْمٌ تَبَرَّکَتْ بِهِ بَنُو اُمَیَّةَ بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ
خدایا بدرستیکه این روزیست که مبارک دانستند بنو امیه خداوندا بدرستیکه
یَوْمَ قَتْلِ الْحُسَیْنِ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ یَوْمٌ تَبَرَّکَتْ بِهِ بَنُو اُمَیَّةَ
روز کشته شدن حسین رحمت تو براو روزیست که مبارک دانستند بنو امیه

فصل در سایر زیارات این روز است و از جمله آنها زیارتیست که بسند صحیح از عبدالله ابن سنان روایت کرده است
که رفتم بخدمت حضرة صادق ع در روز عاشورا و آنحضرت



را شکسته رنگ و اندوهناک با غم و آب از دیدهای مبارکش
مانند مروارید میریخت گفتم یابن رسول الله سبب گریه شما
چیست خدا هرگز دیدهای شما را گریان نکرداند حضرت
فرمود که مگر غافلی و نمیدانی که در مثل امروز حضرت امام
حسین شهید شده است گفتم ای سید من چه میفرمائید
در روزه اش فرمود که روزه بدار بدون آنکه شب نیت روزه
بکنی و افطار بکن نه از روی شماتت و بگو روز تمام روزه
مگیر و باید که افطار تو بعد از نماز عصر باشد بیکساعت بشربتی
از آب زیرا که در اینوقت جنگ برطرف شد از آل رسول صلعم و آله
و در زمین سی نفر از اهل بیت و موالی ایشان افتاده بود که
صاحب مصیبت در آنها حضرت رسول صلعم بود و اگر آنحضرت در
دنیا میبود باید آنحضرت را تعزیه بگویند پس آنحضرت چندان
گریست که ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد پس حضرت
فرمود که بهترین کاری که در امروز بکنی آنست که جامههای
پاکیزه بپوشی و بندهای آنرا بگشائی و آستینها را تا مرفق
بالا کنی بروش مصیبت زدگان پس بیرون روی بسوی
بیابان یا مکانی که کسی ترا نه بیند یا خانه خالی از برای
تقیه ستنیان در وقت چاشت پس چهار رکعت نماز بجا
آوری با خشوع و خضوع و رکوع نیکو و بعد از هر دو رکعت



سلام

سلام میگوئی و در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ قل یا
ایها الکافرون بخوانی و در رکعت دویم سورهٔ قل هو الله
احد و در دو رکعت دیگر در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ احزاب
بخوانی و در رکعت دویم سورهٔ اذا جاءک المنافقون و اگر
اینها را ندانی هر سوره که خواهی بخوان پس بگردان روی خود را
بجانب روضهٔ مقدس آنحضرت و بخاطر آوری شهادت آن
امام مظلوم و اولاد و اقارب اصحاب انجناب را و سلام کنی
بر او و صلوات فرستی بر او و لعنت کنی بر قاتلان ایشان
و بروایت دیگر هزار مرتبه لعنت کنی بر قاتلان آنحضرت
که بهر لعنتی هزار حسنه برای تو نوشته میشود و هزار
گناه از تو محو میشود و هزار درجه در بهشت از برای تو
بلند می شود و بهتر این است که هزار مرتبه بگوید اللهم
العن قتلة الحسین و اصحابه پس فرمود که بعد از آن از
موضعی که ایستاده چند گام پیش روی و بگوئی انا لله
و انا الیه راجعون رضا بقضائه و تسلیما لامره و اگر
هفت مرتبه چنین کند بهتر است و فرمود که باید در جمیع این
احوال که محزون و غمناک و گریان باشی پس بجای خود بر
گردی اللهم عذب الفجرة الذین شاقوا رسولک و حاربوا
و بگوئی
عذیا عذاب کن بدکاران ایشان را آنانکه مخالفت کردند فرستاده تو را و جنگ کردند



الیک اولیائک وعبّدوا اغیرک واستحلّوا محارمک

بسوی تو دوستان ترا و بنده کردند غیر ترا و حلال کردند حرامهای ترا

والعن القادة والاتباع ومن کان منهم فخبّ واوضع

و لعنت کن پیشروان و پیروان ایشان را و کسی که بود از ایشان پس سرعت کرد و شتافت

معهم او رضی بفعلهم لعناً کثیراً اللّهم وعجّل فرج آل

با ایشان یا خشنود شد بکردار ایشان لعنت بسیار خدایا تعجیل کن فرج آل

محمّد واجعل صلواتک علیه وعلیهم واستنقذهم من

محمد و بگردان رحمت خود را بر او و بر ایشان و رهائی کن ایشان را از

ایدی المنافقین المضلّین والکفرة الجاحدین وافتح

دستهای دورویان گمراه کنندگان و کافران انکار کنندگان و بگشا

لهم فتحاً یسیراً واتح لهم روحاً وفرجاً قریباً واجعل لهم

برای ایشان گشایشی آسان و مهیا کن برای ایشان آسایش و گشایش نزدیک و بگردان از برای ایشان

من لدنک علی عدوّک وعدوّهم سلطاناً نصیراً پس

از نزد خود بر دشمن خود و دشمن ایشان سلطنت یاری دهنده

دست

بدعا بردارد وقصد دشمنان آل محمّد علیهم السّلام را و بگو اللّهمّ انّ کثیراً من

خدایا بدرستیکه بسیاری از

الامّة ناصبت المستحفظین من الائمّة وکفرت بالکلمة

امت دشمن داشتند نگاهداشته شدگان از امامان و کافر شدند به کلمه

وعکفت علی القادة الظّلمة وهجرت الکتاب و

و ایستادند بر پیروی پیشروان ستمکاران و دور انداختند کتاب خدا و

السّنّة



السنة وعدلت عن الثقلين اللذين امرت بطاعتهما
سنت را و برگشتند از ثقلین دو گران آن دو که امر فرمودی اطاعت این دو
والتمسك بهما فاماتت الحق وحادت عن القصد ومالـ
و چنگ زدن باین دو پس میراندند حق را و برگشتند از راه حق و جرئت
لأت الاحزاب وحرفت الكتاب وكفرت بالحق لما
کردند گرد آمدن با احزاب و تغییر دادند کتاب را و کافر شدند به حق چون
جاءها وتمسكت بالباطل لما اعترضها وضيعت حقك
آمد ایشان را و چنگ زدند به باطل چون عرضه شد ایشان را و ضایع کردند حق ترا
واضلت خلقك وقتلت اولاد نبيك وخيرة عبادك
و گمراه کردند بندگان ترا و کشتند فرزندان پیغمبر ترا و بهترین بندگان ترا
وحملة علمك وورثة حكمتك ووحيك اللهم فزلزل
و حاملان علم ترا و وارثان حکمت ترا و وحی ترا خدایا بلرزان
اقدام اعدائك واعداء رسولك واهل بيت رسولك
قدمهای دشمنان خود را و دشمنان رسول خود را و اهل بیت رسول خود را
واخرب ديارهم وافلل سلاحهم وخالف بين كلمتهم
و خراب کن خانهای ایشان را و بشکن سلاح ایشان را و مخالفت افکن میان کلمه ایشان
وفت في اعضادهم واوهن كيدهم واضربهم بسيفك
و سستی بینداز در بازوهای ایشان و سست کن مکر ایشان را و بزن ایشان را بشمشیر خود
القاطع وارمهم بحجرك الدامغ وطمهم بالبلاء
که برنده است و بزن ایشان را بسنگهای کوبنده و بپوشان ایشان را ببلاء



طَمّاً وَقُمَّهُمْ بِالْعَذابِ قَمّاً وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً نُكْراً وَ

عذاب و بپوشان ایشان را بعذاب پر کردنی و عذاب کن ایشان را عذابا ناخوش و

خُذْهُمْ بِالسِّنِينَ وَالْمَثُلاتِ الَّتِي اَهْلَكْتَ بِها اَعْداءَكَ

بگیر ایشان را بقحط سالها و عقوبتهای چنانکه هلاک کردی بآن دشمنان خود را

اِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنَّ سُنَّتَكَ ضائِعَةٌ

بدرستیکه تو صاحب عقوبتی از گناهکاران خداوندا بدرستیکه سنت تو ضایع است

وَاَحْكامَكَ مُعَطَّلَةٌ وَعِتْرَةَ نَبِيِّكَ فِي الْاَرْضِ سائِمَةٌ

و احکام تو فرو گذاشته است و خویشان پیغمبر تو در زمین سرگردان است

اَللّٰهُمَّ فَاَعِنِ الْحَقَّ وَاَهْلَهُ وَاقْمَعِ الْباطِلَ وَاَهْلَهُ وَمُنَّ

خداوندا پس اعانت کن حق را و اهل آن را و برکن باطل را و اهل آن را و منت نه

عَلَيْنا بِالنَّجاةِ وَاهْدِنا اِلَى الْاِيمانِ وَعَجِّلْ فَرَجَنا وَانْظِمْهُ

بر ما به نجات و راه نما ما را بسوی ایمان و تعجیل کن فرج ما را و پیوند او را

بِفَرَجِ اَوْلِيائِكَ وَاجْعَلْهُمْ لَنا وُدّاً وَاجْعَلْهُمْ لَنا

بفرج دوستان خود و بگردان ایشان را از برای ما دوستی و بگردان ایشان را از برای ما

وَفْداً اَللّٰهُمَّ وَاَهْلِكْ مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ

پیشرو خداوندا و هلاک کن کسیکه قرار داد روز کشتن پسر پیغمبر تو

وَخِيَرَتِكَ عِيداً وَاسْتَهَلَّ بِهِ فَرَحاً وَمَرَحاً وَخُذْ آخِرَهُمْ

و برگزیده تو عید و صدا بلند کرد بآن از روی شادی و خوشحالی و بگیر آخر ایشان را

كَما اَخَذْتَ اَوَّلَهُمْ وَضاعِفِ اللّٰهُمَّ الْعَذابَ وَالتَّنْكِيلَ

چنانکه گرفتی اول ایشان را و مضاعف کن ای خدا عذاب را و قطع کردن دشمنی

علی ظا



على ظالمي اهل بيت نبيك واهلك اشياعهم و

بر ستمکاران اهل بیت پیغمبر تو و اهل تو و پیروان ایشان را و

قادتهم واتباعهم وجماعتهم اللهم وضاعف

و پیشروان ایشان و اتباع ایشان و جماعت ایشان را خداوندا و دو چندان کن

صلواتك ورحمتك وبركاتك على عترة نبيك

رحمت تو و بخشش حق و برکات حق بر ذریه پیغمبر حق

العترة الضائعة الخائفة المستذلة بقية من

عترت تلف شده ترسان خوار گشته باقی مانده از

الشجرة الطيبة الزاكية المباركة واعل اللهم

درخت پاکیزه پاک مبارک و بلند گردان ای خدا

كلمتهم وافلج حجتهم واكشف البلاء واللأواء وحنادس

کلمات ایشان و ظاهر حجت ایشان را و برطرف کن بلاء و شدت تنها و حجابات

الاباطيل والعمى عنهم وثبت قلوب شيعتهم

امور باطل را و کوری را از ایشان و ثابت کن دلهای شیعیان ایشان را

وحزبك على طاعتك وولايتهم ونصرتهم وموالاتهم

و گروه حق را بر طاعت حق و دوستی ایشان و یاری ایشان و حرمت ایشان

واعنهم وامنحهم الصبر على الاذى فيك واجعل

و مدد کن ایشان را و بخش ایشان را شکیبائی بر اذیت در راه تو و بگردان

لهم اياما مشهودة واوقاتا محمودة مسعودة توشك

از برای ایشان روزهای حاضر شده و اوقات پسندیده نیک بخت گرداننده



فيها فرحهم وتوجب فيها تمكينهم ونصرهم كما ضمنت

دران فرج ایشانرا و واجب گردانی دران جا دادن ایشانرا و یاری ایشانرا چنانکه ضامن شده

لاوليائك في كتابك المنزل فانك قلت وقولك

برای دوستان خود در کتاب خود که فرستاده شد پس بدرستیکه تو گفتی و گفتن تو

الحق وعد الله الذين امنوا منكم وعملوا الصالحات

راست است وعده داد خدا آنانرا که گرویدند از شما و کردند کارهای شایسته

ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم

هر آینه خلیفه گرداند ایشانرا در زمین چنانکه خلیفه کرد آنانرا که پیش از ایشان

وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم

و هر آینه ثابت گرداند برای ایشان دین ایشانرا که پسندیده برای ایشان و هر آینه بدل گرداند ایشانرا

من بعد خوفهم امنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا اللهم

از پس از ترسیدن ایشان ایمنی می پرستند مرا شریک نیاورند بمن هیچ چیز خداوندا

فاكشف غمهم يا من لا يملك كشف الضر الا هو يا

پس زایل کن اندوه ایشانرا ای آنکه مالک نیست برطرف کردن بدی را مگر او ای

واحد يا احد يا حي يا قيوم وانا يا الهي عبدك الخائف

یگانه ای یکتا ای زنده ای پاینده و منم ای خدای من بنده تو ترسنده

منك والراجع اليك السائل لك المقبل عليك

از تو و بازگشت کننده ام بسوی تو سوال کننده ام مر ترا رو آورنده بر تو

اللاجئ الى فنائك العالم بانه لا ملجا منك الا

پناه برنده ام بسوی درگاه تو دانا ام باینکه نیست پناهی از تو مگر

اليك



إليكَ اللّهمّ فتقبّل دعائي واسمع يا إلهي علانيتي

بسوی تو بارخدایا پس بپذیر دعای مرا و بشنو ای خدای من آشکار مرا

ونجوايَ واجعلني ممّن رضيتَ عملَه وقبلتَ شكره

و پنهان مرا و بگردان مرا از آنکه خوشنود شوی کردار او را و قبول کردی شکر او را

ونجّيته برحمتك إنّك أنت العزيز الكريم اللّهمّ

و نجات دادی او را برحمت خود بدرستیکه تو توئی غالب بزرگوار خدایا

وصلّ أوّلاً وآخراً على محمّدٍ وآل محمّدٍ وبارك على محمّدٍ

و رحمت کن اول و آخر بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد

وآل محمّدٍ وارحم محمّداً بأكمل وأفضل ما صلّيتَ و

و آل محمد و رحم کن محمد را بکاملتر و بهتر آنکه رحمت کردی و

باركتَ وترحّمتَ على أنبيائك ورسلك و

برکت دادی و رحم کردی بر پیغمبران خود و فرستادگان خود و

ملائكتك وحملة عرشك بلا إله إلّا أنت

فرشتگان خود و بردارندگان عرش خود بحرمت لا اله الا انت

اللّهمّ ولا تفرّق بيني وبين محمّدٍ وآل محمّدٍ صلواتك

خدایا و جدائی مکن میان من و میان محمد و آل محمد رحمت تو

عليه وعليهم واجعلني يا مولاي من شيعة

بر او و بر ایشان و بگردان مرا ای آقای من از پیروان

محمّدٍ وعليٍّ وفاطمة والحسن والحسين وذرّيّتهم

محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و اولاد ایشان



الطاهرة المنتجبة وهب لي التمسك بحجتهم والرضا

كه پاکانند و برگزیدگانند و ببخش برای من چنگ زدن بدوستی ایشان و خوشنودی

بسبيلهم والاخذ بطريقتهم انك جواد كريم

براه ایشان و گرفتن طریقه ایشان بدرستیکه تو نیکوکار بزرگواری

پس سجده برود و دو طرف روی خود را بر خاک بگذارد و بگوید يا من يحكم بما

ای آنکه حکم می‌کند آنچه

يشاء ويفعل ما يريد انت حكمت فلك الحمد

می‌خواهد و می‌کند آنچه اراده می‌کند تو حکم می‌کنی پس مر ترا است سپاس

محمودا مشكورا فعجل يا مولاي فرجهم وفرجنا بهم

پسندیده سپاس کرده پس تعجیل کن ای آقای من فرج ایشان و فرج ما بایشان

فانك ضمنت اعزازهم بعد الذلة وتكثيرهم بعد

پس بدرستیکه تو ضامن شدی که ارجمندی ایشان را پس از خواری و بسیاری ایشان پس از

القلة واظهارهم بعد الخمول يا اصدق الصادقين

کمی و آشکار نمودن ایشان پس از گمنامی ای راست گوتر راستگویان

ويا ارحم الراحمين فاسئلك يا الهي وسيدي

و ای رحیم‌ترین رحم کنندگان پس سوال می‌کنم ترا ای خدای من و آقای من

متضرعا اليك بجودك وكرمك بسط املي و

تضرع کننده بسوی تو بجود تو و کرم بسط آرزوی من و

التجاوز عني وقبول قليل عملي وكثيره والزيادة

درگذشتن از من و پذیرفتن کردار کم و بسیار آن و زیادتی



فی ایامی وتبلغنی ذلک المشهد وان تجعلنی ممن یدعو

در روزهای من ورساننده مرا این جا نگاه من واینکه بگردانی مرا از آنکه خوانده شود

فیجیب الی طاعتهم وموالاتهم ونصرهم وتزیننی بذلک

پس اجابت کند بسوی طاعت ایشان ودوستی ایشان ویاری ایشان وزینت دهی مرا با آن

قریبا سریعا فی عافیة انک علی کل شیء قدیر پس سر خود را

نزدیک زود در عافیت بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی بجانب

آسمان بلند کن اعوذ بک ان اکون من الذین لا یرجون

پناه می برم بتو ای خداوند که باشم از آنانکه امید ندارند و بگوی

ایامک فاعذنی یا الهی برحمتک من ذلک چون

روزهای ترا پس پناه ده مرا ای خدای من برحمت خود از این چنین

اینعمل بهتر است از برای تو از حجهای بسیار و عمرهای بسیار که مال بسیار در راههای صرف نمائی و بدن خود را در راهها بتعب افکنی و از اهل و عیال و فرزندان خود جدا شوی و بدانکه کسی که این نماز را در این روز بکند و این دعا را از روی اخلاص بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق بجا آورد حق تعالی ده خصلت باو عطا کند که از جملهٔ اینها آنست که او را از امور ناملایم بد حفظ کند مانند غرق شدن و سوختن و در زیر عمارت ماندن و امثال اینها و تا مردن دشمنی بر او مسلط



نکردد ونگاه دارد اورا از دیوانگی وخوره وپیسی در
خودش ودر فرزندانش تا چهار پشت وشیطان و
دوستان ویاوران شیطان برا ومسلط نگرداند بر او
وبر نسل او تا چهار پشت زیارت زیارتیست که مشتمل
است بر زیارة شهداء ومتضمن تعزیت حضرت رسول خدا
وائمه هدی صلواة الله علیهم است ومناسب است
که در این روز خوانده شود واگر السلام علیک یا وارث
در آخر روز خوانده شود انسب باشد

سلام بر تو ای وارث

آدم صفوة الله السلام علیک یا وارث نوح نبی الله

آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا

السلام علیک یا وارث ابرهیم خلیل الله السلام

سلام بر تو ای وارث ابرهیم دوست خدا سلام

علیک یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا

بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا سلام بر تو ای

وارث محمد حبیب الله السلام علیک یا وارث

وارث محمد دوست خدا سلام بر تو ای وارث

علی امیر المؤمنین السلام یا وارث الحسن الشهید سبط

علی امیر مومنان سلام بر تو ای وارث حسن شهید سبط

رسول الله السلام علیک یابن رسول الله السلام

رسول خدا سلام بر تو ای پسر فرزند پیغمبر خدا سلام

السلام علیک یا وارث عیسی روح الله



علیک

عليك يا ابن البشير النذير وابن سيد الوصيين

بر تو ای پسر مژده دهنده وبیم نماینده و پسر آقای اوصیا

السلام عليك يا ابن فاطمة سيدة نساء العالمين

سلام بر تو ای پسر فاطمه آقای زنان جهانیان

السلام عليك يا ابا عبد الله السلام يا خيرة الله

سلام بر تو ای اباعبدالله سلام بر تو ای برگزیده خدا

وابن خيرته السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره

و پسر برگزیده او سلام بر تو ای خون خدا و پسر خون او

السلام عليك ايها الوتر الموتور السلام عليك

سلام بر تو ای خونخواه خدا سلام بر تو

ايها الامام الهادي الزكي وعلى ارواح التي حلت

ای امام راهنماینده پاکیزه و بر جانهایی که فرود آمدند

بفنائك واقامت في جوارك ووفدت مع زوارك

گرداگرد تو و جا اقامت کردند در نزد تو و وارد شدند با زیارت کنندگان تو

السلام عليك مني ما بقيت وبقي الليل والنهار

سلام بر تو از جانب من مادامی که باقی ام و باقی است شب و روز

فلقد عظمت بك الرزية وجل المصاب في المؤمنين

پس بتحقیق که بزرگ شد بتو این رزیه و بزرگ است این مصیبه در میان مؤمنان

والمسلمين وفي اهل السموات اجمعين وفي سكان

و مسلمانان و در اهل آسمانها همه و در ساکنان



الارضين فانا لله وانا اليه راجعون وصلوات الله

زمین پس بدرستیکه ما از برای خداییم و بدرستیکه ما بسوی او بازگشت خواهیم کرد و رحمت خدا

وبركاته وتحياته عليك وعلى آبائك الطيبين

و برکتهای او و درود او بر تو و بر پدران تو که پاکیزگانند

المنتجبين وعلى ذراريهم الهداة المهديين السلام

برگزیدگانند و بر فرزندان ایشان که راهنمایند و راه یافته‌اند سلام

عليك يا مولاى وعليهم وعلى روحك وعلى ارواحهم

بر تو ای آقای من و بر ایشان و بر روح تو و بر ارواح ایشان

وعلى تربتهم اللهم لقهم رحمة ورضوانا وروحا

و بر تربت ایشان خداوندا ملاقات کن ایشان را رحمتی و خوشنودی و آسایش

وريحانا السلام عليك يا ابا عبد الله يا ابن خاتم

و نسیم خوشبو سلام بر تو ای ابا عبد الله ای پسر خاتم

النبيين ويا ابن سيد الوصيين ويا ابن سيدة نساء

پیغمبران و ای پسر آقای اوصیا و ای پسر آقای زنان

العالمين السلام عليك يا شهيد يا ابن الشهيد يا

عالمیان سلام بر تو ای شهید ای پسر شهید ای

اخا الشهيد يا ابا الشهداء اللهم بلغه عني

برادر شهید ای پدر شهیدان خدایا برسان او را از من

في هذه الساعة وفي اليوم وفي الوقت وفي كل

در این ساعت و در این روز و در این وقت و در هر



وقت

دَفْنٍ بِتَحِیَّةٍ کَثِیْرَةٍ وَسَلامًا سَلامُ اللهِ عَلَیْکَ وَ
دفنی درود بسیار و سلام سلام خدا بر تو و
رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ یَابْنَ سَیِّدِ الْعالَمِینَ وَعَلَی الْمُسْتَشْهَدِینَ
رحمت خدا و برکتهای او ای پسر آقای جهانیان و بر شهید شدگان
مَعَکَ سَلامًا مُتَّصِلًا مَا اتَّصَلَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ
با تو سلامی پیوسته مادام که متصل است شب و روز
اَلسَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ الشَّهِیدِ اَلسَّلامُ عَلی
سلام بر حسین پسر علی شهید سلام بر
عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ الشَّهِیدِ اَلسَّلامُ عَلَی الْعَبّاسِ ابْنِ اَمِیرِ
علی پسر حسین شهید سلام بر عباس پسر پادشاه
الْمُؤْمِنِینَ الشَّهِیدِ اَلسَّلامُ عَلَی الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ
مومنان شهید سلام بر شهیدان از پسران
اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ اَلسَّلامُ عَلَی الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ
پادشاه مومنان سلام بر شهیدان از پسران حسن
اَلسَّلامُ عَلَی الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقِیلٍ اَلسَّلامُ
سلام بر شهیدان از پسران جعفر و عقیل سلام
عَلی کُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مَعَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی
بر هر شهید شده با ایشان از گروندگان خداوندا رحمت کن بر
مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُمْ عَنِّی تَحِیَّةً کَثِیرَةً وَسَلامًا اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا
محمد و برسان ایشان را درود بسیار و سلام سلام بر تو ای



رسول الله احسن الله لک العزاء فی ولدک الحسین

رسول خدا نیکو دارد خدا مزد را مصیبت در فرزند تو حسین

السلام علیک یا امیر المؤمنین احسن الله لک

سلام بر تو ای پادشاه مؤمنان نیکو دارد خدا مزد را

العزاء فی ولدک الحسین السلام علیک یا ابا محمد

مصیبت در فرزند تو حسین سلام بر تو یا ابا محمد

الحسن احسن الله لک العزاء فی اخیک الحسین

حسن نیکو دارد خدا مزد را مصیبت در حق برادر تو حسین

یا مولای یا ابا عبد الله انا ضیف الله وضیفک و

ای آقای من ای ابا عبد الله منم میهمان خدا و میهمان تو و

جار الله وجارک ولکل ضیف وجار قری وقرای

همسایه خدا و همسایه تو و از برای هر میهمان و همسایه مهمانی است و مهمانی من

فی هذا الوقت ان تسئل الله سبحانه وتعالی ان یرزقنی

در این وقت این است که سوال کنی خدا که منزه است و برتر است اینکه روزی کند مرا

فکاک رقبتی من النار انه سمیع الدعاء قریب مجیب

آزادی گردن مرا از آتش بدرستیکه او شنوای دعاست نزدیک اجابت کننده

و شیخ مفید ره گفته است که در شب بیست و یکم ماه محرم

زفاف حضرت فاطمه و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه

واقع شد باید که روز از برای شکر این نعمت عظمی شکرانه

روزه



اعمال ماه صفر

روزه بدارند و شیخ طوسی ره گفته است که روز
هفتدهم ماه محرم اصحاب فیل که بجهة خراب کردن
کعبهٔ معظمه آمده بودند برگشتند و عذاب بر ایشان نازل
شد و در روز بیست و پنجم اینماه حضرت امام زین العابدین
بعالم اعلی ارتحال نمود **باب یازدهم** در اعمال ماه صفر است
و اینماه مشهور است بنحوست و دو وجه میتوان داشت
اول آنکه موافق قول علمای شیعه وفات حضرت رسالت پناه
در اینماه واقع شده است **دویم** آنکه سه ماه متوالی که
اشهر حرم اند چون عرب قتال نمی کردند و در اینماه شروع
بقتال میکرده اند لهذا نحس شمرده اند و در احادیث
شیعه ندیدم چیزی که دلالت بر نحوست کند و در
روایات و غیره معتبره عامه وارد شده و سید ابن طاوس
ره از بعضی از کتب معتبره روایت کرده است که در روز
سیم این ماه مستحب است که دو رکعت نماز بجا آورند
و در رکعت اول بعد از سوره حمد سوره انا فتحنا بخوانند
و در رکعت دویم سوره توحید و بعد از سلام صد مرتبه بگوید
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و صد مرتبه اَللّهُمَّ العَن
آلَ اَبی سُفیانَ و صد مرتبه اَستَغفِرُ اللهَ وَ اَتوبُ اِلَیهِ بگوید
بیستم این ماه مشهور است بروز اربعین یعنی روز چهلم



شهادة حضرة سيد الشهداء صلواة الله عليه و در كتب
معتبره از حضرة امام حسن عسكرى روايت كرده اند كه علامات
مؤمن پنج چيز است نماز پنجاه و يك ركعت از فريضه و نافله در شب
و روز و زيارت اربعين و انگشتر در دست راست كردن و جبين را
در سجده شكر بر خاك و بسم الله الرحمن الرحيم را بلند و اما
كيفيت زيارت بسند معتبر از حضرة صفوان جمال منقولست
كه گفت مولاى من حضرة صادق عم بمن گفت در زيارت اربعين
كه زيارة ميكنى در هنگامى كه روز بلند شده باشد
ميگوى السلام على ولى الله و حبيبه السلام على خليل
سلام بر دوست خدا و برگزيده او سلام بر دوست
الله و نجيبه السلام على صفى الله و ابن صفيه السلام
خدا و برگزيده او سلام بر برگزيده خدا و پسر برگزيده او سلام
على الحسين المظلوم الشهيد السلام على اسير الكربات
بر حسين ستم رسيده شهيد سلام بر دستگير اندوهها
و قتيل العبرات اللهم انى اشهد انه وليك و ابن
و كشته اشكها خدايا بدرستيكه من گواهى ميدهم كه او دوست تو و پسر
وليك و صفيك و ابن صفيك الفائز بكرامتك
دوست تو و برگزيده تو و پسر برگزيده تو رستگار است بكرامت تو
اكرمته بالشهادة و حبوته بالسعادة و اجتبيته
گرامى داشتى او را بشهادت و بخشيدى او را بسعادت و برگزيدى او را

بطيب

بِطِيبِ الْوِلَادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّداً مِنَ السَّادَةِ وَقَائِداً

به پاکیزگی ولادت وگردانیدی او را بزرگ از بزرگان وکشنده

مِنَ الْقَادَةِ وَذَائِداً مِنَ الذَّادَةِ وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ

از کشندگان ورانده از رانندگان وعطا کردی او را میراث

الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ

پیغمبران وگردانیدی او حجت بر خلق خود از اوصیا

فَأَعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ

پس مبالغه نمود در دعا وعطا کرد نصیحت وبخشید جان خود را در راه تو

لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ

تا برهاند بندگان تورا از نادانی وحیرت گمراهی

وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِا

وهمه پشت کردند بر او کسیکه مغرور کرد او را دنیا وفروخت بهره خود را

لْأَرْذَلِ الْأَدْنَى وَشَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ

بچیز زبون تر پست وفروخت آخرت خود را بچیز ناقص

وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ

وبیداد کرد وهلاک شد در خواهش او وبخشم آورد ترا وبخشم آورد

نَبِيَّكَ وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشِّقَاقِ وَالنِّفَاقِ

پیغمبر تو را واطاعت کرد از بندگان تو اهل به کمی ودو روئی را

وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ

وبرداران گناهان که مستوجبند آتش را پس کارزار کرد ایشان را در راه تو



صابرا

صابراً محتسباً حتى سفك في طاعتك دمه واستبيح
شکیبا و جوینده ثواب تا ریخته شد خون او در طاعت تو و حلال کرده شد
حريمه اللهم فالعنهم لعناً وبيلاً وعذبهم عذاباً
خون او خداوندا پس لعنت کن ایشان را لعنت سخت و عذاب کن ایشان را عذاب
أليماً السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك
دردناک سلام بر تو ای پسر رسول خدا سلام بر تو
يا ابن سيد الأوصياء أشهد أنك أمين الله وابن
ای پسر آقای اوصیاء گواهی میدهم که تو امین خدائی و پسر
أمينه عشت سعيداً ومضيت حميداً ومت فقيداً
امین او زنده ماندی نیکبخت و گذشتی ستوده شده و درگذشتی گم شده
مظلوماً شهيداً وأشهد أن الله منجز لك ما
ستم رسیده شهید و گواهی میدهم اینکه خدا وفا کننده است مر ترا آنچه
وعدك ومهلك من خذلك ومعذب من قتلك
وعده داده بود ترا و هلاک کننده کسیکه واگذاشت ترا و عذاب کننده کسیکه کشت ترا
وأشهد أنك وفيت بعهد الله وجاهدت في
و گواهی میدهم اینکه تو وفا کردی بعهد خدا و کارزار کردی در
سبيل الله حتى أتاك اليقين فلعن الله من قتلك
راه خدا تا آمد ترا مرگ پس لعنت کند خدا کسیرا که کشت ترا
ولعن الله من ظلمك ولعن الله أمة سمعت بذلك
و لعنت کند خدا کسی را که ستم کرد ترا و لعنت کند خدا امتی را که شنیدند باین

فرضيـ



فرضيت به اللهم اني اشهدك اني ولي لمن والاه

پس راضی شد بآن خداوندا بدرستی که گواهی میدهم ترا که من دوستم هرکه را دوست

وعدو لمن عاداه بابي انت وامي يابن رسول الله اشهد

و دشمنم با هر که دشمنی کند او را پدر و مادرم فدای تو باد ای پسر رسول خدا گواهی میدهم

انك كنت نورا في الاصلاب الشامخة والارحام

اینکه تو بودی نور در صلبهای شامخه و در رحمهای

الطاهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم

پاکیزه ملوث نگردانید ترا اهل [illegible] به نجاستهای آنها و نه

تلبسك المدلهمات من ثيابها واشهد انك من

نپوشانید به تیرگیهای ی از جامهای آن گواهی میدهم اینکه تو از

دعائم الدين واركان المسلمين ومعقل المؤمنين

ستونهای دینی و رکنهای مسلمانی و محل عقل مومنانی

واشهد انك الامام البر التقي الرضي الزكي

و گواهی میدهم اینکه تو امام نیکو پرهیزکار خوشنودی پاکیزه

الهادي المهدي واشهد ان الائمة من

راهنما راه یافته شده و گواهی میدهم اینکه پیشوایان از نسل

ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة

در نسل تو کلمه پرهیزکاری و دلیلهای راه هدایت و ریسمان

الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد اني بكم

محکمی و حجت بر اهل دنیا و گواهی میدهم اینکه بشما



مؤمن وبإيابكم موقن بشرايع ديني وخواتيم عملي و

ایمان دارم و به بازگشت شما یقین دارم بشریعت دین خود و بانتهای عمل خود و

قلبي لقلبكم سلم وأمري لأمركم متبع ونصرتي لكم

دل من با دل شما تسلیم است و امر من امر شما را پیروی کننده است و یاری من مر شما را

معدة حتى يأذن الله لكم فمعكم معكم لا مع عدوكم

مهیاست تا اینکه اذن دهد خدا مر شما را پس با شما با شما است نه با دشمنان شما

صلوات الله عليكم وعلى أرواحكم وأجسادكم و

درود خدا بر شما و بر روحهای شما و جسدهای شما و

شاهدكم وغائبكم وظاهركم وباطنكم آمين رب

حاضر شما و پنهان شما و آشکار شما و پنهان شما آمین ای پروردگار

العالمين ودو ركعت نماز ميكني وهر دعائي كه خواهي

جهانیان میکنی و بر میگردی و سید ابن طاوس ره گفته

است كه من براي اين زيارة وداعي يافته ام كه مخصوص است

باين زيارة بايد كه بايستي پيش روي ضريح مبارك وبگويي

السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك

سلام بر تو ای پسر رسول خدا سلام بر تو

يا ابن علي المرتضى وصي رسول الله السلام عليك يا ابن

ای پسر علی مرتضی وصی رسول خدا سلام بر تو ای پسر

فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين السلام عليك

فاطمه زهرا ای سیده زنان عالمیان سلام بر تو

یا وارث

یا وارث الحسن الزکی السلام علیک یا حجة الله فی

ای وارث حسن پاکیزه سلام بر تو ای حجت خدا در

ارضه وشاهده علی خلقه السلام علیک یا ابا

زمین او و شاهد او بر خلق او سلام بر تو ای ابا

عبدالله الشهید السلام علیک یا مولای وابن

عبدالله شهید سلام بر تو ای آقای من و پسر

مولای اشهد انک اقمت الصلوة واتیت الزکوة

آقای من گواهی می دهم اینکه تو بر پا داشتی نماز را و دادی زکوة را

وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وجاهدت

و امر کردی به نیکی و نهی کردی از بدی و جهاد کردی

فی سبیل الله حتی اتاک الیقین واشهد انک علی

در راه خدا تا آمد ترا مرگ و گواهی می دهم اینکه تو بر

بینة من ربک اتیتک یا مولای زائرا وافدا راغبا

حجتی از پروردگار تو آمدم ترا ای آقای من زیارت کننده به درگاه رغبت کننده

مقرا لک بالذنوب هاربا الیک من الخطایا لتشفع

اقرار کننده مر ترا به گناهان گریزنده بسوی تو از خطاها تا اینکه شفاعت کنی

لی عند ربک یابن رسول الله صلی الله علیک حیا

برای من نزد پروردگار تو ای پسر رسول خدا درود خدا بر تو در حال زنده

ومیتا فان لک عند الله مقاما معلوما وشفاعة

و مرده پس بدرستی مر ترا نزد خدا جایگاهی است معلوم و شفاعتی است



مقبوله لعن الله من ظلمك ولعن الله من حرمك و

قبول کرده شده ولعنت کند خدا کسی را که ستم کرد ترا ولعنت کند خدا کسی را که محروم کرد ترا

غصب حقك ولعن الله من قتلك ولعن الله من

غصب کرد حق ترا ولعنت کند خدا کسی را که کشت ترا ولعنت کند خدا کسی را

خذلك ولعن الله من دعوته فلم يجبك ولم يعنك

خوار کرد ترا ولعنت کند خدا کسی را که خواند او را و اجابت نکرد ترا و اعانت نکرد ترا

ولعن الله من منعك من حرم الله وحرم رسوله وحرم

ولعنت کند خدا کسی را که منع کرد ترا از حرم خدا و حرم رسول او و حرم

ابيك واخيك ولعن الله من منعك من شرب ماء

پدر خود و برادر خود ولعنت کند خدا کسی را که منع کرد ترا از آشامیدن آب

الفرات لعنا كثيرا يتبع بعضها بعضا اللهم فاطر السموات

فرات لعنتی بسیار را که از پی در آید بعضی بعضی را خدایا خلق کننده آسمانها

والارض عالم الغيب والشهادة انت تحكم بين عبادك

و زمین دانای غیب و آشکارا تو حکم می کنی میان بندگان خود

فيما يختلفون وسيعلم الذين ظلموا اي منقلب

در آنچه اختلاف می کنند و زود باشد که بدانند آنانکه ستم کردند که بکدام جایگاه

ينقلبون اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارته و

باز گردند خدایا مگردان این را آخر عهد از زیارت او و

ارزقنيه ابدا ما بقيت وحييت يا رب وان مت فاحشرني

روزی کن مرا آن را ابدا تا باقی ام و زنده ام ای پروردگار من و اگر مردم پس محشور کن مرا

في زمرته



فی زمرته یا ارحم الراحمین و اکثر زیارة آخر روز عاشورا
در این روز نیز بخوانند غنا شکت
در گروه او ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
و بدانکه مشهور است که سبب تأکید زیارت آنحضرت در این روز
است که حضرت امام زین العابدین با سایر اهل بیت در این روز
مراجعت از شام بکربلای معلی وارد شدند و سرهای مقدس شهدا
را ببدنهای مقدس ایشان ملحق گردند و این بسیار بعید است از
جهات بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است و بعضی گفته‌اند
در این روز اهل بیت وارد مدینهٔ طیبه شدند و این نیز بسیار
بعید است و بعضی گفته اند که حضرت شاید حضرت امام زین
العابدین باعجاز و طی الارض مخفی بکربلا رفته باشد از شام
و سرهای مبارک را ببدنهای پاکیزه ملحق کرده باشند و این
ممکن نیست اما روایتی در این باب بنظر نرسیده است بلکه
بعضی از روایات منافی فی الجملة با این دارد و ضعفی که از
احادیث ظاهر میشود آنست که اول کسی که از صحابه حضرت
رسالت بزیارت آنحضرت مشرف شد جابر ابن عبدالله انصاری بود
و او در این روز بکربلا رسید و آنحضرت را با شهدا زیارت کرد
چون جابر از اکابر صحابه بود و اساس این امر عظیم او گذاشته است میتواند
بود که سبب مزید فضل زیارت آنحضرت در این روز شده
باشد و شاید وجوه دیگر داشته باشد که بر ما مخفی باشد



و چون نفرموده اند که در این روز زیارت کنیم باید کرد و تفحص بیش ضرور
نیست و مشهور میان علمای امامیه آنست که وفات حضرت
سید انبیاء صلی الله علیه و آله در این روز بیست و هشتم ماه صفر
واقع شد و شیخ طوسی و جمعی دیگر گفته اند که شهادت حضرت امام
مجتبی نیز در این روز واقع شد پس قیام ابراهیم و تعزیه این دو بزرگوار
و زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسبست و آنکه در میان
عوام بلکه خواص نحوست چهارشنبه آخر ماه صفر شهرت دارد
در کتب معتبره عامه و خاصه چیزی که دلالت بر این کند بنظر
نرسیده و احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصا چهار
شنبه آخر هر ماه وارد شده است و چون اینماه بنابر اشیائی
که مذکور شد فی الجمله نحوستی دارد ممکن است که چهارشنبه آخر
آن از سایر چهارشنبها نحوستش بیشتر باشد اگر در امروز از قبیل
احتراز طیره استدفاع بلا با تصدقات و استعاذات که از ائمه
صلوات الله علیهم وارد شده است بکنند و توکل نمایند بر
جناب مقدس الهی که آن کفاره طیره مناسبست و اگر بلائی متوجه
باشد بآنها دفع می شود چنانکه بروش جهال عجم متابعت مجوسان
کنند بلهو و لعب و سور و سرور و ساز و اعمال قبیحه مشغول
شوند که موجب مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات
ربانی گردد **باب دوازدهم** در فضایل ایام و اعمال ماه ربیع الاول

اعمال ماه ربیع الاول

ودران



و در آن دو فصل است فصل اول در فضیلت و اعمال روز اول
تا روز شانزدهم است گفته اند که حضرت رسالت ص در شب اول
ماه ربیع الاول اراده هجرة نمود از مکه معظمه بسوی مدینه مشرفه
و در آن شب بغار رفت و حضرت امیر المؤمنین ع و اله جا بر فراش خود
فدای جان حضرت رسول ص و اله کرد و در جای آنحضرت خوابید و از شمشیر
های کین قبایل مشرکین پروا نکرد و فضل او بر جمیع امت بلکه بر
جمیع عالمیان بر همگنان ظاهر گردید و حق تعالی با ملائکه سموات
بآنحضرت مباهات نموده اند و آیه وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ
ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللهِ در شأن او نازل گردید چنانچه تفصیلش
در حیاة القلوب مذکور است و چون حق تعالی آن دو جان مقدس
بیان از کید کافران حفظ کرد گفته اند که روزش را که روز
اول ماه ربیع الاول است مستحب است که برای شکر این نعمت عظیمه
روزه بدارید و هر چند علما در این روز زیارة ذکر نکرده اند اما
زیارة حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما
در این روز مناسبست بجهاتی که مذکور شد و شیخ طوسی رحمه الله
در مصباح گفته است که در روز اول این ماه حضرت امام حسن
عسکری بعالم بقا رحلت نمود و حضرت صاحب الامر صلوات الله
علیه بمنصب جلیل فائز گردید پس زیارة آن دو امام عالیمقام
در این روز مناسبست اما شیخ رحمه الله در تهذیب و کلینی د



محمد بن جریر طبری و ابن الخشاب و شیخ مفید رحمة الله علیهم و
غیر ایشان گفته اند که وفات امام حسن عسکری در روز
هشتم این ماه بود پس در آن روز زیارت آن دو امام انسب است
و امامت روز نهم این ماه بدانکه میان علمای خاصه و عامه
در تاریخ قتل عمر ابن الخطاب علیه اللعنة و العذاب خلافست
و مشهور میان فریقین است که قتل آن ملعون در روز
بیست و ششم ماه ذی الحجة واقع شد چنانچه سابقا اشاره
باشد و بعضی بیست و هفتم نیز گفته اند و مستند این دو قول
نقل مورخان است و از کتب معتبره چنان معلوم می شود که
چنانچه الحال میان عوام شیعه مشهور است قتل او در نهم
ماه ربیع الاول واقع شده است و سابقا میان جمعی از
محدثین شیعه نیز چنین مشهور بوده است و سید بزرگوار
علی ابن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال اشاره نموده است
بانکه ابن بابویه روایتی از حضرت امام جعفر صادق ع روایت
کرده است که آن ملعون در روز نهم ماه ربیع الاول بدرک
اسفل جحیم متوجه شده است و از نقل او چنان مفهوم می
شود که شیخ صدوق چنین اعتقاد داشته است هر چند
سید خود آن حدیث را تاویلات نموده است و ایضا سید ذکر
کرده است که جماعتی از شیعیان عجم سوسته آن روز را بار



سبب تعظیم

سبب تعظیم نموده اند و خلف بزرگوار سید علی بن طاوس
در کتاب اقبال زواید الفواید این مذهب را تقویت کرده است
و روایت معتبره در این باب ایراد نموده است چنانچه گفته است
که روایت کرده اند محمد ابن ابی العلاء همدانی و یحیی بن محمد جریح
بغدادی که روزی ما منازعه کردیم در باب عمر ابن الخطاب علیه
اللعنه و رفتیم در شهر قم بنزد احمد ابن اسحق که از خواص اصحاب
امام علی نقی و امام حسن عسکری بود و بخدمت حضرت صاحب
الامر نیز رسیده بود و چون در را کوبیدیم بیرون آمد و الحال
احمد را از او پرسیدم گفت او امروز مشغول اعمال عید است
و آن روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله عیدهای مومن
چهار است عید فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن
دختر گفت که احمد ابن اسحق از حضرت امام علی نقی صلوات الله
علیه روایت میکند که امروز روز عید است و بهترین روز
عیدها است نزد اهل بیت رسالت و شیعیان ایشان ما گفتیم
که رخصت بطلب تا ما بنزد او ائیم چون اندرون او را خبر کرد
بیرون آمد بسوی ما و لنگی بسته بود و عبائی بر خود پیچیده
بود و بوی مشک از او ساطع بود ما گفتیم که این چه حالتست
در تو مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شدم
گفتیم امروز مگر عید است گفت بلی و ما را بخانه خود در اورد



و بر روی کرسی نشاندو ما را گفت روزی با جمعی از برادران
خود نزد مولای خود حضرت امام حسن عسکری رفتیم در سر من رای
در مثل این روز که شما نزد من آمدید چون رخصت یافتیم و
بخدمت حضرت رسیدیم دیدیم که حضرت مجلس خود را آراسته
و مجمره در پیش خود گذاشته و بدست مبارک خود در آن مجمره
می اندازد و مجلس خود را معطر گردانیده است و بر غلامان و
خدمتکاران خود جامهای فاخر پوشانیده گفتیم یا ابن رسول الله
پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت امروز
فرحی تازه روی داده است حضرت فرمود که کدام روز حرمتش
از این روز نزد اهل بیت عظیمتر است بدرستی که خبر داد مرا پدرم
که حذیفه بن یمان در روز نهم ماه ربیع الاول داخل شد بر
جدم رسول خدا حذیفه گفت که دیدم حضرت امیرالمؤمنین و
حضرت امام حسن و حضرت امام حسین را که با حضرت رسالت پناه
طعام تناول مینمودند و آنحضرت بر روی ایشان تبسم مینمود و
با امام حسن و امام حسین میگفت بخورید گوارا باد از برای
شما برکت و سعادت این روز بدرستی که این روزیست که حقتعالی
هلاک می کند در این روز دشمن خود و دشمن جد شما را و مستجاب
میگرداند در این روز دعای مادر شما را بخورید که این روز روزیست
که حقتعالی در این روز قبول میکند اعمال شیعیان و محبان

شما را



شما را بگویید که امروز بیست که ظاهر میشود راستی گفته
خدا که میفرماید که فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا یعنی
اینست خانهای ایشان که خالی گردیده است بسبب ستم
های ایشان که خالی گردیده است که امروز بیست که شکسته
می شود در امروز شوکت دشمن جد شما و یاری کننده دشمن
شما بگویید که امروز بیست که در امروز هلاک می شود فرعون
اهل بیت من و ستم کننده بر ایشان و غصب کننده حق
ایشان بگویید که امروز بیست که در امروز بیست که حق تعالی
عملهای دشمنان شما را باطل و هبا میگرداند حذیفه
گفت که من گفتم یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی
خواهد بود که هتك این حرمتها نماید حضرت فرمود که
ای حذیفه بلی از منافقان بر ایشان سرکرده خواهد شد و
دعوی ریاست در میان ایشان خواهد کرد و مردم را بسوی خود
دعوت خواهد نمود و تازیانه ظلم و ستم را بر دوش خود خواهد
کرد و مردم را از راه خدا منع خواهد کرد و کتاب خدا را
تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث
فرزندم را متصرف خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواهد
خواند و زیادتی بر وصی من علی ابن ابی طالب ع خواهد کرد
و مالهای خدا را بناحق بر خود حلال خواهد کرد و در غیر



طاعت خدا صرف خواهد کرد و من و برادر من و وزیر من
علی را بدروغ نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم
خواهد کردانید پس دختر من او را نفرین خواهد کرد و حق تعالی
نفرین او را در آن روز مستجاب خواهد کردانید حذیفه گفت یا رسول
الله چرا دعا نمیکنی که حق تعالی او را در حیات تو هلاک کرداند حضرت
فرمود که ای حذیفه دوست نمیدارم که جرات کنم بر قضای خدا
و آنرا وطلب کنم تغییر امری را که در علم او کذشته است و لیکن از
حق تعالی سوال کردم که فضیلت دهد آن روز را که در آن روز او
بجهنم میرود بر سایر روزها تا آنکه احترام آن روز سنتی کردد
در میان دوستان من و دوستان دوستان و شیعیان اهل
بیت من پس حق تعالی وحی کرد بسوی من که ای محمد در علم سابق
کذشته است که در یابد ترا و اهل بیت ترا محنتهای و بلای
دنیا و ستمهای منافقان و غصب کنندکان از بندکان من از
منافقان که تو خیرخواهی ایشان کردی و با تو خیانت کردند و
تو با ایشان راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان
صاف بودی و ایشان دشمنی ترا بدل کرفتند و تو ایشانرا
خوشنود کردانیدی و ایشان ترا تکذیب کردند و تو ایشانرا
بر کزیدی و ایشان ترا در بلیه کذاشتند و سوکند یاد می
کنم بحول و پادشاهی خود که البته بکشایم بر روح کسی که



غصب

غصب کند حق علی را که وصی تو است بعد از تو بهزار درجه
از پست ترین طبقهای جهنم که او را ملوق میگویند و او را
و اصحاب او را در قعر جهنم جا دهم که شیطان از مرتبهٔ خود
بر او مشرف شود و او را لعنت کند و منافق را در قیامت
عبرتی کرده ام برای فرعونها که در زمان پیغمبران دیگر بوده
اند و برای سایر دشمنان دین و ایشان را و دوستان ایشان را
بسوی جهنم برم با دیدهای کبود و روهای ترش با نهایت
مذلت و خواری و پشیمانی و ایشان ابدالآباد در عذاب
خود بدارم ای محمد بمنزلهٔ علی عترت تو مکر با بچه منزلهٔ
با و از بلاء از فرعون او غصب کننده حق او که جرات می
کند بر من و کلام مرا بدل میکند و شرک بمن می آورد و مردم
را منع میکند از راه رضای من و گوساله از برای امت تو
بر پا میکند که آن ابوبکر است و کافر می شود بمن در عرش عظمت
و جلال من بدرستی که من امر کرده ام ملائکه هفت آسمانها
که برای شیعیان و محبان دین شما کنند امروزی را که آن
ملعون کشته میشود و امر کرده ام ایشان را که کرسی کرامت
مرا نصب کنند در برابر بیت المعمور و ثنا کنند بر من و طلب
آمرزش نمایند برای شیعیان و محبان شما از فرزندان آدم
و امر کرده ام ملائکه نویسندگان اعمال را که از این روز



تا سه روز قلم از مردم بردارند ونَنویسند گناهان ایشانرا
برای کرامت تو ووصی تو ای محمد این روزرا عید کرده‌ایم
برای تو واهل بیت تو وبرای هرکه تابع ایشان باشد از مؤمنان
وشیعیان ایشان وسوگند یاد میکنم بعزت خود وجلال
خود وعلو منزلت ومکان خود که عطا کنم کسیرا که عید کند
این روزرا ازبرای من ثوابها که بدور عرش احاطه کرده اند
وقبول کنم شفاعت اورا درحق خویشان او وزیاده کنم مال
اورا که گشادگی بر خود وعیال خود دراین روز بکند وهرسال
دراین روز صدهزار کس از موالیان وشیعیان شمارا از آتش
جهنم آزاد کرده‌ام واعمال ایشانرا قبول کنم وگناهان ایشانرا
بیامرزم حذیفه گفت پس برخاست رسول خدا وبخانه
ام سلمه رفت ومن برگشتم وصاحب یقین در کفر عمر تا آنکه بعد
از وفات رسول خدا دیدم که او چه فتنها برپا کرد وکفر اصلی
خودرا اظهار نمود واز دین برگشت ودامان بیحیائی وقباحت
برای غصب امامت وخلافت برزد وقرآنرا تحریف وآتش
درخانه وحی ورسالت زد وبدعتها در دین خدا پیدا کرد وملت
پیغمبررا تغییر داد وسنت آنحضرترا تبدیل کرد وشهادت حضرت
امیرالمؤمنین را رد کرد وفاطمه دختر رسول خدارا بدروغ نسبت
داد وفدکرا غصب کرد ویهود ونصاری ومجوس را از خود راضی

کرد ویهود



کرد و نور دیدهٔ مصطفی را بخشم آورد و رضاجوی اهل بیت
رسالت نکرد و همهٔ سنتهای رسول را برطرف کرد و تدبیر
کشتن امیرالمومنین کرد و ستم را درمیان مردم علانیه کرد
و هرچه خدا حلال کرده بود حرام کرد و هرچه خدا حرام کرده
بود حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر دینار و درهم
بسازند و خرج کنند و در بر و شکم فاطمهٔ زهرا زد و بر منبر
پیغمبر بالا رفت بغصب و جور و بر حضرت امیرالمومنین افترا بست
و با آنحضرت معارضه کرد و رای آنحضرت را بسفاهت نسبت
داد حذیفه گفت که پس حقتعالی دعای برگزیدهٔ خود و دختر
پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب کردانید و قتل او را
بر دست کشندهٔ او رحمة الله جاری ساخت پس رفتم بخدمت
حضرت امیرالمومنین که آنحضرت را تهنیت و مبارکباد
بگویم با آنکه آن منافق کشته شد و بعذاب حق تعالی واصل
کردید چون حضرت مرا دید گفت ای حذیفه آیا در خاطر
داری آن روز را که آمدی بنزد سید من رسول خدا و من
و دو سبط او حسن و حسین نزد او نشسته بودیم و با او طعام
میخوردیم پس ترا دلالت کرد بر فضیلت این روز گفتم بلی
برادر رسول خدا حضرت فرمود که بخدا سوگند که این روز
است که در آن حقتعالی دیدهٔ آل رسول را روشن کردانید و



ومن برای این روز هفتاد و دو نام میدانم حذیفه گفت یا امیر
المومنین میخواهم که آن نامها را از تو بشنوم حضرت فرمود که این
روز استراحت است که مومنان از شر ان منافق استراحت
یافتند و روز زایل شدن کرب و غم است و روز غدیر دوم
است و روز تخفیف گناه شیعیانست و روز اختیار نیکو
از برای مومنانست و روز برداشتن قلم از شیعیانست
و روز برهم شکستن بنای کفر و عدواتست و روز عافیت
و روز برکتست و روز طلب خونهای مومنانست و روز
عید بزرگ خداست و روز مستجاب شدن دعاست و روز موسم
اعظم است و روز وفاء بعهد است و روز شرطست و روز
کندن جامه سیاهست و روز ندامت ظالمست و روز
شکسته شدن شوکت مخالفانست و روز نفی هموم است و
روز فتح است و روز عرض اعمال بنکافرانست و روز ظهور
قدرت خداست و روز عفو از گناهان شیعیانست و روز
فرح ایشانست و روز نور است و روز انابت بسوی حق
است و روز زکوة بزرگست و روز فطر دوم است و روز
اندوه باغیانست و روز گره شدن آبدهان در گلوی مخالفان
است و روز خوشنودی مومنانست و روز عید اهل بیت
و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل بر فرعونست و روز پیش فرستادن



رصد

نقصد فالست و روز زیادتی مثوباتست و روز قتل منافقینست و
روز وقت معلومست و روز سرور اهل بیت است و روز شهود ناس
و روز قهر بر دشمن است و روز خراب شدن بنیان ضلالتست و روز لعنت کی
ظالم انگشت ندامت بدندان میگزد و روز تنبیه است و روز شرف
و روز خنک شدن دلهای مومنانست و روز شهادتست و روز در
گذشتن از گناه مومنانست و روز تازگی بستان اهل ایمانست و
روز شیرینی کام ایشانست و روز خوشی دلهای مومنانست و روز
برطرف شدن پادشاهان منافقانست و روز تومنی اهل ایمانست
و روز رهائی مومنان از شر کافرانست و روز مظاهره است و
روز مفاخره است و روز قبول اعمالست و روز تبجیل و تعظیم است
و روز نحله و عطاست و روز شکر حق تعالی است و روز یاری
مظلومانست و روز زیارت کردن مومنانست و روز محبت کردن
ایشانست و روز رسیدن برحمتهای الهیست و روز پاک کردن شدن
اعمالست و روز فاش کردن رازهاست و روز برطرف شدن
بدعتهاست و روز ترک گناهان کبیره است و روز ندا کردن
کردن بجمعست و روز عبادتست و روز موعظه و نصیحتست و
روز انقیاد پیشوایان دین است حذیفه گفت که پس از خدمت
حضرت امیرالمومنین برخواستم و گفتم که اگر دریابم از افعال خیر
و اینچه از افعال خیر و اینچه امید ثواب از آن دارم مگر محبت این روز



و داشتن فضیلت این امر اینه منتهای آرزوی من خواهد بود پس
محمد و یحیی راویان حدیث گفتند که چون این حدیث را از احمد بن اسحق
شنیدیم هر یک برخواستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم حمد و شکر
کنیم خداوندی را که برانگیخت ترا از برای ما اینکه فضیلت اینروز
را بما رسانیدی پس بجاهای خود برگشتیم و اینروز را عید کردیم
و صاحب کتاب زواید الفواید گفته است که این حدیث را از خط علی بن
محمد رحمة الله علیه نوشتم در کتب دیگر که تتبع کردیم چندین روایت
دیگر موافق این یافتیم پس اعتماد بر این روایات نمودم و سزاوار است
شیعیان را که اینروز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و شادی
در این روز بکنند و شیخ ابرهیم بن علی کفعمی در کتاب مصباح گفته
است که صاحب کتاب مسار الشیعه روایت کرده است که هر که
در روز نهم ماه ربیع الاول چیزی انفاق کند حقتعالی گناهان
او را بیامرزد و مستحب است در اینروز طعام برادران مؤمن و
خوشبو کردانیدن ایشان و توسعه دادن بر عیال خود و روز نیکو
و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادة حقتعالی و اینروز بطرف شدن
غمهاست و روز روزه داشتن نیست که از نقل
این بزرگوار ان معلوم میشود که بر فضیلت اینروز و وقوع این
قضیه مبارکه در آن احادیث بسیار وارد شده است و در اعصار
سابقه میان شیعیان مشهور بوده است و بر خلاف روایتی نظر

این



این قاصر نرسیده است و اتفاق مورخان عامه با احادیث معتبره
معارضه نمی کند و اگر کسی استبعاد کند که چنین واقعهٔ عظیمی که
سبب حزن جمعی و سرور جمعی گردد چون میتواند بود که مضبوط
نمانده جواب آنست که این واقعه از واقعهٔ وفات حضرت رسالت
و شهادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام عظیم تر نیست و در هر یک از اینها
خلاف میان خاصه و عامه هست و در واقعه اول اتفاق
دارند عامه برخلاف آنچه مختار شیعه است و اگر گویند که باعث
بر افترای ایشان در اینجا نیست جواب میگوئیم که شبهه در هر دو
جا نیست و باعث قوی در اینجا هست زیرا که برای دفع شماتت
شیعیان اخفای آن نموده باشند و علی ای حال چون مدار علمای
خاصه و عامه بر آنست که در مستحبات باحادیث ضعیفه
متمسک میشوند بنا بر این احادیث صحیحه که از ائمه طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین وارد شده است که هر که ثوابی از خدا باو
برسد بر عملی و آن را بجا آورد آن ثواب باو داده میشود هر چند چنان
نباشد که باو رسیده است پس اگر اعمال این روز را که نوعی
از شارع وارد شده باشد است و مخالفتی با آیات و اخبار نداشته
باشد کسی بعمل آورد خوب خواهد بود و مستحق ثواب خواهد گردید
و بعضی میگویند که عمر ابن سعد در این روز بجهنم واصل شده است
اگر چنین باشد این شرافت زیادی برای آن کافی نیست و شیخ مفید رحمه الله



علیه گفته است که روز دوازدهم اینماه حضرة رسول خدیجه
کبری رضی الله عنها را تزویج نمود و مستحبست برای شکر این مواصلت
عظیم البرکه شیعیان روزه بدارند و گفته است که در روز
دوازدهم اینماه حضرة رسول صلعم داخل مدینه مشرف شد و از شر دشمنان
ایمن گردید و باین جهة روز مبارکیست و ایضا دولت بنی مروان که
از بقیه بنی امیه و از دشمنان اهل بیت بودند در این روز دولت
ایشان بنهایت رسیده و زایل گردید و این نیز فضیلت دیگرست
برای این روز و اکثر سنیان ولادة باسعادة حضرة رسول صلعم در این روز
میدانند و محمد ابن یعقوب کلینی از علمای امامیه نیز در کتاب کافی
چنین قایل شده و بعضی از ارباب حساب موافق فتوی بعضی از روا
یات این را اظهر میدانند و اگرچه خلاف مشهور علما امامیه است اما
اگر روزه و غسل و زیارة و سایر اعمال که در هفدهم مذکور خواهد
شد در این روز نیز بعمل آورند باحتیاط اقربست و سید ابن طاوس
از بعضی علمای عجم روایت کرده است که سنتست که در روز
دوازدهم این ماه دو رکعت نماز بجا آورند و در رکعت اول بعد از
حمد سه قل یا ایها الکافرون و در رکعت دویم سه مرتبه
قل هو الله احد بخوانند و شیخ مفید و شیخ طوسی رضی الله
عنهما روایت کرده اند که یزید پلید علیه اللعنة والعذاب
الشدید در چهاردهم این ماه باسفل درک جهنم منتقل شد



باید که شیعیان این روز را بر خود مبارک دانند و شکر حق تعالی برای نعمت عظمی ادا کنند و بعضی روزه این روز را سنت دانسته اند

در فضایل و اعمال روز هفدهم این ماه

مشهور میان علمای شیعه آنست که ولادة کثیر السعادة حضرة رسالت در روز جمعه هفدهم ربیع الاول واقع شد و در بعضی از روایات وارد شده است که عروج آنحضرت باسمان نیز در شب هفدهم واقع شده است و شب و روزش هر دو مبارک است و در هر دو زیارة حضرة رسالت و حضرة امیر المؤمنین علیهما السلم مناسبست و علما ذکر کرده اند و روزه روزان فضیلت بسیار دارد شیخ مفید علیه الرحمة گفته است که این روز شریف پیوسته فرقه محقه شیعه از قدیم الایام الی الان تعظیم آن میکرده اند و حق این را میشناخته اند و روزه بدارد ثواب روزه یکساله نوشته شود و مستحبست که تصدقات بارباب حاجات بدهند و مؤمنین و مؤمنات را شاد کردانند و بزیارة مشاهد مشرفه بروند خصوصاً مرقد مطهر حضرة رسالت و ضریح منور حضرت امیر المؤمنین صلواة الله علیهما و شیخ مفید و شیخ شهید و سید ابن طاوس رضی الله عنهم گفته اند که چون در غیر مدینه طیبه خواهی که حضرة رسول صلعم را زیارة کنی غسل بکن و شبیه بقبر در پیش روی خود بسازند و اسم مبارک



انحضرت برابر بنویس و بایست و دل خود اشهد ان لا
را متوجه انحضرت کردان و بگوی مذ الدعا گواهی میدهم انکه نیست سزاوار پرستش
اله الّا الله وحده لا شریك له واشهد انّ
خدا مگر خدا حال انکه یگانه است شریکی برای او و گواهی میدهم انکه بحقیق
محمّداً عبده ورسوله وانّه سیّد الاوّلین والاخرین و
محمد بنده او و فرستاده اوست وانکه بحقیق محمد بزرگ پیشینیان و پسینیان است
انّه سیّد الانبیاء والمرسلین اللّهمّ صلّ علیه وعلی
وانکه بحقیق او بزرگ پیغمبران و فرستادگان است خداوندا رحمت برا او و بر
اهل بیته الائمّة الطیّبین ثم السلام علیك یا
خانواده او پیشوایان پاکیزگان بگو درود فرست بر تو باد ای
رسول الله السلام علیك یا خلیل الله السلام علیك
فرستاده خدا درود بر تو باد ای دوست خدا درود بر تو باد
یا نبیّ الله السلام علیك یا صفیّ الله السلام علیك
ای پیغمبر خدا درود بر تو باد ای گزیده خدا درود بر تو باد
یا رحمة الله السلام علیك یا خیرة الله السلام علیك
ای بخشش خدا درود بر تو باد ای اختیار کرده شده درود بر تو باد
یا حبیب الله السلام علیك یا نجیب الله السلام علیك یا
ای دوست خدا درود بر تو باد ای برگزیده خدا درود بر تو باد ای
خاتم النّبیّین السلام علیك یا سیّد المرسلین السلام
اخر پیغمبران درود بر تو باد ای بزرگ فرستادگان درود

علیك

عَلَیْکَ یا قائِماً بِالْقِسْطِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا فاتِحَ الْخَیْرِ

بر تو باد ای بپادارنده راستی درود بر تو باد ای گشاینده بخ

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَعْدِنَ الْوَحْیِ وَالتَّنْزیلِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

درود بر تو باد ای قرارگاه پیغام خدا و معانی قرآن فرو فرستاده شده درود بر تو باد

یا مُبَلِّغاً عَنِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا السِّراجُ الْمُنیرُ اَلسَّلامُ

ای رساننده از جانب خدا درود بر تو باد ای چراغ روشن درود

عَلَیْکَ یا بَشیرُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَذیرُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُنْذِرُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا

بر تو باد ای مژده دهنده درود بر تو باد ای ترساننده درود بر تو باد ای

نُورَ اللهِ الَّذی یُسْتَضاءُ بِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلی اَهْلِ بَیْتِکَ

روشنائی خدا که روشنائی جسته میشود به درود بر تو باد و بر خانواده تو

الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ الْهادینَ الْمَهْدِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلی

که پاکیزگانند پاکان راهنمایان راه یافتگان اند درود بر تو باد و بر

جَدِّکَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَعَلی اَبیکَ عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ

جد تو عبد المطلب و بر پدر تو عبد الله درود

عَلی اُمِّکَ آمِنَةَ بِنْتِ وَهْبٍ اَلسَّلامُ عَلی عَمِّکَ حَمْزَةَ

بر مادر آمنه دختر وهب درود بر عموی تو حمزه

سَیِّدِ الشُّهَداءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلی عَمِّکَ وَکَفیلِکَ

بزرگ شهیدان درود بر تو باد و بر عموی تو و کفیل تو

اَبی طالِبٍ اَلسَّلامُ عَلَی ابْنِ عَمِّکَ جَعْفَرٍ الطَّیّارِ فی جِنانِ

ابی طالب درود بر پسر عم تو جعفر پرنده در بهشت



المخلد السلام علیک یا محمد السلام علیک یا احمد

و جاوید درود بر تو باد ای محمد درود بر تو باد ای احمد

السلام علیک یا حجة الله علی الاولین والآخرین و

درود بر تو باد ای حجت خدا بر پیشینیان و پسینان

السابق فی طاعة رب العالمین والمهیمن علی رسله و

و پیشی گیرنده در فرمان برداری ای پروردگار جهانیان و گواهی دهنده بر فرستادگان

الخاتم لانبیائه والشاهد علی خلقه والشفیع الیه

و آخر پیغمبران او و گواه بر آفریدگان او و در است شفیع بسوی او

والمکین لدیه والمطاع فی ملکوته الاحمد من الاوصاف

و جای گرفته نزد او و اطاعت کرده شده در عالم پادشاهی او ستوده تر از صفتها

المحمد لسائر الاشراف الکریم عند الرب والمتکلم

ستوده شده همه بزرگان بزرگوار نزد پروردگار و سخن گفته شده

من وراء الحجب الفائز بالسباق والفائت عن

از پشت پردهای فیروزی یابنده به پیشی گرفتن بر خلایق و گذشته

اللحاق تسلیم عارف بحقک معترف بالتقصیر فی قیامه

رسیدن آن کار هوا که شناسد حق ترا اقرار دارد بتقصیر در قیام نمودن

بواجبک غیر منکر ما انتهی الیه من فضلک موقن بالمزید

او بحق واجب تو انکار آنچه را که رسیده بسوی او از فضل تو جزم دارد بر

لمزیدات من ربک مؤمن بالکتاب المنزل علیک محلل

زیادتیها از جانب پروردگار تو تصدیق کننده به کتاب فرود فرستاده شده بر تو

علاولك

حلالاً لك محرّم حرامك أشهد يا رسول الله مع كل شاهدٍ

حلال ترا حرام ترا گواهی میدهم ای فرستاده خدا با هر گواهی دهنده

وأتحمّلها عن كل جاحدٍ أنك قد بلّغت عن رسالات ربك

و بر میدارم گواهی را بدل از هر انکار کننده که به تحقیق تو رسانیدی پیغامهای پروردگارت

ونصحت لأمتك وجاهدت في سبيل ربك وصدعت

و پند دادی مر امت خود را و کارزار نمودی در راه پروردگار تو و ظاهر کردی

بأمره واحتملت الأذى في جنبه ودعوت إلى سبيله

فرمان او را و برداشتی تعبها را در کار او و خواندی بسوی راه او

بالحكمة والموعظة الحسنة الجميلة وأدّيت الحق

بدانش محکم و پند نیکوی نیک و در رسانیدی حقی

الذي كان عليك وأنك قد رؤفت بالمؤمنين و

که بود بر تو و آنکه بدرستی که تو به تحقیق مهربان بودی بر گروندگان

غلظت على الكافرين وعبدت الله مخلصاً حتى أتاك

و خشم ناک بودی بر ناگروندگان و پرستیدی خدا را خالص گردانیده تا آمد

اليقين فبلّغ الله بك أشرف محل المكرمين وأعلى

مرگ پس برساند خدا ترا به بلندترین جاهای گرامی داشته شدگان و بلندترین

منازل المقربين وأرفع درجات المرسلين حيث لا

مرتبهای نزدیکان و بلندترین مرتبهای پیغمبران آنجایی که

يلحقك لاحق ولا يفوقك فائق ولا يسبقك سابق

نرسد ترا هیچ رسنده و بلندتر نشود از تو بلند شونده و پیشی نگیرد ترا پیشی گیرنده



ولا تطمع في ادراكك طامع الحمد لله الذي استنقذنا

و طمع کند در رسیدن بمرتبه تو طمع کننده سپاس مر خدای را که رهانید ما را بتو

بك من الهلكة وهدانا بك من الضلالة ونورنا بك

تو از هلاکت و راه نمود ما را بتو از گمراهی و روشنی داد ما را بتو

من الظلمة فجزاك الله يا رسول الله من مبعوث افضل

از تاریکی پس جزا دهد ترا خدا ای رسول خدا فرستاده او بهتر از کسی

ما جزى نبيا عن امته ورسولا عمن ارسل اليه بابي

که جزا داده است پیغمبری را از جانب امت او و فرستاده را از جانب آنکه فرستاده شده بسوی او پدرم

انت وامي يا رسول الله زرتك عارفا بحقك مقرا

فدای تو باد ای رسول خدا زیارت کردم ترا شناسا بحق تو اقرار کننده

بفضلك مستبصرا بضلالة من خالفك وخالف

بفضل تو بینا بگمراهی آنکه مخالفت نمود ترا و مخالفت کرد

اهل بيتك عارفا بالهدى الذي انت عليه بابي

خانواده ترا شناسنده راه راست که تو بر آنی فدای تو باد پدر

وامي ونفسي واهلي ومالي وولدي انا اصلي عليك

و مادرم و جانم و اهل و مالم و فرزندانم من رحمت می فرستم بر تو

كما صلى الله عليك وصلى عليك ملائكته وانبياؤه

چنانچه رحمت فرستاد خدا بر تو و رحمت فرستادند بر تو فرشتگان او و پیغمبران او

ورسله صلوة متتابعة وافرة متواصلة لا انقطاع

و فرستادگان رحمتی پی در پی بسیار پیوسته که منقطع نشود

لها ولا

لها ولا امد ولا اجل صلى الله عليك وعلى اهل

مر آن را و نه آخری و نه نهایتی رحمت فرستد خدا بر تو و بر خانواده

بيتك الطيبين الطاهرين كما انتم اهله پس دستها را بگشا و بگو

تو که پاکیزگانند پاکانند چنانچه شما سزاوار آنید

اللهم اجعل جوامع صلواتك ونوامي بركاتك و

خداوندا بگردان رحمتهای فراهم آورنده خود را و زیادتیهای فزاینده خود را

فواضل خيراتك وشرائف تحياتك وتسليماتك و

و نیکیهای زیاد خود را و درودهای با شرف خود را و سلام های خود

كراماتك ورحماتك وصلوات ملائكتك المقربين

و کرامتهای خود و بخششهای خود و رحمت های فرشتگان نزدیک خود را

وانبيائك المرسلين وائمتك المنتجبين وعبادك

و پیغمبران فرستادگان و پیشوایان برگزیدگان خود و بندگان

الصالحين واهل السموات والارضين ومن

شایسته خود و اهل آسمانها و زمین ها و هر که

سبح لك يا رب العالمين من الاولين والآخرين

تسبیح کرده ترا ای پروردگار جهانیان از پیشینیان و پسینیان

على محمد عبدك ورسولك وشاهدك ونبيك

بر محمد بنده تو و فرستاده تو و گواه تو و پیغمبر تو

ونذيرك وامينك ومكينك ونجيك وحبيبك

و بیم نماینده از جانب تو و معتمد تو و خداوند منزلت خاص تو و دوست تو



وَخَلِيلِكَ وَصَفِيِّكَ وَصِفْوَتِكَ وَخَاصَّتِكَ وَخَالِصَتِكَ
ودوست خالص تو وبنده خاص تو وبرگزیده تو ودوست خلص تو وصدیق تو
وَرَحْمَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَخَازِنِ الْمَغْفِرَةِ
ورحمت تو وبهترین اختیار کرده شدگان تو از خلق پیغمبر رحمت وخازن بخشش تو
وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَمُنْقِذِ الْعِبَادِ مِنَ الْهَلَكَةِ بِإِذْنِكَ
وکشنده نیکی وبرکت ورهاننده بندگان از هلاکت بدستوری تو
وَدَاعِيهِمْ إِلَى دِينِكَ الْقَيِّمِ بِأَمْرِكَ أَوَّلِ النَّبِيِّينَ
وخواننده ایشان بسوی دین تو قایم کننده بفرمان تو اول پیغمبران
مِيثَاقًا وَآخِرِهِمْ مَبْعَثًا الَّذِي غَمَسْتَهُ فِي بَحْرِ الْفَضِيلَةِ
بپیمان بستن وآخر ایشان از روی بعثت آنکه فرو بردی اورا در دریای فضل
وَالْمَنْزِلَةِ الْجَلِيلَةِ وَالدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ وَالْمَرْتَبَةِ الْخَطِيرَةِ
ومنزلت بزرگ ودرجه بلند ومرتبه عظیم
وَأَوْدَعْتَهُ الْأَصْلَابَ الطَّاهِرَةَ وَنَقَلْتَهُ مِنْهَا إِلَى
وبامانت گذاشتی اورا در پشتهای پاک ونقل فرمودی اورا از آنها بسوی
الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لُطْفًا مِنْكَ لَهُ وَتَحَنُّنًا مِنْكَ عَلَيْهِ
رحمهای پاک کردانیده شده بجهت مهربانی از تو مر او را وشفقت تو بر او
إِذْ وَكَّلْتَ لِصَوْنِهِ وَحِرَاسَتِهِ وَحِفْظِهِ وَحِيَاطَتِهِ مِنْ
هنگامیکه موکل کردانیدی برای نگاهداری ونگهبانی او وحفظ او ورعایت او از
قُدْرَتِكَ عَيْنًا عَاصِمَةً حَجَبْتَ بِهَا عَنْهُ مَدَانِسَ الْعَهْرِ وَ
توانائی خود چشمی نگاه دارنده بازداشتی بسبب آن از او چرکهای فجور و

معایب

معايب السفاح حتى دمغت به نواظر العباد واحيت

و ناپسند بهای زنا را تا آنکه بند کردی بسبب او دیدهای بندگان را و زنده کردی

بان كشفت عن نوره ولادته ظلم الاستار والبست

بانکه زایل کردی از روشنائی ولادت او تیرهای پردهای را و پوشانیدی

حرمك به حلل الانوار اللهم فكما خصصته بشرف

حرم خود را بسبب او جامهای روشنائیها خداوندا پس چنانچه مخصوص کردی او را بشرف

هذه المرتبة الكريمة وذخر هذه المنقبة العظيمة

این مرتبه گرامی و ذخیره این منقبت بزرگ

صل عليه كما وفى بعهدك وبلغ رسالاتك وقاتل

رحمت فرست بر او چنانچه وفا نمود بر پیمان تو و رسانید پیغامهای ترا و کشت

اهل الجحود على توحيدك وقطع رحم الكفر في اعزاز دينك

منکران را بر اظهار یگانگی تو و بریدن رحم کفر را در عزیز کردن دین

ولبس ثوب البلوى في مجاهدة اعدائك واوجب له

و پوشیده جامه محنت و بلیات را در کارزار نمودن دشمنان تو و واجب گردانید

بكل اذى مسه او كيد احس به من الفئة التي حاولت

بهر آزاری که رسید او را یا مکری که دریافت آن را از گروهی که قصد کردند

قتله فضيلة تفوق الفضائل ويملك بها الجزيل

کشتن او را زیاده که فایق آید همه زیادتیها را و صاحب شد بخشش بسیاری

من نوالك وقد اسر الحسرة واخفى الزفرة وتجرع

از بخشش تو و بحقیقت پنهان داشت اندوه را پنهان کرد آه را و او جرعه



الغصة ولم يحط اما مثل له وحبك اللهم صل عليه وعلى

غصه و غم را دیگاه دور نکرد از آنچه بصورت در آورد برای او وحی تو خداوندا رحمت بفرست بر

اهل بيته صلوة ترضيها لهم وبلغهم منا تحية كثيرة و

بر خاندان او رحمتی که بپسندی آن را برای ایشان و برسان بایشان از ما درود بسیار و

سلاما واتنا من لدنك من موالاتهم فضلا واحسانا

سلام فراوان و بده ما را از نزد خود از دوست داشتن ایشان زیادتی و نیکوئی

ورحمة وغفرانا انك ذو الفضل العظيم پس چهار رکعت

و رحمت و آمرزش بدرستیکه تو خداوند فضل بزرگی نماز زیارت

بکن و سلام با هر سوره که خواهی وچون فارغ شوی تسبیح

حضرت فاطمه علیها السلام را بخوان پس بگوی

اللهم انك لنبيك محمد صلى الله عليه واله و

خداوندا بدرستی که گفتی برای پیغمبر خود محمد که رحمت فرستاد خدا بر او و آل او

لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله واستغفر

اگر آنکه منافقان وقتیکه ستم کردند بر نفسهای خود آمدندی نزد تو پس طلب آمرزش کردندی

لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما ولم احضر زمان

برای ایشان رسول هر آینه یافتندی خدا را پذیرای توبه مهربان و حاضر نبودم در زمان

رسولك عليه واله السلام اللهم وقد زرته

رسول تو بر او و آل او باد درود خداوندا و به تحقیق زیارت کردم

راغبا تائبا من سيئ عملي ومستغفرا لك من ذنوبي

او را خواهشمند رجوع کننده از کردار بد خود و آمرزش خواهنده مر ترا از گناهان

ومغفرا

وَمُقِرًّا لَكَ بِها وَاَنْتَ اَعْلَمُ مِنّى وَمُتَوَجِّهًا اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ

اقرار كننده مر ترا بگناهان تو داناترى بآن ها از من و روكننده بسوى تو بوسيله پيغمبر تو

نَبِىِّ الرَّحْمَةِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاجْعَلْنى اَللّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ

پيغمبر رحمت رحمتهاى تو براو و بر آل او پس گردان مرا خداوندا بحرمت محمد

وَاَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَجيهًا فِى الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ

و خانواده او نزد خود صاحب جاه در اين جهان و آن جهان و از

الْمُقَرَّبينَ يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللّهِ بِاَبى اَنْتَ وَاُمّى يا نَبِىَّ اللّهِ

نزديك گردندگان اى محمد اى رسول خدا فداى تو باد پدر و مادرم اى پيغمبر خدا

يا سَيِّدَ خَلْقِ اللّهِ اِنّى اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَى اللّهِ رَبِّكَ وَرَبّى

اى بزرگ خلق خدا بدرستيكه من رو ميكنم بوسيله تو بسوى خدا پروردگار تو و پروردگار من

لِيَغْفِرَ لى ذُنُوبى وَيَتَقَبَّلَ مِنّى عَمَلى وَيَقْضِىَ لى حَوائِجى

تا بيامرزد براى من گناهان مرا و قبول كند از من كردار مرا و برآورد براى من حاجتهاى مرا

فَكُنْ لى شَفيعًا عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبّى فَنِعْمَ الْمَسْئُولُ الْمَوْلى

پس باش براى من درخواست كننده نزد پروردگار تو و پروردگار من پس خوب كرده شده [illegible]

رَبّى وَنِعْمَ الشَّفيعُ اَنْتَ يا مُحَمَّدُ عَلَيْكَ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِكَ

پروردگار من و خوب درخواست كننده تو اى محمد بر تو و بر خانواده تو

السَّلامُ اَللّهُمَّ وَاَوْجِبْ لى مِنْكَ الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ وَالرِّزْقَ

درود خداوندا واجب كن از براى من از جانب خود آمرزش و بخشش [illegible]

الْواسِعَ الطَّيِّبَ النّافِعَ كَما اَوْجَبْتَ لِمَنْ اَتى نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا

فراخ پاكيزه سودبخش چنانكه واجب كردانيدى مر آنرا براى آنكه آيد پيغمبر تو محمد



صلواتك عليه وآله وهو حيّ فاقرّ له بذنوبه و

که رحمت های تو بار برو و آل او و حال آنکه او بود زنده پس اقرار کرد برای او گناهان

استغفر له رسولك عليه وآله السلام فغفرت له

طلب آمرزش نمود برای او رسول تو بر او و آل سلام و آل پس آمرزیدی مر او را

برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم وقد امّلتك وزر

به بخشش خود ای بخشنده‌ترین بخشندگان خداوندا و بتحقیق آرزو کردم از تو امید داشتم

وقمت بين يديك ورغبت اليك عمن سواك وقد

و ایستاده ام در پیش تو و رغبت نموده ام بسوی تو از هر که غیر تست و بتحقیق آرزو کردم

امّلت جزيل ثوابك واني مقرّ غير منكر وتائب

پاداش بسیار و اجر ترا و بدرستی که من اقرار کننده ام نه انکار نماینده و رجوع کننده ام

اليك مما اقترفت وعائذ بك في هذا المقام مما

بسوی تو از آنچه کسب کرده و پناه گیرنده ام بتو در این جا از آنچه

قدّمت من الاعمال التي تقدّمت اليّ فيها ونهيتني

پیش داشته ام از کردارهایی که پیش گفتی بسوی من در آنها و منع کردی

عنها واوعدت عليها العقاب واعوذ بكرم

مرا از آنها و وعده کردی بر آن عقوبت را و پناه میگیرم بزرگواری

وجهك ان تقيمني مقام الخزي والذلّ يوم تهتك

ذات تو از آنکه بپا داری مرا در جایگاه خفت و خواری روزی که در

فيه الاستار وتبدو فيه الاسرار والفضائح وتر[عد]

آن پرده ها و ظاهر می شود در آن نهانیها و رسوائیها و لرزان

فيه

فيه الفرائض يوم الحسرة والندامة يوم الآفكة يوم

در آن رگهای گردن روز اندوه و پشیمانی روز عذاب روز

الآزفة يوم التغابن يوم الفصل يوم الجزاء يوما

قیامت روز بسیار غبن شدن روز جدا کردن حق از باطل روز جزا دادن روزی که

كان مقداره خمسين ألف سنة يوم النفخة يوم ترجف

که باشد قدر او پنجاه هزار سال روز دمیدن در صور روزی که بلرزد

الراجفة تتبعها الرادفة يوم النشر يوم العرض يوم

زمین لرزنده از پی درآید آن را نفخهٔ دم صور روز برانگیختن روز عرض کردن روز

يقوم الناس لرب العالمين يوم يفر المرء من أخيه وأمه

که بایستند آدمیان برای پروردگار جهانیان روزی که بگریزد آدمی از برادرش و مادرش

وأبيه وصاحبته وبنيه يوم تشقق الأرض وأكناف

و پدرش و زنش و فرزندانش روزی که شکافته شود زمین و اطراف

السماء يوم تأتي كل نفس تجادل عن نفسها يوم يردون

آسمان روزی که می‌آید هر نفسی که مجادله کند از نفس خود روزی که بازگردانده شوند

إلى الله فينبئهم بما عملوا يوم لا يغني مولى عن مولى

بسوی خدا پس آگاه کند ایشان را بآنچه میکردند روزی که باز ندارد هیچ دوستی از دوستی

شيئا ولا هم ينصرون إلا من رحم الله إنه هو العزيز

چیزی و نه ایشان یاری کرده شوند مگر آنکه بخشوده او را خدا بدرستیکه او است غالب

الرحيم يوم يردون إلى الله فينبئهم بما عملوا يوم لا

مهربان روزی که بازگردانیده شوند بسوی خدا پس آگاه کند ایشان را بآنچه میکردند روزی



مولى عن مولى شيئا عالم الغيب والشهادة يوم يردون

از دوستی چیزی را دانای نهان و آشکار روزی که باز گردانیده شوند

الى الله مولاهم الحق يوم يخرجون من الاجداث سراعا

بسوی خدا که خداوند ایشان است بحق روزی که بیرون آیند از قبرها شتابان

كانهم الى نصب يوفضون وكانهم جراد منتشر

که گویا ایشان بسوی نشان می‌شتابند و گویا که ایشان ملخهای پراکنده اند

مهطعين الى الداع الى الله يوم الواقعة يوم ترج

حال آنکه شتابان باشند بسوی خواننده بسوی خدا روز قیامت روزی که لرزیده شود

الارض رجا يوم تكون السماء كالمهل وتكون

زمین لرزیدنی سخت روزی که گردد آسمان چون مس گداخته و باشند

الجبال كالعهن ولا يسئل حميم حميما يوم الشاهد

کوهها چون پشم رزه شده و نپرسد هیچ خویشی از حال خویش روز گواهی دهنده

والمشهود يوم تكون الملائكة صفا صفا اللهم

و گواهی داده شده روزی که باشند فرشتگان صف صف خداوندا

ارحم موقفی فی ذلك اليوم بموقفی فی هذا اليوم ولا

رحم کن ایستادن مرا در آن روز بایستادنم در این روز و خوار

تخزنی فی ذلك الموقف بما جنيت على نفسی واجعل

مگردان مرا در آن موقف به جنایت کردن من بر نفس خود و بگردان

يا رب فی ذلك اليوم مع اوليائك منطلقی وفی زمرة محمد

ای پروردگار من در آن روز با دوستان خود رفتن مرا و در گروه محمد

وَاَهلِ بَیتِهِ عَلَیهِمُ السَّلامُ مَحشَری وَاجعَل حَوضَهُ
و خانواده او بر ایشان باد سلام حشر گردانیدن مرا و بگردان حوض او را
مَورِدی وَفی الغُرِّ الکِرامِ مَصدَری وَاَعطِنی کِتابی بِیَمینی
محل وارد شدن من و در زمره پیشوایان بزرگواران بازگشت مرا و عطا کن نامه عمل مرا
حَتّی اَفوزَ بِحَسَناتی وَتُبَیِّضَ بِهِ وَجهی وَتُیَسِّرَ بِهِ حِسابی
تا آنکه رستگار گردم بکارهای نیک خود و سفید گردانی به آن روی مرا و آسان کنی به آن حساب مرا
وَتُرَجِّحَ بِهِ میزانی وَاَمضِیَ مَعَ الفائِزینَ مِن عِبادِکَ
و افزون کنی بجهة آن حساب سنجیده مرا و بگذرم با رستگاران از بندگان
الصّالِحینَ اِلی رِضوانِکَ وَجِنانِکَ یا اِلهَ العالَمینَ
شایسته تو بسوی خشنودی تو و بهشت تو ای خداوند جهانیان
اَللّهُمَّ اِنّی اَعوذُ بِکَ مِن اَن تَفضَحَنی فی ذلِکَ الیَومِ
خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از آنکه رسوا کنی مرا در آن روز
بَینَ یَدَیِ الخَلائِقِ بِجَریرَتی اَو اَن اَلقَی الخِزیَ وَالنَّدامَةَ
در پیش آفریدگان بگناه من یا آنکه برسم به خواری و پشیمانی
بِخَطیئَتی اَو اَن تُظهِرَ فیهِ سَیِّئاتی عَلی حَسَناتی اَو اَن
بگناه خود یا آنکه غالب در آن بدیهای مرا بر نیکیهای من یا آنکه
تُنَوِّهَ بَینَ الخَلائِقِ بِاسمی یا کَریمُ یا کَریمُ العَفوَ العَفوَ
شهادت دهی ببدی و رسوایی در میان آفریدگان نام مرا ای بزرگوار امید دارم در گذشتن
السَّترَ السَّترَ اَللّهُمَّ وَاَعوذُ بِکَ مِن اَن یَکونَ فی ذلِکَ
پوشیدن را پوشیدن را خداوندا و پناه میگیرم بتو از آنکه باشد در آن



فِي مَوَاقِفِ الْأَشْرَارِ مَوْقِفِي أَوْ فِي مَقَامِ الْأَشْقِيَاءِ مَقَامِي

در جایهای ایستادن بدکاران ایستادن من در جایگاه آخرت بدبختان اقامت من

وَإِذَا مَيَّزْتَ بَيْنَ خَلْقِكَ فَسُقْتَ كُلًّا بِأَعْمَالِهِمْ زُمَرًا إِلَى

و چون امتیاز افکنی میان خلق خود پس برانی همه را برگروه‌های ایشان گروه گروه

مَنَازِلِهِمْ فَسُقْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَفِي

جایهای ایشان پس بران مرا برحمت در گروه بندگان شایسته خود و در

زُمْرَةِ أَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ إِلَى جَنَّاتِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ ثُمَّ وَدِّعْ وَكُنْ

گروه پرهیزکاران خود بسوی بهشتهای خود ای پروردگار جهانیان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ

درود بر تو باد ای فرستاده خدا درود بر تو ای مژده دهنده

النَّذِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ السَّلَامُ

بیم نماینده درود بر تو ای چراغ روشن درود

عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّفِيرُ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ

بر تو ای رسول اصلاح کننده میان خدا و میانه خلق او گواهی میدهم ای رسول

أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ

اینکه بودی نور در پشتهای بارفعت و در رحمهای پاک

لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ

نجس نکرده ترا جاهلیت بنجاستهای خود و نپوشانیده ترا از جامهای

ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ وَبِالْأَئِمَّةِ

تیره خود و گواهی میدهم ای رسول خدا اینکه من گرویده‌ام بتو و بامامان

مِنْ أَهْلِ

من اهل بيتك موقن بجميع ما اتيت به راض مؤمن

از خانواده تو یقین دارم بهمه آنچه آورده تو آن را خشنود گرویده ام

واشهد ان الائمة من اهل بيتك اعلام الهدى والعروة

و گواهی میدهم آنکه بتحقیق پیشوایان از خاندان تو نشانهای هدایت و دست آویز

الوثقى والحجة على اهل الدنيا اللهم لا تجعله

محکم و حجت بر اهل دنیا خداوندا مگردان این زیارت را

آخر العهد من زيارة نبيك عليه السلام وان توفيتني

آخر زیارتی از زیارت پیغمبر تو بر او باد درود و اگر بمیرانی مرا

فاني اشهد في مماتي على ما اشهد عليه في حياتي

پس بدرستیکه من گواهی میدهم در حال مردن خود بر آنچه گواهی میدهم بر آن در زمان زندگی

انك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك

آنکه بدرستیکه تویی خدا نیست خداوندی مگر تو تنها آنکه نیست شریکی برای

لك وان محمدا عبدك ورسولك وان الائمة

تو و آنکه محمد بنده تو و رسول تو و آنکه بتحقیق پیشوایان

من اهل بيته اولياؤك وانصارك وحججك على

از خانواده او دوستان تو اند و یاوران تو و حجتهای تو بر

خلقك وخلفاؤك في عبادك واعلامك في بلادك

خلق تو و خلیفهای تو در زمره بندگان تو و نشانهای تو در شهرهای تو

وخزان علمك وحفظة سرك وتراجمة وحيك اللهم

و خازنان علم تو و نگهبانان راز تو و بیان کنندگان پیغام تو خداوندا



صل علی محمد و آله و بلغ روح نبیک محمد و آله فی ساعتی
رحمت بفرست بر محمد و آل او و برسان بروح پیغمبر خود محمد و آل او در ساعت من
هذه و فی کل ساعة تحیة منی و سلاما و السلام علیک
این ساعت و در هر ساعت درود بسیار از جانب من و سلام و از ان درود بر تو
یا رسول الله و رحمة الله و برکاته لا جعله الله آخر التسلیم
ای رسول خدا و رحمت خدا و برکتهای او نگرداند آن را خدا آخر درود من
علیک بر تو باد
مولف گوید که این زیارة اگرچه سندش بنظر نرسید
و لهذا در تحفة الزائر ذکر نکرده ام اما زیارة جامع
کاملی است و در همه اوقات میتوان بجا آورد و اگر کسی
نمیتواند زیارة مختصر که بعد از این ان شاء الله مذکور خواهد
شد بعمل آورد و علما ذکر کرده اند که زیارة حضرة امیر المؤمنین
در این روز سنت است و خصوصا این زیارة در این روز را ذکر کرده
اند و از بعضی از روایات خصوص این روز معلوم نمی شود و بهترین
زیارات است از جهة لفظ و معنی و سند بسیار معتبر منقول
است و در همه ایام و اوقات از دور و نزدیک میتوان کرد خصوصا
در این روز چنانچه شیخ مفید و شیخ شهید و سید ابن طاوس رضی
الله عنهم روایت کرده اند که حضرة امام جعفر صادق زیارت
کرد حضرة امیر المؤمنین را در هفدهم ماه ربیع الاول با این
زیارة و تعلیم فرمود زیارت را براوی ثقه عظیم الشان محمد ابن

مسلم

مسلم ثقفی فرمود که چون بیابی بمشهد امیر المؤمنین علیه
زیارة بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بقدری
بوی خوش خود را خوشبو کن و بر تو باد آرام دل و آرام تن پس
چون برسی به باب السلام یعنی درگاه روضه مقدسه که
که ضریح مقدس نمایان میشود پس رو بقبله بایست و سی
مرتبه الله اکبر السلام علی رسول الله السلام علی خیرة
بگو و بگو — سلام بر رسول خدا سلام بر گزیده
الله السلام علی البشیر النذیر السراج المنیر و رحمة الله و برکاته
خدا سلام بر خوش دهنده بیم کننده چراغ روشن و رحمت خدا و برکتهای او
السلام علی انبیاء الله المرسلین و عباد الله الصالحین
سلام بر پیغمبران خدا فرستادگان و بندگان خدا شایسته
السلام علی ملائکة الله الحافین بهذا الحرم و بهذا الضریح
درود بر فرشتگان خدا که احاطه کرده اند باین حرم و باین ضریح
اللائذین به پس نزدیک السلام علیک یا وصی الأوصیاء
پناه گرفته اند بآن پیش رو و بگو سلام بر تو ای وصی اوصیاء
السلام علیک یا عماد الأتقیاء السلام علیک یا ولی
سلام بر تو ای معتمد پرهیزکاران سلام بر تو ای دوست
الأولیاء السلام علیک یا سید الشهداء السلام
دوستان خدا سلام بر تو ای بزرگ شهیدان سلام



عَلَيْكَ يا آيَةَ اللهِ الْعُظْمى اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خامِسَ اَهْلِ

بر تو باد ای نشانهٔ بزرگتر خدا سلام بر تو باد ای پنجم یاران

الْعَباءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ الْاَتْقِياءِ

عبا سلام بر تو باد ای پیشرو سفید پیشانی دست و پا سفیدان پرهیزکاران

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عِصْمَةَ الْاَوْلِياءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا زَيْنَ الْمُوَحِّدينَ

درهم بر تو ای حافظ کنندگان دوستان خدا سلام ای آرایش یکتاشناسان

النُّجَباءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خالِصَ الْاَخِلّاءِ اَلسَّلامُ

برگزیدگان سلام بر تو باد ای خالص دوستان خدا سلام

عَلَيْكَ يا والِدَ الْاَئِمَّةِ الْاُمَناءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا

بر تو باد ای پدر پیشوایان با امانت سلام بر تو باد ای

صاحِبَ الْحَوْضِ وَحامِلَ اللِّواءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قَسيمَ

خداوند حوض کوثر و بردارنده علم محشر سلام بر تو ای بخش کننده

الْجَنَّةِ وَلَظى اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ مَكَّةُ وَمِنى

بهشت و دوزخ سلام بر تو باد ای آنکه شرف یافته بود بواسطهٔ او مکه و منی

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَنَفَ

سلام بر تو سلام بر تو باد ای دریای علمها و

الْفُقَراءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ وَزُوِّجَ

مساکین سلام بر تو باد ای آنکه زائیده شده در کعبه و زن داده شد

فِي السَّماءِ بِسَيِّدَةِ النِّساءِ وَكانَ شُهُودُها الْمَلائِكَةَ

در آسمان بخاتون زنان و بودند گواهان فرشتگان

الْاَصْفِياءِ

الاصفیاء السلام علیک یا مصباح الضیاء السلم
بر گزیدگان سلام بر تو ای چراغ روشنی هدایت سلام
علیک یا من خصه النبی بجزیل الحباء السلام علیک
بر تو ای آنکه مخصوص کرد او را پیغمبر بعطای بسیار سلام بر تو
یا من بات علی فراش خاتم الانبیاء ووقاه بنفسه شر
ای آنکه شب بروز آورده بر بستر آخر پیغمبران و نگهبانی نمود او را بنفس خود از
الاعداء السلام علیک یا من ردت له الشمس
زند دشمنان سلام بر تو باد ای آنکه باز گردانیده شده برای او آفتاب
فسامی شمعون الصفا السلام علیک یا من انجی الله
پس مواهب کرد با شمعون الصفا سلام بر تو باد ای آنکه رهانیده خدا
سفینة نوح باسمه وباسم اخیه حیث التطم الماء
کشتی نوح را ببرکت نام او برادر او آنجا که موج کرد آب
حولها وطمی السلام علیک یا من تاب الله به وباخیه
بگرد اگرد آن کشتی و بلند شد موجهای آن سلام بر تو ای آنکه پذیرفته توبه خدا بوسیله او و
علی ادم اذ غوی السلام علیک یا فلک النجاة
بر آدم آنگاه که از راه صلاح خود بدر رفته بود سلام بر تو باد ای کشتی رستگاری
الذی من رکبه نجا ومن تاخر عنه هوی السلم
آن کشتی که هر که سوار شد برهید و رستگار شد و هر که باز پس ماند از آن هلاک شد سلام
علیک یا من خاطب الثعبان وذئب الفلاة
بر تو ای آنکه سخن گفت با اژدها و گرگ بیابانها



السلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمة الله و برکاته السلام

درود بر تو ای پادشاه گروندگان و رحمت خدا و زیادتیهای او درود

علیک یا حجة الله علی من کفر و اناب السلام علیک

بر تو باد ای حجت خدا بر آنکه گرویده بخدا و آنکه بازگشت بسوی خدا سلام بر تو

یا امام ذوی الالباب السلام علیک یا معدن الحکمة

ای صاحبان عقلها سلام بر تو ای قرارگاه حکمت و علوم

و فصل الخطاب السلام علیک یا من عنده علم الکتاب

و کلامی جدا سازنده حق از باطل سلام بر تو ای آنکه نزد اوست دانش کتاب

السلام علیک یا میزان یوم الحساب السلام علیک

سلام بر تو باد ای ترازوی روز حساب سلام بر تو

یا فاصل الحکم الناطق بالصواب السلام علیک ایها

ای خداوند حکم فارق سخن گوینده راست سلام بر تو ای آنکه

المتصدق بالخاتم فی المحراب السلام علیک یا من کفی الله

صدقه دهنده بانگشتری در محراب سلام بر تو ای آنکه کفایت کرد خدا

المؤمنین القتال به یوم الاحزاب السلام علیک

مؤمنان را در کارزار باو در روز جنگ احزاب سلام بر تو باد

یا من اخلص لله الوحدانیة و اناب السلام علیک

ای آنکه خالص کننده برای خدا یگانگی را و بازگشت بخدا سلام بر تو

یا من قاتل خیبر و قالع الباب السلام علیک یا من دعاه

ای کشنده خیبر و کننده در آن سلام ای آنکه خواننده

خیبر

خَیْرُ الْاَنامِ لِلْمَبیتِ عَلی فِراشِهِ فَاَسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَبیتِ وَ

بهترین مردمان اورا برای مبیت بر بستر خود پس داد او نفس خود بهلاکت در مرگ

اَجابَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ لَهُ طُوبی وَ حُسْنُ مَآبٍ وَ رَحْمَةُ اللهِ

و اجابت نمود سلام بر تو باد ای آنکه برای اوست درخت طوبی و نیکوئی بازگشت و رحمت خدا

وَ بَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا عِصْمَةَ الدّینِ وَ یا سَیِّدَ السّاداتِ

و برکتهای او سلام بر تو ای نگاه دارنده دین خدا و ای بزرگ بزرگان

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْمُعْجِزاتِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

سلام بر تو باد ای خداوند معجزها سلام بر تو باد

یا مَنْ نَزَلَتْ فی فَضْلِهِ سُورَةُ الْعادِیاتِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

ای آنکه فرود آمده در فضیلت او سوره عادیات سلام بر تو باد

یا مَنْ کُتِبَ اسْمُهُ فِی السَّماءِ عَلَی السُّرادِقاتِ اَلسَّلامُ

ای آنکه نوشته شده نام او در آسمان بر سراپرده ها سلام

عَلَیْکَ یا مُظْهِرَ الْعَجائِبِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ

بر تو باد ای ظاهر سازنده عجایب سلام بر تو باد ای پادشاه گروندگان

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُخْبِراً بِما غَبَرَ وَ بِما هُوَ آتٍ اَلسَّلامُ

سلام بر تو باد ای خبر دهنده بانچه گذشت و بانچه آن آینده است درود

عَلَیْکَ یا مُخاطِبَ ذِئْبِ الْفَلَواتِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

بر تو باد ای خطاب کننده گرگ بیابانها سلام بر تو باد

یا خاتِمَ الْحَصی وَ مُبَیِّنَ الْمُشْکِلاتِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

ای تمام کننده عددها و نقصها و بیان کننده مشکلها سلام بر تو باد



یا من عجبت من حملاته فی الوغا ملائکة السموات السلام

ای آنکه شگفت آمدند از حملهای او در هنگام حرب فرشتگان آسمان ها سلام

علیک یا ناجی الرسول فقدم بین یدی نجویه الصدقات

بر تو ای از گفتن پیغمبر را پیش داشته در پیش راز گوئی خود صدقات

السلام علیک یا والد الائمة البررة السادات ورحمة

سلام بر تو ای پدر پیشوایان نیکوکاران بزرگان و رحمت

الله وبرکاته السلام علیک یا تالی المبعوث السلم

خدا و برکتهای او درود بر تو باد ای جانشین پیغمبر فرستاده شده درود

علیک یا وارث علم خیر موروث ورحمة الله وبرکاته

بر تو باد ای میراث برنده علم بهترین کسی که میراث برده شود ازو و رحمت خدا

السلم علیک یا امام المتقین السلم علیک یا غیاث

سلام بر تو باد ای پیشوای پرهیزکاران سلام بر تو باد ای فریادرس

المکروبین السلم علیک یا عصمة المؤمنین السلم علیک

اندوهناکان سلام بر تو باد ای حمایت کننده گروندگان سلام بر تو

یا مظهر البراهین السلم علیک یا طه ویس السلم

ای ظاهر سازنده دلائل سلام بر تو باد ای طه و یس سلام

علیک یا حبل الله المتین السلم علیک یا من تصدق

بر تو باد ای ریسمان محکم خدا سلام بر تو باد ای آنکه صدقه داد

فی صلوته بخاتمه علی المسکین السلم علیک یا قالع

در نماز خود با انگشتری خود بر درویش سلام ای کننده

الصخرة

اَلصَّخرَةِ عَنْ فَمِ الْقَلْبِ وَمُظْهِرِ الْمَآءِ الْمَعِيْنِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
سنگ از دهن چاه وظاهر سازنده آب روان سلام بر تو
يَا عَيْنَ اللهِ النَّاظِرَةَ وَيَدَهُ الْبَاسِطَةَ وَلِسَانَهُ الْمُعَبِّرَ
ای دیده بگزینده خدا و دست گشاده او و زبان بیان کننده از جانب
عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ اَجْمَعِيْنَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ
از جانب در خلق او همه سلام بر تو باد ای میراث برنده علم
النَّبِيِّيْنَ وَمُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ وَصَاحِبَ
همه پیغمبران و قرارگاه علم پیشینیان و پسینان و خداوند
لِوَاءِ الْحَمْدِ وَسَاقِيَ اَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ
علم در رایت حمد و آب دهنده دوستان خدا از حوض آخر پیغمبران
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا يَعْسُوبَ الدِّيْنِ وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِيْنَ
سلام بر تو باد ای بزرگ دین و پیشرو سفیدان دست و روی
وَوَالِدَ الْاَئِمَّةِ الْمَرْضِيِّيْنَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ
و پدر پیشوایان پسندیدگان و رحمت خدا و برکتهای او
اَلسَّلامُ عَلَى اسْمِ اللهِ الرَّضِيِّ وَوَجْهِهِ الْمُضِيْءِ وَجَنْبِهِ
سلام بر نام خدا پسندیده و روی روشن او و جانب
الْقَوِيِّ وَصِرَاطِهِ السَّوِيِّ اَلسَّلامُ عَلَى الْاِمَامِ التَّقِيِّ
توانای او و راه راست سلام بر آن پیشوای پرهیزگار
الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ اَلسَّلامُ عَلَى الْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ اَلسَّلامُ
خالص سازنده عبادت برگزیده خدا سلام بر ستاره درخشان درود



على الامام ابي الحسن علي ورحمة الله وبركاته السلم

بر پیشوای خلایق پدر حسن شاه ورحمت خدا وبرکتهای او درود

على ائمة الهدى ومصابيح الدجى واعلام التقى و

بر پیشوایان هدایت وچراغ تاریکیها ونشانه پرهیزکاری و

منار الهدى وذوي النهى وكهف الورى والعروة

روشنائی هدایت وخداوند عقل وپناه خلایق ودستاویز

الوثقى والحجة على اهل الدنيا ورحمة الله وبركا

محکم وحجت بر اهل دنیا ورحمت خدا وبرکتهای او

السلم على نور الانوار وحجة الجبار ووالد الائمة

سلام بر روشنائی روشنائیها وحجت خداوند قهر وغلبه پدر پیشوایان

الاطهار وقسيم الجنة والنار المخبر عن الاثار المدمر

پاکان وبخش کننده بهشت ودوزخ خبر دهنده از چیزهای [illegible]

على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من عظيم

ناگروندگان رهاننده پیروان با خلاص از بار گناه بزرگ

الاوزار السلام على المخصوص بالطاهرة التقية

سلام بر آنکه مخصوص است به پاک پرهیزکار

ابنة المختار المولود في البيت ذي الاستار المزوج

دختر پیغمبر برگزیده آنکه زائیده شده در خانه که خداوند پردها است زن داده

في السماء بالبرة الطاهرة الرضية المرضية ابنة

در آسمان به نیکوکار پاک خوشنود شده پسندیده دختر پاکان

الاطهار

الاطهار ورحمة الله وبركاته السلام على النبأ العظيم

ای پاکان و رحمت خدا و برکتهای او درود بر خبر بزرگ

الذي هم فيه مختلفون وعليه يعرضون وعنه

که مردمان در باره او خلاف کننده اند و بر او عرض کرده شوند و از برای

يسئلون السلام على نور الله الانور وضياء الله الازهر

او پرسیده شوند درود بر نور خدا که نورانی تر و درخشانی خدا که درخشان‌تر

ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا ولي الله وحجته

و رحمت خدا و برکتهای او درود بر تو باد ای دوست خدا و حجت او

وخالصة الله وخاصته اشهد يا ولي الله لقد

و دوست خالص خدا و بنده خاص او گواهی میدهم ای دوست خدا هر آینه

جاهدت في سبيل الله حق جهاده واتبعت منهاج

جهاد کردی در راه خدا جهاد لایق او را پیروی کردی راه

رسول الله صلى الله عليه وآله وحللت حلال

رسول خدا رحمت بر او و بر آل او و حلال کردی حلال خدا

وحرمت حرامه وشرعت احكامه واقمت الصلوة

و حرام داشتی حرام او را و جاری ساختی حکمهای شریعت او را و برپا داشتی نماز را

واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر

و دادی زکوات را و امر کردی به نیک و منع فرمودی از ناشایستی

وجاهدت في سبيل الله صابرا ناصحا مجتهدا

و کارزار نمودی در راه خدا حال آنکه بودی شکیبای پند دهنده کوشش کننده



محتسبا عند الله عظیم الاجر حتی اتاک الیقین فلعن

شمارنده نزد خدا مزد بزرگ را تا اگر رسید ترا مرگ پس لعنت کند

الله من دفعک عن حقک و ازالک عن مقامک و

خدا آنرا که دور کرد ترا از حق تو و دفع کرد ترا از جایگاه تو

لعن الله من بلغه ذلک فرضی به اشهد الله و ملائکته

لعنت کند خدا آن را که خبر کرد ترا آن خبر پس خشنود شد بآن گواه میگیرم خدا و

و انبیاءه و رسله انی ولی لمن والاک و عدو لمن

و پیغمبران او را و فرستادگان او را اگر بتحقیق دوست دارنده ام آن را که دوست

عاداک السلام علیک و رحمة الله و برکاته پس خود

که دشمن داشت ترا درود بر تو و رحمت خدا و برکتهای او

بقبر بچسبان

و ببوس اشهد انک تسمع کلامی و تشهد مقامی و

و بگو

گواهی میدهم اگر بتحقیق تو میشنوی سخن مرا و حاضری در ایستادنگاه من و

اشهد لک یا ولی الله بالبلاغ و الاداء یا مولای

گواهی میدهم برای تو ای دوست خدا برسانیدن احکام و ادا کردن امانت

یا حجة الله یا امین الله یا ولی الله ان بینی و بین الله

ای حجت خدا ای معتمد خدا ای دوست خدا بدرستیکه میان من و میان خدا

عز و جل ذنوبا قد اثقلت ظهری و منعتنی من الرقاد

غالب و بزرگوار گناهانی است که بتحقیق سنگین کرده است پشت مرا و باز داشته مرا از خواب

ذکرها یتقلقل احشائی و قد هربت الی الله عز و جل

و یاد آوردن آنها میلرزد احشای من و بتحقیق گریختم بسوی خدا که غالب و بزرگوار

والیک

وَ اِلَیْکَ فَحَقَّ مَنِ ائْتَمَنَکَ عَلٰی سِرِّهِ وَ اسْتَرْعاکَ اَمْرَ خَلْقِهِ

بسوی تو پس حق کسی که ایمن گرداننده ترا بر راز خود و خواسته از تو رعایت نمودن کار خلق

وَ قَرَنَ طاعَتَکَ بِطاعَتِهِ وَ مُوالاتَکَ بِمُوالاتِهِ کُنْ

و پیوسته فرمان برداری ترا بفرمان برداری خود و دوست داشتن ترا بدوست داشتن خود

لی اِلَی اللّٰهِ شَفیعاً وَ مِنَ النّارِ مُجیراً وَ عَلَی الدَّهْرِ ظَهیراً

برای من بسوی خدا درخواست کننده و از آتش دوزخ رهاننده و بر روزگار پشتیبان

پس باز خود را بقبر بچسبان و قبر را ببوس و بگو یا وَلِیَّ اللّٰهِ یا حُجَّةَ اللّٰهِ یا بابَ حِطَّةِ اللّٰهِ

ای دوست خدا ای حجت خدا ای درگاه عفو خدا

وَلِیُّکَ وَ زائِرُکَ وَ اللّائِذُ بِقَبْرِکَ وَ النّازِلُ بِفِنائِکَ

دوست تو و زیارت کننده تو و پناه گیرنده بقبر تو و فرود آینده بدرگاه

وَ الْمُنیخُ رَحْلَهُ فی جِوارِکَ یَسْئَلُکَ اَنْ تَشْفَعَ لَهُ اِلَی اللّٰهِ

و خواباننده بار خود را در پناه تو درخواست میکند از تو آنکه درخواست کنی برای او بسوی خدا

فی قَضاءِ حاجَتِهِ وَ نُجْحِ طَلِبَتِهِ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ فَاِنَّ

در برآوردن حاجت او و روا شدن مطلب او در دنیا و آخرت بدرستیکه

لَکَ عِنْدَ الْجاهَ الْعَظیمَ وَ الشَّفاعَةَ فَاجْعَلْنی یا مَوْلایَ

برای تو نزد خدا جای است بزرگ و شفاعتی پذیرفته پس گردان مرا ای مولای من

مِنْ هَمِّکَ وَ اَدْخِلْنی فی حِزْبِکَ وَ السَّلامُ عَلَیْکَ وَ عَلی

از اهتمام جوئی خود و درآور مرا در گروه یاران خود و سلام بر تو و بر

ضَجیعَیْکَ آدَمَ وَ نُوحٍ وَ السَّلامُ عَلَیْکَ وَ عَلی وَلَدَیْکَ

و همخوابه تو آدم و نوح و سلام بر تو و بر دو فرزند



الحسن والحسین وعلی الائمة الطاهرین من ذریتک

حسن وحسین وبر پیشوایان پاکان از فرزندان تو

ورحمة الله وبرکاته پس از روی تضرع وخشوع هر حاجت

ورحمت خدا وبرکتهای او — که داری از حق تعالی بطلب

که چون از دور زیارة در هذا الحرام وهذا الضریح شد

روضه وضریح حضرة امیر میکند وزیارتها ودعاها را متصل

میکند یکی میخواند ونزدیک رفتن وبوسیدن بمبنا شد یعنی

بعوض اینها در کار نیست که چیزی بعمل آورد وسید ابن طاوس

رضی الله عنه گفته است که مستحب است که در این روز دو رکعت

نماز بکند ودر هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا انزلناه وده

مرتبه قل هو الله احد وچون سلام بگوید بجای نماز خود بنشیند

واین دعا را بخواند انت حیٌّ لا یموتُ وخالقٌ لا یغلبُ

تو ای زنده نمیری وآفریننده ای غلبه کرده نشوی

وبدیٌ لا ینفدُ وقریبٌ لا یبعدُ وقادرٌ لا یضادُّ وغافرٌ

وبدیع آورنده که فنا نگردانی ونزدیکی که دور نگردی وصاحب جباری ای دشمن کرده نشوی وآمرزنده

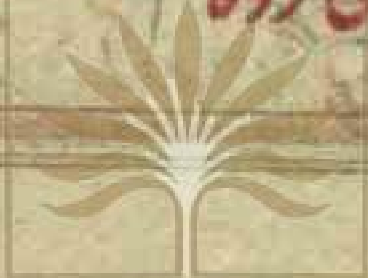
لا یظلمُ وصمدٌ لا یطعمُ وقیّومٌ لا ینامُ وعالمٌ لا یعلَّمُ و

ستم نکنی وبی‌نیاز توئی ای محتاج نباشی بخوردن طعام وپاینده ونخوابی ودانائی که تعلیم کرده نشوی

قویٌّ لا یضعفُ وعظیمٌ لا یوصفُ ووفیٌّ لا یخلفُ وغنیٌّ

وتوانائی که ضعیف نشوی وبزرگی که وصف کرده نشوی ووفا کننده ای خلف نکنی وبی‌نیازی

لا یفتقر



لا يستغرّ و حكيمٌ لا يجور و منيعٌ لا يقهر و معروفٌ لا ينكر

و وكيلٌ لا يخفى و غالبٌ لا يغلب و فردٌ لا يستشير

و وهّابٌ لا يملّ و سريعٌ لا يذهل و جوادٌ لا يبخل و

عزيزٌ لا يذلّ و حافظٌ لا يغفل و قائمٌ لا يزول و محتجبٌ

لا يرى و دائمٌ لا يفنى و باقٍ لا يبلى و واحدٌ لا يشبه

و مقتدرٌ لا ينازع اللّهمّ انّى اسئلك بعلم الغيب

عندك و قدرتك على الخلق اجمعين ان تحيينى ما

علمت الحيوة خيرًا لى و ان تتوفّانى اذا كانت الوفاة خيرًا

لى و اسئلك الخشية فى الغيب و الشهادة و اسئلك

اللّهمّ كلمة الحقّ فى الغضب و الرضا و اسئلك نعيمًا

لا تَبْعُدُ وَاَسْئَلُكَ الرِّضَا بَعْدَ الْقَضَآءِ وَاَسْئَلُكَ بَرْدَ

وسؤال میکنم از تو خوشی پس از حکم خشنودی بعد وسؤال میکنم از تو که با بدن زنند

الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَاَسْئَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ اِلى وَجْهِكَ الْكَرِ

عیش را پس از مردن وسؤال میکنم از تو لذت نگریستن بسوی ذات بزرگوار تو

اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِمَنِّكَ الْكَرِيمِ وَ

اجابت کن دعای مرا ای پروردگار عالمیان خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بسبب انعام بزرگ تو

فَضْلِكَ الْعَظِيمِ اَنْ تَغْفِرَ لى وَتَرْحَمَنى يا لَطِيفُ اُلْطُفْ بى

و بخشش بزرگ تو که بیامرزی مرا و رحم کنی مرا ای مهربان مهربانی کن

فى كُلِّ ما تُحِبُّ وَتَرْضى اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ

در هر چه دوست داری و پسندی خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا کردن نیکیهای

وَتَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ وَحُبَّ الْمَسَاكِينِ وَمُخَالَطَةَ الصَّالِحِينَ وَ

و ترک کردن بدیها و دوست داشتن درویشان و آمیزش با شایستگان و

اَنْ تَغْفِرَ لى وَتَرْحَمَنى وَاِذَا اَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً فَتَوَفَّنى غَيْرَ

اگر بیامرزی مرا و رحم کنی مرا و هرگاه اراده کنی بقومی بلا را پس نگاه دار

مَفْتُونٍ وَاَسْئَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ كُلِّ

در محنت و بلا وسؤال میکنم از تو دوستی ترا و دوستی آنکه ترا دوست دارد و دوستی همه

عَمَلٍ يُقَرِّبُنى اِلى حُبِّكَ اَللّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

کرداری که نزدیک گرداند مرا بسوی دوستی تو خداوندا بحق محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او

حَبِيبِكَ وَبِحَقِّ اِبْرٰهِيمَ خَلِيلِكَ وَصَفِيِّكَ وَبِحَقِّ مُوسى

دوست تو و بحق ابراهیم دوست تو و برگزیده تو و بحق موسی

کلیمک

كليمك وبحق عيسى روحك واسئلك بصحف ابرهيم خليلك

سخن تو وبحق عيسى روح تو وسؤال ميكنم ترا بحرمت صحيفهاى ابراهيم

وتورية موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد صلى

وتورية موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد فرستاد

الله عليه واله اسئلك بكل وحى اوحيته وبحق كل

خدا بر او وآل او وسؤال ميكنم ترا بحرمت هر وحى كه وحى كردى آن وبحق هر

قضاء قضيته وبكل سائل اعطيته واسألك بكل

حكمى كه حكم كردى آن را وبحرمت هر سؤال كننده كه عطا كردى او را وسؤال ميكنم از تو بحق هر

اسم انزلته فى كتابك واسئلك باسمائك التى استقل بها

هر نامى كه فرو فرستادى آن را در كتاب خود وسؤال از تو بحرمت نامهاى تو كه مرتفع گشت بر آن

عرشك واسألك باسمائك التى وضعتها على الليل

عرش تو وسؤال ميكنم ترا بحرمت نامهاى تو آن نامهاى كه گذاشتى آنها را بر شب

فاظلم واسئلك باسمائك التى وضعتها على الارض

پس تيره شده وسؤال ميكنم ترا بحرمت نامهاى تو آن نامهاى كه گذاشتى آنها را بر زمين

فاستقر واسئلك باسمك الاحد الصمد الذى ملأ

پس قرار گرفت وسؤال ميكنم ترا بحرمت نام تو كه يگانه است وصمد كه تو در حاجت [illegible]

اركان كل شىء واسئلك باسمك الطهر الطاهر المبارك

اطراف هر چيزى را وسؤال ميكنم ترا بحرمت نام تو كه پاك پاكيزه با بعض

الحى القيوم لا اله الا هو الرحمن الرحيم واسئلك

زنده پاينده است نيست خداى سزاى پرستش مگر او بخشنده مهربان وسؤال ميكنم ترا



بمعاقد العز من عرشك ومبلغ الرحمة من كتابك و

بحرمت جاهای انعقاد عزت از عرش تو و رسانیدن رحمتی که ظاهر شود از کتاب تو و

باسمائك العظام وجدك الاعلى وكلماتك التامات

بحرمت نامهای بزرگ مرتبه تو و عظمت بلند پایه تو و کلمهای تو که تمام و کامل‌اند

ان ترزقنا حفظ القرآن والعمل به والطاعة لك

اینکه روزی کنی ما را حفظ نمودن قران و عمل نمودن بآن و فرمان برداری برا

والعمل الصالح وان تثبت ذلك في اسماعنا وابصارنا

و کردار شایسته و اینکه ثابت داری آن را در گوشهای ما و دیدهای ما

وان تخلط ذلك بلحمي ودمي ومخي وشحمي وان

و اینکه برآمیزی آن را بگوشت من و خون من و مغز استخوان من و پیه من و اینکه

تستعمل بذلك بدني وقوتي فانه لا يقوى على ذلك

بکار داری بآن بدن مرا و قوت مرا زیرا بتحقیق قدرت ندارد بر آن کار

الا انت وحدك لا شريك لك يا الله الواحد

حال آنکه یگانه تو نیست انبازی برای تو ای خدای یگانه پروردگار توانا

الرب القدير يا الله الخالق البارئ المصور يا الله

پروردگار توانا ای خدای آفریننده بدید آورنده نگارنده ای خدای

الباعث الوارث يا الله الفتاح العزيز العليم يا الله

برانگیزاننده میراث برنده ای خدای گشاینده غالب دانا ای خدای

الملك القادر المقتدر اغفر لي وارحمني انك انت

ای پادشاه توانای با اقتدار بیامرز مرا و رحم کن مرا بدرستیکه تو

ارحم



أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ادْعُونِي

بخشنده ترین بخشندگان خداوندا تو گفته و گفتار تو راست است که بخوانید مرا

أَسْتَجِبْ لَكُمْ فَأَسْئَلُكَ يَا اللّٰهُ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ

اجابت خواهم کرد دعای شما را پس سوال میکنیم از خدا بحرمت نام تو آن نامیکه خواند ترا

بِهِ آدَمُ فَأَوْجَبْتَ لَهُ الْجَنَّةَ وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

بآن نام آدم رحمت فرستاد خدا بر او واجب گردانیدی بر او بهشت را و سوال میکنیم ترا بحرمت نام آن

دَعَاكَ بِهِ شِيثُ بْنُ آدَمَ فَجَعَلْتَهُ وَصِيَّ أَبِيهِ بَعْدَهُ

خواند ترا بآن شیث پسر آدم پس گردانیدی او را وصی پدرش بعد از او

أَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائَنَا وَأَنْ تَرْزُقَنَا إِنْفَاذَ كُلِّ وَصِيَّةٍ

اگر اجابت کنی دعای ما را و اگر روزی کنی ما را جاری کردن هر وصیت که

لِأَحَدٍ عِنْدَنَا وَأَنْ تُقَدِّمَ وَصِيَّتَنَا أَمَامَنَا وَأَسْئَلُكَ

برای کسی نزد ما و اگر پیش داری وصیت ما را پیش روی ما و سوال میکنیم

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِدْرِيسُ فَرَفَعْتَهُ مَكَانًا عَلِيًّا

بحرمت نام تو آن نامیکه خواند ترا بآن ادریس پس بالا بردی بجای بلند

أَنْ تَرْفَعَنَا إِلَى حَاجَاتٍ لِبِقَاعٍ إِلَيْكَ وَتَمُنَّ عَلَيْنَا بِرِضَاكَ

اگر بلند کنی ما را بسوی درجات داشته زین بقعهای بسوی تو و انعام کنی بر ما بخشنودی

وَتُدْخِلَنَا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ

و در آوری ما را در بهشت برحمت خود و سوال میکنیم از تو بحرمت نام بزرگ تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَرَقِ فَأَهْلَكْتَ

نامیکه خواند ترا بآن نوح پس رهانیدی او را از غرق و هلاک کردی



الْقَوْمِ الظّالِمينَ اَنْ تُنَجِّيَنا مِمّا نَحْنُ فيهِ مِنَ الْبَلاءِ

کرده ستمکاران را اگر برهانی ما را از آنچه که در اویم از بلا

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ هُودٌ فَنَجَّيْتَهُ

و سؤال میکنم از تو بحرمت نام تو آنکه خواند ترا بآن هود پس رهانیدی او را

مِنَ الرّيحِ الْعَظيمِ اَنْ تُنَجِّيَنا مِنْ بَلاءِ الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ

از باد عظیم اگر برهانی ما را از بلای اینجهان و آنجهان

وَعَذابِهِما وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ

و عذاب هر دو جهان و سؤال میکنم از تو بحرمت نام تو آنکه خواند ترا بآن

صالِحٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ خِزْىِ يَوْمَئِذٍ اَنْ تُنَجِّيَنا مِنْ خِزْىِ

صالح پس خلاصی بخشیدی او را از خواری در آن روز اگر خلاصی بخشی ما را از خواری

الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ وَعَذابِهِما وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

دنیا و آخرت و عذاب هر دو و سؤال میکنم ترا بحرمت نام آنکه

الَّذى دَعاكَ بِهِ لُوطٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْمُؤْتَفِكَةِ وَالْمَطَرِ

خواند ترا بآن لوط پس رهانیدی او را از شهرهای گشته و باران

السَّوْءِ اَنْ تُنَجِّيَنا مِنْ مَخازِى الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ وَاَسْئَلُكَ

بد اگر برهانی ما را از خواریهای دنیا و آخرت و سؤال میکنم از تو

بِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ شُعَيْبٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ عَذابِ

بحرمت نام تو آنکه خواند ترا بآن شعیب پس نجات بخشیدی او را از عذاب

يَوْمِ الظُّلَّةِ اَنْ تُنَجِّيَنا مِنَ الْعَذابِ اِلى رَوْحِكَ وَرَحْمَتِكَ

روز ابر سایه کننده اگر نجات بخشی ما را از عذاب بسوی راحت تو و رحمت تو

وبك

واسئلك باسمك الذى دعاك به ابرهيم فجعلت
و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو بآنکه خواند ترا بآن ابراهیم پس گردانیدی

النار عليه بردا وسلاما ان تخلصنا كما خلصته
آتش را بر او سرد و سلامت اگر خلاصی بخشی ما را چنانچه خلاص کردی او را

وان تجعل ما نحن فيه بردا وسلاما كما جعلتها عليه
و اگر بگردانی آنچه ما در آنیم سرد و سلامت چنانچه گردانیدی آتش را بر او

واسئلك باسمك الذى دعاك به اسمعيل عند
و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو بآنکه خواند ترا بآن اسمعیل نزد

العطش واخرجت من زمزم الماء الروى ان تجعل
تشنگی و بیرون آوردی از چاه زمزم آب بسیار اگر بگردانی بیرون شدن

مخرجنا الى خير وان ترزقنا المال الواسع برحمتك
بیرون شدن ما را بسوی نیکی و اگر روزی کنی ما را مال فراخ برحمت

واسئلك باسمك الذى دعاك به يعقوب فرددت
و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو بآنکه خواند ترا بآن یعقوب پس بازگردانیدی

عليه بصره وولده وقرة عينه ان تجمع بيننا
بر او دیده او و فرزندان او و روشنی دیده او را و اگر جمع کنی میان ما

وبين اولادنا واهالينا واسئلك باسمك الذى
و میان فرزندان ما و یاران ما و سؤال میکنم بحرمت نام تو آنکه

دعاك به يوسف فاخرجته من السجن ان تخرجنا
خواند ترا بآن یوسف پس بیرون آوردی او را از زندان اگر بیرون آوری



مِنَ السِّجْنِ وَ مَلَّكْتَنَا نِعْمَتَكَ الَّتِي اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيْنَا

وَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الْاَسْبَاطُ

فَتُبْتَ عَلَيْهِمْ وَ جَعَلْتَهُمْ اَنْبِيَاءَ اَنْ تَتُوبَ عَلَيْنَا

وَ تَرْزُقَ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ وَ الْخَلَاصَ مِمَّا نَحْنُ فِيهِ

وَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اَيُّوبُ اِذْ حَلَّ

بِهِ الْبَلَاءُ فَقَالَ رَبِّ اَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ اَنْتَ اَرْحَمُ

الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ كَشَفْتَ عَنْهُ ضُرَّهُ وَ رَدَدْتَ

عَلَيْهِ اَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ رَحْمَةً مِنْكَ وَ ذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَقُولُ كَمَا قَالَ اِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ اَنْتَ

اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجِبْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ خَلِّصْنَا وَ رُدَّ

عَلَيْنَا

علینا اهلکنا و ما لنا و مثلهم معهم رحمة منک و

بر ما اهل و مال ما را و مانند ایشان را با ایشان از راه بخشش خود و

اجعلنا من العابدین لک و اسئلک باسمک

بگردان ما را از پرستندگان تو و سوال میکنم ترا بحرمت نام تو

الذی دعاک به موسی و هرون فقلت عز من

که خواند ترا بآن موسی و هرون پس گفته تو غالب ترکه

قائل قد اجیبت دعوتکما ان تستجیب دعاءنا و

گوینده بحقیقت اجابت کرده شد دعای شما اگر اجابت کنی دعای ما

تنجینا کما نجیتهما و اسئلک باسمک الذی دعاک

چنانچه رهانیدی ایشان را و سوال میکنم ترا بحرمت نام تو آنکه خواند ترا

به داود فغفرت ذنبه و تبت علیه ان تغفر ذنبی

بآن داود پس آمرزیدی گناه او را و قبول کردی توبه او را اگر بیامرزی گناه مرا

و تتوب علی انک انت التواب الرحیم و اسئلک

و قبول کنی توبه مرا بدرستیکه توئی توبه پذیر بخشاینده و سوال میکنم ترا

باسمک الذی دعاک به سلیمان فرددت علیه

بحرمت نام تو آنکه خواند ترا بآن سلیمان پس برگردانیدی بر او

ملکه و امکنته من عدوه و سخرت له الجن و

ملک و پادشاهی او را و دولت دادی او را بر دشمن او و رام کردی برای او دیوان و

الانس و الطیر ان تخلصنا من عدونا و ترد علینا

و آدمیان و مرغان را اگر خلاص بخشی ما را از دشمنان ما و بازگردانی بر ما بخشش خود



بنعمتك وتستخرج لنا من ايديهم حقنا وتخلصنا

نعمت خودرا وبیرون آوری برای ما از دستهای ایشان حق مارا وخلاص کنی مارا

منهم انك على كل شئ قدير واسئلك باسمك

از ایشان بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی وسؤال میکنم از تو بحرمت نام تو آن

الذي دعاك به الذي عنده علم من الكتاب على

نامیکه خواند ترا بآن آنکه بود نزد او دانشی از کتاب آسمانی بر

ملكة سبا ان يحمل اليه فاذا هو مستقر عنده

سریر پادشاه شهر سبا برای آنکه بیارد بحضور او پس ناگاه آن سریر قرار گرفت نزد او

ان تحملنا من عامنا هذا الى بيتك الحرام حجاجا

و آنکه بار کنی مارا در سال ما این سال بسوی خانه محترم خود حج گزاران

وزوارا لقبر نبيك عليه وآله السلام واسئلك

وزیارت کنندگان قبر پیغمبر تو براو وآل او باد درود وسؤال میکنم از تو

باسمك الذي دعاك به يونس بن متى في الظلمات

بحرمت نام تو آن نامیکه خواند ترا بآن یونس فرزند متی در تاریکیهای

ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين

بدرستیکه نیست سزاوار پرستش بجز تو پاکی تو بدرستیکه من هستم از ستمکاران

فاستجب لي ونجني من غم الدنيا والآخرة كما ضمنت

پس مستجاب کن دعای مرا و رهائی ده مرا از غم اینجهان وآنجهان چنانچه ضامن گشتی

ان تنجي المؤمنين واسئلك باسمك الذي دعاك

آنکه رهائی دهی گروندگان را وسؤال میکنم بحرمت نام تو آن نامیکه خواند ترا

به زکریا

بِهٖ زَكَرِيَّا فَقَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِيْ فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِيْنَ

بخواند زكريا وگفت اى پروردگار من وامگذار مرا تنها و تو بهترين وارثانى

فَاسْتَجَبْتَ لَهٗ وَوَهَبْتَ لَهٗ يَحْيٰى وَاَصْلَحْتَ لَهٗ زَوْجَهٗ وَ

پس اجابت كردى او را و بخشيدى مر او را يحيى و اصلاح كردى براى او زن او را

جَعَلْتَهُمْ يُسَارِعُوْنَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُوْنَكَ رَغَبًا

و گردانيدى ايشان را كه شتاب كنند در نيكى و بخوانند ترا از راه خواهشمندى

وَرَهَبًا وَكَانُوْا لَكَ خَاشِعِيْنَ فَاِنِّيْ اَقُوْلُ لَكَ كَمَا قَالَ

و ترس و بودند براى تو فروتنى كنندگان پس بدرستى كه من ميگويم چنانچه گفت

رَبِّ لَا تَذَرْنِيْ فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِيْنَ فَاسْتَجِبْ لِيْ

پروردگار من وامگذار مرا تنها و تو بهترين وارثانى پس اجابت كن مرا و اصلاح ده

وَاَصْلِحْ شَانِيْ وَجَمِيْعَ مَا اَنْتَ بِهٖ عَلَيَّ وَخَلِّصْنِيْ مِمَّا

براى من كار مرا و همه آنچه انعام كردى بآن بر من و خلاصى بخش مرا از آنچه

اَنَا فِيْهِ وَهَبْ لِيْ كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَوْلَادًا

من در آنم و ببخش مرا كرامت دنيا و آخرت و فرزندان

صَالِحِيْنَ بَرُوْثِيْ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَدْعُوْكَ رَغَبًا

وَرَهَبًا وَمِنَ الْخَاشِعِيْنَ الْمُطِيْعِيْنَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

و ترس و از فروتنى كنندگان فرمان برداران تو و سوال ميكنم از تو بحق

الَّذِيْ دَعَاكَ بِهٖ يَحْيٰى فَجَعَلْتَهٗ بَرْدًا الْقِيْمَةَ لَكَ

نامى كه خواندن ترا بآن يحيى پس گردانيدى او را

وَلَمْ يَعْمَلْ مَعْصِيَةً وَلَمْ يَهُمَّ بِهَا اَنْ تَعْصِمَنِي مِنِ اقْتِرَافِ الْخَطَايَا

باشد بآن اسم که نگاه داری مرا از کسب نمودن معصیتها تا اینکه ملاقات

حَتّٰى نَلْقَاكَ طَاهِرِيْنَ لَمْ يُدَنِّسْ لَكَ قِبَلَنَا مَعْصِيَةٌ وَاَسْئَلُكَ

تا اینکه ملاقات کنم ترا پاکان و نباشد برای تو نزد ما گناهی و سؤال میکنم

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَتْكَ بِهِ مَرْيَمُ فَنَطَقَ وَلَدُهَا بِحُجَّتِهَا

بحرمت نام تو آن نامیکه خواند ترا بآن نام مریم پس گویا شد فرزند او بحجت و دلیل

اَنْ تُوَفِّقَنَا وَتُخَلِّصَنَا بِحُجَّتِنَا عِنْدَكَ وَعِنْدَ كُلِّ مُلِمَّةٍ

او اینکه ... سازی برای اطاعت و خلاص بخشی ما را بحجت نزد تو و نزد هر حادثه

حَتّٰى تُظْهِرَ حُجَّتَنَا عَلٰى ظَالِمِيْنَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

بلیه تا اینکه ظاهر سازی حجت ما را اگر ستم کنند بر ما و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عِيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فَاَحْيٰى بِهِ الْمَوْتٰى

نامیکه خواند ترا بآن عیسی پسر مریم پس زنده کرد بآن مردگان را

وَاَبْرَئَ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ اَنْ تُخَلِّصَنَا وَتُبْرِئَنَا

و شفا بخشید کور مادرزاد را و پیس را اینکه خلاصی ما را و شفا بخشی ما را

مِنْ كُلِّ سُوْءٍ وَآفَةٍ وَاَلَمٍ وَتُحْيِيَنَا حَيٰوةً طَيِّبَةً فِي

از هر بدی و آفتی و دردی و زنده داری ما را از زندگی پاکیزه در

الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَنْ تَرْزُقَنَا الْعَافِيَةَ فِي اَبْدَانِنَا

اینجهان و آنجهان و اینکه روزی کنی ما را سلامتی در بدنهای ما

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الْحَوَارِيُّوْنَ فَا[illegible]

و سؤال می کنم ترا بحرمت نام تو آن نامیکه خواندند ترا بآن مردان عیسی ...

حتى

حَتّى بَلَغُوا عَن عيسى ما اَمَرتَهُم بِهِ وَصَرَفتَ عَنهُم كَيدَ

تا آنکه رسانیدند از جانب عیسی آنچه امر کرده بود ایشان را بان و گردانیدی از ایشان مکر

الجَبّارينَ وَتَوَلَّيتَهُم اَن تُخَلِّصَنا مِنَ الدُّعاءِ اِلى طاعَتِكَ

ستمکاران را و دوست گرفتی ایشان را آنکه خلاص کنی ما را از خوانندگان بطاعت

وَاَسئَلُكَ بِاسمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ جِرجيسُ فَرَفَعتَ

و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آنچه خواند ترا بآن جرجیس پس رفع کردی

عَنهُ اَلَمَ العَذابِ اَن تَرفَعَ عَنّا اَلَمَ العَذابِ فِى الدُّنيا

از او الم عذاب را آنکه رفع کنی از ما الم عذاب را در این جهان

وَالاخِرَةِ وَاَن لا تَبتَلينا وَاِن ابتَلَيتَنا فَصَبِّرنا وَ

و در آن جهان و آنکه مبتلا نسازی ما را و اگر مبتلا سازی ما را پس شکیبائی بخش ما و

العافِيَةُ اَحَبُّ اِلَينا وَاَسئَلُكَ بِاسمِكَ الَّذى دَعاكَ

عافیت دوست تر است بسوی ما که سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آنچه خواند

بِهِ الخِضرُ حَتّى بَعَثتَهُ اَن تُفَرِّجَ عَنّا وَتَنصُرَنا عَلى مَن

بآن خضر تا آنکه بفرستی او را آنکه گشایش دهی از ما و یاری دهی ما را بر آنکه

ظَلَمَنا وَتَرُدَّنا اِلى مَأمَنِكَ وَاَسئَلُكَ بِاسمِكَ

ستم کرده و بازگردانی ما را بسوی پناهگاه خود و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو

الَّذى دَعاكَ بِهِ حَبيبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ

آنچه خواند ترا بآن دوست تو محمد رحمت فرستاد خدا برو و آل او

فَجَعَلتَهُ سَيِّدَ المُرسَلينَ وَاَيَّدتَهُ بِعَلِيٍّ سَيِّدِ الاَوصِياءِ

پس گردانیدی او را بزرگ فرستادگان و قوت دادی او را بعلی بزرگ



أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمَا وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِمَا الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تَقْبَلَنِي

اینکه رحمت فرستی بر ایشان و بر فرزندان ایشان که پاکانند و اینکه در گذری

فِي هَذَا الْيَوْمِ عَثْرَتِي وَتَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَ

در این روز از لغزش من و بیامرزی برای من آنچه گذشته از گناهان من

خَطَايَايَ وَلَا تَصْرِفَنِي مِنْ مَقَامِي هَذَا إِلَّا بِسَعْيٍ مَشْكُورٍ

و خطاهای من و باز نگردانی مرا از جایگاه من اینجا مگر بسعی پسندیده

وَذَنْبٍ مَغْفُورٍ وَعَمَلٍ مَقْبُولٍ وَرَحْمَةٍ وَمَغْفِرَةٍ وَنَعِيمٍ مَوْصُولٍ

و گناه آمرزیده شده و کردار پذیرفته و رحمت بسیار و آمرزیدن و نعمت پیوسته

بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ

بنعمت آخرت برحمت خود ای بسیار مهربان ای بسیار بخشنده ای خداوند بزرگواری

الْإِكْرَامِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

و کرامت داشتن بدرستیکه تو بر همه چیزی توانایی و نیست قدرتی و نه توانایی مگر بخدای

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ باب نهم در اعمال ماه ربیع الثانی

خدای بلند مرتبه عظیم الشأن وجمادی الاولی وجمادی الثانیه

است و در آن سه فصل است فصل اول در اعمال ماه

ربیع الثانی است سید ابن طاوس رضی الله عنه ذکر

کرده است که در روز اول اینماه روا اللَّهُمَّ أَنْتَ إِلَهُ

یت کرده اند که این دعا بخوانند خداوندا توئی معبود

كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقُ كُلِّ حَيٍّ وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ أَسْأَلُكَ بِأَنْ تَفْعَلَ

هر چیزی و آفریننده هر زنده و پروردگار هر چیزی سؤال میکنم از تو

اعمال ماه ربیع الثانی

الوهم

الوثقى والغاية والمنتهى وبما خالفت بين الانوار

محكم وغايت ومنتهاى حاجتها وبآنچه مخالفت افكندى ميان روشنيها

والظلمات والجنة والنار والدنيا والآخرة وباعظم

وتاريكيها وبهشت ودوزخ ودنيا وآخرت وبحرمت بزرگترين

اسمائك في اللوح المحفوظ واتم اسمائك في التورية

ناميهاى تو كه ثبت شده در لوح محفوظ وتمام ترين ناميهاى در توريه

نبلاً واذهر اسمائك في الزبور عزاً واجل اسمائك في

از روى فضيلت ونيكوترين ناميهاى تو كه مذكورات در زبور از روى عزت ودر بزرگوارترين

الانجيل قدراً وارفع اسمائك في القرآن ذكراً واعظم

كه ياد شده در انجيل از روى قدر ومرتبه وبلندترين ناميهاى تو كه در قرآن از روى ذكر وبزرگترين

اسمائك في الكتب المنزلة وافضلها واستر اسمائك

ناميهاى كه ذكر شده در كتابهاى فرو فرستاده شده وبهترين آنها وپنهان ترين ناميهاى

في نفسك الذي ليس كمثله شئ واسئلك بعزتك

در علم آن نامى كه نيست مانند او چيزى وسوال ميكنم بعزت تو

وقدرتك وبالعرش العظيم وما حمل وبالكرسي

وتوانائى تو وبحرمت عرش بزرگ وآنچه برداشت وبحرمت كرسى

الكريم وما وسع ان تصلي على محمد وآل محمد وتبيح

بزرگوار وآنچه فرا گرفته آنكه رحمت كنى بر محمد وآل محمد وفرو كنى

لي من عندك فرجك القريب العظيم الاعظم

براى من از نزد خود گشايش خدا كه نزديك بزرگ مرتبه بزرگترين است



اللهم اتمم علی احسانک القدیم الاقدم و تابع الی
خداوندا تمام کن بر من احسان خود را که دیرینه دیرینه است و پیاپی کن
معروفک الدائم الادوم و انعشنی بعز جلالک
احسان خود را که پیوسته تر است و بلند کن قدر مرا بعزت بزرگواری خود
الکریم الاکرم و الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن
که کرامت گرامی تر است و معبود شما معبودیست یکی نیست سزاوار پرستش مگر او بخشنده
الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة
مهربان است خدا نیست سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده فرا نگیرد او را خواب سبک
و لا نوم الم الله لا اله الا هو الحی القیوم هو الذی
و نه خواب سنگین خدا نیست سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده او است آنکه
یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز
صورت میدهد شما را در رحمهای مادران هر روش که خواهد نیست سزاوار پرستش مگر او غالب
الحکیم شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولو
گفتار درست گفتار گواهی داد خدا اینکه بتحقیق نیست خدایی مگر او و گواهی داده اند فرشتگان و صاحبان
العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم الله
دانش حال آنکه او بپا دارنده عدل و داد نیست خدایی مگر او غالب درست کردار خدا
لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیامة لا ریب فیه ذلکم
نیست هیچ خدایی مگر او هر آینه جمع خواهد کرد شما را در روز رستخیز حال آنکه نیست شکی در آن آن
الله ربکم لا اله الا هو خالق کل شیء فاعبدوه و هو علی
این است خدا پروردگار شما نیست سزاوار پرستش مگر او آفریننده هر چیز پس بپرستید او را و او بر

کل شیء
هر چیز

كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَٰهَ
هر چیزی نگهبان است پیروی کن آنچه را که وحی کرده شده بسوی تو از جانب پروردگار تو
إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي
مگر او و روگردان شو از شرک آورندگان بگو ای گروه مردمان بدرستی که من
رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ
فرستاده خدایم بسوی شما همه آن خدائی که برای اوست پادشاهی آسمانها و
الْأَرْضِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
زمین نیست مستحق عبادت مگر او زنده میسازد و میمیراند پس بگروید بخدا و رسول او
النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ
و پیغمبری است منسوب بام القری آن رسولی که ایمان دارد بخدا و سخنان فرستاده او و پیروی کنید
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَٰهًا
او را تا شاید شما راه راست یابید و مامور نبودند مگر اینکه پرستند خدای
وَاحِدًا لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ فَإِنْ
یگانه را نیست معبودی بحق مگر او پاک است او از آنچه شرک می آورند پس اگر
تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
روگردان شوند پس بگو بس است مرا خدا نیست سزاوار پرستش مگر او برو توکل کردم
وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ
و او پروردگار عرش بزرگ تا آنکه چون فرا گرفت او را غرق
قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ
گفت ایمان آوردم که بتحقیق نیست معبودی مگر آن خدائی که گرویدند با و



بنوا اسرآئیل وانا من المسلمین قل هو ربی لا اله الا

فرزندان یعقوب و من از گردن نهندگان حکم خدایم بگو او پروردگار منست

هو علیه توکلت والیه متاب ینزل الملائکة با

جز او بر او توکل کردم و بسوی اوست بازگشت و میفرستند فرشتگان را

لروح من امره علی من یشآء من عباده ان انذروا انه لا

با روح با مر خود بر آنکه خواهد از بندگان خود این که اعلام کنید خلق

اله الا انا فاتقون وان تجهر بالقول فانه یعلم

انه بتحقیق نیست سزاوار پرستش مگر من پس بپرهیزید از عقوبت و اگر آشکار کنی گفتار را

السر واخفی الله لا اله الا هو له الاسمآء الحسنی

هر آینه او میداند نهان را و پنهانتر را خدا نیست جز او مر او راست نامهای نیک

وانا اخترتک فاستمع لما یوحی اننی انا الله لا اله

و من برگزیده ام ترا پس گوش دار با نچه وحی کرده میشود بدرستیکه منم خدا نیست سزاوار پرستش

الا هو له الاسمآء الحسنی وانا اخترتک لما یوحی

بجز او مر او راست نامهای نیک و من برگزیده ام ترا پس گوش دار بانچه

اننی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی واقم الصلوة

بدرستیکه منم خدا نیست سزاوار پرستش بجز من پس بپرست مرا و بپا دار نماز را

لذکری انما الهکم الله الذی لا اله الا هو و

بخاطر آوردن من نماز را جز این نیست که معبود شما خدایی است که نیست سزاوار پرستش بجز او

سع کل شیء علما وما ارسلنا من قبلک من رسول

فرا گرفته هر چیز را از روی دانش و نفرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبری مگر آنکه

الا

الا نوحی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون وذا

مگر آنکه پیغام کردیم بسوی او آنکه بتحقیق نیست مستحق معبودیت مگر من پرستش کنید مرا و صاحب

النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه

ماهی را یاد کن چون رفت در میان قوم خشمگین پس گمان کرد که هرگز تنگ نگیریم براو

فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک

پس خواند خدا را در تاریکیها که نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی

انی کنت من الظالمین فتعالی الله الملک الحق لا

بدرستیکه من هستم از ستمکاران پس برترست خدای پادشاه راست نیست

اله الا هو رب العرش الکریم الله لا اله الا هو رب

خدایی مگر او پروردگار عرش بزرگوار خدا نیست سزاوار پرستش مگر او پروردگار

العرش العظیم وهو الله لا اله الا هو له الحمد فی

عرش بزرگ و اوست خدایی که نیست سزاوار پرستش مر او راست ستایش در

الاولی والآخرة وله الحکم والیه ترجعون ولا

این جهان و آن جهان و مر او راست حکومت و بسوی او بازگردانیده میشوید و

تدع مع الله الها آخر لا اله الا هو کل شیء

مخوان با خدا معبودی دیگر نیست خدایی جز او هر چیزی

هالک الا وجهه له الحکم والیه ترجعون یا

هلاک شدنیست مگر ذات او مر او راست حکومت و بسوی او بازگردانیده میشوید ای

ایها الناس اذکروا نعمت الله علیکم هل من خالق

مردمان یاد آورید انعام خدای بر شما آیا هیچ آفریننده



غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله الا

جز خدای روزی دهد شما را از آسمان و زمین نیست سزاوار پرستش

هو فانى تؤفكون ذلكم الله ربكم له الملك لا اله

جز او پس از کجا دروغ بر می‌گفته آن است خدای پروردگار شما او را است پادشاهی نیست

هو فانى تصرفون غافر الذنب وقابل التوب شديد

جز او پس بکجا برگردانیده میشوید آمرزنده گناه و پذیرنده توبه سخت

العقاب ذى الطول لا اله الا هو اليه المصير

عقوبت خداوند انعام نیست سزاوار پرستش مگر او بسوی اوست بازگشت

ذلكم الله ربكم فتبارك الله رب العالمين هو

آن است خدای پروردگار شما پس بزرگست خدا پروردگار جهانیان او

الحى لا اله الا هو فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله

زنده نیست سزاوار پرستش مگر او پس بخوانید او را خالص کنندگان برای او دین

رب العالمين رب السموات والارض وما بينهما

پروردگار جهانیان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها

ان كنتم موقنين لا اله الا هو يحيى ويميت ربكم

اگر هستید یقین دارندگان نیست سزاوار پرستش مگر او زنده میکند و میمیراند

ورب آبائكم الاولين فانى لهم اذا جاءتهم

پروردگار پدران پیشینان شما است پس از کجا باشد مر ایشان را چون بیاید ایشانرا

ذكريهم فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك

پند گرفتن ایشان پس بدان بتحقیق نیست سزاوار پرستش مگر خدا و آمرزش طلب برای

وللمؤمنين

وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

و برای گناه خود برای و برای گناه مردان گروندگان و زنان گروندگان و خداست جز او نیست معبودی

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ

دانای نهان و آشکار اوست بخشنده مهربان او خداست

الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

نیست سزاوار پرستش جز او پادشاه پاک از هر عیبی ایمن از هر آفتی ایمنی دهنده

الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

نگهبان هر چیزی غالب بر همه خداوند عظمت کبریایی بزرگوار پاکست خداوند از آنچه شریک

اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ اللّٰهُمَّ

خداست خدایی جز او و بر خدا پس باید اعتماد کنند گروندگان خداوندا

إِنِّي أَسْأَلُكَ عَفْوًا لَيْسَ بَعْدَهُ عُقُوبَةٌ وَرِضًا لَيْسَ بَعْدَهُ

بدرستیکه من سؤال میکنم از تو درگذشتنی را که نباشد بعد از آن عقوبت و خشنودی که نباشد بعد از آن

سَخَطٌ وَعَافِيَةً لَيْسَ بَعْدَهَا بَلَاءٌ وَسَعَادَةً لَيْسَ بَعْدَهَا

بلا و کینی و غضبی و سلامتی که نباشد پس از آن بلا و رنجی و نیکبختی که نباشد پس از آن

شَقَاءٌ وَهُدًى لَا يَكُونُ بَعْدَهُ ضَلَالَةٌ وَإِيمَانًا

بدبختی و راه یافتگی که نباشد پس از آن گمراهی و ایمانی

لَا يُدَاخِلُهُ كُفْرٌ وَقَلْبًا لَا يُدَاخِلُهُ فِتْنَةٌ اللّٰهُمَّ إِنِّي

در او نباشد کفر و دلی که در او نباید فتنه خداوندا بدرستیکه

أَسْأَلُكَ السَّعَةَ فِي الْقَبْرِ وَالْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ وَالْقَوْلَ

من سؤال میکنم از تو گشادگی در گور و حجت کامل رسا و گفتار



الثّابتِ وانْ تنزلَ علىّ الامانَ والفرحَ والسّرورَ

و ثابت دائم فرو فرستی بر من ایمنی و شادی و خرمی

ونضرةَ النّعيمِ اللّهمّ صلِّ على محمّدٍ وآلِ محمّدٍ وعرّفني بركةَ

و تازگی نعمت خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بشناسان مرا برکت

هذا الشّهرِ ويمنَه وارزقني خيرَه واصرفْ عنّي شرَّه و

این ماه و یمن آن و روزی کن مرا نیک آن و بگردان از من بد آن و

اجعلْني فيه من الفائزين برحمتِكَ يا ارحمَ الرّاحمينَ اللّهمَّ

و بگردان مرا در آن از رستگاران برحمت خود ای رحم کننده ترین بخشندگان خداوندا

انتَ وهّابُ الجزيلِ شوقاً الى لقائكَ واشفاقاً من

تو بخشنده هر نیکی بی بخشش آرزومندی بسوی ملاقات و ترسیدن از

عذابِكَ وحبوةً منكَ وتوهّراً واجلاً الّا حتّى توجلَ

عذاب تو و شرم داشتن از تو و بزرگوار شمردن تو تا اگر بترسد

من ذلكَ قلبي وتقشعرَّ منه جلدي وتتجافى له جنبي

از آن دل من و بلرزد از آن پوست بدن من و دور شود از پهلوی من

وتدمعَ منه عيني ولا اخلوا من ذكركَ في ليلي ونهاري

از خوابگاه و اشک ریزد از آن دیده من و خالی نباشم از یاد تو در شب من و روز من

يا ارحمَ الرّاحمينَ اللّهمّ انّي اثني عليكَ وما عسى ان

ای بخشاینده ترین بخشندگان خداوندا بدرستی که من ستایش میکنم ترا و چه امید اگر

يبلغَ مدحي وثنائي مع قلّةِ عملي وقصرِ رائي وانتَ

برسد ستایش من و ثنای من بر صد کمال با کمی کردار من و کوتاهی رأی من و تو

الخالق

الخالق وانا المخلوق وانت المالك وانا المملوك

آفریننده ومن آفریده شده وتو خداوند ومن مملوک

وانت الرب وانا العبد وانت العزيز وانت الذليل وانت القوي

وتو اى پروردگار ومن بنده وتو ارجمند ومن خوار وتو قوى

وانا الضعيف وانت الغني وانا الفقير وانت

ومن ناتوان وتو بى نياز ومن نيازمند وتو

المعطي وانا السائل وانت الحي الذي لا يموت وانا

بخشنده ومن سؤال كننده وتو زنده كه نميرد ومن

خلق اموت فاغفر لي وارحمني واعطني سؤلي في دنياي

آفريده كه بميرم پس بيامرز مرا ورحم كن مرا وعطا كن بمن سؤال مرا در دنياى

واخرتي وتجاوز عني وعن جميع المؤمنين والمؤمنات

وآخرت من ودر گذر از من واز همه مؤمنان گرونده وزنان گرونده

والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات

ومردان گردن نهنده وزنان گردن نهنده زندگان از ايشان ومردگان

اللهم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك

خداوندا رحمت فرست بر محمد بنده تو وفرستاده تو وپيغمبر

وصفيك وخيرتك من خلقك اللهم ارفع درجته

وبرگزيده تو وبهترين آفريده شده تو از خلق تو خداوندا بلند كن درجه اورا

وكرم مقامه واجزل ثوابه وافلج حجته واظهر عذره

وگرامى دار مقام او وافزون كن ثواب اورا وغالب كن حجت اورا وآشكار كن عذر اورا



وَعَظِّمْ نُورَهُ وَاَدِمْ كَرَامَتَهُ وَاَلْحِقْ بِهِ اُمَّتَهُ وَذُرِّيَّتَهُ

و بزرگ گردان روشنائی او را و پیوسته دار نوازش او را و برسان با و امت او و فرزندان او

وَاَقِرَّ بِذٰلِكَ عَيْنَهُ اَللّٰهُمَّ عَيْنَهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا

و روشن کن بانچه مذکور شد دیده او را خداوندا خداوندا بگردان محمد را

اَكْرَمَ النَّبِيِّينَ تَبَعًا وَاَعْظَمَهُمْ مَنْزِلَةً وَاَشْرَفَهُمْ كَرَامَةً

بزرگوارترین پیغمبران بحسب پیروان و بزرگترین ایشان در منزلت و گرامی ترین ایشان از روی کرامت

وَاَعْلاَهُمْ دَرَجَةً وَاَفْسَحَهُمْ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلاً اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ

و بلندترین ایشان در مرتبه و گشاده ترین ایشان در بهشت بحسب جایگاه بار خدایا برسان

مُحَمَّدًا الدَّرَجَةَ الْوَسِيلَةَ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ نُورَهُ وَ

محمد را بدرجه که نام آن وسیله است و بلند گردان اساس جلالت او را و بزرگ گردان روشنی او

بُرْهَانَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي اُمَّتِهِ وَتَقَبَّلْ صَلوٰةَ

و حجت او را و بپذیر شفاعت و درخواست او را در باره امتش و قبول کن درود

اُمَّتِهِ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَّغَ رِسَالاَتِكَ

امت او را بر او بار خدایا رحمت فرست بر محمد چنانچه رسانید پیغامهای ترا

وَتَلاَ اٰيَاتِكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ

و خواند آیات ترا و پند داد مر بندگان ترا و کارزار نمود در راه تو

حَتّٰى اَتَاهُ الْيَقِينُ اَللّٰهُمَّ زِدْ مُحَمَّدًا مَعَ كُلِّ شَرَفٍ

تا آنکه آمد مرگ یقین خداوندا زیاد کن برای محمد با هر شرف

شَرَفًا وَمَعَ كُلِّ فَضْلٍ فَضْلاً وَمَعَ كُلِّ كَرَامَةٍ كَرَامَةً

شرافت و بزرگی و با هر فضلی فضلت و با هر گرامی گرامی

ومع كل

وَمَعَ كُلِّ سَعادَةٍ سَعادَةً حَتّى تَجْعَلَ مُحَمَّداً فِي الشَّرَفِ

با هر سعادت سعادتی تا آنکه بگردانی محمد را در مرتبه

الْاَعْلى مِنَ الدَّرَجاتِ الْعُلى اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ

بلندتر از مرتبهای بلند خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَهِّلْ لِي مَحَبَّتي وَبَلِّغْني اُمْنِيَّتي وَوَسِّعْ

و آل محمد و آسان کن برای من آنچه را که دوست دارم و برسان مرا با رزوی

عَلَيَّ في رِزْقي وَاقْضِ عَنّي دَيْني وَفَرِّجْ عَنّي غَمّي وَ

برمن در روزی من و ادا کن از من قرض مرا و جدا کن از من غم مرا و

هَمّي وَكَرْبي وَيَسِّرْ لي اِرادَتي وَاَوْصِلْني اِلى بُغْيَتي سَريعاً

حزن مرا و اندوه مرا و سهل کن برای من خواسته مرا و برسان مرا بمطلب من زود

عاجِلاً يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وشیخ مفید رضی الله عنه

و عاجل ای بخشاینده ترین بخشایندگان

گفته است که در روز دهم

ماه ربیع الاخر سال دویست و سی و دو از هجرت نبوی

حضرت امام حسن عسکری متولد شده و روز شریف

بسیار مبارکیست و مستحبست که بشکر این نعمت عظمی

روزه بدارند مؤلف گوید زیارة الحضرة و سایر اعمال

خیر در این روز با برکت مناسبست فصل دوم در اعمال

ماه جمادی الاولی است سید ابن طاوس رضی الله از

بعضی کتب معتبره نقل کرده است که در روز اول این ماه

اعمال ماه جمادی الاولی



مستحبست که این اللهم انت الله وانت الرحمن الرحیم

دعا را بخوانند

خداوندا تویی خدا و تویی بخشاینده مهربان

وانت الملک القدوس وانت السلام المؤمن وانت

و تویی پادشاه پاک از همه عیبها و تویی سالم از تمام نقصها بخشنده امان

المهیمن وانت العزیز وانت الجبار وانت المتکبر وانت

نگهبان خلایق و تویی غالب و تویی کار فرما بقهر و غلبه و تویی نهایت بزرگوار

الخالق وانت

الباری وانت المصور وانت العزیز الحکیم وانت

آفریدگار و تویی پدید آورنده و تویی نگارنده صورت و تویی ارجمند دانای کار درست

الاول والآخر والظاهر والباطن لک الاسماء

اول و آخر و آشکار و پنهان مر تراست نامهای نیک

اسألک یا رب بحق هذه الاسماء وبحق اسمائک

سؤال میکنم از تو ای پروردگار بحق این نامها و بحق نامهای تو

کلها ان تصلی علی محمد وآل محمد وآتنا اللهم فی

همه آنها اگر رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بده ما را خداوندا در

الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة واختم لنا بالسعادة

اینجهان نیکی و در آنجهان نیکی و ختم کن برای ما بنیکبختی

والشهادة فی سبیلک وعرفنا برکة شهرنا هذا

و شهید شدن در راه تو و بشناسان ما را برکت ماه ما اینماه

ویمنه وارزقنا واصرف عنا شره واجعلنا فیه

و یمنیت آن را و روزی کن ما را بگردان از ما بدی آن و بگردان ما را

من الفائزین

من الفائزين وقنا برحمتك عذاب النار يا ارحم الراحمين

از رستگاران ونگاه دار ما را برحمت خود از عذاب آتش ای بخشاینده ترین بخشایندگان

انك على كل شيء قدير پس اين ايات [?] الحمد لله رب

بدرستیکه تو بر همه چیزی توانائی بخوانند سپاس مر خدایرا که پروردگار

العالمين الحمد لله الذي خلق السموات والارض و

جهانیان است سپاس مر خدای را که آفرید آسمانها را وزمین را و

جعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون

بدید آورد تاریکیها وروشنائی را پس آنانکه کافر شدند بپروردگار خود عدیل میگیرند

هو الذي خلقكم من طين ثم قضى اجلا واجل مسمى

او آنکه بدید آورده شما را از گل پس مقرر کرد مدتی ومدت بعث نزد اوست پس شما

ثم انتم تمترون وهو الله في السموات وفي الارض يعلم

شک میکنید واو خداست در آسمانها ودر زمین می داند

سركم وجهركم ويعلم ما تكسبون الحمد لله الذي انزل

نهان واشکار شما ومیداند آنچه را کسب مینمائید سپاس مر خدای را که فرو فرستاد

على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا قيما لينذر

بر بنده خود قرآن را ونگردانید برای او هیچ کجی راست تا بترساند

باسا شديدا من لدنه الحمد لله الذي له ما في السموات

تا بیم نماید از عذاب سخت از نزد خود مر اوراست سپاس مر خدای را که برای اوست

وما في الارض وله الحمد في الاخرة وهو الحكيم الخبير

وانچه در زمین است ومر اوراست سپاس در آنجهان واوست درست کردار آگاه



الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائکة رسلا اولی

سپاس مر خدای را که آفریننده آسمانها و زمین کننده فرشتگان رسولان صاحبان

اجنحة مثنی وثلاث وربٰع یزید فی الخلق ما یشاء ان الله

بالهای دو دو و سه سه و چهار چهار می افزاید در آفرینش آنچه خواهد بدرستیکه خدا

علی کل شیء قدیر ما یفتح الله للناس من رحمة فلا

بر همه چیزی تواناست آنچه بگشاید خدا برای مردمان از بخشایش پس نیست

ممسک لها وما یمسک فلا مرسل له من بعده وهو

باز دارنده مر آن و آنچه باز دارد آن نیست فرستنده مر آن را از پس او و اوست

الحکیم الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی

غالب راست کردار سپاس مر خدای را که راه نمود ما را باینجا و نبودیم ما که راه یابیم

لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق

اگر نبودی اگر راه نمودی ما را خدا بحقیقت آمدند رسولان پروردگار ما براستی

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر اسمعیل واسحاق

سپاس مر خدای را که بخشید مرا در حالت پیری اسمعیل و اسحاق را

ان ربی لسمیع الدعاء الحمد لله بل اکثرهم لا یعلمون

بدرستیکه پروردگار من هر آینه شنوای دعاست سپاس مر خدای را بلکه بیشتر ایشان نمیدانند

الحمد لله الذی نجانا من القوم الظالمین الحمد لله

سپاس مر خدای را که رهانید ما را از گروه ستمکاران سپاس مر خدای را

الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین

که زیادتی داد ما را بر بسیاری از بندگان گروندگان سپاس مر خدای را

اباية

آیاتِهِ فَتَعرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعمَلُونَ اَلحَمدُ لِلّٰه

نشانهای قدرت خودرا پس شناسید آنهارا و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه میکنید سپاس خدای

اَلَّذِی اَذهَبَ عَنَّا الحَزَنَ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَکُورٌ

که برد از ما همه اندوه را بدرستیکه پروردگار ما هر آینه آمرزگار است حق گذار

اَلحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِی صَدَقَنَا وَعدَهُ وَاَورَثَنَا الاَرضَ

سپاس مر خدای را که راست گوی برای ما وعده خودرا و میراث داد بما زمین را

نَتَبَوَّءُ مِنَ الجَنَّةِ حَیثُ نَشَآءُ فَنِعمَ اَجرُ العَامِلِینَ

بهشت را که جای گیریم از بهشت هر جا خواهیم پس نیک مزد کارکنان

وَتَرَی المَلٰٓئِکَةَ حَآفِّینَ مِن حَولِ العَرشِ یُسَبِّحُونَ بِحَمدِ رَبِّهِم

و می بینی فرشتگان را فرو گیرندگان گرداگرد عرش را تسبیح گویند بسپاس پروردگار

وَقُضِیَ بَینَهُم بِالحَقِّ وَقِیلَ الحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العَالَمِینَ فَلِلّٰه

و حکم کرده شود میان ایشان براستی و گفته شود سپاس مر خدای را پروردگار جهانیان پس خدای

اَلحَمدُ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَرَبِّ الاَرضِ رَبِّ العَالَمِینَ وَ

سپاس پروردگار آسمانها و زمین و پروردگار زمین و پروردگار جهانیان و

لَهُ الکِبرِیَآءُ فِی السَّمٰوَاتِ وَالاَرضِ وَهُوَ العَزِیزُ الحَکِیمُ

مر اوراست بزرگواری در آسمانها و زمین و اوست غالب راست کار

اَلحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَم یَتَّخِذ وَلَدًا وَلَم یَکُن لَهُ شَرِیكٌ

سپاس مر خدای را که فرا نگرفت هیچ فرزندی و نیست مر او را هیچ انبازی

فِی المُلكِ وَلَم یَکُن لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرهُ تَکبِیرًا

در پادشاهی و نیست مر او را یاوری از مذلت و بعظمت یاد کن خدا را



اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَتَدَارَكْنِي فِيمَا

خداوندا بیامرز برای من آنچه گذشته از گناهان من و تلافی کن مرا در آنچه

بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَقَوِّ ضَعْفِي لِلَّذِي خَلَقْتَنِي لَهُ وَحَبِّبْ

باقی مانده از عمر من و قوت ده ناتوانی مرا آنچه آفریدی مرا بجهت آن و دوست گردان

إِلَيَّ الْإِيمَانَ وَزَيِّنْهُ فِي قَلْبِي وَقَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَنِي

بسوی من ایمان را و آرایش ده آن را در دل من و بتحقیق خواندم ترا چنانچه امر کردی

فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ أَصْبَحْتُ لَكَ عَبْدًا

پس اجابت کن مرا پس اجابت کن مرا چنانچه وعده داری مرا صبح کردم و حال آنکه منم برای تو بنده

لَا أَسْتَطِيعُ دَفْعَ مَا أَكْرَهُ وَلَا أَمْلِكُ مَا أَرْجُو وَ

که قدرت ندارم بر دفع ناخوش دارم و مالک نیستم آنچه را که امید دارم و

أَصْبَحْتُ مُرْتَهِنًا بِعَمَلِي فَلَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي إِلَيْكَ يَا رَبَّ

صبح کردم گروگان بکردار خود پس نیست هیچ محتاجی محتاج تر از من ای

الْعَالَمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَنِي عَمَلَ مَنِ اسْتَيْقَنَ

جهانیان سؤال میکنم از تو آنکه بکار داری مرا کار آنکه یقین داشته

حُضُورَ أَجَلِهِ لَا بَلْ عَمَلَ مَنْ قَدْ مَاتَ فَرَأَى عَمَلَهُ

حاضر شدن اجل خود را نه بلکه کار آنکه بتحقیق مرده پس دیده کردار خود

وَنَظَرَ إِلَى ثَوَابِ عَمَلِهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ

و نگریسته بسوی پاداش کردار خود بدرستی که تو بر هر چیزی توانائی خداوندا

هٰذَا مَكَانُ الْعَائِذِ بِكَ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ هٰذَا مَكَانُ

این جایگاه کسی است که پناه گرفته برحمت تو از عذاب تو و این جایگاه

العائذ

الْعَائِذِ بِمُعَافَاتِكَ مِنْ غَضَبِكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ

که پناه گرفته بعفو در گذشتن تو از غضب تو خداوندا بگردان مرا از آنکه

دَعَاكَ فَاَجَبْتَهُ وَسَئَلَكَ فَاَعْطَيْتَهُ وَاٰمَنَ بِكَ

خواند ترا پس اجابت کردی اورا و سؤال کرد پس عطا کردی اورا و ایمان آورد بتو پس

فَهَدَيْتَهُ وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فَكَفَيْتَهُ وَتَقَرَّبَ اِلَيْكَ

پس هدایت کردی اورا و گذاشت کار خود بر تو پس کفایت کردی اورا و نزدیکی جست بتو

فَاَدْنَيْتَهُ وَافْتَقَرَ اِلَيْكَ فَاَغْنَيْتَهُ وَاسْتَغْفَرَكَ

پس نزدیک گردانیدی اورا و محتاج شد بسوی تو پس بی نیاز کردی اورا و آمرزش طلبید از تو

فَغَفَرْتَ لَهُ وَرَضِيتَ عَنْهُ وَاَرْضَيْتَهُ وَهَدَيْتَهُ

پس آمرزیدی اورا و خشنود شدی از و و خشنود گردانیدی اورا و راه نمودی اورا

اِلٰى مَرْضَاتِكَ وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ وَلِذٰلِكَ

بسوی موجبات رضای تو و نگاه داشتی اورا بطاعت خود و این جهت فارغ کردی اورا

فَرَّغْتَهُ اَبَدًا مَا اَحْيَيْتَهُ فَتُبْ عَلَيَّ يَا رَبِّ وَاَعْطِنِي

همیشه مادام که زنده داشتی اورا پس بپذیر توبه مرا ای پروردگار من و عطا کن

سُؤْلِي وَلَا تَحْرِمْنِي شَيْئًا مِمَّا سَئَلْتُكَ وَاكْفِنِي شَرَّ

سؤال مرا و نا امید مکن مرا از هیچ چیزی از آنچه سؤال کردم از تو و دفع کن از من

مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْاَرْضِ وَاَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي

آنچه میکنند ستمکاران در زمین و آمرزش میطلبم از خدای که نیست

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الَّذِي لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا هُوَ اَللّٰهُمَّ

سزاوار پرستش جز او و آن خدائی که نمی آمرزد گناهان را جز او خداوندا



صلّ على محمّد وآل محمّد واعنّي على الدنيا وارزقني خيرها

رحمت فرست بر محمد وآل محمد و مدد کن مرا بر دنیا و روزی مرا خیر آن

وكرّه إليّ الكفر والفسوق والعصيان واجعلني من

و ناخوش گردان بسوی من کفر و بدکاری و نافرمانی را و بگردان مرا از راه

الراشدين اللهمّ قوّني لعبادتك واستعملني في

یافتگان خداوندا قوت ده مرا از برای عبادت و بکار دار مرا در

طاعتك وبلّغني الذي ارجو من رحمتك يا ارحم

طاعت حق و برسان مرا بانچه امید دارم از بخشش تو ای بخشنده ترین

الراحمين اللهمّ إنّي اسئلك الريّ يوم الظماء و

بخشندگان خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو سیرابی مرا در روز تشنگی و

النجاة يوم الفزع الاكبر والفوز يوم الحساب و

درستگاری مرا در روز ترس بزرگتر و فیروزی در روز حساب و

الامن يوم الخوف واسئلك النظر إلى وجهك

و ایمنی در روز ترس و سوال میکنم از تو نگریستن بسوی ذات

الكريم والخلود في جنّتك في دار المقامة من فضلك

بزرگواری تو و جاوید ماندن در بهشت تو در سرای اقامت از فضل تو

والسجود يوم يكشف عن ساق والظلّ يوم لا ظلّ

و سجده کردن در روزی که بالا زده شود جامه از ساق پای و سایه در

إلا ظلّك ومرافقة انبيائك ورسلك واوليائك

روزی که نباشد سایه مگر سایه تو و رفاقت پیغمبران و رسولان تو و دوستان تو

اللهمّ

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِی مَا قَدَّمْتُ مِنْ ذُنُوبِی وَمَا اَخَّرْتُ وَمَا
بیامرز برای من آنچه پیش داشتم از گناهان خود و آنچه باز پس داشتم
اَسْرَرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ وَمَا اَسْرَفْتُ عَلٰی نَفْسِی وَمَا اَنْتَ
و آنچه پنهان داشتم و آنچه آشکار نمودم و آنچه گزافی کردم بر نفس خود و آنچه تو
اَعْلَمُ بِهِ مِنِّی وَارْزُقْنِی التُّقٰی وَالْهُدٰی وَالْعَفَافَ
داناتری بآن از من و روزی کن مرا پرهیزکاری و راه یافتگی و عفت
وَالْغِنٰی وَوَفِّقْنِی لِلْعَمَلِ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی اَللّٰهُمَّ
و بی نیازی و توفیق ده مرا برای عمل نمودن بآنچه دوست داری تو و پسندی خداوندا
اَصْلِحْ لِی دِینِیَ الَّذِی هُوَ عِصْمَةُ اَمْرِی وَاَصْلِحْ لِی
اصلاح آور برای من دین مرا دینی که آن نگاه دارنده کار من است از اضلال و ب...
دُنْیَایَ الَّتِی فِیهَا مَعَاشِی وَاَصْلِحْ لِی آخِرَتِیَ الَّتِی اِلَیْهَا
دنیای مرا که در آن است زندگانی من و اصلاح آور برای من آخرت مرا که بسوی تست
مُنْقَلَبِی وَاجْعَلِ الْحَیٰوةَ زِیَادَةً لِی فِی کُلِّ خَیْرٍ وَاجْعَلِ
بازگشت من و بگردان زندگی مرا زیادتی برای من در همه نیکیها و بگردان
الْمَوْتَ رَاحَةً لِی مِنْ کُلِّ سُوءٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ
مرگ را آسایش برای من از هر بدی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا
یَا رَبَّ الْاَرْبَابِ وَیَا سَیِّدَ السَّادَاتِ وَیَا مَالِكَ
ای پروردگار پروردگاران وای بزرگ بزرگان وای پادشاه
الْمُلُوكِ اَنْ تَرْحَمَنِی وَتَسْتَجِیبَ لِی وَتُصْلِحَنِی فَاِنَّهُ لَا
پادشاهان آنکه رحم کنی مرا و اجابت کنی مرا و ... آوری مرا زیرا بتحقیق

يُصْلِحَ مَنْ صَلَحَ مِنْ عِبادِكَ اِلّا اَنْتَ فَاِنَّكَ اَنْتَ

بسامان بیاوردی او را که بسامان شده از بندگان تو مگر تو زیرا که بتحقیق تو ای تو

رَبّي وَثِقَتي وَرَجائي وَمَوْلايَ وَمَلْجَائي وَلا راحِمَ

پروردگار من و ثقت من و امید من و آقای من و پناه من و نیست بخشنده مرا

لي غَيْرُكَ وَلا مُغيثَ لي سِواكَ وَلا مالِكَ سِواكَ

غیر تو و نه فریادرسی مرا برای تو و نه خداوندی غیر تو

وَلا مُجيبَ اِلّا اَنْتَ اَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَ

و نه اجابت کننده مگر تو من بنده تو و پسر بنده تو و

ابْنُ اَمَتِكَ الْخاطِئُ الَّذي وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ وَاَنْتَ

پسر کنیز توام آن بنده خطاکاری که فرا گرفته او را رحمت تو و تو

الْعالِمُ بِحالي وَحاجَتي وَكَثْرَةِ ذُنُوبي وَالْمُطَّلِعُ عَلى

دانا بحال من و احتیاج من و بسیاری گناهان من و مطلع بر

كُلِّها فَاَسْئَلُكَ بِلا اِلهَ اِلّا اَنْتَ اَنْ تَغْفِرَ لي

کارهای من همه آنها پس سؤال میکنم از تو ای آنکه نیست خداوندی بجز تو آنکه بیامرزی برای من

ما تَقَدَّمَ مِنْ ذُنُوبي وَما تَاَخَّرَ اَللّهُمَّ لا تَدَعْ لي

آنچه گذشته از گناه من و آنچه باز پس مانده خداوندا آنکه از برای من

ذَنْبًا اِلّا غَفَرْتَهُ وَلا هَمًّا اِلّا فَرَّجْتَهُ وَلا حاجَةً

گناهی مگر آنکه بیامرزی او را و از اندوهی مگر آنکه زایل کنی آن را و نه حاجتی که

هِيَ لَكَ رِضًا اِلّا قَضَيْتَها وَلا عَيْبًا اِلّا اَصْلَحْتَهُ

آن باشد مر ترا پسند مگر روا کنی آن را و نه عیبی مگر آنکه به صلاح آوری آن را

اللهم

اللّهمّ وآتنا في الدّنيا حسنةً وفي الآخرة حسنةً و

خداوندا بده ما را در این جهان نیکی و در آن جهان نیکی و

قنا عذاب النّار اللّهمّ اعنّي على اهوال الدّنيا و

نگاه دار مرا از عذاب آتش خداوندا مدد کن مرا بر شدائد دنیا و

بوائق الدّهور ومصيبات اللّيالي والايّام اللّهمّ

حوادث روزگار و گردشهای شبها و روزها خداوندا

واحرسني من شرّ ما يعمل الظّالمون في الارض فانّه لا حول ولا

و نگهبانی کن مرا از گزند آنچه میکنند ستمکاران در زمین زیرا که بتحقیق که نیست

قوّة الّا بك اللّهمّ انّي اسئلك ايمانًا ثابتًا و

قدرتی و نیز توانائی مگر بتوفیق تو خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا ایمانی ثابت و

عملًا متقبّلًا ودعاءً مستجابًا ويقينًا صادقًا وقولًا

کرداری مقبول و دعائی پذیرفته و یقینی راست و درست و گفتاری

طيّبًا وقلبًا شاكرًا وبدنًا صابرًا ولسانًا ذاكرًا

پاکیزه و دلی سپاس گذار و تنی شکیبا و زبانی ذکر کننده

اللّهمّ انزع حبّ الدّنيا ومعاصيها وذكرها وشهوتها

خداوندا برکن دوستی دنیا را و نافرمانیهای آن را و یاد آن را و خواهش آن را

من قلبي اللّهمّ انّك بكرمك تشكر اليسير من عملي

از دل من خداوندا بدرستیکه تو بکرم و بزرگواری حق جزا میدهی عمل کم را

فاعف لي الكثير من ذنوبي وكن لي وليًّا ونصيرًا

پس درگذر برای من از بسیار از گناهان من و باش برای من دوست و یاری



وَمَنِيعاً وَحافِظاً اَللّٰهُمَّ هَبْ لي قَلْباً اَشَدَّ رَهْبَةً لَكَ
و باز دارنده حفظ کننده خداوندا ببخش مرا دلی سخت ترسنده تر مر ترا
مِنْ قَلْبي وَلِساناً اَدْوَمَ لَكَ ذِكْراً مِنْ لِساني وَجِسْماً
از دل من و زبانی پیوسته تر برای تو در ذکر از زبان من و بدنی
اَقْوىٰ عَلىٰ طاعَتِكَ وَعِبادَتِكَ مِنْ جِسْمي اَللّٰهُمَّ اِنّي
توانا تر بر طاعت و پرستش از بدن من خداوندا بدرستی که من
اَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ فُجاءَةِ نِقْمَتِكَ وَمِنْ
پناه میگیرم بتو از زایل شدن نعمت تو و از ناگاه در آمدن عقوبت تو و از
تَحْويلِ عافِيَتِكَ وَمِنْ هُوغَضَبِكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ
گردیدن عافیت تو و از فرود آمدن غضب تو و پناه میگیرم بتو از سختی
اَلْبَلاءِ وَدَرَكِ الشَّقاءِ وَمِنْ شَماتَةِ الْاَعْداءِ وَسُوءِ
بلا و دریافت بدبختی و از ملامت دشمنان و بدی
اَلْقَضاءِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ
حکم در اینجهان و در آنجهان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم
بِاسْمِكَ الْكَريمِ وَعَرْشِكَ الْعَظيمِ وَمُلْكِكَ الْقَديمِ يا
بحرمت نام بزرگوار تو و عرش بزرگ تو و پادشاه دیرینه تو ای
وَهّابَ الْعَطايا وَيا مُطْلِقَ الْاُساریٰ وَيا فَكّاكَ الرِّقابِ
بخشنده عطاها ای رها کننده دربند شدگان و ای خلاص کننده گردنها
وَيا كاشِفَ الْعَذابِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُخْرِجَني مِنَ الدُّنْيا
و ای زایل کننده عذاب سوال میکنم ترا که بیرون بری مرا از دنیا

سالما

سالِمًا غانِمًا وَاَن تُدخِلَنِی الجَنَّةَ بِرَحمَتِكَ اٰمِنًا وَاَن

سالم از گناهان بهره مند بثواب و فوزها و آنکه در آوری مرا در بهشت برحمت خود ایمن و آنکه

تَجعَلَ اَوَّلَ شَهرِی هٰذا صَلاحًا وَاَوسَطَهُ فَلاحًا وَاٰخِرَهُ

و آنکه بگردانی اول ماه مرا این ماه شایستگی و میان آن را فیروزی و آخر آن را

اِنَّكَ اَنتَ عَلّامُ الغُیُوبِ که کلینی بسند

که تو توئی داننده نهانها صحیح از حضرت صادق ع روایت

کرده است که حضرت فاطمه علیها السلم هفتاد و پنج روز

بعد از حضرت رسالت ص زنده بود پس بنا بر مشهور وفات

حضرت رسول ص در بیست و هشتم ماه صفر بود باید وفات

در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی الاولی باشد

پس زیارة آنحضرة در این ایام مناسبست خصوصا در

چهاردهم که ظاهرترا ست و شیخ مفید علیه الرحمة

گفته است که در شب پانزدهم این ماه امام زین

العابدین ع متولد شده است و روز شریفیست و مستحبّ

است بدارند و اعمال خیر از عبادات و تصدقات بجا

آورند و شیخ طوسی ره گفته است که فتح بصره برای

امیر المؤمنین ع در این روز میسّر شد مؤلف گوید که زیارة

هر دو امام ع در این روز مناسبست و اگر زیارة جامعه

در این هشتم ایام بخوانند چنانچه مذکور خواهد شد



انشاء الله بهتر است **فصل ششم** در اعمال ماه جمادی
الثانیه است سید ابن طاوس رضی الله عنه روایت
کرده اند که در این ماه در هر روز که خواهد سنتست که
چهار رکعت نماز بکند بدو سلام و در هر رکعت اول
بعد از سوره حمد یک مرتبه آیة الکرسی بخواند و بیست و
پنج مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم یک مرتبه الهیکم
التکاثر و بیست و پنج مرتبه قل هو الله و در سیم یکمرتبه قل
یا ایها الکافرون و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الناس
و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و هفتاد مرتبه
اللهم صل علی محمد و آل محمد پس سه مرتبه اللهم اغفر
للمؤمنین والمؤمنات پس سر بسجده بگذارد و سه مرتبه
بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا الله یا رحمن
ای زنده ای پاینده ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتی ای بخشنده
یا رحیم یا ارحم الراحمین پس هر حاجت که دارد از حق
ای مهربان ای بخشنده ترین بخشندگان
طلب نماید هر که چنین کند
خدا خودش را و مالش را و زنان و فرزندان او را و دین
و دنیای او را حفظ کند و اگر در اینسال بمیرد بر شهادت
بمیرد یعنی ثواب شهیدان داشته باشد و شیخ برو

محمد بن



محمد بن جریر طبری در کتاب دلایل الامامة بسند معتبر
از حضرت صادق ع روایت کرده است که ولادت با
سعادت حضرت فاطمه در بیستم ماه جمادی الثانیه واقع
شد و شهادت آنحضرت در سیم ماه واقع شد و شیخ طوسی
و سید ابن طاوس و دیگران چنین ذکر کرده اند اگرچه
وفات منافی روایتی که سابقا ذکر کردیم اما چون
مشهور است روایت معتبر دارد باید که در روز سیم
مراسم تعزیت قیام نمایند و زیارت آنحضرت بکنند و لعن
بسیار بر قاتلان آنحضرت و غاصبان حق او بکنند خصوصا
ابوبکر و عمر و قنفذ غلام عمر و در روز بیستم آنحضرت
را بانواع زیارت کند و چنانکه شیخ مفید گفته است اظهار
سرور و خوشحالی بکنند و روزه بدارند و تصدق و سایر
اعمال خیر بکنند و زیارت آنحضرت بدو طریق وارد شده
اول آنکه سید ابن طاوس روایت کرده است که هرگاه آن
حضرت را زیارت کند باین زیارت که بگوید السلام علیک
یا سیدة نساء العالمین السلام علیک یا والدة

ای خاتون زنان جهانیان سلام بر تو ای مادر

الحجج علی الناس اجمعین السلام علیک ایتها المظلومة

حجت بر آدمیان همگی سلام بر تو ای ستم رسیده



الممنوعة حقها پس بگوید اللهم صل علی امتک وابنة

منع کرده شده از حق خود پس بگوید خداوندا رحمت فرست بر کنیز خود و دختر

نبیک وزوجة وصی نبیک صلوة تزلفها فوق

پیغمبر خود و زن وصی پیغمبر خود رحمتی که نزدیک کند او را بالای

زلفی عبادک المکرمین من اهل السموات واهل

نزدیکی بندگان تو که گرامی داشته شده اند از اهل آسمانها و اهل

الارضین پس طلب آمرزش کند از حق تعالی گناهان

زمین

او را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند

و این زیارت مختصر معتبر نیست و همه وقت میتوان کرد
و دو زیارت مبسوطی است که علما ذکر کرده اند و سند
بنظر فقیر نرسیده السلام علیک یا بنت رسول الله

سلام بر تو ای دختر رسول خدا

و این زیارت این است

السلام علیک یا بنت حبیب الله السلام علیک

سلام بر تو ای دختر دوست خدا سلام بر تو

یا بنت خلیل الله السلام علیک یا بنت صفی الله

ای دختر صدیق خدا سلام بر تو ای دختر برگزیده خدا

السلام علیک یا بنت امین الله السلام علیک

سلام بر تو ای دختر امانت دار خدا سلام بر تو

یا بنت خیر خلق الله السلام علیک یا بنت افضل

ای دختر بهترین خلایق خدا سلام بر تو ای دختر فاضلترین

اَنبِیاۤءِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ خَیرِ البَرِیَّةِ اَلسَّلامُ
پیغمبران خدا سلام بر تو ای دختر بهترین خلایق سلام
عَلَیکِ یا سَیِّدَةَ نِساۤءِ العالَمینَ مِنَ الاَوَّلینَ وَالآخِرینَ
بر تو ای خاتون زنان جهانیان از پیشینان و پسینان
اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا زَوجَةَ وَلِیِّ اللّٰهِ وَخَیرِ خَلقِهِ بَعدَ
سلام بر تو ای زن دوست خدا و بهترین خلق خدا بعد
رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا اُمَّ الحَسَنِ وَالحُسَینِ
رسول خدا سلام بر تو ای مادر حسن و حسین
سَیِّدَی شَبابِ اَهلِ الجَنَّةِ اَلسَّلامُ عَلَیکِ
دو بزرگ جوانان اهل بهشت سلام بر تو
یا اُمَّ المُؤمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیکِ اَیَّتُهَا الصِّدّیقَةُ
ای مادر مؤمنان سلام بر تو ای بغایت راستگوی
الشَّهیدَةُ اَلسَّلامُ عَلَیکِ اَیَّتُهَا الرَّضِیَّةُ المَرضِیَّةُ
شهید سلام بر تو ای خوشنود از خدا و پسندیده
اَلسَّلامُ عَلَیکِ اَیَّتُهَا الصّادِقَةُ الرَّشیدَةُ اَلسَّلامُ
سلام بر تو ای راستگوی راه یافته سلام
عَلَیکِ اَیَّتُهَا الفاضِلَةُ الزَّکِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیکِ
بر تو ای صاحب فضل و زکیه پاک سلام بر تو
اَیَّتُهَا الحَوراۤءُ الاِنسِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیکِ اَیَّتُهَا
ای حوری مثال آدمی نسب سلام بر تو ای



التقية السلام عليك ايتها المحدثة العليمة السلام

پرهیزکار سلام بر تو ای سخن گفته شده دانا سلام

عليك ايتها المعصومة المظلومة السلام عليك ايتها

بر تو ای نگاه داشته شده ستم رسیده سلام بر تو ای

الطاهرة المطهرة السلام عليك ايتها المضطهدة

پاک پاکیزه شده سلام بر تو ای غلبه کرده شده

المغصوبة السلام عليك ايتها الغراء الزهراء

غارت رسیده سلام بر تو ای پیشانی سفید درخشنده

السلام عليك يا فاطمة بنت محمد رسول الله ورحمة الله ۱۹

سلام بر تو ای فاطمه دختر محمد رسول خدا و بخشش خدا

وبركاته صلى الله عليك يا مولاتي وابنة مولاي

و زیادتیهای او رحمت فرستد خدا بر تو ای خاتون من و دختر آقای

وعلى روحك وبدنك اشهد انك مضيت على

و بر جان تو و بر بدن تو گواهی میدهم بدرستی که تو گذشتی بر

بينة من ربك وان من سرك فقد سر رسول الله

حجتی روشن از جانب پروردگار خود و آنکه بتحقیق هر که شاد کند ترا پس بتحقیق

ومن جفاك فقد جفا رسول الله ومن اذى رسول الله

و آنکه ستم کند ترا پس بتحقیق جفا کرده رسول خدا را و آنکه آزار دهد رسول خدا را

ومن وصلك فقد وصل رسول الله ومن قطعك

و آنکه پیوست بتو پس بتحقیق پیوسته رسول خدا و آنکه بریده از تو

فقد

فقد قطع رسول الله لانك بضعة منه وروحه

پس بتحقيق بريد از رسول خدا زيرا كه بتحقيق كه تو جزو بدنى از او و جان او

التي بين جنبيه كما قال عليه افضل السلام واكمل

كه جانى كه ميان پهلوهاى اوست چنانچه گفته رسول خدا بر او باد بهترين درودها و تمامى

السلام اشهد الله وملائكته انى ولى لمن والاك

درودها گواه ميسازم خدا را و فرشتگان او را كه بتحقيق من دوستم مر آنرا كه دوست دارد ترا

وعدو لمن عاداك وحرب لمن حاربك يا مولاتي

و دشمنم آنكه دشمنى ترا و جنگم آنرا كه جنگ كرد با تو اى خاتون من

بك وبابيك وبعلك والائمة من ولدك موقن

بتو و بر پدر تو و شوهر تو و پيشوايان از فرزندان تو يقين

وبولايتهم مؤمن ولطاعتهم ملتزم اشهد ان الدين دينهم

و بدوستى ايشان گرونده و فرمان ايشان را لازم گيرنده گواهى ميدهم آنكه بتحقيق

والحكم حكمهم وهم قد بلغوا عن الله عز وجل ودعوا

و حكم حكم ايشانست و ايشان بتحقيق رسانندند از جانب خداى عز و جل و خواندند

الى سبيل الله بالحكمة والموعظة الحسنة ولا

بسوى راه خدا بدلايل حكمى و پند نيكو و در نگيرد

تاخذهم في الله لومة لائم وصلوات الله عليك

ايشانرا در راه خدا سرزنش سرزنش كننده و رحمتهاى خدا بر تو

وعلى ابيك وبعلك وذريتك والائمة الطاهرين

و بر پدر تو و شوهر تو و فرزندان تو و پيشوايان پاكان



اللهم صل على محمد واهل بيته وصل على البتول

خداوندا رحمت فرست بر محمد و خانواده او و رحمت فرست بر آن بریده

الطاهرة الصديقة المعصومة التقية النقية

پاک بنیت راست گوی نگاه داشته شده پرهیزکار پاکیزه

الرضية الزكية الرشيدة المظلومة المقهورة

پسندیده پاک راه یافته ستم رسیده غلبه کرده شده

المغصوبة حقها الممنوعة ارثها المكسورة ضلعها

غصب کرده شده حق او منع کرده شده میراث او شکسته شده پهلوی او

المظلوم بعلها المقتول ولدها فاطمة بنت رسولك

ستم کرده شده شوهر او کشته شده فرزند او یعنی فاطمه دختر پیغمبر تو

وبضعة لحمه وصميم قلبه وفلذة كبده والنخبة

و پاره گوشت او و خلاصه دل او و قطعه جگر او و انتخاب کرده تو

منك له والتحفة خصصت بها وصيه وحبيبة

برای او و تحفه تو مخصوص گردانیدی باو وصی پیغمبر را و دوست

المصطفى وقرينة المرتضى وسيدة النساء ومبشرة

برگزیده او را و همتای پسندیده او را و بزرگ زنان و مژده دهنده

الاولياء وخليفة الورع والزهد وتفاحة الفردوس

دوستان و جانشین پرهیزکاری و زهد و سیب بوستان

والخلد التي شرفت مولدها بنساء الجنة وسللت

و بهشت جاوید آنکه گرامی گردانیدی جای ولادت او را بزنان بهشت و بیرون آوردی

منها

مِنْهَا اَنْوَارَ الْاَئِمَّةِ وَاَرْخَيْتَ دُونَهَا حِجَابَ النُّبُوَّةِ اَللّٰهُمَّ

از او نورهای پیشوایان و فرو فرستادی در پیش او پرده نبوت را

صَلِّ عَلَيْهَا تَزِيدُ فِي مَحَلِّهَا عِنْدَكَ وَشَرَفِهَا لَدَيْكَ

رحمت فرست بر او رحمتی که بیفزاید در مرتبه او نزد و شرافت او نزد تو

وَمَنْزِلَتِهَا مِنْ رِضَاكَ وَبَلِّغْهَا مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا

و منزلت او از خشنودی تو و برسان او را از ما درود و سلام

وَاٰتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي حُبِّهَا فَضْلًا وَاِحْسَانًا وَرَحْمَةً

و بده ما را از نزد خود در دوستی او بخشش و نیکوئی و رحمت بسیار

وَغُفْرَانًا اِنَّكَ ذُو الْعَفْوِ الْكَرِيمِ و سید ابن طاوس علیه الرحمه

و آمرزش بدرستیکه تو خداوند در گذشتی بزرگ

گفته است پس نماز زهرا را بکن و اگر توانی نماز الحضره را بجا آور و آن دو رکعت است در هر دو رکعت بعد از فاتحه شصت مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و اگر نتوانی دو رکعت بکنی و در رکعت اول بعد از حمد یک مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخواند و بعد از نماز تسبیح الحضره را بگو و این دعا را اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ بخوان

خداوندا بدرستیکه من رو میکنم بسوی تو بوسیله پیغمبر ما محمد و

اَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ وَاَسْئَلُكَ الْعَظِيمِ

بوسیله خانواده او و رحمت های تو بر ایشان و سؤال میکنم از تو بحق بزرگ



عَلَيْهِمُ الَّذِى لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ

براستی آن الشخصی که نمیدانند پایان آن را غیر تو و سؤال میکنم از تو بحق آنکه

مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ وَبِاَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّذِى

حق او نزد تو بزرگ است و بحرمت نامهای تو که نیک است آن

اَمَرْتَنِى اَنْ اَدْعُوكَ بِهَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ

و امر کردی مرا که بخوانم ترا بآنها و سؤال میکنم ترا بحرمت نام بزرگ تو

الَّذِى اَمَرْتَ بِهِ اِبْرٰهِيمَ اَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَاَجَابَتْهُ

آن نامیکه امر کردی بآن ابراهیم را آنکه بخواند بآن مرغ را پس اجابت کردند مرغ او

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِى قُلْتَ لِلنَّارِ كُونِى

و سؤال میکنم ترا بحرمت نام بزرگ تو آن نامیکه گفتی مر آتش را آن باشی

بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى اِبْرٰهِيمَ فَكَانَتْ وَبِاَحَبِّ الْاَسْمَاءِ

سرد و سلامت بر ابراهیم پس گشت چنان و بدوست ترین نامها

اِلَيْكَ وَاَشْرَفِهَا وَاَعْظَمِهَا لَدَيْكَ ثَوَابًا وَاَسْرَعِهَا

بسوی تو و بلند مرتبه ترین آنها و بزرگترین آنها نزد تو پاداش و شتابنده ترین

اِجَابَةً وَاَنْجَحِهَا طَلِبَةً وَبِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ

آنها باجابت کردن و درواکننده ترین آنها حاجت را و بحرمت آنکه تو سزاوار آنی

وَمُسْتَوْجِبُهُ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ وَ

و مستحق آن و توسل میجویم بسوی تو و خواهش می کنم بسوی تو و

اَتَضَرَّعُ وَاُلِحُّ عَلَيْكَ وَاَسْئَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتِى اَنْزَلْتَهَا

و زاری میکنم و مبالغه میکنم بر سؤال از تو و بحرمت کتابهای تو که فرستادی

علی

علی انبیائک و رسلک صلواتک علیهم من التوریة

بر پیغمبران خود و فرستادگان خود رحمتهای تو بر ایشان مانند توریة

والانجیل والزبور والقرآن العظیم فان فیها اسمک

و انجیل و زبور و قرآن بزرگ زیرا که بتحقیق هست در اینها نام

الاعظم وبما فیها من اسمائک العظمی ان تصلی

بزرگتر تو و بحرمت آنچه در اینهاست از نامهای بزرگ تو آنکه رحمت بفرستی

علی محمد وآل محمد وان تفرج عن آل محمد وشیعتهم

بر محمد و آل محمد و آنکه زایل کنی همه غمها را از آل محمد و پیروان

ومحبیهم وعنی وتفتح ابواب السماء لدعائی وترفعه

و دوستان ایشان و از من و بگشائی درهای آسمان را برای خواندن من و بلند گردانی

فی علیین وتاذن فی هذا الیوم وفی هذه الساعة

دعای مرا در علیین و دستوری دهی در این روز و در این ساعت

بفرجی واعطائی املی وسؤلی فی الدنیا والآخرة یا من

گشایش من و بخشیدن آرزوی من و سؤال من در اینجهان و آنجهان ای آنکه

لا یعلم احد کیف هو وقدرته الا هو یا من سد

نداند هیچکس حقیقت او و قدرت او را مگر او ای آنکه باز داشته هوا را

الهواء بالسماء وکبس الارض علی الماء واختار

هوا را باسمان و برافراشته زمین را بر آب و برگزیده برای

لنفسه احسن الاسماء یا من سمی نفسه بالاسم

ذات خود نیکوترین نامها را ای آنکه نامیده ذات خود را بنامی که



الذی تقضی به حاجة من یدعوه أسئلک بحق ذلک

که بر آورده میشود بآن حاجت هرکه بخواند روا درخواهم از تو بحق آن نام

الاسم فلا شفیع أقوى لی منه أن تصلی علی محمد

پس نیست درخواست کننده تواناتر برای من از آن اینکه رحمت بفرستی بر محمد

وآل محمد وتقضی لی حوائجی بحق محمد وعلی وفاطمة

وآل محمد وروا کنی برای من حاجتهای مرا بحق محمد و علی و فاطمه

والحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی و

وحسن وحسین وعلی پسر حسین ومحمد پسر علی و

جعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلی بن موسى ومحمد بن

جعفر پسر محمد وموسی پسر جعفر وعلی پسر موسی ومحمد پسر

علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والحجة المنتظر لامرک

علی وعلی پسر محمد وحسن پسر علی وآن حجتی که انتظار دارنده

صلواتک وسلامک ورحمتک وبرکاتک علیهم

رحمتهای تو ودرود تو وبخشایش تو وبرکتهای تو بر ایشان

صوتی لیشفعوا الی الیک وتشفعهم فی ولا تردنی

با صدای مرا تا اینکه درخواست کنند برای من بسوی تو وبپذیری شفاعت ایشان را در حق

خائبا بحق لا اله الا انت پس حاجتهای خود را

ناامید بحق کلمه لا اله الا انت طلب کن که بر آورده شود

باب دهم در اعمال ماهها [illegible] آنکه در وقت

د

دیدن ماه نو [illegible] در شب اول خواه دویم وخواه سیم مستحب
است که دعاهای [illegible] اول را بخواند وبهترین انها دعای
هلال صحیفهٔ کامله است که دعای چهل وسیم است وهفت
مرتبه سورهٔ حمد خواند برای دفع درد چشم واندک سبزه خوردن
گفته اند مستحب است واز حضرت صادق منقولست که نیکو
لقمه ایست سبزه‌ها تا شیرین وخوشبو میکند واشتهای طعام
می‌آورد وباعث هضم طعام میشود وهرکه در اول ماه بخورد
[illegible] حاجت روا می شود واز حضرت صادق منقولست که هرکه
در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند ودر هر رکعت بعد از
فاتحه سورهٔ انعام بخواند واز حقتعالی سؤال کند که او را
از هرترسی ودردی ایمن گرداند نه بیند در ان ماه امری
را که مکروه او باشد واز حضرت امام محمد تقی منقولست
که چون ماه تازه در اید در [illegible] اول ماه دو رکعت
نماز بکن ودر رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ
قل هو الله احد بخوان ودر رکعت دوم بعد از حمد سی
مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوان وبعد از نماز تصدق بکن
چون چنین کنی سلامتی این ماه را از حقتعالی خریده
ودر روایت دیگر وارد شده است که مستحبست که بعد
ازین دو رکعت این دعا را بخواند بهذا الدعا



بسم الله الرحمن الرحيم وما من دابة في الارض الا على الله

بنام خدای بخشنده مهربان و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر آنکه بر خداست

رزقها ويعلم مستقرها ومستودعها كل في كتاب مبين

روزی آن و میداند قرارگاه در حیات و آرامگاه آن را بعد از ممات و همه آنها

بسم الله الرحمن الرحيم وان يمسسك الله بضر فلا كاشف له

بنام خداوند بخشنده مهربان و اگر برساند ترا خدای آزاری و زیانی پس نیست دفع کننده

الا هو وان يردك بخير فلا راد لفضله يصيب به من

مر آن را بجز او و اگر خواهد بتو صحت و غنا پس نیست هیچ برگرداننده فضل ویرا میرساند

يشاء من عباده وهو الغفور الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

فضل خود را بهر که خواهد از بندگان خود و اوست آمرزنده مهربان بنام خدای بخشنده مهربان

سيجعل الله بعد عسر يسرا ما شاء الله لا قوة الا

زود باشد که پدید کند خدا بعد از دشواری آسانی آنچه خواسته خدا میشود نیست توانائی مگر

بالله حسبنا الله ونعم الوكيل وافوض امري الى الله

بخدا بس است ما را خدا و خوب کارگذاریست و باز میگذارم من کار خود سوی خدا

ان الله بصير بالعباد لا اله الا انت سبحانك اني

بدرستی خدا بیناست بر بندگان نیست خدای پرستش مگر تو پاکی تو بدرستی که من

كنت من الظالمين رب اني لما انزلت الي من خير

استم از ستمکاران پروردگارا من بدانچه فرستی بسوی من از نیکوئی

فقير رب لا تذرني فردا وانت خير الوارثين

محتاجم ای پروردگار من وامگذار مرا بی فرزند و تو بهترین وارثانی

از جمله

از جمله سنتهای مؤکد که حضرت رسول بر آن مواظبت
نمود تا از دنیا رفت روزه سه روز در هر ماه هست و آن
موافق مشهور پنج شنبه اول ماه و پنج شنبه آخر ماه و چهار
شنبه اول از دهه میان ماه است و در بعضی از روا
یات عکس این نیز وارد شده است اعنی چهار شنبه
اول ماه و پنج شنبه آخر و پنجشنبه اول از دهه میان
و اول اشهر و بهتر است و سنن الحضرت تالی واجبات
در فضیلت و تاکید و آن حضرت نماز سنت را در هر شب
و روز دو برابر نماز واجب مقرر فرموده هشت رکعت
نافله پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز
عصر و چهار رکعت بعد از نماز شام و دو رکعت و تیره
بعد از نماز خفتن و چون نشسته کرده میشود برابر
یک رکعت است و یازده رکعت نماز شب و دو رکعت
پیش از نماز صبح و اینها متمم فریضه اند و در ثواب
و تاکید مثل اند و مانند فریضه اگر ترک کند سنت
است که قضا کند و از برای ترک آن کفاره یک مد
از گندم یا جو برای نافله روز و یک مد از برای نافله
شب مقرر کرده اند و همچنین روزه سنت دو برابر
روزه واجبست که تمام ماه شعبان است و دو ماه



ودو ماه دیگر هر ماه سه روز و اگر فوت شود سنت است که
قضا کند و اگر در تابستان دشوار باشد سنت است
که در زمستان قضا کند و اگر دشوار باشد بدل هر روزی
یک درهم بدهند که بحساب زر ده دانگی سه بیستی و سه
تار باشد و بحساب زرهای ناقص این زمان احوط چهار
ده غاز یکی است یا یک مد گندم که بحساب وسط صد و ده
بوزن قدیم صفاهان باشد و اگر صد درم شاه بدهند احوط
است و درهم دادن بهتر است و بسند صحیح از حضرت
صادق ع از حضرت منقولست که حضرت رسول مدتی
مدتی روزه میداشت نقدر گرفت که مردم گمان کردند
که هرگز افطار نخواهد کرد و مدتی افطار کرد که گمان کردند
که دیگر روزه سنت نخواهد گرفت پس مدتی روزه حضرت
داود ع گرفت که یک روز روزه میداشت و یک روز افطار می
فرمود پس در آخر عمر اکتفا بروزه سه روز هر ماه نمود
که گذشت تا آنکه بر امت آسان باشد متابعت آن حضرت
و فرمود که این روزه ثوابش برابر است با روزه تمام سال
و وساوس شیطان را از سینه برطرف میکند راوی گفت که
کدام روزهاست فرمود که پنج شنبه اول و چهارشنبه
اول دهه دویم و پنج شنبه آخر پرسید که چرا این روزها



روزه میداوند فرمود برای انکه عذاب بر امتهای سابق
در اینروزها نازل میشده است پس امر کرد که در اینروزها
روزه بدارند برای دفع عذاب و در روایتی فرمود که پنج
شنبه را برای اینروزه میدارند که اعمال بندگان در
اینروز بر خدا عرض میکنند و چهار شنبه میان را برای
روزه میدارند که اتش جهنم در روز چهارشنبه خلق
شده است و بروایت دیگر هر عذاب که بر امتهای
گذشته نازل شده است در چهارشنبه میان ماه
نازل شده است و اگر در دهه اول دو پنجشنبه بود
باشد پنجشنبه اول را گرفتن بهتر است و اگر میسر نشود
پنجشنبه دوم را بگیرند و اگر در دهه اخر دو پنجشنبه
بوده باشد موافق مشهور پنجشنبه دوم افضل است
چنانکه در حدیث صحیح وارد شده است و بروایتی
دیگر وارد شده است که پنج اول بهتر است و بعضی
حمل کرده اند که بر صورتی که محتمل باشد که پنجشنبه
دوم اول ماه دیگر باشد و بسند صحیح از حضرت صادق
منقولست که هرکه در هر ماه این سه روز را روزه دارد
باید که با هیچکس مجادله نکند و سفاهت و تندخویی و بی
خودی نکند و مبادرت نکند بسوگند خوردن بخدا



واگر کسی با او سفاهت وبیخردی کند درگذرد ومعارضه
نکند واگر در این ایام روزه باشد وبخانهٔ برادر مؤمن
وارد شود واورا تکلیف کند افطار کردن بهتر است
از روزه داشتن بهفتاد برابر یا نود برابر چنانچه در حدیث
معتبر از حضرت صادق ع منقولست ودر حدیث دیگر فرمود
که هرکه داخل شود بخانهٔ برادر مؤمن وروزه باشد و
اظهار نکند که من روزه ام که بر او منت گذارد حق تعالی
ثواب روزهٔ یکساله برای او بنویسد واگر این سه روز را
در اول ماه یا میان ماه یا آخر ماه بعمل آورد خوبست وفی
الجمله متابعت سنت کرده است وثواب روزه سال یافته باشد
چنانچه حقتعالی فرموده مَن جاءَ بِالحَسَنَةِ فَلَهُ عَشرُ امثالِها
یعنی هرکه حسنه بدرگاه خدا بیاورد برای او هست ده برابر
آن واین مضمون در احادیث بسیار وارد شده است اما
بهتر آنست که بنحوی باشد که اول مذکور شد واز جملهٔ روز
های هرماه ایام البیض است یعنی سیزدهم وچهاردهم وپانزدهم
ماه واحادیث این سه روز از طریق عامه وخاصه منقولست و
در بعضی روایات وارد شده است که چون حضرت آدم
مرتکب آن امر مکروه شد در بهشت واورا بزمین فرستادند
بدنش سیاه بود یا بعد از قبول توبه بخط سیاهی از سر تا پای

او ماند



او مانده بود چون ملائکه اینحالت را در آن دیدند خروش
بر آوردند و گریستند و استغاثه کردند بدرگاه حق تعالی
پس منادی از آسمان ندا کرد که امروز را روزه بدار
و آن روز سیزدهم ماه بود و چون روزه داشت ثلث آن
سیاهی برطرف شد پس در روز چهاردهم ندا رسید که امروز
را نیز روزه بدار چون روزه داشت یک ثلث دیگر برطرف
شد پس در روز پانزدهم باز باو ندا رسید چون روزه
داشت تمام سیاهی برطرف شد پس باو ندا رسید از
آسمان که ای آدم روزهٔ این سه روز را برای تو و فرز
ندان تو مقرر کردم که هر که در هر ماه این سه روز را نیز
بدارد چنان باشد که در تمام عمر خود روزه باشد و ابن
بابویه گفته است که روزهٔ دو پنجشنبه و چهارشنبه
بدل ایام البیض مقرر شده و منافات ندارد که هر دو سنت
باشد و دو پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میان بطریق اسند
اما اکثر احادیث ایام البیض از طرق عامه است و ابن
طاوس علیه الرحمه از حضرت رسول ص روایت کرده است که
جبرئیل ع امین نازل شد و گفت بگو بعلی ص که روزه بدارد
از هر ماه سه روز تا نوشته شود برای تو بسبب روز اول
روزه ده هزار سال و بر روزهٔ روز دوم سی هزار سال



حضرت امیر گفت یا رسول الله این مخصوص منست یا برای
همه کس است حضرت فرمود که هر که از شیعیان تو این روزها را
روزه بدارد این ثواب برای او خواهد بود گفت کدام روز
ها است از ماه فرمود که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است
و از جمله روزهاء مرغوب روزه روز چهارشنبه و پنج
شنبه و جمعه است برای کسی که حاجتی داشته باشد
چنانچه در ربیع الاسابیع در بحث نمازهای حاجت ذکر کردم
و مشهور میان علما آنست که هر پنجشنبه و هر جمعه را روزه
گرفتن سنتست مگر آنکه موافق یکی از ایام محرمه یا مکروهه
واقع شود و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که کسی که
اراده عمل خیری داشته باشد مانند تصدق کردن و روزه
داشتن و مثل اینها باید که در روز جمعه بعمل آورد زیرا که
ثواب عمل در روز جمعه مضاعف است و ابن جنید رحمه الله
گفته است که مستحب نیست روز جمعه را تنها روزه گرفتن
و اگر ملحق سازد بان یکروز پیش یا یک روز بعد را جایز است
و گفته است که استحباب روزه در روز دوشنبه و پنجشنبه
منسوخ است و روز شنبه نهی از آن وارد شده است
مؤلف گوید که اکثر آنچه ابن جنید گفته خلاف مشهور میان
علما است و شیخ طوسی علیه الرحمه در مصباح گفته است که

ترغیب



ترغیب در روزهٔ روز جمعه وارد نشده است و بهتر آنست
که او را تنها روزه ندارد مگر یک روز بیشتر روزه بدارد
و گمان فقیر آنست که نهی از تنها گرفتن روزهٔ روز جمعه
محمول بر تقیه است زیرا که سنیان این حدیث را از ابوهریره
نقل کرده اند و بعضی از علما نهی از روزهٔ جمعه را حمل کرده
اند بر آنکه کراهت آن در صورتیست که او را ضعیف
کند از فرایض و نوافل و دعاهای روز جمعه و این
حمل نیست و اما روز دوشنبه احادیث بر نهی از روزهٔ
آن واقع شده است و بهتر ترک است خصوصا هرگاه بقصد
برکت روز دوشنبه باشد مگر آنکه با روزی متبرکه از روزهای
ماه واقع شود مثل غدیر و مبعث و مولد و امثال اینها
و نهی از روزهٔ دوشنبه بنظر فقیر نرسیده اما فضیلتی هم برای
روزهٔ آن بخاطر ندارم مگر آنچه شیخ مفید روایت کرده
است که هر که در یکی از ماههای حرام یعنی رجب و ذی
القعده و ذی الحجه و محرم پنج شنبه و دوشنبه را روزه
بدارد حق تعالی برای او ثواب عبادت هفتصد سال بنویسد

باب یازدهم در بیان زیارات حضرت رسول خدا و ائمه
هدی صلوات الله علیهم است بغیر آنچه سابقا مذکور شد
بدانکه زیارت حضرت رسول خدا و ائمهٔ هدی صلوات الله



است در همهٔ اوقات از نزدیک و دور مستحب است
و اگر بعد از غسل افضل است خصوصا در شب و روز
جمعه و سایر ایام و لیالی متبرکه و در کتاب تحفة الزائر
بتفصیل ذکر کرده ام و در این مقام بذکر چند زیارة بعید
و زیارة جامعه و دعای ندبه و صلوات فرستادن بر ایشان
اکتفا می نمایم اما زیارة حضرة رسالت ص از حضرة رسول ص
منقولست که خدا را ملکی چند هست که میکردند در زمین
و هر که از امت من بر من سلام و صلوات میفرستند و بسند
معتبر از امام محمد باقر ع منقولست که ملکی از ملائکه
خدا سؤال نمود که هرچه بدرگاه خدا گوید او بشنود
و حقتعالی باو عطا کرد پس آن ملک ایستاده است تا
روز قیامت و هر که از مؤمنان بگوید صلی الله علی محمد
وآله وسلم البته آن ملک میگوید وعلیک یعنی
بر تو باد نیز سلام پس آن ملک میگوید یا رسول الله
فلان شخص سلام رسانیده است بر شما پس حضرت
میفرمایند و علیه السلام یعنی بر او باد سلام و بسند
معتبر از حضرة امیر المؤمنین منقولست که حضرة رسول ص
فرمود که هر که در هر جای زمین بر من سلام کند بمن میرسد
و هر که نزد قبر من بر من سلام کند من میشنوم و در حدیث



حسن

حسن از حضرمی منقولست که حضرت صادق ع مرا امر
فرمود که در مسجد رسول خدا بسیار نماز کنم تا توانم
و فرمود که همیشه نور امید میسر نمیشود که با تمکان
شریف بیائی و فرمود که نزد قبر رسول صلی الله علیه
و آله میروی گفتم بلی فرمود که بدرستی که سلامی از
نزدیک میکنی بآنحضرة میشنود و اگر دور باشی سلامت
بآنحضرت میرسد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت
منقولست که بروید بمدینه و سلام کنید بر رسول
خدا هرچند صلوات مومنان در هرجا که بفرستند
بآنحضرة میرسد و در حدیث صحیح از آنحضرة منقولست
که صلواة فرستید بر حضرة رسول در پهلوی قبر آنحضرة
هرچند صلواة مومنان هرجا که باشند بآنحضرت
میرسد و این حدیث احتمال تمام دارد که در
نزدیک و دور نماز کند و ثوابش را هدیه روح مقدس
آنحضرة کند و احادیث صلواة و سلام بر آنحضرت
و زیارة آنحضرة در شهرهای دور بسیار است و بسند
صحیح منقولست که ابن ابی نصر بخدمت حضرت
امام رضا ع عرض کرد که بعد از آنکه نماز چگونه صلواة
و سلام بر حضرة رسول باید فرستاد فرمود که میگوئی



اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ
سلام بر تو ای رسول خدا و بخشایش خدا و زیادتیهای او

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
سلام بر تو ای محمد پسر عبد الله سلام بر تو

يا خِيَرَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اللهِ اَلسَّلامُ
ای برگزیده خدا سلام بر تو ای دوست خدا سلام

عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَمِينَ اللهِ اَشْهَدُ
بر تو ای دوست خالص خدا سلام بر تو ای معتمد خدا گواهی میدهم

اَنَّكَ رَسُولُ اللهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ وَاَشْهَدُ
اینکه بتحقیق تو ئی رسول خدا و گواهی میدهم اینکه بتحقیق محمد پسر عبد الله و گواهی میدهم

اَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ
اینکه بتحقیق که تو پند دادی امت خود را و کارزار نمودی در راه پروردگار خود

وَعَبَدْتَهُ حَتّى اَتاكَ الْيَقِينُ فَجَزاكَ اللهُ يا رَسُولَ اللهِ
و پرستیدی او را تا اینکه آمد ترا مرگ پس پاداش دهد ترا خدا ای رسول خدا

اَفْضَلَ ما جَزى نَبِيًّا عَنْ اُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ
بهترین چیزی که پاداش که داده پیغمبر خود را از امت او خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اِبْرٰهِيمَ وَآلِ اِبْرٰهِيمَ
و آل محمد بهترین رحمتی که فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم

اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ و در روایت معتبر دیگر از حضرت
بدرستیکه تو ستوده بزرگی


صادق

صادق منقولست که هر که خواهد زیارة کند قبر حضرة
رسول و قبر حضرة امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین را
و قبرهای حجتهای خدا را صلوات الله علیهم اجمعین
و او در شهرهای خود باشد پس غسل کند در روز جمعه
و دو جامه پاکیزه بپوشد و بیرون رود بصحرائی پس چهار
رکعة نماز بگذارد با هر سوره که میسر شود و بایستد رو
بقبله اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَ
و بگوید سلام بر تو ای پیغمبر و رحمت خدا و
بَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِیُّ
برکتهای او سلام بر تو ای پیغمبر فرستاده شده و ای وصی
الْمُرْتَضی وَالسَّیِّدَةُ الزَّهْراءُ وَالسِّبْطانِ الْمُنْتَجَبانِ
پسندیده و ای خاتون درخشنده و ای دو فرزند زاده برگزیده پیغمبر
وَالْاَوْلادُ الْاَعْلامُ وَالْاُمَناءُ الْمُنْتَجَبُونَ جِئْتُ
و ای فرزندان آن پیغمبر که نشانهای هدایت و امانت داران برگزیدگانند آمدم
اِنْقِطاعاً اِلَیْکُمْ وَاِلی آبائِکُمْ وَوَلَدِکُمُ الْخَلَفِ عَلی
بریده از خلق بسوی شما و بسوی پدران شما و فرزند شما که جانشین شماست بر
بَرَکَةِ الْحَقِّ فَقَلْبی لَکُمْ مُسَلِّمٌ وَنُصْرَتی لَکُمْ مُعَدَّةٌ
برکت راستی پس دل من برای شما منقاد است و یاری من برای شما مهیاست تا
حَتّی یَحْکُمَ اللهُ لِدینِهِ فَمَعَکُمْ لا مَعَ عَدُوِّکُمْ اِنّی
آنکه حکم کند خدا برای دین خود پس هستم با شما و نه با دشمن شما بدرستیکه من



الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ لَا أُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً وَلَا

از آنانم که قایلند بفضیلت شما اقرار دارنده ام بباز گشت شما انکار نمیکنم برای خدا قدرت را

أَزْعَمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللّٰهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ

و اعتقاد نمیکنم مگر آنچه را که خواسته خدا پاکست خدا خداوند سلطنت و پادشاهی

يُسَبِّحُ اللّٰهَ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ

تسبیح می کند خدا را بنامهای او همه خلق او و سلام بر جانهای شما

وَأَجْسَادِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

و بدنهای شما و سلام بر شما و رحمت خدا و برکتهای او

و در روایت دیگر وارد است که این زیارت را در بام خانهٔ خود بکن و زیارت حضرت فاطمه سابقا مذکور شد و اما زیارت حضرت امام حسین ع بسندهای معتبر از سدیر صراف منقولست که گفت حضرت صادق ع بمن فرمود که چه مانع است ترا از اینکه زیارت قبر امام حسین را در هر هفته پنج مرتبه یا در هر روزی یک مرتبه کنم گفتم فدای تو شوم میان من و آن حضرت فرسخهای بسیار است فرمود که بالا میروی ببام خانهٔ خود پس ملتفت میشوی بجانب راست و چپ خود پس سر خود را بجانب آسمان بلند میکنی پس رو بجانب قبر امام حسین میگردانی و میگوئی السلام علیک

يَا أَبَا عَبْدِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ

سلام بر تو باد



رسول الله

يا بن رسول الله السلام عليك ورحمة الله وبركاته

ای پسر رسول خدا سلام بر تو ورحمتهای خدا وبرکاتش بر تو باد

تا نوشته شود برای تو ثواب حجی وعمره سد بر کفت که
که بسیار است که من در روزی زیاده از بیست مرتبه
چنین زیارة میکنم وبسند صحیح از آن حضرة منقول است
کسی که ناحیه اش بعید وخانه اش دور باشد از ما پس بر بالا
رود ببام خانهٔ خود ودو رکعت نماز بگذارد واشاره کند
بسلام بسوی قبرهای ما که آن سلام بما میرسد ودر حدیث
معتبر منقول است از سلیمان بن عیسی که گفت پدرم عرض کرد
بخدمت حضرة صادق که چگونه ترا زیارة کنم هرگاه قادر
بر آمدن بخدمت تو نباشم فرمود که ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن
نباشی چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالا رو
ببام خانهٔ خود ودو رکعت نماز بکن ومتوجه بسوی من بدرستی
که هر که مرا زیارة کند در حیوة من چنانست که مرا زیارة کرده است
بعد از موت من وکسی که مرا زیارة کند بعد از موت من چنانست
که مرا زیارة کرده است بعد از موت من وکسی که مرا زیارت کند
بعد از موت چنانست که مرا زیارة کرده باشد در حیوة من
مؤلف گوید که این حدیث دلالت می کند بر اینکه در این زمان
حضرت صاحب الامر را در همه موضعی زیارة توان کردن



واگر رو ببام کند در وقت زیارت بهتر است و بعضی از ز
یارات مخصوصه آن حضرت مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی
و در حدیث معتبر دیگر مرویست که حضرت صادق ع بسدیر
فرمود که بسیار زیارت میکنی قبر حسین بن علی علیه السلم را گفت
از بسیاری شغل مرا مقدور نمی شود گفت که میخواهی ترا
چیزی تعلیم نمایم که هر گاه بکنی از برای تو ثواب زیارت
آنحضرت نوشته شود گفت بلی فدای تو شوم فرمود که غسل
بکن در خانه خود بالا رو ببام خانه خود و اشاره کن بجانب
آن حضرت بسلام کردن تا نوشته شود برای تو ثواب زیا
و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حنان بن سدیر رفت
بخدمت حضرت صادق ع و نزد آنحضرت جماعتی از اصحاب او
بودند پس فرمود که ای حنان زیارت امام حسین ع میکنی هر ماه
یکمرتبه گفت نه فرمود که هر دو ماه یکمرتبه گفت نه فرمود
که هر سال یک مرتبه گفت نه فرمود که چه بسیار جفا
کارید نسبت با آقای خود گفت یابن رسول الله مانع من
بی توشه و دوری مسافت است فرمود که میخواهی که
شما را دلالت کنم بزیارتی که مقبول باشد هر چند که
دور باشد گفت چگونه زیارت کنم یابن رسول الله فرمود
که غسل بکن در روز جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش

پاکیزه



پاکیزه‌ترین جامهای خودرا وبالا رو بر بلندترین بامها
خانهٔ خود یا برو بصحرائی و رو بجانب قبر کن وبگو اینرا

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ وَسَیِّدی وَابْنَ
سلام بر تو ای صاحب اختیار من و فرزند صاحب اختیار من وای آقای من وپسر

سَیِّدی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا قَتیلُ ابْنَ الْقَتیلِ
آقای من سلام بر تو ای آقای من ای مقتول فرزند مقتول

الشَّهیدَ ابْنَ الشَّهیدِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ
ای شهید پسر شهید سلام بر تو ورحمت خدا وبرکتهای او

اَنَا زائِرُکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ بِقَلْبی وَلِسانی وَجَوارِحی
من زیارت کننده‌ام ای فرزند رسول خدا بدل خود وزبان خود واعضای خود

وَاِنْ لَمْ اَزُرْکَ بِنَفْسی وَالْمُشاهَدَةِ لِقُبَّتِکَ فَعَلَیْکَ
واگرچه زیارت نکنم ترا بتنکه نزدیک شوم وبچشم گنبد وبارگاه ترا پس بر تو باد

اَلسَّلامُ یا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ وَوارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللهِ
سلام ای وارث آدم برگزیده خدا وای وارث نوح پیغمبر خدا

وَوارِثَ اِبْراهیمَ خَلیلِ اللهِ وَوارِثَ مُوسی کَلیمِ اللهِ
وای وارث ابراهیم دوست خدا وای وارث موسی سخن گوی خدا

وَوارِثَ عیسی رُوحِ اللهِ وَکَلِمَتِهِ وَوارِثَ مُحَمَّدٍ
وای وارث عیسی روح خدا وکلمهٔ او وای وارث محمد

حَبیبِ اللهِ وَنَبِیِّهِ وَرَسُولِهِ وَوارِثَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ
دوست خدا وپیغمبر او وفرستاده او وای وارث علی پادشاه مؤمنان



ووصيّ رسول الله وخليفته ووارث حسن بن علي

ووصی رسول خدا وجانشین او ووارث حسن پسر علی

وصي امير المؤمنين لعن الله قاتليك وجدّد عليهم

وصی پادشاه گروندگان لعنت کند خدا کشندگان ترا وتازه کند برایشان

العذاب في هذه الساعة وفي كل ساعة انا يا سيّدي

عذاب را دراین ساعت ودراین هر ساعتی من ای آقای من

متقرّبا الى الله جلّ وعزّ والى جدّك رسول الله و

نزدیکی جوینده ام بسوی خدا بزرگوارست او وغالب وبسوی جد تو رسول خدا و

الى ابيك امير المؤمنين والى اخيك الحسن واليك

بسوی پدر تو پادشاه گروندگان وبسوی برادر تو حسن وبسوی تو

يا مولاي عليك سلام الله ورحمته وبركاته بزيارتي

ای مالک من بر تو باد سلام خدا ورحمت او وبرکتهای او بزیارتی

لك بقلبي ولساني وجميع جوارحي فكن يا سيّدي

ترا بدل خود وبزبان وبهمه اعضای خود پس باش ای بزرگ من

شفيعي لقبول ذلك منّي وانا بالبراءة من اعدائك

درخواست کننده من برای پذیرفتن آن از من ومن به بیزاری جستن از دشمنان

واللعنة لهم وعليهم اتقرّب الى الله واليكم

ولعنت کردن بجهت ایشان وبر ایشان نزدیکی جویم بسوی خدا وبسوی شما

اجمعين فعليك صلوات الله ورضوانه ورحمته

همگی پس بر تو باد رحمتهای خدا وخشنودی او وبخشش او

پس اذن کی

پس اندکی میگردی بجانب چپ خود و میگردانی روی بسوی
قبر علی ابن الحسین که او نزد پای پدر خود مدفون است
و سلام میکنی برا و مثل این سلام پس دعا میکنی و میطلبی
حاجتهای دنیا و آخرة خود را پس چهار رکعت نماز میکنی که
که نماز زیارة هشت رکعت است یا چهار رکعت یا دو
رکعت و بهترش هشت رکعت است پس رو میکنی
بجانب قبر امام انا مودعك یا مولای و ابن مولای
حسین ع و میگوئی
من وداع کننده ام ترا ای صاحب اختیار من و پسر صاحب اختیار من
و سیدی و ابن سیدی یا علی بن الحسین و مودعکم
و ای آقای من و پسر آقای من ای علی پسر حسین و وداع کننده ام شما را
یا سادتی یا معشر الشهداء فعلیکم و سلام الله و
ای آقای من ای گروه شهیدان پس بر شما باد سلام خدا
رحمته و برکاته و رضوانه مؤلف گوید گوید که چون
رحمت ایشان و برکتهای او و خشنودی او
اینحدیث تشویش و اضطرابی
دارد بهتر آنست که همین زیارة را با وداع چنانچه رو
بقبر شریف میخواند رو بقبله نیز بکند تا آنکه بهمه احتمالات
عمل کرده باشد و در زیارة حضرة علی ابن الحسین ع بجای
یا وارث یا ابن وارث بخواند یا از وارث قصد امامت
وخلافت نکند زیرا که انحضرة امام نبوده است و بدانکه



اینحدیث دلالت میکند براینکه از دور که زیارة کند
نماز زیارة را بعد از زیارة باید بکند واحادیث بیش
دلالت کرد براینکه پیش باید بکند و دور نیست که مخیر
باشند واگر این زیارة را کنند بهمین نحو که وارد شده
بکنند واز این احادیث معلوم میشود که غسل از برای
زیارة بعید مستحبست واز بعضی هم مفهوم شد که بی
غسل میتوان کرد واز بعضی عموما مفهوم میشود که بهر
حالی توان کرد چنانچه اکثر علما گفته اند واگر در بام
خانه یا صحرا واقع شود احوط واولیست ودر حدیث
معتبر از حسین ابن ثویر منقولست که بحضرة صادق عرض
کرد که من بسیار حضرة امام حسین را یاد میکنم در آنوقت
چه بگویم فرمود که سه مرتبه بگو صلی الله علیک یا
ابا عبد الله که زیارة میتوان کرد ائمه علیهم السلام را
از دور چنانچه از نزدیک ایشانرا زیارة میکنند اما در جای
که اتیتک زائرا نگوید بلکه بگوید قصدتک بقلبی
زائرا ان عجزت عن حضور مشهدک ووجهت الیک

زیارت کننده زیرا که عاجز بودم از حاضر شدن مشهد ترا ودرو آوردم بسوی تو

سلامی لعلمی انه یبلغک صلی الله علیک فاشفع

بدرود فرستادن کردم بجهة علم داشتن من که آن سلام میرسد بتو رحمت فرستد خدا بر تو

عند



عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ و دعا کن آنچه خواهی و بعضی از

نزد پروردگارت که بزرگوارست و غالب

اکابر علما روایت کرده است از ابو
الحسن فارسی که من بسیار بزیارت امام حسین ع میرفتم پس
چندی بسبب پیری و کمی مال توفیق زیارت آنحضرت
نیافتم پس شبی حضرت رسول ص و آله را در خواب دیدم که
امام حسن و امام حسین ع در خدمت آنحضرت بودند چون من
نزدیک ایشان رسیدم امام حسین گفت یا رسول الله این
مرد مرا بسیار زیارت میکرد و اکنون ترک کرده است حضرت
رسول متوجه من گردید و فرمود که آیا ترک زیارت مثل حسین
میتوان کرد گفتم یا رسول الله قلت مال و پیری مرا مانع این سعادت
گردیده است حضرت فرمود که هر شب بر بام خانه خود رو و با
انگشت شهادت بسوی قبر آنحضرت اشاره کن و بگو اَلسَّلامُ

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ جَدِّكَ وَاَبِيكَ اَلسَّلامُ

سلام
بر تو و بر جدّ تو و پدر تو سلام

عَلَيْكَ وَعَلَىٰ جَدِّكَ وَاَبِيكَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ اُمِّكَ

بر تو و بر جدّ تو سلام بر تو باد و بر مادر تو

وَاَخِيكَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْاَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ اَلسَّلامُ

و برادر تو سلام بر تو باد و بر پیشوایان از فرزندان تو سلام

عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الدَّمْعَةِ السَّاكِبَةِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ

بر تو باد ای صاحب سرشک روان سلام بر تو باد ای صاحب



الدمعة الساكبة السلام علیك یا صاحب المصیبة الراتبة

سرشك روان سلام بر تو ای صاحب مصیبت ثابت هر آینه

لقد اصبح کتاب الله فیك مهجورا ورسول الله فیك

بحقیقت گشته کتاب خدا در حق تو فرو گذاشته شده ورسول خدا در باره تو

موتورا السلام علیك ورحمة الله وبرکاته السلم علی انصار

چون وا گذاشته شده سلام بر تو ونیکیش خدا وزیادتیهای سلام بر یاوران

الله وخلفائه السلام علی امناء الله واحبائه السلم

خدا وخلیفهای او سلام بر امانت داران خدا ودوستان او سلام

علی محال معرفة الله ومعادن حکمة الله وحفظة سر الله

بر جاهای شناخت خدا ومعدنگاههای حکمت وعلم خدا وضبط کنندگان راز خدا

وحملة کتاب الله واوصیاء نبی الله وذریة رسول الله

وبردارندگان کتاب خدا ووصیتهای پیغمبر خدا وفرزندان رسول خدا

ورحمة الله وبرکاته پس هر حاجت که خواهی از خدا سؤال کن

ورحمت فرستد خدا وبرکتهای او

پس اگر چنین کنی زیارة تو از دور ونزدیك هر دو مقبول است واما زیارة سایر ائمه از نزدیك ودور از همه بهتر ایضا زیارة جامعه است که ابن بابویه ودیگران بسند معتبر روایت کرده اند که شخصی از حضرة امام علی نقی ع سؤال نمود که ای فرزند رسول خدا بمن تعلیم نما سخن بلیغ کاملی که آنرا بخوانم هر گاه که زیارة کنم یکی از شما را فرمود که چون بدرگاه برسی بایست وبگو



أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ

گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش بغیر از خدا حال آنکه یگانه است نیست شریکی برای او و گواهی

أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ و باید که با غسل باشی پس چون

اینکه محمد بنده و فرستاده اوست داخل شوی و قبر را به بینی بایست

وسه مرتبه الله اکبر بگو پس راه برو و با آرام دل و آرام تن

وگام ها را نزدیک بیکدیگر از پس بایست وسی مرتبه الله

اکبر بگو پس نزدیک قبر برو و چهل مرتبه الله اکبر بگو که صد مرتبه

تکبیر تمام شود السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ

پس بگو سلام بر شما باد ای اهل خانه پیغمبری و محل

الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ

پیغامهای الهی و محل آمدن و رفتن فرشتگان و جای فرود آمدن وحی خدا

وَخُزَّانَ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ وَأُصُولَ الْكَرَمِ وَقَادَةَ الْأُمَمِ

و خزینه داران علم الهی و صاحبان نهایت بردباری و ریشه کرمهای خدا و کشندگان

وَأَوْلِيَاءَ النِّعَمِ وَعَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ وَدَعَائِمَ الْأَخْيَارِ

بسوی راه حق و کسانی که جمیع نعمتهای خدا و اصل جمیع نیکوکاران و ستون نیکان

وَسَاسَةَ الْعِبَادِ وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ

و تادیب کنندگان جمیع بندگان و موجب بقای همه شهرهای دنیا و درهای ایمان

وَأُمَنَاءَ الرَّحْمٰنِ وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ

و امینان خداوند مهربان و فرزندان پیغمبران و برگزیده پیغمبران علیهم السلام



وَعِتْرَةِ خِيَرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ
و خویش و فرزندان برگزیده پروردگار عالمیان و بر شما باد رحمت خدا و برکتهای او سلام
عَلَى اَئِمَّةِ الْهُدَى وَمَصَابِيحِ الدُّجَى وَاَعْلَامِ التُّقَى وَ
بر پیشوایان راه هدایت و چراغهای تاریکیهای جهالت و نشانهای راه پرهیزگاری
ذَوِي النُّهَى وَاُولِي الْحِجَى وَكَهْفِ الْوَرَى وَوَرَثَةِ
صاحبان عقل و ارباب زیرکی و پناه همه خلایق و وارثان جمیع
الْاَنْبِيَاءِ وَالْمَثَلِ الْاَعْلَى وَالدَّعْوَةِ الْحُسْنَى وَحُجَجِ اللّٰهِ
پیغمبران و مثل بلند خدا و دعای نیکو و حجتهای خدا
عَلَى اَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْاُولَى وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ
بر اهل دنیا و بر پسینان و بر پیشینان از نعمتهای گذشته و بر ایشان
بَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ اِلَى اللّٰهِ وَالْاَدِلَّاءِ عَلَى مَرْضَاةِ
و نعمتهای خدا سلام بر خوانندگان خلق بسوی خدا و راه نمایان بر خشنودی
اللّٰهِ وَالْمُسْتَوْفِرِينَ فِي اَمْرِ اللّٰهِ وَالتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللّٰهِ وَ
خدا و قرارگاه یافتگان در خلافت خدا و کاملان در دوستی خدا و
الْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللّٰهِ وَالْمُظْهِرِينَ لِاَمْرِ اللّٰهِ وَنَهْيِهِ
خالص کنندگان خود در توحید خدا و ظاهر کنندگان امر خدا و نهی خدا
وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ وَهُمْ بِاَمْرِهِ
و بندگان گرامی خدا آنانکه پیشی نمی گیرند بر خدا بگفتار و بامر خدا
يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى اَئِمَّةِ الدُّعَاةِ
عمل مینمایند و بر ایشان باد رحمت خدا و برکتهای خدا سلام بر پیشوایان خوانندگان

والقادة



وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ وَالذَّادَةِ الْحُمَاةِ

و کشندگان براه حق و راه نمایان و بزرگواران و پادشاهان دین و دفع کنندگان

وَاَهْلِ الذِّكْرِ وَاُولِي الْاَمْرِ وَبَقِيَّةِ اللّٰهِ وَخِيَرَتِهِ وَحِزْبِهِ

و اهل علم و شرف و خداوندان و صاحبان امر امامت و بقیه دوستان خدا و برگزیدگان خدا

وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ

و صندوق علم خدا و حجت خدا و راه راست خدا و نور خدا و رحمتهای خدا و

بَرَكَاتُهُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

برکتهای خدا گواهی میدهم و نیست خدائی مگر خداوند یگانه که نیست شریک مر او را

كَمَا شَهِدَ اللّٰهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَاُولُوا

چنانچه گواهی داده است خدا از برای خود و گواهی داده اند از برای او فرشتگان و صاحبان

الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاَشْهَدُ اَنَّ

علم و دانایان از خلق او و نیست خداوندی بجز او و غالب است و حکیم و گواهی میدهم

مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضٰى اَرْسَلَهُ بِالْهُدٰى

اینکه محمد بنده و فرستاده برگزیده او و فرستاده اوست او را با هدایت

وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

و دین درست تا غالب گرداند او را بر همه دینها و هر چند نخواهند مشرکان

وَاَشْهَدُ اَنَّكُمُ الْاَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ

و گواهی میدهم اینکه شما پیشوایان مستقیمان براه حق و هدایت یافتگان

الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ

از گناه گرامی داشتگان نزد خدا پرهیزکاران راستگویان برگزیدگان



الْمُطِيعُونَ لِلّٰهِ قَوّامُونَ بِاَمْرِهِ الْعامِلُونَ بِاِرادَتِهِ

فرمان برداران مر خدای را وا دارندگان مردم بر راه راست بامر خدا عمل کنندگان

الْفائِزُونَ بِكَرامَتِهِ اصْطَفاكُمْ بِعِلْمِهِ وَارْتَضاكُمْ لِغَيْبِهِ

خدا رسیدگان بمراحم بیرون از حد خدا برگزیده است شما را برای علم خود و پسندیده شما را

وَاخْتارَكُمْ لِسِرِّهِ وَاجْتَباكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَاَعَزَّكُمْ بِهُداهُ وَ

و اختیار کرده شما را برای راز پنهان خود و برگزیده شده شما را بقدرت خود عزیز کرده

خَصَّكُمْ بِبُرْهانِهِ وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَاَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ

و مخصوص کرده است شما را بمعجزات خود و برگزیده است شما را بنور خود و قوة بخشیده شما را

خُلَفاءَ فِي اَرْضِهِ وَحُجَجاً عَلىٰ بَرِيَّتِهِ وَاَنْصاراً لِدِينِهِ وَ

و پسندیده شما را خلیفه‌های خود در زمین خود و حجتها را بر آفریدگان خود و یاران برای دین خود

حَفَظَةً لِسِرِّهِ وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِهِ وَتَراجِمَةً

نگاه دارندگان برای راز خود و خزینه داران برای علم خود و امانت داران برای حکمت خود و ترجمه

لِوَحْيِهِ وَاَرْكاناً لِتَوْحِيدِهِ وَشُهَداءَ عَلىٰ خَلْقِهِ وَاَعْلاماً

کنندگان برای وحی خود و روشنی بخشندگان خود و نشانه‌های برای یگانه پرستان خود و گواهان بر خلق

لِعِبادِهِ وَمَناراً فِي بِلادِهِ وَاَدِلّاءَ عَلىٰ صِراطِهِ عَصَمَكُمُ

هدایت برای بندگان خود و روشنی بخشندگان در شهرهای خود و راه نمایان بر راه دین خود نگاه دارد

اللّٰهُ مِنَ الزَّلَلِ وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ

خدا از لغزش و ایمن کرده است شما را از فتنه‌ها در دین و پاک کرده است شما را از چرک

اَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً فَعَظَّمْتُمْ جَلالَهُ

و دور کرده است از شما پلیدی و شبهه در دین را و پاک گردانیده شما را پاک کردنی پس



وَاَكْبَرْتُمْ

وَاَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَاَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ وَوَكَّدْتُمْ

و بزرگ کردید بار نگه کار اورا و عظیم نمودید بزرگواری اورا و دائم گردانیدید یاد اورا و محکم کردید

مِيثَاقَهُ وَاَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَ

پیمان اورا و محکم نمودید فرمان برداری اورا و خیرخواهی نمودید برای او در پنهان و

الْعَلَانِيَةِ وَدَعَوْتُمْ اِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

آشکار و خواندید مردم را بسوی راه راست و به حکمت و پند

الْحَسَنَةِ وَبَذَلْتُمْ اَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا

نیکو و در باختید جانهای خود در خشنودی او و شکیبائی نمودید بر آنچه

اَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ وَاَقَمْتُمُ الصَّلٰوةَ وَاَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ

بشما رسیده در راه قرب او و برپا داشتید نماز را و امر نمودید به نیک و

نَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتُمْ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى

نهی نمودید از بدی و جهاد نمودید در راه خدا چنانچه سزاوار جهاد بود

اَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَاَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَ

آشکار کردید دین اورا و بیان نمودید واجبات اورا و برپا داشتید حدهای اورا و

نَشَرْتُمْ شَرَائِعَ اَحْكَامِهِ وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ وَصِرْتُمْ فِي

پهن نمودید سبیل احکام اورا و ظاهر گردانیدید راههای اورا و گشتید در

ذٰلِكَ مِنْهُ اِلَى الرِّضَا وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَصَدَّقْتُمْ

جهاد از خدا بسوی خشنودی و نمودید برای خدا قضای اورا و تصدیق نمودید

مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى فَالرَّاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ

از پیغمبران خدا هرکه را که گذشت پس هرکه رغبت کند از شما بسوی دیگر از



لكم لاحق والمقصر في حقكم زاهق والحق معكم وفيكم
و هر که لازم گوید طریق شما باشد بشما ملحق شود و هر که کوتاهی در حق شما کند هلاک گردد و حق
ومنكم واليكم وانتم اهله ومعدنه وميراث النبوة
و از شماست و بازگشت بشماست و شمایید اهل حق و میراث پیغمبری
عندكم واياب الخلق اليكم وحسابهم عليكم وفصل
نزد شماست و بازگشت خلق در قیامت بسوی شماست و حساب ایشان بر شماست و جدا کننده
الخطاب عندكم وآيات الله لديكم وعزائمه فيكم و
حق و باطل نزد شماست و آیتهای خدا نزد شماست و امور لازمه خدا در شما
نوره وبرهانه عندكم وامره اليكم من والاكم فقد
نور خدا و برهان خدا نزد شماست و امر خدا بسوی شماست هر که دوستی شما کند پس بتحقیق
الله ومن عاداكم فقد عادى الله ومن احبكم فقد احب
خدا و هر که دشمنی کند بشما پس بتحقیق که دشمنی کرده با خدا و هر که دوست شما را پس بتحقیق دوست
ومن ابغضكم فقد ابغض الله ومن اعتصم بكم فقد
و هر که دشمن شما است پس بتحقیق دشمن خداست و هر که چنگ در متابعت شما زند پس بتحقیق
بالله انتم السبيل الاعظم والصراط الاقوم و
در متابعت خدا زده شمایید راه بزرگ خدا و راه راست خدا و گواهان
شهداء دار الفناء وشفعاء دار البقاء والرحمة
و گواهان خانه نیستی و شفیعان خانه پاینده ما آخرت و رحمت
الموصولة والآية المخزونة والامانة المحفوظة
پیوسته و علامت بزرگ خدا و خزینه نهاده و امانت خدا که ... حفظ

والباب



والباب المبتلی به الناس من اتیکم فقد نجی ومن لم
در گاهی که امتحان کرده آن مردم را هر که بیاید شما را پس تحقیق نجات یافت و هر که نیاید

یأتکم فقد هلک الی الله تدعون وعلیه تدلون و
بر نزد شما پس تحقیق هلاک شد بسوی خدا میخوانید و بر او دلالت می کنید و

تؤمنون وله تسلمون وبامره تعملون والی سبیله ترشدون
ایمان می آورید و از برای او منقاد می شوید و بامر او عمل میکنید و بسوی راه او ارشاد می کنید

وبقوله تحکمون سعد والله من والاکم وهلک من
و بگفته او حکم میکنید سعادتمند شد هر که با شما دوستی کرد و هلاک شد هر که با شما

عاداکم وخاب من جحدکم وذل من فارقکم وفاز
دشمنی کرد و نا امید شد هر که انکار شما کرد و گمراه شد از شما جدا شد و رستگار

من تمسک بکم وامن من لجأ الیکم وسلم من صدقکم
هر که چنگ زد بشما و ایمن شد هر که پناه آورد بسوی شما و سلامت ماند هر که تصدیق

وهدی من اعتصم بکم من اتبعکم فالجنة ماویه
و هدایت یافت هر که دست زد بشما هر که متابعت شما کرد پس بهشت جای اوست

وما خالفکم فالنار مثویه ومن جحدکم کافر ومن
و هر که مخالفت کرد شما را پس آتش جهنم جایگاه اوست و هر که باور ندارد شما را کافر است و

جحدکم کافر ومن حاربکم مشرک ومن رد علیکم فی اسفل درک
هر که باور ندارد شما را کافر است و هر که با شما جنگ کرد مشرک است و هر که رد کرد بر شما در پایین‌ترین

من الجحیم واشهد ان هذا سابق لکم فیما مضی و
جای است از جهنم و گواهی میدهم که این چیز پیش از زمان از برای شما در آنچه گذشته و



جاراً لكم فيما بقي وانّ ارواحكم ونوركم وطينتكم

جار رحمت برای شما در آینده و اینکه روحهای شما و نور شما و طینت شما

واحدة طابت وطهرت بعضها من بعض خلقكم الله

یک حال است نیکوست و پاک است از بعضی آن از آن بعضی آفرید شما را خدا

انواراً فجعلكم بعرشه محدقين حتى منّ علينا بكم

نورهای چند پس گردانید شما را بعرش خود احاطه کننده تا آنکه منت نهاد بر ما بشما

فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه

پس گردانید شما را در خانه‌ها چند که مقدر فرموده است خدا که بلند باشد و یاد کرده شود در آنها اسم او

وجعل صلواتنا عليكم وما خصّنا به من ولايتكم

و گردانید درودهای ما را بر شما و آنچه مخصوص کرد ما را بآن که دوستی شما است

طيباً لخلقنا وطهارة لانفسنا وتزكية لنا و

برای آفرینش ما و پاکی برای جانهای ما و پاکیزه گرداننده برای ما و

كفارة لذنوبنا فكنا عنده مسلّمين بفضلكم ومعروفين

برطرف کننده برای گناهان ما پس بودیم نزد او گردن نهندگان بفضل شما و شناخته شدگان

بتصديقنا اياكم فبلغ الله بكم اشرف محل المكرمين

بباور داشتن ما شما را پس رسانید خدای تعالی شما را به بهترین جای گرامی داشته شدگان

واعلى منازل المقربين وارفع درجات المرسلين

و بالاترین منزلهای نزدیکان و بلندترین پایه‌های پیغمبران

حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه

در جایی که نمیرسد بآن رسنده و برتری نمیجوید بر آن برتری کننده و پیشی نمیگیرد



سابق

سابق ولا يطمع في ادراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرب

و پیشی گیرنده و طمع نمیکند در دریافت آن طمع کننده تا آنکه باقی نماند فرشته مقرب

ولا نبي مرسل ولا صديق ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل

و نه پیغمبر فرستاده شده و نه تصدیق کننده و نه شهیدی و نه دانائی و نه نادانی

ولا دني ولا فاضل ولا مؤمن صالح ولا فاجر طالح ولا

و نه پست مرتبه و نه صاحب فضلی و نه مؤمن و نه شایسته و نه گناه کننده بدکاری و نه

جبار عنيد ولا شيطان مريد ولا خلق فيما بين ذلك

جبر کننده صاحب عنادی و نه دیو متمرد کننده و نه آفریده در میان این حالت

شهيد الا عرفهم جلالة امركم وعظم خطركم و

حاضر باشد مگر آنکه شناسانده باشد بزرگی کار شما و عظیم بودن قدر شما و

كبر شانكم وتمام نوركم وصدق مقاعدكم وثبات

بزرگی کار شما و تمام بودن نور شما و درستی جایگاه شما را و ثابت بودن

مقامكم وشرف محلكم ومنزلتكم عنده وكرامتكم

مقام شما را و شرافت رتبه شما را و منزلت شما را و گرامی بودن شما را بر خدا

عليه وخاصتكم لديه وقرب منزلتكم منه بابي انت

بر خدا و مخصوص بودن شما را نزد خدا و نزدیکی منزلت شما را از خدا فدای شما باد

وامي واهلي ومالي واسرتي اشهد الله واشهدكم

و مادرم و اهل خانه ام و مالم و خویشم و قوم گواه میگیرم خدا را و گواه میگیرم شما را

اني مؤمن بكم وبما آمنتم به كافر بعدوكم وبما

بدرستیکه من ایمان آورده ام بشما و بآنچه ایمان آورده اید شما بآن و منکرم دشمن شما را و آنچه



كفرتم به مستبصر بشأنكم وبضلالة من خالفكم موال

شما انکار کرده اید بآن بینایم بر رفعت شأن شما و بگمراهی هر که مخالفت کرده شما را دوستم

لكم ولأوليائكم مبغض لأعدائكم ومعاد لهم سلم لمن

مر شما را و دوستان شما را دشمنم مر دشمنان شما را و دارنده دشمنی ایشانم صلحم مر کسی را که صلح کرده

سالمكم وحرب لمن حاربكم محقق لما حققتم مبطل لما

است شما را و در جنگم با هر که با شما در جنگ است ثابت دارم هر چه را تحقیق کرده اید باطلم

ابطلتم مطيع لكم عارف بحقكم مقر بفضلكم محتمل لعلمكم

باطل کرده اید طاعت کننده ام شما را شناسنده ام حق شما را اقرار کننده ام بفضیلت شما برنده علم

محتجب بذمتكم معترف بكم مؤمن بإيابكم مصدق

پناه آورده ام بامان شما معترفم بشما ایمان دارم ببازگشت شما تصدیق کننده ام

برجعتكم منتظر لأمركم مرتقب لدولتكم آخذ بقولكم عامل

ببرگشت شما انتظار می کشم غالب شدن شما را و منتظرم دولت شما را فرا گیرنده ام گفته شما

بأمركم مستجير بكم زائر لكم عائذ بكم لائذ بقبوركم

بفرموده شما امان طلبم از شما زیارت کننده ام شما را پناه آورنده ام بشما

مستشفع إلى الله عز وجل بكم متقرب بكم إليه ومقدمكم

شفیع کرده ام بسوی خدای غالب بزرگ شما را و قرب میجویم بشما بسوی خدا و مقدم دارم

أمام طلبتي وحوائجي وإرادتي في كل أحوالي وأموري

در پیش مطلب خود و حاجتهای خود و خواستهای خود در همه حالهای خود و کارهای

مؤمن بسركم وعلانيتكم وشاهدكم وغائبكم وأولكم

ایمان دارم بر پنهانی شما و آشکار شما و حاضر شما و غائب شما و اول شما

وآخركم

وَآخِرِكُمْ وَمُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ اِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فِيهِ

واخر شما وگذاشته ام اینها را همه بسوی شما وگردن نهاده ام در آن

مَعَكُمْ وَقَلْبِي لَكُمْ سِلْمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ

با شما ودل من برای شما منقاد است ورای من برای شما تابع است ویاری من برای شما

مُعَدَّةٌ حَتَّى يُحْيِيَ اللهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ وَيَرُدَّكُمْ فِي

مهیاست تا آنکه زنده گرداند خدای تعالی دین خود را بشما وبرگرداند شما را در

أَيَّامِهِ وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ وَيُمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ

روزهای خود وظاهر گرداند شما را برای عدالت خود وتمکین دهد شما را در زمین خویش پس با شما

مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ

با شمایم نه با دشمن شما ایمان آورده ام بشما وبامامت قبول کرده ام آخر شما را

بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ وَبَرِئْتُ اِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ

چنانچه قبول کرده ام امامت اول شما را وبیزاری جستم بسوی خدای غالب بزرگ از

أَعْدَائِكُمْ وَمِنَ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَ

دشمنان شما واز هرچه غیر خدا پرستند واز بتان باطل ودیوان گمراه کننده

حِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ وَالْجَاحِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَالْمَارِقِينَ

وگروه ایشان که ستم کنندگان اند بر شما وانکار کنندگان اند بحق شما وبیرون روندگان

مِنْ وِلَايَتِكُمْ وَالْغَاصِبِينَ لِاِرْثِكُمْ وَالشَّاكِّينَ فِيكُمْ

از اعتقاد وبامامت شما وغصب کنندگان اند میراث شما را وشک کنندگان اند در شما

وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ وَمِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَكُمْ وَكُلِّ مُطَاعٍ

ومنحرف اند از شما واز هر ولیجه غیر از شما وهر کس اطاعت کرده شود



سواكم ومن الأئمة الذين يدعون إلى النار فثبتني الله

بغیر شما و از آن پیشوایان که مردم را میخوانند بسوی آتش جهنم پس ثابت دارد

أبداً ما حييت على موالاتكم ومحبتكم ودينكم ووفقني

پیوسته تا زنده‌ام بر اعتقاد امامت شما و دوستی شما و دین شما و توفیق دهد مرا برای

لطاعتكم ورزقني شفاعتكم وجعلني ممن يقتص

طاعت شما و روزی کند مرا شفاعت شما و گرداند مرا از کسانی

آثاركم ويسلك سبيلكم ويهتدي بهداكم ويحشر

که تابعند و میروند براه شما و هدایت می‌یابند براه نمای شما و محشور می‌شوند در

في زمرتكم ويكر في رجعتكم ويملك في دولتكم

در گروه شما و در رجعت بدنیا در بازگشت شما و پادشاهی می‌نمایند در دولت شما

ويشرف في عافيتكم ويمكن في أيامكم وتقر عينه

و شرف می‌یابند در ایام عافیت شما و تمکین می‌یابند در روزهای پادشاهی شما

غداً برؤيتكم بأبي أنتم وأمي ونفسي وأهلي ومالي من

فردا بدیدن شما فدای شما باد پدر و مادرم و جانم و اهل خانه‌ام و مالم و هر

أراد الله بدأ بكم ومن وحده قبل عنكم ومن قصده

اراده کرد خدا را اول بسوی شما می‌آید و هر که یگانه پرستید خدا را از شما قبول کرد و هر که

توجه بكم موالي لا أحصي ثناءكم ولا أبلغ من

متوجه شده بشفاعت ای آقای من نمی‌توانم بشمارم ثناهای شما را و نمی‌توانم رسید

المدح كنهكم ومن الوصف قدركم وأنتم نور

از ستایش بکنه شما و از وصف کردن بقدر شما و حال آنکه شما نور

الاخيار

الاخيار وهداة الابرار وحجج الجبار بكم فتح الله

بيشوايان ودرگاه نمای نيكوكاران وحجتهای خدای صاحب جبروتند بشما گشود خدا

وبكم يختم وبكم ينزل الغيث وبكم يمسك السماء

وبشما ختم ميكند وبشما ميفرستد باران را وبشما نگاه ميدارد آسمان را

ان تقع على الارض الا باذنه وبكم ينفس الهم وبكم

از اينكه بيفتد بر زمين مگر رخصت او وبشما بر طرف ميكند غمها را وبشما

يكشف الضر وعندكم ما نزلت به رسله وهبطت

زايل ميكند حال بد را ونزد شماست آنچه فرود آورده اند پيغمبران او وفرود

به ملائكته والى جدكم بعث الروح الامين و

آورده اند فرشتگان او وبسوى جد شما برانگيخته شد جبرئيل امين

اگر زيارت امير المؤمنين باشد بجای والى جدكم بعث

والى اخيك بعث الروح الامين بگو

وبسوى برادرت نازل

الروح الامين بگو آتيكم الله ما لم يؤت احدا من

شد جبرئيل امين داده شما را خدا آنچه نداده باحدی از

العالمين طاطا كل شريف لشرفكم وبخع كل متكبر

عالميان فرود آورد هر صاحب شرفی نزد شرف شما واقرار كرد هر صاحب تكبری

لطاعتكم وخضع كل جبار لفضلكم وذل كل شيء

بفرمان برداری شما وفروتن شد هر متجبری برای فضيلت شما وذليل شد هر چيزی

لكم واشرقت الارض بنوركم وفاز الفائزون

برای شما ودرخشان گشت زمين به پرتو شما ودرستگار شدند رستگاران



بِوِلايَتِكُمْ فيكُمْ نَسْلُكُ اِلَى الرِّضْوانِ وَعَلى مَنْ جَحَدَ

باعتقاد و با امامت شما پس بشما میتوان رفت بسوی خشنودی خدا و بر کسی که انکار

وِلايَتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمنِ بِاَبي اَنْتُمْ وَاُمّي وَنَفْسي وَ

با امامت شما کند خشم پروردگار است پدرم و مادرم فدای شما باد و جانم و

اَهْلي وَمالي ذِكْرُكُمْ فِي الذّاكِرينَ وَاَسْماؤُكُمْ فِي

اهل خانه ام و مالم اگر چه یاد شما در زبان بدنها و روحهای شما در میان

الْاَسْماءِ وَاَجْسادُكُمْ فِي الْاَجْسادِ وَاَرْواحُكُمْ فِي

نامها و بدنهای شما در میان بدنها و روحهای شما

الْاَرْواحِ وَاَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ وَآثارُكُمْ فِي الْآثارِ

میان روحهای و جانهای شما در میان جانهای و اثرهای شما در میان

وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ فَما اَحْلى اَسْمائَكُمْ وَاَكْرَمَ اَنْفُسَكُمْ

و قبرهای شما در میان قبرهاست ولیکن چه شیرین نامهای شما و چه گرامی

وَاَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَاَجَلَّ خَطَرَكُمْ وَاَوْفى عَهْدَكُمْ وَاَصْدَقَ

و چه بزرگست شان شما و چه جلیل است قدر شما و چه وفا کرده شده است پیمان شما و چه

وَعْدَكُمْ كَلامُكُمْ نُورٌ وَاَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَوَصِيَّتُكُمُ التَّقْوى

وعده شما سخن شما روشنی بخش است و فرموده شما مورث رستگاری است پرهیزکاری است

وَفِعْلُكُمُ الْخَيْرُ وَعادَتُكُمُ الْاِحْسانُ وَسَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ

و کردار شما نیک و عادت شما احسان نمودن است و طبیعت شما کرم است

وَشَأْنُكُمُ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ

و کار شما حق و راستی که مدارا است و گفتار شما حکم است و حتم

وَرَأْيُكُمْ

عِلْمٍ وَحِلْمٍ وَحَزْمٍ اِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ اَوَّلَهُ وَاَصْلَهُ وَ
دانایی و بردباری و دوراندیشی است اگر یاد کرده شود نیکی بوده‌اید اول و بیخ آن و

فَرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ وَمَاْوٰيهُ وَمُنْتَهٰاهُ بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي وَ
شاخ و معدن آن و جایگاه آن و منتهای آن پدرم و مادرم فدای شما باد و

نَفْسِي كَيْفَ اَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ وَاُحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ
جانم چگونه وصف کنم نیکویی ستایش شما را و بشمارم نعمت گرد شما را

بِكُمْ اَخْرَجَنَا اللّٰهُ مِنَ الذُّلِّ وَفَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ
و حال آنکه بشما بیرون آورده ما را خدا از خواری و دور کرد از ما بسیاری غمها را و شدائد

وَاَنْقَذَنَا بِكُمْ مِنْ شَفَا جُرُفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ
بخشید ما را بشما از کنار گودال هلاکها و از آتش جهنم

بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي وَنَفْسِي بِمُوَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللّٰهُ مَعَالِمَ
پدرم فدای شما باد و مادرم و جانم بسبب دوستی شما آموخت ما را خدا جاهای نشان

دِينِنَا وَاَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا وَبِمُوَالَاتِكُمْ
دین ما را و باصلاح آورد آنچه بود که فاسد از دنیا و با اعتقاد امامت شما تمام شد

تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ
کلمه دین ما و بزرگ شده است نعمت خدا و الفت یافت پراکندگی

وَبِمُوَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ
و بدوستی شما مقبول میشود طاعتهایی که واجب کرده خدا و از برای شما است دوستی

الْوَاجِبَةُ وَالدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ
واجب شده و پایه‌های بلند و مقام ستوده



الْمَكَانَ الْمَعْلُومَ عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْجَاهَ الْعَظِيمَ وَ

و جایگاه معلوم نزد خدای غالب بزرگ و در مرتبه بزرگ او

الشَّانَ الْكَبِيرَ وَالشَّفَاعَةَ الْمَقْبُولَةَ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا

عالیت بزرگ و شفاعت مقبول کرده شده پروردگار ایمان آوردیم

اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

بانچه فرستادی تو و پیروی کردیم پیغمبر را پس بنویس ما را با شهادت دهندگان

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ

پروردگار ما میل مده بباطل دلهای ما را بعد از آنکه هدایت کردی ما را و ببخش ما را از

لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ سُبْحَانَ رَبِّنَا اِنْ

نزد خود رحمتی بزرگ بدرستی که تو توئی بسیار بخشنده بپاکی یاد میکنیم پروردگار

كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا يَا وَلِيَّ اللهِ اِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللهِ

بود وعده پروردگار ما البته شدنی ای دوست خدا بدرستیکه در میانه من و میان خدا

عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَاْتِي عَلَيْهَا اِلَّا رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنْ

که عزیز و جلیل است گناه پس لابد که برطرف نمیکند آنها را مگر خشنودی شما پس بحق کسیکه

سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ اَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ

بر راز خود و طلب که از شما رعایت امور خلق را و مقرون گردانیده اطاعت شما را باطاعت

لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي فَاِنِّي لَكُمْ

که البته طلب نمائید بخشش گناهان مرا و باشید شفیعان من پس بدرستیکه من مر شما را

مُطِيعٌ مَنْ اَطَاعَكُمْ فَقَدْ اَطَاعَ اللهَ وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ

فرمان بردارم هر که فرمان برد شما را پس بتحقیق که فرمان برد خدا را و هر که نافرمانی

عصی الله

عَصَی اللهَ وَمَنْ اَحَبَّکُمْ فَقَدْ اَحَبَّ اللهَ وَمَنْ اَبْغَضَکُمْ

که نافرمانی خدا را و هر که دوست دارد شما را بتحقیق دوست داشته است خدا را و هر که دشمن دارد

فَقَدْ اَبْغَضَ اللهَ اَللّٰهُمَّ اِنّی لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ اَقْرَبَ

بتحقیق که دشمن دارد خدا را خداوندا بدرستی اگر می یافتم شفیعانی نزدیکتر بسوی تو

اِلَیْکَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ الْاَخْیَارِ الْاَئِمَّةِ الْاَبْرَارِ

بسوی تو از محمد و خانواده او که برگزیدگان پیشوایان نیکوکارانند

لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائی فَبِحَقِّهِمُ الَّذی اَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَیْکَ

هر آینه که گردانیدمی ایشان را شفیعان خود پس بحق ایشان حقی که واجب کردی بر

اَسْئَلُکَ اَنْ تُدْخِلَنی فی جُمْلَةِ الْعَارِفینَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ

سؤال میکنم از تو آنکه در آوری مرا در جمله شناسایان بایشان و بحق ایشان

وَفی زُمْرَةِ الْمَرْحُومینَ بِشَفَاعَتِهِمْ اِنَّکَ اَرْحَمُ الرَّاحِمینَ

و در گروه بخشیده شدگان بشفاعت ایشان بدرستیکه تو بخشاینده ترین بخشایندگانی

صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرینَ وَسَلَّمَ تَسْلیماً

و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او که پاکانند و درود فرستد درود فرستادنی

کَثیراً وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَکیلُ مؤلف گوید که این زیارت

بسیار و بس است ما را خدا و خوب کارگذاری است

که این زیارة کاملترین

زیاراتست از برای نزدیک و دور و چون منظور در این رساله

زیارات بعیده است زیارت وداع را ذکر نکردیم و چون این زیارت

مشتمل است بر مجملی از همه احادیث که در مناقب ائمه علیهم السلام



وارد شده است اگر در هفته بلکه هر روز این زیارت را
بخوانند و تدبر و تفکر در معانی آن بکنند موافق آنچه فقیر
مجملا ترجمه کرده و والد مرحوم علیه الرحمة مفصلا شرح نموده
برای کمال معرفت ایشان بسیار نافع است و عمده ارکان
ایمان معرفت ایشان است علیهم السلام و زیارة حضرت
صاحب الامر صلوات الله علیه بطرق بسیار منقول شده و در
کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام و در این مقام زیارة مختصری با
تجدید عهد امامت و ولایت آنحضرت ایراد مینمائیم که امام جواد
پیوسته یاد نمایند و از برکات هدایات آنحضرت بهره مند گردند
سید ابن طاوس علیه الرحمة ذکر کرده است که مستحبست که هر روز
بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر را اللّهم بلغ مولای صاحب
چنین زیارت کنند خداوندا برسان صاحب جناب امام
الزمان صلوات الله علیه عن جمیع المؤمنین والمؤمنات
روزگار رحمتهای خدا را از همه مرد آن گروند و زنان گروند
فی مشارق الارض و مغاربها و برها و بحرها و سهلها
که باشند جاهای طلوع آفتاب و زمین و جاهای غروب آفتاب و خشکی آن و دریا
و جبلها حیهم و میتهم و عن والدی و ولدی و عنی من
و کوه آن زنده ایشان و مرده ایشان و از جانب پدر و مادر من و فرزندان من و از جانب من
الصلوات والتحیات زنة عرش الله و مداد کلماته و
از رحمتها درودها هم سنگ عرش خدا و کلمهای او و

زیارت حضرت صاحب الامر که هر روز بعد از نماز صبح باید کرد

مهی

ومنتهى رضاه وعدد ما احصاه كتابه واحاط به علمه

و نهایت خشنودی او و شمار آنچه شمرده آن را کتاب او و فرا گرفته آن را دانش

اللهم اجدد له في هذا اليوم وفي كل يوم عهدا وعقدا

خداوندا تازه میکنم برای او درین روز و در هر روز عهد و پیمان

وبيعة له في رقبتي اللهم كما شرفتني بهذا التشريف

و بیعتی برای او در گردن خود خداوندا چنانچه گرامی داشتی مرا باین گرامی

وفضلتني بهذه الفضيلة وخصصتني بهذه النعمة

و زیادتی دادی مرا باین زیادتی او و مخصوص گردانیدی مرا باین نعمت

فصل على مولاي وسيدي صاحب الزمان واجعلني

پس رحمت بر صاحب و سید من و آقای من خداوند روزگار و بگردان مرا

من انصاره واشياعه والذابين عنه واجعلني من

از یاران او و پیروان و دفع کنندگان ستمکاره ازو و بگردان مرا

المستشهدين بين يديه طائعا غير مكره في الصف الذي

حاضرگان کشته شوند در پیش او فرمانبردار نه مجبور در صفی که وصف کرده تو

نعت اهله في كتابك فقلت صفا كانهم بنيان

که وصف کرد اهل آن را در کتاب تو خود پس گفتی حال آنکه با هم صف کشیدگان

مرصوص على طاعتك وطاعة رسولك وآله عليهم

استوار شده بر طاعت تو و طاعت رسول تو و آل وی بر ایشان

السلام اللهم هذه بيعة له في عنقي الى يوم القيامة

درود باد خداوندا این بیعت است برای او در گردن من تا روز رستخیز



و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که چهل صباح
این عهد نامه را بخواند از یاوران قایم ما باشد و اگر پیش از
ظهور آنحضرت بمیرد خدا اورا از قبر بیرون آورد که در خدمت
آنحضرت باشد و حق تعالی بهر کلمه هزار حسنه اورا کرامت فرماید
و هزار گناه از او محو کند و این است اللهم رب النور العظیم و رب الکرسی

خداوندا ای پروردگار روشنائی بزرگ و پروردگار کرسی

الرفیع و رب البحر المسجور و منزل التوریة و الانجیل و

بارفعت و پروردگار دریای مملو از آب وای فرو فرستنده توریة و انجیل و

الزبور و رب الظل و الحرور و منزل القرآن العظیم و رب

زبور وای پروردگار سایه و باد گرم وای فرو فرستنده قرآن بزرگ و پروردگار

الملائکة المقربین و الانبیاء المرسلین اللهم انی اسئلک

فرشتگان نزدیکان و پیغمبران و فرستادگان خداوندا بدرستیکه

بوجهک الکریم و بنور وجهک المنیر و ملکک القدیم یا حی

بحرمت ذات تو و بحرمت روشنائی ذات روشنی بخش تو و پادشاهی دیرینه تو

یا قیوم اسئلک باسمک الذی اشرقت به السموات و

ای پاینده سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آنچنانکه روشن گشته بسبب آن آسمانها

الارضون و باسمک الذی یصلح به الاولون و

زمینها و بحرمت نام تو آنچنانکه بسامان آید بسبب آن حال پیشینیان

الآخرون یا حی قبل کل حی و یا حی بعد کل حی یا حی

پسینیان ای زنده پیش از هر زنده وای زنده پس از هر زنده ای زنده



حین لا

حین لا حی یا محیی الموتی و ممیت الاحیاء یا حی لا اله الا

هنگامیکه باشد زنده ای زنده کننده مردگان و میراننده زندگان ای زنده نیست خدایی

انت اللهم بلغ مولانا الامام الهادی المهدی صلوات

بجز تو خداوندا برسان صاحب اختیار مرا پیشوای راهنمای راه یافته قائم آل محمد

الله علیه و علی آبائه الطاهرین عن جمیع المؤمنین و

خدا بر او و بر پدران پاکان او از جانب همه مومنان مردان و

المؤمنات فی مشارق الارض و مغاربها و سهلها

زنان مومنه که باشند که در مشرقهای زمین و مغربهای آن و هموار آن

و جبلها و برها و بحرها و عنی و عن والدی من الصلوات

و کوه آن و صحرای آن و دریای آن و از جانب من و از جانب پدر و مادرم از تحیتها

زنة عرش الله و مداد کلماته و ما احصاه علمه و احاط

هم وزن عرش خدا و باندازه کلمهای او و آنچه شمرده است آن را دانش او و

به کتابه اللهم انی اجدد له فی صبیحة یومی هذا و ما

بآن کتاب او خداوندا بدرستیکه من تازه میکنم برای او در صبح روز خود این روز و آنچه

عشت من ایامی عهدا و عقدا و بیعة له فی عنقی لا

زندگی کنم از روزهای خود عهد و پیمان و بیعتی برای او در گردن خود نه

احول عنها و لا ازول ابدا اللهم اجعلنی من انصاره و

از آن واپس نمی شوم هرگز خداوندا بگردان مرا از یاوران او

اعوانه والذابین عنه والمسارعین الیه فی قضاء

و مددکاران او و دفع کنندگان از او و شتابندگان بسوی او در روا کردن



حوائجه والممتثلين لأوامره والمحامين عنه والسابقين

حاجتهای او و لکن نهنده کان برای فرمانهای او و منع کنندگان از او و پیشی گیرندگان

إلى إرادته والمستشهدين بين يديه اللهم إن حال

بسوی خواهش او و حاضر گردانیده شدگان در پیش او خداوندا اگر حایل شود

بيني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك حتماً مقضياً فأخرجني

میان من و میان او مرگی که گردانیده تو آن را بر بندگان خود لازم پس بیرون آور

من قبري مؤتزراً كفني شاهراً سيفي مجرداً قناتي ملبياً

از قبر من ازار گیرنده کفن خود را از غلاف کشیده تیغ خود را برهنه سازنده نیزه خود را

دعوة الداعي في الحاضر والبادي اللهم أرني الطلعة

اجابت کننده دعوت که بخواند در میان شهرها و بادیه نشین خداوندا بنما بمن آن دیدار

الرشيدة والغرة الحميدة واكحل ناظري بنظرة مني إليه

با رشد و آن روشنائی جبهه ستوده را و سرمه کش دیده مرا بنگریستن از من بسوی او

وعجل فرجه وسهل مخرجه وأوسع منهجه واسلك بي

و شتاب کن گشایش او را و آسان کن خروج او را و گشاده کن راه او را و در آور مرا

محجته وأنفذ أمره واشدد أزره واعمر اللهم به

براه راست او و روان کن فرمان او را و قوی کن پشت او را و آباد کن خداوندا بسبب او

بلادك وأحي به عبادك فإنك قلت وقولك الحق

شهرهای خود را و زنده کن بسبب او بندگان خود را بدرستی که تو گفته و گفتار تو راست است

ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت أيدي الناس

ظاهر شد فساد و تباهی در خشکی و دریا بسبب آنچه کسب کرده دستهای آدمیان



اَللّهُمَّ لَنا وَلِیَّکَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِیِّکَ الْمُسَمّی بِاسْمِ رَسُولِکَ

خداوندا برای ما دوست خود را و پسر دختر پیغمبر خود را که نامیده شده است بنام پیغمبر تو

حَتّی لا یَظْفَرَ بِشَیْءٍ مِنَ الْباطِلِ اِلاّ مَزَّقَهُ وَیُحِقَّ الْحَقَّ وَ

تا آنکه نرسد بچیزی از باطل مگر آنکه زایل کند و ثابت کند امر حق را

یُحَقِّقَهُ وَاجْعَلْهُ اَللّهُمَّ مَفْزَعاً لِمَظْلُومِ عِبادِکَ وَناصِراً

و محکم نماید آن را و بگردان او را خداوندا پناه برای ستمرسیده بندگان خود و یاور

لِمَنْ لا یَجِدُ لَهُ ناصِراً غَیْرَکَ وَمُجَدِّداً لِما عُطِّلَ مِنْ اَحْکامِ

برای آنکه نیابد برای خود یاوری غیر تو را و تازه کننده هر آنچه را که واگذاشته شده از حکمهای

کِتابِکَ وَمُشَیِّداً لِما وَرَدَ مِنْ اَعْلامِ دینِکَ وَسُنَنِ

کتاب تو و محکم کننده هر آنچه را که وارد شده از نشانهای دین تو و طریقهای

نَبِیِّکَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ اَللّهُمَّ مِمَّنْ

پیغمبر تو رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و بگردان او را خداوندا از آنانکه

حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدینَ اَللّهُمَّ وَسُرَّ نَبِیَّکَ

حفظ کرده‌ای ایشان را از شدت سرکشان خداوندا و شاد کن پیغمبر خود محمد را

مُحَمَّداً صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ بِرُؤْیَتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلی

محمد را رحمت فرستد خدا بر او و آل او بدیدن او و آنکه پیروی کرده او را

دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ اسْتِکانَتَنا بَعْدَهُ اَللّهُمَّ اکْشِفْ هذِهِ

بر دعوت او و رحم کن فروتنی ما را بعد از ظهور او خداوندا زایل کن این

الْغُمَّةَ عَنِ الْاُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجِّلْ لَنا ظُهُورَهُ اِنَّهُمْ

اندوه را از امت به حاضر شدن او و شتاب کن برای ما ظهور او را بدرستی که



٢٨٦

بر او نه بعید او بر او نه قریبا برحمتک یا ارحم الراحمین
نمی شنند آن را دور و نمی بینیم آن را نزدیک برحمت خود ای بخشاینده ترین بخشندگان

پس سه مرتبه دست بر ران راست خود میزنی و هر مرتبه میگوئی العجل یا مولای یا صاحب الزمان دعای ندبه که مشتملست بر عقاید و تاسف بر غیبت حضرة قائم است و معتبر از حضرة امام جعفر صادق منقولست که سنتست که این دعای را در چهار عید بخوانند یعنی در روز جمعه الحمد لله الذی
و روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر
حمد و سپاس مر خدای را که نیست
لا یخفی اله الا هو له الحمد رب العالمین و صلی الله
سزاوار پرستش جز او مراوراست سپاس پروردگار جهانیان درحمت فرستد خدا
علی محمد نبیه و آله و سلم تسلیما اللهم لک الحمد
بر محمد پیغمبر خود و آل او درود فرستد درود فراوان خداوندا ترا ستایش
علی ما جری به قضاؤک فی اولیائک الذین استخلصتهم
بر آنچه روان شده با آن حکم تو در باره دوستان تو آنان که خالص کردی ایشان را
لنفسک و دینک اذا اخترت لهم جزیل ما عندک
برای ذات خود و دین خود چون برگزیدی برای ایشان وافر آنچه نزد تست
من النعیم المقیم الذی لا زوال له و لا اضمحلال
از ناز و نعمت دائمی ثابتی که نیست زوالی آن و نه فنا و نیستی پس
بعد ان شرطت علیهم الزهد فی درجات هذه
از آنکه شرط کردی بر ایشان بی رغبتی را در مرتبهای این دنیا

الدنیا

دعای ندبه

ای دعای ندبه

الدنیا الدنیة وزخرفها وزبرجها فشرطوا لك ذلك

دنیا پست وزینت آن وآرایش آن بشرط کرد برای تو آن را

وعلمت منهم الوفاء به فقبلتهم وقربتهم وقدمت

و دانستی از ایشان وفا نمودن را بآن شرط پس پسندیدی آن را و نزدیک

لهم الذكر العلی والثناء الجلی واهبطت علیهم ملائكتك

برای ذکر بلند وستایش آشکار و فرو فرستادی بر ایشان فرشتگان خود را

واكرمتهم بوحیك ورفدتهم بعلمك وجعلتهم الذریعة

وگرامی داشتی ایشان را بوحی خود وبخشش نمودی ایشان را بدانش خود وگردانیدی ایشان

الیك والوسیلة الی رضوانك فبعض اسكنته

ووسیله بسوی خوشنودی خود پس بعضی از ایشان که ساکن گردانیدی او را در بهشت خود

جنتك الی ان اخرجته منها وبعض حملته فی فلكك

بهشت خود تا آنکه بیرون آوردی او را از آن وبعضی بار کردی او را در کشتی خود

ونجیته ومن آمن معه من الهلكة برحمتك وبعض

ورهانیدی او را وآن را که گرویده بود از هلاکت غرق برحمت خود وبعضی

اتخذته لنفسك خلیلا وسألك لسان صدق

وگرفتی او را برای ذات خود خالص وسؤال کرد از تو ذکر جمیل نیک

فی الآخرین فاجبته وجعلت ذلك علیا وبعض

در پسینیان پس اجابت کردی او را وگردانیدی ذکر او را بلند وبعضی از ایشان

كلمته من شجرة تكلیما وجعلت له من اخیه ردءا ووزیرا

سخن گفتی با او از درخت طور سخن گفتنی وگردانیدی برای او از برادر او یاور ووزیری



وبعض اولدته من غرائب واتيته البيّنات وايدته

و بعضی از ایشان متولد گردانیدی او را بدون پدری و دادی او را معجزهای روشن و قوه

بروح القدس وكلّ شرعت له شريعة ونهجت له

بروح القدس و برای هر یک ظاهر ساختی شریعت و دینی و آشکار نمودی برای

منهاجا وتخيّرت له اوصياء مستحفظا بعد مستحفظ

طریقه و برگزیدی برای او وصیهای محافظت کننده پس از محافظت کننده

من مدّة الى مدّة اقامة لدينك وحجّة على عبادك

از زمان تا زمان بجهة بر پا داشتن دین خود و حجت کردن بر بندگان خود

ولئلّا يزول الحقّ عن مقرّه ويغلب الباطل على اهله

و تا آنکه زایل نشود حق از قرارگاه خود و غلبه نکند باطل بر اهل آن

ولا يقول احد لولا ارسلت الينا رسولا منذرا

و نگوید کسی که چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبری بیم دهنده

واقمت لنا علما هاديا فنتّبع اياتك من قبل ان نذلّ ونخزى

و بر پا نکردی برای ما نشانه راه نماینده پیروی کنیم معجزهای ترا پیش از آنکه ذلیل و خوار شویم

الى ان انتهيت بالامر الى حبيبك ونجيبك محمّد

تا آنکه رسانیدی کار را بسوی دوست خود و برگزیده خود محمد

صلّى الله عليه واله فكان كما انتجبته سيّد من خلقته

رحمت و فرستد خدا بر او و آل او پس بود چنانچه برگزیدی تو او را بزرگ هر که

وصفوة من اصطفيته وافضل من اجتبيته واكرم

و برگزیده هر که برگزیدی او را و بهتر از هر که اختیار کردی او را و بزرگوار

من عمدته



مِنِ اعْتَمَدْتَهُ قَدَّمْتَهُ عَلَى اَنْبِيائِكَ وَبَعَثْتَهُ اِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ
اعتماد کردی بر او پیش داشتی او را بر پیغمبران خود و فرستادی او را بسوی انس و جن از
عِبادِكَ وَاَوْطَاْتَهُ مَشارِقَكَ وَمَغارِبَكَ وَسَخَّرْتَ لَهُ
بندگان خود و زیر قدم او آوردی مشرقهای خود و مغربهای خود و رام کردی برای او
الْبُراقَ وَعَرَجْتَ بِرُوحِهِ اِلَى سَمائِكَ وَاَوْدَعْتَهُ عِلْمَ
براق را و بالا بردی نفس او را بسوی آسمان خود و سپردی او را دانش
ما كانَ وَيَكُونُ اِلَى انْقِضاءِ خَلْقِكَ ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ
آنچه بوده و آنچه خواهد بود تا منقضی شدن خلق تو پس یاری کردی او را بخوف
وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَئِيلَ وَمِيكائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلائِكَتِكَ
و فرو گرفتی او را بجبرئیل و میکائیل و علامت دارندگان از فرشتگان
وَوَعَدْتَهُ اَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ
و وعده دادی او را که غالب کنی دین او را بر ادیان همه آنها و اگر چه ناخوش داشتند
وَذلِكَ بَعْدَ اَنْ بَوَّاْتَهُ مُبَوَّاَ صِدْقٍ مِنْ اَهْلِهِ وَجَعَلْتَ
و این آنچه مذکور شد پس از آنکه جای دادی او را جایگاهی شایسته از خاندان او و گردانیدی
لَهُ وَلَهُمْ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَهُدىً
برای او و برای اهل او اول خانه که بنا شده برای آدمیان آن خانه که در مکه است آنکه مبارک
لِلْعالَمِينَ فِيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ اِبْرٰهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ
و راه نمای مر جهانیان را در وی است معجزهای روشن از جمله آنها است مقام ابراهیم و هر که
كانَ آمِناً وَقُلْتَ اِنَّما يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ
باشد ایمن و گفتی که جز این نیست میخواهد خدا که ببرد از شما گناهان را



أهل البيت ويطهركم تطهيرا صلواتك عليه و
ای خانوادهٔ رسالت و پاک گرداند شما را پاک کردنی رحمتهای تو باد بر او و
آله مودتهم في كتابك فقلت لا أسئلكم عليه أجرا
آل او دوستی ایشان را در کتاب خود پس گفتی نمی‌خواهم از شما بر آن تبلیغ رسالت
إلا المودة في القربى وقلت ما سئلتكم من أجر فهو
مگر دوستی شما را در بارهٔ خویشان من و گفتی آنچه خواستم از شما از مزد پس این برای
لكم وقلت ما أسئلكم عليه من أجر إلا من شاء
شماست و گفتی که نمی‌خواهم از شما تبلیغ رسالت هیچ مزدی مگر کسی را که خواهد
أن يتخذ إلى ربه سبيلا فكانوا هم السبيل إليك
که فرا گیرد بسوی پروردگار خود راهی پس هستند ایشان وصول بسوی تو و طریق
والمسلك إلى رضوانك فلما انقضت أيامه أقام وليه
سلوک بسوی خشنودی تو پس چون به پایان رسید روزگار زندگی او و نصب کرد
علي بن أبي طالب صلواتك عليهما وآلهما هاديا
علی پسر ابی طالب که رحمتهای تو باد بر ایشان و آل ایشان را راهنما چه بود
إذ كان هو المنذر ولكل قوم هاد فقال والملأ أمامه
و برای هر گروهی باشد راه نمای پس گفت در حالیکه بزرگان حاضر بودند
من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد
هر که هستم من صاحب اختیار او پس علی صاحب اختیار اوست خداوندا دوست دار آن را
من انا نبيه فعلي [illegible] وقال
من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله وقال
آن را که دشمن دارد او را و یاری کن آن را که یاری کند او را و خوار کن آن را که خوار کند

انا وعلي

أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى

و گفت من و علی از یک درختیم و باقی مردمان از درختهای مختلف و فرود آورد او را

وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هٰرُونَ مِنْ مُوسَى فَقَالَ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ

نسبت باو بجای هرون نسبت بموسی پس گفت برادر را که تو نسبت بمن بمنزلهٔ

هٰرُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَزَوَّجَهُ ابْنَتَهُ

هرونی نسبت بموسی مگر آنکه بتحقیق نیست پیغمبری پس از من و بزنی داد باو دختر خود را

سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ

خاتون زنان جهانیان و حلال کرد برای او از مسجد خود آنچه حلال بود

لَهُ وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ

برای او و بست درهای خانه را مگر در خانه او را پس سپرد باو علم خود و حکمت خود را

فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ

پس گفت من شهر علمم و علی در آن است پس آنکه خواهد علم دانش را

فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي

پس گفت باید بیاید از در آن پس گفت برادر را تو برادر منی و وصی منی و وارث منی

لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي وَدَمُكَ مِنْ دَمِي وَسِلْمُكَ سِلْمِي وَحَرْبُكَ حَرْبِي

گوشت تو از گوشت من است و خون تو از خون من است و صلح تو صلح من است و جنگ تو جنگ من

وَالْإِيمَانُ مُخَالِطٌ لَحْمَكَ وَدَمَكَ كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَدَمِي

و ایمان آمیخته است گوشت ترا و خون ترا چنانچه آمیخته گوشت مرا و خون مرا

وَأَنْتَ غَدًا عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي وَأَنْتَ تَقْضِي دَيْنِي

و تو فردا بر سر حوض کوثر جانشین منی و تو ادا میکنی قرض مرا



وتبخر عداتي وشيعتك على منابر من نور مبيضة

درو آمیختگی دشمنان من و شیعیان تو بر منبرهای از نور حال آنکه سفید باشد

وجوههم حولي في الجنة وهم جيراني ولولا أنت يا علي

روهای ایشان باشند گرداگرد من در بهشت و ایشان همسایگان منند و اگر نبودی تو ای علی

لم يعرف المؤمنون بعدي هدى من الضلال ونورا

شناخته نشدی گروندگان حکم خدا بعد از من و نبود بعد از او هدایت کننده

من العمى وحبل الله المتين وصراطه المستقيم لا

از هر کوری و دست آویز محکم قرب خدا و راه راست او پیش

يسبق بقرابة في رحم ولا بسابقة في دين ولا يلحق في

گرفته نشود بقرابت و نزدیکی در باب خویشی و نه پیشی فضیلت در دین و رسیده نشود در

منقبة من مناقبه يحذو حذو الرسول صلى الله

فضیلتی از فضایل حضرت قدم است در مقام رسول رحمت و لعنت خدا بر ایشان

عليهما وآلهما ويقاتل على التأويل ولا تأخذه في

و آل ایشان و مقاتله کند بر تأویل قرآن و فرا نگیرد اورا در

الله لومة لائم قد وتر فيه صناديد العرب وقتل

راه خدا سرزنش سرزنش کننده تحقیق انتقام کشید در راه خدا دلیران عرب را و کشت

أبطالهم وناوش ذؤبانهم فأودع قلوبهم أحقادا

شجاعان عرب را و مقاتله نمود با ذئبان ایشان پس ودیعه گذاشت در دلهای ایشان

بدرية وخيبرية وحنينية وغيرهن فأضبت على

کینهای ایشان از جنگ بدر و خیبر و حنین و غیر اینها پس تمام نمود ایشان را بر



عداوته

عداوته واكبّ على مبارزته حتى قتل الناكثين و

دشمنی او هجوم کردند بر مقاتله او تا آنکه کشت پیمان شکنان و

القاسطين والمارقين ولما قضى نحبه وقتله اشقى

ستمکاران و خوارج را و چون بپایان رسانید عمر خود را و کشت او را

الاشقياء من الاولين والآخرين لم يمتثل امر الرسول

بدبختان از پیشینیان و پسینیان بجا آورده نشد فرمان رسول

في الهادين بعد الهادين والامة مصرّة على مقته

درباره راهنمایان بعد از راهنمایان و امت پیغمبر ثابت بودند بر دشمنی او

مجتمعة على قطيعة رحمه واقصاء ولده الا القليل ممن

فراهم آمدند بر بریدن خویشی او و دور کردن فرزندان او مگر اندکی

وفى لرعاية الحق فيهم فقتل من قتل وسبي من سبي

که وفا کرد در رعایت حق را درباره ایشان پس کشته شد آنکه کشته شد و اسیر گردید آنکه اسیر گردید

واقصي من اقصي وجرى القضاء لهم بما يرجى له حسن

آنکه دور گردانیده شد دور گردانیده شد و جاری شد تقدیر خدا برای ایشان بچیزی که امید داشته میشود خوبی

المثوبة اذ كانت الارض لله يورثها من يشاء من

ثواب زیرا که باشد زمین مر خدای را میراث دهد آنرا بهر که خواهد از

عباده والعاقبة للمتقين وسبحان ربنا ان كان

بندگان خود و انجام نیک برای پرهیزکاران و پاکست پروردگار ما بتحقیق بود

وعد ربنا لمفعولا ولن يخلف الله وعده وهو العزيز

وعده پروردگار ما هر آینه وفا کرده شده و هرگز خلاف نمیکند خدا وعده خود را و او غالب



الحكيم وعلى الأطائب من أهل بيت محمد وعلي صلى الله

دانا است درستکار و بر پاکان از خاندان محمد و علی درود فرستد خدا

عليهما وآلهما فليبك الباكون وإياهم فليندب

بر ایشان و آل ایشان پس باید بگریند گریه کنندگان و بر ایشان پس باید نوحه کنند

النادبون ولمثلهم فلتذرف الدموع وليصرخ

نوحه کنندگان و برای مثل ایشان پس باید روان کرده شود اشکها و باید شیون کنند

الصارخون ويضج الضاجون ويعج العاجون أين

شیون کنندگان و بنالند نالندگان و صدا بلند کنند صدا بلند کنندگان

الحسن وأين الحسين وأين أبناء الحسين صالح بعد

کجاست حسن و کجاست حسین و کجایند فرزندان حسین شایسته کاری از

صالح وصادق بعد صادق وأين السبيل بعد السبيل

شایسته و راستگوئی از راستگوئی و کجاست راه راستی از راه راستی

وأين الخيرة بعد الخيرة وأين الشموس الطالعة وأين

کجاست برگزیده از برگزیده و کجایند آفتابهای طلوع کننده و کجایند

الأقمار المنيرة أين الأنجم الزاهرة أين أعلام الدين

آن ماههای روشن کجایند آن ستارههای درخشنده کجایند نشانهای دین

وقواعد العلم أين بقية الله التي لا تخلو من العترة

و پایهای علم و معرفت کجاست بقیه گذاشته خدا که خالی نباشد از عترت

الطاهرة أين المعد لقطع دابر الظلمة أين المنتظر

طاهره پیغمبر کجاست آن حجت آماده شده برای بریدن دنباله ستمکاران

لاقامة

لإقامة الأمت والعوج أين المرتجى لإزالة الجور والعدوان

برای راست کردن بلندی و پستی کجاست آن امید داشته شده برای نیست کردن ستم و ظلم

أين المدخر لتجديد الفرائض والسنن أين المتخير لإعادة

کجاست آن ذخیره کرده شده برای تازه کردن واجبات و مستحبات کجاست آن برگزیده شده برای

الملة والشريعة أين المؤمل لإحياء الكتاب وحدوده

کیش و طریقه پیغمبر کجاست آن آرزو داشته شده برای زنده کردن کتاب و حدود احکام

أين محيي معالم الدين وأهله أين قاصم شوكة المعتدين

کجاست زنده سازنده نشانهای دین و اهل آن کجاست برهم شکننده شوکت و قوت

أين هادم أبنية الشرك والنفاق أين مبيد أهل

کجاست خراب کننده بناهای شرک و دوروئی کجاست هلاک سازنده بد

الفسوق والعصيان أين حاصد فروع الغي والشقاق

کاران و نافرمان بران کجاست قطع کننده شاخهای گمراهی و بدبختی

أين طامس آثار الزيغ والأهواء أين قاطع حبائل

کجاست محو سازنده نشانهای میل و خواهشهای نفسانی کجاست برنده ریسمانهای

الكذب والافتراء أين مبيد العتاة والمردة أين

کذب و افترا کجاست هلاک سازنده از حد گذرندگان و گردنکشان

مستأصل أهل العناد والتضليل والإلحاد أين

از ریشه کننده ستیزه گران و گمراه نمایندگان و بی دینان

معز الأولياء ومذل الأعداء أين جامع الكلم على

کجاست عزیز کننده دوستان و ذلیل کننده دشمنان کجاست فراهم آورنده



التقوی این باب الله [الذی منه] یؤتی این وجه الله الذی یتوجه

پرهیزکاری اسلام کجاست در فرق شناسی آن دری که از آن ایشان ده شود خدا کجاست روی خدا

الاولیاء این السبب المتصل بین اهل الارض و

دوستان خدا کجاست دست آویز پیوسته میان اهل زمین و

السماء این صاحب یوم الفتح وناشر رایة الهدی این

آسمان کجاست خداوند روز فتح و نصرت برافرازنده علم هدایت کجاست

مؤلف شمل الصلاح والرضا این الطالب بذحول

الفت دهنده پراکندگی شریعت و خشنودی خدا کجاست طلب کننده خونهای

الانبیاء وابناء الانبیاء این الطالب بدم المقتول

پیغمبران و فرزندان پیغمبران کجاست طلب کننده خون شهید

بکربلاء این المنصور علی من اعتدی وافتری این المضطر

کربلا کجاست آن یاری کرده شده بر آنکه خواهد که زیاده کند بر او و دروغ

الذی یجاب اذا دعی این صدر الخلائق ذو البر و

که اجابت کرده شود چون بخواند خدای را کجاست پیشوای آفریدگان خداوند نیکوئی و

التقوی این ابن النبی المصطفی وابن علی المرتضی

پرهیزکاری کجاست فرزند پیغمبر برگزیده و فرزند علی پسندیده

وابن خدیجة الغراء وابن فاطمة الزهراء الکبری

و فرزند خدیجه پیشانی سفید و فرزند فاطمه درخشنده رای بزرگوار

بابی انت وامی ونفسی لک الوقاء والحمی یا ابن السادة

فدای تو باد پدرم و مادرم و جانم مر ترا کجا حفظ نگاه دارنده و حمایت کننده ام

المقربین

المقرّبين يا ابن النجباء الاكرمين يا ابن الهداة المهديّين

نزدیکان ای فرزند برگزیدگان بزرگواران ای فرزند راهنمایان راه یافتگان

يا ابن الخيرة المهذّبين يا ابن الغطارفة الانجبين يا ابن الخضارمة

ای فرزند خوبان پاکیزه شدگان ای فرزند بزرگان بخشندگان ای فرزند بخشندگان

المنتجبين يا ابن القماقمة الاكرمين يا ابن الاطائب

برگزیدگان ای فرزند مهتران بزرگواران ای فرزند پاکان

المعظمين المطهّرين يا ابن البدور المنيرة يا ابن السرج

بزرگان پاکان ای فرزند ماههای تمام نوربخش ای فرزند چراغهای

المضيئة يا ابن الشهب الثاقبة يا ابن الانجم الزاهرة

روشن ای فرزند کوکبهای درخشان ای فرزند ستارهای درخشان

يا ابن السبل الواضحة يا ابن الاعلام اللائحة يا ابن

ای فرزند راههای ظاهر ای فرزند نشانهای هویدا ای فرزند

العلوم الكاملة يا ابن السنن المشهورة يا ابن المعالم

علوم کامل ای فرزند شرایع و طریقهای مشهور ای فرزند نشانهای

المأثورة يا ابن المعجزات الموجودة يا ابن الدلائل المشهودة

مذکور ای فرزند معجزهای ثابت ای فرزند دلیلهای گواهی داده شده

يا ابن الصراط المستقيم يا ابن النبأ العظيم يا ابن من

ای فرزند راه راست ای فرزند خبر بزرگ ای فرزند آنکه

هو في امّ الكتاب لدى الله عليّ حكيم يا ابن الآيات

او در لوح محفوظ نزد خدا بلند مرتبت راست گفتار است ای فرزند نشانها



وَالْبَيِّنَاتِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ يَا ابْنَ الْبَرَاهِينِ

و معجزهای روشن ای فرزند دلیلهای روشن ای فرزند برهانهای

الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ يَا ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ يَا ابْنَ النِّعَمِ

روشن آشکار ای فرزند حجتهای رسای کامل ای فرزند نعمتهای

(يَا ابْنَ يس وَالذَّارِيَاتِ)

السَّابِغَاتِ يَا ابْنَ طه وَالْمُحْكَمَاتِ يَا ابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ

تمام کامل ای فرزند طه و آیات محکمه متقنه ای فرزند یس و الذاریات ای فرزند

يَا ابْنَ مَنْ دَنَى فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى

ای فرزند آنکه نزدیک شد آفتاب نزدیک شد پس بود قرب او اندازه دو کمان یا نزدیکتر

دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ

نزدیکی و قربی نسبت بخداوند بلند مرتبه برتر کاش دانستمی که کدام جهة

اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَيُّ أَرْضٍ تُقِلُّكَ أَوِ الثَّرَى

قرار گرفت ترا قصد بلکه کدام زمین برمیدارد ترا یا کدام خاک :

أَبِرَضْوَى أَمْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طُوَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى

نمناک آیا برضوا یا غیر آن یا در ذی طوی مشکلست و گران است بر من آنکه ببینم

الْخَلْقَ وَلَا تُرَى وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيسًا وَلَا نَجْوَى

خلق را دیده نشوی تو و نشنوم ترا آواز نرمی و در راز

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ لَا تُحِيطَ بِي دُونَكَ الْبَلْوَى وَلَا يَنَالُكَ

بر من آنکه فرا نگیرد مرا بی حضور تو رحمت و نرسد ترا از من

مِنِّي ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوَى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ

فریاد و نه شکایتی فدای تو گردم پنهان گردیده که غافل

مِنَّا



منا بنفسی انت من نازح ینزح عنا بنفسی انت امنیة

نیست از ما فدای تو گردم دوری که دوری نکند از ما فدای تو گردم است آرزوی

شائق یتمنی من مؤمن ومؤمنة ذکرا فحنا بنفسی انت

آرزومندی که خواهش کند از مرد گرونده و زن گرونده که یاد کند مشتاق شوند فدای تو گردم

من عقید عز لا یجازی بنفسی انت من تلاد و نعم لا

بسته عزتی همسری کرده نشود فدای تو گردم زاده نعمتهائی که شباهت داشته نشود

تضاهی بنفسی انت من نصیف شرف لا یساوی الی

متی احار فیک یا مولای الی

فدای تو گردم بستانی شرافتی که برابری کرده نشود تا کی تضرع کنم یعنی حیران در

متی وای خطاب اصف فیک وای نجوی عزیز علی

تا کی و کدام خطاب بستایم ترا و کدام راز گران است بر من

ان اجاب دونک و اناغی عزیز علی ان ابکیک و یخذلک

اگر سخن کرده شوم بی تو و گفتگو کرده شوم گران است بر من اگر بگریم ترا و واگذارند ترا

الوری عزیز علی ان یجری علیک ما جری هل من معین

خلایق گران است بر من اگر جاری شود نه ایشان بر تو آنچه جاری شد آیا هیچ مددکار

فاطیل معه العویل والبکاء هل من جزوع فاساعد

پس دراز کنم با وی ناله و زاری را آیا هیچ جزع کننده پس یاری کنم

جزعه اذا خلا هل قذیت عین فساعدها عینی علی

جزع او را چون تنها شود آیا بر هم خورده شده است دیده پس مدد کند او را دیده من

القذی هل الیک یابن احمد سبیل فتلقی هل یتصل

بر هم خوردگی آیا هست بسوی تو ای فرزند احمد راهی پس ملاقات کرده شوی آیا



يومنا منك بعد فنحظى متى نرد مناهلك الروية

اوز خواری ما از خدمت تو بیفزاید حرب آن پس بهره ور گردیم که دار ادنوم

فنروى متى ننتقع من عذب مائك فقد طال الصدى

پس سیراب شویم ایا منتفع شویم از آب پاکیزه شیرین پس بحقیقت بطول انجامید

متى نغاديك ونراوحك فنقر عيوننا متى ترانا

ایا کی باشد که بامداد ایم ترا در شبانگاه پس روشنی شود دیدهای کی بینی تو

ونراك وقد نشرت لواء النصر ترى اترانا نحف

و بحقیقت برانگیخته باشی علم نصرت را حالت اگر نمایان باشی

بك وانت تام الملاء وقد ملأت الارض عدلا واذقت

و تو پیشوای بزرگان خلق را و بحقیقت پر کرده باشی زمین را از عدل

اعداءك هوانا وعقابا وابرت العتاة وجحدة

دشمنان خود را خواری و عقوبت و هلاک نموده باشی از حد گذرندگان و منکران

الحق وقطعت دابر المتكبرين واجتثثت اصول

حق را و قطع کرده باشی تبار گردنکشان را و برکنده باشی ریشهای

الظالمين ونحن نقول الحمد لله رب العالمين اللهم

ستمکاران را و ما گوییم که سپاس مر خدای را پروردگار جهانیان خداوندا

انت كشاف الكرب والبلوى واليك استعدى فعندك

توئی دور کننده اندوه و محنت و بلوی و تو یاری میجویم پس نزد تو

العدوى انت رب الاخرة والاولى فاغث يا غياث

یاری و تو پروردگار آن جهان و این جهان پس بفریاد رس ای فریادرس

المستغيثين

الْمُسْتَغِيثَ بِكَ عَبْدُكَ الْمُبْتَلَى وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ

فریادرس طلب کن بنده خود را افتاده شده در بلا و بنما با و آقای او را ای صاحب

الْقُوَى وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ

توانائیهای سخت و زایل کن از و برکت آنحضرت حزن و اندوه را و سردی ده

يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَمَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى

ای آنکه او بر عرش مستولی است و ای آنکه بسوی او است بازگشت و منتهی شدن

اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَى وَلِيِّكَ الْمُذَكِّرِ بِكَ

خداوندا و ما بندگان تو اشتیاق دارند کانیم بسوی حجت تو که یادآوری کننده

وَبِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذاً وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَاماً

پیغمبر تو آفریدی او را برای ما نگاه دارنده و پناه و برپا داشتی او را برای ما

وَمَعَاذاً وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَاماً فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً

و پناه و گردانیدی او را برای گروندگان از ما پیشوا پس برسان او را از ما درود

وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَاماً وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرّاً

و افزون کن ما را بسبب آن ای پروردگار من از روی نوازش و بگردان آرامگاه او را برای ما

وَمُقَاماً وَأَتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا حَتَّى

و آرامگاه و تمام کن نعمت خود را به پیش داشتن تو او را پیش ما تا آنکه

تُورِدَنَا جِنَانَكَ وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ

فرود آوری ما را در بهشتهای خود و رفاقت خود شهیدان از خالصان خود

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ وَصَلِّ عَلَى جَدِّهِ

خداوندا رحمت بفرست بر حجت خود و خداوند امر خود و رحمت بفرست بر جد او



محمد رسولك السيد الاكبر وصل على ابنه السيد القسور

محمد رسول خدا مهتر بزرگتر و رحمت بفرست بر پسر برادر و بزرگ شیر

وحامل اللواء في المحشر وساقي اوليائه من نهر الكوثر

و برادرزاده علم حمد در روز حشر و آب دهنده دوستان از نهر کوثر

والامير على سائر البشر الذي من امن به فقد ظفر ومن لم

و پادشاه فرمان فرما بر همه آدمیان آنکه هرکه گرویده بوی به تحقیق فیروزی یافت

يؤمن به فقد خطر وكفر صلى الله عليه وعلى اخيه وعلى

نگرویده و به تحقیق هلاک گردید رحمت برادر و برادرزاده

نجليهما الميامين الغرر ما طلعت شمس وما اضاء

فرزندان ایشان که برکت ... مادام که برآید آفتاب

قمر وعلى جدتهم الصديقة الكبرى فاطمة الزهراء

و ماه که روشنی بخشد ... فاطمه زهرا

بنت محمد المصطفى وعلى من اصطفيت من ابائه البررة

دختر محمد برگزیده و بر آنکه برگزیدی از پدران نیکوکاران

عليه افضل واكمل وادوم واكثر واوفر ما صليت

برادر بهتر ... از

على احد من اصفيائك وخيرتك من خلقك وصل

تو بر یکی از برگزیدگان خدا ... از آفریدگان خود

عليه صلوة لا غاية لعددها ولا نهاية لمددها ولا

برادر رحمتی که نباشد پایانی مر شماره آن را ...

نهاد



نَفَادًا لِأَمَدِهَا اَللّٰهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ وَادْحَضْ بِهِ الْبَاطِلَ وَ

شدن را برای مدت آن خداوندا و بپای دار با و حق را و ناچیز کن بسبب او باطل را و

أَدِلْ بِهِ أَوْلِيَائَكَ وَأَذِلَّ بِهِ أَعْدَائَكَ وَصَلِّ اللّٰهُمَّ نَبِيَّنَا

غالب گردان با و دوستان خود را و خوار کن بسبب او دشمنان خود را و پیوستگی ده خداوندا پیامبر ما

وُصْلَةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ

پیوستگی که برساند بسوی رفاقت پدران او و بگردان ما را از آنانکه فرا گیرند

بِحُجَزِهِمْ وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ وَ

دامان ایشان را و فرا گیرند در میانه ایشان و مدد کن ما را بر رسانیدن حقوق او

الِاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَالِاجْتِنَابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ

کوشش نمودن در فرمان برداری او و دوری نمودن از نافرمانی او

وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَائَهُ

و منت گذار بر ما بخشنودی او و ببخش ما را مهربانی و بخشش او و دعای او

وَخَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزًا عِنْدَكَ وَاجْعَلْ

و خیر او آنچه برسیم بسبب آن گشایشی که از رحمت تو و فیروزی نزد تو و بگردان

صَلَوَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَدُعَائَنَا بِهِ مُسْتَجَابًا

نمازهای ما را ببرکت او پذیرفته و گناهان ما را بحرمت او آمرزیده و دعای ما را بحرمت

وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَّةً وَحَوَائِجَنَا

و بگردان روزیهای ما را بحرمت او پهن کرده شده و غمهای ما را بحرمت او دفع کرده شده

بِهِ مَقْضِيَّةً وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنَا

بحرمت او برآورده شده و روکن بسوی ما بروی رحمت بزرگوار خدا و بپذیر نزدیکی جستن



إليك وانظر إلينا نظرة رحيمة نستكمل بها الكرامة
بسوی تو و بنگر بسوی ما نگریستنی با مهربانی که کامل کنیم بآن نوازش را
عندك ثم لا تصرفها عنا بجودك واسقنا من حوض جدّه
نزد تو پس برمگردان نظر مهربان را از ما به بخشش خود و آب ده ما را از حوض جدّ
بكأسه وبيده ريّاً رويّاً هنيئاً سائغاً لا ظمأ بعده يا
بجام او و بدست او سیراب کامل گوارای خوش آینده که نباشد تشنگی بعد از آن ای
ارحم الراحمين واما طريق صلواة فرستادن بر ايشان
بخشنده‌ترین بخشندگان شیخ طوسی رحمه الله بسند معتبر روایت
کرده است که عبد الله ابن محمد گفت که من سؤال کردم از
امام حسن عسکری که املا نماید بر من کیفیت صلوات فرستادن
بر حضرت رسول و اوصیاء آنحضرت صلواة الله علیهم را و با
خود حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی را پس بر من املا فرمود بی آنکه
از کتابی املا کند باین نحو اللهم صلّ علی محمد وآل محمد کما
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه
حمل وحيك وبلّغ رسالاتك وصلّ على محمد كما احلّ حلالك وحرّم
برداشت وحی را و رسانید پیغام ترا و رحمت فرست بر محمد چنانکه حلال کرد حلال ترا و حرام کرد
حرامك وعلّم كتابك وصلّ على محمد كما اقام الصلوة و
حرام ترا و آموزانید کتاب ترا و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانکه بپا داشت نماز را و
ادّى الزكوة ودعا الى دينك وصلّ على محمد كما صدّق
داد زکات را و خواند بسوی دین تو و رحمت بفرست بر محمد چنانکه باور کرد



بِوَعدِكَ وَاَشفَقَ مِن وَعِيدِكَ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ كَما غَفَرتَ بِهِ

وعده تو را و ترسید از وعده تو را و ترسید از وعید تو و رحمت بفرست بر محمد چنانچه

الذُّنُوبَ وَسَتَرتَ بِهِ العُيُوبَ وَفَرَّجتَ بِهِ الكُرُوبَ وَ

گناهان را و پوشیدی بحرمت او ناپسندیها را و زایل کردی باو اندوهها را و

صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ كَما رَفَعتَ بِهِ الشَّقاءَ وَكَشَفتَ بِهِ الغَمّاءَ

رحمت بفرست بر محمد چنانچه رفع کردی برکت او بدبختی را و زایل باو اندوه

وَاَحيَيتَ بِهِ البِلادَ وَقَصَمتَ بِهِ الجَبابِرَةَ وَاَهلَكتَ

و بپرورش بوسیله او ازبلاد و بلاد را و در هم شکستی باو گردنکشان را و نیست کردی

بِهِ الفَراعِنَةَ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ كَما اَضعَفتَ بِهِ الاَموالَ وَ

باو از گذرندگان را و رحمت بفرست بر محمد چنانچه فزون کردی برکت او مالها را و

حَذَّرتَ بِهِ مِنَ الاَهوالِ وَكَسَرتَ بِهِ الاَصنامَ وَرَحِمتَ

ترسانیدی بواسطه او از شدائد و شکستی باو بتها را و بخشش نمودی

بِهِ الاَنامَ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ كَما بَعَثتَهُ بِخَيرِ الاَديانِ وَتَبَّرتَ

باو آدمیان را و رحمت بفرست بر محمد چنانچه فرستادی او را از بهترین ملت

بِهِ الاَوثانَ وَعَظَّمتَ بِهِ البَيتَ الحَرامَ وَصَلِّ عَلى

و غالب کردانیدی باو ایمان را و بزرگ کردانیدی باو خانه محترم را رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَاَهلِ بَيتِهِ الطّاهِرِينَ الاَخيارِ وَسَلِّم تَسلِيماً

محمد و خانواده او که پاکان و نیکوکاران اند و درود فرست درود

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى اَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ اَبِي طالِبٍ اَخِي

خداوندا رحمت بفرست بر امیر علیه پادشاه گروندگان علی پسر ابوطالب برادر پیغمبر



نبيك ووليه ووصيه ووزيره ومستودع علمه

پیغمبر تو دوست او وصی او وبردارنده گرانی ازاو واقرارگاه علم او

وموضع سره وباب حكمته والناطق بحجته والداعي

وجایگاه راز او ودر حکمت او وگوینده بحجت او وخواننده

الى شريعته وخليفته في امته ومفرج الكرب

بسوی ملت وطریقه او وجانشین او درامت او وزایل کننده اندوهها از

وجهه قاصم الكفرة ومرغم الفجرة والذي جعلته

پیش روی او برهم شکننده ناگرویدگان وخوار کننده بدکاران وآنکه گردانیدی

من نبيك بمنزلة هرون من موسى اللهم وال من والاه

نسبت به پیغمبر خود بمنزله هرون نسبت بموسی خداوندا دوست دار آنکه دوست دارد او را

وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله

ودشمن دار آن را که دشمن داشت او را یاری کن او را که یاری کرد او را وخوار گذار آنکه خوار گذاشت او را

والعن من نصب له من الاولين والاخرين وصل

ولعنت کن او را که دشمنی کرد او را از پیشینیان وپسینیان ورحمت بفرست

عليه افضل ما صليت على احد من اوصياء انبيائك

بر او بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از وصیهای پیغمبرانت

يا رب العالمين اللهم صل على الصديقة فاطمة الزكية

ای پروردگار عالمیان خداوندا رحمت فرست بر راستگوی پاکیزه فاطمه پاک

حبيبة حبيبك ونبيك وام احبائك واصفيائك

دوست دوستت وپیغمبر تو ومادر دوستان تو وبرگزیدگان تو

التي

الّتی انتجبتها و فضّلتها و اخترتها علی نساء العالمین اللّهمّ
آنکه برگزیدی اورا وزیادتی دادی اورا واختیار کردی اورا برزنان جهان خداوندا
کن الطّالب لها ممّن ظلمها واستخفّ بحقّها وکن الثّائر
باش طلب کننده برای او از آنکه ستم کرد اورا وسبک شمرد حق اورا و باش طلب کننده
اللّهمّ بدم اولادها اللّهمّ وکما جعلتها امّ ائمّة الهدی
خداوندا بخون فرزندان اورا خداوندا وچنانچه گردانیدی اورا مادر پیشوایان راه راست
وحلیلة صاحب اللّواء والکریمة عند الملاء الاعلی فصلّ
وزن صاحب رایت وعلم وعزیز گوار نزد بزرگان حملت بر تر پس رحمت
علیها وعلی امّها صلوة تکرم بها وجه ابیها محمّد صلّی الله علیه وآله
براو وبر مادر او رحمتی که گرامی داری بآن روی پدر او محمد را
وتقرّ بها اعین ذرّیّتها وابلغهم عنّی فی هذه السّاعة
وروشن کنی بآن دیدهای فرزندان اورا وبرسان بایشان از من درین ساعت
افضل التّحیّة والسّلام اللّهمّ صلّ علی الحسن و
بهترین درود وسلام خداوندا رحمت بفرست بر حسن و
الحسین عبدیک وولیّیک وابنی رسولک وسبطی
حسین دو بنده تو ودو دوست تو ودو پسر پیغمبر تو ودو فرزندزاده
الرّحمة وسیّدی شباب اهل الجنّة افضل ما
رحمت تو ودو بزرگ جوانان اهل بهشت بهتر از آنچه
صلّیت علی احد من اولاد النّبیّین والمرسلین اللّهمّ
رحمت فرستادی بر یکی از فرزندان پیغمبران وفرستادگان خداوندا



صلّ علی الحسن بن علیّ سیّد النبیین و وصیّ امیر المؤمنین
رحمت فرست بر حسن پسر ع بزرگ پیغمبران و وصی پادشاه گروندگان

السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن
درود بر تو ای فرزند رسول خدا درود بر تو ای فرزند

سیّد الوصیّین اشهد انّک یا ابن امیر المؤمنین وامین الله
بزرگ اوصیا گواهی میدهم که بتحقیق تو ای فرزند پادشاه گروندگان

وابن امینه عشت مظلوما ومضیت شهیدا واشهد
و فرزند امانت دار او زندگانی کردی ستم رسیده و گذشتی شهید و گواهی

انّک الامام الزکیّ الهادی المهدیّ اللهم صلّ
که بتحقیق بدی پیشوای پاک راهنمای راه یافته خداوندا رحمت فرست

علیه وبلّغ روحه وجسده عنّی فی هذه الساعة
براو و برسان بروح او و بدن او از من درین ساعت

افضل التحیّة والسلام اللهم صلّ علی الحسین بن
بهترین درود و سلام را خداوندا رحمت فرست بر حسین پسر

علیّ المظلوم الشهید قتیل الکفرة وطریح الفجرة و
ع ستم رسیده شهید کشته ناگروندگان و افکنده شده بدکاران

السلام علیک یا اباعبد الله السلام علیک یا ابن
درود بر تو ای اباعبدالله درود بر تو ای پسر

رسول الله السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین اشهد
رسول خدا درود بر تو ای فرزند پادشاه گروندگان گواهی

موفی

مُوقِنًا اَنَّكَ اَمِينُ اللّٰهِ وَابْنُ اَمِينِهِ قُتِلْتَ مَظْلُومًا وَ

یقین دارنده که بتحقیق تو معتمد خدا و فرزند معتمد اوی کشته شدی ستمرسیده

مَضَيْتَ شَهِيدًا وَاَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ تَعَالَى الطَّالِبُ

و گذشتی شهادت یافته و گواهی میدهم اینکه بتحقیق خدا که برتر است او مطالب کننده

بِثَارِكَ وَمُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالتَّاْيِيدِ فِي

خون تو را و روا کننده است انچه را که وعده کرد بتو از یاری نمودن و قوت دادن در

هَلَاكِ عَدُوِّكَ وَاِظْهَارِ دَعْوَتِكَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ وَفَيْتَ

هلاک نمودن دشمن تو و ظاهر ساختن دعوت تو و گواهی میدهم اینکه بتحقیق تو وفا کردی

بِعَهْدِ اللّٰهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَبَدْتَ اللّٰهَ

به پیمان خدا و کارزار نمودی در راه خدا و پرستیدن خدا را

مُخْلِصًا حَتَّى اَتٰيكَ الْيَقِينُ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ

حالی که خالص کننده پرستش بودی تا آمد ترا مرگ لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا

وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً خَذَلَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَلَّبَتْ

و لعنت کند خدا گروهی را که واگذاشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که جمع شدند

عَلَيْكَ وَاَبْرَءُ اِلَى اللّٰهِ تَعَالَى مِمَّنْ اَكْذَبَكَ وَاسْتَخَفَّ

بر جنگ تو و بیزاری میجویم بسوی تو خدا که برتر است او از آنکه دروغ نسبت داد ترا و سبک شمرد

بِحَقِّكَ وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ

حق ترا و حلال داشت خون ترا فدای تو باد پدر و مادرم ای ابا عبد الله

لَعَنَ اللّٰهُ قَاتِلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ خَاذِلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ

لعنت کند خدا کشنده ترا و لعنت کند خدا واگذارنده ترا و لعنت کند خدا کسی را



سمع داعيتك فلم يجبك ولم ينصرك ولعن الله من

کسی که شنید فریاد ترا پس اجابت نکرد ترا و یاری نکرد ترا و لعنت خدا آن را

سبا نساءك انا الى الله منهم بريء وممن والاهم

که اسیر کرد زنان ترا که من بسوی خدا بیزاری جوینده و از آنکه دوست داشت ایشان را

وما لاهم واعانهم عليه اشهد انك والائمة

و همراهی کرد ایشان را و مدد کرد ایشان را بر آن گواهی میدهم که بتحقیق تو و پیشوایان

من ولدك كلمة التقوى وباب الهدى و

از فرزندان تو کلمه پرهیزکاری و در راه یافتگی و

العروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد

دست آویز محکم و حجت بر اهل دنیا و گواهی میدهم

انى بكم مؤمن وبمنزلتكم موقن ولكم تابع بذات

که بتحقیق من بشما گرونده ام و بمنزلت شما یقین دارنده و مر شما را پیروی کننده

نفسى وشرايع دينى وخواتيم عملى ومنقلبى فى دنياى

نفس خود و طریقهای دین خود و آخر کارهای خود و بازگشت خود در دنیا

واخرتى اللهم صل على على بن الحسين سيد العابدين

و آخرت خود خدایا رحمت فرست بر علی بن حسین بزرگ پرستندگان

الذى استخلصته لنفسك وجعلت منه ائمة

آنکه خالص گردانیدی او را برای ذات خود و گردانیدی از او پیشوایان

الهدى الذين يهدون بالحق وبه يعدلون اخترته لنفسك

هدایت را آنکه راه نمایند براه راست و بآن عدالت کنند برگزیدی او را

وطهرته



وطهرته من الرجس واصطفيته وجعلته هاديا

و پاک گردانیدی اورا از آلایش گناه و برگزیدی اورا و گردانیدی اورا راه نمای

مهديا اللهم فصل عليه افضل ما صليت

راه یافته خداوندا پس رحمت فرست بر او بهتر آنچه رحمت بفرست

على احد من ذرية انبيائك حتى تبلغ به ما تقر

بر یکی از فرزندزادگان پیغمبران حق تا آنکه اورا برسانی بآنچه روشن شود

به عينه في الدنيا والاخرة انك عزيز حكيم اللهم

بآن دیده او در اینجهان و آنجهان بدرستیکه تو غالب درست کرداری

صل على محمد بن على باقر العلم وامام الهدى

رحمت بفرست بر محمد پسر علی شگافنده علم و پیشوای راه راست

وقائد اهل التقوى والمنتجب من عبادك اللهم

و پیشرو پرهیزکاران و برگزیده شده از بندگان تو خداوندا

وكما جعلته علما لعبادك ومنارا لبلادك و

و چنانچه گردانیدی اورا نشانه هدایت برای بندگان حق و روشنی شهرها

مستودعا لحكمتك ومترجما لوحيك وامرت

و قرارگاه حکمت و علم حق و بیان کننده وحی حق و امر کردی بفرمان

بطاعته وحذرت من معصيته فصل عليه

برداری او و ترسانیدی از نافرمانی او پس رحمت بفرست بر او

يا رب افضل ما صليت على احد من ذرية

ای پروردگار من بهترین رحمتی که فرستادی بر یکی از فرزندان



أنبيائك وأصفيائك ورسلك وأمنائك يا ربّ

پیغمبران حق و برگزیدگان حق و فرستادگان حق و امانت داران حق ای پروردگار

العالمين اللّهمّ صلّ على جعفر بن محمّد الصّادق

جهانیان خداوندا رحمت بفرست بر جعفر فرزند محمد راستگوی

وخازن العلم الدّاعي إليك بالحقّ النّور المبين

و خزینه دار علم است خواننده بسوی تو بدلیل درست روشن هویدا

اللّهمّ وكما جعلته معدن كلامك ووحيك

خداوندا و چنانچه گردانیدی اورا قرارگاه کلام حق و وحی حق

وخازن علمك ولسان توحيدك ووليّ أمرك

و خزانه دار علم حق و زبان توحید حق و خداوند امر حق

ومستحفظ دينك فصلّ عليه أفضل ما صلّيت

و نگاه دارنده دین حق پس رحمت فرست براو بهتر از آنچه برادران رحمت فرستادی

على أحد من أصفيائك وحججك إنّك حميد مجيد

بر یکی از برگزیدگان حق و حجتهای حق بدرستی تو ستوده بزرگواری

اللّهمّ صلّ على الأمين المؤتمن موسى بن جعفر

خداوندا رحمت فرست بر معتمد امانت داده شده موسی پسر جعفر

البرّ الوفيّ الطّاهر الزّكيّ النّور المبين المجتهد

نیکوکار وفا کننده پاک پاکیزه روشنائی روشن کوشش کننده

المحتسب الصّابر على الأذى فيك اللّهمّ وكما

با اخلاص صبر کننده بر آزارها در راه تو خداوندا و چنانکه

بلغ



بلّغ عن آبائه ما استودع من امرك ونهيك وحمل

و چنانچه رسانید از پدران خود آنچه سپرده شده بود از امر تو و نهی تو و برداشت

على المحجّة وكابد اهل العزّة والشدّة فيما كان يلقى

بر راه راست و تعب کشید از اهل عزت و شدت در آنچه بود که میدید از

من جهّال قومه ربّ فصلّ على محمّد افضل واكمل ما

جهال قوم خود ای پروردگار پس رحمت بفرست بر محمد بهتر و کاملتر از آنچه

صلّيت على احد ممّن اطاعك ونصح لعبادك

رحمت فرستادی بر هیچ از آنکه فرمانبرداری نمود ترا و پند داد بندگان ترا

انّك غفور رحيم اللّهمّ صلّ على عليّ بن موسى

بدرستیکه تو آمرزنده مهربانی خداوندا رحمت فرست بر علی پسر موسی

الّذي ارتضيته ورضيت به من شئت من خلقك

آنکه پسندیدی او را و خشنود گردانیدی و آنرا که خواستی از خلق خود

اللّهمّ وكما جعلته حجّة على خلقك وقائما

خداوندا و چنانچه گردانیدی او را حجت بر خلق خود و قائم ماننده

بامرك وناصرا لدينك وشاهدا على عبادك

بامر خود و یاری کننده دین خود و گواه بر بندگان خود

وكما نصح لهم في السرّ والعلانية ودعا الى

و چنانچه پند داد ایشان را در پنهانی و آشکارا و خواند ایشان را بسوی

سبيلك بالحكمة والموعظة الحسنة فصلّ

راه خود بدانش محکم و پند نیکو پس رحمت بفرست



عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك و

بر او بهتر از انچه رحمت فرستادی بر یکی از دوستان خود و

خيرتك من خلقك انك جواد كريم اللهم صل على

برگزیدگان خود از خلق خود بدرستیکه تو بخشنده بزرگواری خداوندا رحمت فرست بر

محمد بن علي علم التقى ونور الهدى ومعدن الوفاء

محمد پسر علی نشانه پرهیزکاری و روشنائی راه راست و قرارگاه وفا و فرزند

وفرع الازكياء وخليفة الاوصياء وامينك

پاکان و جانشین اوصیا و معتمد تو

على وحيك اللهم وكما هديت به من الضلالة

بر وحی تو خداوندا و چنانچه راه نمائی کردی باو از گمراهی

واستنقذت به من الحيرة وارشدت به من اهتدى

و رهاندی بوسیله از حیرت و سرگشتگی و راه نمودی باو آن را که راه یافت

وزكيت به من تزكى فصل عليه افضل ما صليت

و پاک گردانیدی ببرکت او آن را که پاک شد پس رحمت فرست بر او بهتر از انچه رحمت فرستادی

على احد من اوليائك وبقية اوصيائك انك

بر یکی از پیغمبران خود و باقی مانده اوصیای خود بدرستیکه تو

عزيز حكيم اللهم صل على علي بن محمد وصي الاوصياء

غالب درستکاری خداوندا رحمت فرست بر علی پسر محمد وصی اوصیاء

وامام الاتقياء وخلف ائمة الدين والحجة على

و پیشوای پرهیزکاران و جانشین پیشوایان دین و حجت بر

الخلائق

الخلائق اجمعين اللهم كما جعلته نورا يستضيء به

خلایق همگی خداوندا چنانچه گردانیدی او را روشنائی که روشنی جویند باو

المؤمنون فبشر بالجزيل من ثوابك وانذر بالاليم

گروندگان پس مژده داد بوافر از ثواب تو و ترسانید به دردناک

من عقابك وحذر بأسك وذكر باياتك واحل

از عقوبت تو و بیم فرمود از سختی گرفتن و یاد آوری نمود بآیتها و حلال داشت

حلالك وحرم حرامك وبين شرايعك وفرائضك

حلال تورا و حرام کرد حرام تورا و ظاهر گردانید طریقهای دین ترا و واجبات ترا

وحض على عبادتك وامر بطاعتك ونهى عن

و بر انگیخت بر پرستش تو و امر کرد بفرمان برداری تو و منع کرد از

معصيتك فصل عليه افضل ما صليت على احد من

نافرمانی تو پس رحمت فرست بر او بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از

اوليائك وذرية انبيائك يا اله العالمين اللهم

دوستان خود و فرزندان پیغمبران خود ای خدای جهانیان خداوندا

صل على الحسن بن علي البر التقي الصادق الوفي

رحمت فرست بر حسن پسر علی نیکوکار پرهیزکار راستگو و وفا کننده

النور المضيء خازن علمك والمذكر بتوحيدك و

روشنائی روشن خازن علم تو و یاد آوری کننده بیگانگی تو و

ولي امرك وخلف ائمة الدين الهداة الراشدين

متولی امر تو و جانشین پیشوایان دین که راهنمایان راه یافتگانند



وَالحُجَّةِ عَلَى اَهلِ الدُّنيا فَصَلِّ عَلَيهِ يا رَبِّ اَفضَلَ

وحجت بر اهل دنیا پس رحمت بفرست بر او ای پروردگار بهتر

ما صَلَّيتَ عَلى اَحَدٍ مِن اَصفِيائِكَ وَحُجَجِكَ وَاَولادِ

از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از برگزیدگان خود و حجتهای خود و فرزندان

رُسُلِكَ يا اِلهَ العالَمِينَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى وَلِيِّكَ

پیغمبران خود ای خداوند جهانیان خداوندا رحمت بفرست بر دوست خود

وَابنِ اَولِيائِكَ الَّذِينَ فَرَضتَ طاعَتَهُم وَاَوجَبتَ

و فرزند دوستان خود آنکه لازم کردی اطاعت ایشان را و ثابت گردانیدی

حَقَّهُم وَاَذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وَطَهَّرتَهُم تَطهِيراً

[حق] ایشان را و بردی از ایشان گناه را و پاک گردانیدی ایشان را

اَللّهُمَّ انصُرهُ وَانتَصِر بِهِ لِدِينِكَ وَانصُر بِهِ اَولِياءَكَ

خداوندا یاری کن او را و انتقام بکش به او برای دین خود و یاری کن به او دوستان خود را

وَاَولِيائَهُ وَشِيعَتَهُ وَاَنصارَهُ وَاجعَلنا مِنهُم اَللّهُمَّ

و دوستان او را و پیروان او را و یاوران او را و بگردان ما را از ایشان خداوندا

اَعِذهُ مِن شَرِّ كُلِّ باغٍ وَطاغٍ وَمِن شَرِّ جَمِيعِ خَلقِكَ

پناه ده او را از شر هر ستمکاری و گردنکشی و از شر همه خلق خود

وَاحفَظهُ مِن بَينِ يَدَيهِ وَمِن خَلفِهِ وَعَن يَمِينِهِ وَعَن

و نگاه دار او را از پیش روی او و از عقب او و از طرف راست او و از طرف

شِمالِهِ وَاحرُسهُ وَامنَعهُ مِن اَن يُوصَلَ اِلَيهِ بِسُوءٍ

چپ او و حراست کن او را و باز دار او را از آنکه رسانیده شود به او بدی

واحفظ



وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَاَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ
در عايت كن در حق او حرمت پيغمبر خود را و آل پيغمبر خود را وظاهر كن بسبب او عدل را

وَاَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَانْصُرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَاقْصِمْ
و قوی كن اورا بياری نمودن و ياری كن ياوران او را و فرو گذار فرو گذارندگان

بِهِ جَبَابِرَةَ الْكَفَرَةِ وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ
با وستمكاران كافران او بكش بدست نا كردندگان را دو رو يان را

وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا فِي مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَ
و همه بيدينان را اينجا كه بوده باشند از جاهای بيرون آمدن آفتاب

مَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَامْلَأْ بِهِ الْاَرْضَ عَدْلاً وَ
جاهای فرو رفتن آفتاب آن و خشك آن و دريای آن و پر كن بسبب او زمين را از عدل

اَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَاجْعَلْنِي
ظاهر كن با و دين پيغمبر خود را بر او و آل او و باد درود و بگردان مرا

اَللّٰهُمَّ مِنْ اَنْصَارِهِ وَاَعْوَانِهِ وَاَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ
خدايا ياری كنندگان از ياوران او و مددكاران او و پيروان و گروه او

اَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَاْمُلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ
و بنما مرا در حق آل محمد آنچه آرزو كنند ايشان در باره دشمنان ايشان آنچه

اِلٰهَ الْحَقِّ آمِينَ. باب دوازدهم در بيان نمازهای واجب
ای خدای بحق اجابت كن

ب‍ب دوازدهم

كه مخصوص روزی و ماهی نيست و نما
زهای سنت كه اختصاص بوقتی ندارند و اعمالی كه



بغیر ماهها عربی تعلق دارند و درا نهشت فصل است

فصل اول در بیان نماز ایات است بدانکه این نماز واجبست
نزد کسوف افتاب وخسوف ماه خواه کل بگیرند وخواه
بعض ودر زلزله که زمین بلرزد ومشهور این است که
هر اسبی که از جانب اسمان نازل شود که موجب خوف عامه
خلق گردد این نماز واجب میشود مانند بادهای بسیار
شدید که بر خلاف عادة باشد خواه رنگین باشد وخواه
نباشد وصاعقهای عظیم ورعدهای بسیار شدید وتاریک
شدن هوا وامثال اینها واین قول اقوی است وکیفیت این
نماز انست که قصد کند که نماز افتاب گرفتن یا ماه گرفتن یا
زلزله یا ایات میکنم ادا از جهت انکه واجبست برای رضای
خدا قربة الی الله پس تکبیر احرام بگوید وحمد ویکسوره بخواند
پس رکوع کند پس سر بردارد و سنت است که در سر برداشتن
الله اکبر بگوید پس حمد وسوره بخواند پس رکوع کند تا انکه پنج
رکوع بعمل اورد واز رکوع پنجم سر بردارد سمع الله لمن حمده
بگوید وبعد از ان بسجود رود ودو سجده بجا اورد پس برخیزد و
یکرکعت بجا اورد بدستور رکعت اول بعد از حمد بعضی از سوره
را بخواند وبرکوع رود وبعد از سر برداشتن باقی سوره را بخواند
اعاده حمد که در رکوع اول خواند اکتفا میکند وهم چنین نمی کند

فصل اول

واگر سوره

واگر سوره که پنج آیه باشد تفریق کند بر رکوعها بیک حمد که
در رکوع اول خوانده اکتفا میکند و همچنین در رکعت دوم
بیک حمد و سوره چنین که تفریق کند اکتفا میتواند کرد و بهتر آنست
که بطریق اول بکند و بعد حمد و ده سوره بجا آورد اگر وقت
تنگ نباشد و اول وقت نماز کسوف و خسوف ابتدای گرفتن است
و آخر وقت بقول مشهور ابتدای منجلی شدن است و اظهر نزد
فقیر و جمعی از محققین آنست که تا تمام منجلی نشود وقتش باقیست
و نماز زلزله و امثاله که وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور
در تمام عمر اداست و اگر کسی ترک کند نماز مذکور را با حدوث
یکی از اسباب مذکوره مشهور میان علما آنست که قضا کند
این نماز را مطلقا و جمعی گفته اند که بر ناسی که فراموش کرده باشد
قضا نیست مادام که تمام قرص نگرفته باشد و عمل بمشهور
احوط است و اگر مطلع نشود تا وقت بدر رود و مشهور میان
اصحاب آنست که قضای کسوفین واجب نیست مگر آنکه
تمام قرص گرفته باشد و جمعی گفته اند واجبست مطلقا
و قول اول اقوی و ثانی احوط است و مستحبست که این نماز
را بجماعت بجا آورند و طول بدهند بقدر زمان کسوف و
خسوف و هرگاه از نماز فارغ شود و انجلا نشده باشد
و اقوی آنست که اعاده نماز مستحبست و بعضی واجب دانسته اند



خواندن سورهای طولانی با وسعت وقت و برابر ساختن رکوع
و سجود با قراءت و مستحب است قنوت خواندن پیش از رکوع دوم
و چهارم و ششم و هشتم و دهم و اگر در ایام زلزله إنّ الله یمسک
مکرر این آیه را بخواند بسیار مناسبت — بدرستیکه خدا نگاه میدارد
السّموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما
آسمانها را و زمین را بجهة آنکه نخواهد که زایل شوند از مکان خود و اگر زایل شوند
من احد من بعده انه کان حلیما غفورا و از حضرت امام
نگاه دارد آنها را هیچ کس از بعد او بدرستی که او هست بردبار آمرزنده
رضا منقولست که
هر که در وقت خواب این آیه را بخواند بر سرش خراب نشود

فصل دوم

فصل دوم در نماز استسقا است یعنی نماز طلب باران در
وقتی که باران کم آید و آب چاهها و چشمها کم شود و کیفیت
این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور و بجماعت
باید کرد و در قنوتهایش طلب رحمت و استغفار از گناهان و
طلب باران باید کرد و بهترین دعاها دعای نوزدهم صحیفه کامله است
و اکثر گفته اند که وقتش میان طلوع آفتابست تا زوال و باید
امام امر کند مردم را که سه روز روزه بدارند و روز سیم
ایشان را بیرون برد و بهتر آنست که روز سیم جمعه باشد یا دوشنبه
و بصحرا بیرون پای برهنه با سکینه و وقار و موذنان
عصا بدست گرفته پیش روی امام بروند و چون امام



از نماز

از نماز فارغ شود بر منبر بالا رود و ردا را بگرداند بانکه جانب
راست را بجانب چپ برد و جانب چپ را بجانب راست بگرداند
و صد مرتبه سبحان الله بگوید پس بجانب چپ بگردد و صد مرتبه
لا اله الا الله بگوید رو بر مردم کند و صد مرتبه الحمد لله
بگوید و گفته اند که مردم در ذکرها موافقت کنند با او
در گشتن ردا پس دو خطبه بخواند و مبالغه کند در استغفار
و دعا و طلب رحمت و خطبهای منقوله بهتر است و دور
نیست که اگر این ذکرها را بعد از خطبه بخواند بازخوب باشد
فصل ششم در بیان نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله
سید ابن طاوس قدس الله روحه بسند معتبر از حضرت امام
رضا روایت کرده است که از آن حضرت سؤال کردند از نماز
جعفر طیار حضرت فرمود که چرا غافلی از نماز حضرت رسول
شاید حضرت رسول نماز جعفر را نکرده باشد و شاید جعفر
نماز آنحضرت را کرده باشد راوی گفت پس آن نماز را تعلیم
کن بمن حضرت فرمود که دو رکعت نماز میکنی و در هر رکعت یک
مرتبه فاتحه و پانزده مرتبه سوره انا انزلناه میخوانی پس
در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجده اول و در سر
برداشتن و در سجدهٔ اول و در سر برداشتن هر یک پانزده
مرتبه سوره قدر را میخوانی پس میخوانی پس تشهد میخوانی و سلام



میکوئی وچون فارغشوی میان تو وخدا گناهی نماند مگر
انکه امرزیده شده است وهر حاجت که بطلبی رواست وبعد
از ان این لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّ اٰبَائِنَا الْاَوَّلِیْنَ
دعا میخوانی نیست سزاوار پرستش بجز خدا پروردگار ما و پروردگار پدران ما پیشینان
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُوْنَ لَا اِلٰهَ
نیست سزاوار پرستش بجز خدا خدای یگانه و ما برای او گردن نهنده گانیم نیست سزاوار
اِلَّا اللّٰهُ لَا نَعْبُدُ اِلَّا اِیَّاهُ مُخْلِصِیْنَ لَهُ الدِّیْنَ وَلَوْ كَرِهَ
پرستش بجز خدا نمی پرستیم جز او را حال آنکه خالص کننده گانیم برای او عبادت را اگرچه
الْكَافِرُوْنَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ
ناخوش دارند کافران نیست سزاوار پرستش بجز خدا حال آنکه یگانه بود آنکه وفا کرد وعده خود را و یاری
وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ
وعده خود را و یاری نمود بنده خود را و درهم شکست طوایف لشکرها را تنها
الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ
پادشاهی و مر او راست سپاس و او بر همه چیز توانا است بار خدایا تویی
نُوْرُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِیْهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ
روشنی بخش آسمانها و زمین آنکه در آنهاست مر تراست سپاس و تویی به
قِیَامُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِیْهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ
پا دارنده آسمانهاست و زمین و آنکه در آنهاست پس مر تراست سپاس
اَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَاِنْجَازُكَ
و تویی خداوند بحق و وعده تو راست و گفتار تو راست و روا گردان تو

حق

حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ اللّٰهُمَّ لَكَ اَسْلَمْتُ وَ
حق و بهشت حق و دوزخ حق است خداوندا مر تراست گردن نهادم
بِكَ اٰمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ وَاِلَيْكَ
بتو گرویده ام و بر تو اعتماد نموده ام و بتو میکنم مخاصمه خود را و بسوی تو می آورم
حَاكَمْتُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا
حکم خود را ای پروردگار من ای پروردگار من بیامرز برای من آنچه پیش داشته ام و آنچه
اَخَّرْتُ وَاَسْرَرْتُ وَاَعْلَنْتُ اَنْتَ يَا اِلٰهِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
باز پس داشته ام و پنهان داشته ام و آشکار نموده ام تو معبودی نیست معبودی بحق مگر تو
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا و رحم کن مرا و بپذیر توبه مرا بدرستی که تو
اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ مؤلف گوید که این نماز از نمازهای
تو توبه پذیرنده و مهربانی مشهور است و عامه و خاصه در
کتب خود روایت کرده اند و بعضی این را از نمازهای روز
جمعه شمرده اند و از روایت اختصاص معلوم نمی شود و ظاهرا
در سایر ایام توان کرد فصل چهارم در بیان نماز حضرت
امیر المؤمنین ع است ابن بابویه و عیاشی و کلینی و شیخ
و دیگران رضی الله عنهم بسندهای صحیح و حسن و معتبر
بسیار از حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که چهار رکعت
نماز بگذارد یعنی بدو سلام و در هر رکعت بعد از

مؤلف گوید

فصل چهارم



سوره فاتحه پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد را بخواند
چون فارغ گردد میان او و حق تعالی گناهی نماند مگر آنکه
امر زیده شده باشد و شیخ از حضرت صادق روایت کرده
که هر که چهار رکعت نماز امیر المؤمنین ص بجا آورد از گناهان بیرون
آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و حاجتهای
او برآورده شود در هر رکعت سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره
توحید بخواند و چون فارغ شود این سبحان من لا تبید
دعا را بخواند که تسبیح آنحضرت است پاکست آنکه باین نمیرسد
معالمه سبحان من لا تنقص خزائنه سبحان من لا اضمحلال
نشانهای او پاکست آنکه کم نمیگردد خزانهای او پاکست آنکه نیست زوالی
لفخره سبحان من لا ینفد ما عنده سبحان من لا انقطاع
برای بزرگی او پاکست آنکه باین نمیرسد آنچه نزد اوست پاکست آنکه نیست بریدن
لمدته سبحان من لا یشارک احد فی امره سبحان من
برای مدت پاکست آنکه شریک نمیگردد کسی را در کار خود پاکست آنکه نیست
لا اله غیره پس این یا من عفی عن السیئات و لم
خدای پرستش غیر او دعا بخواند ای آنکه درگذشته از بدیها و بپاداش
یجازبها ارحم عبدک یا الله یا الله نفسی نفسی انا عبدک
نداده بر آنها رحم کن بنده خود را ای خدا ای خدا کرد در باب نفس من النفس من
یا سیداه انا عبدک بین یدیک یا رباه بک یا الهی
ای بزرگ من بنده تو در پیش توام ای پروردگار بتو کرم الهی خدای من

بکسوتک

بِكَينونَتِكَ يا آمِلاه يا رَحماناه يا غِياثاه عَبدُكَ

بکینونت تو ای امیدگاه ای بخشنده ای فریادرس بنده خود را

عَبدُكَ لا حيلةَ لَه يا مُنتَهى رَغبَتاه يا مُجرِيَ الدَّمِ في

بنده خود را نیست چاره اورا ای منتهای خواهشها ای روان سازنده خون در

عُروقِ عَبدِكَ يا سَيِّداه يا مالِكاه ايا هُوَ ايا هُوَ يا

رگهای من بنده توام ای بزرگ ای خداوند ای خدا ای خدا ای پروردگار

رَبّاه عَبدُكَ لا حيلَةَ لي وَلا غِنى بي عَن نَفسي وَلا استَطيعُ

پروردگار بنده توام نیست چاره مرا و نیست بی نیازی از جانب خودم و نمی توانم

لَها ضَرّاً وَلا نَفعاً وَلا اَجِدُ مَن اُصانِعُهُ تَقَطَّعَت اَسبابُ

برای نفس خود زیانی و نه سودی و نمی یابم کسی را که رشوه دهم اورا بریده شده وسیلهای

الخَدائِعِ عَنّي وَاضمَحَلَّ كُلُّ مَظنونٍ عَنّي اَفرَدَنِي الدَّهرُ اِلَيكَ

فریبها از من و درهم شد هر گمان برده شده نزد من تنها گذاشته مرا روزگار بسوی تو

فَقُمتُ بَينَ يَدَيكَ هذَا المَقامَ يا اِلهي بِعِلمِكَ هذا

پس ایستاده ام در پیش تو در این جایگاه ای خدای من بدانش تو این همه

كانَ كُلُّهُ فَكَيفَ اَنتَ صانِعٌ بي وَلَيتَ شِعري كَيفَ

مذکور شده است همه آن چگونه تو معامله با من و کاش دانستمی که چگونه جواب میگویی

تَقولُ لِدُعائي اَتَقولُ نَعَم اَم تَقولُ لا فَاِن قُلتَ

مر دعای مرا آیا میگویی پس اگر گفتی آری پس ای وای برمن ای وای اگر گفتی

لا فَيا وَيلي يا وَيلي يا عَولي يا عَولي يا شِقوَتي

پس ای وای برمن ای وای برمن ای وای برمن ای فغان من ای فغان ای فغان من ای



یا شقوتی یا شقوتی یا ذلی یا ذلی الی

ای بدبختی من ای بدبختی من ای خواری من ای خواری من

من و ممن او عند من او کیف او ماذا او الی ای شیء

وا از که یا نزد که ایا چگونه یا چه امر یا بسوی کدام چیز

الجاء و من ارجوا و من یجود علی بفضله حین ترفضنی یا

پناه برم و کرا امید دارم و بخشش کند بر من به بخشش خود انگاه که واگذاری ای

واسع المغفرة و ان قلت نعم کما هو الظن بك و الرجا

فراخ کرده امرزش واگر گوئی بلی چنانچه است گمان بتو و امید مر تراست

لك فطوبی لی انا السعید و انا المسعود فطوبی لی و انا

پس خوشحالا مرا خواهد بود می خواهم بود نیکبخت و من خواهم بود داده شده پس خوشی

المرحوم یا مترحم یا مترئف یا متعطف یا متجبر یا متملك

خواهد بود بخشوده شده ای بخشنده ای بخشنده ای بسیار مهربان ای بزرگوار

یا مقسط لا عمل لی مع نجاح حاجتی اسئلك باسمك

ای عدالت کننده نخواهد بود عملی مرا با روا شدن حاجت من سوال میکنم ترا بحرمت نام تو

الذی جعلته فی مکنون غیبك و استقر عندك

آنچنانکه گردانیدی آن را در پوشیده علم پنهانی خود و قرار گرفته نزد تو پس

فلا یخرج منك الی شیء سواك اللهم به و بك و بك

پس بیرون نرود از نزد تو بسوی چیزی غیر تو خداوندا بحرمت آن نام دیگر

و به فانه اجل و اشرف اسمائك لا شیء لی غیر هذا

دیگر آن زیرا که بتحقیق آن بزرگوارتر و شریفتر نیست چیزی

ولا احد

وَلَا اَعُودُ عَلَی مِنْکَ یَا کَیْنُونُ یَا مُکَوِّنُ یَا مَنْ عَرَّفَنِی نَفْسَهُ

ونه کسی مهربانتر برمن از تو ای موجود ای حیاکننده ای آنکه شناسانید بنده را ذات خود احد

یَا مَنْ اَمَرَنِی بِطَاعَتِهِ یَا مَنْ نَهَانِی عَنْ مَعْصِیَتِهِ وَیَا مَدْعُوُّ

ای آنکه امر کرد مرا بفرمان برداری خود ای آنکه منع کرد مرا از نافرمانی خود وای خوانده شده

وَیَا مَسْئُولُ یَا مَطْلُوبًا اِلَیْهِ وَفَضْتُ وَصِیَّتَکَ الَّتِی

وای سؤال کرده شده ای رغبت داشته شده بسوی او وا گذاشتم وصیت ترا وصیتی که

اَوْصَیْتَنِی بِهَا وَلَمْ اُطِعْکَ وَلَوْ اَطَعْتُکَ فِیمَا اَمَرْتَنِی

وصیت کردی مرا بآن و فرمان برداری نکردم ترا و اگر فرمان برداری کردمی ترا در آنچه فرمودی

لَکَفَیْتَنِی مَا قُمْتُ اِلَیْکَ فِیهِ وَاَنَا مَعَ مَعْصِیَتِی لَکَ

کفایت کردی مرا آنچه را که ایستادم بسوی تو در آن و من با نافرمانی ترا

رَاجٍ فَلَا تَحُلْ بَیْنِی وَبَیْنَ مَا رَجَوْتُ یَا مُتَرَحِّمًا لِی اَعِذْنِی

امید دارم پس حایل مشو میان من و میان آنچه امید دارم ای بخشایش کننده بر من پناه ده

مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَمِنْ خَلْفِی وَمِنْ فَوْقِی وَمِنْ تَحْتِی وَمِنْ

از آنچه پیش روی من و از پس من و از بالای من و از زیر من و از

کُلِّ جِهَاتِ الْاِحَاطَةِ بِی اَللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ سَیِّدِی وَبِعَلِیٍّ وَلِیِّی

همه طرفهایی که فرو گرفته مرا خداوندا بحرمت محمد بزرگ من و بحق علی صاحب

وَبِالْاَئِمَّةِ الرَّاشِدِینَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ اجْعَلْ عَلَیْنَا

وبحرمت پیشوایان راه یابندگان که بر ایشان باد درود وبگردان بر ما

صَلَوَاتِکَ وَرَاْفَتَکَ وَرَحْمَتَکَ وَاَوْسِعْ عَلَیْنَا مِنْ

رحمتهای خاص خود و مهربانی خود و رحمت خود و بخشش خود را و فراخ کن بر ما از



رِزْقِكَ وَاقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَجَمِيعَ حَوَائِجِنَا يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ

روزی خود وادا کن از ما قرض را و همه حاجتهای ما را ای خدا ای خدا

يَا اَللّٰهُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس حضرت فرمود که هر که

ای خدا بدرستی تو بر هر چیزی توانائی

این نماز را بکند و این دعا را

بخواند هیچ گناهی میان او و خدا باقی نماند مگر آنکه آمرزیده

فصل پنجم در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرة فاطمه

صلواة الله علیها است سید ابن طاوس قدس سره بسند معتبر

از حضرة صادق روایت کرده است که فرمود که مادرم فاطمه

علیها السلام دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل تعلیم او کرده بود

و در رکعت اول بعد از سوره حمد صد مرتبه سوره قدر و

در رکعت دوم صد مرتبه سوره توحید میخواند و چون سلام

می گفت این دعا را می خواند

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ

پاکست خداوند عزت با رفعت بلند پایه پاکست خداوند دارنده بزرگی

الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ

بلند قدر بزرگ است پاکست خداوند پادشاهی بزرگ دیرینه

سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى

پاک است پوشیده نیکوئی و نیکوئی را پاک است آنکه پوشیده ردای

بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى اَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا

روشنائی و برد باری را پاک است آنکه می بیند نشان مورچه را در سنگ صاف

سبحان

سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ
پاکست آنکه می بیند فرود آمدن مرغ را در هوا پاکست آنکه او چنین است
هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ و سید گفته است که در روایت
و نیست چنین غیر او دیگر وارد شده است که بعد از
تسبیح مشهور حضرت فاطمه را که بعد از هر نماز خوانده می
شود بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلواة بر محمد و آل محمد
بفرستد و شیخ رحمه الله در مصباح این نماز را مرسل
روایت کرده است و گفته است که چون سلام بگوئی تسبیح
فاطمه را بخوان و این دعا را بخوان یعنی دعائی که پیش
مذکور شد پس گفته است که سزاوار است برای کسی
که این نماز را بکند و از این دعا فارغ شود زانوهای و
ذراعهای خود را برهنه کند و بسجده رود و در همه
مساجد سبعه را برساند که جامه در میان مانع نباشد
و دعا کند و دعا کند و حاجات خود را از خدا طلب نماید
و در سجده این يَا مَنْ لَيْسَ غَيْرُهُ رَبٌّ يُدْعَى يَا مَنْ لَيْسَ
دعا بخواند ای آنکه نیست غیر او پروردگاری که خوانده شود ای آنکه نیست
فَوْقَهُ إِلَهٌ يُخْشَى يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلِكٌ يُتَّقَى يَا مَنْ
فوق او خدائی که ترسیده شود ای آنکه نیست غیر او پادشاهی که پرهیز کرده شود ای آنکه
لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى
نیست برای او وزیری که آیند نزد او ای آنکه نیست برای او واسطه که رشوه داده



يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُغْشَى يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ

ای آنکه زیاد نکند بیست برای او در بانی که ایشان گروه شوند ای آنکه زیاد کند بر بسیار سؤال

إِلَّا كَرَماً وَجُوداً وَعَلَى كَثْرَةِ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْواً وَصَفْحاً

مگر نوازش و بخشش او بر بسیاری گناهان مگر عفو و در گذشتن

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا حاجتهای

برحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن نسبت بمن چنان و چنان خود را

یاد کند **فصل ششم** در بیان فضیلت و کیفیت و احکام

فصل ششم

نماز جعفر طیار است بدانکه این نماز از جمله متواترات

و خاصه و عامه بسندهای بسیار روایت کرده اند و مخالفان

نیز این نماز را مستحب میدانند مگر نادری از ایشان اما اکثر

ایشان که عداوت باطنی که با امیر المؤمنین و اقارب آنحضرت

دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر نسبت داده اند و بعد از

نوافل شبانروزی نمازی بحسب صحت سند و کثرت ثواب

با این نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین

منقولست که چون جعفر طیار برادر حضرت امیر المؤمنین

از هجرت حبشه مراجعت نموده در روزی آمد که فتح خیبر

بدست امیر المؤمنین شده بود حضرت رسول بقدر یک تیر

پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش بر جمال عدیم

المثال آن حضرت افتاد مشتاقانه بجانب آنحضرت دوید حضرت



اورا دو بوکش

او را در بر گرفت و دست در گردن او در آورد و ساعتی با او
سخن گفت پس بر ناقهٔ غضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود
ساخت و چون ناقه براه افتاد حضرت فرمود که ای جعفر ای
برادر میخواهی بخششی بزرگی کنم نسبت بتو میخواهی ترا
برگزینم مردم گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر باو
عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی پدر و مادرم فدای تو
باد پس حضرت تسبیح را باو تعلیم نمود و حضرت صادق فرمود
که صفتش اینست که آن چهار رکعتست بدو تشهد و بدو
سلام و در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ اذا زلزلت میخواند
و در رکعت دویم سورهٔ والعادیات و در رکعت سیم سورهٔ
اذا جاء نصر الله و در رکعت چهارم سورهٔ قل هو الله احد و
در هر رکعت بعد از فراغ از قراءت پانزده مرتبه میگوئی
سُبحانَ اللهِ وَالحمدُ لِلهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اکبَرُ و
در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه میگوید و چون سر از
رکوع بر میدارد ده مرتبه میگوید و در سجدهٔ اول
ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجدهٔ دوم
ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه
و در هر چهار رکعت چنین میکند که مجموع سیصد مرتبه
شود و هزار تسبیح بوده باشد و بروایت معتبر دیگر حضرت

حضرت رسول فرمود که هر روز اگر بکنی بهتر است از برای
تو از دنیا و هر چه در او هست و اگر هر دو روز یکبار بکنی گناه
که در میان این دو نماز کرده آمرزیده شود و اگر در هر جمعه
بکنی یا در ماهی یا در سالی یک مرتبه بکنی هر گناهی که در
میان دو نماز کرده آمرزیده شود و بروایت معتبره دیگر
اگر بعدد کف دریاها و بعدد ریگ بیابان گناه بر تو باشد
خدا بیامرزد و اگر از جنگ گریخته باشی که بدترین گنا
هاست خدا ترا بیامرزد و بروایت دیگر اگر توانی هر روز
بکن و اگر نتوانی هفته یکبار و اگر نتوانی سالی یکبار و اگر
نتوانی در عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان کبیره و صغیره
و تازه و کهنه و عمد و خطای ترا بیامرزد و اما دعاها که در
این نماز مستحبست کلینی بسند معتبر از حضرت صادق
روایت کرده است که در سجده آخر سُبحانَ مَن لَبِسَ العِزَّ وَ
نماز جعفر فارغ شوی پس بگو
پاکست آنکه پوشنده جامه عزت
الوَقار سُبحانَ مَن تَعَطَّفَ بِالمَجدِ وَ تَکَرَّمَ بِهِ سُبحانَ
و بزرگواری و برد باری را تنزیه میکنم آن را که احاطه کرده ردای بزرگواری را و نوازش نموده
مَن لا یَنبَغِی التَّسبیحُ اِلّا لَهُ سُبحانَ مَن اَحصی کُلَّ
که سزاوار نیست تنزیه کردن مگر او را تنزیه میکنم آن را که شمرده هر چیزی را
شَیءٍ عِلمُهُ سُبحانَ ذِی المَنِّ وَ النِّعَمِ سُبحانَ ذِی القُدرَةِ
دانستن او تنزیه میکنم خداوند نعمتها و انعام تنزیه میکنم خداوند

والامر

والامر اللهم انی اسئلك بمعاقد العز من عرشك

و فرمان را خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بجاهای بستن عزت از عرش تو

ومنتهی الرحمة من کتابك واسمك الاعظم وکلماتك

ونهایت رحمت از کتاب تو وبحرمت نام بزرگتر تو وکلمات تو

التامة التی تمت صدقا وعدلا صل علی محمد واهل

کامل تو که تمامند براستی ودرستی رحمت فرست بر محمد وخانواده او

بیته پس حاجت خودرا ذکر کند وشیخ در مصباح این

دعا را روایت کرده است سبحان ذی القدرة والکرم

با این زیادتی

پاك است خداوند توانای وبزرگواری

سبحان ذی العزة والفضل سبحان ذی القوة والطول

پاك است خداوند عزت وفضل پاکست خداوند توانای وانعام

اللهم انی اسئلك تا اخر دعا وایضا شیخ وسید از

خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو

مفضل بن عمر روایت کرده اند که

گفت دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق نماز جعفر را

بجا آوردند پس این دعا را خواندند یا رب یا رب بقدر یکی

که یک نفس وفا کند یا رباه یا رباه بقدر یکنفس رب

رب بقدر یک نفس یا الله یا الله بقدر یکنفس یا رحیم

یا رحیم بقدر یکنفس یا رحمن یا رحمن هفت مرتبه یا ارحم

الراحمین هفت مرتبه پس این دعا خواندند اللهم انی

خداوندا بدرستی که



افتتح القول بحمدك وانطق بالثناء عليك وامجدك

میکنم گفتار خود را بسپاس تو و سخن میگویم بستایش تو و بزرگ میشمارم ترا

ولا غاية لمدحك والثناء عليك ومن يبلغ غاية

و نیست نهایتی مر مدحت ترا و ستایش میکنیم ترا که تواند رسید بنهایت ستایش ترا

ثنائك وامد مجدك وانّى لخليقتك كنه معرفة مجدك

و بپایان بزرگواری ترا و کجاست آفریدگان ترا حقیقت شناسائی بزرگواری تو

وای زمن لم تكن ممدوحا بفضلك موصوفا بمجدك

و کدام زمان بود که نبودی ستوده شده بفضل خود وصف کرده شده ببزرگواری خود

عوّادا على المذنبين بحلمك تخلّف سكان ارضك

بازگشت نفع رساننده بر گناهکاران ببردباری خود پس باز ماندند ساکنان زمین تو

عن طاعتك فكنت عليهم عطوفا بجودك جوادا

از فرمانبرداری تو پس هستی تو بر ایشان مهربان ببخشش خود بخشنده

بفضلك عوّادا بكرمك يا لا اله الا انت

ببخشش خود نفع رساننده ببزرگواری خود ای آنکه نیست معبودی بجز تو

المنان ذو الجلال والاكرام پس حضرت فرمود که

انعام کننده خداوند بزرگواری و نوازش

ای مفضل هرگاه ترا

حاجتی ضروری بوده باشد نماز جعفر را بکن و این دعا

را بکن و حوائج خود را از خدا طلب کن که برآورده می

شود انشاء الله تعالی دعای بعد از این نماز بروایت



شیخ و سید

شیخ وسید رحمهما سبحان من لبس العز وتردی به الله

پاک است کسیکه پوشیده لباس عزت و در بر کرد آن

سبحان من تعطف بالمجد وتکرم به سبحان من لا ینبغی

پاک است کسیکه فرا گرفت ردای بزرگواری را پاک است کسیکه سزاوار نیست

التسبیح الا له جل جلاله سبحان من احصی کل

تسبیح مگر از برای او بزرگ است بزرگواری او پاک است کسیکه فرا گرفته است هر

شیء بعلمه وخلقه بقدرته سبحان ذی المن و

چیزی بدانش خود و آفرید اورا و آفرید اورا پاک است صاحب منت و

النعم سبحان ذی القدرة والکرم اللهم انی اسألک

نعمت پاک است صاحب توانائی و بزرگواری خدایا بدرستیکه سوال می کنم ترا

بمعاقد العز من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک

بمحل بستن عزت از عرش تو و منتهای رحمت از کتاب تو

وباسمک الاعظم وکلماتک التامات التی تمت

و بنام تو که بزرگ است و کلمات تو که تمام است در تمام است

صدقا وعدلا ان تصلی علی محمد وآل محمد الطیبین

و عدل است و درست است آنکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد که پاکان

الطاهرین وان تجمع لی خیر الدنیا والآخرة بعد

پاکیزگانند و آنکه فراهم آوری از برای من خیر دنیا و آخرت پس

عمر طویل اللهم انت الحی القیوم العلی العظیم

از عمر دراز خداوندا تو زنده پاینده بلند مرتبه بزرگ



الخالق الرازق المحيي المميت البدئ البديع لك

آفریننده روزی دهنده زنده کننده میراننده پدید آورنده نو پدید آورنده مر تراست

الكرم ولك الحمد ولك المنّ ولك الجود ولك الامر

بزرگواری و مر تراست ستایش و مر تراست منت و مر تراست بخشش و مر تراست امر

وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد يا صمد يا من

یگانه تو نیست شریک از برای تو ای یگانه ای یکتا ای ... ای آنکه

لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا اهل التقوى

نمیزاید و نزاده شد و نمی باشد برابر او هیچ کس ای اهل پرهیزکاری

ويا اهل المغفرة يا ارحم الراحمين يا عفو يا غفور

وای اهل آمرزش ای رحیم ترین رحم کنندگان ای بخشنده ای آمرزنده

يا ودود يا شكور انت ابرّ من ابي وامي وارحم

ای دوست ای شکر گذارنده تو نیکوکارتری از پدر و مادر من و رحم کن

بي من نفسي ومن الناس اجمعين يا جواد اللهم

بمن از نفس من و از مردمان همه ای بخشنده خداوندا

اني صليت هذه الصلوة ابتغاء مرضاتك

بدرستی که من نماز گذاردم این نماز را بجهت خوشنودی رضای تو

وطلب نائلك ومعروفك ورجاء رفدك وجائزتك

وطلب عطای تو و احسان تو و امید عطای تو و جایزه تو

وعظيم عفوك وقديم غفرانك اللهم صلّ على

و بزرگی گذشتن تو و دیرینه آمرزش تو خداوندا رحمت کن بر

محمد وآل محمد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْفَعْهَا فِي عِلِّيِّينَ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي
محمد وآل محمد وبلند کن آن را در مرتبه بلند وقبول کن آن را از من
وَاجْعَلْ نَائِلَكَ وَمَعْرُوفَكَ وَرَجَاءَ مَا أَرْجُو مِنْكَ
وبگردان عطای خود واحسان خود وامیدواری آنکه امید دارم از تو
فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَمَا جَمَعَ
آزادی گردن من از آتش ورستگاری به بهشت وآنچه فراهم آورد
مِنْ أَنْوَاعِ النَّعِيمِ وَمِنْ حُسْنِ الْحُورِ الْعِينِ وَاجْعَلْ
از انواع نعمتها و نیکو حور عین وبگردان
جَائِزَتِي مِنْكَ الْعِتْقَ مِنَ النَّارِ وَغُفْرَانَ ذُنُوبِي
بخشش مرا از تو آزادی از آتش وآمرزیدن گناهان من
وَذُنُوبِ وَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَجَمِيعِ إِخْوَانِي وَ
وگناهان پدر ومادر من وآنکه زایند وهمه برادران من و
أَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَ
خواهران من مؤمن از مردان وزنان از مؤمنه ومردان مسلمان و
الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَأَنْ
زنان مسلمه زنده از ایشان ومرده وآنکه
تَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَتَرْحَمَ صَرْخَتِي وَنِدَائِي وَلَا تَرُدَّنِي
مستجاب کنی دعای مرا ورحم کنی ناله مرا وآواز مرا ونگردانی مرا
خَائِبًا خَاسِرًا وَاقْلِبْنِي مُنْجِحًا مُفْلِحًا مَرْحُومًا
محروم زیان کار وبازگردان مرا کامیاب رستگار رحمت کرده شده



مستجابا دعائی مغفورا لی یا ارحم الراحمین یا

مستجاب کرده دعای مرا امرزیده شده برای من ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای

عظیم یا عظیم یا عظیم قد عظم الذنب من عبدک

بزرگ ای بزرگ ای بزرگ بتحقیق که بزرگ است گناه بنده تو

فلیحسن العفو منک یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة

پس باید نیکو باشد درگذشتن از تو ای نیکو درگذرنده ای وسیع امرزش

یا باسط الیدین بالرحمة یا نفاحا بالخیرات یا معطی

ای گشاینده دستها را برحمت ای بخشنده نیکوئیها ای بخشنده

المسئولات یا فکاک الرقاب من النار صل علی محمد

سؤالها ای ازاد کننده گردنها از اتش رحمت کن بر محمد

وال محمد رقبتی من النار واعطنی سؤلی واستجب لی دعائی

وال محمد گردن مرا از اتش وعطا کن سؤال مرا ومستجاب کن دعای مرا

وارحم صرختی وتضرعی وندائی واقض لی حوائجی

ورحم کن ناله مرا وزاری مرا وندای مرا وبرآور حاجت مرا

کلها لدنیای واخرتی ودینی وما ذکرت منها

همه ان از دنیای من واخرت من ودین من وانکه ذکر کردم از انها

وما لم اذکر واجعل لی فی ذلک الخیر ولا تردنی خائبا

وانکه ذکر نکردم وبگردان از برای من در این نیکی را وبرمگردان محروم

خاسرا واقلبنی مفلحا منجحا مستجابا لی دعائی مغفورا

زیان کار وبرگردان مرا رستگار کامیاب مستجاب کرده دعای مرا امرزیده

مرحوما

مَرْحُوماً یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ یا مُحَمَّدُ یا اَبَا الْقاسِمِ یا رَسُولَ
رحمت کرده شده ای رحم‌کننده‌ترین رحم کنندگان ای محمد ای ابا القاسم ای رسول
اللهِ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ اَنَا عَبْدُکُما وَمَوْلاکُما غَیْرُ مُسْتَنْکِفٍ
خدا ای امیر مؤمنان منم بندهٔ شما و آزادکردهٔ شما حال آنکه عار ندارم و از
وَلا مُسْتَکْبِرٍ بَلْ خاضِعٌ ذَلیلٌ عَبْدٌ مُقِرٌّ مُتَمَسِّکٌ بِحَبْلِکُما
و نه گردن‌کشی کننده بلکه فروتنی کننده خوار بندهٔ اقرارکننده چنگ زننده بریسمان شما
مُعْتَصِمٌ مِنْ ذُنُوبی بِوِلایَتِکُما اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ تَعالی
چنگ زننده‌ام از گناهان خود به دوستی شما نزدیکی می‌جویم بسوی خدا بلند مرتبه
بِکُما وَاَتَوَسَّلُ اِلَی اللهِ بِکُما وَاُقَدِّمُکُما بَیْنَ یَدَیْ
بشما و وسیله می‌جویم بسوی خدا بشما و پیش می‌دارم شما را در پیش روی حاجتهای خود
حَوائِجی اِلَی اللهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاشْفَعا لی فی فَکاکِ رَقَبَتی
حوائج خود را بسوی خدا غالب و بزرگ پس شفاعت کنید از برای من در آزادی گردن من
مِنَ النّارِ وَغُفْرانِ ذُنُوبی وَاِجابَةِ دُعائی اَللّهُمَّ
از آتش و آمرزش گناهان من و مستجاب بودن دعای من خدایا
فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَقَبَّلْ دُعائی یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
پس رحمت کن بر محمد و آل او و قبول کن دعای مرا ای رحم‌کننده‌ترین رحم کنندگان

اما احکام این نماز در چند مقصد ایراد مینمائیم اول
بدانکه مشهور میان علما و اقوی آنست که نماز جعفر را
بجای نوافل شبانروزی میتوان کرد که بهر دو حساب شود



٥٦٦

وهم چنین نیست قضای نافله میتوان کرد که بهر دو حساب شود
وهم چنین واحادیث بر این مضامین وارد شده است و بعضی
تجویز کرده اند که نماز فریضه را ادا و قضا به کیفیت نماز
جعفر بکنند و خالی از قوتی نیست ولیکن احوط ترک است
دوم روایه شده و اکثر علما گفته اند که کسی که ضرورتی
و تعجیلی داشته باشد میتوان کرد نماز جعفر را بدون تعقیبات
را در راه بخواند سیم حدیث صحیح وارد شده است که
کسی که دو رکعت از نماز جعفر را بکند و او را امر ضروری رو دهد
میتواند بان کار برود و دو رکعت دیگر را بجا آورد
در وقت دیگر بکند و اگر بدون عذر چنین نکند و همه را با
هم بکند بهتر است چهارم روایت معتبری از حضرت قائم وارد
شده است که کسی که تسبیحات نماز جعفر را در موضعی فراموش
کند هر وقت که بخاطرش اید بخواند و از علما کسی متعرض این
حکم نشده است و اگر باین روایت عمل کند ظاهرا باک نباشد
پنجم خلافست در تعیین سورها که مستحب است که در این
نماز خوانده شود و مشهور آنست که در رکعت اول اذا زلزلت
و در دوم والعادیات و در سیم اذا جاء نصر الله و در چهارم قل
هو الله احد بخواند و ابن بابویه و پدرش در رکعت اول الزلزال
والعادیات و در رکعت دویم اذا زلزلت گفته اند و در روایتی



در اول اذا زلزلت و در دوم اذا جاء و در سیم انا انزلنا
و در چهارم توحید وارد شده است و در روایت صحیحی وارد
شده است که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون و قل هو الله
هر دو را بخواند و در روایتی وارد شده است که هر سوره
که خواهد بخواند و ابن بابویه گفته است که همه را به سوره
توحید اکتفا میتوان کرد و ظاهرا همه خوبست اگرچه اول
و سیم افضل است **اول** بدانکه مشهور است که تسبیحات
بعد از سجده دوم رکعت اول و سیم را نشسته میخواند
و بعضی گفته اند بعد از برخاستن برکعت دیگر پیش از
قراءت میخواند و عمل بمشهور اولی است **هفتم** بعضی (هفتم)
گفته اند که چهار رکعت را بیک سلام میکند و مشهور و
اقوی دو سلام است چنانچه گذشت **هشتم** مشهور (هشتم)
میان علما است که تسبیحات این نماز که پیش از رکوع
خوانند بعد از قراءت میباید خواند و ابن بابویه موافق
بعضی از روایات قایل شده اند که مخیر است میان آنکه
پیش از قراءت یا بعد از قراءت و عمل بمشهور اقوی و
اولی است **فصل اول** در بیان فضیلت و اعمال روز (فصل اول)
نوروز است بدانکه میان علما در تعیین روز نوروز
اختلاف بسیار هست بعضی گفته اند دهم ایار است که



ازمانهای رومی وبعضی گفته اند نهم شباط
است ومشهور است که اول انتقال شمس است
ببرج حمل چنانچه در این ازمنه معمولست واین
مطلب را در کتاب بحار الانوار بسط عظیمی داده‌ام
واین رساله گنجایش ذکر آنها ندارد وبگمان فقیر
همین نوروز که در این ازمنه مشهور است اقر
بست بصواب واضبط است در حساب اگر
بنای اعمال را براین بگذارند ظاهرا بدنیست و
اما فضایل واعمال این روز باسانید معتبره از معلی
ابن خنیس که از خواص اصحاب حضرت صادق ع
بوده است منقولست که گفت روزی نوروز
در خدمت حضرت صادق رفتم فرمود آیا میشناسی
این روز را گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجم
آنرا تعظیم میکنند ودر این روز تحفها وهدیها برای
یکدیگر میفرستند حضرت فرمود بحق خانه کعبه
که در مکه معظم است که این تعظیم کردن نیست مگر
برای امر قدیمی که تفسیر میکنم آنرا از برای تو تا
بفهمی آنرا گفتم ای سید وآقای من دانستن اینرا
بنزد شما محبوبتر است نزد من از آنکه مردگانم

زنده شوند



زنده شوند و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای
معلّی بدرستی که روز نوروز روزیست که حقتعالی در اینر
وز پیمان بندگانش را کرفت از ارواح ایشان بر
روز الست که او را بیکانکی پرستند و برای او شریکی
قرار ندهند و دو بندکی و پرستیدن هیچ چیز را شریک
او نکردانند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان
و حجتهای او بر خلق و امامان و پیشوایان دین
و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و این
اول روزیست که در آن افتاب طلوع کرده و
بادهای ابستن کننده درختان وزیده است و کلها
و شکوفهای زمین افریده شده است و در اینروز
کشتی حضرت نوح بعد از طوفان بر کوه جودی قرار
کرفت و اینروزیست که حقتعالی حیوة بخشید چندین
هزار کس را که از مرک کریختند یعنی از طاعون و
بیکدفعه خداوند قهار همه را میراند پس بعد از مدتها
که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بر این
استخوانها کذشت و از پروردکار خود سوال کرد
که باو بنماید که چکونه این استخوانهای پوسیده را
زنده میکرداند پس حقتعالی وحی فرستاد بسوی او



که آب بر بر این استخوانهای ایشان در همانجای خود که
هستند پس همه بقدرة الهی زنده شدند و این اول سال
فرس و عجم است و باین سبب سنت شد که ابر یکدیگر
بریزند یا آب بر خود بریزند و غسل کنند و حقتعالی در
قران مجید اشاره فرموده باین قصه در انجا که امر فرموده
اَلَمْ تَرَ اِلَی الَّذِینَ خَرَجُوا مِنْ دِیَارِهِمْ وَهُمْ اُلُوفٌ حَذَرَ
آیا نظر نمی‌کنی بسوی آنانکه بیرون رفتند از شهرهای خود و حال آنکه ایشان هزاران بودند از ترس
اَلْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللّٰهُ مُوتُوا ثُمَّ اَحْیَاهُمْ و مفسران گفته
مرگ پس گفت خدا از برای ایشان بمیرید پس زنده کرد ایشان را
که پیغمبر حضرت
بود حضرة فرمود که ایشان سی هزار کس بودند و فرمود که
در این روز جبرئیل بر حضرت رسول ص بوحی نازل شده است
یعنی نوروز موافق روز مبعث بوده که بیست و هفتم ماه
مبارک رجبست و فرمود که اینروز است که اینروزست
که حضرة رسالت پناه بتهای کفار قریش را در مکه
شکست و حضرة ابرهیم نیز در اینروز بتهای کافران را
شکست و اول اشاره است بانکه سنی و شیعه روایت
کرده اند بطرق بسیار که شبی حضرة رسالت ص حضرة امیر المؤمنین
را با خود بمسجد الحرام اورد و حضرة امیر را امر کرد که بر دوش
انحضرة بالا رفت و بتهای کافران را بر اورد و شکست

پس مرد



پس مراد اینست که در شب اینروز بود و فرمود که در اینروز
حضرت رسول امر کرد اصحاب خود را که بیعت کنند با امیر
المومنین ص و اقرار کنند که او پادشاه مومنانست یعنی روز
غدیر اینروز بوده یا ان روز که سرکردهای صحابه را گفت
بروید و بر علی سلام کنید و بگوئید السلام علیک یا امیر المومنین
اینروز بوده و فرمود که در اینروز حضرت رسول خدا حضرت
امیر را فرستاد بوادی جنیان که از ایشان بیعت از برای
او بگیرد و فرمود که در اینروز حق خلافت امیر المومنین ص بر
گشت و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان با ان حضرت
بیعت کردند و در اینروز حضرت امیر با خارجیان نهروان
جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافت و سرکرده ایشان که ذو
الثدیه میگفتند کشت و در اینروز قایم ما ظفر خواهد یافت
بر دجال و در کناسه که محله ایست از محلات کوفه او را بر دار
خواهند کشید و در هیچ روز نوروزی نیست مگر انکه ما
انتظار فرج میکشیم زیرا که ان از روزهای ما و روزهای شیعیان
ماست ان روز را عجمان حفظ کردند و حرمت انرا رعایت کردند
و شما عربان انرا ضایع کردید پس حضرت فرمود بمعلی که چون
روز نوروز شود غسل بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش
و بهترین بوهای خوش خود را خوشبو کن و در انروز روزه



بدار پس چون از نماز نعشین ولیشین و ثنا فلهای انها فارغ
شوی چهار رکعت نماز بگذار یعنی هر دو رکعت بیکسلام
و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه بخوان
و در رکعت دوم بخوان ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون
و در رکعت سیم بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد و در رکعت
چهارم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل اعوذ برب الفلق و قل
اعوذ برب الناس و بعد از نماز اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ
لسجده شکر برو و این دعا را بخوان — خدایا رحمت کن بر محمد و آل
وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِیٰاءِ الْمَرْضِیِّینَ وَعَلیٰ جَمِیعِ اَنْبِیٰائِکَ وَ
و آل محمد که اوصیاء نیکوکارانند و بر همه پیغمبران تو و
رُسُلِکَ بِاَفْضَلِ صَلَوٰاتِکَ وَبٰارِکْ عَلَیْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَکٰاتِکَ
فرستادگان تو به بهترین رحمت تو و برکت ده بر ایشان به نیکوترین برکات خود
وَصَلِّ عَلیٰ اَرْوٰاحِهِمْ وَاَجْسٰادِهِمْ اَللّٰهُمَّ بٰارِکْ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
و رحمت کن بر روحهای ایشان و جسدهای ایشان خدایا برکت ده بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبٰارِکْ لَنٰا فِی یَوْمِنٰا هٰذَا الَّذِی فَضَّلْتَهُ
و آل محمد و برکت ده ما را در روز ما این روز که تفضیل دادی او را
وَکَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَ خَطَرَهُ اَللّٰهُمَّ بٰارِکْ لِی
و کرامت دادی او را و شرافت دادی او را و بزرگ شمردی قدر او را خدایا برکت ده مرا در آنچه
فِیمٰا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ حَتّیٰ لٰا اَشْکُرَ اَحَداً غَیْرَکَ وَوَسِّعْ
[illegible]

علی



عَلَيَّ فِي رِزْقِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ مَا غَابَ

بر من در روزی من ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا آنچه پنهان شد

عَنِّي فَلَا يَغِيبَنَّ عَنِّي عَوْنُكَ وَحِفْظُكَ وَمَا فَقَدْتُ

از من پس پنهان نشود از من یاری تو و نگاهبانی تو و آنچه نابدید کرده ام

عَلَيَّ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تُفْقِدْنِي عَوْنَكَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا

بر من از چیزی پس نابدید مکن از من یاری خود را بر او تا آنکه

أَتَكَلَّفَ مَا لَا أَحْتَاجُ إِلَيْهِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

سختی نکشم آنچه محتاج نیستم بسوی او ای صاحب جلالت و بزرگواری

چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده
شود و بسیار بگو یا ذا الجلال و الاکرام و در غیر
کتب مشهوره روایت کرده اند که در وقت تحویل این
دعا را بسیار بخوانند و بعضی سیصد و شصت مرتبه گفته
اند یَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ لَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ

ای گرداننده حال و احوال بگردان سال ما را بسوی بهترین حالها

و بروایت یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ

ای تغییر دهنده دلها و دیدها ای تدبیر کننده

و دیگر

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ

شب و روز ای گرداننده سال و حالها بگردان

حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ و ایضا بعضی روایت کرده اند

حال ما را بسوی نیکوتر حالها



که این دعا را نیز در روز اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ سَنَةٌ جَدِیدَةٌ وَ
نوروز بعد از تمام سال بخوانند خدایا این سالیست نو و تو

اَنْتَ مَلِكٌ قَدِیمٌ اَسْئَلُكَ خَیْرَهَا وَخَیْرَ مَا فِیهَا وَاَعُوذُ
پادشاهی دیرینه سوال میکنم تو را خیر این و خیر آنکه در این است و پناه میبرم

بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِیهَا وَاَسْتَكْفِیكَ وَشُغْلَهَا
بتو از شر ان و شر آنکه در آن است و طلب میکنم تو را در دفع کردن آن و بعد ان

یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ اگرچه در دعائیست اما آن
ای صاحب جلالت و بزرگواری دعای اول را خواندن هر چند

نمازش کرده نشود چون سندش معتبر است فصل ششم
در اعمال ماههای رومی است سید جلیل علی بن طاوس
رضی الله عنه روایت کرده است که روزی جمعی از صحابه
نشسته بودند حضرت رسالت پناه ص و آله داخل شد
و بر ایشان سلام کرد و ایشان جواب سلام گفتند پس
حضرت فرمود که میخواهید تعلیم نمایم شما را دوائی که
جبرئیل مرا تعلیم کرده است که محتاج بدوای اطبا نبوده
باشد پس حضرت امیرالمومنین ع و سلمان فارسی و دیگران
سوال نمودند که آن دوا چیست حضرت رسول ص و آله بحضرت
امیرالمومنین ص خطاب نمود و فرمود که در ماه نیسان رومی
اب باران میگیری و سوره فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و

قل هو الله



قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و
قل یا ایها الکافرون هر یکرا هفتاد مرتبه میخوانی و
بروایت دیگر سورهٔ انا انزلناه بخواند نیز هفتاد مرتبه و
هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه لا اله الا الله می
گوئی و هفتاد مرتبه صلواة بر محمد و آل محمد میفرستی و هفتاد
مرتبه بامداد و پسین از آن می آشامی بحق آن خداوندی
که مرا براستی بر خلق مبعوث گردانیده است سوگند یاد می
کنم که جبرئیل گفت که حقتعالی بر دارد از کسی این آب را بیاشامد
هر دردی را که در بدنش باشد و عافیت بخشد او را و
بیرون کند دردها را از بدن او و استخوانها او اگر در لوح
دردی برای او مقدر کرده شده باشد محو نماید و بحق پروردگار
که مرا بحق و راستی فرستاده است اگر فرزند نداشته باشد
و فرزند خواهد و آب نیسان را باین نیت بیاشامد او را
فرزندی روزی گردد و اگر زن عقیم باشد و فرزند نیاورد
و از این آب باین نیت بیاشامد فرزند از او بوجود آید و
اگر مرد و زن پسر خواهند یا دختر و از این آب بیاشامند مقصود
ایشان بعمل آید چنانچه حقتعالی میفرماید یهب لمن یشاء
اناثا و یهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم ذکرانا و اناثا
و یجعل من یشاء عقیما یعنی حقتعالی می بخشد هر کرا



خواهد دختران و هر کرا خواهد پسران یا جفت میکرداند
برای ایشان پسران و دختران را یعنی هر دو را بایشان عطا
میفرماید و هر کرا خواهد عقیم و بیفرزند میکرداند پس
حضرت فرمود که اگر کسی درد سر داشته باشد و ازین آب
بیاشامد صداع او ساکن کردد بقدرت الهی و اکر درد
چشم داشته باشد و در چشمهای خود قطره از این
آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای خود را باین آب بشوید
باذن خدا شفا یابد و اشامیدن این آب بن دندانها
را محکم کرداند و دهان را خوشبو کرداند و لعاب بن د
ندانها را کم کند و بلغم را کم کند و تخمه و امتلا بسبب
خوردن و اشامیدن آب بهم نرساند و از بادهای
قولنج و عزان متاذی نکردد و درد پشت و درد شکم
بهم نرساند و درد معده و کرم معده را برطرف کند
و محتاج بحجامت نکردد و از مرض بواسیر و خوارش بدن
و ابله و دیوانکی و خوره و پیسی و رعاف و قی نجات یابد
و کور و لال و کر و زمینگیر نشود و آب سیاه بر دیده اش
نزول نکند و دردی که موجب افطار روزه و نقصان
نماز او باشد او را عارض نکردد و از وسوسهای جنیان
و شیاطین متاذی نکردد پس حضرت رسالت پناه فرمود

که جبرئیل

که جبرئیل گفت که هر که از این آب بیاشامد و همه دردهائی
که در مردم میباشد مبتلا باشد موجب شفا از همه آنها
گردد پس جبرئیل گفت بحق خداوندی که ترا براستی فرستاده
که هر که این آیات را بر این آب بخواند حق تعالی دلش را مملو
گرداند از نور و روشنی خود را بر دل او وارد سازد و حکمت
را بر زبان او جاری گرداند و برکند دل او را از فهم و بینائی
و باو عطا کند از کرامتها آنچه باحدی از عالمیان عطا
نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت بر او بفرستند
و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص
و غضب را از دل او بردارد و از عداوت و دشمنی مردم
و بدگویان ایشان نجات یابد و موجب شفای امراض او
گردد مؤلف گوید که این روایت مشهور بعبید الله ابن عمر — مؤلف گوید
منتهی میشود و باین سبب سندش ضعیف است و
فقیر بخط شیخ شهید دیدم که این روایت از حضرت صادق
روایت کرده بود با همین خواص و سورها اما آیات وارد
کارد را باین روش روا نکرده است میخوانی بر آب بنیان
فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و
سبح اسم ربک الاعلی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس و قل هو الله احد هر یکرا هفتاد مرتبه و امی



کوئی هفتاد مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه الله
اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و هفتاد
مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
و در خواص آن مذکور است که اگر در زندان باشد
و از آن بیاشامد از حبس نجات یابد و سردی بر طبع او
غالب نگردد و اکثر آن خواص که مذکور در این روایت نیز
مذکور است و آب باران مطلقا مبارکست و منفعت
دارد خواه در نیسان ببارد و خواه در غیر آن چنانچه در حدیث
معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که بیاشامید آب
آسمان را که پاک کننده بدن شما است و دردها را دفع
میکند چنانچه حقتعالی فرموده و ینزل علیکم من السماء ماء
لیطهرکم و یذهب عنکم رجز الشیطان و لیربط علیکم و
یثبت به الاقدام یعنی میفرستد حق تعالی بر شما از
آسمان آبی برای آنکه پاک گرداند شما را با آن و ببرد از شما
وسوسه شیطان را و دلهای شما را محکم گرداند و ثابت
گرداند با آن قدمهای شما را و در عمل نیسان بهتر آنست که
اگر جمعی خوانند هر یک مجموع آن سورها و اذکار را هفتاد
مرتبه بخوانند و از برای آنها که میخوانند فایده اش عظیم تر
و ثوابش بیشتر است و در این سالها بعد از بیست و سه روز

که از نوروز



که از نوروز بگذرد تقریبا داخل نیسان ماه رومی میشوند و ماه نیسان سی روز است و از حضرت صادق منقولست که در هفتم حزیران البته حجامت بکن و اگر میسر نشود در چهاردهم بکن و اول حزیران تقریبا هشتاد و چهارم نوروز است و آن سی روز است و حزیران ماه نحسی است چنانچه در حدیث منقولست که در خدمت حضرت صادق ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود که این ماهیست که حضرت موسی در این ماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل و در یکشب و یک روز سیصد هزار کس ایشان مردند و باز بسند معتبر از آن حضرت منقولست که حقتعالی ماه اجلها را نزدیک میگرداند یعنی موت در آن بسیار میباشد و بدانکه ماههای رومی بنابر مشهور موافق افتابست و عدد آنها دوازده است باین ترتیب تشرین الاول تشرین الاخر کانون الاول کانون الاخر شباط اذار نیسان ایار حزیران تموز اب ایلول و چهار ماه را سی میگیرند که آنها تشرین الاخر و نیسان و حزیران و ایلول اند و هفت دیگر غیر شباط را سی و یک میگیرند و شباط را در سه سال متوالی بیست و هشت میگیرند و در سال چهارم که سال کبیسه ایشانست بیست و نه میگیرند و سال ایشان سیصد و شصت و پنج روز و ربع



باب سیزدهم
فصل اول

است و تشرین الاول که اول سال ایشان در اینسا الها موافق نوزده درجه میزان است و تفصیلش در کتاب بحار الانوار مذکور است و چون این ماهها در احادیث مذکور شده است مجملی در اینجا ایراد نمودیم **باب سیزدهم** در بیان احکام اموات و در آن پنج فصل است **فصل اول** در بیان آداب و احکام حال احتضار و برداشتن میت است باید که چون در بیمار اثر موت ظاهر شود متوجه احوال خود گردد و از گناهان خود توبه کند و بر گذشتها نادم و پشیمان گردد و عازم گردد که اگر زنده بماند مرتکب معصیت الهی نگردد پس وصیت کند و حقوق خدا و خلق را که بر ذمت او باشد ادا کند و بدیگران نگذارد پس بقدر ثلث مال خود وصیت کند که بخویشان پریشان و فقرا و مساکین و سایر وجوه بر صرف نمایند پس ابراء ذمت از برادران مؤمن بطلبد و هر کرا غیبت کرده باشد یا اذیتی رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس نماید که از او عفو نمایند و اگر غایب باشند از حاضران التماس نماید که او را از او راضی گردانند و از برای ایشان استغفار نماید پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بر جناب مقدس الهی بامینی بگذارد و وصیتی



برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را حاضر سازد
وشهادتین واقرار بائمه علیهم السلام وادعیه که وارد شده
است که سنت است که بر کفن نوشته شود بفرماید که بتربت
حضرت امام حسین بر آن بنویسند اگر کفن را بتربت مهیا نکرده
باشد اما مؤمن را سنت است که کفن نوشته با او باشد
چنانچه از حضرت صادق منقولست که هرکه کفنش با او باشد
در خانه اش او را از غافلان ننویسند وهرکه نظرش بر آن
کفن افتد برای او حسنه نوشته شود وباید که در آن وقت
امیدوار رحمت حقتعالی وشفاعت رسول خدا وائمه هدی
بوده باشد و بسند معتبر از حضرت رسالت منقولست که هرکه
در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت کمی عقل ونقص مروت
ومردی وست گفتند یا رسول الله چگونه وصیت کند
فرمود که چون نزدیک وفات او اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ
شود ومردم نزد او جمع شوند بگوید ای خدا آفریننده آسمانها و
اَلْاَرْضِ عَالِمَ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ اِنِّی اَعْهَدُ
زمین دانای پنهان و آشکار بخشنده مهربان بدرستیکه عهد می کنم
اِلَیْکَ اِنِّی اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ
بسوی تو اینکه گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر تو تنها بی شریک
لَکَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ
از برای تو واینکه محمد رحمت خدا بر او وآل او بنده تو وفرستاده تست



وَاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَاَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي
وانکه قیامت آینده است نیست شکی در آن وانکه تو بر می انگیزانی کسی که در
الْقُبُورِ وَاَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَمَا وَعَدَ اللّٰهُ
قبرهاست وانکه حساب حق است وانکه بهشت حق است وانکه وعده داده خدا
فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْمَاْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكَاحِ حَقٌّ
در آن است از نعمتها از خوردنیها و آشامیدنیها و نکاح حق است
وَاَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ الْاِيمَانَ حَقٌّ وَاَنَّ الدِّينَ كَمَا
وانکه دوزخ حق است وانکه ایمان حق است و دین چنان است که
وَصَفْتَ وَاَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَاَنَّ الْقَوْلَ كَمَا
وصف کردی وانکه اسلام چنان است که قرار دادی و گفتار چنان است که
قُلْتَ وَاَنَّ الْقُرْاٰنَ كَمَا اَنْزَلْتَ وَاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ
گفتی وانکه قرآن چنان است که فرستادی وانکه تو توئی خدای حق
الْمُبِينُ وَاِنِّي اُعَهِّدُ اِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا اَنِّي
هویدا و بدرستی عهد می کنم بسوی تو در سرای دنیا بدرستی که من
رَضِيتُ بِكَ رَبًّا وَبِالْاِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ
راضی هستم از پروردگاری تو و باسلام که دین من است و بمحمد رحمت خدا
عَلَيْهِ وَاٰلِهِ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ اِمَامًا وَبِالْقُرْاٰنِ كِتَابًا
براو و آل او که پیغمبر منست و بعلی پیشوای منست و بقرآن کتاب منست
وَاَنَّ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ
وانکه اهل بیت پیغمبر تو براو و برایشان سلام



اَئِمَّتِی

ائمتی اللهم انت ثقتی عند شدتی ورجائی عند

پشتوانان من خدایا تو ای محل اعتماد من نزد سختی من وامید من نزد

کربتی وعدتی عند الامور التی تنزل بی وانت

اندوه من و ذخیره من نزد امور آنکه فرود آید بمن و تو

ولیی فی نعمتی والهی واله آبائی صل علی محمد وآله

یاور منی در نعمت من و خدای منی و خدای پدران من رحمت کن بر محمد و آل او

ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا وآنس فی قبری

و وامگذار مرا بسوی خودم چشم بر هم زدنی هرگز و انیس من در قبر من

وحشتی واجعل لی عندک عهدا یوم القاک منشورا

ترسناکی مرا و بگردان برای من نزد خود عهدی روزی که ملاقات کنم ترا واکرده شده

پس حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که این عهد
و پیمان میت است با خدا در روزی که میخواهد وصیت
کند و وصیت لازم و واجبست بر هر مسلمانی و صحیفه
اعتقادات را چنانچه در کتاب حلیة المتقین ذکر کردم
درست کند و بمهر گواهان برساند تا در میان کفن
او بگذارند و چون آثار احتضار اللهم اغفر لی
ظاهر شود این دعا مکرر بخواند

بیامرز خدایا بیامرز برای

الکثیر من معصیتک واقبل منی الیسیر من طاعتک

بسیاری از نافرمانی تورا و قبول کن از من کمی از فرمانبرداری تو



تا جان کندن بر او آسان گردد و باید که اولاد و خویشان
و برادران مؤمن در این حالت او را تنها نگذارند و نزد
او قرآن و دعا بخوانند و سوره یس و والصافات نزد
او بخوانند و اعتقاد بوحدانیت خدا و صفات کمالیه
الهی و رسالت حضرت رسول و امامت ائمه هدی
صلوات الله علیهم بتفصیل و اعتقاد بمعاد و بهشت
و دوزخ و سؤال قبر و سایر اعتقادات حق را مکرر تلقین
او کنند که بگوید و بیاد او آورند و اگر نتواند خود نزد
او بخوانند و دعای عدیله را بر او بخوانند و اگر عربی
نداند مضامینش را بر او القا کنند که در این وقت شیطان
بر او دست نیابد که او را از دین بر گرداند و باید که کلمه
طیبه لا اله الا الله بسیار بگوید و مکرر تلقین او کنند
زیرا که در حدیث معتبر وارد است که هر که آخر سخن او
لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر مرویست که تلقین کنید
مردگان خود را لا اله الا الله بدرستی که گناهان
در هم میشکند و مونس مؤمن است در حال الحیوة و نزد
مردن و نزد مبعوث گردیدن و هر که در هنگام مردن این
کلمه طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و احوط آنست

که در این



که در این حال پای او را بجانب قبله بگردانند تا ملائکه
با و روی آورند و در اینوقت حایض و جنب نزد او نباشند
که ملائکه از ایشان نفرت میکنند و اگر بغیر ایشان کسی
نباشد جایز است که برای ضرورت پرستاری او کنند
وچون نزدیک شود که جانش بر آید بیرون روند و در
احادیث معتبره وارد شده است که اگر جان کندن بر او
دشوار باشد او را ببرند بجائی که همیشه نماز میکرده است
یا بخوابانند بر روی جای نمازی که بر آن نماز میکرده است
زیرا که اگر امید شفا هست شفا می یابد و الا جانش
باسانی بالا می آید و از حضرت امام رضا منقولست
که در حال احتضار دست بر او مگذارید و اگر دست و پا
حرکت دهد مانع مشوید چنانچه جاهلان میکنند و نزد
جاهلان میکنند و نزد او قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید
و صلوات بر رسول و آل او بفرستید و در حدیث دیگر
منقولست که فرزندی از حضرت صادق در وقت احتضار
بود و حضرت امام محمد باقر در کنار خانه نشسته بود هرگاه
نزدیک او میرفت منع میکرد و میفرمود که دست بر او
مگذارید که او در اینحال در نهایت ناتوانیست و هرکه
دست بر او میگذارد چنانست که او را کشته و در حدیث



صحیح از حضرت باقر منقولست که هرگاه کسیرا در وقت
جان کندن بیابید کلمات فرج را تلقین او کنید
لا اِلهَ اِلّا اللّهُ الحَلیمُ الکَریمُ لا اِلهَ اِلّا اللّهُ العَلیُّ
نیست خدا مگر خدای بردبار بزرگوار نیست خدا مگر خدای بلند مرتبه
العَظیمُ سُبحانَ اللّهِ رَبِّ السَّمواتِ السَّبعِ وَ رَبِّ الاَرَضینَ
بزرگ پاک است پروردگار آسمانهای هفت گانه و پروردگار زمینهای
السَّبعِ وَ ما فیهِنَّ وَ ما بَینَهُنَّ وَ ما تَحتَهُنَّ وَ رَبِّ العَرشِ
هفت گانه و آنچه در این زمینهاست و آنچه میان این دو است و آنچه زیر این زمینهاست و پروردگار عرش
العَظیمِ وَ الحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمینَ و در حدیث دیگر
بزرگ و ستایش مر خدا را که پروردگار جهانیان است منقولست که چون
اینکلمات را تلقین کسی میکردند حضرت امیر المؤمنین میفر
مودند که برو که دیگر بر تو باکی نیست و حضرت رسول
اینکلمات را تلقین شخصی کرد و چون او خواند حضرت
فرمود که الحمد لله که او را از آتش جهنم نجاة داد و از حضرت
صادق منقولست که هیچکس نیست مگر آنکه شیطان
در وقت مردن جمعی از شیاطین را موکل میگرداند که
او را بشک اندازند در دین خود تا جانش مفارقت کند
و اگر مؤمن کامل باشد بر او دست نیابد پس در آنحال
تلقین ایشان بکنید کلمات فرج و شهادة بوحدانیت

خدا و اقرار

خدا و اقرار بحضرة رسالت وائمة طاهرین یک یک را بخصوص
تا از سخن گفتن باز ماند و ایضا سنتست که برای آسانی جان
این دعا را تلقین او کند یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر
ای آنکه قبول می‌کند کم را و در می‌گذرد از بسیار
اقبل منی الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت العفو الغفور
قبول کن از من کم را و درگذر از من بسیار را بدرستی که تو توئی آمرزنده مهربان
و بروایت دیگر انک انت العفو الغفور و چون روح
او مفارقت کند سنتست که دهانش را برهم گذارند و
چانه اش را به بندند و چشمهایش را بهم آورند و دستهایش
را بر پهلوهایش بکشند و او را بجای درشتی یا جامه بپوشانند
و قرآن نزد او بخوانند و زودش بردارند مگر بعقد جمع شدن
مومنان اگر اشتباهی در موت او نباشد و اگر مشتبه باشد
تا یقین نشود مرگش برندارند و از حضرة صادق منقولست
که سزاوار نیست که برادران مومن را خبر کنند بمردن او
تا بجنازه او حاضر گردند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار
کنند و میت و ایشان همه ببرند و در حدیث حسن از حضرت
صادق منقولست که چون مومن را بقبر میگذارند و از ندا
میکنند که اول عطای که تو را دادیم بهشتست و اول
عطای تو را دادیم آنها را با جنازه تو آمده اند آمرزش گناهان



ودر حدیث دیگر فرمود که اول تحفه که بمؤمن میدهند در
قبر آنست که می آمرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است
ودر حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مؤمنی بکند تا
او را دفن کنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک بر او بر
گمارد که همراهی نمایند و استغفار برای او کنند از قبر تا موقف
حساب و فرمود که هر که یکطرف جنازه را بگیرد از گناهان
بیرون آید و باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر آنست
که برای کسی که تشییع جنازه کند که اول دست راست
میت را که جانب چپ جنازه است بدوش راست خود
بردارد پس پای راست میت را باز بدوش راست بردارد
پس از پشت جنازه برود و پای چپ میت را بدوش چپ
چپ خود بردارد پس دست چپ میت را که در جانب
راست جنازه است بدوش چپ بردارد و چون خواهد
که بار دیگر تربیع کند از پیش جنازه نرود بلکه از جانب
پشت جنازه برگردد و باز بهمان روش تربیع بجا آورد و
اکثر علما بر عکس گفته اند که اول ابتدا بدست راست
جنازه میکنند پس بپای راست پس بپای چپ پس بدست
و اول موافق احادیث معتبره اولی است و اگر هر دو را بعمل
آورند بهتر است و افضل آنست که عقب جنازه یا پهلوها



تا ه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر اکثر احادیث آنست که اگر
جنازهٔ مؤمن باشد پیش تاه رفتن خوبست و در جنازهٔ مخالف
مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب
میکنند و با جنازه سواره رفتن مکروهست و از حضرت
رسول صلّی الله علیه و آله منقولست الله اکبر هذا
که جنازه و این دعا را بخوانند
خدا بزرگ برهست این است
ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله اللهم
آنکه وعده داده ما را خدا و رسول او و راست گفت خدا و فرستاده او خداوندا
زدنا ایمانا و تسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة
زیاده کن ما را ایمان و انقیاد ما را سپاس مر خدا را که عزیز گردانید به
و قهر العباد بالموت هیچ ملکی در آسمان
قدرت و غلبه کرد بنده گان را بمرگ
نماند مگر آنکه گریه
کند از برای ترحم بر او و از حضرة صادق بسم الله و
منقولست که در حال برداشتن جنازه بنام خدا و
بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد و اغفر للمؤمنین
بخدا خدا رحمت کن بر محمد و آل محمد و بیامرز مردان مؤمن
و المؤمنات و منقولست که حضرة امام زین العابدین
و زنان مؤمنه را
هرگاه جنازه را میدید میگفت الحمد لله الذی لم یجعلنی
من السواد المخترم و زنان را تشییع جنازه سنت نیست



بعضی گفته‌اند که جنازه را بسیار تند بردن مکروهست و جمعی
با جنازه بردن کراهت دارد و در روز چراغ بردن خوب
نیست و اسرافست و در شب خوبست و مکروهست کسی را
که بجنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل گفتن

مقصد دوم

در غسل دادن میت است بدانکه احکام میت از غسل
دادن و کفن کردن و نماز کردن و دفن کردن و احکام
پیش همه واجب کفاییست یعنی بر همه واجبست و چون
یکی بکند از همه ساقط میشود و اگر همه ترک کنند همه
معاقب میشوند و مشهور میان علما آنست که ولایت
اینمعنی تعلق دارد بوارث میت و بی رخصت او دیگری
متوجه اینها نمیتواند شد و مردان ورثه اولی اند از زنان
و شوهر اولیست از دیگران و احوط آنست که بضرورت
خود غسل ندهد و غسل و نماز و سایر احکام میت
واجبست برای میت شیعه اثنا عشری و در سنی و
سایر فرق مخالفان خلافست و ظاهر اواجب نباشد
مگر در حال تقیه و شهیدی که در جهاد با امام زمان
کشته شده باشد و در معرکه مرده باشد او را غسل نمی
دهند و او را کفن نمی کنند بلکه نماز میکنند و با جامها
که پوشیده دفن میکنند و بعضی گفته‌اند که در هر جهاد



حتی کم

حقی که کشته شود چنین است و خالی از قوتی نیست
و مشهور میان اصحاب آنست که هرگاه از میت عضوی
یافت شود که در آن استخوان باشد میشویند و کفن می
کنند و بعضی سه کفن را در اینجا واجب دانسته اند و
اگر بعضی باشد که دل در آن باشد نماز هم میباید کرد
و احوط آنست که اگر سینه را تنها بیابند باز چنین کنند
و همچنین اگر همه استخوانهای میت را بیابند و عضوی
که بی استخوان باشد مشهور آنست که در لته می پیچند
و دفن می کنند و بعضی لته پیچیدن را واجب نداشته
اند و بچه که در شکم ساقط شود هرگاه چهار ماه زیاده
داشته باشد غسل میدهند و کفن و دفن میکنند و بر او
نماز نیست و بعضی گفته اند به جامه کفن میکنند
و حنوط میکنند و هرگاه چهار ماه نداشته باشد مشهور
آنست که در لته می پیچند و دفن می کنند و در روایت
لته پیچیدن مذکور نیست و بعضی تمام شدن خلقت
طفل را اعتبار کرده اند و غسل و کفن نه چهار ماه و
این احوط است و اگر عضو استخوان داری از زنده بریده
باشد احوط آنست که غسل و کفن و دفن بکنند و اگر چه
اظهر عدم وجوب است و اگر طفل در شکم مادر مرده



باشد و مادر زنده باشد اگر توانند درست بیرون آورند
والا پاره پاره کنند و بیرون آورند و اگر مادر بمیرد و طفل
زنده باشد شکم مادر را میشکافند و از جانب چپ و
طفل را بیرون می آورند و بهتر آنست که شکمش را بدوزند
و واجبست که مرد را مرد غسل دهد و زن را زن
الا در چند موضع اول زن و شوهر که بقول اشهر و اقوی
هر یک دیگری را غسل میتوانند داد و احوط آنست که
از زیر جامه بدهند و نظر بعورة نکنند و احوط آنست که بدون
ضرورة غسل ندهند خصوصا مرد زن را دوم جایز است
که آقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه زن کسی و در عده
کسی نبوده باشد و در غسل دادن کنیز آقا را خلافست سیم
جایز است که غسل دهد مرد اجنبی دختر سه ساله
برهنه و زن پسر سه ساله را برهنه و بعضی در پنج ساله
نیز تجویز کرده اند چهارم هرگاه مردی فوت شود و مردی
نباشد که او را غسل دهد زن محرم او را غسل میتواند
داد از زیر جامه و همچنین است هرگاه زن فوت شده باشد
و ظاهرا در حال اختیار نیز محارم یکدیگر را غسل میتوانند
داد اما احوط آنست که تا ممکن باشد زن را زن و مرد را
مرد غسل دهد و اما کیفیت غسل بهتر آنست که پیش از

غسل



غسل کفن را مهیا کند و اول حبره را و بعد از ان سرتا
سری و بعد از ان پیراهن را کند و نصف بالای پیراهن را
بر گرداند و لنگ را و بعد از ان زان پیچ را بجای خود پهن
کند پس متوجه غسل شود و اگر میسر باشد که میت را در
وقت غسل بر روی تختی یا تخته بخوابانند بهتر است
و مستحبست که وقت غسل پای میت بسوی قبله باشد
بطریق حال احتضار و بعضی واجب دانسته اند و در
سایر احوال باید که چنین باشد مگر در حال نماز و باید
که رختهایش را بکنند و اگر خواهد با پیراهن غسل دهد
و اگر خواهد لنگ به بندد و پیراهن را بکند و بر هر تقدیر
واجبست که در وقت غسل دادن عورتین میت را
بپوشانند و مشهور انست که واجبست که اول ازاله
نجاست از بدن میت بکنند و سنت است که برای حرمت
میت پیراهن را از طرف پا بیرون کنند و اگر تنگ باشد
باذن ورثه بشکافند و سنتست که در زیر سقفی یا خیمه
غسل بدهد که برابر اسمان نباشد و سنتست که دو نفر باشند
غسل دهند یکی آب ریزد و دیگری گرداند میت را و
مستحبست که انگشتان میت را بمدارا نرم کنند و اگر
دشوار باشد و خوف شکستن باشد دست بردارد و وقت



که میّت را سه غسل بدهد اوّل باب سدر و بعد از آن باب
کافور و بعد از آن باب خالص و سنّت که اوّل دستهای
میّت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید بنا بر بعضی از روایات
پس عورة میّت را بشوید و احوط آنست که چون خواهد
عورة را بشوید لتّه بردارد بدست به بندد که دستش
بعورة نرسد و اگر بدست چپ بشوید بهتر است و سنّت
است که اوّل عورة میّت را بکف سدر و اشنان سه مرتبه
بشوید و آب بسیار بریزد تا خوب پاک شود پس دست با
لای شکمش بگذارد و بنرمی و همواری پایین کشد که اگر
فضله باشد بیرون آید و اگر بیرون آید باز مخرج را بشوید
و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن فرزند باشد دست
بر شکمش نکشد و علما گفته اند که سنّت که سر و ریش
را پیش از غسل بکف سدر بشوید پس سنّت که دستهای
خود را تا مرفق بشوید یعنی آنکسی که دست بر میّت میکند
پس وضو دهد میّت را بروش وضوی زنده کافی باب خالص
و بعضی واجب دانسته اند و نیّت کند که وضو میدهم این میّت
را قربة الی الله پس رو و دستهایش را بشوید و سر و پایش را
مسح کند پس ابتدا کند بغسل و احوط آنست که آب [illegible]
وگرم اندم اگر دو کس باشند هر دو نیّت بکنند و بهتر آنست

که نیّت



که نیت هر مرتبه را در اول بکنند و از برای غسل کافور و قراح
نیز نیت بکنند پس اول نیت میکنند که این میت را غسل
میدهم باب سدر و کافور و قراح از جهة انکه واجبست از برای
رضای خدا قربة الی الله پس سر میت را باب سدر می شوید
و احوط انست که اول بجانب راست سر اب بریزد و بعد
از ان بجانب چپ و سنتست که سر را و هر دو جانب را
سه مرتبه بشوید پس میت را بر پهلوی چپ بخواباند و
جانب راست را بشوید و سنت است که سه مرتبه
بشوید و هر سبویرا که میریزد قطع نکند تا بپا برساند و اگر
انکه میت را میگردانند در هنگام اب ریختن دست بر پشت
و شکم بمالد بهمواری که اب خوب برسد بهتر است و
دست میت را از پهلو جدا کند تا اب بر ان برسد و خیال
کند که آب بزیر لنگ و عورة و ران و سایر اعضا خوب جاری
شود پس میت را بگردانند و بر پهلوی راست بخوابانند و
پهلوی چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه مرتبه
بشوید و در اب سدر مستحب کافیست و مشهور انست
که حدی ندارد و بعضی گفته اند که باید هفت برگ سدر
باشد و بعضی یک رطل و بعضی یک رطل و نیم گفته اند که نزدیک
به بیست و پنج درم و زیاده بوده باشد و گویا این زیاد



دستها برای شستن فرج و سایر اعضا پیش از غسل بوده باشد
و احوط آنست که در آب غسل آنقدر داخل نکنند که مضاف شود
و آبش نگویند و در بعضی روایات در شستن هر جانب شستن
نصف سر نیز وارد شده است و شاید بد نباشد اگرچه
خلاف مشهور است پس میت را بر پشت میخوابانند و
ظرفی را میشویند که اثر سدر از آنها برطرف شود و اندک
کافور را ریزه میکند و داخل آب میکند و غسل دهنده دستها
خود را تا مرفق بشوید و فرجش را سه مرتبه نیز بشوید بهمان
نحو که لته یا دستمالی بر دست بپیچد و دست بر شکم
میت بکشد بهمواری و بهتر آنست که در وقتی که
دست بر شکم میکشد سر میت را بلند کند که فضلات
از آن طرف بیرون رود پس احتیاطا آبریزنده و گرداننده
هر دو نیت کنند که این میت را غسل میدهم باب کافور
از برای آنکه واجبست از برای رضای خدا پس سر را
بشوید و سنت که سه مرتبه بشوید و در همان هر مرتبه
ابتدا بجانب راست سر بکند و گرداننده بهمواری
دستی بمالد پس جانب راست را سه مرتبه و جانب
چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل سدر مذکور شد
بشوید پس میت را بر پشت بخواباند و باز دستهای خود را

تا مرفق

تا مرفقین بشویند و ظرفها را خوب بشویند که اثری از
سدر و کافور در آنها نماند و اگر سبوی دیگر باشد برای
آب قراح بهتر است و احوط آنست که آب غسل قراح
را از حوضی که آب سدر و کافور ریخته شده است برند
رند و از آبی بردارند که اینها مطلقا در آن داخل نشده
باشد پس دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه
باب خالص بشویند اینجا با و فرج میت را نیز باب خالص
سه مرتبه بشویند و اگر در اینوقت نیز بار دیگر میت
را وضو دهند شاید بهتر باشد پس احتیاط نیت کند
که غسل میدهم این میت را باب قراح از جهة آنکه واجب
است قربة الی الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست را سه مرتبه
و جانب چپ را سه مرتبه بشوید که یکمرتبه واجبست و دو
مرتبه سنت و بهتر آنست که گرداننده بمیان آرد در وقت
آب ریختن دستی بکشد بر بدن میت و پیش از این غسل و در
اثنای این غسل دست بر شکم میت نکشد و چون از این
هر سه غسل فارغ شود اگر خوف خروج نجاستی بوده باشد
قدری از پنبه در دبرش داخل کند و همچنین در دهان
و بینی و قدری از پنبه داخل کند اگر خوف بیرون آمدن
خون یا نجاستی بوده باشد پس سنت است که بدنش



را بجامهٔ خشک کند و بعد از آن او را بر روی جامهای کفن
بگذارند و سنت است که هر مرتبه که میت را بجانبی
کردانند این دعا اللّهمّ انّ هذا بدن عبدک المؤمن
را بخوانند خدایا بدرستی که این بدن بندهٔ تو که مؤمن است
وقد اخرجت روحه منه وفرّقت بینهما فعفوک
و بتحقیق بیرون شد روح او از او و جدا شده و جدا کردی میان این دو پس بخشش
عفوک واکر زن باشد اللّهمّ انّ هذا بدن امتک
بخشش بکوید خدایا بدرستی که این بدن کنیز تو است
المؤمنة واکر روحها بکوید بهتر است و در سایر احوال
که مؤمنه است غسل مکرر بکوید ربّ عفوک عفوک تا خدا
بیامرزد او را و سنتست که هرچه از عیوب میت بر او
ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حقتعالی کناهان او را بیامرزد
چنانچه از مادر متولد شده و مستحبست که غسل کننده
از جانب راست باشند و کودالی در برابر قبلهٔ
بکنند و تخت سر از بر باشد که آب غسل در آن کودال
رود مکروهست که آب غسل را بجالهٔ که در آن بول
غایط کنند بریزند و اکر چاله باشد که کثافات خانه
را در آن بریزند قصوری ندارد و مکروهست میت را با آب
کرم غسل دادن مکر در حال ضرورة و مکروهست که



میت را

میت را باب گرم غسل دادن مکروه در حال ضرورة و مکروه است
که میت را در میان پاهای خود بگیرد و ایضا مکروه هست که
ناخن میت را بگیرد یا شانه کند و اگر بگیرد ناخن و موراپا
موئی در اثناء غسل جدا شود باید که در میان کفن گذارد
و با میت دفن کند حتی منقولست که دندانی از حضرة باقر ع
کنده شد بحضرة صادق داد و فرمود که با من دفن کن در قبر و
و اگر سدر کافور بهم نرسد یکمرتبه باب قراح غسل دهند و
احوط انست که سه مرتبه غسل دهند و اگر پیش از دفن
بهم رسد احوط انست که مرتبه دیگر او را غسل دهند و
اگر اب بهم نرسد یا میت را نتوان غسل داد که خوف ان باشد
که بدن میت از هم بپاشد تیمم دهند او را و ظاهر ایک
تیمم کافیست و سه تیمم احوط است و بهتر انست که
نیت تیمم را چنین کند که تیمم میدهم این میت را بدل
از غسلهای سدر و کافور و قراح از جهت انکه واجبست
از برای رضای خدا و تیمم دیگر را قصد کند که تیمم میدهم
این میت را بدل از غسل کافور احتیاطا قربة الی الله و
همچنین قراح را و چون نیت کند دست خود را بر خاک زند
و بر پیشانی میت کشد و دیگر بر پشت دست راست میت
کشد و دیگر بر پشت دست چپ و اگر به دو ضرب تیمم دهد

یکی برای رو و یکی برای دستها خوبست و اگر میت محرم باشد
او را غسل کافور ندهند و حنوط نکنند **فصل سیم** در کفن کردن
میت است واجبست که میت را سه کفن کنند و اکثر علما
گفته اند که اول ازینها لنگ است که از ناف تا بعضی از ساق را
بپوشاند و بعضی گفته اند که سنتست که سینه را بپوشاند و
تا پاها را برسد و دوم پیراهن است و سیم سرتاسری که جمیع
بدن را بپوشاند و بعضی از علما گفته اند که پیراهن است و
دو سرتاسری و جایز است که بجای پیراهن یک سرتاسری
دیگر بکند که مجموع سه سرتاسری باشد و این قول اظهر است
و احادیث معتبره براین دلالت دارد و احوط آنست که با
اینها نیز لنگ بکنند و با ضرورة یک سرتاسری کافیست و
باید کفن حریر محض نبوده باشد و احوط آنست که کفن زنان
نیز حریر محض نبوده باشد و احوط آنست که کفن از پوست نبوده
باشد و بهتر آنست که از پشم و مو نیز نباشد و مستحبست که از
پنبه سفید بوده باشد و سنتست که سرتاسری بالا از
جمله دو سرتاسری حبره بوده باشد و آن جامه بوده از یمن
می آوردند و الحال معلوم نیست و دور نیست که اگر بجای
آن قطنی سفید بکنند بد نباشد و علما گفته اند که سنتست
که اول راست چپ لفافه را بر جانب راست میت اندازند

فصل سیم



و بعد از آن جانب راست لفافه را بر جانب چپ میت
و بهتر است که چنین کنند اگرچه مشهور بنظر نرسید
و سنت است که خرقهٔ طویلی که عرضش یک شبر و نیم و طولش
اقلا سه ذرع و نیم باشد بذراع دست زیاده کنند برای
ران پیچ و آنکه سر آنرا شکافند و بر کمر میت به بندند و پنبه
بسیار در دبر و فرج میت بگذارند و اگر زن باشد پنبه
بیشتر بگذارند و اگر بر پنبه قدری کافور بپاشند شاید
بد نباشد و سر دیگر خرقه را از میان پاها بدر آورند و از
زیر آنچه بر کمرش بسته اند بیرون و محکم کشند که فرج را
و پنبه که گذاشته اند فرا گیرد و پاها را بهم آورند و رانها
با یکدیگر بآن خرقه سخت بربندند و بپیچند تا زانوها و بهر جا
که منتهی شود سرش را در آنچه پیچیده اند فرو برند و سنت
که عمامه از برای مرد زیاد کنند که بر دور سرش بگردانند
و موافق مشهور بر حنک بگردانند و سرهای عمامه را
از هر دو طرف بدر آورند و بر سینهٔ میت بیندازند چپ را
بر جانب راست و راست را بر جانب چپ و بدل از عمامه
مرد از برای زن مقنعه زیاد کنند و پارچهٔ بر سینه
زن به بندند که پستانهایش را بگیرد و بر پشتش گره زنند
و مکروه است که کفن از کتان باشد یا پیراهنی که تمام
کنند آستین داشته باشد اما اگر میت را در پیراهن



خودش کفن کنند درکار نیست بریدن استین و با استین
باکی نیست اما تکمهها و بندهایش را ببرند و سنتست که
میت را کفن کنند در پیراهنی که در ان نماز میکرده باشد
و اگر در پیراهن بعضی از علما و صلحا کفن کنند شاید بنا شد
و مستحبست که در ان احرام بسته است در حج یا عمره کفن
کنند و مستحبست که کفن خوشنماش و صاحب قیمت باشد
چنانچه در حدیث وارد شده است که نیکو کنید کفنهای
مردگان را که زینت ایشانست و با ان کفنها در قیامت
مبعوث میشوند و سنتست موافق مشهور که در قیمت
کفن مضایقه و متصری نکنند و کفن از مال حلال بی
شبهه باشد و سنتست موافق مشهور که بر کفن شهادتین
و اقرار با ائمه علیهم السلام بنویسند و دعای جوشن و غیر ان در
بعضی از روایات وارد شده است و سنتست که تربت
حضرت امام حسین بنویسند و علما گفتهاند که سنتست
که کفن را از ان ریسمانی که از ان بیرون اورده اند بدوزند
و اب دهان تر نکنند و سنتست که در وقتی که غسل دهند
خواهد که میت را کفن کنند دستهایش را تا دوش یا تا
مرفق بشویند و بعد از ان شروع کند در کفن کردن و واجبست
حنوط کردن میت یعنی انکه بر هفت موضع او یعنی پیشانی
و کف دستها و زانوها و انگشت مهین پاها کافور

بمالند

بمالند اگرچه اندکی باشد و بهتر آنست که سر بینی و اینرا بمالند
و بر سینه اش بریزند و اگر کودال پایین کردن و بندهای پا
و بندهای دست و مرفقها و زیر بغلها و پیچ ران و بند
انگشتان و سایر بندها بمالد احوط است و بهتر آنست
که کافور حنوط کافور خام جوزانه باشد و مقدارش بقدر
یک اشرفی باشد که چهار دانگ و نیم مثقالست و بهتر
آنست که سه مثقال باشد و بهتر از این آنست که سیزده
درهم و ثلثی بوده باشد و از حنوط حضرت رسول صلی الله
علیه و آله که تقریبا هفت مثقال صیرفی بوده باشد
و بهتر آنست که کافور غسل از همین مقدارها باشد و سنت
مؤکد است که دو جریده تازه با میت بگذارند و در اخبار
بسیار وارد شده است که تا این چوب تازه است میت را
عذاب نمی کنند و بهتر آنست که چوب درخت خرما بوده
باشد و اگر یافت نشود چوب سدر کنند و اگر یافت
نشود چوب درخت خرما و اگر یافت نشود چوب درخت
بید و اگر یافت نشود چوب درخت انار و اگر یافت نشود
هر چوب تری خوبست و باید تر باشد و تازه از درخت
بریده باشند و چوب خشک هرچند از درخت خرما
اماکن شریفه بریده شده باشد فایده نمی کند و باید هر یک



بقدر یکشبر بوده یا یک زرع دست و بعضی گفته اند
که بقدر استخوان دراع است که از یکشبر بیشتر است و
ظاهرا همه خوبست و بعضی گفته اند که پنبه بر اینها
بپیچند تا رطوبتشان بیشتر نماند و یکی را از جانب راست
بگذارند و سرهش را بچنبر کردن گذارند و متصق سدن
سازند و دیگری را از جانب چپ و میان پیراهن و سر
تا سری بگذارند و سر از این بچنبر کردن گذارند و بعضی
گفته اند که سنتست که بر جریده شهادتین بنویسند
بتربت شریف و اگر نعشه باشد و جریده نتوان در کفن
گذاشت در میان قبر بنهند و اگر بعد از پر کردن قبر
بخاطرشان آید در میان قبر فرو برند و بدانکه کفن واجب میت
از اصل مال اوست مقدم بر دین و وصیت و میراث
و اگر چیزی نداشته باشد رختهای او را تطهیر کنند
و با آنها کفن کنند و اگر آنهم نباشد برهنه دفن کنند
و بعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن میت میتوان
کرد و خالی از قوتی نیست و سنت مؤکد است که هم
مسلمانان او را کفن کنند چنانچه در حدیث معتبر از
حضرة امام محمد باقر منقولست که هرکه کفن کند مؤمنی
را چنانست که ضامن جامه او شده باشد تا روز قیامت

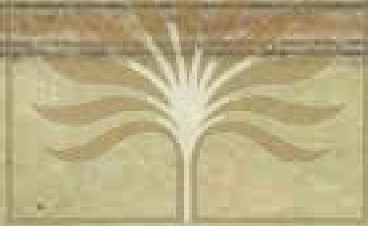
وهرکه



وهر که بکند از برای مومنی قبری چنانست که او را در
خانهٔ موافق بنکوئی جا داده باشد تا روز قیامت و
کفن زن بر شوهر واجبست هرچند زن مالدار باشد
وهمچنین کفن بنده بر صاحبش واجبست واگر از میت
نجاستی بیرون آید بدن اورا بشویند واگر کفن آلوده
شده باشد تا قبر نگذاشته اند آنرا میشویند واگر بقبر
برده باشند مشهور آنست که آن موضع را مقراض می
کنند وکفن را از یکدیگر میکذرانند تا بدن میت نوشیده
شود وبعضی گفته اند که اگر ممکن بوده باشد شستن
در اندرون قبر بانکه طشت وآفتابه ببرند وبشویند
بهتر است خصوصا هرگاه بدن میت نجس شده باشد
وتطهیر آن لازم است کفن را نیز بان عنوان بشویند
واین احوط است وجمعی گفته اند مکروهست کفن را
باهن بریدن وگفته اند که از مشایخ چنین شنیده
ایم ودر حال کفن نیز سنتست که پاهایش بقبله باشد
وکسی که در غیر جهاد با امام کشته شده باشد جراحتهای
بدنش ازاله میکنند وغسل میدهند واگر سر جدا
باشد در هر غسلی اول سر را میشویند آن میشویند واخر
بدن را وبعضی گفته اند که اگر خون بند شود کلا



می ریزند تا بند شود و از حضرت صادق منقولست در
حکم چنین کسی که اول خون را میشویند و آب بر او می
ریزند در غسل و دست بریدنش بهم مالند و بر جراحتها
یش پنبه و کافور میگذارند و محکم می بندند و همچنین
اگر گردنش بریده باشد کافور میپاشند بر موضع جراحت
و پنبه بر آن میگذارند و بخرقه می بندند که خون بیرون
نیاید و اگر سر از بدن جدا شده باشد در غسل اول سر را
میشویند و بعد از آن بدن او را و پنبه بر بالای گردن
میگذارند و در میان کفن می پیچند و در هنگام دفن سر را
با بدن میگیرند و در لحد میگذارند و رویش را بجانب قبله
میگردانند **فصل چهارم** در نماز میت است و این نماز فصل ٤
واجبست بر همه مسلمانان که علم بفوت شخصی بهم رسانند
و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران ساقط میشود
و واجبست نماز بر هر شیعه اثنا عشری که بالغ باشد
بی خلاف و اشهر و اقوی آنست که بر طفلی که شش سال
تمام شده باشد واجب است و ظاهرا قصد قربت اکتفا
توان کرد و کمتر از شش ساله را بعضی سنت دانسته
اند و بعضی بدعت و احوط نکردن است و جایز نیست
نماز کردن بر کفار و خوارج و ناصبیان که عداوت



اهل

اهل بیت علیهم السلام داشته باشد و غالیان که
ائمه علیهم السلام را خدا دانند و گویند که خدا در ایشان
حلول کرده است و بر مشبهه و انها که خدا را جسم میدانند
و بر غیر ایشان از مخالفان خلافست و ظاهر اکثر
باشد میان انکه نماز نکند یا بکند و چهار تکبیر بگوید
و در تکبیر چهارم نفرین و لعنت کند بر او و در موضع
تقیه ترک نباید کرد و سزاوارترین مردم بنماز میت
وارث اوست بنابر مشهور و بعضی گفته اند که بی
رخصت ایشان نماز جماعت نمیتوان کرد و بانفراد می
توان کرد و احوط آنست که تا توان از ایشان رخصت
گرفتن بی رخصت نکند و شوهر از همه خویشان اولیست
نسبت بزن و مردان اولی اند از زنان و وارثان اگر
خود قابلیت پیش نمازی نداشته باشد هر که خواهد
و اعتقاد داشته باشد و بهتر داند مقدم دارد
و جایز است که زن پیشنمازی زنان بکند و با ماموم
در یک صف بایستند و مرد باید که پیش بایستد اگر
چه ماموم یکنفر باشد و اگر زنان جمع شوند زنان در
عقب مردان بایستند و اگر حایضی باشد سنت است
که در صف جدا بایستد و واجبست که نماز گذارنده



رو بقبله باشند و سر جنازه بجانب راست او باشد اگر
امام باشد و در ماموم در کار نیست و احوط در منفرد
آنست که از برابر جنازه بیرون نباشد و واجبست که
میت را بر پشت بخوابانند و در این نماز طهارة از حدث
شرط نیست و جنب و حایض و بی وضو این نماز را می
توانند کرد و احوط آنست که بنا بر شروط نماز یومیه
را در این نماز رعایت کنند از پوشانیدن عورة و نجس
نبودن جامه و بدن و حریر نبودن جامه و غیر آنها اگر
چه اظهر آنست که هیچیك در کار نیست مگر چیزی
چند حرام باشد و انا له الها منافی افعال نماز باشد
مانند طلا و حریر برای مردان و جامه غصبی و سنت
است که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی
داشته باشد یا وقت تنك باشد سنت است که
تیمم کند و ظاهر بعضی از روایات آنست که بدون عذر
مستحب است و می باید که از جنازه بسیار دور نباشد
مگر آنکه در نماز جماعت باشد و صفها در میان باشد
و نماز میت نمیتوان کرد تا او را غسل و کفن نکنند
اگر ممکن باشد و اگر کفن نداشته باشد او را بقبر
گذارند و عورتش را بپوشانند و نماز کنند و سنت

کر بکس



که پیش نماز برابر میان مرد بایستد و برابر سینهٔ زن بنابر مشهور
و سنتست که کفش را بکنند و اگر موزه در پا داشته باشد
در کار نیست کندن و اگر پا برهنه باشد بهتر است و وجوب
است که نیت کند و بهتر آنست که چنین نیت کند که
نماز بر این میت حاضر میکنم از برای آنکه واجبست
قربة الی الله و پنج تکبیر بگوید و سنتست که در هر تکبیر
دستها را بردارد تا محاذی گوشها و بعضی در غیر تکبیر
اول سنت نمیدانند دست برداشتن را و اولی
اقوی است و در وجوب دعا در میان تکبیرها خلاف
است و احوط وجوبست و ظاهر اینست که هر دعائی مجزی باشد
و مشهور آنست که اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَ اَشْهَدُ
گواهی می دهم اینکه نیست خدایی مگر خدا و گواهی می دهم
بعد از تکبیر اول بگوید
اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّٰهِ و بعد از آن اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
اینکه محمد فرستاده خداست
دوم بگوید
خداوندا درود و رحمت فرست بر محمد
وَ آلِ مُحَمَّدٍ و بعد از اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ
و آل محمد
سیم
خداوندا بیامرز از برای مؤمنان مردان و زنان مؤمنه
و بعد از اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَیِّتِ و تکبیر پنجم را
چهارم
خداوندا بیامرز از برای این شخص مرده
بگوید و فارغ
شود مجزیست و موافق مشهور بهتر آنست که چنین کند



بعد از تکبیر الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله وحده

بگوید خدا بزرگتر است گواهی می دهم اینکه نیست خدائی مگر خدای یگانه

لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله

نیست شریک از برای او و گواهی می دهم اینکه محمد بنده او است و رسول او فرستاده او را

بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة پس الله

براستی مژده دهنده و بیم کننده پیش از روز قیامت بگوید خدا

اکبر اللهم صل علی محمد وآل محمد وبارک علی

بزرگتر است خدایا رحمت کن بر محمد و آل محمد و برکت ده بر

محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد کافضل ما

محمد و آل محمد و رحم کن محمد را و آل محمد را مانند بهترین

صلیت وبارکت وترحمت علی ابراهیم وآل

صلوات و برکت و رحمت و آنچه بر ابراهیم و آل

ابراهیم انک حمید مجید وصل علی جمیع الانبیاء

ابراهیم بدرستی که تو ستوده بزرگواری و رحمت کن بر همه پیغمبران

والمرسلین پس الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنین

و فرستادگان بگوید خدا بزرگتر است خدایا بیامرز مؤمنان

والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء

و زنان مؤمن و مسلمانان و زنان مسلمه زنده

منهم والاموات تابع بیننا وبینهم بالخیرات

از ایشان و مردگان [illegible]

انک



إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس بگوید

بدرستی که تو اجابت کننده دعاها بدرستی که تو بر همه چیز توانائی

اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَ

خدا بزرگتر است خدایا بدرستی که این بنده تو است و پسر بنده تو است و

ابْنُ أَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ اللّٰهُمَّ

پسر کنیز تو است فرود آمد بتو و تو بهترین فرود آمده شده ای خداوندا

لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اللّٰهُمَّ

نمی دانیم از او مگر نیکی و تو داناتری باو از ما خداوندا

إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا

اگر بوده باشد نیکوکار پس بیفزا در نیکویی او و اگر هست بدکردار

فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَاغْفِرْ لَهُ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ

پس درگذر از او و بیامرز برای او خداوندا بگردان او را نزد خود

فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَىٰ أَهْلِهِ فِي الْغَابِرِينَ

در بلند ترین مکانها و جانشین باش بر اهل او در گذشتگان

وَارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس اللّٰه

و رحم کن او را برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خدا بگوید

اکبر و فارغ میشود و اگر زن باشد می گوید

اللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ أَمَتُكَ وَابْنَةُ عَبْدِكَ

خداوندا بدرستی که این کنیز تو است و دختر بنده تو است



وَابْنُ أَمَتِكَ نَزَلَتْ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ

و دختر کنیز تو است فرود آمد به تو و تو بهترین فرود آمده شده

بِهِ اَللّٰهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ

بر او خدایا بدرستیکه ما نمی دانیم ما از ان مگر نیکی و تو

أَعْلَمُ بِهَا مِنَّا اَللّٰهُمَّ إِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ

داناتری بان از ما خدایا اگر بوده باشد نیکو کار پس بیفزا

فِي إِحْسَانِهَا وَإِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا

در نیکوئی او و اگر بوده باشد بدکردار پس درگذر از بدی او

وَاغْفِرْ لَهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ

و بیامرز از ان خداوندا بگردان او را در بلند ترین درجها

وَاخْلُفْ عَلَى أَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهَا

و خلیفه باش بر اهل او در گذشتگان و رحم کن او را

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و اگر بعد از چهار

برحمت خود ای رحیم ترین رحم کنندگان

تکبیر این دعا

بخواند أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا

خوبست

گواهی می دهم اینکه نیست خداوندی مگر خدا یکتا است او نیست

شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

شریکی مر او را و گواهی می دهم اینکه محمد بنده او و فرستاده او است



اللهم

اللهم صل علی محمد وآل محمد واغفر للمؤمنین

خداوندا درود فرست بر محمد وآل محمد وبیامرز مر مؤمنان را

والمؤمنات اللهم ان هذا المسجی قدامنا

وزنان مؤمنه را خداوندا بدرستیکه این گذاشته شده پیش روی ما

عبدک وابن عبدک وقد قبضت روحه

بنده تو و پسر بنده تو است وبتحقیق که گرفته شده روح او

الیک وقد احتاج الی رحمتک وانت غنی

بسوی تو وبتحقیق که محتاج شده بسوی رحمت تو وتو بی نیاز

عن عذابه اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه

از عذاب او خداوندا اگر هست نیکوکار پس بیفزا در احسان او

وان کان مسیئا فتجاوز عن سیئاته واگر زن باشد

واگر هست بدکردار پس درگذر از بدیهای او

بگوید اللهم ان هذه المسجاة قدامنا امتک

خداوندا بدرستیکه این گذاشته شده پیش روی ما کنیز تو است

وابنة عبدک وقد قبضت روحها وقد

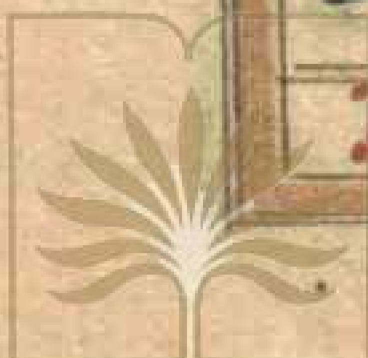
ودختر بنده تو است وبتحقیق که گرفته شد روح او وبتحقیق

احتاجت الی رحمتک وانت غنی عن عذابها

محتاج است بسوی رحمت تو وتو بی نیازی از عذاب او

اللهم انا لا نعلم من ظاهرها الا خیرا وانت

خداوندا بدرستیکه ما نمی دانیم از ظاهر او مگر نیکی وتو



وانت اعلم بسره اللهم ان كان محسنا

وتو دانا تری به اسر نهان او خداوندا اگر بود باشد نیکوکار

فزد فی احسانه وان كان مسیئا فتجاوز عن

پس بیفزا در نیکوئی او واگر بوده باشد بدکردار پس درگذر از

سیئاته واگر زن باشد بگوید اللهم ان هذه المسجی

بدیهای او خداوندا بدرستیکه این بنده کوشیده

قدامنا امتك وابنة عبدك وقد قبضت

در پیش روی ما کنیز تو و دختر بنده تست و به حقیقت گرفتی

روحها وقد احتاجت الی رحمتك وانت غنی

روح اورا و به حقیقت محتاج است بسوی رحمت خود توئی بیزاری از

عن عذابها اللهم انا لا نعلم من ظاهرها

از عذاب او خداوندا بدرستیکه ما نمی دانیم از ظاهر او

الا خیرا وانت اعلم بسرها اللهم ان كانت

مگر نیکی و تو داناتری به نهان او خداوندا اگر باشد

محسنة فزد فی احسانها وان كانت مسیئة

نیکوکار پس زیاد در نیکوئی او واگر باشد بدکردار پس

فتجاوز عن سیئاتها بلکه موافق جمیع بین الاحباب

در گذر از بدیهای او

بهتر است و تکرار بعد از

هر تکبیر این دعا را نیز بخواند خوبست اشهد ان

لا اله

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ
گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا یگانه نیست شریک

لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ
مر اورا وگواهی میدهم اینکه محمد بنده او وفرستاده اوست خداوندا

صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَی الْاَئِمَّةِ الْهُداةِ
رحمت کن بر محمد وآل محمد وبر پیشوایان راه نمایان

وَاغْفِرْ لَنا وَلِاِخْوانِنَا الَّذینَ سَبَقُونا بِالْاِ
وبیامرز مارا وبرای برادران ما آنانکه سبقت گرفتند مارا به

یمانِ وَلا تَجْعَلْ فی قُلُوبِنا غِلّاً لِلَّذینَ آمَنُوا
ایمان و قرار مده در دلهای ما کینه آنانکه ایمان آوردند

رَبَّنا اِنَّكَ غَفُورٌ رَحیمٌ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِاَحْیا
ای پروردگار ما بدرستیکه تو آمرزنده مهربانی خداوندا بیامرز برای زندگان

ئِنا وَاَمْواتِنا مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ وَاَلِّفْ
و مردگان ما از مردان مومن وزنان مومنه والفت ده

قُلُوبَنا عَلیٰ قُلُوبِ اَخْیارِنا وَاهْدِنا لِمَا
دلهای ما بر دلهای خوبان ما وراه نما مارا برای آنچه

اخْتُلِفَ فیهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِكَ اِنَّكَ تَهْدی
اختلاف شد در آن از حق بفرمان تو بدرستیکه تو هدایت میکنی

مَنْ تَشاءُ اِلیٰ صِراطٍ مُسْتَقیمٍ اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ
هرکه میخواهی بسوی راه راست خداوندا بنده تو



ابن عبدك ابن امتك انت اعلم به افتقر الى
پسر بنده تست پسر کنیزک تست تو داناتری باو که محتاج است بسوی

رحمتك واستغنيت عنه اللهم فتجاوز
رحمت تو و بی نیازی تو ازاو خدایا درگذر

عن سيئاته وزد في احسانه واغفر له وارحم
از بدیهای او و بیفزا در نیکیهای او و بیامرز مراورا و رحم کن اورا

ونور له في قبره ولقنه حجته والحقه بنبيه
و نورانی کن براو در قبر او و یاد بده اورا حجت او و ملحق کن اورا به پیغمبر او

صلى الله عليه واله ولا تحرمنا اجره ولا
رحمت خدا بر او و بر آل او و محروم مکن مارا از اجر او و

تفتنا بعده واگر زن باشد از اول دعا میخواند
فتنه زده مکن مارا پس ازاو
تا اینجا که الى صراط مستقيم

اللهم امتك ابنة امتك انت اعلم بها
خداوندا کنیزک تو و دختر کنیزک تو تو داناتری

افتقرت الى رحمتك واستغنيت عنها اللهم
محتاج شده بسوی رحمت تو و بی نیازی تو ازاو خداوندا

فتجاوز عن سيئاتها وزد في حسناتها واغفر لها
پس درگذر از بدیهای او و بیفزا در نیکیهای او و بیامرز مراورا

وارحمها ونور لها في قبرها ولقنها حجتها
و رحم کن اورا و نورانی کن براو در قبر او و یاد بده اورا حجت او

والحقها

وَأَلْحِقْهَا بِنَبِيِّهَا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تَحْرِمْنَا

و ملحق کن او را به پیغمبر او رحمت خدا بر او و آل او و محروم مکن ما را

أَجْرَهَا وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهَا و در روایتی وارد شده

اجر او و فتنه مینداز بعد از او است که بعد از فارغ

شدن از رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

نماز بگویند ای پروردگار ما بده ما را در دنیا نیکوئی و در آخرت

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ و اگر سنی و خلاف

نیکوئی و نگاه دار ما را از عذاب آتش مذهب نماز کند

بضرورة بعد از تکبیر سیم بر او لعنت کند اللهم اخز

و نفرین و بهتر این است که چنین گوید. خدایا خوار کن

عَبْدَكَ فِي عِبَادِكَ وَبِلَادِكَ اللَّهُمَّ أَصْلِهِ

بنده خود را در بندگان خود و شهرهای خود خداوندا برسان او را

حَرَّ نَارِكَ اللَّهُمَّ أَذِقْهُ أَشَدَّ عَذَابِكَ فَإِنَّهُ كَانَ

گرمی آتش خدایا بچشان او سخت ترین عذاب خود پس بدرستیکه بود

يُوَالِي أَعْدَاءَكَ وَيُعَادِي أَوْلِيَاءَكَ وَيُبْغِضُ

دوست می داشت دشمنان تو و دشمنی می داشت دوستان تو و دشمنی می داشت

أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و

اهل خانه پیغمبر تو رحمت خدا بر او و آل او

اگر میت مستضعف باشد که ضعیف العقل

باشد و تمیز میان مذاهب نکند و باین سبب سنی
باشد یا مخالف حق باشد و عناد با شیعیان نداشته
باشد یا اعتقاد باهل بیت علیهم السلام داشته
باشد و با دشمنان ایشان بد نباشد در نماز براو
بگوید اللهم اغفر للذین تابوا واتبعوا سبیلک
خدایا بیامرز مر آنها را که توبه کردند و پیروی کردند راه ترا
بد
وقهم عذاب الجحیم واگر میت معلوم الحال
و نگاه دار ایشان را از عذاب جهنم
نباشد بگوید خداوندا
اللهم ان هذه النفس انت احییتها وانت امتها
بدرستی که این نفس را تو زنده کردی و تو میرانیدی خدایا
ولها ما تولیت واحشرها مع من احبت واگر
دوست گردان او را آنکه دوست میداشت و محشور گردان او را با آنکه دوست داشت
طفل نابالغ اللهم اجعله لابویه ولنا سلفا
باشد بگوید خداوندا بگردان او را برای پدر و مادر او و از برای ما
وفرطا واجرا و مشهور در همه آنست که دعا
ثواب و دنیا و اجرت
های سه تکبیر اول را میخوانند
بنحوی که گذشت و این دعاها را بعد از تکبیر
چهارم میخوانند و بر سنی اگر نماز کند تکبیر پنجم را
نمیگوید و سنتست که بر جای خود باشد تا جنازه
را بردار

را بردارند خصوصا پیشنماز و نماز جنازه را در
مسجد میتوان کرد و مشهور آنست که اگر در مسجد
نکنند بهتر است و بر یک جنازه دو نماز کردن خلاف
است در جواز آن و دور نیست که اگر کسی که نماز
نکرده باشد تواند کرد و کسی که در اثنای نماز رسد
بقصد وجوب ملحق میشود و دعاهای که خودش را باید
خواند میخواند و چون پیشنماز فارغ شود بقیه را دعا
های مختصر بخواند که اگر جنازه را بردارند و اگر دور
شود یا بگرد و تکبیرها را بی دعا پیاپی بگوید و اگر میت
را بی نماز دفن کرده باشد احوط آنست که بر قبر او
نماز کند هر چند مدتی گذشته باشد و همه وقت نماز
جنازه میتوان کرد مگر آنکه وقت حاضره تنگ شود
که حاضره را مقدم میدارد و بهتر آنست که با وسعت
وقت نیز اول حاضره را مقدم دارد مگر آنکه خوف فوت
نماز جنازه بوده باشد یا خوف ضایع شدن میت
فصل پنجم در آداب دفن میت است و آداب بعد
از آن سنت که تا میت را در قبر نگذارند ننشینند
و واجبست کفایه دفن کردن میت و قدر واجب آنست
که میت را در گوی پنهان کنند به حیثیتی که بوی او



از مردم مستور گردد و جسد او از درندگان ایمن باشد
و خوابانیدن او بر جانب راست رو بقبله واجب است
بقول مشهور و بعضی مستحب دانسته اند و مستحب
است کندن قبر بقدر قامتی یا تا چنبر گردن و سنت است
کندن لحد از طرف قبله و مستحب است که انقدر فراخ
باشد که کسی در ان تواند نشست و اگر زمین سست
باشد و لحد نتوان کندن بعضی گفته اند که مانند
لحد بسازند و اگر نتوان قبر را شق کنند یا نکه از میان
قبر بقدر جسد میت فرو برند انقدر که توان نشست و
دو طرف داشته باشد که خشت بر روی ان توان
گذاشت که خاک بر میت ریخته نشود و احوط است
که در مانند سرداب و تابوت و صندوق نگذارند
و شخصی که در دریا بمیرد و اگر ممکن باشد بخشکی
برسانند والا در مانند خمی گذارند و سرش را
ببندند و در دریا اندازند اگر ممکن باشد والا او را
سنگین کنند و رو بقبله باب اندازند و چون
جنازه نزدیک قبر رسد سنت است که او را در نزد
پای قبر بگذارند اگر مرد باشد و اگر زن باشد نزد
قبله بگذارند و مشهور است که زمانی میگذارند



وسه مرتبه

وسه مرتبه اورا نقل میکنند ومرتبهٔ چهارم اورا
بقبر میبرند واینچنین در روایت معتبره وارد شده است
که چون میّت را نزدیک قبر رسانی اورا بناگاه بر
قبر مبر وکار اورا بر او سنگین مکن وپایین تر از قبر
بدو ذراع یا سه ذراع بگذار وساعتی صبر کن تا
میّت خود را بگیرد برای سؤال قبر که قبر را هولهای
عظیم هست ودعا کن که خدا اورا پناه دهد از اهوال
قبر وسنّت است که سر میّت را پیش کند واز پیش پای قبر
سراشیب بقبر برند وجمعی از علما گفته اند که زن
را از پیش قبله میگیرند وبعرض بقبر میبرند وسراشیب
نمی کنند چنانچه در بعضی از روایات وارد شده است
وسنّت است که شخصی که بقبر میرود که میّت را
بقبر گذارد بندهای قبا را بگشاید وبالاپوش و
ردا را بیندازد وسر وپایش برهنه باشد وجایز است
که یک کس برود یا زیاده خواه طاق باشد وخواه
جفت واکثر علما گفته اند که مکروه است که اگر
میّت مرد باشد خویش اورا بقبر برد واینچنین از احادیث
ظاهر میشود اینست که پدر را مکروه است که در
قبر فرزند داخل شود وسایر اقارب باکی نیست واگر



میت زن باشد احوط انست که محرم او را بقبر برد و
اگر محرم نبوده باشد زن صالحه برد و اگر زن نبوده باشد
مرد صالح برد و در رفتن و بیرون امدن سنتست که
از پیش پای قبر باشد و سنت است که از پیش پای
قبر باشد و سنتست که چون میت را نزدیک قبر برد بگذارد
بگو اللهم عبدک ابن عبدک وابن امتک نزل
خداوندا بنده تو پسر بنده تو است و پسر کنیز تو است فرود آمد
بک وانت خیر منزول به و چون میت را بردارد که
بتو و تو بهترین فرود آرنده ای بقبر برود و بگوید
بسم الله وبالله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه
بنام خدا و بخدا و بر ملت رسول خدا رحمت خدا بر او
واله اللهم الی رحمتک لا الی عذابک اللهم
و آل او خدایا بسوی رحمت کنی نه بسوی عذاب تو خدایا
افسح له فی قبره ولقنه حجته وثبته بالقول
گشاده کن برای او در قبر او و بیاموز او را حجت او و ثابت کن او را بگفتار
الثابت وقنا وایاه عذاب القبر و چون در قبر
ثابت و نگاه دار ما را و او را از عذاب قبر بگذارند سنتست
است که بندهای کفن را بگشایند و روی میت را
باز کند و طرف راست روی او را بر زمین برساند

واکر زنی



واگر بوی سر را از خاک بلند تر کند بد نیست و خشتی
بر پشتش بگذارد که بر پشت نغلتد و سنتست که
مهری از تربت حضرة امام حسین ع در برابر روی او
بگذارد واگر تربت ان حضرة در کفن نیز بگذارد بهتر
است وبگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم پس
سورهٔ فاتحه وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب
الناس وقل هو الله احد وایة الکرسی بخواند واگر
حاضران هم بخوانند بسم الله وبالله وفی سبیل الله
بهتر است پس بگوید
بنام خدا و بخدا و در راه خدا
وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه واله اللهم
و بر ملت رسول خدا رحمت خدا بر او و آل او خدایا
صل علی محمد وال محمد اللهم افسح له فی قبره و
رحمت کن بر محمد و آل محمد خدایا بگشا از برای او در قبر او و
الحقه بنبیه اللهم ان کان محسنا فزد فی
ملحق کن او را به پیغمبر او خدایا اگر هست نیکوکار پس بیفزا در
احسانه وان کان مسیئا فاغفر له وارحمه و
نیکی او و اگر هست بدکردار پس بیامرز او را و رحم کن او را و
تجاوز عنه پس اللهم جاف الارض عن جنبیه
درگذر از او پس بگوید خدایا دور گردان زمین را از دو پهلوی او



وَ ضَاعِدْ عَمَلَهُ وَ لَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَاناً پس اَللَّهُمَّ
و بلند کن عمل او را و بیابد از تو خوشنودی بگوید خدایا
عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَ
بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود آمد بتو و
اَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللَّهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَ لَقِّهِ
تو بهترین فرود آمده شده بر خدایا بگشا از برای او در قبر او و بیابد او را
حُجَّتَهُ وَ اَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ وَ قِهِ شَرَّ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ و اَيْضاً
حجت او و ملحق کن او را به پیغمبر او نگاه دار بدی منکر و نکیر و
بگوید بِسْمِ اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ
بنام خدا و در راه خدا و بر ملت رسول
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اَللَّهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ
خدا رحمت خدا بر او و آل او خدایا بنده تو پسر
عَبْدِكَ نَزَلَ بِكَ وَ اَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللَّهُمَّ افْسَحْ
بنده تو فرود آمده بتو و تو بهترین فرود آمده شده باو خدایا بگشا
لَهُ فِي قَبْرِهِ وَ اَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ اَللَّهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ
برای او در قبر او و ملحق کن او را بر پیغمبر او خدایا بدرستی که ما نمی‌دانیم
مِنْهُ اِلَّا خَيْراً وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ و بروایت معتبر دیگر
از او مگر نیکی و تو دانا تری باو بگوید اَللَّهُمَّ
يَا رَبِّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ نَزَلَ بِكَ
خداوندا ای پروردگار من بندهٔ تو پسر بنده تو فرود آمد بتو

و انت

وانت خیر منزول به اللهم ان کان محسنا فزد فی
و تو بهترین فرود آمده شده باو خدایا اگر بود نیکوکار پس بیفزا در

احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عنه والحقه بنبیه
نیکی او و اگر هست بدکردار پس درگذر از او و ملحق کن او را به پیغمبر او

وصالح شیعته واهدنا وایاه الی صراط مستقیم
و شایسته پیروان او و راه نما ما را و او را بسوی راه راست

اللهم عفوک عفوک وبروایت معتبر دیگر
این دعا را بخوانند
خدایا بخشش بخشش

اللهم هذا عبدک فلان وبجای فلان نام او را بگویند وابن عبدک
خدایا این بنده تو است و پسر بنده تست

قد نزل بک وانت خیر منزول به قد احتاج الی
بتحقیق فرود آمده بتو و تویی بهترین آمده شده او بتحقیق محتاج است بسوی

رحمتک اللهم ولا نعلم منه الا خیرا وانت
رحمت تو خداوندا و نمی دانیم از او مگر نیکی و تو

اعلم بسریرته ونحن الشهداء بعلانیته اللهم
داناتری به پنهان او و ما گواهی می دهیم باشکارا او خدایا

فجاف الارض عن جنبیه ولقنه حجته واجعل
پس وسعت ده زمین را از دو پهلوی او و بیاموز او را حجت او و بگردان

هذا الیوم خیر یوم اتی علیه واجعل هذا القبر
این روز را بهترین روزی که آمد بر او و بگردان این قبر را



خیر بیت نزل فیه وصیّره الی خیر ممّا کان فیه ووسّع

بهتر خانه که فرود آمده در او و بگردان او را بسوی بهتر از آنکه بود در او و فراخ کن

له فی مدخله وآنس وحشته واغفر ذنبه ولا تحرمنا

از برای او در جایگاه او و همراهی کن وحشت او و بیامرز گناه او را و محروم مگردان ما را

اجره ولا تضلّنا بعده وسنّت است که در اینحال

اجر او را و گمراه مکن ما را پس از آن عقاید حق را تلقین او کند

خصوصا ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و طریقش آنست

که بدست راست دوش راست میت را بگیرد و

بدست چپ او را حرکت دهد و تلقین کند و اگر بلغت

نحو بگوید جامع تر است اسمع افهم اسمع افهم یا فلان

ابن فلان و نام او هل انت علی العهد الذی

و پدرش را بگوید

آیا تو بر عهدی که

فارقتنا علیه من شهادة ان لا اله الا الله وحده

که مفارقت کردی ما را بر آن از گواهی آنکه نیست خدائی مگر خدا تنها او

لا شریک له وانّ محمدا صلی الله علیه وآله عبده

نیست شریکی مر او را و آنکه محمد رحمت خدا بر او و آل او بنده او است

ورسوله وسید المرسلین وخاتم النبیین وانّ

و فرستاده او است و آقای فرستادگان و ختم پیغمبران و آنکه

علیّا امیر المؤمنین وسید الوصیین وامام

علی پادشاه مومنان و آقای اوصیا و امام

اقرض

افترض الله طاعته على العالمين وأنّ الحسن و

که واجب کرده خدا فرمان بری اورا بر جهانیان و آنکه حسن و

الحسين وعليّ بن الحسين ومحمّد بن عليّ وجعفر بن

حسین و علی پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر

محمّد وموسى بن جعفر وعليّ بن موسى ومحمّد بن عليّ و

محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد فرزند علی و

عليّ بن محمّد والحسن بن عليّ والقائم الحجّة المهديّ

علی فرزند محمد و حسن فرزند علی و آن پاینده که حجت است راه نماینده

صلوات الله عليهم أئمّة المؤمنين وحجج الله على

درود خدا بر ایشان پیشوایان گروندگان و حجت خدا بر

الخلق أجمعين وأئمّتك أئمّة هدى أبرار يا فلان ابن فلان

خلق همه و پیشوایان تو پیشوایان راه نماینده نیکوکار

إذا أتاك الملكان المقرّبان رسولين من عند الله

وقتی که بیایند ترا فرشتگان نزدیکان که فرستاده شده‌اند از نزد خدا

تبارك وتعالى وسألاك عن ربّك وعن نبيّك

افزون شونده بلند مرتبه و بپرسند تو را از پروردگار تو و از پیغمبر تو

وعن دينك وعن كتابك وعن قبلتك وعن

و از دین تو و از کتاب تو و از قبله تو و از

أئمّتك فلا تخف وقل في جوابهما الله جلّ جلاله

پیشوایان تو پس مترس و بگو در جواب ایشان خدا بزرگ است بزرگی او

رَبِّي وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّي وَالاِسْلامُ دِيني

پروردگار من است و محمد درود خدا بر او و آل او پیغمبر من است و اسلام دین من است

وَالْقُرْآنُ كِتابي وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتي وَاَميرُ الْمُؤْمِنينَ

و قرآن کتاب من است و کعبه قبله من است و پادشاه مومنان

عَلِيُّ بْنُ اَبي طالِبٍ اِمامي وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبى

علی ابن ابیطالب امام من است و حسن فرزند علی برگزیده شده نو

اِمامي وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهيدُ بِكَرْبَلا اِمامي وَعَلِيٌّ

امام من است و حسین پسر علی شهید شده در کربلا امام من است و علی

زَيْنُ الْعابِدينَ اِمامي وَمُحَمَّدٌ باقِرُ عِلْمِ النَّبِيّينَ

زینت عبادت کنندگان امام من است و محمد شکافنده علوم پیغمبران

اِمامي وَجَعْفَرٌ الصّادِقُ اِمامي وَمُوسَى الْكاظِمُ

امام من است و جعفر راستگو امام من است و موسی فرو خورنده خشم من

اِمامي وَعَلِيٌّ الرِّضا اِمامي وَمُحَمَّدٌ الْجَوادُ اِمامي

امام من است و علی رضا امام من است و محمد بخشنده امام من است

وَعَلِيٌّ الْهادي اِمامي وَالْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ اِمامي

و علی راه نماینده امام من است و حسن عسکری امام من است

وَالْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ اِمامي هؤُلاءِ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ

و حجت انتظار کشیده شده پیشوای من است این جماعت درود خدا بر ایشان

اَجْمَعينَ اَئِمَّتي وَسادَتي وَقادَتي وَشُفَعائي

همه پیشوایان من و سرداران من و کشندگان من و شفیعان من

اتولی

اتولّى ومن اعدائهم ابرّاء في الدنيا والآخرة

رو می کنم واز دشمنان ایشان بیزاری میجویم در دنیا و آخرت

ثم اعلم يا فلان بن فلان انّ الله تبارك وتعالى

پس بدان ای فلان پسر فلان بدرستی که خدا بزرگوار بلند مرتبه

نعم الربّ وانّ محمداً نعم الرسول وانّ امير المؤمنين

خوب پروردگاریست وانکه محمد خوب رسولیست وانکه امیر مؤمنان

علي ابن ابي طالب واولاده الائمة الاحد عشر

علی بن ابی طالب واولاد او پیشوایان یازده که یازده نفر

نعم الائمة وانّ ما جاء به محمد صلّى الله عليه وآله

خوب پیشوایانند وانکه آورد محمد درود خدا بر او وآل او

حقّ وانّ الموت حقّ وسؤال منكر ونكير في

حق است وانکه مرگ حق است وسوال منکر ونکیر در

القبر حقّ والجنّة حقّ والنار حقّ وانّ الساعة

قبر حق است وبهشت حق است ودوزخ حق است وانکه قیامت

آتية لا ريب فيها وانّ الله يبعث من في

آینده است نیست شک در آن وانکه خدا بر می انگیزاند کسی را که در

القبور پس بگوید افهمت یا فلان در حدیث

قبرهایند

آنست که میت در جواب میگوید فهمت

پس بگوید ثبّتك الله بالقول الثابت هداك

ثابت بدارد ترا خدا بگفتار ثابت راه نماید ترا



اللّهُ اِلی صِراطٍ مُستَقیمٍ عَرِّفِ اللّهُ بَینَکَ وَبَینَ

خدا بسوی راه راست شناسا کند خدا میان تو ومیان

اَولِیائِکَ فی مُستَقَرٍّ مِن رَحمَتِهِ پس بگوید اَللّهُمَّ

دوستان تو در قرار گاه از رحمت خود خدایا

جافِ الاَرضَ عَن جَنبَیهِ وَاَصعِد بِروحِهِ اِلَیکَ

دور کن زمین را از پهلوهای او وبلند کن روح اورا بسوی خود

وَلَقِّهِ مِنکَ بُرهاناً اَللّهُمَّ عَفوَکَ عَفوَکَ

وبنما اورا از جانب خود حجت خدایا بخشش بخشش

پس خشت بر لحد بگذارد واجر پخته نیز خوبست
وخشت خام بهتر است اگر خشت بزرگ باشد
راست بگذارد وبر رخنه خشتها خشت دیگر بگذارد
یا بگل رخنه را بگیرد واگر خشتهای کوچک باشد
هره کند وبر هر تقدیر رخنها را محکم کند که خاک بر
میت نریزد ودر وقت چیدن خشت این دعا بخواند اَللّهُمَّ صِل وَحدَتَهُ

خدایا به پیوند تنهایی اورا

وَآنِس وَحشَتَهُ وَآمِن رَوعَتَهُ وَاَسکِن اِلَیهِ مِن

وانس ده رمیدگی اورا وایمن گردان ترس اورا وساکن کن بسوی خود از

رَحمَتِکَ رَحمَةً تُغنِیهِ بِها عَن رَحمَةِ مَن سِواکَ

رحمت خود رحمتی که بی نیاز کند اورا از رحمت غیر تو



وَاحْشُرْهُ فَاِنَّمَا رَحْمَتُكَ لِلظَّالِمِينَ وبروايت رَحْمَةٌ
و محشور کن اورا این است رحمت تو اورا ستمکاران دیگر رحمت
تستغنى بها عن رحمة من سواك واحشره مع من
که بی‌نیاز شود با آن از رحمت غیر تو و محشور کن اورا با کسی
كان يتولاه ومكروه است قبر محبوب وتخته كردن
که بجهت راحت میت يا ميت با تابوت گذاشتن مگر آنکه در
آب براورد يا نم بسيار داشته باشد که انا لله وانا
ما از برای خدایم و بسوی
وچون از پيش پاى قبر بيرون آيد بگويد
اليه راجعون والحمد لله رب العالمين اللهم
بسوی او بازگشت کننده‌ایم و سپاس مر خدایرا که پروردگار جهانیانست خدایا
ارفع درجته في اعلى عليين واخلف على عقبه
بلند کن درجه اورا در بلندترین درجها و جانشینی بر عقب او
في الغابرين وعندك نحتسبه يا رب العالمين پس
در گذشتگان و نزد تو ثواب که حساب بری اورا ای پروردگار عالمیان
سنت است که حاضران به پشت کف دست خاک
در قبر بريزند واگر بشکم دست کفها را پر کند و بريزند
خوبست وسنت است که سه مرتبه بريزند ودر وقت
ريختن اللهم ايمانا بك وتصديقا بكتابك هذا
بگويد خدایا ایمان داریم بتو و باور کردیم کتاب تورا این است



ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله وما زادنا

آنچه وعده داده ما را خدا و رسول او و راست گفت خدا و رسول او و زیاد نکرد ما را

الا ایمانا وتسلیما و در حدیث است که هر که چنین

مگر ایمان و انقیاد

کند و این دعا بخواند حق تعالی بعد

هر ذره از خاک حسنه از برای او بنویسد و مکروه است که

خویشان میت خاک بر قبر بریزند که مورث قساوت

قلب است و دوری از رحمت الهی و باید که از غیر خاک

قبر بر میت نریزند که بار است بر میت و سنت است که

قبر را بقدر چهار انگشت گشاده بلند کنند و بعضی بهم

آورده گفته اند و ظاهرا هر دو خوبست و دور نیست که

یک شبر نیز مجوز باشد و مستحب است که قبر را چهار گوشه

کنند و روی آن پهن کنند و خرپشته نکنند بنحوی که

سنیان میکنند و بعد از آن آب بر قبر بریزند و در

خبر است که تا تری در قبر هست میت را عذاب

نمی کنند و سنت است که آب ریزنده رو بقبله باشند و ابتدا کنند

از پیش سر و بعد از آن بر میان قبر بریزد و سنت است که

آب را قطع نکند و متصل بریزد تا تمام شود و مستحب است که

بعد از آب ریختن دست بر قبر گذارند در حالتی که

انگشتان ایشان گشاده باشد و قوت کنند تا اثر

انگشتان

انکشتان در کل بماند و رو بقبله باشند و از بعضی
روایات مفهوم میشود که نزد یک سر او بنشینند
و این دعا را اَللّهمّ جافِ الارضَ عن جنبیهِ وَ
بخوانند
خداوندا وسعت ده زمین را از دو پهلوی او و
اَصعِد الیکَ روحَهُ وَ لَقِّهِ مِنکَ رِضوانًا وَ اَسکِن
بفرست بسوی خود روح او و بیامرز او را از خود خوشنودی و ساکن
قبرَهُ مِن رحمتِکَ ما تُغنیهِ بها عَن رحمةِ مَن سِواکَ
قبر او از رحمت خود آنچه بی نیاز گردانی او را از رحمت غیر خود
و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخوانند و اگر میت زن
باشد در جمیع دعاها که گذشت ضمیر مؤنث بیاورند
چنانچه بعضی نوشته شده است و سنت است که
ولی میت یعنی اقرب ایشان بعد از آنکه مردم برگردند
نزد سر میت بنشیند و با آواز بلند تلقین کند بنحوی
که گذشت بار دیگر و اگر دیگری را نایب کند نیز
خوبست و در اخبار وارد شده که چون این تلقین
را بکند منکر نکیر میگویند که بیا برویم تلقین حجتش
کردند احتیاج بپرسیدن نیست پس بر میگردند و سؤال
نمی کنند و مکروه هست عماره بر سر قبر کردن و بر سر
قبر بسیار بسیار ماندن و کچ مالیدن بر قبور مگر قبور



ائمه و انبیا صلوات الله علیهم و بعضی گفته اند که قبور
علما و صلحا نیز این حکم دارد مکروهست تازه کردن
قبر بعد از مندرس شدن و در خبر است که حضرت
دوست میدارد دلهای شکسته و قبرهای مندرس شده
را مکروهست در حال اختیار دو میت را در یک قبر
گذاشتن و میت را از بلدی که در انجا مرده است
که بشهرهای دیگر بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین
و بعضی استثنا کرده اند نقل بمقبره صلحا و علما و شهدا
نیز و مکروهست بر روی قبر نشستن و راه رفتن مگر بواسطه
زیارت قبور که ضرور شود و مشهور انست که جایز نیست
شکافتن قبور مگر در چند صورت یکی انکه در قبر مال
صاحب قیمتی افتاده باشد دیگر انکه در زمین غصبی
دفن کرده باشند یا در کفن غصبی کفن کرده باشند
دیگر انکه اورا بی غسل و کفن در خاک کرده باشند
و از هم نپاشیده باشد و مشهور انست که جایز نیست
نقل مردگان بعد از دفن و بعضی استثنا کرده اند نقل
بمشاهد مشرفه حضرت ائمه معصومین را و مشهور
انست که جایز نیست گریبان چاک کردن و جامه
دریدن برای غیر برادر و پدر و بر ایشان نیز روا است

بلکه

بلکه از بعضی اخبار ظاهر میشود که سنت باشد خصوصا
بریدن و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا و احوط
ترک است و جایز نیست خراشیدن رو و کندن و بریدن
مو و احوط انست که طپانچه بر رو و زانو و غیر ان
نزنند و بعضی از علما موافق روایتی قایل شده اند
که زنی که موی سر خود را در مصیبتی ببرد واجبست
کفاره بدهد چنانچه در خاتمه مذکور خواهد شد
انشاء الله تعالی و بعضی گفته اند گناه دارد و بر او
کفاره نیست و دور نیست که سنت باشد و احوط
دادن کفاره است و بعضی تراشیدن موی را
نیز الحاق ببریدن در وجوب کفاره و همچنین اکثر
علما قایل شده اند که واجبست کفارهٔ قسم بر
زنی که موی سر را بکند در مصیبت یا روی خود را
بخراشد که خون بر اید و بر مردی که در مرگ فرزند
خود یا زن خود جامه چاک کند و کفارهٔ یمین انشا
الله مذکور خواهد شد و بعضی واجب نمیدانند
و احوط عمل بمشهور است و لازم است اصحاب مصیبت
را که صبر کنند بقضای الهی راضی باشند و بدانند
که حقتعالی صابران را اجر بیحساب کرامت میفرماید



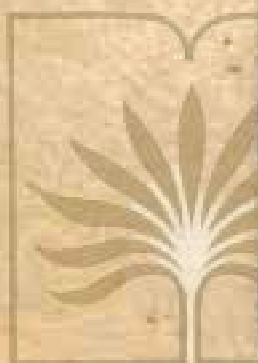
و باید صاحب مصیبت بسیار بگوید إِنّا لِلّٰهِ وَإِنّا إِلَيهِ راجِعون
تا گناهان او آمرزیده شود هرگاه آن مصیبت بخاطرش
آید این کلمه را بگوید تا گناهان ما بین این دو کلمه آمرزیده
شود و بسند معتبر منقولست که بخاطرش آورد اگر
چه بعد از مدتی إِنّا لِلّٰهِ وَإِنّا إِلَيهِ راجِعونَ وَالحَمدُ لِلّٰهِ
ما از آن خدائیم و بسوی او بازمی گردیم و سپاس مر خدایرا
باشد و بگوید
رَبِّ العالَمينَ اللّٰهُمَّ أجِرني عَلى مُصيبَتي وَاخلُف
که پروردگار عالمیان است خدایا مزد ده مرا بر مصیبت من و جانشینی کن
عَلَيَّ أفضَلَ مِنها ثواب همان مصیبت بار دیگر باو داده
بر من نیکوتر از آن
شود و سنتست که دیگران تعزیت ایشان
بکنند و ایشانرا بصبر و شکیبائی امر کنند پیش از دفن و بعد
از دفن مبالغه بیشتر است و اقل تعزیت آنست که
بروند تا صاحب ایشان را ببیند و منقولست از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هرکه صبر فرماید
اندوهناکی را در صحرای محشر که همه کس برهنه اند خدا
او را حله نیکوئی از حلهای بهشت بپوشاند که
موجب سرور گردد و هرکه مصیبت زده را صبر فرماید
حقتعالی او را ثواب آن صاحب مصیبت کرامت
فرماید بی آنکه از اجر او چیزی کم شود و فرمود که ثواب

وصبر

وصبر فرمودن بهشتست ومستحبست که صاحب مصیبت
تغییر وضع بکند تا اورا بشناسند وجایز است گریه
وندبه کردن که نیکیهای میت را بشمارند ونوحه کردن
بحق جایز است که دروغ نگویند وچیزهای بد از برای
میت اظهار نکنند وبهتر استت که نوحه کر ننمایند
ومستحب است که سه روز دیگران خصوصا همسایگان
برای صاحبان مصیبت طعام بفرستند وزیاده از
سه روز ماتم نگیرند مگر زن که چهار ماه وده روز
از برای شوهر ماتم میگیرد با انکه جامهای رنگین نمی پوشد
وزینت نمی کند وسنت است زیارت قبر مومنان
خصوصا خویشان وچون داخل قبرستان بگویند
اَلسَّلامُ عَلیٰ اَهلِ الدِّیارِ مِنَ الْمُؤمِنِینَ وَالْمُسلِمِینَ
سلام بر اهل خانهای قبرها از گروندگان ومسلمانان
اَنتُم لَنا فَرَطٌ وَنَحنُ اِنْشاءَ اللهُ بِکُم لاحِقُونَ وَ
شما را پیش گرفتید وما اگر خواهد خدا بشما رسیده گانیم و
بروایت دیگر اَلسَّلامُ عَلیٰ اَهلِ الدِّیارِ مِنَ الْمُسلِمِینَ
سلام بر اهل خانهای قبرها از مسلمانان
وَالْمُؤمِنِینَ رَحِمَ اللهُ الْمُستَقدِمِینَ مِنّا وَالْمُستَأخِرِینَ
وگروندگان رحمت کند خدا پیشیان را از ما وپسینان

وإنا إن شاء الله بكم لاحقون وبروايت السلام
و ما اگر خواهد خدا بشما رسیده ایم
دیگر
سلام
عليكم أهل الديار من قوم مؤمنين ورحمة الله و
بر شما ای صاحبهای قبرها از گروه مؤمنان و رحمت خدا و
بركاته أنتم لنا سلف ونحن لكم تبع رحم الله المستقدمين
برکتهای او شما را پیش گذشتند و ما شما را در پی ایم رحمت کند خدا پیش رفتگان
منكم والمستأخرين وإنا لله وإنا إليه راجعون ودر احاديث بسيار وارد
از شما و پس ماندگان را و ما از خداییم و بسوی او بازگشت کنیم
شده است که هر که نزد قبر برادر مؤمن خود هفت مرتبه
سورهٔ انا انزلناه بخواند از ترس بزرگ روز قیامت ایمن
گردد و بروایت دیگر خدا او را و صاحب قبر را بیامرزد و
سنت است اللهم جاف الأرض عن جنوبهم و
که این دعا بخواند
خداوندا دور گردان زمین را از پهلوهای ایشان و
صاعد إليك أرواحهم ولقهم منك رضوانا و
بلند کن بسوی خود روحهای ایشان و بیاموز ایشان را از جانب خود خوشنودی و
أسكن إليهم من رحمتك ما تصل به وحدتهم و
ساکن کن بسوی ایشان از رحمت خود آنچه بپیوند دهد تنهایی ایشان را و
تؤنس به وحشتهم إنك على كل شيء قدير وبروايت
انس بخشد بآن وحشت ایشان را بدرستیکه تو بر هر چیز توانایی

معتبر این اللّهمّ ارحم غربته وصل وحدته
دعا بخواند خدایا رحم کن غریبی اورا و پیوند کن تنهائی اورا
وآنس وحشته وآمن روعته واسکن الیه
وانس ده وحشت اورا وایمن کن ترس اورا و ساکن گردان بسوی او
من رحمتک ما یستغنی بها عن رحمة من سواک
از رحمت خود آنچه بی نیاز شود بآن از رحمت غیر تو را
والحقه بمن کان یتولاه وبروایت دیگر مستحبست
و ملحق کن اورا با آنکه دوست می داشت اورا که نزد قبر سورهٔ حمد و
قل هو الله وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب
الناس وآیة الکرسی را هر یک سه مرتبه بخواند
وسورهٔ انا انزلناه را هفت مرتبه واز حضرت رسول
و آله منقولست که هر که در قبرستان بگذرد و سورهٔ
قل هو الله را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان
قبرستان ببخشد بعدد مردگان اجر و ثواب یابد
وبروایت دیگر هر که آیة الکرسی را بخواند و ثوابش
را هدیهٔ اهل قبور کند حق تعالی بعدد هر حرفی ملکی
خلق کند که تسبیح گویند برای او تا روز قیامت و در
عصر روز جمعه (پنجشنبه) زیارت قبور مستحبست و در احادیث
معتبره وارد شده است که بر هر که مصیبتی وارد شود



حضرة رسالت را بیاد آورد که صعبترین مصیبتهاست
ودر اخبار بسیار وارد شده است که هر که در وقت
مصیبت دست بر ران خود زند ثواب او حبط میشود و
نباید شیون و فریاد کند و وایلاه و واثکلاه بگوید و در
حدیث معتبر منقولست که هر که یک فرزند از او برود
و صبر کند بهتر است از برای او از آنکه هفتاد فرزند از
او بماند که همه سوار شوند و در راه خدا جهاد کنند و منقولست
که ثواب مؤمن از مردن بهشت است خواه صبر کند و خواه
نکند و بسند معتبر منقولست که حضرة صادق در وقت
مصیبت این دعا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْ مُصِیبَتِی فِی
می خواندند
سپاس مر خدای را که نگردانید مصیبت مرا در
دِینِی وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَوْ شَاءَ جَعَلَ مُصِیبَتِی اَعْظَمَ
دین من و سپاس مر خدای را که اگر خواست گردانید مصیبت مرا بزرگتر
مِمَّا کَانَتْ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَی الْاَمْرِ الَّذِی شَاءَ اَنْ یَکُونَ
از آنچه بود و سپاس مر خدای را بر امر آنچنانکه خواست آنکه باشد
فَکَانَ و باید که مردگان را فراموش نکنند زیرا که
پس بود
دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب فرز
ندان و خویشان و برادران مؤمن امیدوارند و احسان
ایشان را چشم براهند خصوصا دعا کردن در نماز شب و

بعد از نماز

بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرفه و پدر و
مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان
بعمل آورد که در خبر است که بسا فرزندی که در حال حیوة
پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از موت ایشان نیکوکار
گردد بسبب اعمال خیر که از برای ایشان بعمل آورد و بسا فرز
ندی که در حال حیوة پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از
موت ایشان عاق گردد بسبب آنکه اعمال خیر از برای ایشان
کم بعمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان
آنست که قرض ایشان را ادا کنند و ایشان را از حقوق خدا و
خلق بری گردانند و حج و سایر عباداتی که از ایشان فوت
شده باشد سعی کنند که یا بتبرع بعمل آورد و در حدیث صحیح
منقولست که حضرت صادق در هر شب برای فرزند خود
و در هر روزی برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز
میکردند و در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم
انا اعطینا میخواندند و بسند صحیح منقولست از حضرت
صادق ع که بسا باشد که میت در تنگی و شدتی بوده
باشد و حقتعالی بر او وسعت دهد و تنگی را از او بر
دارد پس باو گویند که این فرج که ترا رو داده بسبب
نماز نیست که فلان برادر مومن برای تو کرد راوی



پرسید کردو میت را در دو رکعت نماز شریک میتوانیم کرد
فرمود بلی و فرمود که میت شادی می شود و فرح می یابد بدعا
واستغفاری که برای او کند چنانچه زنده شاد میشود بهدیه
که برای او برند و فرمود که بر میت داخل میشود در قبرش
نماز و روزه و حج و تصدق و سایر عملهای خیر و دعا و ثواب
ان اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته می شود
و در حدیث دیگر فرمود که هر که از مسلمانان برای میتی
عمل صالحی بکند خدا ثواب ورا مضاعف کرداند و میت
بان عمل منتفع میگردد و در روایتی وارد شده است که
هرگاه شخصی بنیت میتی تصدقی بکند حقتعالی جبرئیل
را امر مینماید که با هفتاد هزار ملک بنزد قبر او میروند
و هر یکی طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک ندا
میگویند السلام علیک ای دوست خدا این هدیه فلان
مومن است برای تو پس قبر او روشن میشود و حقتعالی
هزار شهر در بهشت باو عطا و کرامت میفرماید و هزار
حوری باو تزویج مینماید و هزار حله باو میپوشاند و هزار
حاجت او را روا میکرداند و در حدیث معتبر منقولست
که شش چیز بمومن میرسد بعد از وفات او اول فرزند
که از جهت او استغفار کند دوم مصحفی یا کتابی از کتب علمی

که از او بماند



که از او بمانند و مردم بعد از او بخوانند سیم درختی که بکارد
و مردم از او نفع یابند چهارم آبی که جاری سازد پنجم چاهی
که حفر نماید که خلق خدا منتفع گردند ششم سنتی است
که مردم با آن عمل نمایند از ارشاد و هدایت خلق تا
تصنیف کتب و مانند آن. در مجملی از
احکام زکوة و خمس و اعتکاف و در آن سه فصل است
در زکوة و آیات و احادیث در وجوب و عقاب
ترک کننده آن بسیار است از آنجمله حق تعالی میفرماید
وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا
فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ عَلَيْهَا فِي نَارِ
جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا
مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ یعنی
آنکسانی که جمع میکنند طلا و نقره را و حقوق الهی نمی
دهند و در راه خدا صرف نمی نمایند پس بشارت ده ایشان را
بعذابی دردناک در آن روزی که سرخ کنند این طلا و نقره
را در آتش جهنم و داغ کنند بآنها پیشانیها و پهلوها
و پشتهای ایشان را و با ایشان گویند اینست مالهائی که از
برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب آنها را و
از حضرت صادق منقول است که هر که ندهد قیراطی از



زکوة را که بیست یک دینار است او نه مومن است و نه
مسلمان و در وقت مردن استغاثه میکند که مرا برگردانید
بدنیا تا زکوة بدهم چنانچه حقتعالی فرموده است حتی
اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلی اعمل
صالحا فیما ترکت یعنی تا وقتی که بیاید احدی را از ایشان
مرگ گوید پروردگارا برگردانید مرا بدنیا تا شایسته عمل شایسته
بکنم در آن مالی که بعد از خود گذاشته ام و از حضرت
سید المرسلین و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم بطرق صحیح
منقولست که کسی که طلا و نقره داشته باشد و زکوة
انرا ندهد حقتعالی او را در روز قیامت حشر خواهد نمود
در زمین لغزنده که پا بند نشود در آن و مسلط سازد بر او
مار بیشه را که زهرش از مارهای دیگر عظیم تر است و در
عقب او رود و از وی گریزد تا چون با وی رسد و داند که
ان خلاصی ندارد دست خود را بدهان او دهد پس
بدندان بگیرد او را مانند شتر نری که بر چیزی دندان
فرو برد پس طوقی گردد در گردن او و این است معنی قول
حقتعالی سیطوقون ما بخلوا به یوم القیامة یعنی
بزودی طوق کرداند در گردن ایشان چیزی را که بخل
ورزیدند در دنیا بان و در راه خدا ندادند در روز



قیامت

قیامت و هرکس شتر یا گاو و یا گوسفند داشته باشد و زکوة
او را ندهد حقتعالی حبس کند او را در صحرای لغزنده و پا
مال کند او را هر حیوان شکافته سمی بسم خود و گزند او را
بدندان و نیش هر صاحب زهری بنیش خود و هرکس زراعت
داشته باشد یا باغ خرما و انگور داشته باشد و زکوة
آنها را نداده باشد آن قطعهای زمین را تا طبقهٔ هفتم
طوق کرده در گردن او اندازند و آن همراهش گردد تا روز
قیامت و بروایت معتبر دیگر هر که زکوة مالش را ندهد
حقتعالی آن مال را اژدهائی گرداند در گردن او که دماغش
را خورد و گوشتش را بدندان کند تا از حساب خلایق فارغ
شوند و در حدیث دیگر حضرت صادق ع فرمود که هیچ مالی
در صحرا و دریا تلف نمیشود مگر به ندادن زکوة و حقتعالی
میفرماید الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللهِ کَمَثَلِ حَبَّةٍ
أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللهُ یُضَاعِفُ
لِمَنْ یَشَاءُ یعنی مثل جماعتی که صرف مینمایند مالهای خود را
در راه خدا از زکوة و خمس و جهاد و حج و غیر اینها مانند دانهٔ است
که برویاند از آن هفت خوشه و در هر خوشهٔ صد دانه بوده
باشد که مجموع هفتصد برابر میشود و حقتعالی مضاعف میگرداند
باضعاف این از برای هر که خواهد و آیات و اخبار در این



باب بسیار است وانچه مذکور شد برای کسی که ایمان بفرمودهٔ
خدا و رسول داشته باشد وکافیست واما اجناسی که در
انها زکوة واجب میشود پس نه جنس است اول طلا هر کاه مقدار
بیست اشرفی باشد وسکه داشته باشد ویکسال بماند که
بدل نکند وتغییر ندهند مقدار چهل یک از زکوة میباید
داد بعد ازان هر چهار اشرفی که زیاد شود بعد از سال چهل
یک میباید داد دوم نقره است بدویست درهم برسد
که تخمینا دوازده هزار وشش صد دینار عجمی بوده باشد موافق
زر ده دانکی وسکه داشته باشد ویکسال بحال خود بماند
بعد از سال چهل و یک میباید داد هر چند چهل درهم زیاد
شود که دو هزار و پانصد و بیست دینار باشد چهل یک
ازا میباید داد سیم شتر است ونصاب ان دوازده است اول
پنج شتر است ودران یک کوسفند است دویم ده شتر است
ودران دو کوسفند است سیم سه کوسفند پانزده شتر است
ودران سه کوسفند است چهارم بیست شتر است ودران
چهار کوسفند است پنجم بیست و پنج شتر است ودران پنج
کوسفند و کوسفندی که دهند بهتر انست که هفت ماهه
یا در هشت باشد و کمتر نباشد اکر کوسفند دهند واکر بز
دهند یکساله یا در دو باشد ششم بیست و شش شتر است



و باید

و باید شتر مادهٔ یکسالهٔ یا در دو بدهند و اگر نداشته
باشد شتر نر دوسالهٔ یا در سه بدهند هفتم سی و شش
است و باید شتر مادهٔ دوسالهٔ یا در سه بدهند هشتم
چهل و شش است و باید شتر سه سالهٔ یا در چهار
بدهند نهم شصت و یک است و باید که شتر مادهٔ
چهار سالهٔ یا در پنج بدهد دهم هفتاد و شش است
و باید دو شتر مادهٔ دوسالهٔ یا در سه بدهد یازدهم
نود و یکست و باید دو شتر مادهٔ سه سالهٔ یا در چهار
بدهد دوازدهم صد و بیست و یک است و هرچه زیا
شود در هر پنجاه شتر مادهٔ سه سالهٔ میدهد و در
هر چهل شتر یک شتر مادهٔ دو ساله میدهد چهارم گاو است
و در هر سی گاو یک گوسالهٔ مادهٔ یا نر یکسالهٔ یا در دو در
دو میدهد و در چهل گاو یک گاو مادهٔ دوسالهٔ یا در
سه میدهد پنجم گوسفند است و در چهل گوسفند یک
گوسفند واجبست و در صد و بیست و یک گوسفند
دو گوسفند و در دویست و یک گوسفند سه گوسفند
واجب است و در سیصد و یک گوسفند احوط آنست
که چهار گوسفند بدهد و چون بچهارصد برسد هرچه
زیاده شود از هر صد گوسفند یک گوسفند میدهد



و در زکوة هر یك از شتر و گاو و گوسفند شرط است
که در علف مباح چریده باشند در تمام سال پس اگر
علف مملوك خورده باشد واحوط انست که اگر چریدن
لش بیشتر باشد زکوة بدهد و بچهها را تا شیر خورند حساب
نمیباید کرد بنابر مشهور و احتیاط در انست که از روزی
که متولد میشوند حساب کنند و در طلا و نقره و حیوانات
هم شرطست که سال بر ایشان بگردد و سال زکوة یازده
ماهست چون ماه دوازدهم داخل شد زکوة واجب
میشود و در گاو و شتر شرط است که کارکن نباشد
پس اگر بار کشند یا خویش کنند زکوة واجب نیست و
گوسفند و بز را برسرهم حساب میکنند و گاو و گاومیش را
برسرهم حساب میکنند و شتر نر و ماده و لوك را برسرهم
حساب میکنند ششم و هفتم و هشتم و نهم گندم و جو
و خرما و مویز است و شرطست که هر یك بنصاب
رسیده باشد و نصاب سصد و هفت من پنجاه درم
است بسنگ تبریز و انگور هرگاه نهصد و بیست و یکمن
باشد احوط انست که زکوة بدهند و شرط است که
این غلات در ملك او بحد نصاب رسیده باشد پس اگر
گندم و جو را بعد از درو کردن بخرد زکواة بر فروشند

واجبست



واجبست واگر زمین را باجاره گرفته باشد زکوة بر مستاجر
واجبست واگر بمزارعه بگیرد بنصف یا ثلث یا ربع
یا ده چهار مثلا زکوة حصه مالک بر مالک واجبست
و زکوة حصه عامل بر عامل اگر حصه هر یک تنها نیز
بنصاب رسیده باشد پس اگر زراعت و باغ اب باران و
یا روان یا اب افتاب یا اب ریشه خورده باشد ده سید هند
واگر اب دست یا گاو یا چرخاب خورده باشد بیست یک
سید هند واگر از هر دو خورده باشد بیشتر اعتبار دارد و اگر
هر دو مساوی باشد پانزده یک سید هند واحوط واقوی
انست که بغیر از خراج پادشاه چیزی از خرج زراعت را
بدر نکند در دادن زکوة وچون اکثر علما بر انند که تعلق
زکوة بانگور در وقت غوره شدن است پس احوط انست که
ارباب خبرت را بیاورند که تخمین کنند میوه باغ را که چه
مقدار است و یا خود مقرر سازد که بان نسبت زکوة خواهم
داد تا انچه خورد از غوره وانگور حلال باشد یا انکه انچه
بردارد بکشد و حساب نگاه دارد یا انچه بردارد عشر غوره را
بدهد وهمچنین گندم وجو وقتی که دانه ببندد و بعضی
از علما گفته اند که زکوة واجبست در حبوب مانند
برنج وماش ونخود وعدس وامثال اینها هر گاه بنصاب



جو و گندم برسند بهمان شرایط و مقداری که گذشت
و مشهور آنست که زکوة اینها سنتست و در مادیان که در علف
مباح چرا کند و سال بر او بگذرد زکوة سنتست پس اگر پدرش
و مادرش عربی باشند دو اشرفی در سالی اشرفی چهار دانك
و نیمی میدهد و اگر یابو باشد که یکی از پدر و مادرش عربی
نباشد یك اشرفی میدهد و در زکوة تجارت جمعی بوجوب
قایل شده اند و مشهور آنست که سنتست و آن مالیست
که مالك شود او را بعنوان معاوضه و در وقت مالك
شدن قصد اکتساب و تجارت بآن داشته باشد و میباید
که قیمت آن بیکی از نصاب طلا و نقره برسد و در تمام سال
بر نصاب باقی باشد و در تمام سال از مایه کم نشود که
بمایه یا بیشتر بخرند و اگر چند سال بگذرد که مایه در کمی
باشد سنتست که زکوة یکسال را بدهند و اگر بر مایه
باقی باشد هر سال چهل یك را میدهند و اگر معاوضه
کند در اثناء سال بقصد تجارت خلافست و احوط آنست
که باز بدهد و سنتست که در وقت درو کردن اگر
فقرا حاضر باشند هر فقیری را دسته گندم بدهد هر قدر
در دستش میآید و در وقت چیدن خرما و انگور یك مشت
بدهد و بزکوة حساب نکند اما مستحق زکوة پس هشت



طایفه

طایفه اند اول و دوم فقرا و مساکین و ایشان کسانی اند که
قوت سالیانه خود و عیال خود نداشته باشد و قادر بر کسبی
نباشند که معاش خود و عیال خود را بان تواند گذرانید
و احوط انست که صالح باشند و سایل بکف نباشند سیم
کسیست که امام نصب میکنند برای گرفتن زکوة و حصه
باو میدهد و در این زمان او نمی باشد غالبا و همچنین چهارم
که مؤلفة قلوبهم اند درین زمان نمی باشند غالبا پنجم صرف
کردن در ازاد کردن بندکانست مثل اقائی غلام خود را
مکاتب کرده است که مالی بدهد و ازاد شود و او عاجز باشد
بر دادن ان بر اقا زکوة واجب شده باشد باید که قدری
از زکوة را بمال کتابت او حساب کنند و الا دیگران از
زکوة حصه باو بدهند و ازاد شود یا غلامی که از دست
اقا در تعب و شدت باشد از مال زکوة بخرند و ازاد کنند
ششم قرض دارانند که قرض کرده باشند و در معصیت
صرف نکرده باشند در اداء قرض ایشان میتوان داد هفتم
فی سبیل الله است یعنی صرف راههای خدا مانند جهاد
فی سبیل الله و یاری حاجیان و زایران ائمه معصومین و
بنای مساجد و پلها و امثال اینها و بعضی گفته اند که
مخصوص جهاد است در زمانی که جهاد باشد و این احوط است



هشتم ابن السبیل است و آن کسی است که بغربت افتاده باشد
و خرج برفتن خانه خود نداشته باشد بمقدار او بدهند
غیر مؤلفه شیعه اثنی عشری باشد و احوط است که اجتناب
از گناهان کبیره کند خصوصاً شراب خوردن دیگر شرط است
که واجب النفقه مالک نباشد مثل پدر و مادر و جد و
جده هر چند بالا روند و فرزندان و فرزندزادگان پسر هر چند
پایین روند و زن و بنده بهتر است که زکوة را بخویشان
پریشان بدهند غیر اینها که مذکور شد اگر شرایط را داشته
باشند و غیر سید زکوة بسید نمیتواند داد اما سید زکوة خود را
بسید و غیر سید میتواند داد و غیر سید احوط است که بشریف
هم ندهند و بهتر است که زکوة را نزد مجتهد یا عالمی که
مصارف زکوة را داند ببرند که او بمصرف برساند
در خمس است بدانکه در هفت چیز است که واجب می
شود اول غنیمتی که از کافران بجنگ بگیرند خواه در جنگ گاه باشد
و خواه در بیرون دوم معادن است مانند طلا و نقره و مس
و سرب و یاقوت و زبرجد و سرمه و عنبر و قیر و نفط و
کبریت بعد از آنکه خرج بیرون آوردن بدر رود پنج یک
او را باید داد و مشهور آنست که نصاب ندارد و بعضی
گفته اند نصابش یک دینار است تا بیک دینار نرسد

خمس

خمس واجب نمی شود وبعضی بیست دینار گفته اند یعنی
بیست اشرفی که نصاب اول طلا است واکثر متاخرین
باین قایل شده اند وخالی از قوتی نیست واگر چند
کس شریک باشند باید حصه هریک جدا بنصاب
برسد سیم گنج است یعنی مالی که در زمین پنهان کرده
باشند پس اگر گنج را در بلاد کفار بیابند که در انجا
مسلمانی نباشد هرچند سکه اسلام داشته باشد یا
در دار الاسلام بیابند وسکه اسلام نداشته باشد
وبیست دینار یعنی اشرفی برسد واگر طلا باشد خمس ادا
میدهند وباقی از اوست واگر نقره باشد بدویست
درهم برسد که موافق زرده دانگی دوازده هزار وششصد
دینار است واگر غیر طلا ونقره باشد قیمت ان بیکی از
مقدار برسد واگر سکه اسلام داشته باشد یا علامتی
که دلالت کند بر انکه از مسلمانی بوده است مشهور
میان علما انست که حکم لقطه دارد میباید یکسال
تعریف کند اگر صاحبش پیدا شود بصاحب بدهد و
الا مخیر است میان مالک شدن وتصدق کردن و
بامانت نگاه داشتن واگر در صورت اول صاحبش
پیدا شود وراضی نباشد عوض بدهد وظاهر اخبار انست



که اگر از روی زمین یافته است لقطه است و اگر در زیر
زمین بوده است گنج است خواه اثر اسلام داشته باشد
و خواه نداشته باشد و جمعی باین قایل شده اند و خالی
از قوتی نیست و اگر گنج را در زمین خود بیابد که از دیگران
باو رسیده باشد از اوست و اگر خمس او را بدهد احوط
است و اگر زمین را خریده باشد تعریف میکند ببایع نزدیک
و دور و اگر نشانی بدهند که ظن صدق دارد بر ایشان حاصل
شود بایشان میدهند علی المشهور و الا از اوست و
احوط آنست که خمس آن را بدهد و همچنین اگر حیوانی
چون شتر و گاو در شکم آن چیزی بیابد تعریف می کند
ببایع و اگر نشان ندهند از اوست و احوط اخراج
خمس است و اگر در شکم ماهی بیابد خمس میدهد احتیاطا
و باقی از اوست و بآن ملحق کرده اند حیوانات شکاری
را مانند آهو و اگر محتمل باشد که در خانه مالک سابق
خورده باشد احوط آنست که تعریف باو بکند چهارم
چیزیست که بغوص از دریا بیرون می آورند مانند مروارید
و مرجان و نصاب در آن معتبر است و مشهور آنست که
نصابش یک دینار است یعنی یک اشرفی تمام وزن و بعضی
بیست دینار گفته اند و اگرچه چند مرتبه در آورد همه را



نمایاهم

تمام با هم حساب می کند هرچند در مابین ترک عوض کرده باشد
علی الاحوط و اگر چند کس شریک باشند حصه هر یک
میباید بنصاب برسد و اگر عنبر را از دریا بغوص در آورند
حکم مروارید دارد و احوط انست که بهر حال خمس انرا
بدهد و رعایت نصاب در ان نکنند پنجم فاضل مؤنت
سالیانه است از ارباح تجارتها و زراعتها و همه کسبها
و مشهور انست که در میراث و بخشش و هدیه خمس نمیباشد
و خرج سالیانه را که بیرون میکنند قدر وسط مناسب
حال ان شخص را اعتبار کرده اند پس اگر اسراف کرده باشد
خمس انکه اسراف کرده است بیرون می کند و اگر بر خود تنگ
گرفته باشد تا اهم بیرون میکند علی المشهور و احوط انست
که از هرچه زیاده امده باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط
انست که هرچه حاصل شود و خرج بکند زیادتی را روز
بروز خمس بدهد و اگر در اثنای سال اخراجات ضروریه
واقع شود مثل خرج کدخدائی و حج بیت الله و زیارات
رسول و ائمه و امثال اینها همه را بقدر وسط بیرون
میکند و همچنین تعدیات و زیادتیها که ظلم کنند
جمیع را بیرون میکند و خمس بقیه را میدهد و ابو الصلاح
قایل شده است که در میراث و هبه و هدیه نیز خمس واجب



است و در حدیث صحیح وارد شده است که اگر از شخصی
جایزهٔ عظیمی باو برسد یا میراثی از جائی که گمان نداشته
باشد باو برسد یا مالی از دشمنان دین باو برسد خمس میباید
داد خمس میباید داد و عمل باین روایت احوط است ششم زمینی
است که یهودیان و نصرانیان و مجوسیان از مسلمانان
بخرند خمس آن زمین را یا خمس قیمت آنرا با رضای ذمی میگیرند
و اگر خانه یا باغ را بخرند مشهور میان علما آنست که خمس
زمین آنها را میگیرند و اکثر قدمای علما متعرض این نوع
خمس نشده اند هفتم مال حلالیست که مخلوط شده باشد
صاحب آنرا نداند و مقدار حرام را نداند خمس آنرا میدهد بفقرا
سادات و غیر ایشان و بعضی آنرا مخصوص سادات میدانند
و بعضی گفته اند بسادات نمیتوان داد و ظاهر هر دو توان داد
و اگر بشریف بدهند بهتر است و اگر مقدار حرام را داند
و صاحبش را نیز نداند آن مقدار را واجبست که بصاحبش
بدهد و اگر صاحب را داند و مقدار را نداند با صاحب
باید صلح کند و بعضی گفته اند که در این صورت خمس را بصاحب
میدهند که آن مقدار را که علم دارد بصاحب میدهد
و ما بقی را با صاحب صلح میکند احتیاطا و این احوطست و
اگر مقدار را داند و صاحب را نداند سعی میکند تا صاحب

بهم رساند



بهم رساند واگر بهم نرسد از برای او تصدق می کند و از
صورة اول مسمی است برد مظالم واگر خمس را بدهد و
تصدق کل را یا بعض را و بعد از آن صاحب پیدا شود
خلاف است که آیا باید باز بصاحب بدهد واحوط
آنست که بدهد اما مستحق خمس مشهور میان علما
آنست که شش حصه میشود چنانچه ظاهر آیه است
وحصه خدا و رسول و ذوی القربی که نصف خمس است
بعد از حضرة رسول از امام زمان است و نصف دیگر
سه میشود که یتیمان سادات و مسکینان سادات و ابنا
سبیل سادات میدهند و مراد از سید موافق مشهور
کسی است که منسوب باشد از جانب پدر بعبد المطلب
و تفسیر مسکین و ابن سبیل در زکوة گذشت و در یتیم
احوط آنست که پریشان باشد و ابن سبیل را انقدر
میدهند که بشهر خود رود و از احادیث معتبره ظاهر می
شود که در زمان حضور امام همه خمس را بخدمت آنحضرة
نصف را خود برمیداشته اند و نصف را باین سه
فرقه سادات میداده اند که مذکور شد و هر یک بقدر
کفاف ایشان در یکسال میداده اند و آنچه زیاد می آمد
خود برمیداشته اند و اگر وفا نمیکرده از حصه خود



تتمیز را میداده اند وایشان بمنزلهٔ عیال امام بوده اند
ودر زمان غیبت احوط که حصه سادات را بعالم عادل
اثنی عشری بدهند که بسادات برساند بقدر احتیاج
ایشان واما نصف دیگر خمس که حصه آن حضرت است
در زمان غیبت خلافست ومشهور آنست که بعالم عادل
باید داد که بر سبیل تتمه بنیابت آنحضرت بسادات بدهد
واگر چیزی زیاد آید حفظ کند وبعد از خود بعالم دیگر بدهد
اگر سید پریشانی یابد بدهد والا از برای آنحضرت ضبط
کنند واین فرض در این زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات
پریشان بسیارند وخمس دهندگان کم اند وجمعی گفته اند
که در زمان غیبت ائمه این حصه را بر شیعیان حلال کرده
اند واین سخن بی وجه است زیرا که از حضرت صاحب الامر
روایت صریحی نرسیده که بر شیعیان حلال کرده باشد بلکه
خلافش ظاهر است زیرا که در زمان غیبت صغری که
هفتاد سال وکسری بوده نایبان آنحضرت اعنی عثمن عمری
وپسر او محمد وحسین ابن وعلی ابن محمد سمری حصه آن
حضرت را بلکه جمیع خمس را از شیعیان میگرفتند
وبفرموده حضرت بمردم میدادند وظاهر است که در این
زمان نیز نایب عام آنحضرت که علمای ربانی ومحدثان

وحامل



وحاملان علوم ایشانند باید بگیرند و بساداة کرعیال
انحصر شد برسانند والا باید ساداة که سادات اشرف
خلقتند یا از کرسنکی بمیرند یا سایل بکف شوند و از
همه کس ذلیل تر باشند زیرا که زکوة و صدقات واجبه
بر ایشان حرامست و خمس را بعوض آن بایشان داده‌اند
و بسبب اختلافی که در میان علمای عصر اغنیا را جراة
داده اند بر منع خمس باعث این شده که اکثر ساداة بفقر و فاقه
میگذرانند و حقوق ایشان و اجداد بر ذمت اغنیا میماند
و بر تقدیری که ائمه بر ایشان رحم کرده باشد در زمانهای تقیه
و خوف و تعدیاتی که از خلفای جور بر ایشان واقع میشد و حلال
کرده باشند ایشان چگونه بر خود هموار میکنند که عیال و
خویشان و اقارب امام خود را در فقر و اضطراب ببینند
و بر ایشان رحم نکنند و باز در قیامت امید شفاعت از
ایشان داشته باشند و حال آنکه فرموده اند که بدترین احوال
مردم در روز قیامت وقتی خواهد بود که صاحبان خمس
برخیزند و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم و حضرت
صادق ع فرمود که من یک درهم خمس را از شما میگیرم و حال
آنکه مال من از همه اهل مدینه بیشتر است و نمیگیرم مگر
از برای آنکه شما پاک شوید از گناه و از حقوق ما و حضرت



رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که احسانی باحدی
از اهل بیت من بکند مکافات میدهم او را در قیامت
واکثر علما بر انند که اگر صاحب مال حصه امام علیه
السلام را بسادات بدهد بری الذمه نمیشود مگر
انکه ... بعالم مجتهد عادل برسد و بکمان فقیر همه
خمس این حکم دارد

در بیان فضیلت و کیفیت

اعتکاف مکث است در مسجد جامع جهت عبادة و این سنت
مؤکد است بمقتضای ایات و اخبار بسیار خصوصا
در دهه اخر ماه رمضان چنانچه حضرة سید المرسلین در
دهه اخر ماه رمضان اعتکاف مینمود مگر یکسال که در ان
جنگ بدر واقع شد و در سال بعد از ان بیست روز
اعتکاف داشتند ده روز قضاء سال گذشته و ده
روز اداء و از ان حضرة منقولست که اعتکاف دهه
اخر ماه رمضان برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف
بنذر و شبه ان مانند عهد و قسم و اجاره دادن خود
بغیر واجب میشود و اگر بنذر واجب شده باشد و نکرده
باشد احوط انست که بیرون رود قضا کند و بعضی گفته
اند بعد از نیت و شروع کردن واجب میشود و هم چنین
ششم و نهم و دوازدهم و پانزدهم و هرچه بالا رود

لسنت

نیست و بعضی گفته اند مطلقا واجب نمیشود تا آن اسباب
وجوب بعمل نیاید و این قول قوی نیست و احوط آنست که اول
شبها بتجدید نیت نکند بقصد قربت و مستحب است
که معتکف شرط کند بر پروردگار خود که اگر او را مانعی
عارض شود بیرون تواند رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی
آنست که جایز است اشتراط رجوع باختیار بی تقیید بعارض و مانع
و بعضی در اینجا تقیید کرده اند و ظاهرا عارض و مانع اعم از عذر
ضرور نیست و محل این شرط در اعتکاف سنت نزد نیت
اعتکاف و دخول در آن و جماعتی از اصحاب ذکر کرده اند
که محل آن در اعتکاف واجب بنذر نزد گفتن صیغه نذر
است و خالی از اشکالی نیست و فایده شرط آنست که
نزد عارض یا مطلقا اگر خواهد رجوع تواند کرد اگر چه در
روز سیم باشد و فایده دیگر آنکه اگر با شرط رجوع کند
قضا بر او واجب نیست و اما مکان اعتکاف جمعی از اصحاب
گفته اند که در غیر مسجد مکه و مسجد مدینه و مسجد کوفه و
مسجد بصره اعتکاف نمیباشد و بعضی بجای مسجد مداین را
گفته اند و بعضی هر دو را گفته اند و خلاف در این باب
بسیار است و مسجد مداین گویا در این زمانها معلوم
نیست و مسجد بصره در این اوقات در بیابان واقع است



واعتکاف دران مشکل است و گفته است که مراد بمسجد
مکه و مدینه ان قدر نیست که در زمان حضرت رسول صلی الله
علیه و اله بوده نه انچه بعد الحاق کرده اند و ظاهر ادر مسجد
جامعی اعتکاف توان کرد و مراد بمسجد جامع مسجد بزرک است در بلد
که انجا نماز جماعت کنند و مخصوص محله نباشد و اگر محلات
شهر بانجا برای اقامت جمعه یا جماعت حاضر شوند کو متعدد
باشد مثل مسجد جامع عباسی و مسجد جامع قدیم در اصفهان
و مسجد اقا نور و مسجد عباس اباد محل تامل است و احوط انست
که اگر در مکه و مدینه و کوفه باشند در غیر مساجد مخصوصه
واقع نسازند و در بلاد دیگر احوط انست که در مسجد کبیر
بلد که مشهور بمسجد جامع باشد بجا اورند و اگر مسجد بزرگ
تر شهر باشد احوط است و غایت احتیاط انست که
قصد کند که اعتکاف میکنم در این مسجد اگر مطلوب
شارع باشد بعنوان اعتکاف مقرر فیها و الا در مسجد
عبادة میکنم از برای رضای خدا یا قربة الی الله و شرط
است در اعتکاف لبث سه روز یا بیشتر و مشهور انست
که دو شب در میان داخل اند و بعضی گفته اند اول
نیز داخل است و احوط انست که نزدیک بغروب افتاب
نیت اعتکاف بکند تا شام روز سیم و اگر تا صبح روز چهارم

قصد کند



قصد کند بنابر احتیاط است و شرطست در اعتکاف
که معتکف روزه باشد خواه روزه واجب وخواه روزه
سنت و باید برخصت کسانی باشد که رخصت ایشان در
در روزهٔ سنت شرطست مانند شوهر زن را و مالك
بنده را و احوط آنست که فرزند برخصت پدر و مادر
اعتکاف سنت است نکند و مهمان برخصت مهمان
دار و برعکس واقع نسازند و نیت در اعتکاف شرطست
وظاهر اقصد قربت کافیست و واجبست که بیرون
نرود از مسجدی که در آن اعتکاف میکند بدون ضرورت
مانند نماز جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند یا عیادة بیمار
مومنی یا حاضر شدن در جنازهٔ مومن یا قضای حاجت
مومن یا برای حاجت ضروری خود مانند بیت الخلا
رفتن و غسل جنابت اگر محتلم شده باشد و در غسل
جمعه بنابر قول استحباب و سایر اغسال مستحبه اگر در
مسجد نتوان کرد اشکالی هست و مشهور آنست که نمی
توان کرد و همچنین جایز است بیرون رفتن از برای تحصیل
آب و نان و سایر ضروریات اگر کسی نداشته باشد
که برای او تحصیل نماید و همچنین جایز است بیرون رفتن
از جهت گواهی دادن و گواه شدن اگر دیگری نباشد



و نتوان در مسجد بجا آوردن و چون بدر رود در جائی
ننشیند تا برگردد بمسجد و بهتر آنست که در زیر سقف راه
نرود و اگر ممکن باشد توقف بسیار زیاد از ضرورت
واقع نسازد و چون وقت نماز شود نماز را در جای دیگر
غیر آن مسجد که محل اعتکافست از برای او نکند مگر در
مکهٔ معظمه که در همه جا میتواند کرد و اگر سهوا از مسجد بیرون
رود اعتکاف باطل نمی شود مگر آنکه زمان بسیار بگذرد
که او را معتکف نگویند و همچنین اگر جبرا او را از مسجد
بیرون برند و احوط آنست که جزو بدن را نیز از مسجد
نکند و بعضی منع کرده اند از رفتن ببام مسجد و ظاهر
اگر داخل مسجد باشد قصور ندارد و بدانکه حرامست
بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب و هم
چنین حرام است بوسیدن بشهوة و دست بر بدن او
مالیدن بشهوة و احوط اجتنابست از هر دو و اگر چه
بشهوة نباشد و حرام است طلب منی کردن اگر چه بکف کرده
باشد هرگاه عادتش نباشد که ازو منی آید بسبب آن و
احوط آنست که بعبث دست بر ذکر نمالد و حرام است
بوی خوش کردن و گل بوئیدن هر گل که باشد علی
المشهور و نباید جدل و نزاع با کسی بکند و احوط است



که مباحثه علمی نیز نکند مگر بقصد اظهار حق و خرید و
فروش نکند مگر برای ضرورت یات خود و عیال و احوط
انست که وکیلی از برای خود قرار دهد که اینها را بکند
و احوط انست که مطلق معاملات خود را واقع نسازد
حتی عقد نکاح را و همه اینها که در اعتکاف حرام است
در روزها و شبها حرام است مگر خوردن و آشامیدن
که در شب جایز است نه در روز و هرچه روزه را باطل
میسازد اعتکاف را نیز باطل میکند اگر در روز بفعل
آورد و در شب افطار میتواند کرد و مفطرات غیر جماع
و استمتاع را واقع میتواند ساخت و اولی از غیر اکل و
شرب و اگر جماع کند اعتکاف او باطل میشود و کفاره
میدهد اگر اعتکاف واجب باشد و در روز اول
و دوم اعتکاف سنت خلافست و احوط کفاره است
اگرچه جماع در شب اول واقع شود و احوط انست که
هرچه روزه را باطل میکند اگر اینها را در روز واقع
سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره بنده آزاد کردن
است اگر تواند و الا دو ماه پی در پی روزه گرفتن و
الا شصت مسکین را طعام دادن و بعضی گفته اند
مخیر است میان اینها و احوط اولست بلکه اظهر پس



اگر جماع در شب واقع شود کفاره میدهد و اگر در روز ماه
رمضان واقع شود دو کفاره میدهد یکی مرتبه و دیگری مخیره
و بعضی گفته اند اگر در روز غیر ماه رمضان واقع شود باز
دو کفاره میدهد و این بی وجه است و بیع و شری و سایر
محرمات غیر از جماع سبب بطلان اعتکاف میشود و کفاره
بانها واجب نمیشود و در بطلان باستمنا و کفاره بسبب
ان خلافست و احوط اتمامست و کفاره اگر در شب واقع
شود استمنا باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره میدهد
احتیاطا و احکام اعتکاف بسیار است و بانچه ضرور بود
اکتفا کردیم در بیان کفارات بدانکه کفاره بر دو
نوع است اول کفارات احرام حج و عمره و انها را در رساله
حج بیان کرده ام دوم سایر کفارات و انها بسیار است
بعضی متفق علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و
بعضی سنت و بعضی مرتب و بعضی مخیر و همه را با
یکدیگر بر سبیل اجمال برای طالبان ادراک سعادات
ابدی و محصلان نجات عقوبات اخروی بیان مینماید
اول کفاره افطار روزه ماه رمضان و ان واجبست
بخوردن و اشامیدن چیزی که خوردن یا اشامیدن
ان متعارف و معتاد باشد اتفاقا و در غیر معتاد

حلاف



خلافست واشهر واقوی وجوبست ودر جماع کردن در
قبل زن اتفاقا ودر دبر زن علی الاقوی وبباقی ماندن
بر جنابت عمدا تا طلوع صبح علی الاقوی وبخوابیدن
با جنابت بی نیت غسل تا صبح علی الاحوط وبرسانیدن
غبار غلیظ بحلق بنا بر قول جمعی وطلب منی کردن ودست
بازی کردن یا مکرر نظر کردن تا منی بیاید علی الاحوط
وبه قی کردن عمدا بنا بر قول بعضی وبحقنه کردن وشاف
عمل کردن بنا بر قول بعضی وبدروغ بستن بر خدا ورسول
وائمه هدی بنا بر قول بعضی وبسر فرو بردن عمدا در آب
بنا بر قول بعضی هرگاه یکی از این امور را بعمل آورد عمدا و
مسئله داند کفاره باید داد اجماعا ودر بعضی احتیاطا
واگر از روی سهو باشد کفاره ندارد واگر مسئله نمیداند
خلافست واحوط کفاره است واگر افطار بحلال باشد
کفاره یک بنده آزاد کردن یا دو ماه پیاپی روزه گرفتن
یا شصت مسکین طعام دادن است وبعضی بترتیب
قایل شده اند یعنی اگر قادر باشد بر بنده آزاد کردن
آن مقدم است والا دو ماه روزه واگر از این نیز عاجز باشد
شصت مسکین را طعام بدهد وقول اول وثانی احوط
است واگر افطار بحرام کرده باشد مانند شراب ولحم



خنزیر و مال مغصوب داشته و زنا و لواطه بعضی از
علما قایل شده اند که هر سه کفاره بر او واجب می شود
و بعضی مانند بحلال افطار میدانند و اول احوط است دوم
هرگاه در قضای روزه ماه رمضان بعد از زوال افطار
کند مشهور انست که کفاره واجبست و بعضی سنت
میدانند و اشهر و اقوی انست که کفاره طعام دادن
ده مسکین است و اگر عاجز شود سه روز روزه میگیرد
و بعضی مخیر میان این دو میدانند و بعضی کفاره قسم
و بعضی کفاره افطار ماه رمضان لازم میدانند سیم
کفاره ظهار است که کسی با زن خود بگوید انت علی
کظهر امی یعنی تو بر من مانند پشت مادر منی یا خواهر
یا سایر محارم علی الاشهر اگر این را بگوید در وقتی که زن
حایض نباشد و در ان طهر با او جماع نکرده باشد و در
حضور دو عادل بگوید پس اگر خواهد جماع کند باید
که کفاره بدهد و اگر بدون کفاره جماع کند دو کفاره بر او
واجب میشود بنا بر مشهور و کفاره یک بنده ازاد کردن
است و اگر عاجز شود دو ماه پی در پی روزه داشتن و با
عجز شصت مسکین اطعام کردن چهارم کفاره ایلا است
یعنی قسم بخورد که زوجه دایمه خود را چهار ماه یا زیاده

وطی

وطی نکند و زن او را نزد حاکم شرع برد و حاکم حکم کند که
او را طلاق بگوید یا وطی کند و اختیار وطی نماید باید که
کفاره بدهد و کفاره اش کفارهٔ قسم است که بعد از این
مذکور میشود انشاء الله پنجم کفارهٔ مخالفت قسم است یا
انکه قسم خورد باسمای مقدسه خدا بر کردن فعلی که ترکش
که ترکش رجحان نداشته باشد یا نکردن فعلی که فعلش رجحان
نداشته باشد و مخالفت ان قسم نماید و کفاره اش انست
که یك بنده ازاد کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده
مسکین را طعام کند و اگر از هر سه عاجز شود سه روز پیاپی روزه
بدارد و اگر از هر سه عاجز شود ششم کفاره مخالفت نذر است
بانکه نذر کند فعل امری را که راجح باشد یا ترك امری
را که مرجوح باشد و مخالفت نماید کفاره اش بعضی گفته
اند مانند کفارهٔ قسم است و بعضی گفته اند مانند کفاره
افطار ماه رمضانست یك بنده ازاد کردن یا دو ماه ر
وزه گرفتن یا شصت مسکین را طعام دادن و بعضی گفته
اند که اگر نذر تعلق بروزه داشته باشد کفاره افطار
ماه رمضانست و اگر تعلق بغیر روزه داشته باشد کفاره
اش کفارهٔ قسم است و این قول خالی از قوتی نیست و
احوط کفارهٔ ماه رمضان است مطلقا هفتم کفاره



عهد است که خدا عهد کرده باشد که امر راجحی یا غیر مرجوحی
را بعمل آورد یا ترک کند امر راجحی یا مرجوحی را و مخالفت
از عهد نماید و در کفاره اش مانند کفاره نذر خلاف
هست و احوط آنست که در نذر مذکور شد هشتم قسم
خوردن بعنوان بیزاری از خدا و رسول و ائمه هدی
در حرام بودن چنین قسمی خلافی نیست ولیکن در و
جوب کفاره بچنین قسم یاد کردن خلاف هست بعضی گفته
اند کفاره اش کفاره ظهار است اول بنده آزاد کردن
و با عجز از آن دو ماه روزه داشتن و با عجز از آن شصت مسکین
را طعام دادن و اگر عاجز شود ده مسکین را طعام یا
کسوه بدهد و اگر عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد
و بعضی گفته اند کفاره اش کفاره نذر است و ابن با
بویه گفته است سه روز روزه بدارد و ده مسکین را
طعام بدهد و بعضی گفته اند گناه کرده است و کفاره
ندارد و در حدیث صحیح وارد شده است که صفار
بحضرت امام حسن عسکری نوشت که مردی سوگند
یاد کرد به بیزاری از خدا و رسول و مخالفت کرد توبه و
کفاره او چیست حضرت فرمودند که ده مسکین را طعام
میدهد هر مسکینی را یک مد و طلب آمرزش میکند



از خدا

از خدا و بعضی از علما باین مضمون قایل شده و خالی از قوتی
نیست و ایضا خلاف کرده اند که این کفاره برای اصل
سوگند خوردنست یا برای مخالفت سوگند کردن و باید
که چنین سوگندی یاد نکند و اگر بکند بمحض عمل بقول
اول بکند اگرچه ظاهر انست که عمل بروایت مجزی است
نهم بعضی از علما قایل شده اند که زنی که در مصیبت موی
سر خود را ببرد کفارهٔ افطار ماه رمضان میدهد بترتیب
بر قول بعضی و بعضی اند که گناه دارد و کفاره ندارد و در
روایتی وارد شده است که کفارهٔ افطار ماه رمضان
لازم است و احوط عمل بروایت است و بعضی تراشیدن
مو را نیز الحاق کرده اند ببریدن در وجوب کفاره دهم هر
گاه زن در مصیبت موی سر خود را یا روی خود را بخراشد
یا مردی جامه خود را در مرگ فرزند خود یا زوجه خود چاک
کند کفارهٔ قسم لازم میشود بنابر قول بعضی و روایتی بر
این مضمون وارد شده است و احوط است هرچند
وجوب ثابت نیست یازدهم مردی که زن یا متعه یا
متعه یا کنیز خود را در ایام حیض جماع کند در قبل بعضی
کفاره را واجب دانسته اند و بعضی سنت و مشهور
میان علما انست که اگر در اول حیض باشد یک اشرفی



تصدق میکند و در وسط حیض نیم اشرفی و در اخر حیض
ثلث اشرفی و احوط عدم ترک کفاره است دوازدهم
کسی بخواب رود نماز خفتن نکرده باشد تا نصف شب
بگذرد بعضی گفته اند که بسبب ان روز را روزه
بدارد و اشهر استحباب است و بعضی عامد و ناسی را
ملحق کرده اند و مشهور انست که بر تقدیر وجوب
اگر روزه ندارد گناه کرده است و کفاره ندارد و بعضی
لازم دانسته اند کفاره ماه رمضان و این قول ضعیف
است و احوط انست که یکروز قضا بگیرد سیزدهم کفاره
قتل عمد است که دانسته کسی را بکشد یا کاری که غا
لبا کشنده باشد نسبت بکسی واقع سازد و او کشته
شود کو قصد کشتن نداشتن باشد کفاره اش انست
که یک بنده ازاد کند و دو ماه متوالی روزه بدارد
و شصت مسکین را اطعام بدهد چهاردهم کفاره قتل
خطا است که کسی را بناحق بکشد قصد قتل نداشته
باشد و کاری کند که غالبا کشنده نباشد و او کشته
شود مانند طفلی را برای تادیب بزنند و بمیرد یا تیری
بسوی اهو بیندازد و بشخص خورد و کشته شود یا دیوار
برکسی بخورد و او بیفتد و بمیرد و اگر خود مباشر قتل باشد

وکاری



وکاری کند که از سبب قتل شود مثل آنکه چاهی در
راهی بکند و کسی در آن چاه بیفتد و بمیرد یا سنگی بر سر
راهی بگذارد و باعث قتل کسی شود مشهور آنست که
کفاره لازم نمیشود هر چند دیت لازم شود و کفاره بنده
آزاد کردنست و بعد از عاجز شدن از آن دو ماه متوالی
روزه داشتن و بعد از عجز از آن شصت مسکین طعام
دادن پانزدهم اگر کسی زنی در عده دیگری تزویج کند
میباید از آن زن مفارقت کند و بقول بعضی از علما
پنج صاع آرد تصدق میکند و احوط آنست که اگر زن دیگر را
عقد کند نیز این کفاره را بدهد یا پنج درهم تصدق کند
شانزدهم کسی که مملوک خود را زیاده از حد شرعی بزند
بعضی علما گفته اند موافق بعضی از روایات واجبست
که آن مملوک را بکفاره آن عمل آزاد کند و این احوط
است و اگر او را بکشد بعمل کفاره جمع میدهد و اگر
بخطا بکشد کفاره قتل خطا میدهد و واجبست که
قیمت آن غلام را تصدق کند بنا بر مشهور هفدهم کسی که
روزه ماه مبارک رمضان را افطار کند بسبب بیماری اگر
تا ماه رمضان دیگر بیمار باشد اشهر و اقوی آنست که
قضا ساقط میشود و برای هر روز یک مد یا دو مد طعام



میدهد علی الخلاف و بعضی گفته اند قضا میکند و ابن
جنید رحمه الله گفته است احتیاط هر دو را میکند و اگر
ما بین دو رمضان آزارش برطرف شود و قادر بر روزه باشد
و بدون عذری تاخیر کند تا آنکه ماه رمضان دیگر بیاید
اشهر و اقوی آنست که بعد از ماه رمضان قضا میکند و
هم از برای هر روزی یک [illegible] مد میدهد و بعضی کفاره را
واجب ندانسته اند و بعضی گفته اند کفاره در صورتی است
که عزم بر قضا نداشته باشد و اگر عازم بر قضا باشد
و بعد از تنگ شدن وقت بیماری یا عذری دیگر عارض
شود قضا باید کرد و کفاره نیست و قول اول اقوی است
هیجدهم نوادر کفارات است از حضرت صادق منقول است
که کفاره عمل سلطان قضاء حوائج مؤمنان است و کفاره
غیبت آنست که برای شخص که او را غیبت کرده است
استغفار کند و کفاره مجلس آنست که چون از مجلس برمی
خیزد بگوید سبحان ربک رب العزة عما یصفون و
سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین و
کفاره خنده آنست که بگوید اللهم لا تمقتنی یعنی
خداوندا مرا دشمن مدار و بر من غضب و در حدیث
معتبر از امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که هر کم



بد بکری بگوید لا اب لک و لا ام لک یعنی تو را پدر
مباد یا مادر مباد باید که چیزی تصدق کند کند
و کسیکه بگوید نه بحق پدرم یا بجان پدرم کفاره اش
آنست که بگوید لا اله الا الله و خلافست در این نوع
از قسم مثل بجان خود یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام
داشته اند و اشهر کراهیت است و احوط ترکست و
اما احکام کفارات مذکوره پس در چند فصل بیان می
شود اول هرگاه بنده باید آزاد کرده و کفارهٔ قتل میباید
آن بندهٔ مؤمن باشد و در باقی کفارات خلاف است
و احوط رعایت ایمانست و در کفارهٔ قتل احوط انست
که بالغ باشد و در غیر آن مرد و زن و بالغ مجزیست و باید که
بنده کور و صاحب خوره و زمین گیر نباشد و مولی جراحت
باو نرسانیده باشد که موجب عتق او باشد و بعضی گفته
که باید خصی و لال و کر و نباشد و ولد الزنا نباشد و
مشهور اجزاست و احوط ترکست و غلام گریخته را مشهور
آنست که آزاد میتوان کرد تا علم بمرگش بهم نرسد و بعضی
شرط کرده اند که چیزی باو برسد و شرط کرده اند که ظن
حیوة او باشد دوم در کفاره مرتبه تا از بنده آزاد کردن
عاجز نشود بروزه منتقل نمیشود و هر جا که روزه دو ماه



باشد باید متوالی بگیرد و توالی بیک ماه و یک روز که متصل
بگیرد بعمل می آید باین معنی که اگر بعد از ان بدون عذر افطار
کند بنا باید از سر بگیرد و آیا تفریق جایز است بعید نیست یا
حرامست اول اظهر است و ثانی احوط است و اگر
پیش از یکماه و یکروز بعید را افطار کند از سر میگیرد و اگر بعذری
باشد مانند حیض و نفاس و بیهوشی و دیوانگی و بیماری
و سفر ضروری بعد از زوال عذر بنا میگذارد و تمام می
کند و همچنین اگر مجبور شود در افطار روزی بنا بر قول
هر جا که کفاره دو ماه متوالی باشد اگر کفاره دهنده
بنده باشد یکماه پی در پی میگیرد علی الاقوی سیم هر جا
که اطعام لازم میشود مشهور انست که به هر یک انقدر
طعام بخوراند که سیر شود و بهتر انست که نان خورشی
بان ضم کند مانند خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی گفته
اند میباید چاشت و شام هر دو بهر مسکین بخوراند بقدر
که سیر شود و احوط اینست اگر چه اظهر انست که بیک وقت
اکتفا میتوان کرد و اگر خواهد طعام را بمسکین میتواند
داد و در مقدار ان خلافست بعضی یک مد گفته اند
دو مد و احوط دو مد است و بهتر انست که با ان نان
خورشی نیز بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته اند و



در طعام دادن بزرگ و کوچک تفاوت نمی کند و احوط
آنست که حصه اطفال را بولی شرعی ایشان بدهند و اگر
طعام خورند ظاهرا صغیر و کبیر با هم ضم تواند کرد و اگر
دو طفل را بجای یک مرد حساب کند احوط است و در
یک کفاره دو حصه را به یک مسکین نمیتوان داد مگر
آنکه مستحق یافت نشود و احوط آنست که تا ممکن باشد
بغیر مؤمن ندهد و به پریشان بسیار پریشان بدهد که
مسکین بر او صادق باشد و مد چهار یک صاع است
و صاعی بمن تبریز است و چهارده مثقال و ربعی بنابر
مشهور و چون در احادیث اختلاف در تحدید صاع و مد هست
احوط آنست که بجای دو مد نیم شاه تقریبا به یک جامه
ماند بپیراهن اکتفا کرده اند و بعضی دو جامه لازم
میدانند و بهتر آنست که پیراهن و قبا بدهد یا قبا و پا
پوش و بهتر آنست که نو باشند و طفل را بهتر آنست که
برخصت ولی بر او بپوشاند پنجم هرگاه از عتق رقبه عاجز
باشد و شروع کند در روزه و بعد از ان قادر شود بر بنده
آزاد کردن روزه او را مجزیست و بهتر آنست که ترک
کند روزه را و بنده آزاد کند خصوصا هرگاه کمتر از یک
ماه و یک روز روزه داشته باشد جمعی از اصحاب

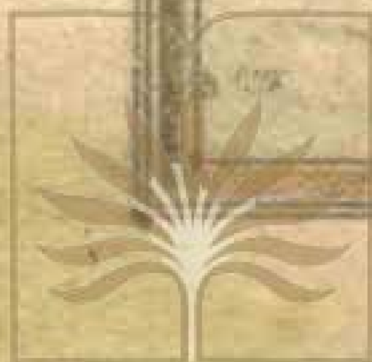


قایل شده اند که هرگاه بر کسی دو ماه متوالی روزه واجب
شود عاجز باشد از گرفتن آن هیجده روز روزه میدارد
واگر نتواند برای هر روز مدی از طعام میدهد واگر
نتواند استغفار میکند واشهر واقوی آنست که از هر
کفاره که عاجز شود استغفار بدل آن میشود مگر کفاره
ظهار که بعضی گفته اند که تا کفاره نه دهد وطی زن
باو حلال نمیشود هرچند عاجز باشد واگر بعد از عجز
واستغفار بر کفاره قدرت بهم رساند احوط آنست که
باز کفاره را بعمل بیاورد وچون اکثر مردم جاهلند به
کفارات واحکام آنها وبرایشان لازم میشود ونمیدانند
ومشغول الذمه بحق الهی میمانند قدری احکام آنها را
در این رساله کثیر الفایده ایراد نمودم ملتمس از برادران
ایمانی آنست که هرکه از این رساله منتفع گردد در حال
حیوة یا بعد از وفات این شکسته را بدعای رحمت و
مغفرت این مستحق دعا را یاد کنند وختم بفضل الله و
سبحانه وتاییده فی شهر المعظم شهر رمضان من سنه سبع
ومائة والف من الهجرة المقدسه علی ید مؤلفه الراجی رحمة
الکریم المنان فی محروسه اصفهان از این جلد ثانی المعاجین
فالبیان فرغ وصنع نثار کهف الحاج والمعتمرین طایف بیت الله

الحرام



الحرام و زائر روضات حضرات ائمه انام بتوفیق اتمام حضرت
رب الانام حاجی عبدالله شروانی سمی الاحقر محرره
محمد حسن ابن محمد اسمعیل یزدی فی شهور سنه ۱۲۳۴



زیارت ششم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

السلام علیک یا رسول الله السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک
یا امین الله السلام علی من اصطفه واختصه واختاره من بریته السلام
علیک یا خلیل الله ما دجی اللیل وغسق واضاء النهار واشرق السلام
علیک ما صمت صامت ونطق ناطق وذر شارق ورحمة الله وبرکاته
السلام علی مولانا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صاحب السوابق و
المناقب والنجدة ومبید الکتائب الشدید الباس العظیم المراس المکین
الاساس ساقی المؤمنین بالکاس من حوض الرسول المکین الامین
السلام علی صاحب النهی والفضل والطوائل والمکرمات والنوائل
السلام علی فارس المؤمنین ولیث الموحدین وقاتل المشرکین ووصی
رسول رب العالمین ورحمة الله وبرکاته السلام علی من ایده
بجبرئیل واعانه بمیکائیل وازلفه فی الدارین وحباه بکل ما تقر
به العین وصلی الله علیه وعلی آله الطاهرین وعلی اولاده المنتجبین
وعلی الائمة الراشدین الذین امروا بالمعروف ونهوا عن المنکر
وفرضوا علینا الصلوة وامروا بایتاء الزکوة وعرفونا صیام شهر
رمضان وقراءة القرآن السلام علیک یا امیر المؤمنین ویعسوب
الدین وقائد الغر المحجلین السلام علیک یا باب الله السلام علیک
یا عین الله الناظرة ویده الباسطة واذنه الواعیة وحکمته البالغة
ونعمته السابغة السلام علی قسیم الجنة والنار السلام

علی نعمة

على نعمة الله على الابرار و نقمته على الفجار السلم على سيد المتقين
الاخيار السلام على اخي رسول الله و ابن عمه و زوج ابنته و
المخلوق من طينته السلام على الاصل القديم و الفرع الكريم
السلام على الثمر الجني السلام على ابي الحسن علي السلام على
شجرة طوبى و سدرة المنتهى السلام على ادم صفوة الله و نوح
نبي الله و ابرهيم خليل الله و موسى كليم الله و عيسى روح الله و
محمد حبيب الله و من بينهم من النبيين و الصديقين و الشهداء و
الصالحين و حسن اولئك رفيقا السلام على نور الانوار و سليل
الاطهار و عناصر الاخيار السلام على والد الائمة الابرار السلم
على حبل الله المتين و جنبه المكين و رحمة الله و بركاته السلم
على امين الله في ارضه و خليفته و الحاكم بامره و القيم بدينه
و الناطق بحكمته و العامل بكتابه اخ الرسول و زوج البتول
و سيف الله المسلول السلام على صاحب الدلالات و الايات
الباهرات و المعجزات القاهرات و المنجي من الهلكات الذي ذكره
الله في محكم الايات فقال تعالى و انه في ام الكتاب لدينا لعلي
حكيم السلام على اسم الله الرضي و وجهه المضيء و جنبه العلي
و رحمة الله و بركاته السلام على حجج الله و اوصيائه و خاصة
الله و اصفيائه و خالصة الله و امنائه و رحمة الله و بركاته
توجهت اليك فقصدتك يا مولاي يا امين الله و حجته زائرا عارفا



بحقك موالیاً لاولیائك معادیاً لاعدائك متقرباً الی الله بزیارتك
فاشفع لی عند الله ربی وربك فی خلاص رقبتی من النار وقضاء
حوائجی حوائج الدنیا والآخرة پس خود را بقبر بچسبان ببوس
وبگو سلام الله وسلام ملائکته المقربین والمسلمین لك
بقلوبهم یا امیر المؤمنین والناطقین بفضلك والشاهدین علی
انك صادق امین صدیق علیك ورحمة الله وبرکاته اشهد
انك طهر طاهر مطهر من طهر طاهر مطهر اشهد لك یا ولی الله
وولی رسوله بالبلاغ والاداء واشهد انك جنب الله وبابه
وانك حبیب الله ووجهه الذی یؤتی منه وانك سبیل الله
وانك عبد الله واخو رسوله صلی الله علیه وآله اتیتك زائراً
متقرباً الی الله عز وجل بزیارتك راغباً الیك والشفاعة ابتغی
بشفاعتك خلاص رقبتی من النار متعوذاً بك من النار هارباً
من ذنوبی التی احتطبتها علی ظهری فزعاً الیك رجاء رحمة ربی
اتیتك استشفع بك یا مولای واتقرب بك الی الله لیقضی بك حوائجی
فاشفع لی یا امیر المؤمنین الی الله فانی عبد الله ومولاك وزائرك
ولك عند الله المقام المحمود والجاه العظیم والشان الکبیر و
الشفاعة المقبولة اللهم صل علی محمد وآل محمد وصل علی
امیر المؤمنین عبدك المرتضی وامینك الاوفی وعروتك الوثقی
ویدك العلیا وجنبك الاعلی وکلمتك الحسنی وحجتك

علی الورئ

علی الوری و صدیقک الأکبر و سید الاوصیا و رکن الاولیاء و عماد
الاصفیاء امیر المؤمنین و یعسوب الدین و قدوة الصالحین و امام
المخلصین و المعصوم من الخلل المهذب من الزلل المطهر من
العیب المنزه من الریب اخی نبیک و وصی رسولک البائت علی
فراشه و المواسی له بنفسه و کاشف الکرب عن وجهه الذی
جعلته سیفا لنبوته و آیة لرسالته و شاهدا علی امته و دلالة
علی حجته و حاملا لرایته و وقایة لمهجته و هادیا لأمته و یدا
لباسه و تاجا لرأسه و بابا لسره و مفتاحا لظفره حتی هزم جیوش
الشرک باذنک و اباد عساکر الکفر بامرک و بذل نفسه فی مرضات
رسولک و جعلها وقفا علی طاعته فصل اللهم علیه صلوة دائمة
باقیة پس بگو السلام علیک یا ولی الله و الشهاب الثاقب و النور
العاقب یا سلیل الاطائب یا سر الله ان بینی و بین الله تعالی ذنوبا
قد اثقلت ظهری و لا یاتی علیها الا رضاه فبحق من ائتمنک علی
سره و استرعاک امر خلقه کن لی الی الله شفیعا و من النار مجیرا
و علی الدهر ظهیرا فانی عبد الله و ولیک و زائرک صلی الله علیک

و شش رکعت نماز زیارت بکن






سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

